
روشی جدید برای حفظ و آموزش آیات مهدویت
کلیدواژه‌ی
آیات مهدوی در قرآن کریم
تقریظ: آیة الله سید محمود بحر العلوم میردامادی
مقدمه: استاد محقق شیخ علی اکبر مهدی‌پور
همراه با سی دی نرم‌افزار تلفن همراه
سیستم عامل اندروید و جاوا

بسم الله الرحمن الرحیم

کلید واژه ی آیات مهدوی در قرآن کریم

نویسنده:

محمدجعفر روضاتی

ناشر چاپی:

عطر عترت

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

کلید واژه‌ی آیات مهدوی در قرآن کریم

مشخصات کتاب

سرشناسه:روضاتی، سیدمحمدجعفر، ۱۳۵۲ -

عنوان و نام پدیدآور:کلیدواژه آیات مهدوی در قرآن کریم: روشی جدید برای حفظ و آموزش آیات مهدویت.../ تهیه و تنظیم: سیدمحمدجعفر روضاتی.

مشخصات نشر:قم: عطر عترت، ۱۳۹۲.

مشخصات ظاهری:۴۸۰ ص.

شابک:۲۰۰۰۰۰ریال شابک: ۱-۰۸۶-۲۴۳-۶۰۰-۹۷۸

وضعیت فهرست نویسی:فیپا

موضوع:محمد بن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ق. - -- جنبه‌های قرآنی

موضوع:محمدبن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ق. - -- احادیث

موضوع:مهدویت -- جنبه‌های قرآنی

موضوع:مهدویت -- انتظار -- جنبه‌های قرآنی

موضوع:مهدویت--احادیث

موضوع:مهدویت-- انتظار--احادیث

رده بندی کنگره:BP۱۰۴ /م۸۶ر۹۵ ۱۳۹۲

رده بندی دیویی:۲۹۷/۱۵۹

شماره کتابشناسی ملی: ۳۲۸۳۵۰۸

تألیف: سید محمد جعفر روضاتی

ناشر: عطر عترت

چاپ: اول، دی ماه ۱۳۹۲

چاپخانه: گل‌وردی

شمارگان: ۳۰۰۰

شابک: ۱-۰۸۶-۲۴۳-۶۰۰-۹۷۸

قیمت همراه با لوح فشرده: ۲۰۰۰۰ تومان

مرکز پخش: ۰۹۱۲۷۴۷۷۱۱۸ و ۰۹۱۰۹۶۷۱۵۱۸

ارتباط با مؤلف: smj.rozati@yahoo.com

تقدیم

به محضر مقدّسه‌ی:

بانوی دو عالم، میوه‌ی قلب پیغمبر، المفطومة من کلّ شرّ، المعلومة بکلّ خیر، انسیة الحوراء، ام الائمة النجباء، شفیعه‌ی روز جزا، صدیقه‌ی کبری، بتول عذراء، وارثة سید الانبیاء، قرینة سید الاوصیاء، المکرمة تحت القبة الخضراء، حبیبة حبیب الرحمن، قرة عین

سید الخلائق، آرامش جان امیر المؤمنین، سیدهٔ نساء العالمین من الاولین و الآخرین،

حضرت فاطمهٔ الزهراء سلام الله علیها

فهرست مطالب

تقریظ

بزرگی و شرافت هر درس و کتاب به بزرگی و شرف موضوع آن است.

کتاب حاضر در موضوع امامت و مهدویّت نوشته شده و از بزرگی و عظمت خاصی برخوردار است.

نویسنده‌ی محترم ، حجهٔ الاسلام و المسلمین حاج سید محمد جعفر روضاتی دام بقائه در بیان آیات مهدویّت از ابتکار خوبی استفاده کرده است.

امیدواریم همگان به ویژه نسل جوان از این کتاب بهره‌مند گردند و برای دفاع از حریم مقدّس امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف ، آماده گردند.

این آمادگی همان چیزی است که در آیه‌ی شریفه‌ی: {وَ أَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ}۱ و در آیه‌ی شریفه‌ی: {یا أَیُّهَا الَّذینَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَ صابِرُوا وَ رابِطُوا وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّکُمْ تُفْلِحُون}۲، شیعیان بدان امر شده‌اند.

آمادگی شیعه در برابر جنگ فرهنگی دشمنان ، آمادگی شیعه در برابر عمّال یهود، وهابیّت و دیگر فرق ضالّه، این آمادگی با مطالعه و تحقیق به دست می‌آید، و به شیعه نشاط و قدرت می‌بخشد.

خدا کند این کتاب چراغ راه شود و بر قدرت دفاع مدافعین قرآن و عترت بیفزاید.

السلام علی المهدی و علی آبائه

نجف اشرف ـ سید محمود بحرالعلوم میردامادی

۱۸ ذی‌الحجّة، عید سعید غدیر ۱۴۳۴ ق.

مقدمه

سیمای موعود در آیینه‌ی قرآن

اشاره

در بیش از ۳۰۰ آیه از آیات نورانی قرآن کریم پیرامون غیبت، ظهور، نشانه‌ها، حکومت، کارکرد و دیگر ابعاد مربوط به دوازدهمین امام نور سخن رفته، که در اینجا به شماری از آنها اشاره می کنم:

۱- اطلاع رسانی مصلح جهانی در کتب آسمانی

قرآن کریم از اطلاع رسانی کتب آسمانی پیرامون موعود قرآن گزارش داده، به صراحت می‌فرماید:

{وَ لَقَدْ کَتَبْنا فِی الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّکْرِ أَنَّ الْأَرْضَ یَرِثُها عِبادِیَ الصَّالِحُونَ}

ما گذشته از ذکر ـ تورات ـ در زبور نیز نوشتیم که به راستی بندگان شایسته‌ام زمین را به ارث خواهند برد.۳

در احادیث فراوان از طریق شیعه و اهل سنّت آمده است که این آیه پیرامون قیام جهانی حضرت بقیهٔ الله ارواحنا فداه نازل شده است و منظور از بندگان صالح، حضرت مهدی و یاران او می‌باشند.۴

اگر چه به جز قرآن، دیگر کتب آسمانی دستخوش تحریف شده‌اند، جز اینکه محتوای این آیه به صراحت در تورات و زبور فعلی از تحریف مصون مانده و موجود می‌باشد.

در بخش آغازین تورات آمده است:

خداوند بر ابراهیم ظاهر گشت و گفت:

به ذریّت تو این زمین را خواهم بخشید.۵

و در زبور آمده است:

امّا منتظران خداوند وارث زمین خواهند شد ...

و امّا حلیمان وارث زمین خواهند شد ...

و امّا صالحان را خداوند تأیید می کند و زمین میراث آنها خواهد بود تا ابد الآباد.۶

۲- انتظار منجی در قرآن و دیگر کتب آسمانی

از نخستین روزی که انسان قدم در کره‌ی خاکی نهاده، همه‌ی پیامبران الهی نوید منجی را به امّت خود داده، آنها را به انتظار منجی فرمان داده‌اند.

در ۵۳ مزمور از مزامیر حضرت داود پیرامون منجی و انتظار سخن رفته، سر تا سر کتاب زبور سرود انتظار منجی است، نغمه‌های دلنشین حضرت داود، که زیباترین سروده‌های خیمه‌ی تاریخ را به خود اختصاص داده، همه در وصف این یار گریز پا و اظهار اشتیاق به دیدار یار است.۷

در کتاب حیقوق نبی آمده است:

اگر چه تأخیر نماید برایش منتظر باش، زیرا که البتّه خواهد آمد.۸

در عهد جدید در بیش از ۵۰ مورد از ظهور منجی به تعبیر: «پسر انسان» خبر داده، فرمان انتظار داده و تأکید نموده است که:

از آن روز و ساعت، غیر از پدر هیچکس اطلاع ندارد، نه فرشتگان و نه پسر هم.۹

آنگاه از ناگهانی بودن ظهور خبر داده می‌فرماید:

زیرا در ساعتی که گمان نبرید، پسر انسان می‌آید.۱۰

خداوند منّان در شب معراج، نور درخشان آخرین حجّت خود را چون ستاره‌ای فروزان بر حبیب خود نمودار ساخت، از آن لحظه او نیز به خیل منتظران پیوست.

منطق وحی از این سوز و گداز پرده برداشت و به صراحت اعلام فرمود:

{فَقُلْ إِنَّمَا الْغَيْبُ لِلَّهِ فَانْتَظِرُوا إِنِّى مَعَكُمْ مِنَ الْمُنْتَظِرِينَ}

پس بگو که غیب از آنِ خداست، پس منتظر باشید که من(منِ پیامبر) نیز همراه شما از منتظران هستم.۱۱

در احادیث فراوان آمده است که منظور از «غیب» در این آیه، امام غائب، و منظور از انتظار، چشم به راهیِ آن حجّت قائم علیه السلام می‌باشد.۱۲

۳- سیمای یاران در آیه‌ی قرآن

در میان ده‌ها هزار نفر که در نخستین روز قیام جهانی با حضرت بقیّهٔ الله ارواحنا فداه بیعت می‌کنند، ۳۱۳ نفر فرماندهان لشکری و کشوری آن حضرت می‌باشند که قرآن کریم از آنها به عنوان «امّت معدودهٔ» تعبیر کرده و امام صادق علیه السلام در تفسیر آن فرموده:

به خدا سوگند آنهایند «امّت معدوده» که چون قطعات ابر پاییزی در یک ساعت گرد آیند.۱۳

منطق وحی در این رابطه می‌فرماید:

{أَيْنَ ما تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمُ اللَّهُ جَميعاً}

هر کجا باشید، خداوند همه‌ی شما را گرد می‌آورد.۱۴

رئیس مذهب، حضرت امام صادق علیه السلام در تفسیر آن فرمود:

چون فرمان ظهور صادر شود، ۳۱۳ تن یاران او چون ابر پاییزی گرد می‌آیند، که آنها پرچمداران حضرت مهدی علیه السلام می‌باشند. برخی از آنها شبانه از رختخواب‌های خود ربوده می‌شوند و برخی دیگر در روز روشن سوار بر ابر حرکت می‌کنند، که آیه‌ی «این ما تکونوا» در حق آنها نازل شده است.۱۵

۴- قرآن و آیین فراگیر

قرآن کریم به صراحت اعلام نموده که آیین مقدس اسلام بر تمام ادیان جهان پیروز خواهد شد.۱۶

در احادیث فراوان تصریح شده که شرق و غرب عالم به دست آن حضرت گشوده خواهد شد.۱۷ دامنه‌ی حکومتش به شرق و غرب گسترده خواهد شد و آیین اسلام بر همه‌ی ادیان چیره و پیروز خواهد شد.۱۸

منظور از این پیروزی، سیطره‌ی نظامی و پیروزی ظاهری است، وگرنه از نظر منطق و برهان، اسلام همواره بر همه‌ی ادیان غلبه داشته است.

۵- نزول حضرت عیسی علیه السلام

منطق وحی در این رابطه می‌فرماید:

{وَ إِنْ مِنْ أَهْلِ الْکِتابِ إِلاَّ لَیُؤْمِنَنَّ بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ}

کسی از اهل کتاب نیست، جز اینکه پیش از مرگش به او ایمان می‌آورد.۱۹

حجّاج بن یوسف تفسیر این آیه را از «شهر بن حوشب» پرسید، او در پاسخ گفت: حضرت عیسی علیه السلام پیش از رستاخیز به روی زمین نزول می‌کند، هیچ یهودی یا نصرانی در روی زمین نمی‌ماند، جز اینکه به او ایمان می‌آورد. او در پشت سر حضرت مهدی نماز می‌خواند.

حجّاج پرسید: این تفسیر از کیست؟ گفت: از امام باقر علیه السلام . حجّاج گفت: به خدا آن را از سرچشمه‌ی زلال گرفته‌ای.۲۰

۶- قرآن و بانگ آسمانی

یکی از نشانه‌های حتمی قیام جهانی، صیحه‌ی آسمانی است،۲۱ که در شب ظهور، شب ۲۳ رمضان، توسّط منادی آسمانی، اعلام می‌شود، همه‌ی انسانها در شرق و غرب جهان آن را به زبان مادری خود می‌شنوند.۲۲

قرآن کریم در این رابطه می‌فرماید:

{إِنْ نَشَأْ نُنَزِّلْ عَلَیْهِمْ مِنَ السَّماءِ آیَةً فَظَلَّتْ أَعْناقُهُمْ لَها خاضِعینَ}

اگر بخواهیم نشانه‌ای از آسمان برای آنها نازل می‌کنیم که گردن‌هایشان در برابر آن منقاد شوند.۲۳

به محضر امام صادق علیه السلام عرض شد: برخی از مردم اعتقاد ما را به بانگ آسمانی مسخره می‌کنند، حضرت فرمود:

صیحه‌ی آسمانی در قرآن آمده است.

آنگاه این آیه را تلاوت فرمود.۲۴

۷- قرآن و خسف بیداء

یکی دیگر از نشانه‌های حتمی قیام حضرت، خسف سرزمین بیداست.

«بیداء» سرزمین شن‌زاری در میان مکّه و مدینه است.۲۵

چون سپاه سفیانی به سرزمین بیداء برسند، منادی آسمانی بانگ برآورد:

ای سرزمین بیداء! نابودشان ساز.

پس زمین دهان باز کند و همه‌ی آنها را که ۷۰/۰۰۰ نفر هستند، در کام خود فرو برد.۲۶

جز سه تن، که آنها نیز صورتشان به پشت سرشان برمی‌گردد.

این مطلب در قرآن کریم به صراحت آمده است:

{یا أَیُّهَا الَّذینَ أُوتُوا الْکِتابَ آمِنُوا بِما نَزَّلْنا مُصَدِّقاً لِما مَعَکُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَطْمِسَ وُجُوهاً فَنَرُدَّها عَلی أَدْبارِها}

هان ای کسانی که به آنها کتاب داده شده، ایمان بیاورید به آن (قرآنی) که نازل کرده‌ایم، که تصدیق کننده‌ی آن (کتابی) است که با شماست، پیش از آنکه به چهره‌هایی بزنیم و آنها را به پشت‌شان برگردانیم.۲۷

در این رابطه احادیث فراوانی در ذیل آیه‌ی شریفه آمده است.۲۸

۸- قرآن و ارتباط با موعود

قرآن کریم در این رابطه می‌فرماید:

{یا أَیُّهَا الَّذینَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَ صابِرُوا وَ رابِطُوا}
ای کسانی که ایمان آورده‌اید، شکیبا و بردبار باشید و رابطه بر قرار کنید.۲۹
امام باقر علیه السلام در تفسیر این آیه فرمود:
در انجام فرائض دینی شکیبا باشید، در برابر دشمنان بردبار باشید و با امام منتظر در ارتباط باشید و از حریم او با تمام قدرت دفاع کنید.۳۰
به کسی که مرزداری، مرزبانی و نگهبانی مرز را بر عهده دارد «مُرابِط» گویند.۳۱
به کسی که خود را وقف هدایت مردم کرده باشد، یعنی حفاظت و حراست از مرز کشور ایمان را عهده دار شود «مُرابِط» گویند.۳۲
حضرت ولی عصر ارواحنا فداه در توقیعی که به افتخار شیخ مفید صادر نموده، از خود به عنوان «مرابط» تعبیر کرده می‌نویسد:
مِن عَبدِ اللهِ المُرابِطِ فِی سَبیلِهِ
از بنده‌ی خدا، که مُرابط در راه اوست.۳۳
برای ارتباط با امام زمان، خودسازی، تهذیب نفس، انتظار سازنده، دفاع راستین از حریم امامت و تلاش خستگی ناپذیر ـ همانند یک سرباز جانباز ـ برای تعمیم فرهنگ مهدویّت لازم است.

۹- قرآن و آینده‌ی جهان

قرآن کریم برای همه‌ی مستضعفان جهان وعده‌ی بهروزی و آینده‌ی درخشان داده می‌فرماید:
{وَ نُریدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَی الَّذینَ اسْتُضْعِفُوا فِی الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوارِثینَ}
ما اراده نمودیم که به آنان که در روی زمین به ضعف کشیده شده‌اند، منّت نهاده، آنها را پیشوایان و وارثان زمین قرار دهیم.۳۴
بر اساس روایات فراوان این آیه در حق مصلح جهان و بنیانگذار حکومت واحد جهانی بر اساس عدالت و آزادی است، که در آخر الزّمان قیام کرده، بساط ننگین ظلم و ستم را در هم پیچیده، پرچم عدالت و آزادی را در سرتاسر جهان به اهتزاز در خواهد آورد.۳۵

۱۰- قرآن و سیمای جهان در عصر ظهور امام نور

جهان در تلاش و تکاپوست که روزی انرژی خورشیدی را جایگزین دیگر انرژی‌ها بنماید، ولی قرآن کریم نوید می‌دهد که چون خورشید فروزان امامت از پشت پرده‌ی غیبت رخ بنماید، جهان با فروغ نورش روشن گردد، حتّی از انرژی خورشیدی نیز بی‌نیاز شوند:
{وَ أَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّها}
زمین با نور صاحبش روشن گردد.۳۶
رئیس مذهب، امام به حق ناطق، حضرت جعفر صادق علیه السلام در تفسیر این آیه فرمود:
چون قائم ما قیام کند، زمین با نور پروردگارش روشن گردد، مردم از نور خورشید بی‌نیاز شوند، شب و روز یکسان گردد و تاریکی از جهان رخت بربندد.۳۷
اینها یمی از نم، مشتی از خروار و اندکی از ویژگی‌های بسیار سیمای موعود در آیینه‌ی قرآن می‌باشد، که در این کتاب به تفصیل پیرامون آنها بحث و گفتگو شده است.

پیشینه‌ی این پژوهش

در همه‌ی کتب تفسیری و در بسیاری از کتب حدیثی پیرامون آیات نورانی قرآن که در شأن دوازدهمین امام نور نازل شده، سخن رفته است، جز اینکه جمعی از علمای اعلام، کتاب مستقل در این رابطه تألیف کرده‌اند، که با عناوین تعدادی از آنها در همین مقدمه آشنا می‌شویم.

اوّلین شخصیّت برجسته‌ای که در این عرصه وارد شده و گوی سبقت را از همگان ربوده، محدّث جلیل القدر: احمد بن محمد بن عبید الله بن حسن بن عیّاش بن ابراهیم بن ایّوب جوهری، متوفّای ۴۰۱ ق . می‌باشد.

نجاشی پیشتاز رجالیون در رجال خود از او یاد کرده، پدر و پدر بزرگش را از شخصیّتهای برجسته شمرده، از ۱۶ اثر تألیفی او نام برده، که یکی از آنها: «کتاب ما نزل من القرآن فی صاحب الزّمان علیه السلام » می‌باشد.۳۸

مشهورترین اثر او «مقتضب الأثر فی النصّ علی الأئمّهٔ الاثنی عشر» می‌باشد که به سال ۱۳۴۶ ق. در نجف اشرف به طبع رسیده و نسخه‌ی خطّی ـ به تاریخ ۵۷۵ ق.ـ را علامه‌ی تهرانی مشاهده کرده ۳۹ نسخه‌ی دیگری از روی آن استنساخ شده، در کتابخانه‌ی إحیاء التّراث قم، به شماره‌ی ۴۰۹۳ موجود است ۴۰ و دو نسخه به شماره‌ی ۸۱۸۳ و ۱۴۴۳۲در آستان قدس رضوی موجود است.۴۱

نجاشی با ایشان دوست صمیمی بوده و در ده‌ها مورد از رجال خود از ایشان مطالبی در ترجمه‌ی حال دیگران نقل کرده و به آن استناد نموده است.۴۲

شیخ طوسی نیز در فهرست ۱۶ عنوان از آثار ایشان را برشمرده، از جمله کتاب: «ما نزل من القرآن فی صاحب الزمان علیه السلام ۴۳.»

اسماعیل پاشا نیز در ذیل کشف الظّنون از این کتاب به عنوان: «ما نزل من القرآن فی صاحب الزمان علیه السلام » نام برده است.۴۴

علامه‌ی تهرانی شماری از مشایخ اجازه‌ی مؤلّف را برشمرده، از جمله ابن عُقده، متوفای ۳۳۳ق. و از آن استنتاج کرده که مؤلّف از معمّرین بوده است.۴۵

به هر تقدیر این نخستین شخصیّت جلیل القدری است که در این عرصه قدم نهاده و کتاب مستقلّی در این رابطه تألیف کرده است.

بعد از ایشان گروهی از محدثّان، مفسّران، متکلّمان، تراجم نگاران و دیگر طبقات، در این زمینه آثار ارزشمندی تألیف نموده، در طبق اخلاص نهاده، به پیشگاه مقدس حضرت بقیهٔ الله ارواحنا فداه تقدیم نموده‌اند، که در این فرصت با عناوین شماری از آنها آشنا می‌شویم، به این امید که محقّقان را به کار آید.

کتابنامه‌ی توصیفی قرآنی ـ مهدوی

در اینجا تنها از کتابهایی نام می‌بریم که مستقلّاً پیرامون حضرت بقیّهٔ الله ارواحنا فداه از دیدگاه قرآن کریم تألیف شده و سیمای نورانی آن حضرت را در آیینه‌ی آیات نورانی قرآن کریم ترسیم نموده است:

۱. الآیات الباهرهٔ، فی بقیّهٔ العترهٔ الطّاهرهٔ ـ عربی ـ سید داود میرصابری، چاپ تهران، بعثت، ۴۹۶ صفحه‌ی رقعی، ۱۴۰۲ق.

۲. آیات الحجّهٔ، نجف آقازاده، چاپ تبریز، ۱۳۵صفحه، ۱۳۷۹ش.

۳. آیات الحجّهٔ و الرّجعهٔ ـ عربی ـ شیخ محمد علی همدانی حائری (۱۳۷۸ق)، {الذّریعهٔ، ج۱، ص۴۷}.

۴. آیات الظّهور، فی انتظار الفرج و السّرور، علی قلی ناصح دهخوارقانی، (ح۱۳۵۳ق) چاپ سنگی، ۱۲۸ صفحه، ۱۳۵۰ق.

۵. آیات الکریم فی ما نزّل فی بقیّهٔ الله فی الأرضین، مهندس علی اصغر اکبری، چاپ تهران، ۷۶۴ صفحه‌ی وزیری، ۱۳۸۶ش.

۶. آیات المهدی، محمد باقر شریعت پناه ـ مخطوط ـ

۷. الآیات المؤوّلهٔ بقیام القائم ـ عربی ـ مؤلّف ناشناخته، از منابع: الآیات الباهرهٔ ـ مخطوط ـ

۸. آیه‌های ظهور، محمد علی کریمی نیا، چاپ سوم، قم، ۱۳۶ صفحه‌ی رقعی، ۱۳۸۵ ش.

۹. اثبات مهدویّت از دیدگاه قرآن، علی صفائی کاشانی، چاپ تهران، مفید، ۱۸۳ صفحه‌ی رقعی، ۱۳۷۶ ش.

۱۰. امام مهدی از دیدگاه قرآن و عترت، مؤلّف ناشناخته، چاپ قم، ۱۰۷ صفحه‌ی وزیری، ۱۴۰۴ ق.

۱۱. امام مهدی در روایات تفسیری، شاه گل حسین سجادی، قم، ۲۰۳ صفحه، ۱۳۸۲ ش. (پایان نامه)

۱۲. امام مهدی در قرآن، آیهٔ الله سید صادق شیرازی، مترجم محمد رضا انصاری، چاپ قم، بی‌تا، پیام اسلام، ۱۹۲ صفحه‌ی جیبی.

۱۳. الامام المهدی فی القرآن و السّـنّهٔ، سعید ابو معاش ـ عربی ـ چاپ مشهد مقدس، بنیاد پژوهشهای اسلامی، ۶۰۳ صفحه‌ی وزیری، ۱۴۲۲ ق.

۱۴. امامت و رهبری ـ ویژگیهای آخرین امام ـ از دیدگاه قرآن و احادیث، مائده امیدزاده و آزاده دادخواه، نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، ۵۰ صفحه، ۱۳۸۲ ش. (پایان نامه)

۱۵. برهان البیان، سید ابو القاسم تقی بن سید حسن رضوی قمی، مقیم لاهور، چاپ سنگی، لاهور، ۱۳۱۷ ق.

۱۶. بشارات قرآن در شأن حضرت مهدی آل محمد علیهم السلام ، چاپ تهران، فراهانی، دو مجلد، ۴۴ + ۵۶ صفحه‌ی وزیری، ۱۳۸۳ ق.

۱۷. تأویل آیات قرآن پیرامون حضرت مهدی، ثمانه اختر دانش، مشهد مقدس، ۸۴ صفحه، ۱۳۸۳ ش. (پایان نامه)

۱۸. تفسیر آیه‌ی: {وَ لَقَدْ کَتَبْنا فِی الزَّبُورِ}، زین العابدین خان کرمانی، {فهرست کتب شیخیّه}.

۱۹. تفسیر آیه‌ی: {یَوْمَ یَأْتی بَعْضُ آیاتِ رَبِّکَ} ـ عربی ـ غیاث الدّین منصور، نسخه‌ی خطی آن در تاریخ ۱۰۶۷ ق. به آستان قدس رضوی اهداء شده، به شماره‌ی ۱۲۹۴ محافظت می‌شود.

۲۰. تفسیر حضرت حجّت عصر علیه السلام ، ابو تراب آل آقا کرمانشاهی، چاپ قم، مصطفوی، ۱۶ صفحه‌ی رقعی، بی‌تا.

۲۱. تفسیر سوره‌ی مبارکه‌ی والعصر، یعسوب الدّین رستگاری، چاپ قم، در سه مجلّد، هر جلدی ۶۰۰ صفحه‌ی وزیری، ۱۳۸۱ ش.

۲۲. حضرت مهدی و قرآن، عبد الامیر فولادزاده، چاپ تهران، اعلمی، ۴۴ صفحه‌ی رقعی، بی‌تا.

۲۳. الدّرر الغیبیّهٔ، شیخ محمد بن مقیم بارفروشی مازندرانی ـ قرن ۱۳ ـ تاریخ تألیف ۱۲۶۰ ق. ـ مخطوط.

۲۴. سوره‌ی والعصر حضرت امام زمان است، عباس راسخی نجفی، چاپ قم، قیام، ۲۶۲ صفحه‌ی وزیری، ۱۳۷۲ ش.

۲۵. سیمای امام زمان در آیینه‌ی قرآن، علی اکبر مهدی‌پور، شامل ۳۱۳ آیه، ـ مخطوط ـ

۲۶. سیمای حضرت مهدی در قرآن، علامه سید هاشم بحرانی (۱۱۰۷ق)، مترجم سید مهدی حائری قزوینی، چاپ تهران، آفاق، ۴۷۸ صفحه‌ی وزیری، ۱۳۶۷ ش.

۲۷. سیمای حضرت مهدی در قرآن، همان، تلخیص سید علی حسینی مؤذّن، چاپ قم، ۲۹ صفحه‌ی رقعی.

۲۸. سیمای حضرت مهدی در قرآن و نهج البلاغه، عبد الرّحیم زارعیان جهرمی، فسا، دانشگاه آزاد اسلامی، ۱۷۷ صفحه، ۱۳۷۶ ش. (پایان نامه)

۲۹. سیمای حضرت مهدی علیه السلام در آیات و روایات، ملایر، دانشگاه، ۱۲۴ صفحه، ۱۳۸۵ ش. (پایان نامه).

۳۰. سیمای منتظران از دیدگاه قرآن، عباس رضائی، چاپ قم، دبیرخانه‌ی اجلاس، ۳۲ صفحه‌ی پالتوئی، ۱۳۸۵ ش.

۳۱. سیمای مهدویّت در قرآن، محمد جواد مولوی نیا، چاپ قم، ۲۰۰ صفحه‌ی رقعی، ۱۳۸۱ ش.

۳۲. سیمای مهدی در قرآن، محمد بیستونی، چاپ قم، ۲۷۵ صفحه‌ی جیبی، ۱۳۸۶ ش.

۳۳. سیمای نورانی امام زمان در قرآن و نهج البلاغه، عباس کمساری، چاپ قم، سماء، ۱۳۵ صفحه‌ی رقعی، ۱۳۸۱ ش.

۳۴. عقیده‌ی ظهور مهدی-قرآن کریم، احادیث نبوی، اور تاریخ کی روشن مین ـ اردو ـ چاپ کراچی، الرّحمن، ۶۴ صفحه‌ی رقعی.

۳۵. قاطع البیان فی الآیات المؤوّلهٔ بصاحب الزّمان، فضل الله عابدی خراسانی، چاپ مشهد مقدس، نشر مرتضی، ۴۵۵ صفحه‌ی

وزیری، ۱۴۰۴ ق.

۳۶. قرآن، مهدی و جوانان، محمد رضا تصوّری، چاپ قم، بنیاد فرهنگی، ۱۲۰ صفحه‌ی رقعی، بی‌تا.

۳۷. قرآن و آخرین حجّت، شیخ رضا توحیدی، چاپ قم، سیمای آفتاب، ۸۲۴ صفحه‌ی وزیری، ۱۳۸۴ ش.

۳۸. القرآن و الحجّة، همان، ۲۸۰ صفحه‌ی وزیری، ۱۳۸۲ ش.

۳۹. قرآن و ظهور، علی اصغر رضوانی، چاپ قم، جمکران، ۷۲ صفحه‌ی رقعی، ۱۳۸۵ ش.

۴۰. ما نزل من القرآن فی صاحب الزّمان، احمد بن محمد بن عیاش جوهری، (۴۱۰ ق)، { رجال نجاشی، ص ۸۶}.

۴۱. مباحثی پیرامون آیه‌ی شریفه‌ی: {بَقیةُالله خَیرُ لَکُم}، سید احمد پور موسویان، ۳۹۳ صفحه‌ی وزیری.

۴۲. المحجّة فیما نزل فی القائم الحجّة علیه السلام ، علامه سید هاشم بحرانی (۱۱۰۷ ق)، چاپ بیروت، الوفاء، ۲۸۴ صفحه‌ی وزیری، ۱۴۰۳ ق.

۴۳. مصلح جهانی از دیدگاه قرآن، عباس راسخی نجفی، چاپ قم، دار النّشر، ۳۹۰ صفحه‌ی وزیری، بی‌تا.

۴۴. ملاحم القرآن، ابراهیم انصاری زنجانی، چاپ قم، ۱۳۵ صفحه‌ی وزیری، ۱۴۰۰ ق.

۴۵. مهدویّت از نظر قرآن و عترت، خیر الله مردانی،چاپ تهران، ۶۸ صفحه‌ی رقعی، ۱۴۰۰ ق.

۴۶. مهدی در قرآن، سید محمد عابدین‌زاده، چاپ قم، لاهیجی، ۴۰ صفحه‌ی جیبی، ۱۳۸۰ ش.

۴۷. مهدی در قرآن، رضا فیروز، چاپ تهران، رایحه، ۴۵ صفحه‌ی جیبی، ۱۳۷۸ ش.

۴۸. المهدی فی القرآن ـ عربی ـ آیة الله سید صادق شیرازی، چاپ بیروت، دار الصّادق، ۲۶۲ صفحه، ۱۳۹۸ ق.

۴۹. المهدی الموعود فی القرآن ـ عربی ـ محمد حسین رضوی، چاپ بیروت، دار الهادی، ۲۳۱ صفحه‌ی وزیری، ۲۰۰۱ م.

۵۰. موعود در قرآن، سید عباس سید کریمی،چاپ قم، دبیرخانه‌ی اجلاس، ۶۱ صفحه‌ی پالتوئی، ۱۳۸۵ ش.

۵۱. موعود قرآن، آیة الله سید صادق شیرازی، مترجم مؤسّسه‌ی امام مهدی، چاپ تهران، ۱۵۲ صفحه‌ی رقعی، ۱۳۶۰ ش.

۵۲. موعود قرآن، مؤسّسه‌ی فرهنگی موعود، چاپ تهران، موعود، ۸۴ صفحه‌ی پالتوئی، ۱۳۸۶ ش.

۵۳. موعود قرآن، علیرضا رجالی تهرانی، چاپ تهران، بزرگ اندیشه، ۷۷ صفحه، ۱۳۷۹ ش.

۵۴. موعود قرآن، علی اکبر مهدی‌پور، چاپ تهران، دوازدهمین نمایشگاه قرآن کریم، ۱۴۲۵ ق.

۵۵. نور پنهان در افق قرآن، جعفر شیخ الاسلامی،چاپ تهران، یکان، ۷۱ صفحه‌ی رقعی، ۱۳۷۸ ش.

کتاب حاضر

کتابی که در پیش رو دارید، جدیدترین اثر در این عرصه است که توسّط یکی از فرهیختگان عرصه‌ی مهدویّت سامان یافته است. مؤلّف که از سلاله‌ی پاکان و از شجره‌ی طیّبه‌ی آل روضات هستند، از نخستین روز تأسیس مرکز جهانی حضرت ولی عصر ارواحنا فداه، در کنار حضرت آیة الله بحر العلوم میردامادی، یار و یاور ایشان و از فعّالان پرکار و پربار این مرکز می‌باشند.

مؤلّف با ذوق سرشار، حسن ابتکار و در اختیار داشتن منابع فراوان ـ کتابخانه‌ی تخصّصی ـ این اثر بدیع را تدوین کرده، دست به ابتکار تازه زده، برای هر آیه یک عنوانِ قرار دادی تعیین نموده، آنگاه برای هر آیه «کُد» ساخته، که این کُد بیان‌گر ردیف سوره در میان سوره‌ها و شماره‌ی آیه در میان آیات آن سوره می‌باشد.

در تفسیر هر آیه، یک یا چند حدیث از منابع اوّلیه نقل کرده، سپس دیگر منابع حدیثی یا تفسیری را یادآور شده است.

متن کامل، سپس ترجمه‌ی هر حدیث را به قلم روان سامان داده است.

امید است این مجموعه پژوهشگران را به کار آید و حفظ آیات مهدوی را برای علاقه‌مندان آسان سازد و زمینه‌ی لبخند رضایت

حضرت بقیّهٔ الله ارواحنا فداه را فراهم نماید.

از خداوند منّان خواستار است که این تلاش را به احسن وجه بپذیرد و آن را موجب قرب ظهور و تقرّب به پیشگاه آن امام نور قرار دهد، إن شاء الله.

۱۳ شوال ۱۴۳۴ ق.

حوزه‌ی علمیّه‌ی قم

علی اکبر مهدی‌پور

پیشگفتار

الحمد لله من اول الدنیا الی فنائها، و من الاخرهٔ الی بقائها، الحمد لله علی کل نعمهٔ، و صلّی الله علی سیّدنا و نبیّنا، حبیب اله العالمین، و شفیع المذنبین، ابی القاسم المصطفی محمّد و علی آله ائمهٔ الطیبین الطاهرین المعصومین، لا سیّما امام عصرنا و حجّتنا و مولانا و سیّدنا و انیسنا و مونسنا و ولیّ امرنا، حجهٔ بن الحسن العسکری ارواحنا و ارواح العالمین لتراب مقدمه الفداء، و عجّل الله تعالی فرجه الشّریف، و لعنهٔ الله علی اعدائهم و مخالفیهم و غاصبی حقوقهم و منکری فضائلهم و مناقبهم، من الآن الی قیام یوم الدّین.

* خداوند در کتاب خودش قرآن کریم، همه چیز را بیان فرموده است.

خداوند تبارک و تعالی، در آیه‌ی ۸۹ / ۱۶ می‌فرماید:

{... وَ نَزَّلْنا عَلَيْكَ الْكِتابَ تِبْياناً لِكُلِّ شَيْءٍ وَ هُدىً وَ رَحْمَةً وَ بُشْرى لِلْمُسْلِمِينَ}

یعنی: ... و ما بر تو این کتاب را فرستادیم تا حقیقت هر چیز را روشن کند و برای مسلمین هدایت و رحمت و بشارت باشد.

* فقط مفسّرین قرآن، که ائمه‌ی اطهار علیهم السلام هستند می‌توانند از تأویل آیات قرآن خبر دهند.

خداوند تبارک و تعالی، در آیه‌ی ۷ / ۳ می‌فرماید:

{... وَ ما يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلاَّ اللَّهُ وَ الرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ يَقُولُونَ آمَنَّا بِهِ كُلٌّ مِنْ عِنْدِ رَبِّنا وَ ما يَذَّكَّرُ إِلاَّ أُولُوا الْأَلْبابِ}

... و تأویل آن را کسی جز خداوند و اهل دانش نداند، گویند: ما به همه کتاب گرویدیم که همه از جانب پروردگار ما آمده، و به این (دانش) تنها خردمندان آگاهند.

عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ نَحْنُ الرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ وَ نَحْنُ نَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ.۴۶

ابو بصیر از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است که حضرت فرمودند: مائیم راسخون در علم و ما تأویل متشابهات قرآن را می‌دانیم.

* رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم ، ضمن بیان جدایی ناپذیری قرآن و عترت، از یکدیگر، همه را به بهترین راه سعادت، یعنی تمسّک به این دو چیز گران بهاء سفارش نمودند.

عَنِ الْحَسَنِ علیه السلام قَالَ: خَطَبَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم يَوْماً فَقَالَ بَعْدَ مَا حَمِدَ اللَّهَ وَ أَثْنَى عَلَيْهِ: مَعَاشِرَ النَّاسِ كَأَنِّي أُدْعَى فَأُجِيبُ وَ إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمُ الثَّقَلَيْنِ، كِتَابَ اللَّهِ وَ عِتْرَتِي أَهْلَ بَيْتِي، مَا إِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا لَنْ تَضِلُّوا، فَتَعَلَّمُوا مِنْهُمْ وَ لَا تُعَلِّمُوهُمْ فَإِنَّهُمْ أَعْلَمُ مِنْكُمْ، لَا يَخْلُو الْأَرْضُ مِنْهُمْ وَ لَوْ خَلَتْ إِذاً لَسَاخَتْ بِأَهْلِهَا ... الخبر.۴۷

حضرت امام حسن علیه السلام فرمودند: روزی پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم خطبه‌ای خواندند، و بعد از حمد و ثنای پروردگار متعال فرمودند: ای گروه مردم! من به سوی خداوند خوانده شده‌ام و به زودی دعوت حق را اجابت می‌کنم، من در بین شما دو چیز گران‌بها را باقی می‌گذارم: کتاب خدا و عترتم أهل بیتم را، هر آینه اگر به این دو، چنگ بزنید هرگز گمراه نخواهید شد، از آنها علوم را فرا گیرید، و به آنها تعلیم نکنید زیرا آنها از شما داناترند، زمین از ایشان خالی نماند؛ و اگر خالی شود اهلش را

فرو برد .

* در هر زمانی امامی از اهل‌البیت علیهم السلام وجود دارد تا مردم را هدایت نماید.

خداوند در این رابطه در آیه‌ی ۷ / ۱۳ می‌فرماید:

{... إِنَّما أَنْتَ مُنْذِرٌ وَ لِکُلِّ قَوْمٍ هادٍ}

یعنی: تنها وظیفه تو اندرز و ترسانیدن (خلق از نافرمانی خدا) است و هر قومی را (از طرف خدا) رهنمایی است.

عَنْ بُرَیْدِ بْنِ مُعَاوِیَةَ الْعِجْلِیِّ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام : مَا مَعْنَی: إِنَّما أَنْتَ مُنْذِرٌ وَ لِکُلِّ قَوْمٍ هادٍ، فَقَالَ: الْمُنْذِرُ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم وَ عَلِیٌّ الْهَادِی، وَ فِی کُلِّ وَقْتٍ وَ زَمَانٍ إِمَامٌ مِنَّا، یَهْدِیهِمْ إِلَی مَا جَاءَ بِهِ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم .۴۸

برید بن معاویه گوید: به امام باقر علیه السلام عرض کردم: معنای این آیه چیست: إِنَّما أَنْتَ مُنْذِرٌ وَ لِکُلِّ قَوْمٍ هادٍ؟ حضرت فرمودند: منذر، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و هادی علی علیه السلام است، و در هر وقت و زمانی امامی از ما وجود دارد که مردم را به آنچه رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم آورده است هدایت کند.

* هر که می‌خواهد از گمراهی و مرگ جاهلی نجات پیدا کند، باید امام زمانش علیه السلام را بشناسد.

عَنِ النَّبِیِّ صلی الله علیه و آله و سلم أَنَّهُ قَالَ: مَنْ مَاتَ وَ لَمْ یَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِیتَةً جَاهِلِیَّةً.۴۹

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: هر کس بمیرد و امام زمانش را نشناسد، مثل مردم زمان جاهلیت از دنیا رفته است.

* قرآن کریم، بهترین راه شناخت امام زمان علیه السلام است.

با اینکه تا کنون ده‌ها عنوان کتاب از علماء بزرگ شیعه، با موضوع مهدویّت در آیات قرآن کریم، به رشته‌ی تحریر در آمده و بعضاً به طبع هم رسیده است، و حتی در بعضی از این عناوین، به ۳۰۰ آیه در باره‌ی منجی عالم بشریّت حضرت بقیّة الله الاعظم علیه السلام اشاره شده است، (و به دلائلی ما در این کتاب فقط به ۲۴۰ آیه در این موضوع اشاره خواهیم کرد)، ولی باز می‌بینیم محبّین و منتظرین ظهور حضرتش، به خصوص قشر جوان، از وجود چنین آیاتی در قرآن کریم، که البته توسط ائمه اطهار علیهم السلام تفسیر و تبیین شده است، آگاهی و شناخت لازم را نداشته و از رسیدن به درجه‌ی والای معرفت الحجّة علیه السلام محروم مانده‌اند.

* کتاب حاضر با بکار گیری روشی جدید، راه را جهت آموزش و حفظ آیات مهدویّت، برای همه‌ی جویندگان معارف مهدوی، به خصوص جوانان و دانشجویان عزیز، هموار نموده است.

* نکات این طرح:

الف- برای هر یک از آیات، یک « کُد » تعریف شده است، و این کُد که یک عدد اعشاری است، آدرس آن آیه را در قرآن کریم به ما نشان می‌دهد.

ب- هر عدد اعشاری از یک رقم صحیح و یک رقم اعشاری تشکیل شده، که رقم صحیح بیانگر شماره‌ی سوره است و رقم اعشاری شماره‌ی آیه را به ما نشان می‌دهد.

ج- برای هر آیه، یک اسم تعین شده که بیانگر موضوع و محتوای آن آیه است.

د- به عنوان مثال، کد آیه‌ی مضطر: ۶۲ / ۲۷ یعنی آیه‌ی ۶۲ سوره‌ی مبارکه‌ی نمل، پس رقم صحیح که ۲۷ است شماره‌ی سوره‌ی نمل است و رقم اعشاری که ۶۲ است شماره‌ی آیه می‌باشد.

ه - عزیزان لازم است، شماره‌ی یکصد و چهارده سوره‌ی قرآن را به ترتیب حفظ نمایند، البته برای سهولت جدول شماره‌ی سوره‌ها آخر کتاب درج شده است.

و- شماره‌ی آیات بر اساس رسم الخط عثمان طه می‌باشد.

* در پایان از همه‌ی عزیزانی که این حقیر را در نشر این اثر یاری نمودند به خصوص حضرت آیة الله حاج سید محمود بحر العلوم

میردامادی ادام الله ظله و استاد حوزه‌ی علمیّه‌ی قم، متخصّص معارف مهدویّت، حضرت علّامه شیخ علی اکبر مهدی‌پور ادام الله عزّه، که با نوشتن تقریظ و مقدمه، این کتاب را مزیّن و بنده حقیر را مورد الطاف خود قرار داده‌اند، تشکر نموده و از خداوند متعال برای همگان آرزوی طول عمر با عزّت و توفیق روز افزون مسئلت می‌نمایم.

* امید است این کتاب مورد قبول مولایمان حضرت صاحب الزّمان ارواحنا فداه قرار گیرد و ذخیره‌ای برای روز جزا باشد.

السلام علی المهدی و علی آبائه و اللعن علی اعدائه

قم مقدسه ـ سید محمد جعفر روضاتی

نیمه شعبان ۱۴۳۴ هجری قمری

شماره: ۱: ایمان به امام غایب

کد آیه: ۳ / ۲

{الَّذِینَ یُؤْمِنُونَ بِالْغَیْبِ وَ یُقِیمُونَ الصَّلاهَٔ وَ مِمَّا رَزَقْناهُمْ یُنْفِقُونَ}

(پرهیزکاران) کسانی هستند که به غیب ایمان می‌آورند و نماز را برپا می‌دارند و از تمام نعمتها و مواهبی که به آنان روزی داده‌ایم، انفاق می‌کنند.

۱ ـ عَنْ دَاوُد الرقِّیِّ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام فِی قَوْلِ اللَّهِ عز و جل : الَّذِینَ یُؤْمِنُونَ بِالْغَیْبِ، قَالَ: مَنْ أَقَرَّ بِقِیَامِ الْقَائِمِ علیه السلام أَنَّهُ حَقٌّ.۵۰

داود رقّی گوید که امام صادق علیه السلام در تفسیر این آیه فرمودند: متقین کسانی هستند که به قیام حضرت قائم علیه السلام ، که البته حق است، اقرار و ایمان داشته باشند.

۲ ـ عَنْ یَحْیَی بْنِ أَبِی الْقَاسِمِ قَالَ: سَأَلْتُ الصَّادِقَ علیه السلام عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عز و جل : الم ذلِکَ الْکِتابُ لا رَیْبَ فِیهِ هُدیً لِلْمُتَّقِینَ الَّذِینَ یُؤْمِنُونَ بِالْغَیْبِ، فَقَالَ: الْمُتَّقُونَ شِیعَهُٔ عَلِیٍّ علیه السلام ، وَ أَمَّا الْغَیْبُ، فَهُوَ الْحُجَّهُٔ الْغَائِبُ، وَ شَاهِدُ ذَلِکَ قَوْلُ اللَّهِ تَعَالَی: وَ یَقُولُونَ لَوْ لا أُنْزِلَ

عَلَیْهِ آیَهٌٔ مِنْ رَبِّهِ فَقُلْ إِنَّمَا الْغَیْبُ لِلَّهِ فَانْتَظِرُوا إِنِّی مَعَکُمْ مِنَ الْمُنْتَظِرِینَ.۵۱

یحیی بن ابی القاسم گوید از امام صادق علیه السلام از تفسیر قول خدای عز و جل : الم ذلِکَ الْکِتابُ لا رَیْبَ فِیهِ هُدیً لِلْمُتَّقِینَ الَّذِینَ یُؤْمِنُونَ بِالْغَیْبِ، پرسیدم، حضرت فرمودند: متقین شیعیان علی علیه السلام هستند، و غیب هم امام غائب است، و دلیل آن گفتار خدای عز و جل است که می‌فرماید: و می‌گویند آیا آیه‌ای از طرف پروردگارش بر او نازل نشود؟ بگو همانا غیب از آن خدا است شما منتظر باشید به راستی من هم با شما از منتظرانم.

شماره: ۲: خواری و رسوایی دشمنان

کد آیه: ۱۱۴ / ۲

{وَ مَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ مَنَعَ مَساجِدَ اللَّهِ أَنْ یُذْکَرَ فیهَا اسْمُهُ وَ سَعی فی خَرابِها أُولئِکَ ما کانَ لَهُمْ أَنْ یَدْخُلُوها إِلاَّ خائِفینَ لَهُمْ فِی الدُّنْیا خِزْیٌ وَ لَهُمْ فِی الْآخِرَهِٔ عَذابٌ عَظیمٌ}

کیست ستمکارتر از آن کس که از بردن نام خدا در مساجد او جلوگیری کرد و سعی در ویرانی آنها نمود؟! شایسته نیست آنان، جز با ترس و وحشت، وارد این (کانونهای عبادت) شوند. بهره آنها در دنیا (فقط) رسوایی است و در سرای دیگر، عذاب عظیم

(الهی)!!.

عَن السُدَی فِی قَولِهِ تَعالی: «لَهُم فِی الدُّنیا خِزیٌ» أَما خِزیُهُم فِی الدُّنیا فَإنَّه إذا قامَ المَهدِیّ وَ فُتِحَت قُسطَنطِیَنیّهٔ قَتَلَهُم، فَذلِکَ الخِزی.۵۲

سدّی در تفسیر آیه: لَهُمْ فِی الدُّنْیا خِزْیٌ، می گوید: اما رسوائی دشمنان دین در دنیا موقعی است که مهدی علیه السلام در قسطنطنیه قیام کند و آنها را بکشد این خود برای آنها رسوائی است.

شماره: ۳: آخرین کلمه‌ی الهی

کد آیه: ۱۲۴ / ۲

{وَ إِذِ ابْتَلی إِبْراهِیمَ رَبُّهُ بِکَلِماتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قالَ إِنِّی جاعِلُکَ لِلنَّاسِ إِماماً قالَ وَ مِنْ ذُرِّیَّتِی قالَ لا یَنالُ عَهْدِی الظَّالِمِینَ}

و (به خاطر آورید) هنگامی که خداوند، ابراهیم را با وسایل گوناگونی آزمود. و او به خوبی از عهده این آزمایشها برآمد. خداوند به او فرمود: «من تو را امام و پیشوای مردم قرار دادم!» ابراهیم عرض کرد: «از دودمان من (نیز امامانی قرار بده!)» خداوند فرمود: «پیمان من، به ستمکاران نمی‌رسد! (و تنها آن دسته از فرزندان تو که پاک و معصوم باشند، شایسته این مقامند)».

الْمُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ عَنِ الصَّادِقِ علیه السلام قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عز و جل : وَ إِذِ ابْتَلی إِبْراهِیمَ رَبُّهُ بِکَلِماتٍ، مَا هَذِهِ الْکَلِمَاتُ؟ قَالَ: هِیَ الْکَلِمَاتُ الَّتِی تَلَقَّاهَا آدَمُ مِنْ رَبِّهِ فَتَابَ عَلَیْهِ، وَ هُوَ أَنْ قَالَ: یَا رَبِّ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ عَلِیٍّ وَ فَاطِمَةَ وَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَیْنِ إِلَّا تُبْتَ عَلَیَ فَتَابَ عَلَیْهِ إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِیمُ، قَالَ: فَقُلْتُ: یَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ! فَمَا مَعْنَی قَوْلِهِ: فَأَتَمَّهُنَ، قَالَ: أَتَمَّهُنَّ إِلَی الْقَائِمِ اثْنَیْ عَشَرَ إِمَاماً عَلِیٍّ وَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَیْنِ وَ تِسْعَةٍ مِنْ وُلْدِ الْحُسَیْنِ علیهم السلام .۵۳

مفضل بن عمر گوید از حضرت صادق علیه السلام پرسیدم از گفته خدای تعالی: وَ إِذِ ابْتَلی إِبْراهِیمَ رَبُّهُ بِکَلِماتٍ، این کلمات چیست؟ حضرت فرمودند: همان کلماتی است که آدم از پروردگارش یاد گرفت و توبه کرد و توبه‌اش پذیرفته شد، و آن این است، گفت: پروردگارا! از تو می‌پرسم به حق محمّد، علی، فاطمه، حسن و حسین، که توبه مرا بپذیری، خدا توبه‌اش را قبول کرد، همانا او توّاب و رحیم است، عرض کردم: ای پسر رسول خدا! معنی گفته خدای عز و جل چیست که فرمود: فَأَتَمَّهُنَّ؟ حضرت فرمودند: یعنی تمام کرد ایشان را تا قائم علیه السلام به عدد دوازده امام،حضرت علی و امام حسن و امام حسین علیهم السلام، که نُه امام از نسل حسین علیه السلام هستند.

شماره: ۴: شباهت به حضرت یعقوب علیه السلام

کد آیه: ۱۳۳ / ۲

{أَمْ کُنْتُمْ شُهَداءَ إِذْ حَضَرَ یَعْقُوبَ الْمَوْتُ إِذْ قالَ لِبَنِیهِ ما تَعْبُدُونَ مِنْ بَعْدِی قالُوا نَعْبُدُ إِلهَکَ وَ إِلهَ آبائِکَ إِبْراهِیمَ وَ إِسْماعِیلَ وَ إِسْحاقَ إِلهاً واحِداً وَ نَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ}

آیا هنگامی که مرگ یعقوب فرا رسید، شما حاضر بودید؟! در آن هنگام که به فرزندان خود گفت: «پس از من، چه چیز را می‌پرستید؟» گفتند: «خدای تو، و خدای پدرانت، ابراهیم و اسماعیل و اسحاق، خداوند یکتا را، و ما در برابر او تسلیم هستیم.»

عَن جابِر عَن أَبِی جَعفَر علیه السلام قالَ: سَأَلتُه عَن تَفسِیر هذِهِ الآیَهٔ مِن قَولِ الله: إِذْ قالَ لِبَنِیهِ ما تَعْبُدُونَ مِنْ بَعْدِی قالُوا نَعْبُدُ إِلهَکَ وَ إِلهَ آبائِکَ إِبْراهِیمَ وَ إِسْماعِیلَ وَ إِسْحاقَ إِلهاً واحِداً، قال: جرت فی القائم علیه السلام .۵۴

جابر از امام باقر علیه السلام روایت نموده وگفت: از آن حضرت پرسیدم: تفسیر آیه: اذ قال لبنیه ما تعبدون.... الها واحدا، چیست؟ حضرت فرمودند: این آیه در باره قائم علیه السلام وارد شده است.

شماره: ۵: آخرین شاهد

کد آیه: ۱۴۳ / ۲

{وَ کَذلِکَ جَعَلْناکُمْ أُمَّةً وَسَطاً لِتَکُونُوا شُهَداءَ عَلَی النَّاسِ وَ یَکُونَ
الرَّسُولُ عَلَیْکُمْ شَهیداً...}

و ما هم چنان شما (مسلمین) را به آیین اسلام هدایت کردیم و به سیرت نیکو بیاراستیم تا گواه مردم باشید و پیغمبر نیز گواه شما باشد .

۱ ـ عَنْ بُرَیْدِ بْنِ مُعَاوِیَةَ الْعِجْلِیِّ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَ: وَ کَذلِکَ جَعَلْناکُمْ أُمَّةً وَسَطاً لِتَکُونُوا شُهَداءَ عَلَی النَّاسِ وَ یَکُونَ الرَّسُولُ عَلَیْکُمْ شَهِیداً، قَالَ: نَحْنُ الْأُمَّةُ الْوَسَطُ وَ نَحْنُ شُهَدَاءُ اللَّهِ عَلَی خَلْقِهِ وَ حُجَجُهُ فِی أَرْضِهِ.۵۵

برید بن معاویه گوید از حضرت صادق علیه السلام سوال کردم که: راجع به تفسیر این آیه، حضرت فرمودند: مائیم امّت وسط و مائیم گواهان خدا بر خلق و حجتهای خدا در زمین.

۲ ـ عَنْ سُلَیْمِ بْنِ قَیْسٍ عَنْ عَلِیٍّ علیه السلام أَنَّ اللَّهَ تَعَالَی إِیَّانَا عَنَی بِقَوْلِهِ: لِتَکُونُوا شُهَداءَ عَلَی النَّاسِ وَ یَکُونَ الرَّسُولُ عَلَیْکُمْ شَهِیداً، فَرَسُولُ اللَّهِ شَاهِدٌ عَلَیْنَا وَ نَحْنُ شُهَدَاءُ اللَّهِ عَلَی خَلْقِهِ وَ حُجَتهُ فِی أَرْضِهِ و نَحنُ الَّذینَ قالَ الله تعالی: وَ کَذلِکَ جَعَلْناکُمْ أُمَّةً وَسَطاً.۵۶

سلیم بن قیس از علی علیه السلام نقل می‌کند که حضرت علی علیه السلام فرمودند: به تحقیق و یقین که حق تعالی در کریمه: لِتَکُونُوا شُهَداءَ عَلَی النَّاسِ، ما را خواسته است نه غیر ما را، پس رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم گواه است بر ما و ما گواهیم بر خلق و حجت او در زمین ، و مائیم جماعتی که حق تعالی در حق ایشان فرموده: وَ کَذلِکَ جَعَلْناکُمْ أُمَّةً وَسَطاً.

شماره: ۶: اصحاب خاص حضرت مهدی علیه السلام

کد آیه: ۱۴۸ / ۲

{وَ لِکُلٍّ وِجْهَةٌ هُوَ مُوَلِّیها فَاسْتَبِقُوا الْخَیْراتِ أَیْنَ ما تَکُونُوا یَأْتِ بِکُمُ اللَّهُ
جَمِیعاً إِنَّ اللَّهَ عَلی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ} .

هر طایفه‌ای قبله‌ای دارد که خداوند آن را تعیین کرده است پس در نیکی‌ها و اعمال خیر، بر یکدیگر سبقت جویید! هر جا باشید، خداوند همه شما را حاضر می‌کند زیرا او، بر هر کاری تواناست.

۱ ـ عَنْ أَبِی خَالِدٍ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام فِی قَوْلِ اللَّهِ عز و جل : فَاسْتَبِقُوا الْخَیْراتِ أَیْنَ ما تَکُونُوا یَأْتِ بِکُمُ اللَّهُ جَمِیعاً، قَالَ: الْخَیْرَاتُ الْوَلَایَةُ، وَ قَوْلُهُ تَبَارَکَ وَ تَعَالَی: أَیْنَ ما تَکُونُوا یَأْتِ بِکُمُ اللَّهُ جَمِیعاً، یَعْنِی أَصْحَابَ الْقَائِمِ الثَّلَاثِمِائَةِ وَ الْبِضْعَةَ عَشَرَ رَجُلًا، قَالَ: وَ هُمْ وَ اللَّهِ الْأُمَّةُ الْمَعْدُودَةُ، قَالَ: یَجْتَمِعُونَ وَ اللَّهِ فِی سَاعَةٍ وَاحِدَةٍ قَزَعٌ کَقَزَعِ الْخَرِیفِ.۵۷

از ابو خالد کابلی از امام محمد باقر علیه السلام روایت است که در تفسیر این آیه شریفه: فَاسْتَبِقُوا الْخَیْراتِ أَیْنَ ما تَکُونُوا یَأْتِ بِکُمُ اللَّهُ جَمِیعاً، فرمودند: خیرات در این آیه ولایت و دوستی ماست و آنها که خداوند هر جا باشند یک جا جمع می‌کند، یاران قائم علیه السلام هستند که سیصد و سیزده نفر مرد می‌باشند، سپس حضرت فرمودند: به خدا قسم آنها امّهٔ معدوده‌ای هستند که در قرآن است، و خداوند در یک لحظه آنها را مانند پاره‌های ابر فصل پائیز در یک جا جمع می‌کند.

۲ ـ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام أَنَّهُ قَالَ: الْمَعْنِیُّ بِهَذَا الْخِطَابِ أَصْحَابُ الْقَائِمِ علیه السلام ، قَالَ: بَعْدَ ذِکْرِ عَلَامَاتِ ظُهُورِهِ ثُمَّ یَجْمَعُ اللَّهُ لَهُ أَصْحَابَهُ، وَ هُمْ ثَلَاثُمِائَةٍ وَ ثَلَاثَةَ عَشَرَ رَجُلًا عِدَّةَ أَهْلِ بَدْرٍ، یَجْمَعُهُمُ اللَّهُ لَهُ عَلَی غَیْرِ مِیعَادٍ قُزَعاً کَقُزَعِ الْخَرِیفِ، وَ هِیَ یَا جَابِرُ الْآیَةُ الَّتِی ذَکَرَهَا اللَّهُ تَعَالَی فِی کِتَابِهِ: أَیْنَ ما تَکُونُوا یَأْتِ بِکُمُ اللَّهُ جَمِیعاً إِنَّ اللَّهَ عَلی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ.۵۸

امام محمد باقر علیه السلام فرمودند: پس از ذکر بعضی از علامتهای ظهور فرمودند: آنگاه خداوند سیصد و سیزده نفر از یاران او را که به تعداد اصحاب بدر هستند، بدون قرار قبلی، نزد وی گرد آورد، مانند پاره‌های ابر فصل پائیز، آنها را در مکه جمع کند، ای جابر! این است معنی آیه‌ای که خداوند می‌فرماید: أَیْنَ ما تَکُونُوا یَأْتِ بِکُمُ اللَّهُ جَمِیعاً، یعنی: هر جا باشید خداوند همه شما را گرد آورد همانا خداوند به هر کاری قادر و توانا می‌باشد.

۳ـ عَنْ أَبِی خَالِدٍ الْکَابُلِیِّ عَنْ عَلِیِّ بْنِ الْحُسَیْنِ أَوْ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِیٍّ علیهماالسلام أَنَّهُ قَالَ: الْفُقَدَاءُ قَوْمٌ یُفْقَدُونَ مِنْ فُرُشِهِمْ فَیُصْبِحُونَ بِمَکَّةَ، وَ هُوَ قَوْلُ اللَّهِ عز و جل : أَیْنَ ما تَکُونُوا یَأْتِ بِکُمُ اللَّهُ جَمِیعاً، وَ هُمْ أَصْحَابُ الْقَائِمِ علیه السلام .۵۹

ابو خالد کابلی از حضرت علیّ بن الحسین و یا از حضرت محمّد بن علی علیهم السلام روایت نموده که فرمودند: گمشدگان گروهی هستند که از بسترهایشان گم می‌شوند و صبح در مکّه خواهند بود و این است قول خدای عز و جل : أَیْنَ ما تَکُونُوا یَأْتِ بِکُمُ اللَّهُ جَمِیعاً، و آنان یاران قائم علیه السلام هستند.

۴ـ عَنْ عَبْدِ الْعَظِیمِ الْحَسَنِیِّ قَالَ: قُلْتُ: لِمُحَمَّدِ بْنِ عَلِیِّ بْنِ مُوسَی علیهم السلام إِنِّی لَأَرْجُو أَنْ تَکُونَ الْقَائِمَ مِنْ أَهْلِ بَیْتِ مُحَمَّدٍ علیهم السلام ، الَّذِی یَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطاً وَ عَدْلًا کَمَا مُلِئَتْ جَوْراً وَ ظُلْماً، فَقَالَ علیه السلام : یَا أَبَا الْقَاسِمِ! مَا مِنَّا إِلَّا وَ هُوَ قَائِمٌ بِأَمْرِ اللَّهِ عز و جل وَ هَادٍ إِلَی دِینِ اللَّهِ، وَ لَکِنَّ الْقَائِمَ الَّذِی یُطَهِّرُ اللَّهُ عز و جل بِهِ الْأَرْضَ مِنْ أَهْلِ الْکُفْرِ وَ الْجُحُودِ وَ یَمْلَؤُهَا عَدْلًا وَ قِسْطاً، هُوَ الَّذِی تَخْفَی عَلَی النَّاسِ وِلَادَتُهُ وَ یَغِیبُ عَنْهُمْ شَخْصُهُ وَ یَحْرُمُ عَلَیْهِمْ تَسْمِیَتُهُ، وَ هُوَ سَمِیُّ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم وَ کَنِیُّهُ، وَ هُوَ الَّذِی تُطْوَی لَهُ الْأَرْضُ وَ یَذِلُّ لَهُ کُلُّ صَعْبٍ، وَ یَجْتَمِعُ إِلَیْهِ مِنْ أَصْحَابِهِ عِدَّةُ أَهْلِ بَدْرٍ ثَلَاثُمِائَةٍ وَ ثَلَاثَةَ عَشَرَ رَجُلًا مِنْ أَقَاصِی الْأَرْضِ، وَ ذَلِکَ قَوْلُ اللَّهِ عز و جل : أَیْنَ ما تَکُونُوا یَأْتِ بِکُمُ اللَّهُ جَمِیعاً إِنَّ اللَّهَ عَلی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ.

فَإِذَا اجْتَمَعَتْ لَهُ هَذِهِ الْعِدَّةُ مِنْ أَهْلِ الْإِخْلَاصِ، أَظْهَرَ اللَّهُ أَمْرَهُ، فَإِذَا کَمَلَ لَهُ الْعَقْدُ وَ هُوَ عَشَرَةُ آلَافِ رَجُلٍ، خَرَجَ بِإِذْنِ اللَّهِ عز و جل فَلَا یَزَالُ یَقْتُلُ أَعْدَاءَ اللَّهِ حَتَّی یَرْضَی اللَّهُ عز و جل ، قَالَ عَبْدُ الْعَظِیمِ: فَقُلْتُ لَهُ: یَا سَیِّدِی! وَ کَیْفَ یَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ عز و جل قَدْ رَضِیَ، قَالَ: یُلْقِی فِی قَلْبِهِ الرَّحْمَةَ، فَإِذَا دَخَلَ الْمَدِینَةَ أَخْرَجَ اللَّاتَ وَ الْعُزَّی فَأَحْرَقَهُمَا. ۶۰

عبد العظیم حسنیّ گوید: به امام جواد علیه السلام عرض کردم: امیدوارم شما قائم اهل بیت محمّد علیهم السّلام باشید کسی که زمین را پر از عدل و داد نماید همچنان که آکنده از ظلم و جور شده باشد، حضرت فرمودند: ای أبو القاسم! هیچ یک از ما نیست جز آنکه قائم به امر خدای تعالی و هادی به دین الهی باشد، امّا قائمی که خدای تعالی به توسّط او زمین را از اهل کفر و انکار پاک سازد و آن را پر از عدل و داد نماید، کسی است که ولادتش بر مردم پوشیده و شخصش از ایشان نهان و بردن نامش حرام است، و او همنام و هم کنیه رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم است، و او کسی است که زمین در اختیارش شود و هر دشواری برایش هموار گردد، و از اصحابش سیصد و سیزده تن به تعداد اصحاب بدر از دورترین نقاط زمین به گرد او جمع شوند، و این همان قول خدای تعالی است که فرمود: أَیْنَ ما تَکُونُوا یَأْتِ بِکُمُ اللَّهُ جَمِیعاً إِنَّ اللَّهَ عَلی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ، و چون این تعداد از اهل اخلاص به گرد او فراهم آیند خدای تعالی امرش را ظاهر سازد و چون عقد که عبارت از ده هزار مرد باشد کامل شد به اذن خدای تعالی قیام کند و دشمنان خدا را بکشد تا خدای تعالی خشنود گردد.

عبد العظیم گفت: ای سرورم چگونه می‌داند که خدای تعالی خشنود گردیده است؟ حضرت فرمودند: خداوند در قلبش رحمت می‌افکند و چون به مدینه درآید لات و عزّی از خاک را بیرون کشیده و آن دو را بسوزاند.

۵ـ عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام : لَقَدْ نَزَلَتْ هَذِهِ الْآیَةُ فِی الْمُفْتَقِدِینَ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ علیه السلام ، قَوْلُهُ عز و جل : أَیْنَ ما تَکُونُوا یَأْتِ بِکُمُ اللَّهُ جَمِیعاً، إِنَّهُمْ لَیَفْتَقِدُونَ عَنْ فُرُشِهِمْ لَیْلًا فَیُصْبِحُونَ بِمَکَّةَ، وَ بَعْضُهُمْ یَسِیرُ فِی السَّحَابِ، یُعْرَفُ بِاسْمِهِ وَ اسْمِ أَبِیهِ وَ حِلْیَتِهِ وَ نَسَبِهِ، قَالَ: قُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاکَ! أَیُّهُمْ أَعْظَمُ إِیمَاناً، قَالَ: الَّذِی یَسِیرُ فِی السَّحَابِ نَهَارا.۶۱

از مفضل بن عمر روایت است که گفت: حضرت صادق علیه السلام فرمودند: این آیه در باره گمشدگان یاران قائم علیه السلام

نازل شده است، قال اللّه تعالی: أَیْنَ ما تَکَونُوا یَأْتِ بِکَمُ اللَّهُ جَمِیعاً، آنها هنگام شب از روی فرش خانه خود ناپدید می‌شوند و صبح را در مکه خواهند بود، بعضی از آنها روز در ابرها حرکت می کنند و نام خودش و نام پدرش و مشخّصاتش و نسبش شناخته شده است، عرض کردم: از این دو دسته کدام یک از لحاظ ایمان افضل می‌باشند؟ فرمودند: آنها که در ابرها حرکت می کنند.

شماره: ۷: علائم ظهور

کد آیه: ۱۵۵ / ۲

{وَ لَنَبْلُوَنَّکُمْ بِشَیْ‌ءٍ مِنَ الْخَوْفِ وَ الْجُوعِ وَ نَقْصٍ مِنَ الْأَمْوالِ وَ الْأَنْفُسِ
وَ الثَّمَراتِ وَ بَشِّرِ الصَّابِرِینَ}

و قطعاً همه شما را با چیزی از ترس، گرسنگی، و کاهش در مالها و جانها و میوه‌ها، آزمایش می کنیم و بشارت ده به استقامت کنندگان!

۱ ـ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ علیهماالسلام أَنَّهُ قَالَ: إِنَّ قُدَّامَ قِیَامِ الْقَائِمِ عَلَامَاتٍ بَلْوَی مِنَ اللَّهِ تَعَالَی لِعِبَادِهِ الْمُؤْمِنِینَ قُلْتُ وَ مَا هِیَ قَالَ ذَلِکَ قَوْلُ اللَّهِ عز و جل : وَ لَنَبْلُوَنَّکُمْ بِشَیْ‌ءٍ مِنَ الْخَوْفِ وَ الْجُوعِ وَ نَقْصٍ مِنَ الْأَمْوالِ وَ الْأَنْفُسِ وَ الثَّمَراتِ وَ بَشِّرِ الصَّابِرِینَ، قَالَ لَنَبْلُوَنَّکُمْ یَعْنِی الْمُؤْمِنِینَ بِشَیْ‌ءٍ مِنَ الْخَوْفِ مِنْ مُلُوکِ بَنِی فُلَانٍ فِی آخِرِ سُلْطَانِهِمْ وَ الْجُوعِ بِغَلَاءِ أَسْعَارِهِمْ وَ نَقْصٍ مِنَ الْأَمْوالِ فَسَادِ التِّجَارَاتِ وَ قِلَّةِ الْفَضْلِ فِیهَا، وَ الْأَنْفُسِ قَالَ مَوْتٌ ذَرِیعٌ، وَ الثَّمراتِ قِلَّةِ رَیْعِ مَا یُزْرَعُ وَ قِلَّةِ بَرَکَةِ الثِّمَارِ، وَ بَشِّرِ الصَّابِرِینَ عِنْدَ ذَلِکَ بِخُرُوجِ الْقَائِمِ علیه السلام .۶۲

محمّد بن مسلم از امام صادق علیه السلام روایت کرده که آن حضرت فرمودند: همانا پیش از قیام قائم علیه السلام نشانه‌هائی خواهد بود از جمله: آزمایشهایی از جانب خدای تعالی برای بندگان با ایمان، عرض کردم: آن آزمایشها چیست؟ حضرت فرمودند: همان فرمایش خدای عز و جل است که: وَ لَنَبْلُوَنَّکُمْ بِشَیْ‌ءٍ مِنَ الْخَوْفِ وَ الْجُوعِ وَ نَقْصٍ مِنَ الْأَمْوالِ وَ الْأَنْفُسِ، «و حتما شما را به چیزی (به اندکی) از ترس و گرسنگی و کاهش در مالها و جانها (عمرها) و فرزندان خواهیم آزمود و بردباران را بشارت ده» آن حضرت فرمودند: «حتما شما را خواهیم آزمود» یعنی مؤمنان را «به چیزی از ترس» از پادشاهان فلان خاندان در پایان سلطنتشان «و گرسنگی» با گرانی نرخهایشان و «کاستی در مالها» منظور خراب شدن بازرگانی و کم شدن رشد و سود در آن، «و جانها» حضرت (در باره آن) فرمودند: یعنی مرگ زودرس «و میوه‌ها» کم شدن باروری آنچه کاشته می‌شود و کمبود برکت میوه‌ها و محصولات مراد است، «و بردباران را بشارت ده» بدان هنگام به خروج قائم علیه السلام ».

۲ ـ عَنْ أَبِی بَصِیرٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام : لَا بُدَّ أَنْ یَکُونَ قُدَّامَ الْقَائِمِ سَنَةٌ تَجُوعُ فِیهَا النَّاسُ وَ یُصِیبُهُمْ خَوْفٌ شَدِیدٌ مِنَ الْقَتْلِ وَ نَقْصٌ مِنَ الْأَمْوَالِ وَ الْأَنْفُسِ وَ الثَّمَرَاتِ فَإِنَّ ذَلِکَ فِی کِتَابِ اللَّهِ لَبَیِّنٌ ثُمَّ تَلَا هَذِهِ الْآیَةَ «وَ لَنَبْلُوَنَّکُمْ بِشَیْ‌ءٍ مِنَ الْخَوْفِ وَ الْجُوعِ وَ نَقْصٍ مِنَ الْأَمْوالِ وَ الْأَنْفُسِ وَ الثَّمَراتِ وَ بَشِّرِ الصَّابِرِینَ».۶۳

ابو بصیر از امام صادق علیه السلام روایت کرده که حضرت فرمودند: «ناگزیر باید پیش از آمدن قائم علیه السلام سالی باشد که مردم در آن سال گرسنه بمانند و آنان را ترسی سخت از کشتار و کاهش در مالها و کم شدن عمرها و محصولات فرا گیرد که این در کتاب خداوند بسیار آشکار است سپس این آیه را تلاوت فرمودند: «و شما را حتما به چیزی از ترس و گرسنگی و کاهش در اموال و جانها و میوه‌ها خواهیم آزمود و بردباران را بشارت ده».

۳ ـ عَنْ جَابِرٍ الْجُعْفِیِّ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِیٍّ علیهما السلام عَنْ قَوْلِ اللَّهِ تَعَالَی: «وَ لَنَبْلُوَنَّکُمْ بِشَیْ‌ءٍ مِنَ الْخَوْفِ وَ الْجُوعِ»، فَقَالَ: یَا جَابِرُ! ذَلِکَ خَاصٌّ وَ عَامٌّ، فَأَمَّا الْخَاصُّ مِنَ الْجُوعِ فَبِالْکُوفَةِ وَ یَخُصُّ اللَّهُ بِهِ أَعْدَاءَ آلِ مُحَمَّدٍ فَیُهْلِکُهُمْ وَ أَمَّا الْعَامُّ فَبِالشَّامِ یُصِیبُهُمْ خَوْفٌ وَ جُوعٌ مَا أَصَابَهُمْ مِثْلُهُ قَطُّ وَ أَمَّا الْجُوعُ فَقَبْلَ قِیَامِ الْقَائِمِ علیه السلام وَ أَمَّا الْخَوْفُ فَبَعْدَ قِیَامِ الْقَائِمِ علیه السلام .۶۴

جابر بن جعفی می گوید: از امّام باقر علیه السلام پرسیدم که معنای آیه: ولنبلونکم بشیء من الخوف والجوع، چیست؟ حضرت فرمودند: ای جابر! (این آیه) یک معنای خاص دارد و یک معنای عام، معنای خاص، گرسنگی در کوفه است که خداوند آن را مخصوص دشمنان آل محمد علیهم السلام قرار داده و به وسیله آن، آنها را هلاک می کند، ولی معنای عام آن در شام محقق می‌شود که اهل آنجا به خوف و هراس و گرسنگی مبتلا می‌شوند که احدی به مانند آن مبتلا نشده باشد و گرسنگی پیش از قیام قائم علیه السلام است و خوف و هراس پس از قیام قائم علیه السلام .»

شماره: ۸: فضیلت شهداء راه مهدی علیه السلام

کد آیه: ۱۵۷ / ۲

{أُولئِکَ عَلَیْهِمْ صَلَواتٌ مِنْ رَبِّهِمْ وَ رَحْمَةٌ وَ أُولئِکَ هُمُ الْمُهْتَدُونَ}

اینها، همانها هستند که الطاف و رحمت خدا شامل حالشان شده و آنها هستند هدایت‌یافتگان!.

عَتِیقُ بْنُ یَعْقُوبَ قَالَ: حَدَّثَنِی عَبْدُ اللَّهِ بْنُ رَبِیعَهَ فی حدیث طویل:... ثُمَّ الْمُنْتَظَرُ بَعْدَهُ اسْمُهُ اسْمُ النَّبِیِّ صلی الله علیه و آله و سلم یَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَ یَفْعَلُهُ وَ یَنْهَی عَنِ الْمُنْکَرِ وَ یَجْتَنِبُهُ، یَکْشِفُ اللَّهُ بِهِ الظُّلَمَ وَ یَجْلُو بِهِ الشَّکَّ وَ الْعَمَی یَرْعَی الذِّئْبُ فِی أَیَّامِهِ مَعَ الْغَنَم، وَ یَرْضَی عَنْهُ سَاکِنُ السَّمَاءِ وَ الطَّیْرُ فِی الْجَوِّ وَ الْحِیتَانُ فی الْبِحَارِ، یَا لَهُ مِنْ عَبْدٍ مَا أَکْرَمَهُ عَلَی اللَّهِ، طُوبَی لِمَنْ أَطَاعَهُ وَ وَیْلٌ لِمَنْ عَصَاهُ طُوبَی لِمَنْ قَاتَلَ بَیْنَ یَدَیْهِ فَقَتَلَ أَوْ قُتِلَ أُولئِکَ عَلَیْهِمْ صَلَواتٌ مِنْ رَبِّهِمْ وَ رَحْمَةٌ وَ أُولئِکَ هُمُ الْمُهْتَدُونَ، وَ أُولئِکَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ، وَ أُولئِکَ هُمُ الْفائِزُونَ.۶۵

عتیق بن یعقوب، از عبد الله بن ربیعهٔ نقل کرده که گفت در حدیثی طولانی در فضیلت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم آمده است: ..... وکسی که بعد از او مورد انتظار است، نام او نام پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است، به عدل وداد دستور می دهد وخود دادگری می کند، از منکر نهی و جلوگیری می کند، و خود از منکر می پرهیزد و اجتناب مینماید، خداوند به واسطه‌ی او تاریکیها را بر میدارد و به وسیله‌ی او شک و تردید و کوردلی، بر طرف می گردد در دوران آن حضرت گرگ با گوسفند همراه است، و اهل آسمان و پرندگان در فضا و ماهیان دریا، از او خرسندند چه بندهء خوبی که خداوند نسبت به او عنایت دارد خوش به حال کسی که از او فرمان برد وای بر آن کس که نافرمانی او نماید، خوش به حال کسی که در رکاب او بجنگد، بکشد یا کشته شود، درود و رحمت خداوند بر چنان افرادی، آنان هدایت یافتگان و رستگاران، وپیروزمندانند.

شماره: ۹: امتحان اصحاب

کد آیه: ۲۴۹ / ۲

{... قالَ إِنَّ اللَّهَ مُبْتَلِیکُمْ بِنَهَرٍ فَمَنْ شَرِبَ مِنْهُ فَلَیْسَ مِنِّی وَ مَنْ لَمْ یَطْعَمْهُ فَإِنَّهُ مِنِّی إِلَّا مَنِ اغْتَرَفَ غُرْفَةً بِیَدِهِ فَشَرِبُوا مِنْهُ إِلَّا قَلِیلًا مِنْهُم...}

... گفت: خدا شما را به نهر آبی آزمایش کند، هر که از آن بیاشامد از من و هم آیین من نیست، و هر که هیچ نیاشامد یا کفی بیش برنگیرد از من و هم آیین من خواهد بود. پس همه سپاهش آشامیدند به جز عده قلیلی از آنها...

عَنْ أَبِی بَصِیرٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ إِنَّ أَصْحَابَ مُوسَی ابْتُلُوا بِنَهَرٍ وَ هُوَ قَوْلُ اللَّهِ عز و جل: «إِنَّ اللَّهَ مُبْتَلِیکُمْ بِنَهَرٍ» وَ إِنَّ أَصْحَابَ الْقَائِمِ یُبْتَلَوْنَ بِمِثْلِ ذَلِکَ.۶۶

از ابو بصیر از حضرت صادق علیه السلام نقل کرده که فرمود: خداوند اصحاب موسی را به وسیله نهر آبی امتحان کرد چنان که خدا فرمود: «إِنَّ اللَّهَ مُبْتَلِیکُمْ بِنَهَرٍ» اصحاب قائم هم، چنین امتحانی خواهند داشت.

شماره: ۱۰: نور و ظلمت

کد آیه: ۲۵۷ / ۲

{اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلُماتِ إِلَى النُّورِ وَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَوْلِياؤُهُمُ الطَّاغُوتُ يُخْرِجُونَهُمْ مِنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُماتِ أُولئِكَ أَصْحابُ النَّارِ هُمْ فِيها خالِدُونَ}

خداوند، ولیّ و سرپرست کسانی است که ایمان آورده‌اند آنها را از ظلمتها، به سوی نور بیرون می‌برد. (اما) کسانی که کافر شدند، اولیای آنها طاغوتها هستند که آنها را از نور، به سوی ظلمتها بیرون می‌برند آنها اهل آتشند و همیشه در آن خواهند ماند.

۱ ـ عَنْ أَبِی بَصِیرٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: كُلُّ رَايَةٍ تُرْفَعُ قَبْلَ قِيَامِ الْقَائِمِ علیه السلام فَصَاحِبُهَا طَاغُوتٌ يُعْبَدُ مِنْ دُونِ اللَّهِ عز و جل .۶۷

ابو بصیر از امام صادق علیه السلام روایت می‌کند که حضرت فرمودند: هر پرچمی که پیش از قیام قائم علیه السلام برافراشته شود صاحب آن طاغوتی است که در برابر خدا پرستیده می‌شود.

۲ ـ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَبِی يَعْفُورٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام إِنِّی أُخَالِطُ النَّاسَ فَيَكْثُرُ عَجَبِی مِنْ أَقْوَامٍ لَا يَتَوَلَّوْنَكُمْ وَ يَتَوَلَّوْنَ فُلَاناً وَ فُلَاناً لَهُمْ أَمَانَةٌ وَ صِدْقٌ وَ وَفَاءٌ وَ أَقْوَامٌ يَتَوَلَّوْنَكُمْ لَيْسَ لَهُمْ تِلْكَ الْأَمَانَةُ وَ لَا الْوَفَاءُ وَ الصِّدْقُ قَالَ فَاسْتَوَى أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام جَالِساً فَأَقْبَلَ عَلَيَّ كَالْغَضْبَانِ ثُمَّ قَالَ: لَا دِينَ لِمَنْ دَانَ اللَّهَ بِوَلَايَةِ إِمَامٍ جَائِرٍ لَيْسَ مِنَ اللَّهِ وَ لَا عَتْبَ عَلَى مَنْ دَانَ بِوَلَايَةِ إِمَامٍ عَادِلٍ مِنَ اللَّهِ، قُلْتُ: لَا دِينَ لِأُولَئِكَ وَ لَا عَتْبَ عَلَى هَؤُلَاءِ، قَالَ: نَعَمْ لَا دِينَ لِأُولَئِكَ وَ لَا عَتْبَ عَلَى هَؤُلَاءِ، ثُمَّ قَالَ: أَ لَا تَسْمَعُ لِقَوْلِ اللَّهِ عز و جل: «اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلُماتِ إِلَى النُّورِ» يَعْنِی مِنْ ظُلُمَاتِ الذُّنُوبِ إِلَى نُورِ التَّوْبَةِ وَ الْمَغْفِرَةِ لِوَلَايَتِهِمْ كُلَّ إِمَامٍ عَادِلٍ مِنَ اللَّهِ، وَ قَالَ: «وَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَوْلِياؤُهُمُ الطَّاغُوتُ يُخْرِجُونَهُمْ مِنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُماتِ» إِنَّمَا عَنَى بِهَذَا أَنَّهُمْ كَانُوا عَلَى نُورِ الْإِسْلَامِ فَلَمَّا أَنْ تَوَلَّوْا كُلَّ إِمَامٍ جَائِرٍ لَيْسَ مِنَ اللَّهِ عز و جل خَرَجُوا بِوَلَايَتِهِمْ إِيَّاهُ مِنْ نُورِ الْإِسْلَامِ إِلَى ظُلُمَاتِ الْكُفْرِ فَأَوْجَبَ اللَّهُ لَهُمُ النَّارَ مَعَ الْكُفَّارِ فَقَالَ: «أُولئِكَ أَصْحابُ النَّارِ هُمْ فِيها خالِدُونَ».۶۸

عبد اللَّه بن أبی یعفور گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: من با مردم معاشرت دارم، بسیار در شگفتم از گروههائی که ولایت شما را ندارند و تولّی فلانی و فلانی را دارند، آنان دارای امانت و راستی و وفاداری هستند، و (در مقابل اینان) گروههائی که ولایت شما را دارند دارای آن امانت و وفاداری و راستی نیستند؟ گوید: ناگاه امام صادق علیه السلام راست نشستند و همانند آدمی خشمگین رو به من کرده و فرمودند: کسی که به امامی ستمکار که از جانب خدا نیست اعتقاد داشته باشد اصلا دین ندارد، و بر کسی که به ولایت امام عادلی منصوب از جانب خدا اعتقاد داشته باشد سرزنشی نیست. عرض کردم: آنان دیندار نیستند، و سرزنشی هم بر اینان نیست؟ فرمودند: آری آنان دین ندارند و بر اینان نیز سرزنشی نیست، سپس فرمودند: آیا فرمایش خدای عز و جل را نشنیده‌ای که می‌فرماید: «اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلُماتِ إِلَى النُّورِ»، «خداوند بر آنان که ایمان آورده‌اند ولایت دارد و آنان را از تاریکی‌ها به سوی روشنائی می‌راند» یعنی (سوق دادن) از تاریکیهای گناهان به طرف روشنائی توبه و آمرزش به پاس برخورداری از ولایت هر امام عادلی از جانب خداست، سپس خداوند می‌فرماید: «و آنان که کفر ورزیدند اولیاءشان طاغوت است آنان را از روشنائی به سوی تاریکیها می‌رانند» برای کافر چه نوری وجود دارد تا از آن بیرون آید؟ بلکه مراد این آیه تنها این است که آنان در روشنائی اسلام بودند ولی چون ولایت هر امام جائری را که از جانب خدا نبود پذیرفتند به خاطر اینکه ایشان ولایت آنان را پذیرفتند از نور اسلام به ظلمات کفر در آمدند، پس خداوند نیز برای آنان آتش دوزخ را همراه با کفّار واجب فرمود. و می‌فرماید: «آن گروه اهل دوزخ‌اند آنان در آتش جاودان خواهند بود».

شماره: ۱۱: هفتمین خوشه

کد آیه: ۲۶۱ / ۲

{مَثَلُ الَّذِینَ یُنْفِقُونَ أَمْوالَهُمْ فِی سَبِیلِ اللَّهِ کَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنابِلَ فِی کُلِّ سُنْبُلَةٍ مِائَةُ حَبَّةٍ وَ اللَّهُ یُضاعِفُ لِمَنْ یَشاءُ وَ اللَّهُ واسِعٌ عَلِیمٌ}

کسانی که اموال خود را در راه خدا انفاق می‌کنند، همانند بذری هستند که هفت خوشه برویاند که در هر خوشه، یکصد دانه باشد و خداوند آن را برای هر کس بخواهد، دو یا چند برابر می‌کند و خدا (از نظر قدرت و رحمت،) وسیع، و (به همه چیز) داناست.

عن المفضل بن محمد الجعفی قال: سألت أبا عبد الله علیه السلام عن قول الله: «کَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنابِلَ» قال: الحبة: فاطمة سلام الله علیها ، و السبع سنابل: سبعة من ولدها، سابعهم قائمهم، قلت: الحسن علیه السلام ؟ قال: الحسن إمام من الله مفترض طاعته، و لکن لیس من السنابل السبعة، أولهم الحسین علیه السلام ، و آخرهم القائم علیه السلام ، فقلت: قوله: «فِی کُلِّ سُنْبُلَةٍ مِائَةُ حَبَّةٍ» قال: یولد الرجل منهم فی الکوفة مائة من صلبه، و لیس ذلک إلا هؤلاء السبعة.۶۹

مفضل بن محمد جعفی گفت: از امام صادق علیه السلام درباره‌ی گفته خدای سبحان: «کمثل حبة انبتت سبع سنابل» پرسیدم، حضرت فرمودند: منظور از حبه، فاطمه سلام الله علیها است و هفت سنبل، هفت تن از فرزندان هستند، که هفتمین آنها قائم آنان است، عرض کردم: حسن علیه السلام ؟ فرمودند: حسن علیه السلام از ناحیه خداوند امام و پیشوایی است که اطاعتش واجب است، ولی از سنبل های [خوشه های] هفتگانه نیست، بلکه نخستین فرد آنان حسین علیه السلام ، وآخرین آنها قائم علیه السلام است، عرض کردم اینکه خداوند فرمود:

«فی کل سنبلة مائة حبة» منظور چیست؟ حضرت فرمودند: از هر یک از مردان آنها در کوفه صد نفر به وجود می‌آید، و آنها جز این هفت تن نیستند.

شماره: ۱۲: خیر کثیر

کد آیه: ۲۶۹ / ۲

{یُؤْتِی الْحِکْمَةَ مَنْ یَشاءُ وَ مَنْ یُؤْتَ الْحِکْمَةَ فَقَدْ أُوتِیَ خَیْراً کَثِیراً وَ ما یَذَّکَّرُ إِلَّا أُولُوا الْأَلْبابِ}

(خدا) دانش و حکمت را به هر کس بخواهد (و شایسته بداند) می‌دهد و به هر کس دانش داده شود، خیر فراوانی داده شده است. و جز خردمندان، (این حقایق را درک نمی‌کنند، و) متذکر نمی‌گردند.

۱ ـ عَنْ أَبِی بَصِیرٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام عَنْ قَوْلِ اللَّهِ تَبَارَکَ وَ تَعَالَی: «وَ مَنْ یُؤْتَ الْحِکْمَةَ فَقَدْ أُوتِیَ خَیْراً کَثِیراً» فَقَالَ: هِیَ طَاعَةُ اللَّهِ وَ مَعْرِفَةُ الْإِمَامِ.۷۰

ابو بصیر از حضرت صادق علیه السلام سوال کرد از تفسیر قول الهی: «وَ مَنْ یُؤْتَ الْحِکْمَةَ فَقَدْ أُوتِیَ خَیْراً کَثِیراً» یعنی: «هر کسی را حکمت داده شود، پس به او خیر بسیاری داده شده است» حضرت فرمودند: حکمت، طاعت خدا و شناختن امام است.

۲ ـ عَنْ أَبِی بَصِیرٍ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ علیه السلام یَقُولُ: «وَ مَنْ یُؤْتَ الْحِکْمَةَ فَقَدْ أُوتِیَ خَیْراً کَثِیراً»، قَالَ: مَعْرِفَةُ الْإِمَامِ وَ اجْتِنَابُ الْکَبَائِرِ الَّتِی أَوْجَبَ اللَّهُ عَلَیْهَا النَّارَ.۷۱

ابو بصیر از حضرت باقر علیه السلام روایت کرده است که: حکمت، معرفت امام است و اجتناب کردن از کبائری که حق تعالی از برای آنها آتش جهنم را واجب نموده است.

شماره: ۱۳: ستاره‌ی درخشان

کد آیه: ۲۸۵ / ۲

{آمَنَ الرَّسُولُ بِما أُنْزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ وَ الْمُؤْمِنُونَ كُلٌّ آمَنَ بِاللَّهِ وَ مَلائِكَتِهِ وَ كُتُبِهِ وَ رُسُلِهِ لا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْ رُسُلِهِ وَ قالُوا سَمِعْنا وَ أَطَعْنا غُفْرانَكَ رَبَّنا وَ إِلَيْكَ الْمَصِيرُ}

پیامبر، به آنچه از سوی پروردگارش بر او نازل شده، ایمان آورده است. (و او، به تمام سخنان خود، کاملًا مؤمن می‌باشد.) و همه مؤمنان (نیز)، به خدا و فرشتگان او و کتابها و فرستادگانش، ایمان آورده‌اند (و می گویند:) ما در میان هیچ یک از پیامبران او، فرق نمی گذاریم (و به همه ایمان داریم). و (مؤمنان) گفتند: «ما شنیدیم و اطاعت کردیم. پروردگارا! (انتظارِ) آمرزش تو را (داریم) و بازگشت (ما) به سوی توست.»

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه و آله و سلم: لَيْلَةَ أُسْرِيَ بِي إِلَى الْجَلِيلِ جَلَّ جَلَالُهُ أَوْحَى إِلَيَّ: «آمَنَ الرَّسُولُ بِما أُنْزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ»، قُلْتُ: وَ الْمُؤْمِنُونَ؟ قَالَ: صَدَقْتَ، يَا مُحَمَّدُ! مَنْ خَلَّفْتَ فِي أُمَّتِكَ ؟ قُلْتُ: خَيْرَهَا، قَالَ: عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ، قُلْتُ: نَعَمْ يَا رَبِّ، قَالَ: يَا مُحَمَّدُ! إِنِّي اطَّلَعْتُ إِلَى الْأَرْضِ اطِّلَاعَةً فَاخْتَرْتُكَ مِنْهَا، فَشَقَقْتُ لَكَ اسْماً مِنْ أَسْمَائِي فَلَا أُذْكَرُ فِي مَوْضِعٍ إِلَّا ذُكِرْتَ مَعِي، فَأَنَا الْمَحْمُودُ وَ أَنْتَ مُحَمَّدٌ صلى الله عليه و آله و سلم، ثُمَّ اطَّلَعْتُ الثَّانِيَةَ فِيهَا فَاخْتَرْتُ مِنْهَا عَلِيّاً وَ شَقَقْتُ لَهُ اسْماً مِنْ أَسْمَائِي، فَأَنَا الْأَعْلَى وَ هُوَ عَلِيٌّ، يَا مُحَمَّدُ! إِنِّي خَلَقْتُكَ وَ خَلَقْتُ عَلِيّاً وَ فَاطِمَةَ وَ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ وَ الْأَئِمَّةَ مِنْ وُلْدِهِ مِنْ سِنْخِ نُورٍ مِنْ نُورِي، وَ عَرَضْتُ وَلَايَتَكُمْ عَلَى أَهْلِ السَّمَاوَاتِ وَ أَهْلِ الْأَرَضِينَ، فَمَنْ قَبِلَهَا كَانَ عِنْدِي مِنَ الْمُؤْمِنِينَ، وَ مَنْ جَحَدَهَا كَانَ عِنْدِي مِنَ الْكَافِرِينَ، يَا مُحَمَّدُ! لَوْ أَنَّ عَبْداً مِنْ عَبِيدِي عَبَدَنِي حَتَّى يَنْقَطِعَ وَ يَصِيرَ كَالشَّنِّ الْبَالِي ثُمَّ أَتَانِي جَاحِداً لِوَلَايَتِكُمْ، مَا غَفَرْتُ لَهُ حَتَّى يُقِرَّ بِوَلَايَتِكُمْ، يَا مُحَمَّدُ! تُحِبُّ أَنْ تَرَاهُمْ ؟ قُلْتُ: نَعَمْ يَا رَبِّ، فَقَالَ لِي: الْتَفِتْ عَنْ يَمِينِ الْعَرْشِ، فَالْتَفَتُّ، فَإِذَا أَنَا بِعَلِيٍّ وَ فَاطِمَةَ وَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ وَ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ وَ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ وَ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ وَ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى وَ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ وَ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ وَ الْمَهْدِيِّ فِي ضَحْضَاحٍ مِنْ نُورٍ، قِيَامٌ يُصَلُّونَ وَ فِي وَسْطِهِمُ الْمَهْدِيُّ يُضِيءُ كَأَنَّهُ كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ، فَقَالَ: يَا مُحَمَّدُ! هَؤُلَاءِ الْحُجَجُ وَ الْقَائِمُ مِنْ عِتْرَتِكَ، وَ عِزَّتِي وَ جَلَالِي! لَهُ الْحُجَّةُ الْوَاجِبَةُ لِأَوْلِيَائِي وَ هُوَ الْمُنْتَقِمُ مِنْ أَعْدَائِي، بِهِمْ يُمْسِكُ اللَّهُ السَّمَاوَاتِ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ.۷۲

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: شبی که مرا به آسمانها سیر دادند خداوند عزیز جلّ جلاله فرمود: «پیغمبر به آنچه از جانب پروردگارش به او نازل شده ایمان آورد» من گفتم: «و مؤمنان» (نیز ایمان آورده‌اند؟) خدای متعال فرمود: درست گفتی، ای محمد! چه کسی را پس از خود برای امّت گذاشتی؟ گفتم: بهترین آنان را فرمود: علی بن ابی طالب را؟ گفتم: بلی، پروردگارا، فرمود: ای محمد! من نظری به زمین افکندم و تو را از آن برگزیدم، و برای تو نامی از نامهای خود جدا کرده و برگرفتم، من در جایی یاد نشوم مگر اینکه تو (هم) یاد شوی، من محمودم و تو محمد، سپس دوباره به زمین نظر افکنده و علی را از آن انتخاب کردم، و برای او (هم) نامی از نامهای خود برگرفتم، من اعلایم و او علیّ است، ای محمد! من تو را و علی و فاطمه و حسن و حسین را از شبح نوری از نور خودم آفریدم، و ولایت شما را بر أهل آسمانها و زمینها عرضه داشتم، هر که پذیرفت نزد من از مؤمنان است، و هر که نپذیرفت در نزد من از کافران است. ای محمد! اگر بنده‌ای مرا عبادت کند تا از پا افتد و مانند مشک پوسیده گردد و در حالی که منکر ولایت شما است نزد من آید او را نیامرزم تا آنگاه که گواهی به ولایت شما دهد، ای محمد! آیا دوست داری آنان را ببینی؟ عرض کردم: آری، پروردگارا! فرمود: به طرف راست عرش توجّه نما، متوجه (آن طرف) شدم ناگاه علی و فاطمه و حسن و حسین و علی و محمد و جعفر و موسی و علی و محمد و علی و حسن و مهدی را در فضایی از نور دیدم که ایستاده و نماز می‌خوانند، و مهدی در وسط آنان چون ستاره‌ی درخشان بود؛ پس خداوند فرمود: ای محمّد! اینها حجّتهای من هستند و مهدی انتقام گیرنده‌ی عترت تو است، به عزّت و جلال خودم سوگند! او حجّتی است که ولایتش بر اولیای من واجب است و اوست که از دشمنان من انتقام خواهد گرفت، به واسطه‌ی ایشان است که خدای متعال آسمان را نگه می‌دارد تا روی زمین سقوط نکند.

شماره: ۱۴: راسخون

کد آیه: ۷ / ۳

{هُوَ الَّذِی أَنْزَلَ عَلَیْکَ الْکِتـابَ مِنْهُ آیـاتٌ مُحْکَمـاتٌ هُنَّ أُمُّ الْکِتـابِ وَ أُخَرُ مُتَشابِهاتٌ فَأَمَّا الَّذِینَ فِی قُلُوبِهِمْ زَیْغٌ فَیَتَّبِعُونَ ما تَشابَهَ مِنْهُ ابْتِغاءَ الْفِتْنَهِٔ وَ ابْتِغاءَ تَأْوِیلِهِ وَ ما یَعْلَمُ تَأْوِیلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَ الرَّاسِخُونَ فِی الْعِلْمِ یَقُولُونَ آمَنَّا بِهِ کُلٌّ مِنْ عِنْدِ رَبِّنا وَ ما یَذَّکَّرُ إِلَّا أُولُوا الْأَلْبابِ}

او کسی است که این کتاب (آسمانی) را بر تو نازل کرد، که قسمتی از آن، آیات «محکم» [صریح و روشن] است که اساس این کتاب می‌باشد و قسمتی از آن، «متشابه» است اما آنها که در قلوبشان انحراف است، به دنبال متشابهاتند، تا فتنه‌انگیزی کنند (و مردم را گمراه سازند) و تفسیر (نادرستی) برای آن می‌طلبند در حالی که تفسیر آنها را، جز خدا و راسخان در علم، نمی‌دانند. (آنها که به دنبال فهم و درکِ اسرارِ همه آیات قرآن در پرتو علم و دانش الهی) می گویند: «ما به همه آن ایمان آوردیم همه از طرف پروردگارِ ماست.» و جز صاحبان عقل، متذکر نمی‌شوند.

۱ ـ عَنْ أَبِی بَصِیرٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: نَحْنُ الرَّاسِخُونَ فِی الْعِلْمِ وَ نَحْنُ نَعْلَمُ تَأْوِیلَهُ.۷۳

ابو بصیر از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است که: مائیم راسخون در علم و ما می‌دانیم تأویل متشابه قرآن را.

۲ ـ عن عبد الرحمن بن کثیر، عن أبی عبد الله علیه السلام فی قول الله تعالی: «هُوَ الَّذِی أَنْزَلَ عَلَیْکَ الْکِتابَ مِنْهُ آیاتٌ مُحْکَماتٌ هُنَّ أُمُّ الْکِتابِ» قال: أمیر المؤمنین علیه السلام و الأئمهٔ علیهم السلام ، «وَ أُخَرُ مُتَشابِهاتٌ» قال: «فلان و فلان» «فَأَمَّا الَّذِینَ فِی قُلُوبِهِمْ زَیْغٌ»: «أصحابهم و أهل ولایتهم». «فَیَتَّبِعُونَ ما تَشابَهَ مِنْهُ ابْتِغاءَ الْفِتْنَهِٔ وَ ابْتِغاءَ تَأْوِیلِهِ وَ ما یَعْلَمُ تَأْوِیلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَ الرَّاسِخُونَ فِی الْعِلْمِ»: أمیر المؤمنین علیه السلام و الأئمهٔ علیهم السلام .۷۴

عبد الرحمن بن کثیر از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده که حضرت در باره‌ی آیه شریفه: «و هُوَ الَّذِی أَنْزَلَ عَلَیْکَ الْکِتابَ مِنْهُ آیاتٌ مُحْکَماتٌ هُنَّ أُمُّ الْکِتابِ»، فرمودند: منظور از آیات محکمات امیر المؤمنین و ائمه علیهم السلام هستند «وَ أُخَرُ مُتَشابِهاتٌ»، مقصود از متشابهات فلانی و فلانی است، «فَأَمَّا الَّذِینَ فِی قُلُوبِهِمْ زَیْغٌ فَیَتَّبِعُونَ ما تَشابَهَ مِنْهُ ابْتِغاءَ الْفِتْنَهِٔ وَ ابْتِغاءَ تَأْوِیلِهِ وَ ما یَعْلَمُ تَأْوِیلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَ الرَّاسِخُونَ فِی الْعِلْمِ»، فرمودند: راسخین در علم امیر المؤمنین و ائمه علیهم السلام هستند.

۳ ـ عَنْ أَبِی الصَّبَّاحِ قَالَ: قَالَ لِی أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام: یَا أَبَا الصَّبَّاحِ! نَحْنُ قَوْمٌ فَرَضَ اللَّهُ طَاعَتَنَا، لَنَا الْأَنْفَالُ وَ لَنَا صَفْوُ الْمَالِ وَ نَحْنُ الرَّاسِخُونَ فِی الْعِلْمِ وَ نَحْنُ الْمَحْسُودُونَ، الَّذِینَ قَالَ اللَّهُ فِی کِتَابِهِ.۷۵

حضرت صادق علیه السلام فرمودند: ای ابو صباح! ما گروهی هستیم که خداوند اطاعت ما را واجب نموده و خمس متعلّق بما است و مال پاکیزه از ما است، ما راسخون در علم هستیم، به ما حسادت می‌ورزند که خداوند در این آیه می‌فرماید: «أَمْ یَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلی ما آتاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ».

۴ ـ عَنْ أَبِی بَصِیرٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: سَمِعْتُهُ یَقُولُ: إِنَّ الْقُرْآنَ زَاجِرٌ وَ آمِرٌ، یَأْمُرُ بِالْجَنَّهِٔ وَ یَزْجُرُ عَنِ النَّارِ، وَ فِیهِ مُحْکَمٌ وَ مُتَشَابِهٌ، فَأَمَّا الْمُحْکَمُ فَیُؤْمِنُ بِهِ وَ یَعْمَلُ بِهِ وَ یَدِینُ بِهِ، وَ أَمَّا الْمُتَشَابِهُ فَیُؤْمِنُ بِهِ وَ لَا یَعْمَلُ بِهِ وَ هُوَ قَوْلُ اللَّهِ: «فَأَمَّا الَّذِینَ فِی قُلُوبِهِمْ زَیْغٌ فَیَتَّبِعُونَ ما تَشابَهَ مِنْهُ ابْتِغاءَ الْفِتْنَهِٔ وَ ابْتِغاءَ تَأْوِیلِهِ وَ ما یَعْلَمُ تَأْوِیلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَ الرَّاسِخُونَ فِی الْعِلْمِ یَقُولُونَ آمَنَّا بِهِ کُلٌّ مِنْ عِنْدِ رَبِّنا» وَ الرَّاسِخُونَ فِی الْعِلْمِ آلُ

مُحَمَّدٍ علیهم السلام .۷۶

ابو بصیر از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده که حضرت فرمودند: قرآن زجر کننده است و امر کننده، امر می کند به بهشت و زجر می‌کند از جهنم، و در آن محکم هست و متشابه، و امّا محکم را، پس ایمان می‌آوری به آن و عمل می‌کنی و به آن اعتقاد داری، و امّا متشابه را، پس ایمان می‌آوری به آن و عمل نمی‌کنی به آن و این است معنی قول حق تعالی: «فَأَمَّا الَّذِینَ فِی قُلُوبِهِمْ زَیْغٌ فَیَتَّبِعُونَ ما تَشابَهَ مِنْهُ ابْتِغاءَ الْفِتْنَهِٔ وَ ابْتِغاءَ تَأْوِیلِهِ وَ ما یَعْلَمُ تَأْوِیلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَ الرَّاسِخُونَ فِی الْعِلْمِ یَقُولُونَ آمَنَّا بِهِ کُلٌّ مِنْ عِنْدِ رَبِّنا»، و راسخون در علم، آل محمد علیهم السلام هستند.

شماره: ۱۵: شهد الله

کد آیه: ۱۸ / ۳

{شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لا إِلهَ إِلاَّ هُوَ وَ الْمَلائِکَةُ وَ أُولُوا الْعِلْمِ قائِماً بِالْقِسْطِ لا إِلهَ إِلاَّ هُوَ الْعَزِیزُ الْحَکِیمُ}

خداونـد، گـواهی می‌دهـد کـه معبـودی جز او نیسـت و فرشـتگان و صاحبـان دانش، (هر کـدام به گـونه‌ای بر این مطلب،) گـواهی می‌دهند در حالی که (خداوند در تمام عالم) قیام به عدالت دارد معبودی جز او نیست، که هم توانا و هم حکیم است.

عَنْ غِیَاثِ بْنِ أَسِیدٍ شَهِدْتُ مُحَمَّدَ بْنَ عُثْمَانَ الْعَمْرِیَّ قَدَّسَ اللَّهُ رُوحَهُ، یَقُولُ: لَمَّا وُلِدَ الْخَلَفُ الْمَهْدِیُّ علیه السلام سَطَعَ نُورٌ مِنْ فَوْقِ رَأْسِهِ إِلَی أَعْنَانِ السَّمَاءِ، ثُمَّ سَقَطَ لِوَجْهِهِ سَاجِداً لِرَبِّهِ تَعَالَی ذِکْرُهُ، ثُمَّ رَفَعَ رَأْسَهُ وَ هُوَ یَقُولُ: «شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لا إِلهَ إِلَّا هُوَ وَ الْمَلائِکَةُ وَ أُولُوا الْعِلْمِ قائِماً بِالْقِسْطِ لا إِلهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِیزُ الْحَکِیمُ إِنَّ الدِّینَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلامُ»، قَالَ: وَ کَانَ مَوْلِدُهُ یَوْمَ الْجُمُعَةِ.۷۷

غیاث بن اسید گوید: با محمّد بن عثمان عمری قدس اللّه روحه (دومّین نایب خاص حضرت ولیّ عصر ارواحنا فداه) دیدار کردم، او می گفت: چون مهدی خلیفهٔ اللّه متولّد گردید نوری از بالای سرش به عنان آسمان ساطع گردید، سپس برای سجده پروردگارش به روی درافتاد، آنگاه سر خود را برداشت در حالی که می گفت: «شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لا إِلهَ إِلَّا هُوَ وَ الْمَلائِکَةُ وَ أُولُوا الْعِلْمِ قائِماً بِالْقِسْطِ لا إِلهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِیزُ الْحَکِیمُ إِنَّ الدِّینَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلامُ»، گوید: و میلاد او در روز جمعه بود.

شماره: ۱۶: وارث انبیاء

کد آیه: ۳۳ / ۳

{إِنَّ اللَّهَ اصْطَفی آدَمَ وَ نُوحاً وَ آلَ إِبْراهِیمَ وَ آلَ عِمْرانَ عَلَی الْعالَمِینَ}

به حقیقت خدا آدم و نوح و خاندان ابراهیم و خاندان عمران را بر جهانیان برگزید.

عَنْ جَابِرِ بْنِ یَزِیدَ الْجُعْفِیِّ قَالَ: قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِیٍّ الْبَاقِرُ علیهما‌السلام: یَا جَابِرُ! الْزَمِ الْأَرْضَ وَ لَا تُحَرِّکْ یَداً وَ لَا رِجْلًا حَتَّی تَرَی عَلَامَاتٍ أَذْکُرُهَا لَکَ إِنْ أَدْرَکْتَهَا، أَوَّلُهَا اخْتِلَافُ بَنِی الْعَبَّاسِ وَ مَا أَرَاکَ تُدْرِکُ ذَلِکَ وَ لَکِنْ حَدِّثْ بِهِ مِنْ بَعْدِی عَنِّی...

إلی أن قال فی الحدیث: قَالَ: وَ الْقَائِمُ علیه السلام یَوْمَئِذٍ بِمَکَّةَ قَدْ أَسْنَدَ ظَهْرَهُ إِلَی الْبَیْتِ الْحَرَامِ مُسْتَجِیراً بِهِ فَیُنَادِی: یَا أَیُّهَا النَّاسُ! إِنَّا نَسْتَنْصِرُ اللَّهَ فَمَنْ أَجَابَنَا مِنَ النَّاسِ فَإِنَّا أَهْلُ بَیْتِ نَبِیِّکُمْ مُحَمَّدٍ وَ نَحْنُ أَوْلَی النَّاسِ بِاللَّهِ وَ بِمُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله و سلم، فَمَنْ حَاجَّنِی فِی آدَمَ فَأَنَا أَوْلَی النَّاسِ بِآدَمَ وَ مَنْ حَاجَّنِی فِی نُوحٍ فَأَنَا أَوْلَی النَّاسِ بِنُوحٍ وَ مَنْ حَاجَّنِی فِی إِبْرَاهِیمَ فَأَنَا أَوْلَی النَّاسِ بِإِبْرَاهِیمَ وَ مَنْ حَاجَّنِی فِی مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله و سلم فَأَنَا أَوْلَی النَّاسِ بِمُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله و سلم وَ مَنْ حَاجَّنِی فِی النَّبِیِّینَ فَأَنَا أَوْلَی النَّاسِ بِالنَّبِیِّینَ أَ لَیْسَ اللَّهُ یَقُولُ فِی مُحْکَمِ کِتَابِهِ: «إِنَّ اللَّهَ اصْطَفی آدَمَ وَ نُوحاً وَ آلَ إِبْراهِیمَ وَ آلَ عِمْرانَ عَلَی الْعالَمِینَ ذُرِّیَّةً بَعْضُها مِنْ بَعْضٍ وَ اللَّهُ سَمِیعٌ عَلِیمٌ» فَأَنَا بَقِیَّةٌ مِنْ آدَمَ وَ ذَخِیرَةٌ مِنْ نُوحٍ وَ مُصْطَفًی مِنْ إِبْرَاهِیمَ وَ صَفْوَةٌ مِنْ مُحَمَّدٍ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِم.۷۸

از جابر جعفی روایت است که گفت: امام محمـد باقر علیه السـلام فرمودنـد: ای جابر! دست و پای خود را جمع کن و در جای خود بنشـین تـا آنگـاه که این علامات را که هم اکنون برای تو نقل می‌کنم ببینی!: نخستین علامت کشـمکش بنی عباس بر سـر حکومت است که گمان نمی‌کنم آن را ببینی، ولی بعد از من اینها را نقل کن...

تا آنجا که فرمودند:

در آن روز قائم در مکه است، او در آنجا تکیه به خانه خـدا می‌دهـد و در حالی که پناه به آن برده است، می گوید: ای مردم! ما از خداونـد و هر کس که دعوت مـا را بپـذیرد اسـتمداد می‌کنیم، من از خـانواده محمـد پیغمبرتـان هسـتم، ما از هر کس به خداونـد و حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم نزدیکتریم.

هر کس می‌خواهد در باره آدم با من گفتگو کند، بداند که من از هر کس به آدم نزدیکترم. و هر کس می‌خواهد در خصوص نوح با من سخن بگوید، بداند که من از هر کس به نوح نزدیکترم و هر کس می‌خواهد با من در باره ابراهیم گفتگو نماید، بداند که من نزدیکترین مردم به ابراهیم هستم و هر کس می‌خواهد با من در باره محمد صلی الله علیه و آله و سلم گفتگو کند بداند که من از هر کس به محمد نزدیکترم. و هر کس می‌خواهد با من در باره پیغمبران گفتگو کند بداند که من از هر کس بپیغمبران نزدیکترم، مگر خداوند در کتاب محکم خود نفرموده: «إِنَّ اللَّهَ اصْطَفی آدَمَ وَ نُوحاً وَ آلَ إِبْراهِیمَ وَ آلَ عِمْرانَ عَلَی الْعالَمِینَ ذُرِّیَّةً بَعْضُها مِنْ بَعْضٍ وَ اللَّهُ سَمِیعٌ عَلِیمٌ» یعنی: خداوند آدم و نوح و فرزندان ابراهیم و فرزندان عمران را بر جهانیان تفضیل داد. اینان ذریه‌ای هستند که بعضی از بعضی دیگر پدید آمده‌اند و خداوند شنوا و داناست، بدانید که من بازمانده آدم و ذخیره نوح و برگزیده ابراهیم و منتخب محمد صلی الله علیه و آله و سلم هستم.

شماره: ۱۷: سنگسار کردن شیطان

کد آیه: ۳۶ / ۳

{... وَ إِنِّی أُعِیذُها بِکَ وَ ذُرِّیَّتَها مِنَ الشَّیْطانِ الرَّجِیمِ}

... او و فرزندانش را از شرّ شیطان رانده شده در پناه تو قرار می‌دهم.

عَنْ عَبْدِ الْعَظِیمِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْحَسَنِیِّ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا الْحَسَنِ عَلِیَّ بْنَ مُحَمَّدٍ الْعَسْکَرِیَّ علیهماالسلام، یَقُولُ: مَعْنَی الرَّجِیمِ أَنَّهُ مَرْجُومٌ بِاللَّعْنِ، مَطْرُودٌ مِنْ مَوَاضِعِ الْخَیْرِ، لَا یَذْکُرُهُ مُؤْمِنٌ إِلَّا لَعَنَهُ، وَ إِنَّ فِی عِلْمِ اللَّهِ السَّابِقِ أَنَّهُ إِذَا خَرَجَ الْقَائِمُ علیه السلام، لَا یَبْقَی مُؤْمِنٌ فِی زَمَانِهِ إِلَّا رَجَمَهُ بِالْحِجَارَةِ کَمَا کَانَ قَبْلَ ذَلِکَ مَرْجُوماً بِاللَّعْنِ.۷۹

عبد العظیم بن عبد اللَّه حسنی گوید: از حضرت امام علی النقی علیه السلام شنیدم که می‌فرمودند: مفهوم رجیم آن است که شیطان با لعن از درگاه خدا رانده شده، و از هر جای خیر و نیکی دور شده، هیچ مؤمنی او را یاد نمی‌کند، مگر اینکه بر او لعنت فرستد، به راستی در علم اولیّه‌ی خداوند گذشته است که، وقتی امام قائم علیه السلام قیام فرماید، هیچ مؤمنی نمی ماند مگر آن که در آن زمان همانطور که قبلاً او را لعن و نفرین می کرد، سنگ بر او می زند و او را از خود دور می‌سازد.

شماره: ۱۸: شباهت به حضرت ابراهیم علیه السلام

کد آیه: ۶۸ / ۳

{إِنَّ أَوْلَی النَّاسِ بِإِبْراهِیمَ لَلَّذِینَ اتَّبَعُوهُ وَ هذَا النَّبِیُّ وَ الَّذِینَ آمَنُوا وَ اللَّهُ وَلِیُّ الْمُؤْمِنِینَ}

نزدیکترین مردم به ابراهیم کسانی هستند که از او پیروی کنند و این پیغمبر و امّتش که اهل ایمانند و خدا دوستدار و سرپرست مؤمنان است.

۱ ـ عَن إِسْمَاعِیل بْنِ جَابِرٍ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِیٍّ علیهما السلام (فی حدیث طویل) أَنَّهُ قَالَ: ... وَ اللَّهِ لَکَأَنِّی أَنْظُرُ إِلَیْهِ وَ قَدْ أَسْنَدَ ظَهْرَهُ إِلَی الْحَجَرِ فَیَنْشُدُ اللَّهَ حَقَّهُ ثُمَّ یَقُولُ یَا أَیُّهَا النَّاسُ مَنْ یُحَاجُّنِی فِی اللَّهِ فَأَنَا أَوْلَی النَّاسِ بِاللَّهِ أَیُّهَا النَّاسُ مَنْ یُحَاجُّنِی فِی آدَمَ فَأَنَا أَوْلَی النَّاسِ بِآدَمَ أَیُّهَا النَّاسُ مَنْ یُحَاجُّنِی فِی نُوحٍ فَأَنَا أَوْلَی النَّاسِ بِنُوحٍ أَیُّهَا النَّاسُ مَنْ یُحَاجُّنِی فِی إِبْرَاهِیمَ فَأَنَا أَوْلَی النَّاسِ بِإِبْرَاهِیمَ...۸۰

اسماعیل بن جابر از امام باقر علیه السلام در خبری طولانی روایت کرده که حضرت فرمودند: ... به خدا سوگند! گویی به او [قائم] می نگرم که با پشت، به حجر [الاسود] تکیه زده، و آنگاه خدا را به حق خودش سوگند می دهد و سپس می گوید: ای مردم! هر کس درباره خدا با من محاجه و بحث کند، من سزاوارترین فرد به خدا هستم، و هر کس در باره حضرت آدم علیه السلام با من

محاجه نماید، من سزاوارترین شخص به آدم علیه السلام هستم، ای مردم! هر کس درباره نوح با من احتجاج کند، من سزاوارترین مردم به نوح علیه السلام هستم، ای مردم! هر کس در باره ابراهیم علیه السلام با من احتجاج نماید، من سزاوارترین فرد به ابراهیم علیه السلام می‌باشم.

۲ ـ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَجْلَانَ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام فِی قَوْلِهِ تَعَالَی: «إِنَّ أَوْلَی النَّاسِ بِإِبْراهِیمَ لَلَّذِینَ اتَّبَعُوهُ وَ هذَا النَّبِیُّ وَ الَّذِینَ آمَنُوا» قَالَ: هُمُ الْأَئِمَّةُ علیهم السلام وَ مَنِ اتَّبَعَهُمْ.۸۱

عبد الله بن عجلان گوید: حضرت باقر علیه السلام در تفسیر آیه شریفه: «إِنَّ أَوْلَی النَّاسِ بِإِبْراهِیمَ لَلَّذِینَ اتَّبَعُوهُ وَ هذَا النَّبِیُّ وَ الَّذِینَ آمَنُوا»، فرمودند: مقصود ائمّه علیهم السلام و پیروان آنها می‌باشند.

شماره: ۱۹: رجعت انبیاء

کد آیه: ۸۱ / ۳

{وَ إِذْ أَخَذَ اللَّهُ میثاقَ النَّبِیِّینَ لَما آتَیْتُکُمْ مِنْ کِتابٍ وَ حِکْمَةٍ ثُمَّ جاءَکُمْ رَسُولٌ مُصَدِّقٌ لِما مَعَکُمْ لَتُؤْمِنُنَّ بِهِ وَ لَتَنْصُرُنَّهُ قالَ أَ أَقْرَرْتُمْ وَ أَخَذْتُمْ عَلی ذلِکُمْ إِصْری قالُوا أَقْرَرْنا قالَ فَاشْهَدُوا وَ أَنَا مَعَکُمْ مِنَ الشَّاهِدینَ}

و (یاد کن) آن گاه که خدا از پیغمبران (و امّتهاشان) پیمان گرفت که چون به شما کتاب و حکمت بخشیدم سپس بر شما (اهل کتاب) رسولی از جانب خدا آمد که گواهی به راستی کتاب و شریعت شما می‌داد به او ایمان آورده و یاری او کنید خدا فرمود: آیا اقرار داشته و پیمان مرا بر این امر پذیرفتید؟ همه گفتند: اقرار داریم. خدا فرمود: گواه باشید، من هم با شما گواهم.

عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُسْکَانَ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام فِی قَوْلِهِ: «وَ إِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِیثاقَ النَّبِیِّینَ لَما آتَیْتُکُمْ مِنْ کِتابٍ وَ حِکْمَةٍ، ثُمَّ جاءَکُمْ رَسُولٌ مُصَدِّقٌ لِما مَعَکُمْ لَتُؤْمِنُنَّ بِهِ وَ لَتَنْصُرُنَّهُ»، قَالَ: مَا بَعَثَ اللَّهُ نَبِیّاً مِنْ لَدُنْ آدَمَ إِلَی عِیسَی علیه السلام إِلَّا أَنْ یَرْجِعَ إِلَی الدُّنْیا فَیَنْصُرَ أَمِیرَ الْمُؤْمِنِینَ علیه السلام وَ هُوَ قَوْلُهُ «لَتُؤْمِنُنَّ بِهِ» یَعْنِی رَسُولَ اللَّهِ وَ لَتَنْصُرُنَّهُ یَعْنِی أَمِیرَ الْمُؤْمِنِین.۸۲

علی بن ابراهیم در تفسیرش از عبد اللّه بن مسکان نقل می‌کند که حضرت صادق علیه السلام در تفسیر این آیه: «هنگامی که خدا از پیمبران پیمان گرفت که این کتاب و حکمتی را که به شما دادم، اگر پیغمبری سویتان آمد و آنچه نزد شما است تصدیق کرد باید به وی ایمان آرید و یاریش کنید،» فرمودند: از زمان حضرت آدم تا کنون خدا هیچ پیغمبری نفرستاده جز این که به دنیا برمی‌گردد و پیغمبر و امیر المؤمنین علیهماالسلام را یاری می‌کند، و تأویل آیه چنین است که «باید به پیغمبر ایمان آرید و امیر المؤمنین را یاری کنید». (و این در زمان رجعت محقق خواهد شد ان شاء الله)

شماره: ۲۰: فقط اسلام

کد آیه: ۸۳ / ۳

{أَ فَغَیْرَ دِینِ اللَّهِ یَبْغُونَ وَ لَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِی السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ طَوْعاً وَ کَرْهاً وَ إِلَیْهِ یُرْجَعُونَ}

آیا کافران، دینی غیر دین خدا را می‌طلبند؟ و حال آنکه هر که در آسمانها و زمین است خواه ناخواه مطیع امر خداست و همه به سوی او بازگردانده می‌شوند.

۱ ـ عَنِ ابْنِ بُکَیْرٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ علیه السلام، عَنْ قَوْلِهِ: «وَ لَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِی السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ طَوْعاً وَ کَرْهاً»، قَالَ: أُنْزِلَتْ فِی الْقَائِمِ علیه السلام، إِذَا خَرَجَ بِالْیَهُودِ وَ النَّصَارَی وَ الصَّابِئِینَ وَ الزَّنَادِقَةِ وَ أَهْلِ الرِّدَّةِ وَ الْکُفَّارِ فِی شَرْقِ الْأَرْضِ وَ غَرْبِهَا، فَعَرَضَ عَلَیْهِمُ الْإِسْلَامَ فَمَنْ أَسْلَمَ طَوْعاً أَمَرَهُ بِالصَّلَاةِ وَ الزَّکَاةِ، وَ مَا یُؤْمَرُ بِهِ الْمُسْلِمُ وَ یَجِبُ لِلَّهِ عَلَیْهِ، وَ مَنْ لَمْ یُسْلِمْ ضَرَبَ عُنُقَهُ حَتَّی لَا یَبْقَی فِی الْمَشَارِقِ وَ الْمَغَارِبِ أَحَدٌ، إِلَّا وَحَّدَ اللَّهَ، قُلْتُ لَهُ: جُعِلْتُ فِدَاکَ! إِنَّ الْخَلْقَ أَکْثَرُ مِنْ ذَلِکَ، فَقَالَ: إِنَّ اللَّهَ إِذَا أَرَادَ أَمْراً قَلَّلَ الْکَثِیرَ وَ کَثَّرَ

الْقَلِيلَ.۸۳

از عبد اللَّه بن بکیر روایت است که گفت: از حضرت صادق علیه السلام تفسیر این آیه: «وَ لَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ» را پرسیدم، حضرت فرمودند: این آیه در باره قائم نازل شده، هنگامی که علیه یهود و نصارا و صابئین و مادیها و برگشتگان از اسلام و کفّار در شرق و غرب کره زمین، قیام می‌کند، و اسلام را پیشنهاد می‌نماید، هر کس از روی میل پذیرفت دستور می‌دهد که نماز بخواند و زکاهٔ بدهد و آنچه هر مسلمانی مأمور به انجام آن است بر وی نیز واجب می‌کند، و هر کس مسلمان نشد گردنش را می‌زند تا آنکه در شرق و غرب عالم یک نفر خدا نشناس باقی نماند.

عرض کردم: قربانت گردم! در روی زمین مردم بسیار هستند چطور قائم علیه السلام می‌تواند همه آنها را مسلمان کند و یا گردن بزند؟ حضرت فرمودند: هنگامی که خداوند چیزی را اراده کند، چیز اندک را زیاد و زیاد را کم می گرداند.

۲ ـ عن رفاعهٔ بن موسی، قال: سمعت أبا عبد الله علیه السلام یقول: «وَ لَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ طَوْعاً وَ كَرْهاً» قال: إذا قام القائم علیه السلام لا تبقی أرض إلا نودی فیها بشهادهٔ أن لا إله إلا الله، و أن محمدا رسول الله.۸۴

رفاعهٔ بن موسی گفت: شنیدم امام صادق علیه السلام می‌فرمودند: تأویل آن اینست که موقع ظهور قائم ما، زمینی نیست که در آن لا اله الّا اللَّه و محمّد رسول اللَّه گفته نشود.

شماره: ۲۱: امنیّت در سایه بیعت با حضرت مهدی علیه السلام

کد آیه: ۹۷ / ۳

{فِيهِ آياتٌ بَيِّناتٌ مَقامُ إِبْراهِيمَ وَ مَنْ دَخَلَهُ كانَ آمِناً وَ لِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا وَ مَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعالَمِينَ}

در آن، نشانه‌های روشن، (از جمله) مقام ابراهیم است و هر کس داخل آن [خانه خدا] شود در امان خواهد بود، و برای خدا بر مردم است که آهنگ خانه (او) کنند، آنها که توانایی رفتن به سوی آن دارند. و هر کس کفر ورزد (و حج را ترک کند، به خود زیان رسانده)، خداوند از همه جهانیان، بی‌نیاز است.

فی حدیثٍ طویل... عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: دَخَلَ عَلَيْهِ أَبُو حَنِيفَةَ، فَقَالَ لَهُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام: ... فَقَالَ: يَا ابَا حَنِيفَةَ! أَخْبِرْنِی عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عز و جل: «وَ مَنْ دَخَلَهُ كانَ آمِناً»، أَيْنَ ذَلِكَ مِنَ الْأَرْضِ؟ قَالَ: الْكَعْبَةُ، قَالَ: أَ فَتَعْلَمُ أَنَّ الْحَجَّاجَ بْنَ يُوسُفَ حِينَ وَضَعَ الْمَنْجَنِيقَ عَلَى ابْنِ الزُّبَيْرِ فِی الْكَعْبَةِ فَقَتَلَهُ كَانَ آمِناً فِيهَا؟ قَالَ: فَسَكَتَ فَلَمَّا خَرَجَ، قَالَ أَبُو بَكْرٍ الْحَضْرَمِيُّ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! الْجَوَابُ فِی الْمَسْأَلَتَيْنِ؟ فَقَالَ: يَا ابَا بَكْرٍ! «سِيرُوا فِيها لَيالِيَ وَ أَيَّاماً آمِنِينَ» فَقَالَ: مَعَ قَائِمِنَا أَهْلَ الْبَيْتِ وَ أَمَّا قَوْلُهُ «وَ مَنْ دَخَلَهُ كانَ آمِناً» فَمَنْ بَايَعَهُ وَ دَخَلَ مَعَهُ وَ مَسَحَ عَلَى يَدِهِ وَ دَخَلَ فِی عَقْدِ أَصْحَابِهِ كَانَ آمِناً، الْخَبَرَ.۸۵

از بعضی اصحاب امام صادق علیه السلام نقل است که روزی ابوحنیفه بر امام صادق علیه السلام وارد شد... حضرت به او فرمودند: ای ابو حنیفه! خبر ده مرا از فرموده حقّ عز و جل : «وَ مَنْ دَخَلَهُ كانَ آمِناً» (کسی که داخل آن مکان شود در امان می‌باشد) این مکان کدام نقطه زمین می‌باشد؟ ابو حنیفه گفت: مراد کعبه است، امام علیه السلام فرمودند: آیا می‌دانی حجّاج بن یوسف در کعبه منجنیق قرار داد و ابن زبیر را کشت پس چطور ابن زبیر در امان قرار نگرفت؟ راوی گفت: ابو حنیفه ساکت شد، پس از اینکه ابوحنیفه رفت ابو بکر حضرمی به امام صادق علیه السلام عرض کرد: فدایت شوم! تفسیر این آیه چیست؟ حضرت فرمودند: ای ابو بکر! مقصود از«وَ مَنْ دَخَلَهُ كانَ آمِناً» این است که هر کس با قائم ما بیعت کرده و در حزب آن حضرت باشد و دست آن بزرگوار را مسح کند و در گروه اصحابش باشد البته از هر گزندی در امان می‌باشد.

شماره: ۲۲: ملائکه یاوران حضرت مهدی علیه السلام

کد آیه: ۱۲۵ / ۳

{بَلی إِنْ تَصْبِرُوا وَ تَتَّقُوا وَ یَأْتُوکُمْ مِنْ فَوْرِهِمْ هذا یُمْدِدْکُمْ رَبُّکُمْ بِخَمْسَةِ آلافٍ مِنَ الْمَلائِکَةِ مُسَوِّمینَ}

آری، (امروز هم) اگر استقامت و تقوا پیشه کنید، و دشمن به همین زودی به سراغ شما بیاید، خداوند شما را به پنج هزار نفر از فرشتگان، که نشانه‌هایی با خود دارند، مدد خواهد داد!

فی تفسیر العیاشی عَنْ ضُرَیْسِ بْنِ عَبْدِ الْمَلِکِ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ: إِنَّ الْمَلَائِکَةَ الَّذِینَ نَصَرُوا مُحَمَّداً صلی الله علیه و آله و سلم یَوْمَ بَدْرٍ فِی الْأَرْضِ مَا صَعِدُوا بَعْدُ وَ لَا یَصْعَدُونَ حَتَّی یَنْصُرُوا صَاحِبَ هَذَا الْأَمْرِ وَ هُمْ خَمْسَةُ آلَافٍ.۸۶

تفسیر عیاشی از ضریس بن عبد الملک، از امام باقر علیه السلام روایت کرده که حضرت فرمودند: فرشتگانی که حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم را روز جنگ بدر در زمین یاری کردند، از آن پس به آسمان بالا نرفتند، و نمی‌روند تا اینکه صاحب الامر علیه السلام را یاری نمایند، تعداد آن فرشتگان پنج هزار تن است.

شماره: ۲۳: دولت قائم علیه السلام

کد آیه: ۱۴۰ / ۳

{إِنْ یَمْسَسْکُمْ قَرْحٌ فَقَدْ مَسَّ الْقَوْمَ قَرْحٌ مِثْلُهُ وَ تِلْکَ الْأَیَّامُ نُداوِلُها بَیْنَ النَّاسِ وَ لِیَعْلَمَ اللَّهُ الَّذینَ آمَنُوا وَ یَتَّخِذَ مِنْکُمْ شُهَداءَ وَ اللَّهُ لا یُحِبُّ الظَّالِمینَ}

اگر (در احد) به شما آسیبی رسید، به دشمنان شما نیز (در بدر) آسیب رسید، و ما این روزها (ی پیروزی و شکست) را در میان مردم می‌گردانیم تا خداوند مقام اهل ایمان را معلوم کند و از میان شما، شاهدانی بگیرد و خدا ستمکاران را دوست ندارد.

فی تفسیر العیاشی عَنْ زُرَارَةَ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام فِی قَوْلِ اللَّهِ «وَ تِلْکَ الْأَیَّامُ نُداوِلُها بَیْنَ النَّاسِ»، قَالَ: مَا زَالَ مُنْذُ خَلَقَ اللَّهُ آدَمَ دَوْلَةٌ لِلَّهِ وَ دَوْلَةٌ لِإِبْلِیسَ فَأَیْنَ دَوْلَةُ اللَّهِ أَمَا هُوَ قَائِمٌ وَاحِدٌ.۸۷

در تفسیر عیّاشی از زراره روایت می‌کند که امام صادق علیه السلام فرمودند: از زمان خلقت آدم همیشه دولتی از خدا و دولتی از شیطان بوده، پس در این زمان دولت خدا کو؟ آگاه باشید که صاحب دولت خدا قائم آل محمد علیهم السلام است.

شماره: ۲۴: امتحان مؤمنین در غیبت

کد آیه: ۱۴۲ / ۳

{أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تَدْخُلُوا الْجَنَّةَ وَ لَمَّا یَعْلَمِ اللَّهُ الَّذینَ جاهَدُوا مِنْکُمْ وَ یَعْلَمَ الصَّابِرینَ}

آیا چنین پنداشتید که (تنها با ادّعای ایمان) وارد بهشت خواهید شد، در حالی که خداوند هنوز مجاهدان از شما و صابران را مشخّص نساخته است؟!

عَنِ الْبَزَنْطِیِّ قَالَ: قَالَ أَبُو الْحَسَنِ علیه السلام: أَمَا وَ اللَّهِ لَا یَکُونُ الَّذِی تَمُدُّونَ إِلَیْهِ أَعْیُنَکُمْ حَتَّی تُمَیَّزُوا وَ تُمَحَّصُوا وَ حَتَّی لَا یَبْقَی مِنْکُمْ إِلَّا الْأَنْدَرُ ثُمَّ تَلَا: «أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تُتْرَکُوا ...» ... وَ لَمَّا یَعْلَمِ اللَّهُ الَّذِینَ جاهَدُوا مِنْکُمْ وَ یَعْلَمَ الصَّابِرینَ».۸۸

از احمد بن ابی نصر بزنطی روایت است که گفت: امام موسی بن جعفر علیهماالسلام فرمودند: به خدا قسم آنچه شما چشم به سوی آن دوخته‌اید واقع نمی‌شود، مگر بعد از اینکه تمیز داده شوید و امتحان بدهید و تا هنگامی که جز دسته‌ای اندک کسی از شما (شیعیان) نمی‌ماند، سپس این آیه را تلاوت فرمود: «أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تُتْرَکُوا ...» ... وَ لَمَّا یَعْلَمِ اللَّهُ الَّذِینَ جاهَدُوا مِنْکُمْ وَ یَعْلَمَ الصَّابِرِینَ».

یعنی: آیا گمان می‌کنید، که شما را به حال خود می‌گذارند، و تا کنون خداوند آنها را که جهاد می‌کنند و ثابت قدم می‌مانند نمی‌شناسد.

شماره: ۲۵: وظیفه‌ی منتظران

کد آیه: ۲۰۰ / ۳

{یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَ صابِرُوا وَ رابِطُوا وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّکُمْ تُفْلِحُونَ}

ای اهل ایمان، (در کار دین) صبور باشید و یکدیگر را به صبر و مقاومت سفارش کنید و مهیّا و مراقب کار دشمن بوده و خداترس باشید، شاید رستگار شوید.

۱ ـ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِیٍّ الْبَاقِرِ علیهما السلام فِی مَعْنَی قَوْلِهِ تَعَالَی: «یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَ صابِرُوا وَ رابِطُوا»، قَالَ: اصْبِرُوا عَلَی أَدَاءِ الْفَرَائِضِ وَ صابِرُوا عَدُوَّکُمْ وَ رابِطُوا، إِمَامَکُمُ الْمُنْتَظَرَ.۸۹

از امام محمد باقر علیه السلام نقل شده که فرمودند: تأویل آیه اینست: شکیبا باشید بر انجام فرائض دینی، و صبر کنید بر آزار دشمنانتان، و مواظب ظهور امام خود مهدی منتظر علیه السلام باشید.

۲ ـ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِیٍّ عَنْ أَبِیهِ عَلِیِّ بْنِ الْحُسَیْنِ علیهم السلام: أَنَّ ابْنَ عَبَّاسٍ بَعَثَ إِلَیْهِ مَنْ یَسْأَلُهُ عَنْ هَذِهِ الْآیَةِ: «یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَ صابِرُوا وَ رابِطُوا» فَغَضِبَ عَلِیُّ بْنُ الْحُسَیْنِ علیهماالسلام وَ قَالَ لِلسَّائِلِ: وَدِدْتُ أَنَّ الَّذِی أَمَرَکَ بِهَذَا وَاجَهَنِی بِهِ، ثُمَّ قَالَ: نَزَلَتْ فِی أَبِی وَ فِینَا وَ لَمْ یَکُنِ الرِّبَاطُ الَّذِی أُمِرْنَا بِهِ بَعْدُ وَ سَیَکُونُ ذَلِکَ ذُرِّیَّةٌ مِنْ نَسْلِنَا الْمُرَابِطُ،ثُمَّ قَالَ: أَمَا إِنَّ فِی صُلْبِهِ یَعْنِی ابْنَ عَبَّاسٍ وَدِیعَةً ذُرِئَتْ لِنَارِ جَهَنَّمَ سَیُخْرِجُونَ أَقْوَاماً مِنْ دِینِ اللَّهِ أَفْوَاجاً وَ سَتُصْبَغُ الْأَرْضُ بِدِمَاءِ فِرَاخٍ مِنْ فِرَاخِ آلِ مُحَمَّدٍ علیهم السلام تَنْهَضُ تِلْکَ الْفِرَاخُ فِی غَیْرِ وَقْتٍ وَ تَطْلُبُ غَیْرَ مُدْرَکٍ وَ یُرَابِطُ الَّذِینَ آمَنُوا وَ یَصْبِرُونَ وَ یُصَابِرُونَ حَتَّی یَحْکُمَ اللَّهُ وَ هُوَ خَیْرُ الْحاکِمِینَ.۹۰

امام باقر علیه السلام از پدر خویش علیّ بن الحسین علیهما السلام روایت فرموده‌اند که ابن عبّاس کسی را نزد علیّ بن الحسین علیهما السلام فرستاد تا معنی آیه: «یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَ صابِرُوا وَ رابِطُوا» را بپرسد، پس حضرت سجاد علیه السلام خشمگین شدند و به سئوال‌کننده فرمودند: دوست می‌داشتم آن کس که تو را به این امر گسیل داشته خود بدان پرسش با من روبرو می‌شد، سپس فرمودند: آیه در باره‌ی پدرم و ما خاندان نازل شده است، و آن مرابطه که ما به آن مأمور شده‌ایم هنوز وقتش نرسیده است، در آینده‌ای نزدیک ذریّه‌ای از نسل ما که وظیفه آن را به عهده دارد به وجود خواهد آمد، سپس فرمودند: بدان که در صلب او (یعنی ابن عبّاس) سپرده‌ای است که برای آتش دوزخ آفریده شده، در آینده نزدیک اقوامی را دسته دسته از دین خدا خارج خواهند ساخت، و زمین با خونهای جوجه‌گانی از جوجه‌گان آل محمّد علیهم السلام رنگین خواهد شد، آن جوجه‌گان که بی‌موقع و نابهنگام قیام می‌کنند و چیزی را که می‌طلبند بدان نخواهند رسید ولی آنان که اهل ایمانند مراقب بوده و صبر می‌کنند و یک دیگر را به بردباری سفارش می‌نمایند تا خداوند حکم فرماید و او بهترین حاکمان است.

شماره: ۲۶: شاهد

کد آیه: ۴۱ / ۴

{فَکَیْفَ إِذا جِئْنا مِنْ کُلِّ أُمَّةٍ بِشَهِیدٍ وَ جِئْنا بِکَ عَلی هؤُلاءِ شَهِیداً}

پس حال آنها چگونه است آن روزی که از هر امتی، شاهد و گواهی (بر اعمالشان) می‌آوریم، و تو را نیز بر آنان گواه خواهیم آورد؟

عَنْ سَمَاعَةَ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام: فِی قَوْلِ اللَّهِ عز و جل : «فَکَیْفَ إِذا جِئْنا مِنْ کُلِّ أُمَّةٍ بِشَهِیدٍ وَ جِئْنا بِکَ عَلی هؤُلاءِ شَهِیداً»، قَالَ: نَزَلَتْ فِی أُمَّةِ مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله و سلم خَاصَّةً فِی کُلِّ قَرْنٍ مِنْهُمْ إِمَامٌ مِنَّا شَاهِدٌ عَلَیْهِمْ وَ مُحَمَّدٌ صلی الله علیه و آله و سلم شَاهِدٌ عَلَیْنَا.۹۱

سماعه گفت حضرت صادق علیه السلام در باره‌ی آیه: «فَکَیْفَ إِذا جِئْنا مِنْ کُلِّ أُمَّةٍ بِشَهِیدٍ وَ جِئْنا بِکَ عَلی هؤُلاءِ شَهِیداً»، فرمودند: این آیه فقط در باره‌ی امت محمّد صلی الله علیه و آله و سلم نازل شده در هر قرنی از ما خانواده امامی وجود دارد که گواه بر آنها است و حضرت محمّد صلی الله علیه و آله و سلم گواه بر ما است.

شماره: ۲۷: خسف بیداء

کد آیه: ۴۷ / ۴

{یا أَیُّهَا الَّذینَ أُوتُوا الْکِتابَ آمِنُوا بِما نَزَّلْنا مُصَدِّقاً لِما مَعَکُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَطْمِسَ وُجُوهاً فَنَرُدَّها عَلی أَدْبارِها أَوْ نَلْعَنَهُمْ کَما لَعَنَّا أَصْحابَ السَّبْتِ وَ کانَ أَمْرُ اللَّهِ مَفْعُولاً}

ای کسانی که به شما کتاب آسمانی داده شد، به قرآنی که فرستادیم که مصدّق تورات و انجیل شماست ایمان آورید پیش از آنکه بر چهره‌هایی (از اثر ضلالت) خط خذلان کشیم و آنها را واژگون کنیم یا مانند اصحاب سَبت بر آنها لعنت و عذاب فرستیم، و (بترسید که) قضای خدا واقع‌شدنی است.

عَنْ جَابِرٍ قَالَ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ علیه السلام : یَا جَابِرُ! الْزَمِ الْأَرْضَ وَ لَا تُحَرِّکْ یَداً وَ لَا رِجْلًا حَتَّی تَرَی عَلَامَاتٍ أَذْکُرُهَا لَکَ إِنْ أَدْرَکْتَهَا أَوَّلُهَا اخْتِلَافُ بَنِی الْعَبَّاسِ وَ مَا أَرَاکَ تُدْرِکُ ذَلِکَ وَ لَکِنْ حَدِّثْ بِهِ مِنْ بَعْدِی عَنِّی وَ مُنَادٍ یُنَادِی مِنَ السَّمَاءِ وَ یَجِیئُکُمُ الصَّوْتُ مِنْ نَاحِیَةِ دِمَشْقَ بِالْفَتْحِ وَ تُخْسَفُ قَرْیَةٌ مِنْ قُرَی الشَّامِ تُسَمَّی الْجَابِیَةَ وَ تَسْقُطُ طَائِفَةٌ مِنْ مَسْجِدِ دِمَشْقَ الْأَیْمَنِ وَ مَارِقَةٌ تَمْرُقُ مِنْ نَاحِیَةِ التُّرْکِ وَ یَعْقُبُهَا هَرْجُ الرُّومِ وَ سَیُقْبِلُ إِخْوَانُ التُّرْکِ حَتَّی یَنْزِلُوا الْجَزِیرَةَ وَ سَتُقْبِلُ مَارِقَةُ الرُّومِ حَتَّی یَنْزِلُوا الرَّمْلَةَ فَتِلْکَ السَّنَةَ یَا جَابِرُ اخْتِلَافٌ کَثِیرٌ فِی کُلِّ أَرْضٍ مِنْ نَاحِیَةِ الْمَغْرِبِ فَأَوَّلُ أَرْضٍ الْمَغْرِبِ أَرْضُ الشَّامِ یَخْتَلِفُونَ عِنْدَ ذَلِکَ عَلَی ثَلَاثِ رَایَاتٍ رَایَةِ الْأَصْهَبِ وَ رَایَةِ الْأَبْقَعِ وَ رَایَةِ السُّفْیَانِیِّ فَیَلْتَقِی السُّفْیَانِیُّ بِالْأَبْقَعِ فَیَقْتَتِلُونَ وَ یَقْتُلُهُ السُّفْیَانِیُّ وَ مَنْ مَعَهُ وَ یَقْتُلُ الْأَصْهَبَ ثُمَّ لَا یَکُونُ لَهُ هِمَّةٌ إِلَّا الْإِقْبَالَ نَحْوَ الْعِرَاقِ وَ یَمُرُّ جَیْشُهُ بِقِرْقِیسَا فَیَقْتَتِلُونَ بِهَا فَیَقْتُلُ مِنَ الْجَبَّارِینَ مِائَةَ أَلْفٍ وَ یَبْعَثُ السُّفْیَانِیُّ جَیْشاً إِلَی الْکُوفَةِ وَ عِدَّتُهُمْ سَبْعُونَ أَلْفاً فَیُصِیبُونَ مِنْ أَهْلِ الْکُوفَةِ قَتْلًا وَ صَلْباً وَ سَبْیاً فَبَیْنَا هُمْ کَذَلِکَ إِذْ أَقْبَلَتْ رَایَاتٌ مِنْ قِبَلِ خُرَاسَانَ تَطْوِی الْمَنَازِلَ طَیّاً حَثِیثاً وَ مَعَهُمْ نَفَرٌ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ ثُمَّ یَخْرُجُ رَجُلٌ مِنْ مَوَالِی أَهْلِ الْکُوفَةِ فِی ضُعَفَاءَ فَیَقْتُلُهُ أَمِیرُ جَیْشِ السُّفْیَانِیِّ بَیْنَ الْحِیرَةِ وَ الْکُوفَةِ وَ یَبْعَثُ السُّفْیَانِیُّ بَعْثاً إِلَی الْمَدِینَةِ فَیَنْفِرُ الْمَهْدِیُّ مِنْهَا إِلَی مَکَّةَ فَیَبْلُغُ أَمِیرَ جَیْشِ السُّفْیَانِیِّ أَنَّ الْمَهْدِیَّ قَدْ خَرَجَ إِلَی مَکَّةَ فَیَبْعَثُ جَیْشاً عَلَی أَثَرِهِ فَلَا یُدْرِکُهُ حَتَّی یَدْخُلَ مَکَّةَ خَائِفاً یَتَرَقَّبُ عَلَی سُنَّةِ مُوسَی بْنِ عِمْرَانَ قَالَ وَ یَنْزِلُ أَمِیرُ جَیْشِ السُّفْیَانِیِّ الْبَیْدَاءَ فَیُنَادِی مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ یَا بَیْدَاءُ أَبِیدِی الْقَوْمَ فَیُخْسَفُ بِهِمْ فَلَا یُفْلِتُ مِنْهُمْ إِلَّا ثَلَاثَةُ نَفَرٍ یُحَوِّلُ اللَّهُ وُجُوهَهُمْ إِلَی أَقْفِیَتِهِمْ وَ هُمْ مِنْ کَلْبٍ وَ فِیهِمْ نَزَلَتْ هَذِهِ الْآیَةُ یا أَیُّهَا الَّذِینَ أُوتُوا الْکِتابَ آمِنُوا بِما نَزَّلْنا مُصَدِّقاً لِما مَعَکُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَطْمِسَ وُجُوهاً فَنَرُدَّها عَلی أَدْبارِها الْآیَةَ.۹۲

جابر بن یزید جعفیّ روایت کرده است که حضرت ابو جعفر محمّد بن علیّ الباقر علیهما السلام فرمودند: ای جابر! در خانه‌ات بنشین و دست و پائی نزن تا آنگاه که نشانه‌هائی را که برایت می‌گویم ببینی، البته اگر آخرالزمان را درک کردی.

اوّلش اختلاف بنی عبّاس است و به نظر من تو آن روز را درک نخواهی کرد ولی از من به کسانی که پس از من خواهند آمد بازگو کن، نشانه دیگر منادی که از آسمان ندا خواهد داد و از سوی دمشق آوازه فتح و پیروزی به شما خواهد رسید و یکی از آبادیهای شام به نام (جابیه) فرو خواهد رفت و قسمت راست مسجد جامع دمشق فرو می‌ریزد و گروهی خارج از دین که از ناحیه ترک باشند خروج کنند و از پی آن فرو پاشی و هرج و مرج در (روم) خواهد بود، آنگاه (ترکان) در جزیره و رومیها در

(رمله) فرود می آیند.

ای جابر! در آن سال در سراسر مغرب زمین اختلافات بزرگ و بسیاری روی خواهد داد. نخستین سرزمینی که ویران می گردد، سرزمین شام است و آن بخاطر سه پرچمی است که در آنجا به اهتزاز در می آید: پرچم (اصهب) یا زرد چهره، پرچم (ابقع) و مردی که نقطه های سیاه و سفید بر صورت دارد و پرچم سفیانی.

پس سفیانی با ابقع برخورد کند و بجنگد و سفیانی او و پیروانش را بکشد و سپس اصهب را بکشد سپس همّتی به جز آنکه رو به سوی عراق کند نخواهد داشت و سپاهیانش به (قرقیسیاء) گذر کنند و در آنجا بجنگند و یک صد هزار نفر از ستمگران در آن جنگ کشته شوند و سفیانی سپاهی به کوفه روانه کند که هفتاد هزار به شمار آیند و اهل کوفه را بکشند و به دار آویزند و اسیر کنند.

و درست در این شرایط دردناك است که پرچمهایی از طرف خراسان می رسد. نیرویی که به سرعت خود را به کوفه می رساند و در میان همین نیرو، گروهی از یاران راستین مهدی علیه السلام است . مردی از عجم و از اهل کوفه قیام می کند و با گروهی اندك بر ضد جنبش سفیانی وارد عمل می گردد، اما فرمانده لشکر سفیانی او را میان کوفه و حیره به قتل می رساند.

سفیانی سپاهی نیز به سوی مدینه گسیل می دارد، اما امام مهدی علیه السلام از مدینه به سوی مکه حرکت می کند. گزارش به فرمانده سپاه سفیانی می رسد که حضرت مهدی علیه السلام به سوی مکه در حرکت است و او سپاهی از پی حضرت می فرستد، اما آنان به آن حضرت نمی رسند و آن گرامی بسان (موسی بن عمران) و بر سیره و روش او، وارد مکه می گردد.

سپس حضرت فرمودند: فرمانده سپاه سفیانی در بیابانی فرود می آید و ندائی از آسمان ندا می دهد که: (ای کویر خشک و سوزان! این سپاه تجاوزکار را نابود ساز!) و اینجاست که زمین ، آنان را فرو می برد و جز سه نفر از آنان باقی نمی ماند و خدا آنان را نیز به گونه ای مسخ و به شدت کیفر می کند و چهرهایشان را به عقب بر می گرداند و آنان از قبیله کلب خواهند بود و این آیه در باره آنان نازل شده است: «یا أَیُّهَا الَّذِینَ أُوتُوا الْکِتابَ آمِنُوا بِما نَزَّلْنا مُصَدِّقاً لِما مَعَکُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَطْمِسَ وُجُوهاً فَنَرُدَّها عَلی أَدْبارِها» (ای کسانی که برای شما کتاب آسمانی فرستاده شد به قرآنی که فرو فرستادیم که توراهٔ و انجیل را که با شما است تصدیق می‌کند ایمان آورید پیش از آنکه چهره‌هائی را خط خذلان کشیم و آنها را به پشت‌هایشان برگردانیم).

شماره: ۲۸: اولی الامر

کد آیه: ۵۹ / ۴

{یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا أَطِیعُوا اللَّهَ وَ أَطِیعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِی الْأَمْرِ مِنْکُمْ فَإِنْ تَنازَعْتُمْ فی شَیْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَی اللَّهِ وَ الرَّسُولِ إِنْ کُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ الْیَوْمِ الْآخِرِ ذلِکَ خَیْرٌ وَ أَحْسَنُ تَأْوِیلًا}

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اطاعت کنید خدا را! و اطاعت کنید پیامبر خدا و اولو الأمر [اوصیای پیامبر] را! و هر گاه در چیزی نزاع داشتید، آن را به خدا و پیامبر بازگردانید (و از آنها داوری بطلبید) اگر به خدا و روز رستاخیز ایمان دارید! این (کار) برای شما بهتر، و عاقبت و پایانش نیکوتر است.

۱ ـ عَنْ جَابِرٍ الْجُعْفِیِّ قَالَ: سَمِعْتُ جَابِرَ بْنَ عَبْدِ اللَّهِ یَقُولُ: لَمَّا أَنْزَلَ اللَّهُ عز و جل عَلَی نَبِیِّهِ «یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا أَطِیعُوا اللَّهَ وَ أَطِیعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِی الْأَمْرِ مِنْکُمْ » قُلْتُ: یَا رَسُولَ اللَّهِ! عَرَفْنَا اللَّهَ وَ رَسُولَهُ فَمَنْ أُولُو الْأَمْرِ الَّذِینَ قَرَنَ اللَّهُ طَاعَتَهُمْ بِطَاعَتِکَ؟ قَالَ: هُمْ خُلَفَائِی یَا جَابِرُ! وَ أَئِمَّةُ الْمُسْلِمِینَ بَعْدِی، أَوَّلُهُمْ عَلِیُّ بْنُ أَبِی طَالِبٍ ثُمَّ الْحَسَنُ ثُمَّ الْحُسَیْنُ ثُمَّ عَلِیُّ بْنُ الْحُسَیْنِ ثُمَّ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِیٍّ الْمَعْرُوفُ فِی التَّوْرَاةِ بِالْبَاقِرِ وَ سَتُدْرِکُهُ یَا جَابِرُ فَإِذَا لَقِیتَهُ فَأَقْرِئْهُ مِنِّی السَّلَامَ ثُمَّ الصَّادِقُ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ ثُمَّ مُوسَی بْنُ جَعْفَرٍ ثُمَّ عَلِیُّ بْنُ مُوسَی ثُمَّ

مُحَمَّدُ بْنُ عَلِیٍّ ثُمَّ عَلِیُّ بْنُ مُحَمَّدٍ ثُمَّ الْحَسَنُ بْنُ عَلِیٍّ ثُمَّ سَمِیِّی وَ کَنِیِّی حُجَّةُ اللَّهِ فِی أَرْضِهِ وَ بَقِیَّتُهُ فِی عِبَادِهِ ابْنُ الْحَسَنِ بْنِ عَلِیٍّ ذَاکَ الَّذِی یَفْتَحُ اللَّهُ تَعَالَی ذِکْرُهُ عَلَی یَدَیْهِ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَ مَغَارِبَهَا ذَاکَ الَّذِی یَغِیبُ عَنْ شِیعَتِهِ وَ أَوْلِیَائِهِ غَیْبَةً لَا یَثْبُتُ فِیهَا عَلَی الْقَوْلِ بِإِمَامَتِهِ إِلَّا مَنِ امْتَحَنَ اللَّهُ قَلْبَهُ لِلْإِیمَانِ، قَالَ: فَقَالَ جَابِرٌ: یَا رَسُولَ اللَّهِ! فَهَلْ یَنْتَفِعُ الشِّیعَةُ بِهِ فِی غَیْبَتِهِ؟ فَقَالَ صلی الله علیه و آله و سلم : إِی وَ الَّذِی بَعَثَنِی بِالنُّبُوَّةِ إِنَّهُمْ لَیَنْتَفِعُونَ بِهِ یَسْتَضِیئُونَ بِنُورِ وَلَایَتِهِ فِی غَیْبَتِهِ کَانْتِفَاعِ النَّاسِ بِالشَّمْسِ وَ إِنْ جَلَّلَهَا السَّحَابُ، یَا جَابِرُ! هَذَا مَکْنُونُ سِرِّ اللَّهِ وَ مَخْزُونُ عِلْمِهِ فَاکْتُمْهُ إِلَّا عَنْ أَهْلِه.۹۳

از جابر بن یزید جعفی از جابر بن عبد اللّه انصاری حدیث کند که گفت: چون خدای تعالی این آیه را بر پیغمبر اکرم نازل فرمود: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید خدای را اطاعت کنید و پیغمبر و صاحبان امر خویش را فرمان برید » عرض کردم: ای رسول خدا! ما خدا و پیغمبر را شناخته‌ایم (اکنون بیان فرما) صاحبان امری که خداوند فرمانبرداری ایشان را به فرمانبرداری خودش همراه و قرین کرده کیانند؟ حضرت فرمودند: ای جابر! جانشینان و امامان مسلمین بعد از من، نخستین آنها علی بن ابی طالب است، سپس حسن و پس از او حسین و سپس علی بن الحسین و پس از او محمد بن علی است که در تورات به باقر معروف است، و ای جابر! تو او را درک خواهی کرد، پس هر گاه او را ملاقات کردی سلام مرا به او برسان، و پس از او صادق جعفر بن محمد سپس موسی بن جعفر و پس از او علی بن موسی سپس محمد بن علی و پس از او علی بن محمد سپس حسن بن علی و پس از او همنام و هم کنیه من، حجّت خدای تعالی در زمین و بقیهٔ اللّه در میان بندگان او، فرزند حسن بن علی، همان کسی که خداوند شرق و غرب زمین را به دست او بگشاید.

آن کسی که از شیعیان و دوستانش پنهان شود و غیبت کند، غیبتی که در آن غیبت به اعتقاد به امامت او پابرجا نماند مگر کسی که خداوند قلبش را به ایمان آزمایش کرده است.

جابر گوید عرض کردم: ای رسول خدا! آیا برای شیعیانش در حال غیبت او بهره و نفعی از او هست؟ حضرت فرمودند: آری قسم به آنکه مرا به راستی به پیغمبری مبعوث فرموده، ایشان به نور او روشنی جویند، و به ولایت او بهره‌مند شوند همان گونه که مردم به خورشید بهره‌مند شوند اگر چه ابر آن را بپوشاند، ای جابر! این (که برایت گفتم) از اسرار مکنونه، و علم مخزون خدا است، جز از اهلش او را پوشیده‌دار.

۲ ـ عَنْ أَبِی بَصِیرٍ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام فِی قَوْلِ اللَّهِ عز و جل: «یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا أَطِیعُوا اللَّهَ وَ أَطِیعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِی الْأَمْرِ مِنْکُمْ» قَالَ: الْأَئِمَّةُ مِنْ وُلْدِ عَلِیٍّ وَ فَاطِمَةَ سلام الله علیها إِلَی أَنْ تَقُومَ السَّاعَةُ.۹۴

از ابو بصیر از حضرت امام باقر علیه السلام روایت است: در تفسیر آیه اولی الامر فرمودند: مراد از اولوا الامر ائمّه از اولاد علی و فاطمه علیهماالسلام هستند تا زمانی که ساعت قیام قیامت برپا گردد.

شماره: ۲۹: بهترین رفیق

کد آیه: ۶۹ / ۴

{وَ مَنْ یُطِعِ اللَّهَ وَ الرَّسُولَ فَأُولئِکَ مَعَ الَّذِینَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَیْهِمْ مِنَ النَّبِیِّینَ وَ الصِّدِّیقِینَ وَ الشُّهَداءِ وَ الصَّالِحِینَ وَ حَسُنَ أُولئِکَ رَفِیقاً}

و کسی که خدا و پیامبر را اطاعت کند، (در روز رستاخیز،) همنشین کسانی خواهد بود که خدا، نعمت خود را بر آنان تمام کرده از پیامبران و صدّیقان و شهدا و صالحان و آنها رفیقهای خوبی هستند!

۱ ـ عَن زُرارهٔ عَن أبی جعفر علیه السلام قال: ... وَ أمّا قَولُه: «وَ مَنْ یُطِعِ اللَّهَ وَ الرَّسُولَ فَأُولئِکَ مَعَ الَّذِینَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَیْهِمْ مِنَ النَّبِیِّینَ وَ الصِّدِّیقِینَ وَ الشُّهَداءِ وَ الصَّالِحِینَ وَ حَسُنَ أُولئِکَ رَفِیقاً»، قَالَ: النَّبِیِّینَ: رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم ، وَ الصِّدِّیقِینَ: عَلِیٌّ علیه السلام ، وَ الشُّهَداءِ: الْحَسَنُ وَ الْحُسَیْنُ علیهماالسلام ، وَ الصَّالِحِینَ: الْأَئِمَّةُ علیهم السلام وَ حَسُنَ أُولئِکَ رَفِیقاً: الْقَائِمُ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ

علیهم السلام .۹۵

زراره از امام باقر علیه السلام روایت کرده که حضرت در تفسیر این آیه فرمودند: نبیین، رسول خدا صلّی اللّه علیه و اله است؛ و صدّیقین، علی بن ابی طالب علیهما السلام است؛ و شهداء، حسن و حسین علیهماالسلام اند؛ و صالحین، ائمه معصومین علیهم السلام هستند؛ و حسن اولئک رفیقا، قائم آل محمد علیهم السلام است.

۲ ـ عَنْ أُمِّ سَلَمَةَ قَالَتْ: سَأَلْتُ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم عَنْ قَوْلِ اللَّهِ سُبْحَانَهُ: «فَأُولئِکَ مَعَ الَّذِینَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَیْهِمْ مِنَ النَّبِیِّینَ وَ الصِّدِّیقِینَ وَ الشُّهَداءِ وَ الصَّالِحِینَ وَ حَسُنَ أُولئِکَ رَفِیقاً»، قَالَ: الَّذِینَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَیْهِمْ مِنَ النَّبِیِّینَ: أَنَا، وَ الصِّدِّیقِینَ: عَلِیُّ بْنُ أَبِی طَالِبٍ علیهماالسلام ، وَ الشُّهَداءِ: الْحَسَنُ وَ الْحُسَیْنُ، وَ الصَّالِحِینَ: حَمْزَهُ، وَ حَسُنَ أُولئِکَ رَفِیقاً: الْأَئِمَّهُ الِاثْنَا عَشَرَ بَعْدِی.۹۶

ام سلمه گفت: از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم درباره‌ی آیه: «فَأُولئِکَ مَعَ الَّذِینَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَیْهِمْ مِنَ النَّبِیِّینَ»، آنها با کسانی هستند که خدا به ایشان نعمت ارزانی داشته از پیامبران، سوال کردم، حضرت فرمودند: الَّذِینَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَیْهِمْ مِنَ النَّبِیِّینَ: من هستم، وَ الصِّدِّیقِینَ: علی علیه السلام است، وَ الشُّهَداءِ: حسن و حسین علیهماالسلام هستند، وَ الصَّالِحِینَ: حمزه است، وَ حَسُنَ أُولئِکَ رَفِیقاً: ائمه دوازده‌گانه بعد از من هستند.

شماره: ۳۰: تأخیر

کد آیه: ۷۷ / ۴

{أَ لَمْ تَرَ إِلَی الَّذِینَ قِیلَ لَهُمْ کُفُّوا أَیْدِیَکُمْ وَ أَقِیمُوا الصَّلاهَ وَ آتُوا الزَّکاهَ فَلَمَّا کُتِبَ عَلَیْهِمُ الْقِتالُ إِذا فَرِیقٌ مِنْهُمْ یَخْشَوْنَ النَّاسَ کَخَشْیَهِ اللَّهِ أَوْ أَشَدَّ خَشْیَهً وَ قالُوا رَبَّنا لِمَ کَتَبْتَ عَلَیْنَا الْقِتالَ لَوْ لا أَخَّرْتَنا إِلی أَجَلٍ قَرِیبٍ قُلْ مَتاعُ الدُّنْیا قَلِیلٌ وَ الْآخِرَهُ خَیْرٌ لِمَنِ اتَّقی وَ لا تُظْلَمُونَ فَتِیلًا}

آیا ندیدی کسانی را که (در مکّه) به آنها گفته شد: «فعلاً دست از جهاد بدارید! و نماز را برپا کنید! و زکات بپردازید!»، ولی هنگامی که (در مدینه) فرمان جهاد به آنها داده شد، جمعی از آنان، از مردم می‌ترسیدند، همان گونه که از خدا می‌ترسند، بلکه بیشتر! و گفتند: «پروردگارا! چرا جهاد را بر ما مقرّر داشتی؟! چرا این فرمان را تا زمان نزدیکی تأخیر نینداختی؟!» به آنها بگو: «سرمایه زندگی دنیا، ناچیز است! و سرای آخرت، برای کسی که پرهیزگار باشد، بهتر است! و به اندازه رشته شکافِ هسته خرمایی، به شما ستم نخواهد شد!»

عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ: وَ اللَّهِ الَّذِی صَنَعَهُ الْحَسَنُ بْنُ عَلِیٍّ علیهماالسلام کَانَ خَیْراً لِهَذِهِ الْأُمَّهِ مِمَّا طَلَعَتْ عَلَیْهِ الشَّمْسُ، وَ اللَّهِ لَفِیهِ نَزَلَتْ هَذِهِ الْآیَهُ: «أَ لَمْ تَرَ إِلَی الَّذِینَ قِیلَ لَهُمْ کُفُّوا أَیْدِیَکُمْ وَ أَقِیمُوا الصَّلاهَ وَ آتُوا الزَّکاهَ»، إِنَّمَا هِیَ طَاعَهُ الْإِمَامِ فَطَلَبُوا الْقِتَالَ، فَلَمَّا کُتِبَ عَلَیْهِمْ مَعَ الْحُسَیْنِ، «قالُوا رَبَّنا لِمَ کَتَبْتَ عَلَیْنَا الْقِتالَ لَوْ لا أَخَّرْتَنا إِلی أَجَلٍ قَرِیبٍ»، وَ قَوْلُهُ: رَبَّنَا أَخِّرْنا إِلی أَجَلٍ قَرِیبٍ نُجِبْ دَعْوَتَکَ وَ نَتَّبِعِ الرُّسُلَ، أَرَادُوا تَأْخِیرَ ذَلِکَ إِلَی الْقَائِمِ علیه السلام .۹۷

محمّد بن مسلم از امام محمّد باقر علیه السلام روایت می‌کند که حضرت فرمودند: به خدا قسم آن عملی که حسن بن علی علیهماالسلام انجام داد برای این امت از آنچه که آفتاب بر آن می‌تابد بهتر بود. به خدا قسم این آیه که می‌فرماید: آیا ندیدی آن افرادی را که به آنان گفته شد: دست خود را نگاه دارید، نماز را بر پا و زکات را پرداخت نمائید، این آیه در باره‌ی اطاعت کردن از امام است، ولی ایشان طالب قتال شدند. هنگامی که جنگیدن بر آنان واجب شد که در رکاب امام حسین علیه السلام با دشمنان بجنگند گفتند: پروردگارا! چرا جنگیدن را بر ما واجب کردی، کاش ما را تا یک مدت نزدیکی به تأخیر می‌انداختی تا دعوت تو را اجابت و از پیامبران متابعت می‌نمودیم منظور آنان از این تأخیر انداختن تا زمان حضرت قائم علیه السلام بود.

شماره: ۳۱: اقتداء

کد آیه: ۱۵۹ / ۴

{وَ إِنْ مِنْ أَهْلِ الْكِتابِ إِلَّا لَيُؤْمِنَنَّ بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ وَ يَوْمَ الْقِيامَةِ يَكُونُ عَلَيْهِمْ شَهِيداً}

و هیچ کس از اهل کتاب نیست جز آنکه پیش از مرگ به وی (عیسی) ایمان خواهد آورد و در روز قیامت او بر آنان گواه خواهد بود.

فی تفسیر القمی عَنْ أَبِی حَمْزَةَ عَنْ شَهْرِ بْنِ حَوْشَبٍ قَالَ: قَالَ لِیَ الْحَجَّاجُ: یَا شَهْرُ! آیَةٌ فِی كِتَابِ اللَّهِ قَدْ أَعْیَتْنِی، فَقُلْتُ: أَیُّهَا الْأَمِیرُ! أَیَّةُ آیَةٍ هِیَ، فَقَالَ: قَوْلُهُ «وَ إِنْ مِنْ أَهْلِ الْكِتابِ إِلَّا لَيُؤْمِنَنَّ بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ» وَ اللَّهِ إِنِّی لَآمُرُ بِالْیَهُودِیِّ وَ النَّصْرَانِیِّ فَتُضْرَبُ عُنُقُهُ ثُمَّ أَرْمَقُهُ بِعَیْنِی فَمَا أَرَاهُ یُحَرِّكُ شَفَتَیْهِ حَتَّى یَخْمُدَ، فَقُلْتُ: أَصْلَحَ اللَّهُ الْأَمِیرَ، لَیْسَ عَلَى مَا تَأَوَّلْتَ، قَالَ: كَیْفَ هُوَ؟ قُلْتُ: إِنَّ عِیسَى یَنْزِلُ قَبْلَ یَوْمِ الْقِیَامَةِ إِلَى الدُّنْیَا، فَلَا یَبْقَى أَهْلُ مِلَّةٍ یَهُودِیٍّ وَ لَا غَیْرِهِ إِلَّا آمَنَ بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ وَ یُصَلِّی خَلْفَ الْمَهْدِیِّ، قَالَ: وَیْحَكَ! أَنَّى لَكَ هَذَا وَ مِنْ أَیْنَ جِئْتَ بِهِ؟ فَقُلْتُ: حَدَّثَنِی بِهِ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِیِّ بْنِ الْحُسَیْنِ بْنِ عَلِیِّ بْنِ أَبِی طَالِبٍ علیهم السلام، فَقَالَ: جِئْتَ وَ اللَّهِ بِهَا مِنْ عَیْنٍ صَافِیَةٍ.۹۸

در تفسیر قمی روایت است که شهر بن حوشب گفت: حجاج به من گفت یک آیه در قرآن مرا خسته کرده است، گفتم: امیر بفرمائید کدام آیه است؟ گفت: این آیه «وَ إِنْ مِنْ أَهْلِ الْكِتابِ إِلَّا لَيُؤْمِنَنَّ بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ»، هیچ یک از اهل کتاب نیستند مگر اینکه ایمان می‌آورند به او قبل از مرگش، گفت: من دستور می‌دهم گردن یک یهودی یا نصرانی را بزنند بعد دقیق تماشا می‌کنم هرگز لبهای خود را حرکتی نمی‌دهد تا موقعی که می‌میرد و چیزی نمی‌گوید که معلوم شود ایمان آورده است، گفتم: خدا امیر را خیر دهد، آن طور که تو تاویل کرده‌ای نیست، پرسید پس چگونه است؟

گفتم: عیسی قبل از روز قیامت فرود خواهد آمد به دنیا، احدی از ملتها چه یهودی و چه دیگران نمی‌ماند مگر اینکه به او ایمان می‌آورند و او پشت سر حضرت مهدی علیه السلام نماز خواهد خواند.

حجاج گفت: وای بر تو! از کجا این مطلب را کشف نموده‌ای و از چه کسی استفاده کرده‌ای؟ گفتم: این مطلب را محمد بن علی بن حسین بن علی بن ابی طالب علیهم السلام برایم نقل کرد، گفت: به خدا قسم! از سرچشمه پاکی گرفته ای.

شماره: ۳۲: طول عمر

کد آیه: ۱۶۵ / ۴

{... لِئَلَّا یَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ...}

... تا بعد از فرستادن پیامبران، حجّتی برای مردم بر خدا باقی نماند، (و بر همه اتمام حجّت شود)...

عَنْ سَدِیرٍ الصَّیْرَفِیِّ قَالَ: دَخَلْتُ أَنَا وَ الْمُفَضَّلُ بْنُ عُمَرَ وَ دَاوُدُ بْنُ كَثِیرٍ الرَّقِّیُّ وَ أَبُو بَصِیرٍ وَ أَبَانُ بْنُ تَغْلِبَ عَلَى مَوْلَانَا الصَّادِقِ علیه السلام، فِی حَدِیثٍ طَوِیلٍ قَال: ... قال: أَمَّا الْعَبْدُ الصَّالِحُ أَعْنِی الْخَضِرَ علیه السلام فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى مَا طَوَّلَ عُمُرَهُ لِنُبُوَّةٍ قَرَّرَهَا لَهُ وَ لَا لِكِتَابٍ نَزَّلَ عَلَیْهِ وَ لَا لِشَرِیعَةٍ یَنْسَخُ بِهَا شَرِیعَةَ مَنْ كَانَ قَبْلَهُ مِنَ الْأَنْبِیَاءِ عَلَیْهِم السَّلَام وَ لَا لِإِمَامَةٍ یُلْزِمُ عِبَادَهُ الِاقْتِدَاءَ بِهَا وَ لَا لِطَاعَةٍ یَفْرِضُهَا بَلَى إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى لَمَّا كَانَ فِی سَابِقِ عِلْمِهِ أَنْ یُقَدِّرَ مِنْ عُمُرِ الْقَائِمِ علیه السلام فِی أَیَّامِ غَیْبَتِهِ مَا یُقَدِّرُهُ وَ عَلِمَ مَا یَكُونُ مِنْ إِنْكَارِ عِبَادِهِ بِمِقْدَارِ ذَلِكَ الْعُمُرِ فِی الطُّولِ طُولِ عُمُرِ الْعَبْدِ الصَّالِحِ مِنْ غَیْرِ سَبَبٍ أَوْجَبَ ذَلِكَ إِلَّا لِعِلَّةِ الِاسْتِدْلَالِ بِهِ عَلَى عُمُرِ الْقَائِمِ علیه السلام لِیَقْطَعَ بِذَلِكَ حُجَّةَ الْمُعَانِدِینَ: «لِئَلَّا یَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ».۹۹

از سدیر صیرفی روایت است که من و مفضل بن عمر و داود بن کثیر رقی و ابو بصیر و ابان بن تغلب بر مولایمان حضرت صادق علیه السلام وارد شدیم:... حضرت فرمودند: و امّا عبد صالح یعنی حضرت خضر علیه السلام ، خدای تعالی عمر او را طولانی ساخته

است، ولی نه به خاطر نبوّتی که برای وی تقدیر کرده است و یا کتابی که بر وی فرو فرستد و یا شریعتی که به واسطه آن شرایع انبیاء پیشین را نسخ کند و یا امامتی که بر بندگانش اقتداء به آن لازم باشد و یا طاعتی که انجام دادن آن بر وی واجب باشد (که حضرت خضر پیامبر و یا امام نبوده است) بلکه چون در علم خداوند گذشته بود که عمر قائم علیه السلام در دوران غیبتش طولانی خواهد شد، تا به جائی که پیروانش آن را به واسطه طولانی بودنش انکار کنند، عمر بنده‌ی صالح خود را طولانی کرد تا از طول عمر او به طول عمر قائم علیه السلام استدلال شود و حجّت معاندان منقطع گردد و برای مردم علیه خداوند حجّتی نباشد.

شماره: ۳۳: روز یأس کفّار

کد آیه: ۳ / ۵

{... الْيَوْمَ يَئِسَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ فَلا تَخْشَوْهُمْ وَ اخْشَوْنِ...}

... امروز، کافران از (زوال) آیین شما، مأیوس شدند بنا بر این، از آنها نترسید! و از (مخالفت) من بترسید! ...

عَنْ جَابِرٍ قَالَ: قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ علیه السلام : فِي هَذِهِ الْآيَةِ: «الْيَوْمَ يَئِسَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ فَلا تَخْشَوْهُمْ وَ اخْشَوْنِ»، يَوْمَ يَقُومُ الْقَائِمُ علیه السلام ، يَئِسَ بَنُو أُمَيَّةَ فَهُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا يَئِسُوا مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ علیهم السلام .۱۰۰

از جابر نقل است که امام محمد باقر علیه السلام در تفسیر این آیه فرمودند: آن روز، روز ظهور قائم آل محمد علیهم السلام است که بنی امیه نا امید می‌شوند و آنها هستند که کافر گشته و از آل محمد علیهم السلام نا امید می‌باشند.

شماره: ۳۴: دوازدهمین امام

کد آیه: ۱۲ / ۵

{وَ لَقَدْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثاقَ بَنِي إِسْرائِيلَ وَ بَعَثْنا مِنْهُمُ اثْنَيْ عَشَرَ نَقِيباً وَ قالَ اللَّهُ إِنِّي مَعَكُمْ لَئِنْ أَقَمْتُمُ الصَّلاةَ وَ آتَيْتُمُ الزَّكاةَ وَ آمَنْتُمْ بِرُسُلِي وَ عَزَّرْتُمُوهُمْ وَ أَقْرَضْتُمُ اللَّهَ قَرْضاً حَسَناً لَأُكَفِّرَنَّ عَنْكُمْ سَيِّئاتِكُمْ وَ لَأُدْخِلَنَّكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهارُ فَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذلِكَ مِنْكُمْ فَقَدْ ضَلَّ سَواءَ السَّبِيلِ}

خدا از بنی اسرائیل پیمان گرفت. و از آنها، دوازده نقیب [سرپرست] برانگیختیم. و خداوند (به آنها) گفت: «من با شما هستم! اگر نماز را برپا دارید، و زکات را بپردازید، و به رسولان من ایمان بیاورید و آنها را یاری کنید، و به خدا قرض الحسن بدهید [در راه او، به نیازمندان کمک کنید]، گناهان شما را می‌پوشانم [می بخشم] و شما را در باغهایی از بهشت، که نهرها از زیر درختانش جاری است، وارد می‌کنم. اما هر کس از شما بعد از این کافر شود، از راه راست منحرف گردیده است.

۱ ـ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم يَقُولُ: مَعَاشِرَ النَّاسِ! اعْلَمُوا أَنَّ لِلَّهِ تَعَالَى بَاباً مَنْ دَخَلَهَا أَمِنَ مِنَ النَّارِ وَ مِنَ الْفَزَعِ الْأَكْبَرِ، فَقَامَ إِلَيْهِ أَبُو سَعِيدٍ الْخُدْرِيُّ، فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! اهْدِنَا إِلَى هَذَا الْبَابِ حَتَّى نَعْرِفَهُ، فَقَالَ: هُوَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ سَيِّدُ الْوَصِيِّينَ وَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَ أَخُو رَسُولِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ خَلِيفَتُهُ عَلَى النَّاسِ أَجْمَعِينَ، مَعَاشِرَ النَّاسِ! مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَتَمَسَّكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى الَّتِي لَا انْفِصامَ لَها، فَلْيَتَمَسَّكْ بِوَلَايَةِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ، فَإِنَّ وَلَايَتَهُ وَلَايَتِي وَ طَاعَتَهُ طَاعَتِي، مَعَاشِرَ النَّاسِ! مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَعْرِفَ الْحُجَّةَ بَعْدِي، فَلْيَعْرِفْ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ، مَعَاشِرَ النَّاسِ! مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَتَوَالَى وَلَايَةَ اللَّهِ، فَلْيَقْتَدِ بِعَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ، فَإِنَّهُ خِزَانَةُ عِلْمِي، مَعَاشِرَ النَّاسِ! مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَلْقَى اللَّهَ وَ هُوَ عَنْهُ رَاضٍ، فَلْيُوَالِ عِدَّةَ الْأَئِمَّةِ علیهم السلام ، فَقَامَ جَابِرُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ، فَقَالَ: وَ مَا عِدَّةُ الْأَئِمَّةِ؟ فَقَالَ: يَا جَابِرُ! سَأَلْتَنِي يَرْحَمُكَ اللَّهُ عَنِ الْإِسْلَامِ بِأَجْمَعِهِ، عِدَّتُهُمْ عِدَّةُ الشُّهُورِ، وَ هِيَ عِنْدَ اللَّهِ اثْنَا عَشَرَ شَهْراً فِي كِتَابِ اللَّهِ يَوْمَ خَلَقَ السَّماواتِ وَ الْأَرْضَ، وَ عِدَّتُهُمْ عِدَّةُ الْعُيُونِ الَّتِي انْفَجَرَتْ لِمُوسَى بْنِ عِمْرَانَ علیه السلام حِينَ ضَرَبَ بِعَصَاهُ الْحَجَرَ فَانْفَجَرَتْ مِنْهُ اثْنَتا عَشْرَةَ عَيْناً، وَ عِدَّتُهُمْ عِدَّةُ نُقَبَاءِ بَنِي إِسْرَائِيلَ، قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: «وَ لَقَدْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثاقَ بَنِي إِسْرائِيلَ وَ بَعَثْنا مِنْهُمُ اثْنَيْ عَشَرَ نَقِيباً»، وَ الْأَئِمَّةُ يَا

جَابِرُ! اثْنَا عَشَرَ، أَوَّلُهُمْ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ علیه السلام وَ آخِرُهُمُ الْقَائِمُ علیه السلام .۱۰۱

از ابن عباس روایت است که گفت: شنیدم که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرمودند: ای مردم! بدانید برای خداوند دری است که هر کس داخل آن شود از آتش جهنم و ترس قیامت در امان است، سپس ابو سعید خدری بلند شد، و عرض کرد: ای رسول خدا! ما را به سوی آن در، راهنمائی فرما تا بشناسیم آن را، حضرت فرمودند: آن در، علی بن ابی طالب علیهما السلام سید الوصیین و امیر المؤمنین و برادر رسول رب العالمین و جانشین او بر تمام مردم جهان است.

ای گروه مردم! هر کس دوست دارد که چنگ زند بر دستگیره‌ی محکمی که هرگز جدا نشود، باید به ولایت و دوستی علی علیه السلام چنگ زند، زیرا که ولایت علی علیه السلام ، ولایت من است، و اطاعت از او اطاعت از من است، ای گروه مردم! هر کس می‌خواهد حجّت پس از من را بشناسد، باید علی بن ابی طالب علیهما السلام را بشناسد، ای مردم! هر کس به ولایت خداوند خوشنود است، باید اقتدا به علی بن ابی طالب علیهما السلام کند، زیرا که او گنجینه‌ی علم و دانش من است، ای مردم! هر کس دوست دارد که خدا را دیدار کند در حالی که از او خوشنود است، باید همه‌ی ائمه علیهم السلام را دوست بدارد.

پس جابر بن عبدالله برخاست و عرض کرد: امامان چند نفرند؟ حضرت فرمودند: ای جابر! خدا تو را رحمت کند، از همه‌ی اسلام از من سؤال کردی، شماره‌ی امامان به شماره‌ی ماهها در نظر خداوند، دوازده تاست، در کتاب خدا از آن روزی که آسمان و زمین را آفرید، شماره‌ی امامان به تعداد چشمه‌هائی است که برای موسی بن عمران علیه السلام پدید آمد، هنگامی که عصایش را به زمین زد دوازده چشمه جاری شد، و شماره‌ی آنان به تعداد نقیبان بنی اسرائیل است، که خدای تعالی می‌فرماید: «وَ لَقَدْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثاقَ بَنِي إِسْرائِيلَ وَ بَعَثْنا مِنْهُمُ اثْنَيْ عَشَرَ نَقِيباً»، و امامان، ای جابر! دوازده نفرند، اول آنان علی بن ابی طالب علیهما السلام و آخرشان حضرت قائم علیه السلام می باشد.

۲ ـ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم : مِنْ وُلْدِيَ اثْنَا عَشَرَ نَقِيباً، نُجَبَاءُ مُحَدَّثُونَ مُفَهَّمُونَ، آخِرُهُمُ الْقَائِمُ بِالْحَقِّ، يَمْلَأُهَا عَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ جَوْراً.۱۰۲

از حضرت باقر علیه السلام روایت است که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

از بین فرزندان من دوازده نفرشان نقیب (شناسنده و سرپرست) و نجیب (اصیل و خوش گوهر) و محدّث و مُفَهَّم می‌باشند، آخرین آنها قائم به حق است، که زمین را از عدالت پر کند چنان که از ظلم و ستم پر شده باشد.

شماره: ۳۵: میثاق

کد آیه: ۱۴ / ۵

{وَ مِنَ الَّذِينَ قالُوا إِنَّا نَصارى أَخَذْنا مِيثاقَهُمْ فَنَسُوا حَظًّا مِمَّا ذُكِّرُوا بِهِ...}

و از کسانی که ادّعای نصرانیّت (و یاری مسیح) داشتند (نیز) پیمان گرفتیم ولی آنها قسمت مهمّی را از آنچه به آنان تذکّر داده شده بود فراموش کردند ...

عَنْ أَبِي الرَّبِيعِ الشَّامِيِّ قَالَ: قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام : لَا تَشْتَرِ مِنَ السُّودَانِ أَحَداً، فَإِنْ كَانَ لَا بُدَّ فَمِنَ النُّوبَةِ، فَإِنَّهُمْ مِنَ الَّذِينَ قَالَ اللَّهُ عز و جل : «وَ مِنَ الَّذِينَ قالُوا إِنَّا نَصارى أَخَذْنا مِيثاقَهُمْ فَنَسُوا حَظًّا مِمَّا ذُكِّرُوا بِهِ»، أَمَا إِنَّهُمْ سَيَذْكُرُونَ ذَلِكَ الْحَظَّ وَ سَيَخْرُجُ مَعَ الْقَائِمِ علیه السلام مِنَّا عِصَابَةٌ مِنْهُمْ.۱۰۳

ابو ربیع شامی، از امام صادق علیه السلام روایت کرده که حضرت فرمودند: از غلامهای سیاه پوست کسی را خریداری نکنید، واگر ناچار شدید، از حبشه (اتیوپی) بخرید، زیرا آنان کسانی هستند که خداوند عز و جل در باره‌ی آنان فرموده: «وَ مِنَ الَّذِينَ قالُوا إِنَّا نَصارى أَخَذْنا مِيثاقَهُمْ فَنَسُوا حَظًّا مِمَّا ذُكِّرُوا بِهِ»، (و از کسانیکه گفتند، ما مسیحی هستیم واز آنها عهد و پیمان گرفتیم، وآنان

بخشی از آنچه را که بدان یاد آور شده بودند، فراموش نمودند)، هان، آگاه باش که آنان، آن حظ (میثاق پیامبر وائمه) را یاد می کنند، وگروهی از آنان با قائم ما علیه السلام خروج خواهند کرد.

شماره: ۳۶: سلطنت

کد آیه: ۲۰ / ۵

{... اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ جَعَلَ فيكُمْ أَنْبِياءَ وَ جَعَلَكُمْ مُلُوكاً وَ آتاكُمْ ما لَمْ يُؤْتِ أَحَداً مِنَ الْعالَمينَ}

... نعمت خدا را بر خود متذکّر شوید هنگامی که در میان شما، پیامبرانی قرار داد و شما را حاکم و صاحب اختیار خود قرار داد و به شما چیزهایی بخشید که به هیچ یک از جهانیان نداده بود!

عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سُلَيْمَانَ الدَّيْلَمِيِّ، عَنْ أَبِيهِ، قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عز و جل : «إِذْ جَعَلَ فِيكُمْ أَنْبِياءَ وَ جَعَلَكُمْ مُلُوكاً»؟ فَقَالَ: الْأَنْبِيَاءُ: رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه و آله و سلم وَ إِبْرَاهِيمُ وَ إِسْمَاعِيلُ وَ ذُرِّيَّتُهُ، وَ الْمُلُوكُ: الْأَئِمَّةُ عليهم السلام قَالَ: فَقُلْتُ: وَ أَيَّ مُلْكٍ أُعْطِيتُمْ؟ قَالَ: مُلْكَ الْجَنَّةِ وَ مُلْكَ الْكَرَّةِ.۱۰۴

محمد بن سلیمان دیلمی از پدرش روایت می کند که گفت: از حضرت صادق علیه السلام تفسیر این آیه شریفه را پرسیدم: «إِذْ جَعَلَ فِيكُمْ أَنْبِياءَ وَ جَعَلَكُمْ مُلُوكاً»، یعنی: شما را پیغمبران و پادشاهان قرار دادیم، حضرت فرمودند: مقصود از انبیاء پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و ابراهیم و اسماعیل و ذریّه‌ی اوست، و منظور از پادشاهان ائمه اطهار علیهم السلام می‌باشند، عرض کردم: خداوند چه سلطنتی به شما عطا می کند؟ حضرت فرمودند: سلطنت بهشت و سلطنت به هنگام رجعت را.

شماره: ۳۷: خواری و رسوایی دشمنان

کد آیه: ۴۱ / ۵

{... وَ مَنْ يُرِدِ اللَّهُ فِتْنَتَهُ فَلَنْ تَمْلِكَ لَهُ مِنَ اللَّهِ شَيْئاً أُولئِكَ الَّذينَ لَمْ يُرِدِ اللَّهُ أَنْ يُطَهِّرَ قُلُوبَهُمْ لَهُمْ فِي الدُّنْيا خِزْيٌ وَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذابٌ عَظيمٌ}

... و کسی را که خدا بخواهد مجازات کند، قادر به دفاع از او نیستی آنها کسانی هستند که خدا نخواسته دلهایشان را پاک کند، در دنیا رسوایی، و در آخرت مجازات بزرگی نصیبشان خواهد شد.

«لطفاً به آیه‌ی شماره‌ی ۲، کد: ۱۱۴ / ۲ مراجعه فرمائید.»

شماره: ۳۸: یاران حضرت مهدی علیه السلام

کد آیه: ۵۴ / ۵

{يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَ يُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٍ عَلَى الْمُؤْمِنينَ أَعِزَّةٍ عَلَى الْكافِرينَ يُجاهِدُونَ في سَبيلِ اللَّهِ وَ لا يَخافُونَ لَوْمَةَ لائِمٍ ذلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتيهِ مَنْ يَشاءُ وَ اللَّهُ واسِعٌ عَليمٌ}

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هر کس از شما، از آیین خود بازگردد، به خدا زیانی نمی‌رساند خداوند جمعیّتی را می‌آورد که آنها را دوست دارد و آنان (نیز) او را دوست دارند، در برابر مؤمنان متواضع، و در برابر کافران سرسخت و نیرومندند آنها در راه خدا جهاد می‌کنند، و از سرزنش هیچ ملامتگری هراسی ندارند. این، فضل خداست که به هر کس بخواهد (و شایسته ببیند) می‌دهد و (فضل) خدا وسیع، و خداوند داناست.

۱ ـ فی تفسیر علی بن إبراهیم قوله: «يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَ يُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٍ عَلَى

الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٍ عَلَى الْكافِرِينَ يُجاهِدُونَ فِی سَبِيلِ اللَّهِ»، قال: هو مُخاطِبَهٔ لِأصحابِ رَسُوُلِ الله صلی الله علیه و آله و سلم الذّینَ غَصَبوا آل مُحمَّد حَقهم وَ ارتدوا عَن دینِ الله فَسَوْفَ یَأْتِی اللَّهُ بِقَوْمٍ یُحِبُّهُمْ وَ یُحِبُّونَهُ، نَزَلت فِی القائِم وَ أصحابِه الذّین یُجاهِدُونَ فِی سَبِیلِ اللَّهِ وَ لا یَخافُونَ لَوْمَهَٔ لائِمٍ.۱۰۵

علی بن ابراهیم گوید: این آیه خطاب به اصحاب رسول خدا است، آن کسانی که حق آل محمّد علیهم السلام را غصب کردند و از دین خدا برگشتند، در آینده خدا مردمی را آورد که آنها را دوست دارد و آنها نیز او را دوست دارند تا آخر آیه، فرمود: این در باره‌ی قائم و اصحابش نازل شده است که در راه خدا جهاد کنند و از سرزنش ملامت‌کننده نهراسند.

۲ ـ عَنْ سُلَيْمَان بْنِ هَارُون الْعِجْلِیِّ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام: إِنَّ صَاحِبَ هَذَا الْأَمْرِ مَحْفُوظٌ لَهُ لَوْ ذَهَبَ النَّاسُ جَمِيعاً أَتَى اللَّهُ لَهُ بِأَصْحَابِهِ، وَ هُمُ الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ اللَّهُ عز و جل: «فَإِنْ يَكْفُرْ بِها هؤُلاءِ فَقَدْ وَكَّلْنا بِها قَوْماً لَيْسُوا بِها بِكافِرِينَ»، وَ هُمُ الَّذِينَ قَالَ اللَّهُ فِيهِمْ: «فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَ يُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٍ عَلَى الْكافِرِين».۱۰۶

سلیمان بن هارون عجلی نقل کرده که از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمودند: یاران صاحب این امر، محفوظ هستند، اگر همه مردم از بین بروند، خداوند اصحاب و یاران او را می‌آورد، و آنان کسانی هستند که خداوند در باره‌ی آنان فرموده است: اگر اینان به آن کفر ورزند، گروهی را بر آنان نگاهبان قرار می‌دهیم که به آن کفر نمی‌ورزند، وهم آنان که خداوند در باره‌ی آنها فرموده: خداوند گروهی را خواهد آورد که آنها را دوست دارد وآنها نیز دوستدار اویند، نسبت به مؤمنین فروتن ونسبت به کافران، سخت گیر هستند.

شماره: ۳۹: ولیّ الله

کد آیه: ۵۵ / ۵

{إِنَّما وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ الَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكاةَ وَ هُمْ راكِعُونَ}

سرپرست و ولیّ شما، تنها خداست و پیامبر او و آنها که ایمان آورده‌اند همانها که نماز را برپا می‌دارند، و در حال رکوع، زکات می‌دهند.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام فِي قَوْلِ اللَّهِ عز و جل : «إِنَّما وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ الَّذِينَ آمَنُوا»، قَالَ: إِنَّمَا يَعْنِي أَوْلَى بِكُمْ أَيْ أَحَقُّ بِكُمْ وَ بِأُمُورِكُمْ وَ أَنْفُسِكُمْ وَ أَمْوَالِكُمُ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ، وَ الَّذِينَ آمَنُوا، يَعْنِي عَلِيّاً وَ أَوْلَادَهُ الْأَئِمَّةَ علیهم السلام إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، ثُمَّ وَصَفَهُمُ اللَّهُ عز و جل ، فَقَالَ: «الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكاةَ وَ هُمْ راكِعُونَ»، وَ كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام فِي صَلَاةِ الظُّهْرِ وَ قَدْ صَلَّى رَكْعَتَيْنِ وَ هُوَ رَاكِعٌ وَ عَلَيْهِ حُلَّةٌ قِيمَتُهَا أَلْفُ دِينَارٍ، وَ كَانَ النَّبِيُّ صلی الله علیه و آله و سلم كَسَاهُ إِيَّاهَا وَ كَانَ النَّجَاشِيُّ أَهْدَاهَا لَهُ، فَجَاءَ سَائِلٌ، فَقَالَ: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ اللَّهِ وَ أَوْلى بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ، تَصَدَّقْ عَلَى مِسْكِينٍ، فَطَرَحَ الْحُلَّةَ إِلَيْهِ، وَ أَوْمَأَ بِيَدِهِ إِلَيْهِ أَنِ احْمِلْهَا، فَأَنْزَلَ اللَّهُ عز و جل فِيهِ هَذِهِ الْآيَةَ، وَ صَيَّرَ نِعْمَةَ أَوْلَادِهِ بِنِعْمَتِهِ، فَكُلُّ مَنْ بَلَغَ مِنْ أَوْلَادِهِ مَبْلَغَ الْإِمَامَةِ يَكُونُ بِهَذِهِ الصِّفَةِ مِثْلَهُ، فَيَتَصَدَّقُونَ وَ هُمْ راكِعُونَ، وَ السَّائِلُ الَّذِي سَأَلَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام ، مِنَ الْمَلَائِكَةِ، وَ الَّذِينَ يَسْأَلُونَ الْأَئِمَّةَ مِنْ أَوْلَادِهِ، يَكُونُونَ مِنَ الْمَلَائِكَةِ.۱۰۷

احمد بن عیسی، از امام جعفر صادق علیه السلام روایت کرده است، در قول خدای عز و جل: «إِنَّما وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ الَّذِينَ آمَنُوا»، که آن حضرت فرمودند: جز این نیست که مقصود از وَلِيُّكُمُ، أولی بکم است، یعنی: احقّ و سزاوارتر به شما و به امور شما از نفس‌های شما و مال‌های شما، خداست و رسول او، و آنان که ایمان آورند، یعنی: علی و اولاد او که ائمّه علیهم السلام هستند تا روز قیامت، بعد از آن، خدای عز و جل ایشان را وصف نموده و فرموده که: «الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكاةَ وَ هُمْ راكِعُونَ»، و امیر المؤمنین علیه السلام در نماز ظهر بود و دو رکعت را خوانده بودند، و آن حضرت در رکوع بودند، و بر او حلّه‌ای بود که قیمت

آن هزار دینار شرعی بود، و پیغمبر صلی الله علیه و آله آن حُلّه را به علی علیه السلام پوشانیده بود، و نجاشی آن را به رسم هدیه برای آن حضرت فرستاده بود، پس سائلی آمد و عرض کرد: سلام بر تو باد ای ولیّ خدا، و ای سزاوارتر به مؤمنان از خود ایشان، بر گدا تصدّق فرما، حضرت آن حُلّه را به جانب سائل افکند، و با دست خویش اشاره به سوی او فرمود که: این را بردار، بعد از آن، خدای عز و جل این آیه را در شأن او فرو فرستاد و نعمت اولاد او را به نعمت او جفت و قرین گردانید، پس هر که از اولاد آن حضرت، به جایگاه امامت رسیدند، به این نعمت و این صفت متّصف می‌باشند، پس تصدّق می‌کنند و حال آن‌که ایشان رکوع کنندگانند، و آن سائلی که از امیر المؤمنین علیه السلام سؤال نمود، از فرشتگان بود، و کسانی که از امامان از فرزندان آن حضرت سؤال می‌کنند، از فرشتگان می‌باشند.

شماره: ۴۰: حتمیّت خروج سفیانی

کد آیه: ۲ / ۶

{هُوَ الَّذی خَلَقَکُمْ مِنْ طینٍ ثُمَّ قَضی أَجَلاً وَ أَجَلٌ مُسَمًّی عِنْدَهُ ثُمَّ أَنْتُمْ تَمْتَرُونَ}

او کسی است که شما را از گل آفرید سپس مدتی مقرّر داشت و اجل حتمی نزد اوست. با این همه، شما (مشرکان در توحید و یگانگی و قدرت او)، تردید می‌کنید!

عَنْ حُمْرَانَ بْنِ أَعْیَنَ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِیٍّ علیهما السلام فِی قَوْلِهِ تَعَالَی: «ثُمَّ قَضی أَجَلًا وَ أَجَلٌ مُسَمًّی عِنْدَهُ»، فَقَالَ: إِنَّهُمَا أَجَلَانِ، أَجَلٌ مَحْتُومٌ وَ أَجَلٌ مَوْقُوفٌ، فَقَالَ لَهُ حُمْرَانُ: مَا الْمَحْتُومُ؟ قَالَ: الَّذِی لِلَّهِ فِیهِ الْمَشِیئَةُ، قَالَ حُمْرَانُ: إِنِّی لَأَرْجُو أَنْ یَکُونَ أَجَلُ السُّفْیَانِیِّ مِنَ الْمَوْقُوفِ، فَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍ علیه السلام: لَا وَ اللَّهِ إِنَّهُ لَمِنَ الْمَحْتُومِ.۱۰۸

حمران بن أعین از امام باقر علیه السلام روایت کرده که آن حضرت در باره‌ی فرمایش خدای تعالی که می‌فرماید: «ثُمَّ قَضی أَجَلًا وَ أَجَلٌ مُسَمًّی عِنْدَهُ»، سپس خداوند اجلی را مقرّر فرمود و اجلی دیگر در نزد او به نام و معلوم است، فرمودند: اجل دو گونه است، اجلی حتمی، و اجلی موقوف، پس حمران عرض کرد: محتوم چیست؟ حضرت فرمودند: آنچه که خداوند آن را خواسته باشد، حمران عرض کرد: من امیدوارم که اجل سفیانی از نوع موقوف (غیر حتمی) باشد، امام باقر علیه السلام فرمودند: نه، به خدا قسم! که آن از امور حتمی است.

شماره: ۴۱: نشانه‌های آخرالزمان

کد آیه: ۳۷ / ۶

{وَ قالُوا لَوْ لا نُزِّلَ عَلَیْهِ آیَةٌ مِنْ رَبِّهِ قُلْ إِنَّ اللَّهَ قادِرٌ عَلی أَنْ یُنَزِّلَ آیَةً وَ لکِنَّ أَکْثَرَهُمْ لا یَعْلَمُونَ}

و گفتند: «چرا نشانه (و معجزه‌ای) از طرف پروردگارش بر او نازل نمی‌شود؟!» بگو: «خداوند، قادر است که نشانه‌ای نازل کند ولی بیشتر آنها نمی‌دانند!»

أَبِی الْجَارُودِ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام فِی قَوْلِهِ: «إِنَّ اللَّهَ قادِرٌ عَلی أَنْ یُنَزِّلَ آیَةً»، وَ سَیُرِیکُمْ فِی آخِرِ الزَّمَانِ آیَاتٍ مِنْهَا دَابَّةُ الْأَرْضِ وَ الدَّجَّالُ وَ نُزُولُ عِیسَی ابْنِ مَرْیَمَ وَ طُلُوعُ الشَّمْسِ مِنْ مَغْرِبِهَا.۱۰۹

علی بن ابراهیم قمی در تفسیر خود از ابو جارود روایت کرده که امام محمد باقر علیه السلام در تفسیر آیه: «إِنَّ اللَّهَ قادِرٌ عَلی أَنْ یُنَزِّلَ آیَةً»، یعنی خداوند قادر است که نشانه‌ای نازل کند، به وی فرمودند: خداوند در آخر الزمان آیاتی (علاماتی) را به شما نشان می‌دهد، که از آن جمله، دابهٔ الارض (یعنی جنبنده روی زمین) و خروج دجّال و آمدن عیسی بن مریم و طلوع آفتاب از مغرب است.

شماره: ۴۲: ناگهانی بودن قیام حضرت

کد آیه: ۴۴ / ۶

{فَلَمَّا نَسُوا ما ذُكِّرُوا بِهِ فَتَحْنا عَلَيْهِمْ أَبْوابَ كُلِّ شَيْءٍ حَتَّى إِذا فَرِحُوا بِما أُوتُوا أَخَذْناهُمْ بَغْتَةً فَإِذا هُمْ مُبْلِسُونَ}

(آری،) هنگامی که آنچه را به آنها یادآوری شده بود فراموش کردند، درهای همه چیز (از نعمتها) را به روی آنها گشودیم تا (کاملا) خوشحال شدند (و دل به آن بستند) ناگهان آنها را گرفتیم (و سخت مجازات کردیم) در این هنگام، همگی مأیوس شدند (و درهای امید به روی آنها بسته شد).

عَنْ أَبِی حَمْزَةَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ علیه السلام عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عز و جل : «فَلَمَّا نَسُوا ما ذُكِّرُوا بِهِ فَتَحْنا عَلَيْهِمْ أَبْوابَ كُلِّ شَيْءٍ»، قَالَ: أَمَّا قَوْلُهُ: «فَلَمَّا نَسُوا ما ذُكِّرُوا بِهِ»، يَعْنِی فَلَمَّا تَرَكُوا وَلَايَةَ عَلِيٍّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام وَ قَدْ أُمِرُوا بِهِ، «فَتَحْنا عَلَيْهِمْ أَبْوابَ كُلِّ شَيْءٍ»، يَعْنِی دَوْلَتَهُمْ فِی الدُّنْيَا وَ مَا بُسِطَ لَهُمْ فِيهَا، وَ أَمَّا قَوْلُهُ: «حَتَّى إِذا فَرِحُوا بِما أُوتُوا أَخَذْناهُمْ بَغْتَةً فَإِذا هُمْ مُبْلِسُونَ»، يَعْنِی قِيَامَ الْقَائِمِ علیه السلام .۱۱۰

ابو حمزه از امام باقر علیه السلام روایت کرده که در باره‌ی قول خداوند عز و جل : آنچه را به آنها یادآوری شده بود فراموش کردند، حضرت فرمودند: یعنی چون ولایت حضرت علی علیه السلام را وا گذاشتند، با اینکه به آن مأمور شده بودند، درهای همه چیز را بر آنان گشودیم، یعنی دولتشان در دنیا و آنچه در آن برایشان گسترده شده بود، و اینکه خداوند فرموده: تا آنگاه که به آنچه عطا شدند مغرور و شادمان گشتند، (و دل به آن بستند)، ناگهان آنها را گرفتیم، (و سخت مجازات کردیم) در این هنگام، همگی مأیوس شدند، (و درهای امید به روی آنها بسته شد)، یعنی به واسطه‌ی قیام حضرت قائم علیه السلام .

شماره: ۴۳: اختلافات و فتنه های آخرالزمان

کد آیه: ۶۵ / ۶

{قُلْ هُوَ الْقادِرُ عَلى أَنْ يَبْعَثَ عَلَيْكُمْ عَذاباً مِنْ فَوْقِكُمْ أَوْ مِنْ تَحْتِ أَرْجُلِكُمْ أَوْ يَلْبِسَكُمْ شِيَعاً وَ يُذِيقَ بَعْضَكُمْ بَأْسَ بَعْضٍ انْظُرْ كَيْفَ نُصَرِّفُ الْآياتِ لَعَلَّهُمْ يَفْقَهُونَ}

بگو: «او قادر است که از بالا یا از زیر پای شما، عذابی بر شما بفرستد یا بصورت دسته‌های پراکنده شما را با هم بیامیزد و طعم جنگ (و اختلاف) را به هر یک از شما به وسیله دیگری بچشاند.» ببین چگونه آیات گوناگون را (برای آنها) بازگو می کنیم! شاید بفهمند!

عَن ابی الجارود عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام فِی قَوْلِهِ: «قُلْ هُوَ الْقادِرُ عَلى أَنْ يَبْعَثَ عَلَيْكُمْ عَذاباً مِنْ فَوْقِكُمْ»، قَالَ: هُوَ الدَّجَّالُ وَ الصَّيْحَةُ «أَوْ مِنْ تَحْتِ أَرْجُلِكُمْ» وَ هُوَ الْخَسْفُ «أَوْ يَلْبِسَكُمْ شِيَعاً»، وَ هُوَ اخْتِلَافٌ فِی الدِّينِ، وَ طَعْنُ بَعْضِكُمْ عَلَى بَعْضٍ، «وَ يُذِيقَ بَعْضَكُمْ بَأْسَ بَعْضٍ»، وَ هُوَ أَنْ يَقْتُلَ بَعْضُكُمْ بَعْضاً، وَ كُلُّ هَذَا فِی أَهْلِ الْقِبْلَةِ.۱۱۱

ابو جارود از حضرت باقر علیه السلام روایت کرده که حضرت در تفسیر این آیه: «قُلْ هُوَ الْقادِرُ عَلى أَنْ يَبْعَثَ عَلَيْكُمْ عَذاباً مِنْ فَوْقِكُمْ»، یعنی: پیغمبر! بگو خداوند قادر است که عذابی از بالایتان به سوی شما بفرستد، فرمودند: این عذاب دجال و صدای آسمانی است و بقیه‌ی آیه که می گوید: «أَوْ مِنْ تَحْتِ أَرْجُلِكُمْ»،یعنی: یا عذابی از زیر پای شما بفرستد، فرو رفتن در بیابان است، «أَوْ يَلْبِسَكُمْ شِيَعاً»، یعنی: یا شما را با گروه‌های مختلف بهم ریزد، اختلافاتی است که در امور دینی پیدا می‌شود و از یکدیگر بد گوئی می‌نمایند، «وَ يُذِيقَ بَعْضَكُمْ بَأْسَ بَعْضٍ»، یعنی: سختی بعضی از شما را به بعضی دیگر می‌چشاند، اینست که بعضی از شما بعضی دیگر را به قتل برسانند، و تمام این عذابها در میان اهل قبله به وقوع می‌پیوندد.

شماره: ۴۴: یاران حضرت مهدی علیه السلام ذخائر الهی

کد آیه: ۸۹ / ۶

{أُولئِکَ الَّذینَ آتَیْناهُمُ الْکِتابَ وَ الْحُکْمَ وَ النُّبُوَّةَ فَإِنْ یَکْفُرْ بِها هؤُلاءِ فَقَدْ وَکَّلْنا بِها قَوْماً لَیْسُوا بِها بِکافِرینَ}

آنها کسانی هستند که کتاب و حکم و نبوّت به آنان دادیم و اگر نسبت به آن کفر ورزند، کسان دیگری را نگاهبان آن می‌سازیم که نسبت به آن، کافر نیستند.

«لطفاً به آیه‌ی شماره‌ی ۳۸، کد: ۵۴ / ۵ مراجعه فرمائید.»

شماره: ۴۵: بر بازوی راست حضرت

کد آیه: ۱۱۵ / ۶

{وَ تَمَّتْ کَلِمَةُ رَبِّکَ صِدْقاً وَ عَدْلاً لا مُبَدِّلَ لِکَلِماتِهِ وَ هُوَ السَّمیعُ الْعَلیمُ}

و کلام پروردگار تو، با صدق و عدل، به حدّ تمام رسید هیچ کس نمی‌تواند کلمات او را دگرگون سازد و او شنونده داناست.

عَنْ یُونُس بْنِ ظَبْیَان قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام یَقُولُ: إِنَّ اللَّهَ إِذَا أَرَادَ خَلْقَ إِمَام، أَنْزَلَ قَطْرَةً مِنْ تَحْتِ عَرْشِهِ عَلَی بَقْلَةٍ مِنْ بَقْلِ الْأَرْضِ أَوْ ثَمَرَةٍ مِنْ ثِمَارِهَا، فَأَکَلَ مِنْهَا الْإِمَامُ، فَتَکُونُ نُطْفَةً مِنْ تِلْکَ الْقَطْرَةِ، فَإِذَا مَکَثَ فِی بَطْنِ أُمِّهِ أَرْبَعِینَ یَوْماً سَمِعَ الصَّوْتَ، فَإِذَا تَمَّتْ لَهُ أَرْبَعَةُ أَشْهُرٍ کُتِبَ عَلَی عَضُدِهِ الْأَیْمَنِ: «وَ تَمَّتْ کَلِمَةُ رَبِّکَ صِدْقاً وَ عَدْلًا لا مُبَدِّلَ لِکَلِماتِهِ وَ هُوَ السَّمِیعُ الْعَلِیمُ»، فَإِذَا وَضَعَتْهُ أُمُّهُ عَلَی الْأَرْضِ زُیِّنَ بِالْحِکْمَةِ وَ جُعِلَ لَهُ مِصْبَاحٌ مِنْ نُورٍ یَرَی بِهِ أَعْمَالَهُمْ.۱۱۲

یونس بن ظبیان از حضرت صادق علیه السلام نقل کرده که شنیدم حضرت می‌فرمودند: وقتی خداوند تصمیم بگیرد امامی را از امام دیگر بیافریند فرشته‌ای را می‌فرستد که آبی از زیر عرش می‌گیرد بعد می‌رساند آن آب را به امام یا به او وامی‌گذارد چهل روز در رحم می‌ماند بدون اینکه چیزی بشنود پس از چهل روز می‌شنود. وقتی مادر او را زائید خداوند همان فرشته را می‌فرستد بر بازوی راست او می‌نویسد: «وَ تَمَّتْ کَلِمَةُ رَبِّکَ صِدْقاً وَ عَدْلًا لا مُبَدِّلَ لِکَلِماتِهِ وَ هُوَ السَّمِیعُ الْعَلِیمُ»، وقتی بر زمین قرار گیرد به او حکمت داده می‌شود و به علم و وقار آراسته می‌گردد و به او چراغی از نور می‌دهند که به وسیله آن اعمال مردم را می‌بیند.

شماره: ۴۶: بسته شدن باب توبه

کد آیه: ۱۵۸ / ۶

{هَلْ یَنْظُرُونَ إِلاَّ أَنْ تَأْتِیَهُمُ الْمَلائِکَةُ أَوْ یَأْتِیَ رَبُّکَ أَوْ یَأْتِیَ بَعْضُ آیاتِ رَبِّکَ یَوْمَ یَأْتی بَعْضُ آیاتِ رَبِّکَ لا یَنْفَعُ نَفْساً إیمانُها لَمْ تَکُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ أَوْ کَسَبَتْ فی إیمانِها خَیْراً قُلِ انْتَظِرُوا إِنَّا مُنْتَظِرُونَ}

آیا جز این انتظار دارند که فرشتگان (مرگ) به سراغشان آیند، یا خداوند (خودش) به سوی آنها بیاید، یا بعضی از آیات پروردگارت (و نشانه‌های رستاخیز)؟! اما آن روز که بعضی از آیات پروردگارت تحقّق پذیرد، ایمان‌آوردن افرادی که قبلًا ایمان نیاورده‌اند، یا در ایمانشان عمل نیکی انجام نداده‌اند، سودی به حالشان نخواهد داشت! بگو: «انتظار بکشید ما هم انتظار (کیفر شما را) می‌کشیم!»

۱ ـ عَنْ عَلِیِّ بْنِ رِئَابٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام أَنَّهُ قَالَ: فِی قَوْلِ اللَّهِ عز و جل : «یَوْمَ یَأْتِی بَعْضُ آیاتِ رَبِّکَ لا یَنْفَعُ نَفْساً إِیمانُها لَمْ تَکُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ»، فَقَالَ: الْآیَاتُ، هُمُ الْأَئِمَّةُ وَ الْآیَةُ الْمُنْتَظَرَةُ، هُوَ الْقَائِمُ علیه السلام ، «فَیَوْمَئِذٍ لَا یَنْفَعُ نَفْساً إِیمَانُهَا لَمْ تَکُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلِ»، قِیَامِهِ بِالسَّیْفِ وَ إِنْ آمَنَتْ بِمَنْ تَقَدَّمَهُ مِنْ آبَائِهِ علیهم السلام.۱۱۳

علیّ بن رئاب از امام صادق علیه السلام روایت کند که در تأویل این آیه: «يَوْمَ يَأْتِي بَعْضُ آياتِ رَبِّكَ لا يَنْفَعُ نَفْساً إِيمانُها لَمْ تَكُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ»، فرمودند: آیات، ائمّه علیهم السلام هستند و آیه‌ی منتظره، قائم علیه السلام است، و در آن روز ایمان کسی که پیش از قیام او با شمشیر، ایمان نیاورده باشد سودی ندارد، گرچه به پدرانش ایمان داشته باشد.

۲ ـ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: قَالَ الصَّادِقُ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ عليهما السلام : فِي قَوْلِ اللَّهِ عز و جل : «يَوْمَ يَأْتِي بَعْضُ آياتِ رَبِّكَ لا يَنْفَعُ نَفْساً إِيمانُها لَمْ تَكُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيمانِها خَيْراً»، يَعْنِي خُرُوجَ الْقَائِمِ الْمُنْتَظَرِ مِنَّا، ثُمَّ قَالَ عليه السلام : يَا أَبَا بَصِيرٍ! طُوبَى لِشِيعَةِ قَائِمِنَا، الْمُنْتَظِرِينَ لِظُهُورِهِ فِي غَيْبَتِهِ، وَ الْمُطِيعِينَ لَهُ فِي ظُهُورِهِ، أُولَئِكَ أَوْلِيَاءُ اللَّهِ الَّذِينَ لا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لا هُمْ يَحْزَنُون.۱۱۴

ابو بصیر از امام صادق علیه السلام روایت می‌کند که در تفسیر این قول خدای تعالی: «يَوْمَ يَأْتِي بَعْضُ آياتِ رَبِّكَ لا يَنْفَعُ نَفْساً إِيمانُها لَمْ تَكُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيمانِها خَيْراً»، فرمودند: یعنی خروج قائم منتظر ما، سپس فرمودند: ای ابا بصیر! خوشا به حال شیعیان قائم ما، کسانی که در غیبتش منتظر ظهور او هستند و در حال ظهورش نیز فرمانبردار اویند، آنان اولیای خدا هستند که نه خوفی بر آنهاست و نه اندوهگین می‌شوند.

۳ ـ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سُلَيْمَان الْعَامِرِي عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: مَا زَالَتِ الْأَرْضُ إِلَّا وَ لِلَّهِ تَعَالَى ذِكْرُهُ فِيهَا حُجَّةٌ يَعْرِفُ الْحَلَالَ وَ الْحَرَامَ وَ يَدْعُو إِلَى سَبِيلِ اللَّهِ، وَ لَا تَنْقَطِعُ الْحُجَّةُ مِنَ الْأَرْضِ إِلَّا أَرْبَعِينَ يَوْماً قَبْلَ يَوْمِ الْقِيَامَةِ، فَإِذَا رُفِعَتِ الْحُجَّةُ، أُغْلِقَ بَابُ التَّوْبَةِ، «وَ لا يَنْفَعُ نَفْساً إِيمانُها لَمْ تَكُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ»، أَنْ تُرْفَعَ الْحُجَّةُ أُولَئِكَ شِرَارُ مَنْ خَلَقَ اللَّهُ وَ هُمُ الَّذِينَ يَقُومُ عَلَيْهِمُ الْقِيَامَةُ.۱۱۵

عبد اللَّه بن سلیمان عامری از امام صادق علیه السلام روایت کند که حضرت فرمودند: زمین زایل نشود جز آنکه برای خدای تعالی در آن حجّتی باشد که حلال و حرام را بشناسد و مردم را به راه خدا فراخواند، و حجّت از زمین منقطع نشود، جز چهل روز پیش از وقوع قیامت، و چون حجّت خدا برداشته شود، ابواب توبه نیز مسدود می‌شود و ایمان شخصی که پیش از رفع حجّت ایمان نیاورده باشد سودی نبخشد، آنها بدترین خلق خدا هستند و قیامت علیه آنها واقع خواهد شد.

۴ ـ قال امیر المومنین علی علیه السلام فی خطبة طویل: ... ثُمَّ تَرْفَعُ الدَّابَّةُ رَأْسَهَا فَيَرَاهَا مَنْ بَيْنَ الْخَافِقَيْنِ بِإِذْنِ اللَّهِ جَلَّ جَلَالُهُ، وَ ذَلِكَ بَعْدَ طُلُوعِ الشَّمْسِ مِنْ مَغْرِبِهَا، فَعِنْدَ ذَلِكَ تُرْفَعُ التَّوْبَةُ، فَلَا تَوْبَةٌ تُقْبَلُ وَ لَا عَمَلٌ يُرْفَعُ وَ «لا يَنْفَعُ نَفْساً إِيمانُها لَمْ تَكُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيمانِها خَيْراً» ...۱۱۶

حضرت امیر المومنین علیه السلام در خطبه ای طولانی فرمودند: ... سپس آن جنبنده سر بلند کند و به اذن خدای تعالی همه کسانی که بین مشرق و مغرب هستند او را می‌بینند، و این بعد از آن است که آفتاب از مغرب طلوع نماید، در این هنگام توبه برداشته شود و هیچ توبه‌ای پذیرفته نشود و عملی بالا نرود، و «لايَنْفَعُ نَفْساً إِيمانُها لَمْ تَكُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيمانِها خَيْراً»...

شماره: ۴۷: انتقام از بازماندگان بنی امیّه

کد آیه: ۱۶۴ / ۶

{... وَ لا تَزِرُ وازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرى ثُمَّ إِلى رَبِّكُم مَرْجِعُكُمْ فَيُنَبِّئُكُمْ بِما كُنْتُمْ فيهِ تَخْتَلِفُونَ}

...و هیچ گنهکاری گناه دیگری را متحمّل نمی‌شود سپس بازگشت همه شما به سوی پروردگارتان است و شما را از آنچه در آن اختلاف داشتید، خبر خواهد داد.

عَن عبد السلام بن صالح الْهَرَوِيِّ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا عليه السلام : يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ! مَا تَقُولُ فِي حَدِيثٍ رُوِيَ عَنِ الصَّادِقِ عليه السلام أَنَّهُ قَالَ: إِذَا خَرَجَ الْقَائِمُ قَتَلَ ذَرَارِيَّ قَتَلَةِ الْحُسَيْنِ عليه السلام بِفِعَالِ آبَائِهَا، فَقَالَ عليه السلام : هُوَ كَذَلِكَ، فَقُلْتُ: وَ قَوْلُ اللَّهِ عز و جل : «وَ لا تَزِرُ وازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرى»، مَا مَعْنَاهُ؟ قَالَ: صَدَقَ اللَّهُ فِي جَمِيعِ أَقْوَالِهِ وَ لَكِنْ ذَرَارِيُّ قَتَلَةِ الْحُسَيْنِ عليه السلام ، يَرْضَوْنَ بِفِعَالِ آبَائِهِمْ وَ يَفْتَخِرُونَ بِهَا وَ مَنْ رَضِيَ شَيْئاً، كَانَ كَمَنْ أَتَاهُ وَ لَوْ أَنَّ رَجُلًا قُتِلَ بِالْمَشْرِقِ فَرَضِيَ بِقَتْلِهِ رَجُلٌ بِالْمَغْرِبِ لَكَانَ الرَّاضِي عِنْدَ

اللَّهِ عز و جل شَرِيكَ الْقَاتِلِ، وَ إِنَّمَا يَقْتُلُهُمُ الْقَائِمُ عليه السلام إِذَا خَرَجَ لِرِضَاهُمْ بِفِعْلِ آبَائِهِمْ.۱۱۷

عبد السلام بن صالح هروی گفت: به حضرت امام رضا علیه السلام عرض کردم: ای پسر رسول خدا چه می‌فرمایید در باب حدیثی که از جد بزرگوارتان حضرت صادق علیه السلام روایت کرده‌اند که: وقتی که قائم آل محمد صلوات اللّه علیه و آله خروج کند، آن حضرت ذریّه‌ی قاتلین حضرت امام حسین علیه السلام را خواهد کشت به سبب کردار پدرانشان؟ پس حضرت فرمودند: چنین است که حضرت صادق علیه السلام فرموده‌اند، راوی گوید بعد از این من گفتم که: پس معنی قول خدای تعالی که فرموده: «وَ لا تَزِرُ وازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرى»، چه خواهد بود؟ حضرت فرمودند: حق تعالی راستگو است در همه اقوال خود، لیکن ذریّه‌ی قتله امام حسین علیه السلام راضی‌اند به آنچه پدران ایشان به عمل آورده‌اند و افتخار به عمل شنیع پدران خود می‌کنند و کسی که راضی به چیزی باشد، مانند کسی است که آن چیز را به عمل آورده، و اگر شخصی را در مشرق کسی کشته باشد و در مغرب کسی دیگر راضی به آن قتل باشد، هر آینه راضی به قتل نزد خدای تعالی، شریک قاتل خواهد بود، و حضرت قائم علیه السلام که بعد از خروج، ذراری قتله امام حسین علیه السلام را می‌کشد به واسطه آنست که ایشان راضی‌اند بکردار پدران خود.

شماره: ۴۸: آخرین مرد اعراف

کد آیه: ۴۶ / ۷

{وَ بَيْنَهُما حِجابٌ وَ عَلَى الْأَعْرافِ رِجالٌ يَعْرِفُونَ كُلًّا بِسِيماهُمْ وَ نادَوْا أَصْحابَ الْجَنَّةِ أَنْ سَلامٌ عَلَيْكُمْ لَمْ يَدْخُلُوها وَ هُمْ يَطْمَعُونَ}

و میان این دو گروه حجاب و پرده‌ای است و بر اعراف (یعنی جایگاهی میان بهشت و جهنم) مردانی هستند که همه را به سیمایشان می‌شناسند و بهشتیان را که هنوز داخل بهشت نشده و چشم امید به دخول آن دارند ندا کنند که سلام بر شما باد.

عَنْ أَبِي ذَرٍّ قَالَ: سَمِعْتُ فَاطِمَةَ علیه السلام ، تَقُولُ: سَأَلْتُ أَبِي عَنْ قَوْلِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى: «وَ عَلَى الْأَعْرافِ رِجالٌ يَعْرِفُونَ كُلًّا بِسِيماهُمْ»، قَالَ: هُمُ الْأَئِمَّةُ بَعْدِي، عَلِيٌّ، وَ سِبْطَايَ، وَ تِسْعَةٌ مِنْ صُلْبِ الْحُسَيْنِ، هُمْ رِجَالُ الْأَعْرَافِ، لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ إِلَّا مَنْ يَعْرِفُهُمْ وَ يَعْرِفُونَهُ، وَ لَا يَدْخُلُ النَّارَ إِلَّا مَنْ أَنْكَرَهُمْ وَ يُنْكِرُونَهُ، لَا يُعْرَفُ اللَّهُ تَعَالَى إِلَّا بِسَبِيلِ مَعْرِفَتِهِمْ.۱۱۸

ابوذر از حضرت زهرا سلام الله علیها نقل می کند که فرمودند: از پدر بزرگوارم در باره‌ی قول خداوند تعالی: «وَ عَلَى الْأَعْرافِ رِجالٌ يَعْرِفُونَ كُلًّا بِسِيماهُمْ»، پرسیدم، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: آنان، امامان بعد از من هستند، علی علیه السلام ودو نوه دختری من، و نُه فرزند از نسل حسین علیه السلام آنها مردان اعراف‌اند، کسی وارد بهشت نمی‌شود مگر آنکه آنها را می‌شناسد، وآنها نیز او را می‌شناسند، و وارد دوزخ نمی‌شود مگر کسیکه آنها را نشناخته وآنها هم او را نشناسند، خداوند، جز از طریق شناخت آنها، شناخته نمی‌شود.

شماره: ۴۹: امر به انتظار فرج

کد آیه: ۷۱ /۷

{قالَ قَدْ وَقَعَ عَلَيْكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ رِجْسٌ وَ غَضَبٌ أَ تُجادِلُونَنِي فِي أَسْماءٍ سَمَّيْتُمُوها أَنْتُمْ وَ آباؤُكُمْ ما نَزَّلَ اللَّهُ بِها مِنْ سُلْطانٍ فَانْتَظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنْتَظِرِينَ}

گفت: «غضب پروردگارتان، شما را فرا گرفته است! آیا با من در مورد نامهایی مجادله می‌کنید که شما و پدرانتان (به عنوان معبود و خدا، بر بتها) گذارده‌اید، در حالی که خداوند هیچ دلیلی درباره آن نازل نکرده است؟! پس شما منتظر باشید، من هم با شما انتظار می‌کشم!)»

عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرٍ قَالَ: قَالَ الرِّضَا علیه السلام : مَا أَحْسَنَ الصَّبْرَ وَ انْتِظَارَ الْفَرَجِ، أَ مَا سَمِعْتَ قَوْلَ اللَّهِ عز و جل : «وَ

ارْتَقِبُوا إِنِّی مَعَکمْ رَقِیبٌ»، «فَانْتَظِرُوا إِنِّی مَعَکمْ مِنَ الْمُنْتَظِرِینَ»، فَعَلَیْکمْ بِالصَّبْرِ، فَإِنَّهُ إِنَّمَا یَجِیءُ الْفَرَجُ عَلَی الْیَأْسِ، فَقَدْ کانَ الَّذِینَ مِنْ قَبْلِکُمْ أَصْبَرَ مِنْکُمْ.۱۱۹

احمد بن محمد بن ابی نصر از امام رضا علیه السلام روایت کند که حضرت فرمودند: صبر و انتظار فرج چه نیکوست، آیا سخن خدای تعالی را نشنیدی که فرموده: چشم به راه باشید که من نیز با شما چشم به راهم، و فرمود: منتظر باشید که من نیز با شما از منتظرانم، پس بر شما باد که صبر کنید، که فرج پس از یأس می‌آید، و پیشینیان شما از شما صابرتر بودند.

شماره: ۵۰: عاقبت زمین

کد آیه: ۱۲۸ / ۷

{قالَ مُوسی لِقَوْمِهِ اسْتَعِینُوا بِاللَّهِ وَ اصْبِرُوا إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ یُورِثُها مَنْ یَشاءُ مِنْ عِبادِهِ وَ الْعاقِبَةُ لِلْمُتَّقِینَ}

موسی به قوم خود گفت: «از خدا یاری جویید، و استقامت پیشه کنید، که زمین از آن خداست، و آن را به هر کس از بندگانش که بخواهد، واگذار می‌کند و سرانجام (نیک) برای پرهیزکاران است!»

۱ ـ عَنْ أَبِی خَالِدٍ الْکَابُلِیِّ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام ، قَالَ: وَجَدْنَا فِی کِتَابِ عَلِیٍّ علیه السلام : «إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ یُورِثُها مَنْ یَشاءُ مِنْ عِبادِهِ وَ الْعاقِبَةُ لِلْمُتَّقِینَ»، أَنَا وَ أَهْلُ بَیْتِیَ الَّذِینَ أَوْرَثَنَا اللَّهُ الْأَرْضَ، وَ نَحْنُ الْمُتَّقُونَ، وَ الْأَرْضُ کُلُّهَا لَنَا، فَمَنْ أَحْیَا أَرْضاً مِنَ الْمُسْلِمِینَ فَلْیَعْمُرْهَا وَ لْیُؤَدِّ خَرَاجَهَا إِلَی الْإِمَامِ مِنْ أَهْلِ بَیْتِی، وَ لَهُ مَا أَکَلَ مِنْهَا، فَإِنْ تَرَکَهَا أَوْ أَخْرَبَهَا وَ أَخَذَهَا رَجُلٌ مِنَ الْمُسْلِمِینَ مِنْ بَعْدِهِ فَعَمَرَهَا وَ أَحْیَاهَا، فَهُوَ أَحَقُّ بِهَا مِنَ الَّذِی تَرَکَهَا یُؤَدِّی خَرَاجَهَا إِلَی الْإِمَامِ مِنْ أَهْلِ بَیْتِی، وَ لَهُ مَا أَکَلَ مِنْهَا حَتَّی یَظْهَرَ الْقَائِمُ مِنْ أَهْلِ بَیْتِی بِالسَّیْفِ، فَیَحْوِیَهَا وَ یَمْنَعَهَا وَ یُخْرِجَهُمْ مِنْهَا کَمَا حَوَاهَا رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم وَ مَنَعَهَا، إِلَّا مَا کَانَ فِی أَیْدِی شِیعَتِنَا، فَإِنَّهُ یُقَاطِعُهُمْ عَلَی مَا فِی أَیْدِیهِمْ وَ یَتْرُکُ الْأَرْضَ فِی أَیْدِیهِم.۱۲۰

از ابوخالد کابلی روایت است که، امام باقر علیه السلام فرمودند: ما در کتاب حضرت علی علیه السلام یافتیم که زمین از آن خدا است، و آن را به بندگان خود که خواهد به ارث دهد، و سرانجام از آنِ پرهیزکاران است، من و خاندان من هستیم آن کسانی که خداوند زمین را به ما ارث داده، و ما هستیم پرهیزکاران و همه زمین از آنِ ما است، هر که از مسلمانان زمینی را احیاء کند باید آن را آباد دارد و خراج آن را به امام از خانـدان من بپردازد، و هر چه از آن خرج خود کند حق او است، و اگر از آن دست کشید و یا آن را بایر و خراب کرد و مرد مسلمان دیگری پس از وی آن را به دست گرفت و آباد کرد و زنده نمود، او بدان سزاوارتر است از آن که دست از آن کشیده و آن را رها کرده، و او باید خراج آن را به امام از خاندان من بپردازد، و هر چه از آن خرج بخورد حق او است، تا امام قائم از اهل بیت من با شمشیر و قدرت، عیان شود و آن را تصرف کند و از خود دارد، و آنها را از آن بیرون کند، چنانچه رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم آنها را تصرّف کرد و برای خود داشت، جز آنچه در دست شیعیان ما باشد، که امام با آنها قرار دادی ببندد نسبت بدان چه در دست آنها است، و زمین را در دست آنها واگذارد.

۲ ـ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ: دَوْلَتُنَا آخِرُ الدُّوَلِ، وَ لَنْ یَبْقَی أَهْلُ بَیْتٍ لَهُمْ دَوْلَةٌ، إِلَّا مَلَکُوا قَبْلَنَا، لِئَلَّا یَقُولُوا إِذَا رَأَوْا سِیرَتَنَا، إِذَا مَلَکْنَا سِرْنَا مِثْلَ سِیرَةِ هَؤُلَاءِ، وَ هُوَ قَوْلُ اللَّهِ عز و جل : «وَ الْعاقِبَةُ لِلْمُتَّقِین».۱۲۱

امام باقر علیه السلام فرمودند: دولت ما آخرین دولتها است، هر خاندانی که دولتی داشته باشند، پیش از ما به آن می‌رسند تا چون روش سلطنت ما را دیدند، نگویند اگر ما هم سلطنتی داشتیم همین‌طور رفتار می‌کردیم، و همین است که قرآن می‌فرماید: عاقبت از پرهیزکاران است.

۳ ـ مِمَّا کَتَبَ مِن أَبِی مُحَمَّد الحَسَن بنِ عَلِی العَسکَری علیهماالسلام إِلَی عَلِیِّ بْنِ الْحُسَیْنِ بْنِ بَابَوَیْهِ الْقُمِّیِّ ... وَ عَلَیْکَ بِالصَّبْرِ وَ انْتِظَارِ الْفَرَجِ، فَإِنَّ النَّبِیَّ صلی الله علیه و آله و سلم قَالَ: أَفْضَلُ أَعْمَالِ أُمَّتِی انْتِظَارُ الْفَرَجِ، وَ لَا تَزَالُ شِیعَتُنَا فِی حُزْنٍ، حَتَّی یَظْهَرَ وَلَدِیَ الَّذِی

بَشَّرَ بِهِ النَّبِیُّ صلی الله علیه و آله و سلم ، یَمْلَأَ الْأَرْضَ قِسْطاً وَ عَدْلًا کَما مُلِئَتْ جَوْراً وَ ظُلْماً، فَاصْبِرْ یَا شَیْخِی! یَا أَبَا الْحَسَنِ! عَلَیَّ أَمْرِ جَمِیعِ شِیعَتِی بِالصَّبْرِ، «فَإِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ یُورِثُها مَنْ یَشاءُ مِنْ عِبادِهِ وَ الْعاقِبَةُ لِلْمُتَّقِینَ»، وَ السَّلَامُ عَلَیْکَ وَ عَلَی جَمِیعِ شِیعَتِنَا، وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَکَاتُهُ وَ صَلَّی اللَّهُ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ.۱۲۲

امام حسن عسکری علیه السلام در نامه‌ای به علی بن الحسین بن بابویه القمی، پس از حمد خدا و درود بر پیامبر و عترت طاهرینش می‌فرمایند: ای فقیه مورد اعتماد من، ... و تو را به صبر و پایداری و انتظار فرج توصیه می‌کنم، زیرا پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: بهترین کارهای امت من، انتظار فرج است، شیعیان ما همواره در غم و اندوه به سر می‌برند تا فرزندم ظهور کند، همان کسی که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بشارت آمدنش را داده‌اند، او زمین را از عدل و داد پر می‌کند، همان گونه که از ظلم و ستم پر شده است، پس بار دیگر ای علیّ بن بابویه، تو را به صبر و استقامت توصیه می‌کنم، و تو نیز همه‌ی شیعیان و پیروان مرا، به صبر و استقامت فرمان بده، به راستی زمین از آنِ خداست و آن را به هر کس از بندگانش که بخواهد به ارث می‌دهد و عاقبت از آنِ پرهیزگاران است، سلام و رحمت و برکت حقّ بر تو و بر همه شیعیان ما، و درود خداوند بر محمّد صلی الله علیه و آله و سلم و آل او.

شماره: ۵۱: رستگاران

کد آیه: ۱۵۷ / ۷

{الَّذِینَ یَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِیَّ الْأُمِّیَّ الَّذِی یَجِدُونَهُ مَکْتُوباً عِنْدَهُمْ فِی التَّوْراةِ وَ الْإِنْجِیلِ یَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَ یَنْهاهُمْ عَنِ الْمُنْکَرِ وَ یُحِلُّ لَهُمُ الطَّیِّباتِ وَ یُحَرِّمُ عَلَیْهِمُ الْخَبائِثَ وَ یَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَ الْأَغْلالَ الَّتِی کانَتْ عَلَیْهِمْ فَالَّذِینَ آمَنُوا بِهِ وَ عَزَّرُوهُ وَ نَصَرُوهُ وَ اتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِی أُنْزِلَ مَعَهُ أُولئِکَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ}

همانها که از فرستاده (خدا)، پیامبر «امّی» پیروی می‌کنند پیامبری که صفاتش را، در تورات و انجیلی که نزدشان است، می‌یابند آنها را به معروف دستور می‌دهد، و از منکر باز می‌دارد أشیاء پاکیزه را برای آنها حلال می‌شمرد، و ناپاکیها را تحریم می کند و بارهای سنگین، و زنجیرهایی را که بر آنها بود، بر می‌دارد، پس کسانی که به او ایمان آوردند، و حمایت و یاریش کردند، و از نوری که با او نازل شده پیروی نمودند، آنان رستگارانند.

عَنْ أَبِی عُبَیْدَةَ الْحَذَّاءِ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ علیه السلام عَنِ الِاسْتِطَاعَةِ وَ قَوْلِ النَّاسِ فَقَالَ: وَ تَلَا هَذِهِ الْآیَةَ: «وَ لا یَزالُونَ مُخْتَلِفِینَ إِلَّا مَنْ رَحِمَ رَبُّکَ وَ لِذلِکَ خَلَقَهُمْ»

یَا أَبَا عُبَیْدَةَ! النَّاسُ مُخْتَلِفُونَ فِی إِصَابَةِ الْقَوْلِ وَ کُلُّهُمْ هَالِکٌ.

قَالَ: قُلْتُ: قَوْلُهُ: «إِلَّا مَنْ رَحِمَ رَبُّکَ»، قَالَ: هُمْ شِیعَتُنَا، وَ لِرَحْمَتِهِ خَلَقَهُمْ، وَ هُوَ قَوْلُهُ: «وَ لِذلِکَ خَلَقَهُمْ»، یَقُولُ لِطَاعَةِ الْإِمَامِ الرَّحْمَةُ الَّتِی یَقُولُ: «وَ رَحْمَتِی وَسِعَتْ کُلَّ شَیْءٍ»، یَقُولُ: عِلْمُ الْإِمَامِ، وَ وَسِعَ عِلْمُهُ الَّذِی هُوَ مِنْ عِلْمِهِ کُلَّ شَیْءٍ هُمْ شِیعَتُنَا.

ثُمَّ قَالَ: «فَسَأَکْتُبُها لِلَّذِینَ یَتَّقُونَ»، یَعْنِی وَلَایَةَ غَیْرِ الْإِمَامِ وَ طَاعَتَهُ، ثُمَّ قَالَ: «یَجِدُونَهُ مَکْتُوباً عِنْدَهُمْ فِی التَّوْراةِ وَ الْإِنْجِیلِ»، یَعْنِی النَّبِیَّ صلی الله علیه و آله و سلم وَ الْوَصِیَّ وَ الْقَائِمَ «یَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ» إِذَا قَامَ «وَ یَنْهاهُمْ عَنِ الْمُنْکَرِ» وَ الْمُنْکَرُ مَنْ أَنْکَرَ فَضْلَ الْإِمَامِ وَ جَحَدَهُ، «وَ یُحِلُّ لَهُمُ الطَّیِّباتِ»، أَخْذَ الْعِلْمِ مِنْ أَهْلِهِ، «وَ یُحَرِّمُ عَلَیْهِمُ الْخَبائِثَ»، وَ الْخَبَائِثُ قَوْلُ مَنْ خَالَفَ، «وَ یَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ»، وَ هِیَ الذُّنُوبُ الَّتِی کَانُوا فِیهَا قَبْلَ مَعْرِفَتِهِمْ فَضْلَ الْإِمَامِ، «وَ الْأَغْلالَ الَّتِی کانَتْ عَلَیْهِمْ»، وَ الْأَغْلَالُ مَا کَانُوا یَقُولُونَ مِمَّا لَمْ یَکُونُوا أُمِرُوا بِهِ مِنْ تَرْکِ فَضْلِ الْإِمَامِ، فَلَمَّا عَرَفُوا فَضْلَ الْإِمَامِ وَضَعَ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ، وَ الْإِصْرُ، الذَّنْبُ وَ هِیَ الْآصَارُ ثُمَّ نَسَبَهُمْ.

فَقَالَ: «فَالَّذِینَ آمَنُوا بِهِ»، یَعْنِی بِالْإِمَامِ، «وَ عَزَّرُوهُ وَ نَصَرُوهُ وَ اتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِی أُنْزِلَ مَعَهُ أُولئِکَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»، یَعْنِی الَّذِینَ اجْتَنَبُوا الْجِبْتَ وَ الطَّاغُوتَ أَنْ یَعْبُدُوها، وَ الْجِبْتُ وَ الطَّاغُوتُ، فُلَانٌ وَ فُلَانٌ وَ فُلَانٌ وَ الْعِبَادَةُ طَاعَةُ النَّاسِ لَهُمْ.

ثُمَّ قَالَ: أَنِيبُوا إِلى رَبِّكَمْ وَ أَسْلِمُوا لَهُ، ثُمَّ جَزَاهُمْ، فَقَالَ: «لَهُمُ الْبُشْرى فِي الْحَياةِ الدُّنْيا وَ فِي الْآخِرَةِ»، وَ الْإِمَامُ يُبَشِّرُهُمْ بِقِيَامِ الْقَائِمِ وَ بِظُهُورِهِ وَ بِقَتْلِ أَعْدَائِهِمْ وَ بِالنَّجَاةِ فِي الْآخِرَةِ وَ الْوُرُودِ عَلَى مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الصَّادِقِينَ عَلَى الْحَوْضِ.۱۲۳

ابو عبیده حذاء گوید: از امام باقر علیه السلام راجع به استطاعت و گفتار مردم پرسیدم، حضرت این آیه را تلاوت نمودند: «مردم پیوسته مختلف خواهند بود (از لحاظ عقیده)، جز آنکه پروردگارت ترحّم کند (و به راه حق هدایتش فرماید)، و ایشان را برای ترحّم آفریده»، و فرمودند: ای ابا عبیده! مردم در رسیدن به قول حق مختلفند و همگی در هلاکت‌اند (حق را کنار گذاشته از باطلها پیروی می کنند).

من عرض کردم: خدا می‌فرماید: «جز کسی را که پروردگارت ترحّم کند»؟

حضرت فرمودند: آنها شیعیان ما هستند و خدا آنها را برای رحمتش آفریده، یعنی برای اطاعت امام آفرید، و امام همان رحمتی است که خدا می‌فرماید: «رحمت من همه چیز را فرا گرفته»، و آن رحمت علم امام است، و علم امام که مأخوذ از علم خداست همه چیز را فرا گرفته، آنها شیعیان ما هستند، سپس خدای تعالی فرماید: «رحمت خدا را برای کسانی که پرهیز کنند مقرر می‌دارد»، یعنی از ولایت و طاعت غیر امام پرهیز کنند، سپس فرماید: «او را نزد خود در تورات و انجیل نوشته می‌یابند»، مقصود از او، پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و وصیّش و امام قائم علیه السلام است، که ایشان را امر به معروف می کنند (زمانی که قیام فرماید) و از منکر بازشان می‌دارد، و منکر کسی است که فضیلت امام را نپذیرد و منکر شود، «و چیزهای پاکیزه را برای ایشان حلال می کند»، چیز پاکیزه به دست آوردن علم است از اهلش، «و پلیدی‌ها را بر ایشان حرام می کند»، پلیدیها گفتار مخالفین است، «و بار سنگین را از گردنشان بنهد»، و آن گناهانی است که پیش از شناختن فضیلت امام، در میانش بودند، «و بند و زنجیرهائی که بر دوش داشتند»، و زنجیرها همان سخنانی است که در باره‌ی ترک فضیلت امام می گفتند، در صورتی که به آن دستور نداشتند، پس چون فضیلت امام را شناختند، بار گران را از دوششان بنهد و بار گران همان گناه است.

سپس خدای تعالی آنها را معرفی کرده و فرموده است: «کسانی که به او (یعنی به امام) ایمان آورده و گرامیش داشته و یاری‌اش کرده‌اند و از نوری که همراه او نازل شده، پیروی کرده‌اند ایشان رستگارانند»، یعنی کسانی که از پرستش جبت و طاغوت دوری گزیدند، و جبت و طاغوت. فلان و فلان و فلان است و پرستش اطاعت مردم است از ایشان.

باز خداوند می‌فرماید: «به سوی پروردگار خود باز گردید و تسلیم او شوید»، سپس ایشان را پاداش داده و فرموده: «بشارت در زندگی دنیا و آخرت برای آنهاست»، و امام، ایشان را به قیام و ظهور حضرت قائم علیه السلام و به کشته شدن دشمنانشان و نجات در آخرت و ورود بر حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم، که درود خداوند بر محمد و آل راستگویش باد، کنار حوض کوثر بشارت دهد.

شماره: ۵۲: رجعت عدّه‌ای ازیهودیان مؤمن

کد آیه: ۱۵۹ / ۷

{وَ مِنْ قَوْمِ مُوسى أُمَّةٌ يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَ بِهِ يَعْدِلُونَ}

و از قوم موسی، گروهی هستند که به سوی حق هدایت می کنند و به حق و عدالت حکم می‌نمایند.

۱ ـ عَن مُفَضَّلِ بْن عُمَر عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام: قَالَ: يَخْرُجُ مَعَ الْقَائِمِ علیه السلام مِنْ ظَهْرِ الْكُوفَةِ سَبْعٌ وَ عِشْرُونَ رَجُلًا خَمْسَةَ عَشَرَ مِنْ قَوْمِ مُوسَى علیه السلام الَّذِينَ كَانُوا، «يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَ بِهِ يَعْدِلُونَ»، وَ سَبْعَةٌ مِنْ أَهْلِ الْكَهْفِ، وَ يُوشَعُ بْنُ نُونٍ، وَ سَلْمَانُ، وَ أَبُو دُجَانَةَ الْأَنْصَارِيُّ، وَ الْمِقْدَادُ، وَ مَالِكٌ الْأَشْتَرُ، فَيَكُونُونَ بَيْنَ يَدَيْهِ أَنْصَاراً وَ حُكَّاما.۱۲۴

مفضل بن عمر از امام صادق علیه السلام روایت کند که حضرت فرمودند: از پشت شهر کوفه بیست و هفت مرد همراه حضرت قائم

علیه السلام بیرون می‌آیند، پانزده تن آنان از قوم حضرت موسی علیه السلام می‌باشند، که به حق هدایت کنند و بدان دادگری نمایند، و هفت تن آنان اصحاب کهف هستند، و یوشع بن نون، سلمان فارسی، ابو دجانه انصاری، مقداد، مالک اشتر، می‌باشند، پس اینها یاران و حکمرانان او هستند.

شماره: ۵۳: پیمان انبیاء

کد آیه: ۱۷۲ / ۷

{وَ إِذْ أَخَذَ رَبُّکَ مِنْ بَنِی آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّیَّتَهُمْ وَ أَشْهَدَهُمْ عَلی أَنْفُسِهِمْ أَ لَسْتُ بِرَبِّکُمْ قالُوا بَلی شَهِدْنا أَنْ تَقُولُوا یَوْمَ الْقِیامَةِ إِنَّا کُنَّا عَنْ هذا غافِلِینَ}

و (به خاطر بیاور) زمانی را که پروردگارت از صلب فرزندان آدم، ذریّه آنها را برگرفت و آنها را گواه بر خویشتن ساخت (و فرمود:) «آیا من پروردگار شما نیستم؟» گفتند: «آری، گواهی می‌دهیم!» (و ما این گواهی را گرفتیم) تا مبادا روز رستاخیز بگویید: «ما از این، غافل بودیم»!

عَنْ زُرَارَةَ عَنْ حُمْرَانَ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ: إِنَّ اللَّهَ تَبَارَکَ وَ تَعَالَی حَیْثُ خَلَقَ الْخَلْقَ، خَلَقَ مَاءً عَذْباً وَ مَاءً مَالِحاً أُجَاجاً، فَامْتَزَجَ الْمَاءَانِ فَأَخَذَ طِیناً مِنْ أَدِیمِ الْأَرْضِ، فَعَرَکَهُ عَرْکاً شَدِیداً، فَقَالَ لِأَصْحَابِ الْیَمِینِ وَ هُمْ کَالذَّرِّ یَدِبُّونَ إِلَی الْجَنَّةِ بِسَلَام، وَ قَالَ لِأَصْحَابِ الشِّمَالِ إِلَی النَّارِ وَ لَا أُبَالِی، ثُمَّ قَالَ: «أَ لَسْتُ بِرَبِّکُمْ قالُوا بَلی شَهِدْنا أَنْ تَقُولُوا یَوْمَ الْقِیامَةِ إِنَّا کُنَّا عَنْ هذا غافِلِینَ»، ثُمَّ أَخَذَ الْمِیثَاقَ عَلَی النَّبِیِّینَ.

فَقَالَ: أَ لَسْتُ بِرَبِّکُمْ وَ أَنَّ هَذَا مُحَمَّدٌ رَسُولِی وَ أَنَّ هَذَا عَلِیٌّ أَمِیرُ الْمُؤْمِنِینَ، قالُوا: بَلی، فَثَبَتَتْ لَهُمُ النُّبُوَّةُ، وَ أَخَذَ الْمِیثَاقَ عَلَی أُولِی الْعَزْمِ، أَنَّنِی رَبُّکُمْ وَ مُحَمَّدٌ رَسُولِی وَ عَلِیٌّ أَمِیرُ الْمُؤْمِنِینَ وَ أَوْصِیَاؤُهُ مِنْ بَعْدِهِ وُلَاةُ أَمْرِی وَ خُزَّانُ عِلْمِی، وَ أَنَّ الْمَهْدِیَّ أَنْتَصِرُ بِهِ لِدِینِی، وَ أُظْهِرُ بِهِ دَوْلَتِی، وَ أَنْتَقِمُ بِهِ مِنْ أَعْدَائِی، وَ أُعْبَدُ بِهِ طَوْعاً وَ کَرْهاً ...۱۲۵

امام باقر علیه السلام فرمودند: همانا خدای تبارک و تعالی چون خواست خلق را بیافریند، نخست آبی گوارا و آبی شور و تلخ آفرید، و آن دو آب را به هم آمیختند، سپس خاکی از صفحه زمین برگرفت و آن را به شدّت مالش داد، آنگاه به اصحاب یمین که مانند مورچه میجنبیدند، فرمود: با سلامت به سوی بهشت و به أصحاب شمال فرمود: به سوی دوزخ بروید و باکی هم ندارم، سپس فرمود: «مگر من پروردگار شما نیستم ؟ گفتند: آری گواهی می‌دهیم، تا در روز قیامت نگویند: ما از این بی خبر بودیم».

سپس از پیغمبران پیمان گرفت و فرمود: مگر من پروردگار شما نیستم ؟ و این محمد رسول من نیست و این علی امیر مؤمنان نمیباشد ؟ انبیاء گفتند: آری، پس نبوّت آنها پا بر جا شد، و از پیغمبران اولو العزم پیمان گرفت که من پروردگار شمایم و محمد رسولم و علی امیر مؤمنان و اوصیاء بعد از او، والیان امر من و خزانه داران علم من و اینکه مهدی کسی است که به وسیله او دینم را نصرت دهم و دولتم را آشکار کنم و از دشمنانم انتقام گیرم و به وسیله او خواهی نخواهی عبادت شوم...

شماره: ۵۴: آخرین امام

کد آیه: ۱۸۱ / ۷

{وَ مِمَّنْ خَلَقْنا أُمَّةٌ یَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَ بِهِ یَعْدِلُونَ}

و از آنها که آفریدیم، گروهی به حق هدایت می‌کنند، و به حق اجرای عدالت می‌نمایند.

۱ ـ عَنْ حُمْرَانَ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام فِی قَوْلِ اللَّهِ تَبَارَکَ وَ تَعَالَی: «وَ مِمَّنْ خَلَقْنا أُمَّةٌ یَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَ بِهِ یَعْدِلُونَ»، قَالَ: هُمُ الْأَئِمَّةُ علیهم السلام .۱۲۶

حمران از حضرت باقر علیه السلام نقل کرده که حضرت در مورد آیه: «وَ مِمَّنْ خَلَقْنا أُمَّةٌ یَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَ بِهِ یَعْدِلُونَ»، از میان مردم گروهی راهنمای به حق هستند و مردم را متوجّه حقیقت می‌کنند، فرمودند: آنها ائمّه علیهم السلام هستند.

۲ ـ عَنْ زَاذَانَ عَنْ عَلِیٍّ علیه السلام قَالَ: تَفْتَرِقُ هَذِهِ الْأُمَّةُ عَلَی ثَلَاثٍ وَ سَبْعِینَ فِرْقَةً، اثْنَتَانِ وَ سَبْعُونَ فِی النَّارِ، وَ وَاحِدَةٌ فِی الْجَنَّةِ، وَ هُمُ الَّذِینَ قَالَ اللَّهُ عز و جل : «وَ مِمَّنْ خَلَقْنا أُمَّةٌ یَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَ بِهِ یَعْدِلُونَ»، وَ هُمْ أَنَا وَ شِیعَتِی.۱۲۷

زاذان از حضرت علی علیه السلام روایت نموده که حضرت در باره‌ی آیه: «وَ مِمَّنْ خَلَقْنا أُمَّةٌ یَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَ بِهِ یَعْدِلُونَ»، فرمودند: این امّت به هفتاد و سه فرقه تقسیم می‌شود، که هفتاد و دو فرقه در آتشند و یک فرقه در بهشت، و اینان همان کسانی هستند که خداوند در حقّ آن‌ها فرموده است: «وَ مِمَّنْ خَلَقْنا أُمَّةٌ یَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَ بِهِ یَعْدِلُونَ»، و آن‌ها من و شیعیان من هستند.

شماره: ۵۵: وقت ظهور

کد آیه: ۱۸۷ / ۷

{یَسْئَلُونَکَ عَنِ السَّاعَةِ أَیَّانَ مُرْساها قُلْ إِنَّما عِلْمُها عِنْدَ رَبِّی لا یُجَلِّیها لِوَقْتِها إِلَّا هُوَ ثَقُلَتْ فِی السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ لا تَأْتیکُمْ إِلَّا بَغْتَةً یَسْئَلُونَکَ کَأَنَّکَ حَفِیٌّ عَنْها قُلْ إِنَّما عِلْمُها عِنْدَ اللَّهِ وَ لکِنَّ أَکْثَرَ النَّاسِ لا یَعْلَمُونَ}

(ای رسول ما) درباره‌ی قیامت از تو سؤال می‌کننـد، کی فرامی‌رسـد؟! بگو: «علمش فقط نزد پروردگار من است و هیـچ کس جز او (نمی‌توانـد) وقت آن را آشـکار سـازد، (قیـام قیامت، حتی) در آسـمانها و زمین، سـنگین است و جز به طور ناگهانی، به سـراغ شـما نمی‌آیـد!» (بـاز) از تو سؤال می‌کننـد، چنان که گویی تو از زمان وقوع آن با خبری! بگو: «علمش تنها نزد خـداست ولی بیشتر مردم نمی‌دانند.»

عَنِ مُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ قَالَ: سَأَلْتُ سَیِّدِیَ الصَّادِقَ علیه السلام : هَلْ لِلْمَأْمُورِ الْمُنْتَظَرِ الْمَهْدِیِّ علیه السلام مِنْ وَقْتٍ مُوَقَّتٍ یَعْلَمُهُ النَّاسُ؟ فَقَالَ: حَاشَ لِلَّهِ أَنْ یُوَقِّتَ ظُهُورَهُ بِوَقْتٍ یَعْلَمُهُ شِیعَتُنَا، قُلْتُ: یَا سَیِّدِی! وَ لِمَ ذَاکَ؟ قَالَ: لِأَنَّهُ هُوَ السَّاعَةُ الَّتِی قَالَ اللَّهُ تَعَالَی: «یَسْئَلُونَکَ عَنِ السَّاعَةِ أَیَّانَ مُرْساها قُلْ إِنَّما عِلْمُها عِنْدَ رَبِّی لا یُجَلِّیها لِوَقْتِها إِلَّا هُوَ ثَقُلَتْ فِی السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ»، الْآیَةَ، وَ هُوَ السَّاعَةُ الَّتِی قَالَ اللَّهُ تَعَالَی: «یَسْئَلُونَکَ عَنِ السَّاعَةِ أَیَّانَ مُرْساها»، وَ قَالَ: عِنْدَهُ عِلْمُ السَّاعَةِ وَ لَمْ یَقُلْ إِنَّهَا عِنْدَ أَحَدٍ، وَ قَالَ: «فَهَلْ یَنْظُرُونَ إِلَّا السَّاعَةَ أَنْ تَأْتِیَهُمْ بَغْتَةً فَقَدْ جاءَ أَشْراطُها»، الْآیَةَ، وَ قَالَ: «اقْتَرَبَتِ السَّاعَةُ وَ انْشَقَّ الْقَمَرُ»، وَ قَالَ: «ما یُدْرِیکَ لَعَلَّ السَّاعَةَ تَکُونُ قَرِیباً»، «یَسْتَعْجِلُ بِهَا الَّذِینَ لا یُؤْمِنُونَ بِها وَ الَّذِینَ آمَنُوا مُشْفِقُونَ مِنْها وَ یَعْلَمُونَ أَنَّهَا الْحَقُّ أَلا إِنَّ الَّذِینَ یُمارُونَ فِی السَّاعَةِ لَفِی ضَلالٍ بَعِیدٍ»، قُلْتُ: فَمَا مَعْنَی یُمَارُونَ؟ قَالَ: یَقُولُونَ: مَتَی وُلِدَ وَ مَنْ رَأَی وَ أَیْنَ یَکُونُ، وَ مَتَی یَظْهَرُ وَ کُلُّ ذَلِکَ اسْتِعْجَالًا لِأَمْرِ اللَّهِ وَ شَکّاً فِی قَضَائِهِ وَ دُخُولًا فِی قُدْرَتِهِ، أُولَئِکَ الَّذِینَ خَسِرُوا الدُّنْیَا وَ إِنَّ لِلْکَافِرِینَ لَشَرَّ مَآبٍ، قُلْتُ: أَ فَلَا یُوَقَّتُ لَهُ وَقْتٌ؟ فَقَالَ: یَا مُفَضَّلُ! لَا أُوَقِّتُ لَهُ وَقْتاً وَ لَا یُوَقَّتُ لَهُ وَقْتٌ، إِنَّ مَنْ وَقَّتَ لِمَهْدِیِّنَا وَقْتاً، فَقَدْ شَارَکَ اللَّهَ تَعَالَی فِی عِلْمِهِ وَ ادَّعَی أَنَّهُ ظَهَرَ عَلَی سِرِّهِ، وَ مَا لِلَّهِ مِنْ سِرٍّ إِلَّا وَ قَدْ وَقَعَ إِلَی هَذَا الْخَلْقِ الْمَعْکُوسِ الضَّالِّ عَنِ اللَّهِ، الرَّاغِبِ عَنْ أَوْلِیَاءِ اللَّهِ، وَ مَا لِلَّهِ مِنْ خَبَرٍ إِلَّا وَ هُمْ أَخَصُّ بِهِ لِسِرِّهِ وَ هُوَ عِنْدَهُمْ وَ إِنَّمَا أَلْقَی اللَّهُ إِلَیْهِمْ لِیَکُونَ حُجَّةً عَلَیْهِم.۱۲۸

از مفضل بن عمر روایت است که گفت: از آقایم حضرت صادق علیه السلام پرسیدم: آیا مأموریت مهدی منتظَر وقت معینی دارد و مردم باید بدانند کی خواهد بود؟ حضرت فرمودند: حاشا که خداوند وقت ظهور او را طوری معین کند که شیعیان ما آن را بدانند.

عرض کردم: آقای من! برای چه؟ فرمودند: زیرا وقت ظهور او همان ساعتی است که خداوند می‌فرماید:

«یَسْئَلُونَکَ عَنِ السَّاعَةِ أَیَّانَ مُرْساها»؛ «قُلْ إِنَّما عِلْمُها عِنْدَ رَبِّی لا یُجَلِّیها لِوَقْتِها إِلَّا هُوَ ثَقُلَتْ فِی السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ لا تَأْتِیکُمْ إِلَّا بَغْتَةً»،

و نیز این همان ساعتی است که خدا فرموده:

«یَسْئَلُونَکَ عَنِ السَّاعَةِ أَیَّانَ مُرْساها»، و هم فرموده:

إ«نَّ اللَّهَ عِنْدَهُ عِلْمُ السَّاعَةِ»، یعنی: علم آن وقت فقط در نزد خداست و در آیه دیگر فرمود:
«فَهَلْ یَنْظُرُونَ إِلَّا السَّاعَةَ أَنْ تَأْتِیَهُمْ بَغْتَةً فَقَدْ جاءَ أَشْراطُها»، و نیز فرمود:
«اقْتَرَبَتِ السَّاعَةُ وَ انْشَقَّ الْقَمَرُ»، و هم فرمود:
«ما یُدْرِیکَ لَعَلَّ السَّاعَةَ قَرِیبٌ یَسْتَعْجِلُ بِهَا الَّذِینَ لا یُؤْمِنُونَ بِها وَ الَّذِینَ آمَنُوا مُشْفِقُونَ مِنْها وَ یَعْلَمُونَ أَنَّهَا الْحَقُّ أَلا إِنَّ الَّذِینَ یُمارُونَ فِی السَّاعَةِ لَفِی ضَلالٍ بَعِیدٍ»، عرض کردم: معنی «یمارون» چیست؟ حضرت فرمودند: یعنی مردم می‌گویند قائم علیه السلام کی متولد شده و چه کسی او را دیده است، و حالا کجاست و چه وقت آشکار می‌شود؟ اینها همه عجله در امر خدا و شک در قضای الهی و دخالت در قدرت اوست، اینان کسانی هستند که، در دنیا زیان می‌برند و پایان بد از آنِ کافران است، عرض کردم: آیا وقتی برای آن تعیین نشده؟ حضرت فرمودند: ای مفضل! نه من وقتی بر آن معین می‌کنم و نه هم وقتی برای آن تعیین شده است! هر کس برای ظهور مهدی ما وقتی تعیین کند، خود را در علم خداوند شریک دانسته و (به ناحق) ادعا کرده که توانسته است بر اسرار خدا آگاهی یابد! در صورتی که خداوند هر سرّی دارد برای این مخلوق که از خدا و اولیاء خدا برگشته‌اند واقع شده است، هر خیری خدا داشته باشد اختصاص به بندگانش دارد که باید به آن برسند، زیرا که خدا همه وقت با بندگانش است، آن اسرار که به آنها می‌دهد برای این است که بر آنها حجت باشد.

شماره: ۵۶: ابطال باطل

کد آیه:۸و۷ / ۸

{وَ إِذْ یَعِدُکُمُ اللَّهُ إِحْدَی الطَّائِفَتَیْنِ أَنَّها لَکُمْ وَ تَوَدُّونَ أَنَّ غَیْرَ ذاتِ الشَّوْکَةِ تَکُونُ لَکُمْ وَ یُرِیدُ اللَّهُ أَنْ یُحِقَّ الْحَقَّ بِکَلِماتِهِ وَ یَقْطَعَ دابِرَ الْکافِرِینَ (۷) لِیُحِقَّ الْحَقَّ وَ یُبْطِلَ الْباطِلَ وَ لَوْ کَرِهَ الْمُجْرِمُونَ (۸) }

و (به یاد آرید) هنگامی را که خداوند به شما وعده داد که یکی از دو گروه [کاروان تجاری قریش، یا لشکر مسلّح آنها] نصیب شما خواهد بود و شما دوست می‌داشتید که کاروان (غیر مسلّح) برای شما باشد (و بر آن پیروز شوید) ولی خداوند می‌خواهد حق را با کلمات خود تقویت، و ریشه کافران را قطع کند.(۷)تا حق را تثبیت کند، و باطل را از میان بردارد، هر چند مجرمان کراهت داشته باشند. (۸)

عَنْ جَابِرٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ علیه السلام عَنْ تَفْسِیرِ هَذِهِ الْآیَةِ فِی قَوْلِ اللَّهِ: «یُرِیدُ اللَّهُ أَنْ یُحِقَّ الْحَقَّ بِکَلِماتِهِ وَ یَقْطَعَ دابِرَ الْکافِرِینَ»، قَالَ: أَبُو جَعْفَرٍ علیه السلام تَفْسِیرُهَا فِی الْبَاطِنِ یُرِیدُ اللَّهُ فَإِنَّهُ شَیْءٌ یُرِیدُهُ وَ لَمْ یَفْعَلْهُ بَعْدُ وَ أَمَّا قَوْلُهُ: «یُحِقَّ الْحَقَّ بِکَلِماتِهِ»، فَإِنَّهُ یَعْنِی یُحِقُّ حَقَّ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ أَمَّا قَوْلُهُ: «بِکَلِماتِهِ»، قَالَ: کَلِمَاتُهُ فِی الْبَاطِنِ، عَلِیٌّ علیه السلام ، هُوَ کَلِمَةُ اللَّهِ فِی الْبَاطِنِ، وَ أَمَّا قَوْلُهُ: «وَ یَقْطَعَ دابِرَ الْکافِرِینَ»، فَیَعْنِی بَنِی أُمَیَّةَ هُمُ الْکَافِرُونَ یَقْطَعُ اللَّهُ دَابِرَهُمْ، وَ أَمَّا قَوْلُهُ: «لِیُحِقَ الْحَقَّ»، فَإِنَّهُ یَعْنِی لِیُحِقَّ حَقَّ آلِ مُحَمَّدٍ حِینَ یَقُومُ الْقَائِمُ علیه السلام ، وَ أَمَّا قَوْلُهُ: «وَ یُبْطِلَ الْباطِلَ»، یَعْنِی الْقَائِمَ علیه السلام ، فَإِذَا قَامَ یُبْطِلُ بَاطِلَ بَنِی أُمَیَّةَ وَ ذَلِکَ لِیُحِقَّ الْحَقَّ وَ یُبْطِلَ الْباطِلَ وَ لَوْ کَرِهَ الْمُجْرِمُونَ.۱۲۹

از جابر روایت است که از حضرت باقر علیه السلام راجع به تفسیر این آیه پرسیدم: «یُرِیدُ اللَّهُ أَنْ یُحِقَّ الْحَقَّ بِکَلِماتِهِ وَ یَقْطَعَ دابِرَ الْکافِرِینَ»، حضرت فرمودند: تفسیر این آیه در باطن اینست که خدا اراده دارد یعنی هنوز انجام نداده و معنی «یُحِقَ الْحَقَّ بِکَلِماتِهِ» یعنی احقاق حق آل محمّد را کند اما «بِکَلِماتِهِ» در باطن علی کلمهٔ اللّه است «وَ یَقْطَعَ دابِرَ الْکافِرِینَ» منظور بنی امیه است که خداوند دمار از روزگار آنها می‌کشد و اینکه فرموده: «لِیُحِقَ الْحَقَّ» یعنی تا احقاق حق آل محمّد را بکند هنگام قیام حضرت قائم «وَ یُبْطِلَ الْباطِلَ»، یعنی قائم وقتی قیام کرد باطل بنی امیه را از میان می‌برد این است معنی آیه.

شماره: ۵۷: پایان شرک

کد آیه: ۳۹ / ۸

{وَ قاتِلُوهُمْ حَتَّى لا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَ يَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ فَإِنِ انْتَهَوْا فَإِنَّ اللَّهَ بِما يَعْمَلُونَ بَصِيرٌ}

و با آنها پیکار کنید، تا فتنه برچیده شود، و دین (و پرستش) همه مخصوص خدا باشد! و اگر آنها خودداری کنند، خدا به آنچه انجام می‌دهند بیناست.

تفسیر العیاشی عَنْ زُرَارَةَ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام : سُئِلَ أَبِی عَنْ قَوْلِ اللَّهِ: «قاتِلُوا الْمُشْرِكِينَ كَافَّةً كَما يُقاتِلُونَكُمْ كَافَّةً»، «حَتَّى لا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَ يَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ»، قَالَ: إِنَّهُ لَمْ يَجِئْ تَأْوِيلُ هَذِهِ الْآيَةِ، وَ لَوْ قَدْ قَامَ قَائِمُنَا سَيَرَى مَنْ يُدْرِكُهُ مَا يَكُونُ مِنْ تَأْوِيلِ هَذِهِ الْآيَةِ، وَ لَيَبْلُغَنَّ دِينُ مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله و سلم مَا بَلَغَ اللَّيْلُ حَتَّى لَا يَكُونَ شِرْكٌ عَلَى ظَهْرِ الْأَرْضِ كَمَا قَالَ اللَّه تعالی: «يَعْبُدُونَنِي لا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئا». ۱۳۰

در تفسیر عیاشی از زراره روایت نموده که گفت: امام صادق علیه السلام فرمودند: راجع به این آیه از پدرم سؤال شد، پدرم فرمودند: تأویل این آیه هنوز فرا نرسیده است، هنگامی که قائم ما قیام کند کسانی که زمان او را درک کنند تأویل این آیه را خواهند دید، در آن موقع دین حضرت محمّد صلی الله علیه و آله و سلم به تمام نقاطی که شب پوشش آرام‌بخش خود را بر آن می‌افکند، خواهد رسید تا در سراسر روی زمین مشرک و بی‌دینی باقی نماند، چنان که خداوند می‌فرماید: تنها مرا پرستش کنند و چیزی را شریک من قرار ندهند.

شماره: ۵۸: اعلان جهانی ظهور حضرت

کد آیه: ۳ / ۹

{وَ أَذانٌ مِنَ اللَّهِ وَ رَسُولِهِ إِلَى النَّاسِ يَوْمَ الْحَجِّ الْأَكْبَرِ أَنَّ اللَّهَ بَرِيءٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ وَ رَسُولُهُ فَإِنْ تُبْتُمْ فَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ وَ إِنْ تَوَلَّيْتُمْ فَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ غَيْرُ مُعْجِزِي اللَّهِ وَ بَشِّرِ الَّذِينَ كَفَرُوا بِعَذابٍ أَلِيمٍ}

و این، اعلامی است از ناحیه خدا و پیامبرش به (عموم) مردم در روز حج اکبر که: خداوند و پیامبرش از مشرکان بیزارند! با این حال، اگر توبه کنید، برای شما بهتر است! و اگر سرپیچی نمایید، بدانید شما نمی‌توانید خدا را ناتوان سازید! و کافران را به مجازات دردناک بشارت ده!

عَنْ جَابِرٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ علیهما السلام وَ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام ، فِی قَوْلِ اللَّهِ: «وَ أَذانٌ مِنَ اللَّهِ وَ رَسُولِهِ إِلَى النَّاسِ يَوْمَ الْحَجِّ الْأَكْبَرِ»، قَالَ: خُرُوجُ الْقَائِمِ علیه السلام وَ أَذَانٌ دَعْوَتُهُ إِلَى نَفْسِه. ۱۳۱

جابر از امام صادق علیه السلام و امام باقر علیه السلام روایت کرده که در باره‌ی قول خداوند تعالی: «وَ أَذانٌ مِنَ اللَّهِ وَ رَسُولِهِ إِلَى النَّاسِ يَوْمَ الْحَجِّ الْأَكْبَرِ» فرمودند: حج بزرگ ظهور قائم علیه السلام است و اعلان دعوت به خویش می‌باشد.

شماره: ۵۹: غلبه‌ی اسلام بر تمام ادیان

کد آیه: ۳۳ / ۹

{هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدى وَ دِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ}

او کسی است که رسولش را با هدایت و آیین حق فرستاد، تا آن را بر همه آیین‌ها غالب گرداند، هر چند مشرکان کراهت داشته باشند!

۱ـ عَنْ أَبِی بَصِیرٍ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام : فِی قَوْلِ اللَّهِ عز و جل : «هُوَ الَّذِی أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدی وَ دِینِ الْحَقِّ لِیُظْهِرَهُ عَلَی الدِّینِ کُلِّهِ وَ لَوْ کَرِهَ الْمُشْرِکُونَ»، فَقَالَ: وَ اللَّهِ مَا نَزَلَ تَأْوِیلُهَا بَعْدُ وَ لَا یَنْزِلُ تَأْوِیلُهَا حَتَّی یَخْرُجَ الْقَائِمُ علیه السلام ، فَإِذَا خَرَجَ الْقَائِمُ علیه السلام لَمْ یَبْقَ کَافِرٌ بِاللَّهِ الْعَظِیمِ وَ لَا مُشْرِکٌ بِالْإِمَامِ، إِلَّا کَرِهَ خُرُوجَهُ حَتَّی أَنْ لَوْ کَانَ کَافِراً أَوْ مُشْرِکاً فِی بَطْنِ صَخْرَةٍ لَقَالَتْ: یَا مُؤْمِنُ! فِی بَطْنِی کَافِرٌ فَاکْسِرْنِی وَ اقْتُلْهُ.۱۳۲

ابو بصیر گوید: امام صادق علیه السلام در تفسیر قول خدای تعالی: «هُوَ الَّذِی أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدی وَ دِینِ الْحَقِّ لِیُظْهِرَهُ عَلَی الدِّینِ کُلِّهِ وَ لَوْ کَرِهَ الْمُشْرِکُونَ»، فرمودند: به خدا سوگند تأویل این آیه هنوز نازل نشده است، و نازل نخواهد شد تا آنکه قائم علیه السلام خروج کند، و زمانی که خروج کند، کافران به خدای عظیم و مشرکان به امام را، ناخوش آید، و اگر کافر یا مشرکی در دل صخره‌ای باشد آن صخره بگوید: ای مؤمن! در دل من کافری است مرا بشکن و او را بکش.

۲ـ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ الثَّقَفِیِّ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِیٍّ الْبَاقِرَ علیهماالسلام یَقُولُ: الْقَائِمُ مِنَّا مَنْصُورٌ بِالرُّعْبِ مُؤَیَّدٌ بِالنَّصْرِ تُطْوَی لَهُ الْأَرْضُ وَ تَظْهَرُ لَهُ الْکُنُوزُ یَبْلُغُ سُلْطَانُهُ الْمَشْرِقَ وَ الْمَغْرِبَ وَ یُظْهِرُ اللَّهُ عز و جل بِهِ دَیْنَهُ عَلَی الدِّینِ کُلِّهِ وَ لَوْ کَرِهَ الْمُشْرِکُونَ، فَلَا یَبْقَی فِی الْأَرْضِ خَرَابٌ إِلَّا قَدْ عُمِرَ وَ یَنْزِلُ رُوحُ اللَّهِ عِیسَی ابْنُ مَرْیَمَ علیهماالسلام فَیُصَلِّی خَلْفه.۱۳۳

از محمد بن مسلم ثقفی روایت است که: شنیدم از امام باقر علیه السلام که می فرمایند: قائم علیه السلام به توسط ترس یاری و تأیید می گردد. زمین برای او خواهد چرخید و سلطنتش مشرق و مغرب عالم را فرا خواهد گرفت، خداوند عز و جل به واسطه او دینش را ظاهر می کند، هر چند مشرکان به آن کراهت داشته باشند، روی زمین جای خرابی نیست، مگر آن که آباد شود و روح اللّه عیسی بن مریم علیهماالسلام فرود می‌آید و پشت سر او اقامه نماز خواهد کرد.

۳ـ فی تفسیر العیاشی عَنْ أَبِی الْمِقْدَامِ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام فِی قَوْلِ اللَّهِ: «لِیُظْهِرَهُ عَلَی الدِّینِ کُلِّهِ وَ لَوْ کَرِهَ الْمُشْرِکُونَ»، یَکُونُ أَنْ لَا یَبْقَی أَحَدٌ إِلَّا أَقَرَّ بِمُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله و سلم .۱۳۴

عیاشی در تفسیر خود از ابو المقدام از حضرت امام محمد باقر علیه السلام روایت کرده، که حضرت در تأویل آیه: «لِیُظْهِرَهُ عَلَی الدِّینِ کُلِّهِ وَ لَوْ کَرِهَ الْمُشْرِکُونَ»، یعنی خداوند او (امام زمان) را بر همه ادیان غالب می گرداند هر چند مشرکین نخواهند، فرمودند: هیچ کس نمی‌ماند جز اینکه اقرار به خاتمیّت حضرت محمّد صلی الله علیه و آله و سلم می کند.

۴ـ علی بن إبراهیم، عن الصادق علیه السلام قال: هو الإمام الذی یظهره الله علی الدین کله، فیملأ الأرض قسطا و عدلا کما ملئت ظلما و جورا و هذا مما ذکرنا أن تأویله بعد تنزیله.۱۳۵

علی بن ابراهیم از امام صادق علیه السلام روایت می کند که حضرت فرمودند: او امامی است که خداوند او را بر همه ادیان ظاهر و پیروز می‌سازد، پس زمین را از عدل و داد پر می کند، همانطور که از ظلم و جور پر شده باشد. و البته یادآوری می کنیم که تأویل آن بعد از تنزیلش می‌باشد.

شماره: ۶۰:گنجها

کد آیه: ۳۴ / ۹

{... وَ الَّذِینَ یَکْنِزُونَ الذَّهَبَ وَ الْفِضَّةَ وَ لا یُنْفِقُونَها فِی سَبِیلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذابٍ أَلِیمٍ}

... و کسانی که طلا و نقره را گنجینه (و ذخیره و پنهان) می‌سازند، و در راه خدا انفاق نمی کنند، را به مجازات دردناکی بشارت ده!

عَنْ مُعَاذِ بْنِ کَثِیرٍ صَاحِبِ الْأَکْسِیَةِ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: مُوَسَّعٌ عَلَی شِیعَتِنَا أَنْ یُنْفِقُوا مِمَّا فِی أَیْدِیهِمْ بِالْمَعْرُوفِ فَإِذَا قَامَ قَائِمُنَا حَرَّمَ عَلَی کُلِّ ذِی کَنْزٍ کَنْزَهُ حَتَّی یَأْتِیَهُ فَیَسْتَعِینَ بِهِ عَلَی عَدُوِّهِ وَ ذَلِکَ قَوْلُ اللَّهِ: «الَّذِینَ یَکْنِزُونَ الذَّهَبَ وَ الْفِضَّةَ وَ لا یُنْفِقُونَها فِی سَبِیلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذابٍ أَلِیمٍ».۱۳۶

معاذ بن کثیر که صاحب کیسه‌ها بود گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم فرمودند: شیعیان ما در وسعت می‌باشند و آنها می‌توانند در کارهای خیر انفاق کنند اما هنگامی که قائم ما قیام کند همه گنجها به صاحبان آنها حرام میباشد، آنها باید گنجها را بیاورند و در اختیار او بگذارند تا دشمنان خود را منکوب کند و این است معنی آیه شریفه: «الَّذِینَ یَکْنِزُونَ الذَّهَبَ وَ الْفِضَّةَ وَ لا یُنْفِقُونَها فِی سَبِیلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذابٍ أَلِیمٍ».

شماره: ۶۱: دوازدهمین ماه

کد آیه: ۳۶ / ۹

{إِنَّ عِدَّةَ الشُّهُورِ عِنْدَ اللَّهِ اثْنا عَشَرَ شَهْراً فی کِتابِ اللَّهِ یَوْمَ خَلَقَ السَّماواتِ وَ الْأَرْضَ مِنْها أَرْبَعَةٌ حُرُمٌ ذلِکَ الدِّینُ الْقَیِّمُ فَلا تَظْلِمُوا فیهِنَّ أَنْفُسَکُمْ وَ قاتِلُوا الْمُشْرِکینَ کَافَّةً کَما یُقاتِلُونَکُمْ کَافَّةً وَ اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقینَ}

تعداد ماه‌ها نزد خداوند در کتاب الهی، از آن روز که آسمانها و زمین را آفریده، دوازده ماه است که چهار ماه از آن، ماه حرام است (و جنگ در آن ممنوع می‌باشد.) این، آیین ثابت و پابرجا (ی الهی) است! بنا بر این، در این ماهها به خود ستم نکنید! و با مشرکان، دسته جمعی پیکار کنید، همان گونه که آنها دسته جمعی با شما پیکار می‌کنند و بدانید خداوند با پرهیزگاران است!

رَوَی جَابِرٌ الْجُعْفِیُّ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ علیه السلام عَنْ تَأْوِیلِ قَوْلِ اللَّهِ عز و جل : «إِنَّ عِدَّةَ الشُّهُورِ عِنْدَ اللَّهِ اثْنا عَشَرَ شَهْراً فِی کِتابِ اللَّهِ یَوْمَ خَلَقَ السَّماواتِ وَ الْأَرْضَ مِنْها أَرْبَعَةٌ حُرُمٌ ذلِکَ الدِّینُ الْقَیِّمُ فَلا تَظْلِمُوا فِیهِنَّ أَنْفُسَکُمْ»، قَالَ: فَتَنَفَّسَ سَیِّدِیَ الصُّعَدَاءَ ثُمَّ قَالَ: یَا جَابِرُ! أَمَّا السَّنَةُ فَهِیَ جَدِّی رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم وَ شُهُورُهَا اثْنَا عَشَرَ شَهْراً فَهُوَ أَمِیرُ الْمُؤْمِنِینَ علیه السلام إِلَیَّ وَ إِلَی ابْنِی جَعْفَرٍ وَ ابْنِهِ مُوسَی وَ ابْنِهِ عَلِیٍّ وَ ابْنِهِ مُحَمَّدٍ وَ ابْنِهِ عَلِیٍّ وَ إِلَی ابْنِهِ الْحَسَنِ وَ إِلَی ابْنِهِ مُحَمَّدٍ الْهَادِی الْمَهْدِیِّ اثْنَا عَشَرَ إِمَاماً حُجَجُ اللَّهِ فِی خَلْقِهِ وَ أُمَنَاؤُهُ عَلَی وَحْیِهِ وَ عِلْمِهِ وَ الْأَرْبَعَةُ الْحُرُمُ الَّذِینَ هُمُ الدِّینُ الْقَیِّمُ أَرْبَعَةٌ مِنْهُمْ یَخْرُجُونَ بِاسْمٍ وَاحِدٍ عَلِیٌّ أَمِیرُ الْمُؤْمِنِینَ علیه السلام وَ أَبِی عَلِیُّ بْنُ الْحُسَیْنِ وَ عَلِیُّ بْنُ مُوسَی وَ عَلِیُّ بْنُ مُحَمَّدٍ فَالْإِقْرَارُ بِهَؤُلَاءِ هُوَ الدِّینُ الْقَیِّمُ فَلَا تَظْلِمُوا فِیهِنَّ أَنْفُسَکُمْ أَیْ قُولُوا بِهِمْ جَمِیعاً تَهْتَدُوا.۱۳۷

از جابر جعفی روایت است که گفت: از حضرت باقر علیه السلام از تأویل این آیه پرسش کردم که خدای تعالی می‌فرماید: به درستی که شماره ماهها نزد خدا در کتاب او دوازده ماه است روزی که آسمانها و زمین را آفرید؛ از آنها چهار ماه حرام است، این است آئین استوار، پس در آنها به خویشتن ستم نکنید، جابر گفت: آقای من حضرت باقر علیه السلام آه سردی کشیدند، سپس فرمودند: اما (منظور از) سال جدم رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم است، و ماههای آن دوازده است از امیر المؤمنین علیه السلام تا من؛ و تا فرزندم جعفر و فرزندش موسی، و فرزند او علی، و فرزندش محمد و فرزندش علی و تا فرزندش حسن و تا فرزندش مهدی دوازده امام ؛ که حجتهای خدا بر خلق و امینهای او بر وحی و علمش می‌باشند ؛ و چهار ماه حرامی که آیین استوارند، چهار تن از ایشان به یک نام بیرون می‌آیند؛ علی امیر المؤمنین علیه السلام ، و پدرم علی بن الحسین علیهماالسلام ، و علی بن موسی علیهماالسلام ، و علی بن محمد علیهماالسلام ، پس گواهی دادن به اینها همان آیین استوار است، «در باره ایشان به خویشتن ستم نکنید» یعنی (به امامت) همه‌شان اقرار کنید تا هدایت شوید.

شماره: ۶۲: انتظار هلاکت دشمنان

کد آیه: ۵۲ / ۹

{قُلْ هَلْ تَرَبَّصُونَ بِنا إِلَّا إِحْدَی الْحُسْنَیَیْنِ وَ نَحْنُ نَتَرَبَّصُ بِکُمْ أَنْ یُصِیبَکُمُ اللَّهُ بِعَذابٍ مِنْ عِنْدِهِ أَوْ بِأَیْدِینا فَتَرَبَّصُوا إِنَّا مَعَکُمْ مُتَرَبِّصُونَ}

بگو: «آیا درباره‌ی ما، جز یکی از دو نیکی را انتظار دارید؟! (یا پیروزی یا شهادت) ولی ما انتظار داریم که خداوند، عذابی از سوی

خودش به شما برساند، یا به دست ما (مجازات شوید) اکنون که چنین است، شما انتظار بکشید، ما هم با شما انتظار می‌کشیم!»

عَنْ أَبِی حَمْزَةَ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ: ... قُلْتُ قَوْلُهُ عز و جل : «هَلْ تَرَبَّصُونَ بنا إِلَّا إِحْدَی الْحُسْنَیَیْنِ»، قَالَ: إِمَّا مَوْتٌ فِی طَاعَةِ اللَّهِ أَوْ إِدْرَاکُ ظُهُورِ إِمَامٍ، وَ نَحْنُ نَتَرَبَّصُ بِهِمْ مَعَ مَا نَحْنُ فِیهِ مِنَ الشِّدَّةِ، «أَنْ یُصِیبَهُمُ اللَّهُ بِعَذابٍ مِنْ عِنْدِهِ»، قَالَ: هُوَ الْمَسْخُ «أَوْ بِأَیْدِینَا» وَ هُوَ الْقَتْلُ، قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَ لِنَبِیِّهِ صلی الله علیه و آله و سلم : «قُلْ تَرَبَّصُوا فَإِنَّا مَعَکُمْ مُتَرَبِّصُونَ» وَ التَّرَبُّصُ انْتِظَارُ وُقُوعِ الْبَلَاءِ بِأَعْدَائِهِمْ.۱۳۸

ابو حمزه روایت می‌کند که به امام باقر علیه السلام عرض کردم: منظور از این فرموده‌ی پروردگار: «هَلْ تَرَبَّصُونَ بِنا إِلَّا إِحْدَی الْحُسْنَیَیْنِ» چیست؟ امام علیه السلام فرمودند: یا مرگ در راه اطاعت از خدا و یا درک ظهور امام، ولی ما در باره‌ی آنها با همین سختی و دشواری که داریم انتظار می‌کشیم که: «أَنْ یُصِیبَکُمُ اللَّهُ بِعَذابٍ مِنْ عِنْدِهِ»، و امام فرمودند: آن عذاب همان مسخ است، «أَوْ بِأَیْدِینا» که همان کشتن ایشان است، خداوند عز و جل به پیامبرش فرمود: «فَتَرَبَّصُوا إِنَّا مَعَکُمْ مُتَرَبِّصُونَ»، و مفهوم تربّص انتظار پیش آمدن بلاست برای دشمنان ایشان.

شماره: ۶۳: آخرین صادق

کد آیه: ۱۱۹ / ۹

{یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ کُونُوا مَعَ الصَّادِقِینَ}

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از خدا بپرهیزید، و با صادقین باشید!

عَنْ سُلَیْم بْنِ قَیْسٍ الْهِلَالِیِّ قَالَ: فی حدیث طویل،... ثُمَّ قَالَ عَلِیٌّ علیه السلام : أَنْشُدُکُمُ اللَّهَ أَتَعْلَمُونَ أَنَّ اللَّهَ عز و جل لَمَّا أَنْزَلَ فِی کِتَابِهِ: «یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ کُونُوا مَعَ الصَّادِقِینَ»، فَقَالَ سَلْمَانُ: یَا رَسُولَ اللَّهِ! عَامَّةٌ هَذِهِ أَمْ خَاصَّةٌ؟ فَقَالَ: أَمَّا الْمَأْمُورُونَ فَعَامَّةُ الْمُؤْمِنِینَ أُمِرُوا بِذَلِکَ وَ أَمَّا الصَّادِقُونَ فَخَاصَّةٌ لِأَخِی عَلِیٍّ وَ أَوْصِیَائِی مِنْ بَعْدِهِ إِلَی یَوْمِ الْقِیَامَةِ قَالُوا: اللَّهُمَّ نَعَمْ...۱۳۹

سلیم بن قیس هلالی در حدیثی طولانی از امیر المؤمنین علیه السلام روایت نموده: ... سپس حضرت علی علیه السلام فرمودند: شما را به خدا قسم می‌دهم، آیا می‌دانید که خداوند این آیه را نازل کرد: «یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ کُونُوا مَعَ الصَّادِقِینَ»، ای کسانی که ایمان آورده‌اید تقوی پیشه کنید و با صادقین باشید، سلمان عرض کرد: یا رسول اللَّه! آیا این آیه عمومیّت دارد یا به عدّه‌ی خاصّی مربوط است؟ حضرت فرمودند: امرشدگان همه مؤمنین هستند که به این مطلب دستور داده شده‌اند، اما «صادقین» مخصوص برادرم علی و اوصیای من بعد از او تا روز قیامت است، همه گفتند: به خدا چنین است.

شماره: ۶۴: حرکت به سوی شناخت امام علیه السلام

کد آیه: ۱۲۲ / ۹

{وَ ما کانَ الْمُؤْمِنُونَ لِیَنْفِرُوا کَافَّةً فَلَوْ لا نَفَرَ مِنْ کُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طائِفَةٌ لِیَتَفَقَّهُوا فِی الدِّینِ وَ لِیُنْذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذا رَجَعُوا إِلَیْهِمْ لَعَلَّهُمْ یَحْذَرُونَ}

شایسته نیست مؤمنان همگی (به سوی میدان جهاد) کوچ کنند چرا از هر گروهی از آنان، طایفه‌ای کوچ نمی‌کند، تا در دین (و معارف و احکام اسلام) آگاهی یابند و به هنگام بازگشت به سوی قوم خود، آنها را بیم دهند؟! شاید بترسند، و خودداری کنند!

عَنْ یَعْقُوبَ بْنِ شُعَیْبٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: قُلْتُ لَهُ: إِذَا هَلَکَ الْإِمَامُ فَبَلَغَ قَوْماً لَیْسُوا بِحَضْرَتِهِ، قَالَ: یَخْرُجُونَ فِی الطَّلَبِ فَإِنَّهُمْ لَا یَزَالُونَ فِی عُذْرٍ مَا دَامُوا فِی الطَّلَبِ قُلْتُ: یَخْرُجُونَ کُلُّهُمْ أَوْ یَکْفِیهِمْ أَنْ یَخْرُجَ بَعْضُهُمْ، قَالَ: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ یَقُولُ: «فَلَوْ لا نَفَرَ مِنْ کُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طائِفَةٌ لِیَتَفَقَّهُوا فِی الدِّینِ وَ لِیُنْذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذا رَجَعُوا إِلَیْهِمْ لَعَلَّهُمْ یَحْذَرُونَ» قَالَ: هَؤُلَاءِ الْمُقِیمُونَ فِی السَّعَةِ حَتَّی

يَرْجِعَ إِلَيْهِمْ أَصْحَابُهُمْ.۱۴۰

یعقوب بن شعیب از حضرت صادق علیه السلام نقل کرد که عرض کردم خدمت ایشان اگر امام از دنیا برود و این خبر برسد به کسانی که در حضور امام قبل نبوده‌اند چه باید بکنند؟! حضرت فرمودند: برای تشخیص امام به جستجو بپردازند و خارج می‌شوند در جستجویش تا وقتی در جستجو و طلب باشند معذورند. عرض کردم همه باید خارج شوند یا بعضی اگر خارج شدند کافی است؟! فرمودند: خداوند می‌فرماید: «فَلَوْ لا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَ لِيُنْذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ»، حضرت فرمودند: آنهائی که در محل مانده و منتظر آمدن کسی که به جستجوی امام رفته است هستند مؤاخذ و مسئول نیستند تا آن کسی که به جستجو رفته باز گردد.

شماره: ۶۵: حجّت غایب

کد آیه: ۲۰ / ۱۰

{وَ يَقُولُونَ لَوْ لا أُنْزِلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِنْ رَبِّهِ فَقُلْ إِنَّمَا الْغَيْبُ لِلَّهِ فَانْتَظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنْتَظِرِينَ}

می گویند: «چرا معجزه‌ای از پروردگارش بر او نازل نمی‌شود؟!» بگو: «غیب (و معجزات) تنها برای خدا (و به فرمان او) است! شما در انتظار باشید، من هم با شما در انتظارم!»

«لطفاً به آیه‌ی شماره‌ی ۱، کد: ۳ / ۲ مراجعه فرمائید.»

شماره: ۶۶: قیام با شمشیر

کد آیه: ۲۴ / ۱۰

{... حَتَّى إِذا أَخَذَتِ الْأَرْضُ زُخْرُفَها وَ ازَّيَّنَتْ وَ ظَنَّ أَهْلُها أَنَّهُمْ قادِرُونَ عَلَيْها أَتاها أَمْرُنا لَيْلاً أَوْ نَهاراً فَجَعَلْناها حَصِيداً كَأَنْ لَمْ تَغْنَ بِالْأَمْسِ كَذلِكَ نُفَصِّلُ الْآياتِ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ}

... تا زمانی که زمین، زیبایی خود را یافته و آراسته می گردد، و اهل آن مطمئن می‌شوند که می‌توانند از آن بهره‌مند گردند، (ناگهان) فرمان ما، شب‌هنگام یا در روز، فرامی‌رسد و آن چنان آن را درو می کنیم که گویی دیروز هرگز (چنین کشتزاری) نبوده است! این گونه، آیات خود را برای گروهی که می‌اندیشند، شرح می‌دهیم!

عَنِ مُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام ، قَالَ: نَزَلَتْ فِي بَنِي فُلَانٍ ثَلَاثُ آيَاتٍ: قَوْلُهُ عز و جل : «حَتَّى إِذا أَخَذَتِ الْأَرْضُ زُخْرُفَها وَ ازَّيَّنَتْ وَ ظَنَّ أَهْلُها أَنَّهُمْ قادِرُونَ عَلَيْها أَتاها أَمْرُنا لَيْلًا أَوْ نَهاراً»، يَعْنِي الْقَائِمَ بِالسَّيْفِ فَجَعَلْناها حَصِيداً كَأَنْ لَمْ تَغْنَ بِالْأَمْسِ.۱۴۱

از مفضل بن عمر روایت است که امام صادق علیه السلام فرمودند: در باره‌ی بنی فلان سه آیه نازل شده: قول خداوند عز و جل : تا آن گاه که زمین (از خرمی و سبزی) به خود زیور بسته و آرایش کند و مردمش خود را بر آن قادر و متصرف پندارند ناگهان فرمان ما به شب یا روز در رسد، یعنی حضرت قائم علیه السلام با شمشیر، آن همه زیب و زیور زمین را درو کند و چنان خشک شود که گویی دیروز هیچ نبوده است.

شماره: ۶۷: صیحه‌ی آسمانی جدا کننده‌ی حق از باطل

کد آیه: ۳۵ / ۱۰

{قُلْ هَلْ مِنْ شُرَكائِكُمْ مَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ قُلِ اللَّهُ يَهْدِي لِلْحَقِّ أَ فَمَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ أَمَّنْ لا يَهِدِّي إِلَّا أَنْ يُهْدى فَما

لَکَمْ کَیْفَ تَحْکَمُونَ}

بگو: «آیا هیچ یک از معبودهای شما، به سوی حق هدایت می‌کند؟!» بگو: «تنها خدا به حق هدایت می‌کند! آیا کسی که هدایت به سوی حق می‌کند برای پیروی شایسته‌تر است، یا آن کس که خود هدایت نمی‌شود مگر هدایتش کنند؟ شما را چه می‌شود، چگونه داوری می‌کنید؟!»

عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ مَسْلَمَهْ الْجَرِیرِیِّ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام : یُوَبِّخُونَّا وَ یُکَذِّبُونَّا أَنَّا نَقُولُ إِنَّ صَیْحَتَیْنِ تَکُونَانِ یَقُولُونَ مِنْ أَیْنَ تُعْرَفُ الْمُحِقَّهُ مِنَ الْمُبْطِلَهِ إِذَا کَانَتَا، قَالَ: فَمَا ذَا تَرُدُّونَ عَلَیْهِمْ، قُلْتُ: مَا نَرُدُّ عَلَیْهِمْ شَیْئاً، قَالَ: قُولُوا یُصَدِّقُ بِهَا إِذَا کَانَتْ مَنْ کَانَ یُؤْمِنُ بِهَا مِنْ قَبْلُ إِنَّ اللَّهَ عز و جل یَقُولُ: «أَ فَمَنْ یَهْدِی إِلَی الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ یُتَّبَعَ أَمَّنْ لا یَهِدِّی إِلَّا أَنْ یُهْدی فَما لَکُمْ کَیْفَ تَحْکُمُونَ».۱۴۲

عبد الرحمن بن مسلمه جریری می‌گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: دشمنان ما را سرزنش می‌کنند و دروغگو می‌پندارند، ما می‌گوییم: دو فریاد آسمانی خواهد بود، آنها می‌گویند: وقتی دو فریاد هر دو از آسمان باشد چگونه فریاد حق از باطل شناخته گردد ؟ حضرت علیه السلام فرمودند: شما چه پاسخی به آنها می‌دهید؟ عرض کردم: ما پاسخی نداریم که به آنها بگوییم، حضرت فرمودند: به آنها بگویید: هنگامی که آن فریاد بلند شود هر کس پیش از آن فریاد بدان ایمان آورده آن را باور و تصدیق کند، خدای عز و جل می‌فرماید: «أَ فَمَنْ یَهْدِی إِلَی الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ یُتَّبَعَ أَمَّنْ لا یَهِدِّی إِلَّا أَنْ یُهْدی فَما لَکُمْ کَیْفَ تَحْکُمُونَ»، آیا آن کس که راهنمای به سوی حقّ است سزاوارتر به پیروی است یا کسی که خودش راهیاب نیست مگر آنکه راهنمائیش کنند شما را چه شده است این چگونه قضاوتی است که شما دارید.

شماره: ۶۸: جاهلان تکذیب کنندگان رجعت

کد آیه: ۳۹ / ۱۰

{بَلْ کَذَّبُوا بِما لَمْ یُحیطُوا بِعِلْمِهِ وَ لَمَّا یَأْتِهِمْ تَأْویلُهُ کَذلِکَ کَذَّبَ الَّذینَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَانْظُرْ کَیْفَ کانَ عاقِبَهُ الظَّالِمینَ}

بلکه چیزی را تکذیب کردند که آگاهی از آن نداشتند، و هنوز واقعیتش بر آنان روشن نشده است! پیشینیان آنها نیز همین گونه تکذیب کردند پس بنگر عاقبت کار ظالمان چگونه بود!

عَنْ زُرَارَهَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام عَنْ هَذِهِ الْأُمُورِ الْعِظَامِ مِنَ الرَّجْعَهِ وَ أَشْبَاهِهَا، فَقَالَ: إِنَّ هَذَا الَّذِی تَسْأَلُونَ عَنْهُ لَمْ یَجِئْ أَوَانُهُ، وَ قَدْ قَالَ اللَّهُ عز و جل : «بَلْ کَذَّبُوا بِما لَمْ یُحِیطُوا بِعِلْمِهِ وَ لَمَّا یَأْتِهِمْ تَأْوِیلُهُ».۱۴۳

از زراره روایت است که گفت: از حضرت صادق علیه السلام از رجعت و امثال این امور مهم سؤال کردم، حضرت فرمودند: این را که می‌پرسید هنوز وقتش نرسیده است، خداوند میفرماید: «بَلْ کَذَّبُوا بِما لَمْ یُحِیطُوا بِعِلْمِهِ وَ لَمَّا یَأْتِهِمْ تَأْوِیلُهُ»، یعنی: بلکه آنها آنچه را که با علم خود به آن احاطه نداشتند، دروغ پنداشتند در صورتی که (دروغ نیست) و هنوز (موقع) تأویل آن نرسیده است.

شماره: ۶۹: فضیلت صابرین در غیبت

کد آیه: ۴۸ / ۱۰

{وَ یَقُولُونَ مَتی هذَا الْوَعْدُ إِنْ کُنْتُمْ صادِقینَ}

آنها می‌گویند: «این وعده کی خواهد آمد اگر راست می‌گویید؟!»

۱ ـ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ سَلِیطٍ قَالَ: قَالَ الْحُسَیْنُ بْنُ عَلِیِّ بْنِ أَبِی طَالِبٍ علیهم السلام : مِنَّا اثْنَا عَشَرَ مَهْدِیّاً أَوَّلُهُمْ أَمِیرُ الْمُؤْمِنِینَ عَلِیُّ بْنُ أَبِی طَالِبٍ وَ آخِرُهُمُ التَّاسِعُ مِنْ وُلْدِی وَ هُوَ الْإِمَامُ الْقَائِمُ بِالْحَقِّ یُحْیِی اللَّهُ بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِها، وَ یُظْهِرُ بِهِ دِیْنَ الْحَقِّ عَلَی الدِّینِ کُلِّهِ وَ

لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ، لَهُ غَيْبَةٌ يَرْتَدُّ فِيهَا أَقْوَامٌ وَ يَثْبُتُ فِيهَا عَلَى الدِّينِ آخَرُونَ فَيُؤْذَوْنَ وَ يُقَالُ لَهُمْ: «مَتى هذَا الْوَعْدُ إِنْ كُنْتُمْ صادِقِينَ»، أَمَا إِنَّ الصَّابِرَ فِي غَيْبَتِهِ عَلَى الْأَذَى وَ التَّكْذِيبِ بِمَنْزِلَةِ الْمُجَاهِدِ بِالسَّيْفِ بَيْنَ يَدَيْ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه و آله و سلم .۱۴۴

عبد الرّحمن بن سليط گويد: امام حسين عليه السلام فرمودند: از ما خاندان دوازده مهدیّ خواهد بود كه اوّلين آنها امير المؤمنين علیّ بن أبی طالب عليهماالسلام است و آخرين آنها نهمين از فرزندان من است و او امام قائم به حقّ است و خدای تعالی زمين را به واسطه او پس از موت زنده كند، و دين حقّ را به دست او بر همه اديان چيره نمايد گرچه مشركان را ناخوش آيد، او را غيبتی است كه اقوامی در آن مرتدّ شوند و عده‌ای در آن پابرجا باشند و اذيّت شوند، و به آنها بگويند: اگر راست می‌گوئيد اين وعده چه وقت عملی شود؟ بدانيد كسی كه در دوران غيبت او بر آزار و تكذيب صابر باشد مانند مجاهدی است كه با شمشير پيش روی رسول خدا صلى الله عليه و آله و سلم مجاهده كرده است.

۲ ـ عَن عَبْد اللَّهِ بْن حُسَيْنِ بْنِ حَسَنٍ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الْحَسَنِ عليه السلام قَالَ: خَطَبَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه و آله و سلم يَوْماً، فَقَالَ: بَعْدَ مَا حَمِدَ اللَّهَ وَ أَثْنَى عَلَيْهِ، مَعَاشِرَ النَّاسِ! كَأَنِّي أُدْعَى فَأُجِيبُ وَ إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمُ الثَّقَلَيْنِ، كِتَابَ اللَّهِ وَ عِتْرَتِي أَهْلَ بَيْتِي، مَا إِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا لَنْ تَضِلُّوا، فَتَعَلَّمُوا مِنْهُمْ وَ لَا تُعَلِّمُوهُمْ فَإِنَّهُمْ أَعْلَمُ مِنْكُمْ، لَا يَخْلُو الْأَرْضُ مِنْهُمْ، وَ لَوْ خَلَتْ إِذاً لَسَاخَتْ بِأَهْلِهَا، ثُمَّ قَالَ صلى الله عليه و آله و سلم : اللَّهُمَّ إِنِّي أَعْلَمُ أَنَّ الْعِلْمَ لَا يَبِيدُ وَ لَا يَنْقَطِعُ وَ أَنَّكَ لَا تُخْلِي أَرْضَكَ مِنْ حُجَّةٍ لَكَ عَلَى خَلْقِكَ ظَاهِرٍ لَيْسَ بِالْمُطَاعِ أَوْ خَائِفٍ مَغْمُورٍ لِكَيْلَا تَبْطُلَ حُجَّتُكَ وَ لَا تَضِلَّ أَوْلِيَاؤُكَ بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَهُمْ أُولَئِكَ الْأَقَلُّونَ عَدَداً الْأَعْظَمُونَ قَدْراً عِنْدَ اللَّهِ، فَلَمَّا نَزَلَ عَنْ مِنْبَرِهِ، قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! أَمَا أَنْتَ الْحُجَّةُ عَلَى الْخَلْقِ كُلِّهِمْ؟ قَالَ: يَا حَسَنُ! إِنَّ اللَّهَ يَقُولُ: «إِنَّما أَنْتَ مُنْذِرٌ وَ لِكُلِّ قَوْمٍ هادٍ»، فَأَنَا الْمُنْذِرُ وَ عَلِيٌّ الْهَادِي، قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! فَقَوْلُكَ إِنَ الْأَرْضَ لَا تَخْلُو مِنْ حُجَّةٍ، قَالَ: نَعَمْ، عَلِيٌّ هُوَ الْإِمَامُ وَ الْحُجَّةُ بَعْدِي وَ أَنْتَ الْحُجَّةُ وَ الْإِمَامُ بَعْدَهُ وَ الْحُسَيْنُ الْإِمَامُ وَ الْحُجَّةُ بَعْدَكَ وَ لَقَدْ نَبَّأَنِي اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ، أَنَّهُ يَخْرُجُ مِنْ صُلْبِ الْحُسَيْنِ غُلَامٌ يُقَالُ لَهُ عَلِيٌّ سَمِيُّ جَدِّهِ عَلِيٍّ، فَإِذَا مَضَى الْحُسَيْنُ أَقَامَ بِالْأَمْرِ بَعْدَهُ عَلِيٌّ ابْنُهُ، وَ هُوَ الْحُجَّةُ وَ الْإِمَامُ، وَ يُخْرِجُ اللَّهُ مِنْ صُلْبِهِ وَلَداً سَمِيِّي وَ أَشْبَهَ النَّاسِ بِي، عِلْمُهُ عِلْمِي وَ حُكْمُهُ حُكْمِي، هُوَ الْإِمَامُ وَ الْحُجَّةُ بَعْدَ أَبِيهِ، وَ يُخْرِجُ اللَّهُ تَعَالَى مِنْ صُلْبِهِ مَوْلُوداً، يُقَالُ لَهُ جَعْفَرٌ أَصْدَقُ النَّاسِ قَوْلًا وَ عَمَلًا، هُوَ الْإِمَامُ وَ الْحُجَّةُ بَعْدَ أَبِيهِ، وَ يُخْرِجُ اللَّهُ تَعَالَى مِنْ صُلْبِ جَعْفَرٍ مَوْلُوداً، يُقَالُ لَهُ مُوسَى سَمِيُّ مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ عليه السلام ، أَشَدُّ النَّاسِ تَعَبُّداً، فَهُوَ الْإِمَامُ وَ الْحُجَّةُ بَعْدَ أَبِيهِ، وَ يُخْرِجُ اللَّهُ تَعَالَى مِنْ صُلْبِ مُوسَى وَلَداً، يُقَالُ لَهُ عَلِيٌّ مَعْدِنُ عِلْمِ اللَّهِ وَ مَوْضِعُ حُكْمِهِ، فَهُوَ الْإِمَامُ وَ الْحُجَّةُ بَعْدَ أَبِيهِ، وَ يُخْرِجُ اللَّهُ مِنْ صُلْبِ عَلِيٍّ مَوْلُوداً، يُقَالُ لَهُ مُحَمَّدٌ، فَهُوَ الْإِمَامُ وَ الْحُجَّةُ بَعْدَ أَبِيهِ، وَ يُخْرِجُ اللَّهُ تَعَالَى مِنْ صُلْبِ مُحَمَّدٍ مَوْلُوداً، يُقَالُ لَهُ عَلِيٌّ، فَهُوَ الْحُجَّةُ وَ الْإِمَامُ بَعْدَ أَبِيهِ، وَ يُخْرِجُ اللَّهُ تَعَالَى مِنْ صُلْبِ عَلِيٍّ مَوْلُوداً، يُقَالُ لَهُ الْحَسَنُ، فَهُوَ الْإِمَامُ وَ الْحُجَّةُ بَعْدَ أَبِيهِ، وَ يُخْرِجُ اللَّهُ تَعَالَى مِنْ صُلْبِ الْحَسَنِ، الْحُجَّةَ الْقَائِمَ، إِمَامَ شِيعَتِهِ وَ مُنْقِذَ أَوْلِيَائِهِ، يَغِيبُ حَتَّى لَا يُرَى، فَيَرْجِعُ عَنْ أَمْرِهِ وَ يَثْبُتُ آخَرُونَ، وَ يَقُولُونَ: «مَتى هذَا الْوَعْدُ إِنْ كُنْتُمْ صادِقِينَ»، وَ لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ، لَطَوَّلَ اللَّهُ عز و جل ذَلِكَ حَتَّى يَخْرُجَ قَائِمُنَا، فَيَمْلَأَهَا قِسْطاً وَ عَدْلًا، كَمَا مُلِئَتْ جَوْراً وَ ظُلْماً، فَلَا تَخْلُو الْأَرْضُ أَعْطَاكُمُ اللَّهُ عِلْمِي وَ فَهْمِي، وَ لَقَدْ دَعَوْتُ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى، أَنْ يَجْعَلَ الْعِلْمَ وَ الْفِقْهَ فِي عَقِبِي وَ عَقِبِ عَقِبِي وَ مَزْرَعِي وَ زَرْعِ زَرْعِي.۱۴۵

از عبد الله بن حسين بن حسن از پدر بزرگوارش حضرت امام حسن عليه السلام حديث كند كه فرمودند: روزی پيغمبر اكرم صلى الله عليه و آله و سلم خطبه خواندند، و بعد از حمد و ثنای پروردگار متعال، فرمودند: ای گروه مردم! من به سوی خدا خوانده شده‌ام و دعوت حق را اجابت كنم، و من در ميان شما دو چيز گرانبها می‌گذارم: كتاب خدا، و عترتم أهل بيتم را، هر آينه اگر به اين دو چنگ بزنيد هرگز گمراه نشويد، از ايشان تعليم كنيد و (علوم را) فرا گيريد، و به ايشان تعليم نكنيد زيرا آنها از شما داناترند، زمين از ايشان خالی نماند، و اگر خالی بماند اهلش را فرو برد، سپس فرمودند: بار خدايا! من می‌دانم كه علم نابود نشود، و منقطع نگردد، و تو زمين را از حجتی بر خلق خالی نگذاری، خواه آشكار باشد و فرمانش نبرند، يا بيمناك و پنهان، تا حجتهايت باطل نشوند، و اولياء خود را پس از آن كه هدايتشان فرموده‌ای گمراه نكنی، اينهايند مردمان كم عدد، و بلند قدر و منزلت نزد خداوند،

این کلمات را فرمودنـد و از منبر به پایین آمدنـد، در این وقت امام حسن علیه السـلام عرض کردند: ای رسول خدا! آیا شـما بر همه خلق حجت نیستیـد؟ پیـامبر صـلی الله علیـه و آله و سـلم فرمودنـد: ای حسن! خداونـد فرمایـد: تـو بیم دهنـدهای و برای هر گروهی راهنمایی است، و من بیم دهنـدهام و علی راهنما است؛ عرض کردم: اینکه فرمودید، زمین خالی از حجت نخواهد ماند، پس از شـما حجّت کیست؟ حضرت فرمودند: بلی، علی امام و حجت بعد از من است؛ و تو پس از او امام و حجت هستی، و حسین امام و حجت و خلیفهات پس از تو است، و خدای مهربان و خبیر به من خبر داد که از صلب حسین فرزندی بیرون آید که به او علی گویند، و هم نـام جـدش علی است، پس چون حسـین درگـذشت علی بعـد از او (به امر امـامت) قیام کنـد، و او است امام و حجت، و خداونـد از صلـب علی فرزنـدی بیرون آورد کـه همنـام و شـبیهترین مردمـان بـه من میباشـد، دانش او دانش من، و حکم او حکم من است، و حجت و امام بعـد از پـدرش اوست، و خـدای تعالی از صـلب محمـد مولودی بیرون آورد که به او جعفر گوینـد، و او راسـتگوترین مردمان در گفتار و کردار است، و او حجت و امام بعـد از پـدرش میباشـد، و از صـلب جعفر فرزنـدی خارج کند که نامش موسـی است، همنـام موسی بن عمران، و شدیـدترین مردمـان در عبـادت است، پس بعـد از پـدرش امام و حجت است، و از صـلب موسـی فرزنـدی بیرون آرد که نامش علی است، معـدن علم خـدا و محل حکمت او است، پس امام و حجت بعـد از پـدرش میباشـد، و از صلب علی فرزنـدی بیرون آورد که او را محمـد نامنـد، و او امام و حجت بعـد از پـدرش میباشد، و از صـلب محمد فرزندی بیرون آورد که او را علی گوینـد، و او است امام و حجت بعـد از پدرش؛ و از صـلب علی فرزندی بیرون آورد که او را حسن گویند، و او است امام و حجت بعـد از پدرش، و از صـلب حسن حجت قائم، پیشوای شـیعیانش، و نجات دهنده دوسـتانش را بیرون آورد، پنهان شود به طوری که دیگر دیـده نشود، دسـتهای از امر امامت او برگردنـد و دسـتهای پابرجا بماننـد، و گویند: چه وقت است این وعده اگر راسـتگویید؟ و اگر نباشـد از دنیا مگر یک روز، خـدای تعالی آن روز را طولانی کنـد تا قائم ما بیرون آیـد و زمین را از عدل و داد پر کند چنانچه از ظلم و ستم پر شده است. پس ای فرزند زمین از شما خالی نماند، خداوند به شما علم و فهم مرا عطا فرموده، و از خدای خواستهام که علم و فهم را در فرزندان و فرزندان فرزندان، و زرع من و زرع زرع من قرار دهد.

شماره: ۷۰: عذاب فاسقان در آخر الزمان

کد آیه: ۵۰ / ۱۰

{قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَتاكُمْ عَذابُهُ بَياتاً أَوْ نَهاراً ما ذا يَسْتَعْجِلُ مِنْهُ الْمُجْرِمُونَ}

بگو: «اگر مجازات او، شبهنگام یا در روز به سراغ شما آید، (آیا میتوانید آن را از خود دفع کنید؟!)» پس مجرمان برای چه عجله میکنند؟!

أَبِی الْجَارُودِ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام فِی قَوْلِهِ: «قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَتاكُمْ عَذابُهُ بَياتاً يَعْنِی لَيْلًا أَوْ نَهاراً ما ذا يَسْتَعْجِلُ مِنْهُ الْمُجْرِمُونَ» فَهَذَا عَذَابٌ يَنْزِلُ فِی آخِرِ الزَّمَانِ عَلَى فَسَقَةِ أَهْلِ الْقِبْلَةِ وَ هُمْ يَجْحَدُونَ نُزُولَ الْعَذَابِ عَلَيْهِم.۱۴۶

ابو الجارود گفت: امام محمد باقر علیه السلام در تفسیر آیه: «قُلْ أَ رَأَيْتُمْ إِنْ أَتاكُمْ عَذابُهُ بَياتاً أَوْ نَهاراً» یعنی: بگو: به من بگوئید اگر عـذاب خدا شبی یا روزی برای شـما بیاید؟ «ما ذا يَسْتَعْجِلُ مِنْهُ الْمُجْرِمُونَ»؟ گناهکاران برای چه شـتاب میکنند؟ حضـرت فرمودند: این عذابی است که در آخر الزمان بر فاسقان اهل قبله (یعنی مسلمانان) فرود میآید، در حالی که منکر این هستند که عذاب بر آنها فرود خواهد آمد.

شماره: ۷۱: شیعیان مهدی اولیای خدا

کد آیه: ۶۲ / ۱۰

{أَلا إِنَّ أَوْلِياءَ اللَّهِ لا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لا هُمْ يَحْزَنُونَ}

آگاه باشید! اولیای خدا، نه ترسی دارند و نه غمگین می‌شوند!

عَنْ أَبِی بَصِیرٍ قَالَ: قَالَ الصَّادِقُ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ علیهما السلام فِی قَوْلِ اللَّهِ عز و جل: «يَوْمَ يَأْتِی بَعْضُ آياتِ رَبِّكَ لا يَنْفَعُ نَفْساً إِيمانُها لَمْ تَكُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ فِی إِيمانِها خَيْراً»، قَالَ: يَعْنِی يَوْمَ خُرُوجِ الْقَائِمِ الْمُنْتَظَرِ مِنَّا ثُمَّ قَالَ علیه السلام: يَا ابَا بَصِيرٍ! طُوبَى لِشِيعَةِ قَائِمِنَا الْمُنْتَظِرِينَ لِظُهُورِهِ فِی غَيْبَتِهِ وَ الْمُطِيعِينَ لَهُ فِی ظُهُورِهِ أُولَئِكَ أَوْلِيَاءُ اللَّهِ الَّذِينَ لا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لا هُمْ يَحْزَنُونَ.۱۴۷

ابو بصیر از امام صادق علیه السلام روایت کند که در تفسیر این قول خدای تعالی: «يَوْمَ يَأْتِی بَعْضُ آياتِ رَبِّكَ لا يَنْفَعُ نَفْساً إِيمانُها لَمْ تَكُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ فِی إِيمانِها خَيْراً».فرمودند: یعنی خروج قائم منتظر ما، سپس فرمودند: ای ابا بصیر! خوشا به حال شیعیان قائم ما، کسانی که در غیبتش منتظر ظهور او هستند و در حال ظهورش نیز فرمانبردار اویند، آنان اولیای خدا هستند که نه خوفی بر آنهاست و نه اندوهگین می‌شوند.

شماره: ۷۲: بشارت به ظهور و قیام حضرت

کد آیه: ۶۴ / ۱۰

{لَهُمُ الْبُشْرى فِی الْحَياةِ الدُّنْيا وَ فِی الْآخِرَةِ لا تَبْدِيلَ لِكَلِماتِ اللَّهِ ذلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ}

آنها همیشه در زندگی دنیا و در آخرت، شاد (و مسرور) ند، وعده‌های الهی تخلّف ناپذیر است! این است آن رستگاری بزرگ!

عَنْ أَبِی عُبَيْدَةَ الْحَذَّاءِ فِی حَدِيثٍ طَوِيلٍ، قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ علیه السلام فی قوله عز و جل: «لَهُمُ الْبُشْرى فِی الْحَياةِ الدُّنْيا وَ فِی الْآخِرَةِ»، قَالَ: وَ الْإِمَامُ يُبَشِّرُهُمْ بِقِيَامِ الْقَائِمِ وَ بِظُهُورِهِ وَ بِقَتْلِ أَعْدَائِهِمْ وَ بِالنَّجَاةِ فِی الْآخِرَةِ وَ الْوُرُودِ عَلَى مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله و سلم الصَّادِقِينَ عَلَى الْحَوْضِ.۱۴۸

ابی عبیده حذاء در حدیثی طولانی از امام باقر علیه السلام در باره‌ی قول خداوند عز و جل: «لَهُمُ الْبُشْرى فِی الْحَياةِ الدُّنْيا وَ فِی الْآخِرَةِ»، پرسیدم، حضرت فرمودند: یعنی امام آنها را بشارت می‌دهد به قیام قائم علیه السلام و ظهور آن جناب و کشتن دشمنان و نجات در آخرت و رسیدن به خدمت حضرت محمّد صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه علیهم السلام بر حوض کوثر.

شماره: ۷۳: مسخ بعضی از کفّار قبل از ظهور

کد آیه: ۹۸ / ۱۰

{فَلَوْ لا كانَتْ قَرْيَةٌ آمَنَتْ فَنَفَعَها إِيمانُها إِلاَّ قَوْمَ يُونُسَ لَمَّا آمَنُوا كَشَفْنا عَنْهُمْ عَذابَ الْخِزْيِ فِی الْحَياةِ الدُّنْيا وَ مَتَّعْناهُمْ إِلى حِينٍ}

پس چرا هیچ یک از شهرها و آبادیها ایمان نیاوردند که (ایمانشان به موقع باشد، و) به حالشان مفید افتد؟! مگر قوم یونس، هنگامی که آنها ایمان آوردند، عذاب رسوا کننده را در زندگی دنیا از آنان برطرف ساختیم و تا مدّت معیّنی آنها را بهره‌مند ساختیم.

عَنْ أَبِی بَصِيرٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام فی قَوْلِ اللَّهِ عز و جل: «عَذابَ الْخِزْيِ فِی الْحَياةِ الدُّنْيا وَ فِی الْآخِرَةِ»، مَا هُوَ عَذَابُ خِزْيِ الدُّنْيَا؟ فَقَالَ علیه السلام: وَ أَيُّ خِزْيٍ أَخْزَى يَا أَبَا بَصِيرٍ! مِنْ أَنْ يَكُونَ الرَّجُلُ فِی بَيْتِهِ وَ حِجَالِهِ وَ عَلَى إِخْوَانِهِ وَسْطَ عِيَالِهِ إِذْ شَقَّ أَهْلُهُ الْجُيُوبَ عَلَيْهِ وَ صَرَخُوا، فَيَقُولُ النَّاسُ: مَا هَذَا؟ فَيُقَالُ: مُسِخَ فُلَانٌ السَّاعَةَ، فَقُلْتُ: قَبْلَ قِيَامِ الْقَائِمِ علیه السلام أَوْ بَعْدَهُ؟ قَالَ: لَا بَلْ قَبْلَهُ.۱۴۹

ابو بصیر گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: فرمایش خدای عز و جل که می‌فرماید: «عَذابَ الْخِزْيِ فِی الْحَياةِ الدُّنْيا وَ لَعَذابُ الْآخِرَةِ»، عذاب خوار کننده در زندگی دنیا و در آخرت، عذاب خوار کننده‌ی دنیا چیست؟ پس حضرت فرمودند: ای ابا بصیر! کدام ننگی رسواکننده‌تر از این است که مرد در خانه و در اطاق خود و در کنار برادران و در میان اهل و عیال خود باشد

ناگهان خانواده‌اش گریبانها را چاک زننـد و فریاد بر آورنـد، و مردم می گوینـد: این چیست؟ گفته شود: فلانی هم اکنون مسخ شد، عرض کردم: این قبل از قیام قائم علیه السلام است یا بعد از آن؟ حضرت فرمودند: نه بلکه قبل از آن است.

شماره: ۷۴: امّت معدوده

کد آیه: ۸ / ۱۱

{وَ لَئِنْ أَخَّرْنا عَنْهُمُ الْعَذابَ إِلی أُمَّةٍ مَعْدُودَةٍ لَيَقُولُنَّ ما يَحْبِسُهُ أَلا يَوْمَ يَأْتِيهِمْ لَيْسَ مَصْرُوفاً عَنْهُمْ وَ حاقَ بِهِمْ ما كانُوا بِهِ يَسْتَهْزِؤُنَ}

و اگر مجازات را تا زمان محدودی از آنها به تأخیر اندازیم، (از روی استهزا) می گویند: «چه چیز مانع آن شده است؟!» آگاه باشید، آن روز که (عذاب) به سراغشان آید، از آنها بازگردانده نخواهد شد و آنچه را مسخره می کردند، دامانشان را می گیرد!

۱ ـ عن عبد الأعلى الحلبی، قال: قال أبو جعفر علیه السـلام :... أَصْحَابُ الْقَائِمِ علیه السلام الثَّلَاثُمِائَةِ وَ الْبِضْعَةَ عَشَرَ رَجُلًا قَالَ: هُمْ وَ اللَّهِ الْأُمَّةُ الْمَعْدُودَةُ الَّتِی قَالَ اللَّهُ فِی كِتَابِهِ: «وَ لَئِنْ أَخَّرْنا عَنْهُمُ الْعَذابَ إِلی أُمَّةٍ مَعْدُودَةٍ»، قَالَ: يَجْتَمِعُونَ فِی سَاعَةٍ وَاحِدَةٍ قَزَعاً كَقَزَعِ الْخَرِيفِ.۱۵۰

حضرت باقر علیه السلام فرمودند: اصحاب قائم علیه السلام سیصد و چند ده مرد هستند به خدا قسم آنها «امهٔ معدوده» ای هستند که در قرآن است، و خداوند در یک لحظه آنها را مانند پاره‌های ابر فصل پائیز در یک جا جمع می کند.

۲ ـ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَبْدِ الْعَزِيزِ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام فِی قَوْلِهِ: «وَ لَئِنْ أَخَّرْنا عَنْهُمُ الْعَذابَ إِلی أُمَّةٍ مَعْدُودَةٍ»، قَالَ: الْعَذَابُ خُرُوجُ الْقَائِمِ وَ الْأُمَّةُ الْمَعْدُودَةُ عِدَّةُ أَهْلِ بَدْرٍ وَ أَصْحَابُه.۱۵۱

اسحاق بن عبـد العزيز از امام صادق علیه السـلام روایت کرده است که در تأویل فرمایش خـدای تعالی: «وَ لَئِنْ أَخَّرْنا عَنْهُمُ الْعَذابَ إِلی أُمَّةٍ مَعْدُودَةٍ»، و اگر عذاب را از آنان به مدّتی اندک به عقب می‌اندازیم...، آن حضـرت فرمودند: عذاب همان خروج قائم علیه السلام است و امّت معدوده، تعداد اهل بدر که یاران آن حضرت هستند، می‌باشند».

۳ ـ عن أبی عبد الله علیه السلام : «وَ لَئِنْ أَخَّرْنا عَنْهُمُ الْعَذابَ إِلی أُمَّةٍ مَعْدُودَةٍ»، قال: هو القائم و أصحابه.۱۵۲

امـام صـادق علیه السـلام فرمودنـد: «و اگر مـا عـذاب را از آن منکران معاد تـا وقت معین به تعویق انـدازیم» ایشـان (امت معـدوده) حضرت قائم علیه السلام و اصحابش می‌باشند.

شماره: ۷۵: قدرت حضرت مهدی علیه السلام و اصحابشان

کد آیه: ۸۰ / ۱۱

{قالَ لَوْ أَنَّ لی بِكُمْ قُوَّةً أَوْ آوی إِلی رُكْنٍ شَدیدٍ}

لوط گفت: «(افسوس!) ای کاش در برابر شما قدرتی داشتم یا تکیه گاه و پشتیبان محکمی در اختیار من بود!»

۱ ـ عَنْ أَبِی بَصِيرٍ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام: مَا كَانَ قَوْلُ لُوطٍ علیه السلام لِقَوْلِهِ: «لَوْ أَنَّ لِی بِكُمْ قُوَّةً أَوْ آوی إِلی رُكْنٍ شَدِيدٍ»، إِلَّا تَمَنِّياً لِقُوَّةِ الْقَائِمِ علیه السـلام وَ لَا ذَكَرَ إِلَّا شِدَّةَ أَصْحَابِهِ وَ إِنَّ الرَّجُلَ مِنْهُمْ لَيُعْطَى قُوَّةَ أَرْبَعِينَ رَجُلًا وَ إِنَ قَلْبَهُ لَأَشَدُّ مِنْ زُبَرِ الْحَدِيدِ وَ لَوْ مَرُّوا بِجِبَالِ الْحَدِيدِ لَقَلَعُوهَا وَ لَا يَكُفُّونَ سُيُوفَهُمْ حَتَّى يَرْضَى اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَ.۱۵۳

ابو بصیر از امام صادق علیه السلام روایت کند که حضرت فرمودند: وقتی حضرت لوط علیه السلام به قومش می گفت: ای کاش در برابر شـما قـدرتی داشـتم، یا به اساسـی محکم پناه می گرفتم، آرزو داشت که توانایی قائم علیه السـلام را داشـته باشـد و با این کلام اسـتواری اصـحاب او را یاد کرده است، زیرا مردی از اصـحاب او توانایی چهل مرد را دارد و قلب او از پاره‌ی آهن استوارتر است و اگر بر کوههای آهن بگذرند آن را بر کنند و شمشیرهای خود را در نیام نکنند تا آنکه خدای تعالی خشنود گردد.

۲ ـ عن صالح بن سعد، عن أبی عبد الله علیه السلام فی قوله تعالی: «لَوْ أَنَّ لِی بِکَمْ قُوَّةً أَوْ آوِی إِلی رُکْنٍ شَدِیدٍ»، قال: «قوة» القائم علیه السلام ، و «الرکن الشدید» الثلاثمائة و ثلاثة عشر أصحابه.۱۵۴

صالح بن سعد از امام صادق علیه السلام روایت نموده که حضرت در باره‌ی قول خداوند تعالی: «لَوْ أَنَّ لِی بِکُمْ قُوَّةً أَوْ آوِی إِلی رُکْنٍ شَدِیدٍ»، فرمودند: قوّت، حضرت قائم علیه السلام است و رکن شدید، اصحاب آن حضرت می‌باشد، که سیصد و سیزده نفرند.

شماره: ۷۶: عذابهای ظالمین در آستانه ظهور

کد آیه: ۸۳ / ۱۱

{مُسَوَّمَةً عِنْدَ رَبِّکَ وَ ما هِیَ مِنَ الظَّالِمینَ بِبَعیدٍ}

که آن سنگها از امر خدا نشاندار و معین بود و البته چنین هلاکتی از ظالمان عالم دور نخواهد بود.

قالَ اَمیرُ المُؤمِنین عَلیّ علیه السلام فِی خُطبةٍ: ... وَ یَأْتِیهِمْ یَوْمَئِذٍ الْخَسْفُ وَ الْقَذْفُ وَ الْمَسْخُ، فَیَوْمَئِذٍ تَأْوِیلُ هَذِهِ الْآیَةِ: «وَ ما هِیَ مِنَ الظَّالِمینَ بِبَعِیدٍ».۱۵۵

امیر المؤمنین علی علیه السلام در یک خطبه ای می‌فرمایند:... در آن روز خسف (به زمین فرورفتن) و مسخ (بصورت حیوانی تبدیل شدن) و قذف (که ظاهرا مراد سنگ باریدن است) اتفاق می‌افتد و این تأویل این آیه است: «وَ ما هِیَ مِنَ الظَّالِمِینَ بِبَعِیدٍ».

شماره: ۷۷: بقیّت الله

کد آیه: ۸۶ / ۱۱

{بَقِیَّتُ اللَّهِ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ مُؤْمِنینَ وَ ما أَنَا عَلَیْکُمْ بِحَفیظٍ}

آنچه خداوند برای شما باقی گذارده، برایتان بهتر است اگر ایمان داشته باشید! و من، پاسدار شما (و مأمور بر اجبارتان به ایمان) نیستم!

۱ ـ عَنْ عُمَر بْنِ زَاهِرٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: سَأَلَهُ رَجُلٌ عَنِ الْقَائِمِ یُسَلَّمُ عَلَیْهِ بِإِمْرَةِ الْمُؤْمِنِینَ؟ قَالَ: لَا ذَاکَ اسْمٌ سَمَّى اللَّهُ بِهِ أَمِیرَ الْمُؤْمِنِینَ علیه السلام لَمْ یُسَمَّ بِهِ أَحَدٌ قَبْلَهُ وَ لَا یَتَسَمَّى بِهِ بَعْدَهُ إِلَّا کَافِرٌ، قُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاکَ کَیْفَ یُسَلَّمُ عَلَیْهِ؟ قَالَ: یَقُولُونَ: السَّلَامُ عَلَیْکَ یَا بَقِیَّةَ اللَّهِ، ثُمَّ قَرَأَ: «بَقِیَّتُ اللَّهِ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ مُؤْمِنِینَ».۱۵۶

شخصی از حضرت صادق علیه السلام پرسید که: آیا وقتی که سلام به حضرت قائم علیه السلام کنند او را امیر المؤمنین می گویند؟ حضرت فرمودند: نه، این اسمی است که خدا حضرت علی علیه السلام را به آن مسمّی ساخته و پیش از او کسی به این نام مسمّی نشده و بعد از او هم کسی این نام را بر خود نمی‌گذارد مگر کافر باشد. راوی گفت: فدای شما شوم پس بر او چگونه سلام می‌کنند؟ حضرت فرمودند: می گویند: «السّلام علیک یا بقیّة اللّه»، سپس حضرت این آیه را خواندند: «بَقِیَّتُ اللَّهِ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ مُؤْمِنِین».

۲ ـ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ الثَّقَفِیِّ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِیٍّ الْبَاقِرَ علیهماالسلام یَقُول: ... أَوَّلُ مَا یَنْطِقُ بِهِ هَذِهِ الْآیَةُ: «بَقِیَّتُ اللَّهِ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ مُؤْمِنِینَ»، ثُمَّ یَقُولُ: أَنَا بَقِیَّةُ اللَّهِ فِی أَرْضِهِ وَ خَلِیفَتُهُ وَ حُجَّتُهُ عَلَیْکُمْ فَلَا یُسَلِّمُ عَلَیْهِ مُسَلِّمٌ إِلَّا قَالَ: السَّلَامُ عَلَیْکَ یَا بَقِیَّةَ اللَّهِ فِی أَرْضِهِ ...۱۵۷

محمد بن مسلم از حضرت امام محمد باقر علیه السلام نقل نموده که حضرت می‌فرمودند: ... چون حضرت قائم علیه السلام ظاهر شود اوّلین سخن او این آیه قرآن است: «بَقِیَّتُ اللَّهِ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ مُؤْمِنِینَ»، سپس می گوید: منم بقیّةُ اللَّه در زمین و منم خلیفه خداوند و حجّت او بر شما و هر درود فرستنده‌ای به او چنین سلام گوید: السّلام علیک یا بقیّةَ اللَّه فی ارضه.

شماره: ۷۸: دستور به صبر و انتظار

کد آیه: ۹۳ / ۱۱

{... وَ ارْتَقِبُوا إِنِّی مَعَکُمْ رَقِیبٌ}

پس شما منتظر باشید که من هم منتظرم.

عَنْ أَحْمَد بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِی نَصْرٍ قَالَ: قَالَ الرِّضَا علیه السلام: مَا أَحْسَنَ الصَّبْرَ وَ انْتِظَارَ الْفَرَجِ أ مَا سَمِعْتَ قَوْلَ اللَّهِ عز و جل : «وَ ارْتَقِبُوا إِنِّی مَعَکُمْ رَقِیبٌ»، «فَانْتَظِرُوا إِنِّی مَعَکُمْ مِنَ الْمُنْتَظِرِینَ»، فَعَلَیْکُمْ بِالصَّبْرِ فَإِنَّهُ إِنَّمَا یَجِیءُ الْفَرَجُ عَلَی الْیَأْسِ فَقَدْ کَانَ الَّذِینَ مِنْ قَبْلِکُمْ أَصْبَرَ مِنْکُمْ.۱۵۸

احمد بن محمد بن ابی نصر از حضرت امام رضا علیه السلام روایت کند که حضرت فرمودند: صبر و انتظار فرج چه نیکوست، آیا سخن خدای تعالی را نشنیدی که فرمود: چشم به راه باشید که من نیز با شما چشم به راهم، و فرمود: منتظر باشید که من نیز با شما از منتظرانم، پس بر شما باد که صبر کنید که فرج پس از یأس می‌آید و پیشینیان شما، از شما صابرتر بودند.

شماره: ۷۹: عاقبت منکرین حضرت مهدی علیه السلام

کد آیه: ۱۱۰ / ۱۱

{وَ لَقَدْ آتَیْنا مُوسَی الْکِتابَ فَاخْتُلِفَ فیهِ...}

و محققا ما کتاب تورات را برای موسی فرستادیم آن گاه در آن اختلاف کردند...

البته شبیه این آیه در آیه‌ی شماره‌ی ۱۷۱ ، کد: ۴۵ / ۴۱ نیز خواهد آمد.

أَبِی حَمْزَةَ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام فِی قَوْلِهِ عَزَّ وَ جَلَ:... «وَ لَقَدْ آتَیْنا مُوسَی الْکِتابَ فَاخْتُلِفَ فِیهِ»، قَالَ: اخْتَلَفُوا کَمَا اخْتَلَفَتْ هَذِهِ الْأُمَّةُ فِی الْکِتَابِ وَ سَیَخْتَلِفُونَ فِی الْکِتَابِ الَّذِی مَعَ الْقَائِمِ الَّذِی یَأْتِیهِمْ بِهِ حَتَّی یُنْکِرَهُ نَاسٌ کَثِیرٌ فَیُقَدِّمُهُمْ فَیَضْرِبُ أَعْنَاقَهُم ...۱۵۹

ابو حمزه از امام باقر علیه السلام روایت کرده که حضرت در تفسیر گفتار خدای عز و جل : ... و به راستی به موسی کتاب دادیم و در آن اختلاف روی داد، فرمودند: اختلاف کردند، چنانچه این امت در قرآن هم اختلاف کردند، و محققا در کتابی هم که با قائم علیه السلام است و برای آنها بیاورد، اختلاف خواهند کرد، بدان حد که جمع زیادی آن را انکار کنند پس آن حضرت منکران را حاضر نماید و گردنشان را بزند.

شماره: ۸۰: پیراهن یوسف

کد آیه: ۹۴ / ۱۲

{وَ لَمَّا فَصَلَتِ الْعِیرُ قالَ أَبُوهُمْ إِنِّی لَأَجِدُ ریحَ یُوسُفَ لَوْ لا أنْ تُفَنِّدُونِ}

هنگامی که کاروان (از مصر) بیرون آمد، پدرشان [یعقوب] گفت: «من بوی یوسف را احساس می‌کنم، اگر مرا نادان نشمارید!»

عَنِ مُفَضَّلِ بْنِ عُمَر عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: سَمِعْتُهُ یَقُولُ: أ تَدْرِی مَا کَانَ قَمِیصُ یُوسُفَ علیه السلام؟ قَالَ قُلْتُ: لا، قَالَ: إِنَّ إِبْرَاهِیمَ علیه السلام لَمَّا أُوقِدَتْ لَهُ النَّارُ أَتَاهُ جَبْرَئِیلُ علیه السلام بِثَوْبٍ مِنْ ثِیَابِ الْجَنَّةِ فَأَلْبَسَهُ إِیَّاهُ فَلَمْ یَضُرَّهُ مَعَهَا حَرٌّ وَ لَا بَرْدٌ، فَلَمَّا حَضَرَ إِبْرَاهِیمَ الْمَوْتُ جَعَلَهُ فِی تَمِیمَةٍ وَ عَلَّقَهُ عَلَی إِسْحَاقَ، وَ عَلَّقَهُ إِسْحَاقُ عَلَی یَعْقُوبَ، فَلَمَّا وُلِدَ یُوسُفُ عَلَّقَهُ عَلَیْهِ، وَ کَانَ فِی عَضُدِهِ حَتَّی کَانَ مِنْ أَمْرِهِ مَا کَانَ فَلَمَّا أَخْرَجَهُ یُوسُفُ بِمِصْرَ مِنَ التَّمِیمَةِ وَجَدَ یَعْقُوبُ علیه السلام رِیحَهُ، وَ هُوَ قَوْلُهُ تَعَالَی حِکَایَةً عَنْهُ: «إِنِّی لَأَجِدُ رِیحَ یُوسُفَ لَوْ لا أَنْ تُفَنِّدُونِ»، فَهُوَ ذَلِکَ الْقَمِیصُ الَّذِی أُنْزِلَ مِنَ الْجَنَّةِ، قُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاکَ فَإِلَی مَنْ صَارَ هَذَا الْقَمِیصُ؟ قَالَ: إِلَی

أَهْلِهِ وَ هُوَ مَعَ قَائِمِنَا إِذَا خَرَجَ، ثُمَّ قَالَ: كُلُّ نَبِيٍّ وَرِثَ عِلْماً أَوْ غَيْرَهُ فَقَدِ انْتَهَى إِلَى مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله و سلم .۱۶۰

مفضّل بن عمر گوید از امام صادق علیه السلام شنیدم که می‌فرمودند: آیا می‌دانی که پیراهن یوسف علیه السلام چه بود؟ گفتم: نه، فرمودند: چون برای ابراهیم علیه السلام آتش افروختند جبرئیل علیه السلام برای او پیراهنی بهشتی آورد و به او پوشاند و گرما و سرما بر وی اثر نمی‌کرد، و چون وفاتش فرا رسید آن را در تمیمه‌ای (کیسه ای که معمولاً ـ برای حفظ فرزندان از چشم زخم، دعا درونش قرار داده و گردن فرزندان آویزان می‌نمودند) کرد و بر اسحاق آویخت، و او نیز بر یعقوب آویخت، و چون یوسف به دنیا آمد بر او آویخت، و در بازویش بود تا کارش به آنجا رسید که شنیده‌اید، و چون در مصر یوسف آن پیراهن را از تمیمه بیرون آورد، یعقوب بوی آن را شنید و این همان قول خدای تعالی است که در حکایت از او می‌فرماید: اگر مرا خطا کار ندانید من بوی یوسف را استشمام می‌کنم، و آن همان پیراهنی است که از بهشت فرود آمد، گفتم: فدای شما شوم اکنون آن پیراهن در نزد کیست؟ حضرت فرمودند: در دست اهل آن است، و هنگام خروج قائم علیه السلام همراه اوست، سپس فرمودند: علم یا هر چیز دیگری که پیامبران به ارث گذاشته‌اند منتهی به محمّد صلی الله علیه و آله و سلم شده است.

شماره: ۸۱: ظهور حضرت مهدی علیه السلام پس از نا امیدی

کد آیه: ۱۱۰ / ۱۲

{حَتَّى إِذَا اسْتَيْأَسَ الرُّسُلُ وَ ظَنُّوا أَنَّهُمْ قَدْ كُذِبُوا جاءَهُمْ نَصْرُنا فَنُجِّيَ مَنْ نَشاءُ وَ لا يُرَدُّ بَأْسُنا عَنِ الْقَوْمِ الْمُجْرِمينَ}

(مردم با انبیاء چندان ضدیت کردند) تا آنجا که رسولان مأیوس شده و گمان کردند که وعده نصرت خدا خلاف خواهد شد در آن حال یاری ما بدیشان فرا رسید تا هر که ما خواستیم نجات داده شد، و نیز قهر و انتقام ما از بدکاران عالم باز گردانده نخواهد شد.

عَن مُفَضَّلِ بْنِ عُمَر، عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام، قَالَ: جَاءَ رَجُلٌ إِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام فَشَكَا إِلَيْهِ طُولَ دَوْلَةِ الْجَوْرِ، فَقَالَ لَهُ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام : وَ اللَّهِ! لَا يَكُونُ مَا تَأْمُلُونَ حَتَّى يَهْلِكَ الْمُبْطِلُونَ، وَ يَضْمَحِلَّ الْجَاهِلُونَ، وَ يَأْمَنَ الْمُتَّقُونَ، وَ قَلِيلٌ مَا يَكُونُ حَتَّى لَا يَكُونَ لِأَحَدِكُمْ مَوْضِعُ قَدَمِهِ، وَ حَتَّى تَكُونُوا عَلَى النَّاسِ أَهْوَنَ مِنَ الْمَيْتَةِ عِنْدَ صَاحِبِهَا، فَبَيْنَا أَنْتُمْ كَذَلِكَ إِذْ جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَ الْفَتْحُ، وَ هُوَ قَوْلُ رَبِّي عز و جل فِي كِتَابِهِ: «حَتَّى إِذَا اسْتَيْأَسَ الرُّسُلُ وَ ظَنُّوا أَنَّهُمْ قَدْ كُذِبُوا جاءَهُمْ نَصْرُنا».۱۶۱

مفضل بن عمر از امام صادق علیه السلام نقل می کند که حضرت فرمودند: مردی به محضر امام امیرالمؤمنین علیه السلام شرفیاب شد و از طولانی شدن دولت جور و ستم به آن جناب شکایت کرد، امیرالمؤمنین علیه السلام به او فرمودند: به خدا سوگند! آنچه آرزویش را دارید نخواهد شد تا اینکه باطل جویان هلاک شوند و جاهلان از میان بروند، و متّقیان که اندک هستند در امان گردند، تا جائیکه احدی از شما جای پایی برای خودش نخواهد یافت، و تا آنجا که شما در نظر مردم از مردار در چشم صاحبش نیز بی ارزشتر خواهید شد، همانطور که شما در آن حال هستید ناگهان یاری خداوند و پیروزی بیاید، و این است فرموده‌ی خداوند عز و جل در کتابش: پیامبران به دعوت خود، و دشمنان آنها به مخالفت خود هم چنان ادامه دادند، تا آن گاه که رسولان مأیوس شدند، و (مردم) گمان کردند که به آنان دروغ گفته شده است در این هنگام، یاری ما به سراغ آنها آمد.

شماره: ۸۲: آخرین هادی

کد آیه: ۷ / ۱۳

{... إِنَّما أَنْتَ مُنْذِرٌ وَ لِكُلِّ قَوْمٍ هادٍ}

... تو فقط بیم دهنده‌ای! و برای هر گروهی هدایت کننده‌ای است.

۱ ـ عَنْ حَنَانِ بْنِ سَدِیرٍ عَنْ أَبِیهِ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ: سَمِعْتُهُ یَقُولُ فِی قَوْلِ اللَّهِ تَعَالَی: «إِنَّما أَنْتَ مُنْذِرٌ وَ لِکَلِّ قَوْمٍ هادٍ»، قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم: أَنَا الْمُنْذِرُ وَ عَلِیٌّ الْهَادِی وَ کُلٌّ إِمَامٍ هَادٍ لِلْقَرْنِ الَّذِی هُوَ فِیهِ.۱۶۲

حنان بن سدیر از پدرش روایت می‌کند که از امام باقر علیه السلام، شنیدم در باره‌ی آیه: «إِنَّما أَنْتَ مُنْذِرٌ وَ لِکُلِ قَوْمٍ هادٍ»، فرمودند: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: من منذر هستم و علی علیه السلام هادی است و هر امام هدایت کننده‌ای است برای قومش در زمان خود.

۲ ـ عَنْ بُرَیْدِ بْنِ مُعَاوِیَهًْ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام فِی قَوْلِهِ تَعَالَی: «إِنَّما أَنْتَ مُنْذِرٌ وَ لِکُلِّ قَوْمٍ هادٍ»، فَقَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم: أَنَا الْمُنْذِرُ وَ فِی کُلِّ زَمَانٍ إِمَامٌ مِنَّا یَهْدِیهِمْ إِلَی مَا جَاءَ بِهِ نَبِیُّ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم وَ الْهُدَاهًُْ مِنْ بَعْدِهِ عَلِیٌّ وَ الْأَوْصِیَاءُ مِنْ بَعْدِهِ وَاحِدٌ بَعْدَ وَاحِدٍ، أَمَا وَ اللَّهِ مَا ذَهَبَتْ مِنَّا وَ لَا زَالَتْ فِینَا إِلَی السَّاعَهًِْ رَسُولُ اللَّهِ الْمُنْذِرُ وَ بِعَلِیٍّ یَهْتَدِی الْمُهْتَدُونَ.۱۶۳

برید بن معاویه گوید: امام باقر علیه السلام ، در باره‌ی قول خداوند تعالی: «إِنَّما أَنْتَ مُنْذِرٌ وَ لِکُلِّ قَوْمٍ هادٍ»، فرمودند که: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرموده‌اند: من بیم دهنده هستم، و در هر زمان از ما امامی خواهد بود که مردم را به آنچه پیغمبر خدا آورده است هدایت می‌کند، و راهنمایان امّت بعد از پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم ، علی است و سپس اوصیای او یکی بعد از دیگری، سوگند به خدا! هدایت امّت از ما خاندان بیرون نرفته و تا روز قیامت هم در میان ما خواهد بود، رسول خدا منذر و دعوت کننده است و به وسیله‌ی امیر المؤمنین علیّ بن ابیطالب راه یافتگان به سوی خدا رهبری خواهند شد.

شماره: ۸۳: سالهای فریبکاری

کد آیه: ۱۳ / ۱۳

{... وَ هُمْ یُجادِلُونَ فِی اللَّهِ وَ هُوَ شَدیدُ الْمِحالِ}

... باز هم کافران درباره‌ی خدا به مجادله مشغولند! و او قدرتی بی‌انتهاست (و مجازاتی دردناک) دارد!

عَنِ ابْنِ نُبَاتَهًْ قَالَ: سَمِعْتُ عَلِیّاً علیه السلام یَقُولُ: إِنَّ بَیْنَ یَدَیِ الْقَائِمِ سِنِینَ خَدَّاعَهًًْ یُکَذَّبُ فِیهَا الصَّادِقُ وَ یُصَدَّقُ فِیهَا الْکَاذِبُ وَ یُقَرَّبُ فِیهَا الْمَاحِلُ وَ فِی حَدِیثٍ وَ یَنْطِقُ فِیهَا الرُّوَیْبِضَهًُْ، قُلْتُ: وَ مَا الرُّوَیْبِضَهًُْ وَ مَا الْمَاحِلُ؟ قَالَ: أَ مَا تَقْرَءُونَ الْقُرْآنَ قَوْلَهُ: «وَ هُوَ شَدِیدُ الْمِحالِ»، قَالَ: یُرِیدُ الْمَکْرَ، فَقُلْتُ: وَ مَا الْمَاحِلُ؟ قَالَ: یُرِیدُ الْمَکَّارَ.۱۶۴

اصبغ بن نباته گوید: شنیدم حضرت علیّ علیه السلام می‌فرمایند: همانا پیش از قائم سالهای فریبکاری خواهد بود، که راستگو در آن دروغگو و دروغگو در آن راستگو قلمداد شود، و ماحل در آن مقرّب باشد، و در حدیثی است که: رویبضه در آن به سخن آید، عرض کردم: رویبضه چیست و ماحل کدام است؟ حضرت فرمودند: مگر قرآن نمی‌خوانید که در آن می‌فرماید: «وَ هُوَ شَدِیدُ الْمِحالِ»، فرمودند: مراد مکر است، پس عرض کردم: ماحل چه باشد؟ فرمودند: یعنی مکّار سخن چین و جاسوس.

شماره: ۸۴: طوبی

کد آیه: ۲۹ / ۱۳

{الَّذینَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحاتِ طُوبی لَهُمْ وَ حُسْنُ مَآبٍ}

آنها که ایمان آوردند و کارهای شایسته انجام دادند، پاکیزه‌ترین (زندگی) نصیبشان است و بهترین سرانجامها!

عَنْ أَبِی بَصِیرٍ قَالَ: قَالَ الصَّادِقُ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ علیهماالسلام: طُوبَی لِمَنْ تَمَسَّکَ بِأَمْرِنَا فِی غَیْبَهًِْ قَائِمِنَا فَلَمْ یَزِغْ قَلْبُهُ بَعْدَ الْهِدَایَهًِْ، فَقُلْتُ لَهُ: جُعِلْتُ فِدَاکَ! وَ مَا طُوبَی؟ قَالَ: شَجَرَهًٌْ فِی الْجَنَّهًِْ أَصْلُهَا فِی دَارِ عَلِیِّ بْنِ أَبِی طَالِبٍ علیهماالسلام، وَ لَیْسَ مِنْ مُؤْمِنٍ إِلَّا وَ فِی دَارِهِ غُصْنٌ مِنْ أَغْصَانِهَا، وَ ذَلِکَ قَوْلُ اللَّهِ عز و جل: «طُوبی لَهُمْ وَ حُسْنُ مَآبٍ».۱۶۵

ابو بصیر از امام صادق علیه السلام روایت کند که حضرت فرمودند: خوشا به حال کسی که در غیبت قائم ما به امر ما تمسّک جوید و قلبش پس از هدایت منحرف نشود، گفتم: فدای شما شوم! طوبی چیست؟ فرمودند: درختی در بهشت است که ریشه‌ی آن در خانه‌ی علیّ بن أبی طالب علیه السلام است، و هیچ مؤمنی نیست جز آنکه شاخه‌ای از شاخه‌های آن درخت در خانه‌ی اوست، و این همان قول خدای تعالی است که فرمود: «طُوبی لَهُمْ وَ حُسْنُ مَآبٍ».

شماره: ۸۵: روزهای خدا

کد آیه: ۵ / ۱۴

{... وَ ذَکِّرْهُمْ بِأَیَّامِ اللَّهِ إِنَّ فی ذلِکَ لَآیاتٍ لِکُلِّ صَبَّارٍ شَکُورٍ}

... و «ایّام اللّه» را به آنان یاد آور! در این، نشانه‌هایی است برای هر صبر کننده شکرگزار!

عَنْ مُثَنًّى الْحَنَّاطِ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ علیه السلام یَقُولُ: «أَیَّامُ اللَّهِ»، ثَلَاثَةٌ یَوْمُ، یَقُومُ الْقَائِمُ وَ یَوْمُ الْکَرَّةِ وَ یَوْمُ الْقِیَامَةِ.۱۶۶

از مثنی حناط روایت است که گفت: شنیدم امام باقر علیه السلام می‌فرمایند: روزهای خداوند عز و جل سه روزند، روزی که حضرت قائم علیه السلام قیام می‌کند و روز رجعت و روز قیامت.

شماره: ۸۶: تأخیر

کد آیه: ۴۴ / ۱۴

{وَ أَنْذِرِ النَّاسَ یَوْمَ یَأْتیهِمُ الْعَذابُ فَیَقُولُ الَّذینَ ظَلَمُوا رَبَّنا أَخِّرْنا إِلی أَجَلٍ قَریبٍ نُجِبْ دَعْوَتَکَ وَ نَتَّبِعِ الرُّسُلَ أَ وَ لَمْ تَکُونُوا أَقْسَمْتُمْ مِنْ قَبْلُ ما لَکُمْ مِنْ زَوالٍ}

و مردم را از روزی که عذاب الهی به سراغشان می‌آید، بترسان! آن روز که ظالمان می‌گویند: «پروردگارا! مدّت کوتاهی ما را مهلت ده، تا دعوت تو را بپذیریم و از پیامبران پیروی کنیم!» (امّا پاسخ می‌شنوند که:) مگر قبلًا سوگند یاد نکرده بودید که زوال و فنایی برای شما نیست؟!

«لطفاً به آیه‌ی شماره‌ی ۳۰، کد: ۷۷ / ۴ مراجعه فرمائید.»

شماره: ۸۷: خانه‌های حضرت مهدی علیه السلام

کد آیه: ۴۵ / ۱۴

{وَ سَکَنْتُمْ فی مَساکِنِ الَّذینَ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ وَ تَبَیَّنَ لَکُمْ کَیْفَ فَعَلْنا بِهِمْ وَ ضَرَبْنا لَکُمُ الْأَمْثالَ}

(آری شما بودید که) در منازل (و کاخهای) کسانی که به خویشتن ستم کردند، ساکن شدید و برای شما آشکار شد چگونه با آنان رفتار کردیم و برای شما، مثلها (از سرگذشت پیشینیان) زدیم!

عَنْ سَعْدِ بْنِ عُمَر عَنْ غَیْرِ وَاحِدٍ مِمَّنْ حَضَرَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام وَ رَجُلٍ یَقُولُ: قَدْ ثَبَتَ دَارُ صَالِحٍ وَ دَارُ عِیسَى بْنِ عَلِیٍّ وَ ذَکَرَ دُورَ الْعَبَّاسِیِّینَ، فَقَالَ رَجُلٌ: أَرَانَاهَا اللَّهُ خَرَاباً أَوْ خَرَّبَهَا بِأَیْدِینَا، فَقَالَ لَهُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام: لَا تَقُلْ هَکَذَا بَلْ یَکُونُ مَسَاکِنَ الْقَائِمِ وَ أَصْحَابِهِ، أَمَا سَمِعْتَ اللَّهَ یَقُولُ: «وَ سَکَنْتُمْ فِی مَساکِنِ الَّذِینَ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ».۱۶۸

از سعد بن عمر از چند نفر از کسانی که در محضر حضرت صادق علیه السلام شرفیاب بوده اند روایت کرده که: مردی در آن مجلس می‌گفت: خانه‌ی صالح و خانه‌ی عیسی بن علی ثابت مانده و از خانه های عباسیان یاد کرد، مرد دیگری گفت: خداوند آن خانه ها را در حال خرابی به ما نشان دهد، یا آنها را به دست ما خراب کند، پس حضرت صادق علیه السلام به او فرمودند: اینچنین

سخن مگوی! بلکه اینها خانه های حضرت قائم و اصحابش خواهد شد، آیا نشنیده ای که خداوند عز و جل می‌فرماید: «و در منازل و مساکن ستمگران (قبل از خودتان) مسکن گرفتید».

شماره: ۸۸: رجعت امیر المؤمنین علیه السلام و شیعیانشان

کد آیه: ۲ / ۱۵

{رُبَما یَوَدُّ الَّذینَ کَفَرُوا لَوْ کانُوا مُسْلِمینَ}

کافران (هنگامی که آثار شوم اعمال خود را ببینند،) چه بسا آرزو می کنند که ای کاش مسلمان بودند!

عَنْ جَابِرِ بْنِ یَزید عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام فِی خبرٍ طَویل ... اِلی اَن قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ علیه السلام: قَالَ أَمِیرُ الْمُؤْمِنِینَ علیه السلام فِی قَوْلِهِ عز و جل: «رُبَما یَوَدُّ الَّذِینَ کَفَرُوا لَوْ کانُوا مُسْلِمِینَ»، قَالَ: هُوَ أَنَا، إِذَا خَرَجْتُ أَنَا وَ شِیعَتِی وَ خَرَجَ عُثْمَانُ بْنُ عَفَّانَ وَ شِیعَتُهُ وَ نَقْتُلُ بَنِی أُمَیَّةَ فَعِنْدَهَا «یَوَدُّ الَّذِینَ کَفَرُوا لَوْ کَانُوا مُسْلِمَیْنِ».۱۶۹

جابر از امام باقر علیه السلام در روایتی طولانی نقل می کند که امام باقر علیه السلام از وجود مقدس امیرمؤمنان علی علیه السلام نقل می کنند که حضرت در تفسیر آیه: «رُبَما یَوَدُّ الَّذِینَ کَفَرُوا لَوْ کانُوا مُسْلِمِینَ»، فرمودند: آن هنگامی است که من و شیعیانم خارج شویم، عثمان و پیروانش نیز خارج شوند و بنی امیه را از دم شمشیر بگذرانیم، آن روز کافران آرزو می کنند که ای کاش مسلمان بودند.

شماره: ۸۹: سنگسار کردن شیطان

کد آیه: ۱۷ / ۱۵

{وَ حَفِظْناها مِنْ کُلِّ شَیْطانٍ رَجیمٍ}

و آن را از هر شیطان رانده شده‌ای حفظ کردیم.

«لطفاً به آیه‌ی شماره‌ی ۱۷، کد: ۳۶ / ۳ مراجعه فرمائید.»

شماره: ۹۰: پایان مهلت شیطان و پایان تقیّه

کد آیه: ۳۸ / ۱۵

{إِلی یَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُوم}

(امّا نه تا روز رستاخیز، بلکه) تا روز وقت معیّنی.

۱ ـ عَنْ وَهْبِ بْنِ جُمَیْعٍ مَوْلَی إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام عَنْ قَوْلِ إِبْلِیسَ: «رَبِّ فَأَنْظِرْنِی إِلی یَوْمِ یُبْعَثُونَ قالَ فَإِنَّکَ مِنَ الْمُنْظَرِینَ إِلی یَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُوم»: قَالَ لَهُ وَهْبٌ: جُعِلْتُ فِدَاکَ! أَیُّ یَوْمٍ هُوَ؟ قَالَ: یَا وَهْبُ! أَ تَحْسَبُ أَنَّهُ یَوْمُ یَبْعَثُ اللَّهُ فِیهِ النَّاسَ؟ إِنَّ اللَّهَ أَنْظَرَهُ إِلَی یَوْمِ یَبْعَثُ فِیهِ قَائِمَنَا فَإِذَا بَعَثَ اللَّهُ قَائِمَنَا کَانَ فِی مَسْجِدِ الْکُوفَةِ، وَ جَاءَ إِبْلِیسُ حَتَّی یَجْثُوَ بَیْنَ یَدَیْهِ عَلَی رُکْبَتَیْهِ، فَیَقُولُ: یَا وَیْلَهُ مِنْ هَذَا الْیَوْمِ! فَیَأْخُذُ بِنَاصِیَتِهِ فَیَضْرِبُ عُنُقَهُ فَذَلِکَ یَوْمُ الْوَقْتِ الْمَعْلُوم.۱۷۱

وهب بن جمیع از بستگان اسحاق بن عمار گوید: پرسیدم از امام صادق علیه السلام از گفته ابلیس: «پروردگارا مهلتم ده تا روزی که مبعوث شوند فرمود: تو مهلت داری تا روز وقت معلوم» وهب گفت: قربانت شوم! آن چه روزیست؟ حضرت فرمودند: ای وهب! آیا می‌پنداری که روز رستاخیز مردم است؟ بلکه خدایش مهلت داده تا روزی که قائم ما ظهور کند، و چون قائم ما ظهور کند و در مسجد کوفه باشد، ابلیس آید و برابرش زانو زند و گوید: ای وای بر من از این روز! و قائم ناصیه‌اش را بگیرد و گردنش را بزند و

این روز وقت معلوم است.

۲ ـ عَنْ حُسَيْنِ بْنِ خَالِدٍ قَالَ: قَالَ الرِّضَا عليه السلام: لَا دِينَ لِمَنْ لَا وَرَعَ لَهُ وَ لَا إِيمَانَ لِمَنْ لَا تَقِيَّةَ لَهُ وَ إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ وَ أَعْمَلُكُمْ بِالتَّقِيَّةِ، فَقِيلَ لَهُ: يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ ! إِلَى مَتَى؟ قَالَ: إِلى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ وَ هُوَ يَوْمَ خُرُوجِ قَائِمِنَا فَمَنْ تَرَكَ التَّقِيَّةَ قَبْلَ خُرُوجِ قَائِمِنَا فَلَيْسَ مِنَّا...۱۷۲

حسین بن خالد گوید: امام رضا علیه السلام فرمودند: کسی که ورع نداشته باشد دین ندارد و کسی که تقیّه نداشته باشد ایمان ندارد، گرامی‌ترین شما نزد پروردگار کسی است که بیشتر به تقیّه عمل کند، گفتند: ای فرزند رسول خدا! تا به کی؟ حضرت فرمودند: تا روز وقت معلوم که روز خروج قائم ما اهل بیت است، و کسی که تقیّه را پیش از خروج قائم ما ترک کند از ما نیست،...

شماره: ۹۱: مُتوسمین

کد آیه: ۷۵ / ۱۵

{إِنَّ فی ذلِکَ لَآیاتٍ لِلْمُتَوَسِّمینَ}

و در این عذاب هوشمندان را عبرت و بصیرت بسیار است.

۱ ـ عَنْ أَبِی بَكْرٍ بْنِ مُحَمَّدٍ الْحَضْرَمِيِّ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: سَمِعْتُهُ يَقُولُ إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ مَخْلُوقٍ إِلَّا بَيْنَ عَيْنَيْهِ مَكْتُوبٌ مُؤْمِنٌ أَوْ كَافِرٌ ذَلِكَ مَحْجُوبٌ عَنْكُمْ وَ لَيْسَ بِمَحْجُوبٍ عَنِ الْأَئِمَّةِ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ صلى الله عليه و آله و سلم ثُمَّ لَيْسَ يَدْخُلُ عَلَيْهِمْ أَحَدٌ إِلَّا عَرَفُوهُ مُؤْمِنٌ أَوْ كَافِرٌ ثُمَّ تَلَا هَذِهِ الْآيَةَ: إِنَّ فِی ذلِكَ لَآياتٍ لِلْمُتَوَسِّمِينَ، فَهُمُ الْمُتَوَسِّمُون.۱۷۳

ابو بکر حضرمی از حضرت باقر علیه السلام نقل کرد که حضرت فرمودند: هر انسانی در پیشانیش نوشته است: مؤمن است یا کافر، این مطلب از دیده شما پنهان است ولی ائمه از آل محمّد صلی الله علیه و آله و سلم آن را می‌بینند، هر کس وارد بر آنها شود میشناسند مؤمن است یا کافر، بعد این آیه را خواند: إِنَّ فِی ذلِکَ لَآیاتٍ لِلْمُتَوَسِّمِینَ، ائمه علیهم السلام متوسمیّن هستند.

۲ ـ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ كَثِيرٍ قَالَ: حَجَجْتُ مَعَ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فَإِنِّی مَعَهُ فِی بَعْضِ الطَّرِيقِ إِذْ صَعِدَ عَلَى جَبَلٍ فَنَظَرَ إِلَى النَّاسِ فَقَالَ: مَا أَكْثَرَ الضَّجِيجَ، فَقَالَ لَهُ: دَاوُدُ بْنُ كَثِيرٍ الرَّقِّيُّ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ هَلْ يَسْتَجِيبُ اللَّهُ دُعَاءَ الْجَمْعِ الَّذِی أَرَى، فَقَالَ: وَيْحَكَ يَا أَبَا سُلَيْمَانَ إِنَّ اللَّهَ لا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ إِنَّ الْجَاحِدَ لِوَلَايَةِ عَلِيٍّ عليه السلام كَعَابِدِ وَثَنٍ فَقُلْتُ لَهُ جُعِلْتُ فِدَاكَ هَلْ تَعْرِفُونَ مُحِبِّيكُمْ مِنْ مُبْغِضِيكُمْ فَقَالَ: وَيْحَكَ يَا أَبَا سُلَيْمَانَ إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ عَبْدٍ يُولَدُ إِلَّا كُتِبَ بَيْنَ عَيْنَيْهِ مُؤْمِنٌ أَوْ كَافِرٌ وَ إِنَّ الرَّجُلَ لَيَدْخُلُ إِلَيْنَا يَتَوَلَّانَا وَ يَتَبَرَّأُ مِنْ عَدُوِّنَا فَيَرَى مَكْتُوباً بَيْنَ عَيْنَيْهِ مُؤْمِنٌ قَالَ اللَّهُ عز و جل : إِنَّ فِی ذلِكَ لَآياتٍ لِلْمُتَوَسِّمِينَ فَنَحْنُ نَعْرِفُ عَدُوَّنَا مِنْ وَلِيِّنَا.۱۷۴

عبد الرحمن بن کثیر گفت: در خدمت حضرت صادق علیه السلام به حج رفتم در بین راه بر فراز کوه رفت و تماشای مردم کرده، فرمودند: چقدر داد و فریاد زیاد است ولی حاجی کم است، داود رقی عرض کرد: ای پسر رسول خدا! آیا دعای این جمعیت که می‌بینم مستجاب می‌شود، حضرت فرمودند: وای بر تو ای ابا سلیمان! خداوند نمی‌آمرزد کسی را که شریک برایش قرار دهد، منکر ولایت علی علیه السلام مانند بت‌پرست است، عرض کردم: فدایت شوم شما دوستان و دشمنان خود را می‌شناسید؟ حضرت فرمودند: وای بر تو ای ابا سلیمان! هر بنده‌ای که متولّد شود در پیشانی او نوشته است: مؤمن یا کافر، شخص پیش ما می‌آید مدعی ولایت ما است و بیزاری از دشمنانمان، در پیشانی او نوشته است: مؤمن است یا کافر ، خداوند در این آیه میفرماید: إِنَّ فِی ذلِکَ لَآیاتٍ لِلْمُتَوَسِّمِینَ، ما دوست را از دشمن تشخیص میدهیم.

شماره: ۹۲: سبع مثانی

کد آیه: ۸۷ / ۱۵

{وَ لَقَدْ آتَیْناکَ سَبْعاً مِنَ الْمَثانِی وَ الْقُرْآنَ الْعَظِیمَ}

ای محمّد صلی الله علیه و آله و سلم! به تحقیق ما هفت آیه‌ای را که دو مرتبه نازل شده و قرآن عظیم را به تو عطا کردیم.

۱ ـ عَنْ یُونُس بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ رَفَعَهُ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام عَنْ قَوْلِ اللَّهِ: «وَ لَقَدْ آتَیْناکَ سَبْعاً مِنَ الْمَثانِی وَ الْقُرْآنَ الْعَظِیمَ»، قَالَ: إِنَّ ظَاهِرَهَا الْحَمْدُ وَ بَاطِنَهَا وُلْدُ الْوَلَدِ، وَ السَّابِعُ مِنْهَا الْقَائِمُ علیه السلام. ۱۷۵

از یونس بن عبد الرحمن، از کسیکه آن را مرفوع نموده، آورده است که گفت: از حضرت امام صادق علیه السلام در باره‌ی قول خداوند: «ای پیامبر، و ما هفت آیت مثانی و قرآن عظیم را بر تو فرستادیم»، پرسیدم، حضرت فرمودند: ظاهر آن سوره حمد است و باطن آن فرزندِ فرزند، و هفتمین آنها حضرت قائم علیه السلام است.

۲ ـ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ عُرْوَةَ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام فِی قَوْلِ اللَّهِ: «وَ لَقَدْ آتَیْناکَ سَبْعاً مِنَ الْمَثانِی وَ الْقُرْآنَ الْعَظِیمَ»، قَالَ: سَبْعَةَ أَئِمَّةٍ وَ الْقَائِمَ علیه السلام. ۱۷۶

از قاسم بن عروه از حضرت باقر علیه السلام در باره‌ی آیه: «وَ لَقَدْ آتَیْناکَ سَبْعاً مِنَ الْمَثانِی وَ الْقُرْآنَ الْعَظِیمَ» نقل کرده که فرمودند: منظور هفت امام و قائم علیه السلام است.

۳ ـ عَنْ سَوْرَةَ بْنِ کُلَیْبٍ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ: نَحْنُ الْمَثَانِی الَّتِی أَعْطَاهَا اللَّهُ تَعَالَى نَبِیَّنَا، وَ نَحْنُ وَجْهُ اللَّهِ الَّذِی نَتَقَلَّبُ فِی الْأَرْضِ بَیْنَ أَظْهُرِکُمْ، مَنْ عَرَفَنَا فَإِمَامُهُ الْیَقِینُ وَ مَنْ جَهِلَنَا فَإِمَامُهُ السَّعِیرِ.۱۷۷

سورة بن کُلیب از حضرت باقر علیه السلام نقل کرد که حضرت فرمودند: ما هستیم مثانی که خدا به پیامبر عطا نموده، و ما وجه اللّه هستیم که روی زمین بین شما رفت و آمد می‌کنیم، می‌شناسد ما را آن کس که شناخته و جاهل است به حق ما آنکه نادان است، هر که ما را بشناسد در آینده (هنگام مرگ) بهره‌مند می‌شود و هر که جاهل به حق ما باشد به استقبال آتش سوزان می‌رود.

شماره: ۹۳: نهی از عجله در امر خدا

کد آیه: ۱ /۱۶

{أَتى أَمْرُ اللَّهِ فَلا تَسْتَعْجِلُوهُ سُبْحانَهُ وَ تَعالى عَمَّا یُشْرِکُونَ}

فرمان خدا به زودی فرا می‌رسد پس برای آن عجله نکنید! منزّه و برتر است خداوند از آنچه همتای او قرار می‌دهند!

۱ ـ عَنْ أَبَانِ بْنِ تَغْلِبَ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام: أَوَّلُ مَنْ یُبَایِعُ الْقَائِمَ علیه السلام جَبْرَئِیلُ، یَنْزِلُ فِی صُورَةِ طَیْرٍ أَبْیَضَ، فَیُبَایِعُهُ ثُمَّ یَضَعُ رِجْلًا عَلَى بَیْتِ اللَّهِ الْحَرَامِ وَ رِجْلًا عَلَى بَیْتِ الْمَقْدِسِ، ثُمَّ یُنَادِی بِصَوْتٍ طَلِقٍ تَسْمَعُهُ الْخَلَائِقُ: «أَتى أَمْرُ اللَّهِ فَلا تَسْتَعْجِلُوهُ».۱۷۸

از ابان بن تغلب از حضرت صادق علیه السلام روایت نموده که حضرت فرمودند: اول کسی که با قائم علیه السلام بیعت می‌کند جبرئیل است، که به صورت پرنده‌ی سفیدی از آسمان فرود می‌آید و با وی بیعت می‌کند، آنگاه یک پای خود را روی خانه خدا در مکه و پای دیگر روی بیت المقدس می‌گذارد، و با صدای رسا و فصیح به طوری که تمام مردم روی زمین بشنوند می‌گوید: «أَتى أَمْرُ اللَّهِ فَلا تَسْتَعْجِلُوهُ».

۲ ـ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ کَثِیرٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام فِی قَوْلِ اللَّهِ عز و جل: «أَتى أَمْرُ اللَّهِ فَلا تَسْتَعْجِلُوهُ»، قَالَ: هُوَ أَمْرُنَا، یَعْنِی قِیَامَ قَائِمِنَا آلَ مُحَمَّدٍ علیهم السلام أَمَرَنَا اللَّهُ أَنْ لَا نَسْتَعْجِلَ بِهِ فَیُؤَیِّدُهُ إِذَا أَتَى ثَلَاثَةُ جُنُودٍ الْمَلَائِکَةُ وَ الْمُؤْمِنُونَ وَ الرُّعْبُ، وَ خُرُوجُهُ علیه السلام کَخُرُوجِ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم مِنْ مَکَّةَ وَ هُوَ قَوْلُهُ: «کَما أَخْرَجَکَ رَبُّکَ مِنْ بَیْتِکَ بِالْحَقِ».۱۷۹

عبد الرّحمن بن کثیر از امام صادق علیه السلام روایت کرده که حضرت در معنی فرمایش خدای تعالی: «أَتى أَمْرُ اللَّهِ فَلا تَسْتَعْجِلُوهُ» «فرمان خدا به زودی فرا می‌رسد پس در مورد آن شتابجوئی نکنید»، فرمودند: آن امر ما است، یعنی قیام قائم ما اهل بیت علیهم

السلام، که خدای عز و جل دستور فرموده است در آن شتابجوئی نشود تا [اینکه در وقت آن خداوند] او را با سه لشکر که عبارتند از: فرشتگان و مؤمنان و هراس، پشتیبانی فرماید، و خروج آن حضرت مانند خروج رسول اللّٰه صلی الله علیه و آله و سلم خواهد بود آنجا که خدا می‌فرماید: «کَما أَخْرَجَکَ رَبُّکَ مِنْ بَیْتِکَ بِالْحَقِّ».

شماره: ۹۴: کفر منکران رجعت

کد آیه: ۲۲ / ۱۶

{إِلٰهُکُمْ إِلٰهٌ واحِدٌ فَالَّذینَ لا یُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ قُلُوبُهُمْ مُنْکِرَةٌ وَ هُمْ مُسْتَکْبِرُونَ}

معبود شما خداوند یگانه است امّا کسانی که به آخرت ایمان نمی‌آورند، دلهایشان (حق را) انکار می‌کند و مستکبرند.

عَنْ أَبِی حَمْزَةَ الثُّمَالِیِّ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ علیه السلام یَقُولُ فِی قَوْلِهِ: «فَالَّذِینَ لا یُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ»، یَعْنِی أَنَّهُمْ لَا یُؤْمِنُونَ بِالرَّجْعَةِ أَنَّهَا حَقٌّ، قُلُوبُهُمْ مُنْکِرَةٌ، یَعْنِی أَنَّهَا کَافِرَةٌ ...۱۸۰

ابو حمزه ثمالی از حضرت امام محمد باقر علیه السلام روایت کرده که حضرت در باره‌ی قول خداوند: «آنان که به آخرت ایمان نیاورند دلهاشان به انکار خو گرفته، و متکبرند» فرمودند: یعنی آنان که به رجعت ایمان ندارند، دلهاشان به انکار خو گرفته و کافرند.

شماره: ۹۵: تکذیب رجعت از سوی کفّار

کد آیه: ۳۸ / ۱۶

{وَ أَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَیْمانِهِمْ لا یَبْعَثُ اللَّهُ مَنْ یَمُوتُ بَلی وَعْداً عَلَیْهِ حَقًّا وَ لکِنَّ أَکْثَرَ النَّاسِ لا یَعْلَمُونَ}

آنها سوگندهای شدید به خدا یاد کردند که: «هرگز خداوند کسی را که می‌میرد، برنمی‌انگیزد!» آری، این وعده قطعی خداست (که همه مردگان را برای جزا بازمی‌گرداند) ولی بیشتر مردم نمی‌دانند!

عَنْ أَبِی بَصِیرٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام: قَوْلُهُ تَبَارَکَ وَ تَعَالَی: «وَ أَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَیْمانِهِمْ لا یَبْعَثُ اللَّهُ مَنْ یَمُوتُ بَلی وَعْداً عَلَیْهِ حَقًّا»، قَالَ: فَقَالَ لِی: یَا أَبَا بَصِیرٍ! مَا تَقُولُ فِی هَذِهِ الْآیَةِ؟ قَالَ: قُلْتُ: إِنَّ الْمُشْرِکِینَ یَزْعُمُونَ وَ یَحْلِفُونَ لِرَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم أَنَّ اللَّهَ لَا یَبْعَثُ الْمَوْتَی، فَقَالَ: تَبّاً لِمَنْ قَالَ هَذَا، سَلْهُمْ هَلْ کَانَ الْمُشْرِکُونَ یَحْلِفُونَ بِاللَّهِ أَمْ بِاللَّاتِ وَ الْعُزَّی؟ قَالَ: قُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاکَ! فَأَوْجِدْنِیهِ، فَقَالَ لِی: یَا أَبَا بَصِیرٍ! لَوْ قَدْ قَامَ قَائِمُنَا بَعَثَ اللَّهُ إِلَیْهِ قَوْماً مِنْ شِیعَتِنَا قَبَایِعُ سُیُوفِهِمْ عَلَی عَوَاتِقِهِمْ فَیَبْلُغُ ذَلِکَ قَوْماً مِنْ شِیعَتِنَا لَمْ یَمُوتُوا فَیَقُولُونَ بُعِثَ فُلَانٌ وَ فُلَانٌ وَ فُلَانٌ مِنْ قُبُورِهِمْ فَهُمْ مَعَ الْقَائِمِ علیه السلام فَیَبْلُغُ ذَلِکَ قَوْماً مِنْ عَدُوِّنَا فَیَقُولُونَ: یَا مَعْشَرَ الشِّیعَةِ! مَا أَکْذَبَکُمْ، هَذِهِ دَوْلَتُکُمْ فَأَنْتُمْ تَقُولُونَ فِیهِ الْکَذِبَ، لَا وَ اللَّهِ مَا عَاشَ هَؤُلَاءِ وَ لَا یَعِیشُ أَحَدٌ مِنْهُمْ إِلَی یَوْمِ الْقِیَامَةِ فَحَکَی اللَّهُ قَوْلَهُمْ، فَقَالَ: «وَ أَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَیْمانِهِمْ لا یَبْعَثُ اللَّهُ مَنْ یَمُوتُ».۱۸۱

از ابو بصیر نقل است که گفت: تفسیر این آیه را از حضرت صادق علیه السلام پرسیدم: «به خدا قسم خوردند، قسمهای مؤکد که خدا آنان را که می‌میرند زنده نمی‌کند، چرا، وعده‌ای است بر او ثابت، اما بیشتر مردم نمی‌دانند»، حضرت فرمودند: ابو بصیر! مردم در باره‌ی این آیه چه میگویند؟ عرض کردم: می‌گویند: مشرکان می‌گفتند خدا مردگان را زنده نمی‌کند و برای اثبات این مدعا نزد پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم قسم می‌خوردند، حضرت فرمودند: مرگ بر آنها که آیه را چنین تفسیر می‌کنند، از اینان بپرس: مشرکان به خدا قسم می‌خوردند یا به «لات و عزّی»؟ عرض کردم: پس مرا از حقیقت آن آگاه فرمائید، حضرت فرمودند: ای ابو بصیر! هنگام قیام قائم ما خداوند جمعی از شیعیان ما را در حالی که قبضه‌ی شمشیر بر دوش نهاده‌اند محشور فرماید، این خبر از طرفی به شیعیان ما که در آن وقت زنده‌اند برسد، به یکدیگر بشارت دهند که: فلان و فلان از قبرهایشان محشور شدند و در رکاب

حضرت قائم‌اند، از طرف دیگر به عده‌ای از دشمنان ما رسد گویند: ای گروه شیعه! شما چقدر دروغ گوئید؟! این دوران دولت شما است که در آن دروغ می گوئید؟ نه، به خدا! اینها زنده نشده‌اند، و تا قیامت هم زنده نشوند، و این حکایت قول خداوند که می‌فرماید: «به خدا! قسم خوردند قسمهای مؤکد که هرکس بمیرد خدا زنده‌اش نمی کند».

شماره: ۹۶: بیابان بیداء

کد آیه: ۴۵ / ۱۶

{أ فَأَمِنَ الَّذِينَ مَكَرُوا السَّيِّئاتِ أَنْ يَخْسِفَ اللَّهُ بِهِمُ الْأَرْضَ أَوْ يَأْتِيَهُمُ الْعَذابُ مِنْ حَيْثُ لا يَشْعُرُون}

آیا توطئه گران از این ایمن گشتند که ممکن است خدا آنها را در زمین فروبرد، و یا مجازات (الهی)، از آن جا که انتظارش را ندارند، به سراغشان آید؟!

عن جابر الجعفی عن أبی جعفر علیه السلام ، فی حدیث طویل، قال له:... وَ إِيَّاكَ وَ شُذَّاذاً مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله و سلم فَإِنَّ لِآلِ مُحَمَّدٍ وَ عَلِيٍّ رَايَةً وَ لِغَيْرِهِمْ رَايَاتٍ فَالْزَمِ الْأَرْضَ وَ لَا تَتَّبِعْ مِنْهُمْ رَجُلًا أَبَداً حَتَّى تَرَى رَجُلًا مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ مَعَهُ عَهْدُ نَبِيِّ اللَّهِ وَ رَايَتُهُ وَ سِلَاحُهُ فَإِنَّ عَهْدَ نَبِيِّ اللَّهِ صَارَ عِنْدَ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ ثُمَّ صَارَ عِنْدَ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ وَ يَفْعَلُ اللَّهُ ما يَشاءُ فَالْزَمْ هَؤُلَاءِ أَبَداً وَ إِيَّاكَ وَ مَنْ ذَكَرْتُ لَكَ فَإِذَا خَرَجَ رَجُلٌ مِنْهُمْ مَعَهُ ثَلَاثُ مِائَةٍ وَ بِضْعَةَ عَشَرَ رَجُلًا وَ مَعَهُ رَايَةُ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم عَامِداً إِلَى الْمَدِينَةِ حَتَّى يَمُرَّ بِالْبَيْدَاءِ حَتَّى يَقُولَ هَذَا مَكَانُ الْقَوْمِ الَّذِينَ يُخْسَفُ بِهِمْ وَ هِيَ الْآيَةُ الَّتِي قَالَ اللَّهُ: أ فَأَمِنَ الَّذِينَ مَكَرُوا السَّيِّئاتِ أَنْ يَخْسِفَ اللَّهُ بِهِمُ الْأَرْضَ أَوْ يَأْتِيَهُمُ الْعَذابُ مِنْ حَيْثُ لا يَشْعُرُونَ، أَوْ يَأْخُذَهُمْ فِي تَقَلُّبِهِمْ فَما هُمْ بِمُعْجِزِينَ.۱۸۲

از جابر جعفی در حدیثی طولانی از امام باقر علیه السلام که حضرت فرمودند: ... مبادا به معدودی از سادات که مدعی مهدویّت می‌شوند اعتنا کنی، زیرا دولت پیغمبر و علی یک بار است (و یک وقت ظاهر می‌شود) ولی دیگران دولتها دارند، پس خودداری کن و اصلًا از این مدعیّان پیروی مکن تا آنکه مردی از اولاد امام حسین علیه السلام را ببینی که عهد نامه پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم و پرچم و سلاح وی با اوست، زیرا عهد نامه پیغمبر به علی بن الحسین رسید و بعد از او به محمد بن علی (خود حضرت) رسید و بعد هم خدا هر چه خواهد می‌کند، پس همیشه با اینان باش و از آنان که برای تو ذکر کردم بپرهیز مگر هنگامی که مردی از خاندان پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم قیام کند که سیصد و سیزده نفر مرد و پرچم پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم با اوست، و آهنگ مدینه نماید، و موقعی که از بیابان «بیداء» عبور کند می گوید: اینجا جای کسانی است که زمین آنها را فرو برد، چنان که خدا میفرماید: أ فَأَمِنَ الَّذِينَ مَكَرُوا السَّيِّئاتِ أَنْ يَخْسِفَ اللَّهُ بِهِمُ الْأَرْضَ أَوْ يَأْتِيَهُمُ الْعَذابُ مِنْ حَيْثُ لا يَشْعُرُونَ أَوْ يَأْخُذَهُمْ فِي تَقَلُّبِهِمْ فَما هُمْ بِمُعْجِزِينَ.

شماره: ۹۷: امام زمان علیه السلام

کد آیه: ۸۴ / ۱۶

{وَ يَوْمَ نَبْعَثُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيداً ثُمَّ لا يُؤْذَنُ لِلَّذِينَ كَفَرُوا وَ لا هُمْ يُسْتَعْتَبُونَ}

(به خاطر بیاورید) روزی را که از هر امّتی گواهی بر آنان برمی‌انگیزیم سپس به آنان که کفر ورزیدند، اجازه (سخن گفتن) داده نمی‌شود و اجازه عذرخواهی و تقاضای عفو به آنان نمی‌دهند!

علی بن ابراهیم فی تفسیر قوله تعالی: «وَ يَوْمَ نَبْعَثُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيداً»، قال: قال الصادق علیه السلام: لِكُلِّ زَمانٍ وَ أُمَّةٍ إِمامٌ، تَبعَثُ كُلِّ أُمَّةٍ مَعَ إِمَامِها.۱۸۳

علی بن ابراهیم در تفسیر قول خداوند تعالی: «وَ يَوْمَ نَبْعَثُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيداً»، روایت می کند از امام صادق علیه السلام که فرمودند:

برای هر زمانی و امتی، امامی هست که در قیامت هر امتی با امام خودشان برانگیخته می شوند.

شماره: ۹۸: رجعت امام حسین علیه السلام

کد آیه: ۶ تا ۴ / ۱۷

{وَ قَضَيْنا إِلى بَنى إِسْرائيلَ فِي الْكِتابِ لَتُفْسِدُنَّ فِي الْأَرْضِ مَرَّتَيْنِ وَ لَتَعْلُنَّ عُلُوًّا كَبيراً (۴) فَإِذا جاءَ وَعْدُ أُولاهُما بَعَثْنا عَلَيْكُمْ عِباداً لَنا أُولي بَأْسٍ شَديدٍ فَجاسُوا خِلالَ الدِّيارِ وَ كانَ وَعْداً مَفْعُولاً (۵) ثُمَّ رَدَدْنا لَكُمُ الْكَرَّةَ عَلَيْهِمْ وَ أَمْدَدْناكُمْ بِأَمْوالٍ وَ بَنينَ وَ جَعَلْناكُمْ أَكْثَرَ نَفيراً (۶)}

ما به بنی اسرائیل در کتاب (تورات) اعلام کردیم که دو بار در زمین فساد خواهید کرد، و برتری‌جویی بزرگی خواهید نمود. (۴)هنگامی که نخستین وعده فرا رسد، گروهی از بندگان پیکارجوی خود را بر ضدّ شما می‌انگیزیم، خانه‌ها را جستجو می کنند و این وعده‌ای است قطعی! (۵)سپس شما را بر آنها چیره می کنیم و شما را به وسیله داراییها و فرزندانی کمک خواهیم کرد و نفرات شما را بیشتر (از دشمن) قرار می‌دهیم. (۶)

۱ ـ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْقَاسِمِ الْبَطَلِ، عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام فِی قَوْلِهِ: «وَ قَضَيْنا إِلى بَنِی إِسْرائِيلَ فِی الْكِتابِ لَتُفْسِدُنَّ فِی الْأَرْضِ مَرَّتَيْنِ»، قَالَ: قَتْلُ عَلِيِّ بْنِ أَبِی طَالِبٍ علیهما السلام ، وَ طَعْنُ الْحَسَنِ علیه السلام «وَ لَتَعْلُنَّ عُلُوًّا كَبِيراً»، قَالَ: قَتْلُ الْحُسَيْنِ علیه السلام ، فَإِذا جاءَ وَعْدُ أُولاهُما، فَإِذَا جَاءَ نَصْرُ دَمِ الْحُسَيْنِ علیه السلام بَعَثْنا عَلَيْكُمْ عِباداً لَنا، «أُولِی بَأْسٍ شَدِيدٍ فَجاسُوا خِلالَ الدِّيارِ»، قَوْمٌ يَبْعَثُهُمُ اللَّهُ قَبْلَ خُرُوجِ الْقَائِمِ علیه السلام ، فَلَا يَدَعُونَ وَتْراً، لِآلِ مُحَمَّدٍ إِلَّا قَتَلُوهُ، «وَ كانَ وَعْداً مَفْعُولًا»، خُرُوجُ الْقَائِمِ علیه السلام ، «ثُمَّ رَدَدْنا لَكُمُ الْكَرَّةَ عَلَيْهِمْ»، خُرُوجُ الْحُسَيْنِ علیه السلام ، يَخْرُجُ فِی سَبْعِينَ مِنْ أَصْحَابِهِ، عَلَيْهِمُ الْبِيضُ، الْمُذَهَّبَةُ لِكُلِّ بَيْضَةٍ وَجْهَانِ، الْمُؤَدُّون إِلَى النَّاسِ أَنَّ هَذَا الْحُسَيْنَ علیه السلام قَدْ خَرَجَ حَتَّى لَا يَشُكَّ الْمُؤْمِنُونَ فِيهِ، وَ أَنَّهُ لَيْسَ بِدَجَّالٍ وَ لَا شَيْطَانٍ، وَ الْحُجَّةُ الْقَائِمُ بَيْنَ أَظْهُرِهِمْ، فَإِذَا اسْتَقَرَّتِ الْمَعْرِفَةُ فِی قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ أَنَّهُ الْحُسَيْنُ علیه السلام ، جَاءَ الْحُجَّةَ الْمَوْتُ، فَيَكُونُ الَّذِی يُغَسِّلُهُ وَ يُكَفِّنُهُ وَ يُحَنِّطُهُ وَ يَلْحَدُهُ فِی حُفْرَتِهِ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ علیهماالسلام ، وَ لَا يَلِی الْوَصِيَّ إِلَّا الْوَصِيُّ.۱۸۴

عبد اللَّه بن قاسم بطل در باره‌ی آیه شریفه: «وَ قَضَيْنا إِلى بَنِی إِسْرائِيلَ فِی الْكِتابِ لَتُفْسِدُنَّ فِی الْأَرْضِ مَرَّتَيْنِ» از امام صادق علیه السلام روایت می کند که حضرت فرمودند: این آیه به کشتن علی بن ابی طالب علیه السلام و نیزه زدن به امام حسن علیه السلام نظر دارد، و آیه: «وَ لَتَعْلُنَّ عُلُوًّا كَبِيراً»، حاکی از کشته شدن امام حسین علیه السلام است، و آیه: «فَإِذا جاءَ وَعْدُ أُولاهُما»، حکایت از ریخته شدن خون حسین علیه السلام دارد، و آیه: «بَعَثْنا عَلَيْكُمْ عِباداً لَنا أُولِی بَأْسٍ شَدِيدٍ فَجاسُوا خِلالَ الدِّيارِ»، بر مردمی دلالت دارد که خداوند پیش از ظهور امام قائم علیه السلام می‌فرستد و هیچ کس را، که مسئول خونی است، در خاندان حضرت محمّد صلی الله علیه و آله و سلم وانگذارند مگر آنکه او را بکشند، «وَ كانَ وَعْداً مَفْعُولًا» یعنی ظهور امام قائم علیه السلام ، و مقصود از آیه شریفه: «ثُمَّ رَدَدْنا لَكُمُ الْكَرَّةَ عَلَيْهِمْ» رجعت امام حسین علیه السلام است با هفتاد تن از یاران وفادار خود که کلاه خودهای زرّین بر سر دارند از دو سو و به مردم خبر می‌دهند که این حسین علیه السلام است که رجعت کرده و بیرون آمده تا هیچ مؤمنی در باره‌ی آن حضرت شک و تردید نکند و بدون تردید، او دجّال و شیطان نیست، و هنوز حجت بن الحسن علیهما السلام میان مردم است، و چون در دل مؤمنان استوار شود که او حسین علیه السلام است، اجل امام دوازدهم که حجّت است فرا رسد، و همان امام حسین علیه السلام خواهد بود که او را غسل می‌دهد و کفن و حنوط می کند و به خاکش می‌سپارد، و عهده‌دار تجهیز جنازه وصی نشود مگر وصی و امام.

۲ ـ عَنْ حُمْرَان عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ: كَانَ يَقْرَأُ «بَعَثْنا عَلَيْكُمْ عِباداً لَنا أُولِی بَأْسٍ شَدِيدٍ»، ثُمَّ قَالَ: وَ هُوَ الْقَائِمُ وَ أَصْحَابُهُ أُولِی بَأْسٍ شَدِيدٍ.۱۸۵

حمران بن اعین از حضرت امام محمد باقر علیه السلام روایت می کند که این آیه را میخواند: «بَعَثْنا عَلَیْکَمْ عِباداً لَنا أَولِی بَأْسٍ شَدِیدٍ»، و می‌فرمودند: این بندگان خدا، قائم ما و یاران او هستند که سخت نیرومند می‌باشند.

شماره: ۹۹: وعده‌ی آخر

کد آیه: ۸ و ۷ / ۱۷

{إِنْ أَحْسَنْتُمْ أَحْسَنْتُمْ لِأَنْفُسِکُمْ وَ إِنْ أَسَأْتُمْ فَلَها فَإِذا جاءَ وَعْدُ الْآخِرَةِ لِیَسُوؤُا وُجُوهَکُمْ وَ لِیَدْخُلُوا الْمَسْجِدَ کَما دَخَلُوهُ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَ لِیُتَبِّرُوا ما عَلَوْا تَتْبِیراً (۷) عَسی رَبُّکُمْ أَنْ یَرْحَمَکُمْ وَ إِنْ عُدْتُمْ عُدْنا وَ جَعَلْنا جَهَنَّمَ لِلْکافِرِینَ حَصِیراً (۸)}

اگر نیکی کنید، به خودتان نیکی می‌کنید و اگر بدی کنید باز هم به خود می‌کنید. و هنگامی که وعده دوم فرا رسد، آثار غم و اندوه در صورتهایتان ظاهر می‌شود و داخل مسجد (الاقصی) می‌شوند همان گونه که بار اول وارد شدند و آنچه را زیر سلطه خود می‌گیرند، در هم می‌کوبند. (۷)امید است پروردگارتان به شما رحم کند! هر گاه برگردید، ما هم بازمی‌گردیم و جهنّم را برای کافران، زندان سختی قرار دادیم.(۸)

فی تفسیر علی بن إبراهیم، فی قوله تعالی: «إِنْ أَحْسَنْتُمْ أَحْسَنْتُمْ لِأَنْفُسِکُمْ وَ إِنْ أَسَأْتُمْ فَلَها فَإِذا جاءَ وَعْدُ الْآخِرَةِ»، یَعْنِی الْقَائِمَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَیْهِ وَ أَصْحَابَهُ، «لِیَسُوؤُا وُجُوهَکُمْ»، یَعْنِی تَسَوُّدَ وُجُوهِهِمْ، «وَ لِیَدْخُلُوا الْمَسْجِدَ کَما دَخَلُوهُ أَوَّلَ مَرَّةٍ»، یَعْنِی رَسُولَ اللَّهِ وَ أَصْحَابَهُ، «وَ لِیُتَبِّرُوا ما عَلَوْا تَتْبِیراً»، أَیْ یَعْلُو عَلَیْکُمْ فَیَقْتُلُوکُمْ ثُمَّ عَطَفَ عَلَی آلِ مُحَمَّدٍ علیهم السلام ، فَقَالَ: «عَسی رَبُّکُمْ أَنْ یَرْحَمَکُمْ أَیْ یَنْصُرَکُمْ عَلَی عَدُوِّکُمْ»، ثُمَّ خَاطَبَ بَنِی أُمَیَّةَ، فَقَالَ: «وَ إِنْ عُدْتُمْ عُدْنا»، یَعْنِی إِنْ عُدْتُمْ بِالسُّفْیَانِیِّ عُدْنَا بِالْقَائِمِ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ علیهم السلام .۱۸۶

در تفسیر علی بن ابراهیم قمی آمده در قول خداوند تعالی: «إِنْ أَحْسَنْتُمْ أَحْسَنْتُمْ لِأَنْفُسِکُمْ وَ إِنْ أَسَأْتُمْ فَلَها فَإِذا جاءَ وَعْدُ الْآخِرَةِ»، اگر نیکی کنید، نیکی بینید، و اگر بد کنید بدی یابید و چون وعده دیگر فرا رسد یعنی قائم آل محمد علیه السلام و یارانش قیام کنند، «لِیَسُوؤُا وُجُوهَکُمْ»، صورتهای شما سیاه گردد، «وَ لِیَدْخُلُوا الْمَسْجِدَ کَما دَخَلُوهُ أَوَّلَ مَرَّةٍ»، و با یارانش به مسجد الحرام در آیند مانند روزی که پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و امیر المؤمنین علیه السلام و سپاه اسلام نخستین بار در آمدند، «وَ لِیُتَبِّرُوا ما عَلَوْا تَتْبِیراً»، تا دولت و شوکت شما را سخت تباه گردانند: یعنی بر شما غلبه یافته همه‌ی شما را از دم شمشیر بگذرانند، سپس پروردگار جهان عطف توجهی به آل پیغمبر علیهم السلام نموده و می‌فرماید: «عَسی رَبُّکُمْ أَنْ یَرْحَمَکُمْ»، خدای به شما ترحم خواهد کرد و شما را بر دشمنانتان پیروز گرداند، آنگاه بنی امیه را مخاطب ساخته و می‌فرماید: «وَ إِنْ عُدْتُمْ عُدْنا» یعنی: اگر شما با شوکت سفیانی خروج کنید، دولت حق نیز با ظهور قائم آل محمد علیه السلام قیام خواهد کرد.

شماره: ۱۰۰: منصور

کد آیه: ۳۳ / ۱۷

{... وَ مَنْ قُتِلَ مَظْلُوماً فَقَدْ جَعَلْنا لِوَلِیِّهِ سُلْطاناً فَلا یُسْرِفْ فِی الْقَتْلِ إِنَّهُ کانَ مَنْصُوراً}

... و آن کس که مظلوم کشته شده، برای ولیش سلطه (و حق قصاص) قرار دادیم اما در قتل اسراف نکند، چرا که او مورد حمایت است!

۱ ـ فی تفسیر فرات بن إبراهیم جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْفَزَارِیُّ مُعَنْعَناً عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام فِی قَوْلِهِ تَعَالَی: «وَ مَنْ قُتِلَ مَظْلُوماً فَقَدْ جَعَلْنا لِوَلِیِّهِ سُلْطاناً»، قَالَ: الْحُسَیْنُ، فَلا یُسْرِفْ فِی الْقَتْلِ إِنَّهُ کانَ مَنْصُوراً، قَالَ: سَمَّی اللَّهُ الْمَهْدِیَّ الْمَنْصُورَ کَمَا سُمِّیَ أَحْمَدُ وَ مُحَمَّدٌ و محمود وَ کَمَا سُمِّیَ عِیسَی الْمَسِیحَ علیهم السلام .۱۸۷

فرات بن ابراهیم کوفی در تفسیر خود از امام محمد باقر علیه السلام روایت کرده که آن حضرت در تفسیر آیه شریفه: «وَ مَنْ قُتِلَ مَظْلُوماً» فرمودند: او حسین بن علی علیه السلام است و بقیه آیه: «فَقَدْ جَعَلْنا لِوَلِیِّهِ سُلْطاناً فَلا یُسْرِفْ فِی الْقَتْلِ إِنَّهُ کانَ مَنْصُوراً»، مقصود امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است که نامش در آیه «منصور» می‌باشد چنان که خداوند احمد و محمد را محمود و عیسی را مسیح خوانده است.

۲ ـ عَن الحَجّال عَنْ بَعْضِ أَصْحابِه عَنْ أَبی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عز و جل: «وَ مَنْ قُتِلَ مَظْلُوماً فَقَدْ جَعَلْنا لِوَلِیِّهِ سُلْطاناً فَلا یُسْرِفْ فِی الْقَتْلِ»، قَالَ: نَزَلَتْ فِی الْحُسَیْنِ علیه السلام لَوْ قَتَلَ وَلِیُّهُ أَهْلَ الْأَرْضِ بِهِ مَا کَانَ مُسْرِفاً، وَ وَلِیُّهُ الْقَائِمُ علیه السلام ۱۸۸.

حجّال از قول برخی از اصحاب امام صادق علیه السلام گوید: از آن حضرت پرسیدم از گفتار خدای عز و جل: «و هر که به ستم کشته شود برای ولیّ او تسلطی داده‌ایم اما در کشتن زیاده روی نکند»، حضرت فرمودند: در باره‌ی حسین علیه السلام نازل گشته و اگر مردم روی زمین به خاطر او کشته شوند اسراف نشده است.

۳ ـ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ رَجُلٍ قَالَ: سَأَلْتُ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام فِی قَوْلِهِ تَعَالَی: «وَ مَنْ قُتِلَ مَظْلُوماً فَقَدْ جَعَلْنا لِوَلِیِّهِ سُلْطاناً فَلا یُسْرِفْ فِی الْقَتْلِ إِنَّهُ کانَ مَنْصُوراً»، قَالَ: ذَلِکَ قَائِمُ آل مُحَمَّدٍ یَخْرُجُ فَیَقْتُلُ بِدَمِ الْحُسَیْنِ علیه السلام فَلَوْ قَتَلَ أَهْلَ الْأَرْضِ لَمْ یَکُنْ مُسْرِفاً، وَ قَوْلُهُ: فَلا یُسْرِفْ فِی الْقَتْلِ، لَمْ یَکُنْ لِیَصْنَعَ شَیْئاً یَکُونُ سَرَفاً، ثُمَّ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام : یَقْتُلُ وَ اللَّهِ ذَرَارِیَّ قَتَلَةِ الْحُسَیْنِ علیه السلام بِفَعَالِ آبَائِهَا.۱۸۹

از محمّد بن سنان، از شخصی نقل نموده که وی گفت: از حضرت امام صادق علیه السلام از تفسیر آیه شریفه: «وَ مَنْ قُتِلَ مَظْلُوماً فَقَدْ جَعَلْنا لِوَلِیِّهِ سُلْطاناً فَلا یُسْرِفْ فِی الْقَتْلِ إِنَّهُ کانَ مَنْصُوراً»، پرسیدم، حضرت فرمودند: مقصود از «ولیّ» قائم آل محمّد علیهم السلام بوده که خروج نموده و به خون خواهی حضرت سیّد الشهداء علیه السلام، شروع به کشتن می‌نماید به طوری که اگر اهل زمین را بکشد اسراف نکرده است، و در ذیل این فقره از آیه «فلا یُسْرِفْ فِی الْقَتْلِ» می‌فرمایند: حضرت قائم علیه السلام اقدام به چیزی که اسراف محسوب شود نمی‌کنند. سپس امام صادق علیه السلام فرمودند: به خدا قسم! حضرت قائم علیه السلام اعقاب کشندگان سیّد الشّهداء علیه السلام را به واسطه‌ی عمل آباء و اجدادشان، خواهد کشت.

۴ ـ عَنْ سَلَّامِ بْنِ الْمُسْتَنِیرِ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام فِی قَوْلِهِ: «وَ مَنْ قُتِلَ مَظْلُوماً فَقَدْ جَعَلْنا لِوَلِیِّهِ سُلْطاناً فَلا یُسْرِفْ فِی الْقَتْلِ إِنَّهُ کانَ مَنْصُوراً»، قَالَ: هُوَ الْحُسَیْنُ بْنُ عَلِیٍّ علیهماالسلام ، قُتِلَ مَظْلُوماً وَ نَحْنُ أَوْلِیَاؤُهُ وَ الْقَائِمُ مِنَّا إِذَا قَامَ طَلَبَ بِثَأْرِ الْحُسَیْنِ علیه السلام، فَیَقْتُلُ حَتَّی یُقَالَ قَدْ أَسْرَفَ فِی الْقَتْلِ، وَ قَالَ: الْمَقْتُولُ الْحُسَیْنُ وَ وَلِیُّهُ الْقَائِمُ وَ الْإِسْرَافُ فِی الْقَتْلِ أَنْ یَقْتُلَ غَیْرَ قَاتِلِهِ إِنَّهُ کانَ مَنْصُوراً فَإِنَّهُ لَا یَذْهَبُ مِنَ الدُّنْیَا حَتَّی یُنْتَصَرَ بِرَجُلٍ مِنْ آلِ رَسُولِ اللَّهِ عَلَیْهِمُ الصَّلَاةُ وَ السَّلَامُ، یَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطاً وَ عَدْلًا کَمَا مُلِئَتْ جَوْراً وَ ظُلْما.۱۹۰

سلام بن مستنیر از امام محمّد باقر علیه السلام روایت می‌کند که در تفسیر آیه: «وَ مَنْ قُتِلَ مَظْلُوماً» الی آخره، می‌فرمایند: منظور از این آیه امام حسین علیه السلام می‌باشند، زیرا آن بزرگوار مظلومانه شهید شدند و ما امامان خونخواه آن حضرت هستیم، هنگامی که قائم ما خاندان قیام کند خون امام حسین علیه السلام را طلب خواهد کرد، او به قدری از قتله امام حسین را می‌کشد که خواهند گفت: در قتل اسراف می‌کند، امام باقر علیه السلام فرمودند: منظور از مقتول، امام حسین و منظور از خونخواه حضرت قائم و منظور از اسراف در قتل کشتن غیر قاتل می‌باشد و منظور از یاری شدن این است که از دنیا نخواهد رفت تا اینکه مردی از آل رسول صلی الله علیه و آله و سلم، زمین را پر از عدل و داد کند همان طور که پر از ظلم و ستم شده باشد و او را یاری نماید.

شماره: ۱۰۱: پشت سر امام زمان علیه السلام

کد آیه: ۷۱ / ۱۷

{يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ أناسٍ بِإمامِهِمْ فَمَنْ أوتِيَ كِتابَهُ بِيَمينِهِ فَأولئِكَ يَقْرَؤُنَ كِتابَهُمْ وَ لا يُظْلَمُونَ فَتيلًا}

(به یاد آورید) روزی را که هر گروهی را با پیشوایشان می‌خوانیم! کسانی که نامه عملشان به دست راستشان داده شود، آن را (با شادی و سرور) می‌خوانند و بقدر رشته شکاف هسته خرمایی به آنان ستم نمی‌شود!

۱ ـ عَن دَاوُد بْن سُلَيْمَان قَالَ: حَدَّثَنِي الرِّضَا عليه السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه و آله و سلم فِي قَوْلِ اللَّهِ عز و جل: «يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ أُناسٍ بِإِمامِهِمْ»، قَالَ: يَدْعُونَ بِإِمَامِ زَمَانِهِمْ وَ كِتَابِ رَبِّهِمْ وَ سُنَّةِ نَبِيِّهِم.۱۹۱

داود بن سلیمان از حضرت امام رضا علیه السلام نقل می‌کند که حضرت فرمودند: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در باره‌ی سخن خدای عز و جل : «یوم ندعوا کل اناس بامامهم»، فرمودند: در روز قیامت هر گروهی به نام امام زمانشان و کتاب خدا و سنّت پیامبرشان فرا خوانده می‌شوند.

۲ ـ عَنِ الْفُضَيْلِ بْنِ يَسَارٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ قَوْلِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى: «يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ أُناسٍ بِإِمامِهِمْ»، فَقَالَ: يَا فُضَيْلُ! اعْرِفْ إِمَامَكَ، فَإِنَّكَ إِذَا عَرَفْتَ إِمَامَكَ لَمْ يَضُرَّكَ تَقَدَّمَ هَذَا الْأَمْرُ أَوْ تَأَخَّرَ، وَ مَنْ عَرَفَ إِمَامَهُ ثُمَّ مَاتَ قَبْلَ أَنْ يَقُومَ صَاحِبُ هَذَا الْأَمْرِ، كَانَ بِمَنْزِلَةِ مَنْ كَانَ قَاعِداً فِي عَسْكَرِهِ، لَا، بَلْ بِمَنْزِلَةِ مَنْ قَعَدَ تَحْتَ لِوَائِهِ قَالَ: وَ قَالَ بَعْضُ أَصْحَابِهِ بِمَنْزِلَةِ مَنِ اسْتُشْهِدَ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه و آله و سلم .۱۹۲

فضیل بن یسار گوید: از امام صادق علیه السلام در باره‌ی قول خدای تعالی: «روزی که هر دسته از مردم را به امامشان می‌خوانیم»، پرسیدم، حضرت فرمودند: ای فضیل! تو امام خود را بشناس، زیرا هر گاه امامت را شناختی تقدّم یا تأخّر این امر زیانی به تو نمی‌رساند، کسی که امامش را بشناسد و پیش از قیام صاحب الامر بمیرد، مانند کسی است که در لشکر آن حضرت بوده است، نه، بلکه مانند کسی است که زیر پرچم آن حضرت نشسته باشد، در اینجا یکی از اصحابش گفت: مانند کسی است که در رکاب رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم شهید شده باشد.

۳ ـ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: «يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ أُناسٍ بِإِمامِهِمْ»، قَالَ: إِمَامِهِمُ الَّذِي بَيْنَ أَظْهُرِهِمْ وَ هُوَ قَائِمُ أَهْلِ زَمَانِهِ.۱۹۳

عبد اللَّه بن سنان گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: مقصود از این آیه چیست؟: «روزی که هر مردمی را به امامشان خوانیم»، حضرت فرمودند: مقصود امامی است که در میان آنهاست و او قائم اهل زمان خود است.

شماره: ۱۰۲: رجعت کوردلان

کد آیه: ۷۲ / ۱۷

{وَ مَنْ كانَ في هذِهِ أَعْمى فَهُوَ فِي الْآخِرَةِ أَعْمى وَ أَضَلُّ سَبيلًا}

اما کسی که در این جهان (از دیدن چهره حق) نابینا بوده است، در آخرت نیز نابینا و گمراه‌تر است!

عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَحَدِهِمَا عليهما‌السلام ، فِي قَوْلِ اللَّهِ عز و جل: «وَ مَنْ كانَ فِي هذِهِ أَعْمى فَهُوَ فِي الْآخِرَةِ أَعْمى وَ أَضَلُّ سَبِيلًا»، قَالَ: فِي الرَّجْعَةِ.۱۹۴

از ابو بصیر روایت است که امام صادق علیه السلام یا امام باقر علیه السلام درباره‌ی قول خداوند عز و جل: «کسی که در این جهان از دیدن چهره حق نابیناست، در آخرت نیز نابینا و گمراه‌تر است»، فرمودند: این مربوط به رجعت است.

شماره: ۱۰۳: نابودی دولتهای باطل

کد آیه: ۸۱ / ۱۷

{وَ قُلْ جاءَ الْحَقُّ وَ زَهَقَ الْباطِلُ إِنَّ الْباطِلَ کانَ زَهُوقاً}

و بگو: «حق آمد، و باطل نابود شد یقیناً باطل نابود شدنی است!»

۱ ـ عَن حَکیمةَ فِی خبرٍ طَویل وَ فِیه وَ لَما ولدَ القائمُ علیه السلام قَالَتْ: وَ لَمَّا وُلِدَ کَانَ نَظِیفاً مَفْرُوغاً مِنْهُ، وَ عَلَی ذِرَاعِهِ الْأَیْمَنِ مَکْتُوبٌ: «جاءَ الْحَقُّ وَ زَهَقَ الْباطِلُ إِنَّ الْباطِلَ کانَ زَهُوقاً».۱۹۵

از حکیمه خاتون عمه‌ی امام عسکری علیه السلام در خبری طولانی نقل شده: که چون حضرت قائم علیه السلام متولد شدند پاک و مطهّر بودند و از آلودگی مفروغ، و بر بازوی راستشان نوشته بود: «جاءَ الْحَقُّ وَ زَهَقَ الْباطِلُ إِنَّ الْباطِلَ کانَ زَهُوقاً».

۲ ـ عن أبی حمزة، عن أبی جعفر علیه السلام، فی قوله عز و جل: «وَ قُلْ جاءَ الْحَقُّ وَ زَهَقَ الْباطِلُ إِنَّ الْباطِلَ کانَ زَهُوقاً»، قال: إذا قامَ القائِم أذهب دَولَةُ الباطِل.۱۹۶

ابو حمزه روایت نموده که حضرت باقر علیه السلام در باره‌ی قول خداوند تعالی: «وَ قُلْ جاءَ الْحَقُّ وَ زَهَقَ الْباطِلُ إِنَّ الْباطِلَ کانَ زَهُوقاً»، فرمودند: وقتی قائم ما ظهور کند دولت باطل از میان می‌رود.

شماره: ۱۰۴: وقایع قبل از ظهور

کد آیه: ۳۷ / ۱۹

{فَاخْتَلَفَ الْأَحْزابُ مِنْ بَیْنِهِمْ فَوَیْلٌ لِلَّذینَ کَفَرُوا مِنْ مَشْهَدِ یَوْمٍ عَظیمٍ}

ولی (بعد از او) گروه‌هایی از میان پیروانش اختلاف کردند وای به حال کافران از مشاهده روز بزرگ (رستاخیز)!

عَنْ جَابِرٍ الْجُعْفِیِّ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام یَقُولُ: الْزَمِ الْأَرْضَ لَا تُحَرِّکَنَّ یَدَکَ وَ لَا رِجْلَکَ أَبَداً حَتَّی تَرَی عَلَامَاتٍ أَذْکُرُهَا لَکَ فِی سَنَةٍ، وَ تَرَی مُنَادِیاً یُنَادِی بِدِمَشْقَ وَ خُسِفَ بِقَرْیَةٍ مِنْ قُرَاهَا، وَ یَسْقُطُ طَائِفَةٌ مِنْ مَسْجِدِهَا، فَإِذَا رَأَیْتَ التُّرْکَ جَازُوهَا، فَأَقْبَلَتِ التُّرْکُ حَتَّی نَزَلَتِ الْجَزِیرَةَ، وَ أَقْبَلَتِ الرُّومُ حَتَّی نَزَلَتِ الرَّمْلَةَ، وَ هِیَ سَنَةُ اخْتِلَافٍ فِی کُلِّ أَرْضٍ مِنْ أَرْضِ الْعَرَبِ، وَ إِنَّ أَهْلَ الشَّامِ یَخْتَلِفُونَ عِنْدَ ذَلِکَ عَلَی ثَلَاثِ رَایَاتٍ، الْأَصْهَبِ وَ الْأَبْقَعِ وَ السُّفْیَانِیِّ مَعَ بَنِی ذَنَبِ الْحِمَارِ مُضَرُ، وَ مَعَ السُّفْیَانِیِّ أَخْوَالُهُ مِنْ کَلْبٍ فَیَظْهَرُ السُّفْیَانِیُّ وَ مَنْ مَعَهُ عَلَی بَنِی ذَنَبِ الْحِمَارِ، حَتَّی یَقْتُلُوا قَتْلًا لَمْ یَقْتُلْهُ شَیْءٌ قَطُّ، وَ یَحْضُرُ رَجُلٌ بِدِمَشْقَ فَیُقْتَلُ هُوَ وَ مَنْ مَعَهُ قَتْلًا لَمْ یَقْتُلْهُ شَیْءٌ قَطُّ وَ هُوَ مِنْ بَنِی ذَنَبِ الْحِمَارِ، وَ هِیَ الْآیَةُ الَّتِی یَقُولُ اللَّهُ تَبَارَکَ وَ تَعَالَی: «فَاخْتَلَفَ الْأَحْزابُ مِنْ بَیْنِهِمْ فَوَیْلٌ لِلَّذِینَ کَفَرُوا مِنْ مَشْهَدِ یَوْمٍ عَظِیمٍ» ...۱۹۷

از جابر جعفی روایت است که حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمودند: در جای خود بنشین و حرکتی از خود نشان مده، تا آنگاه که علائمی را که در سال طاق روی می‌دهد و من اکنون برای تو ذکر می‌کنم ببینی ... تا آنجا که فرمودند: و آن اینکه کسی از دمشق صدائی می‌زند، و در یکی از دهات آن فرورفتگی پدید می‌آید، و قسمتی از مسجد آن فرو می‌ریزد، و می‌بینی که طایفه تُرک از آنجا (دمشق) می‌گذرند و در جزیره (موصل) فرود می‌آیند، رومیان هم در رمله فرود آیند و آن سالی است که در تمام سرزمین عرب اختلافات روی می‌دهد، اهل شام بر گرد سه پرچم مختلف جمع می‌شوند، یکی زرد و سفید و دیگر سرخ و سفید و سومی پرچم سفیانی است، سفیانی با دائی‌هایش که از قبیله کلب می‌باشند خروج می‌کند و بر قبیله بنی ذنب الحمار از قبیله مضر حمله می‌آورد و جنگی می‌کند که تا آن روز چنان جنگی به وقوع نپیوسته است، سپس مردی از بنی ذنب به دمشق می‌آید و با همراهانش طوری کشته می‌شود که کسی را بدان گونه نکشته باشند، اینست معنی آیه شریفه: «فَاخْتَلَفَ الْأَحْزابُ مِنْ بَیْنِهِمْ فَوَیْلٌ لِلَّذِینَ کَفَرُوا مِنْ مَشْهَدِ یَوْمٍ عَظِیمٍ»، یعنی: «طوائفی از میان مردم به جان هم می‌افتند. وای بر کفّاری که آن روز بزرگ در آن جنگ شرکت می‌جویند».

شماره: ۱۰۵: وعده‌ی رجعت به اسماعیل بن حزقیل علیهماالسلام

کد آیه: ۵۴ / ۱۹

{وَ اذْکُرْ فِی الْکِتابِ إِسْماعِیلَ إِنَّهُ کانَ صادِقَ الْوَعْدِ وَ کانَ رَسُولاً نَبِیًّا}

و در این کتاب (آسمانی) از اسماعیل (نیز) یاد کن، که او در وعده‌هایش صادق، و رسول و پیامبری (بزرگ) بود!

عَنْ بُرَیْدِ بْنِ مُعَاوِیَةَ الْعِجْلِیِّ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام: یَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ! أَخْبِرْنِی عَنْ إِسْمَاعِیلَ الَّذِی ذَکَرَهُ اللَّهُ فِی کِتَابِهِ حَیْثُ یَقُولُ: «وَ اذْکُرْ فِی الْکِتابِ إِسْماعِیلَ إِنَّهُ کانَ صادِقَ الْوَعْدِ وَ کانَ رَسُولًا نَبِیًّا»، أَ کَانَ إِسْمَاعِیلَ بْنَ إِبْرَاهِیمَ علیه السلام فَإِنَّ النَّاسَ یَزْعُمُونَ أَنَّهُ إِسْمَاعِیلُ بْنُ إِبْرَاهِیمَ، فَقَالَ علیه السلام: إِنَّ إِسْمَاعِیلَ مَاتَ قَبْلَ إِبْرَاهِیمَ وَ إِنَّ إِبْرَاهِیمَ کَانَ حُجَّةً لِلَّهِ کُلِّهَا قَائِماً صَاحِبَ شَرِیعَةٍ فَإِلَی مَنْ أُرْسِلَ إِسْمَاعِیلُ إِذَنْ، فَقُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاکَ! فَمَنْ کَانَ؟ قَالَ علیه السلام: ذَاکَ إِسْمَاعِیلُ بْنُ حِزْقِیلَ النَّبِیُّ علیهماالسلام، بَعَثَهُ اللَّهُ إِلَی قَوْمِهِ فَکَذَّبُوهُ فَقَتَلُوهُ وَ سَلَخُوا وَجْهَهُ فَغَضِبَ اللَّهُ لَهُ عَلَیْهِمْ فَوَجَّهَ إِلَیْهِ أَسْطَاطَائِیلَ مَلَکَ الْعَذَابِ فَقَالَ لَهُ: یَا إِسْمَاعِیلُ! أَنَا أَسْطَاطَائِیلُ مَلَکُ الْعَذَابِ وَجَّهَنِی إِلَیْکَ رَبُّ الْعِزَّةِ لِأُعَذِّبَ قَوْمَکَ بِأَنْوَاعِ الْعَذَابِ إِنْ شِئْتَ، فَقَالَ لَهُ إِسْمَاعِیلُ: لَا حَاجَةَ لِی فِی ذَلِکَ، فَأَوْحَی اللَّهُ إِلَیْهِ، فَمَا حَاجَتُکَ یَا إِسْمَاعِیلُ!؟ فَقَالَ: یَا رَبِّ! إِنَّکَ أَخَذْتَ الْمِیثَاقَ لِنَفْسِکَ بِالرُّبُوبِیَّةِ وَ لِمُحَمَّدٍ بِالنُّبُوَّةِ وَ لِأَوْصِیَائِهِ بِالْوَلَایَةِ وَ أَخْبَرْتَ خَیْرَ خَلْقِکَ بِمَا تَفْعَلُ أُمَّتُهُ بِالْحُسَیْنِ بْنِ عَلِیٍّ علیهماالسلام مِنْ بَعْدِ نَبِیِّهَا، وَ إِنَّکَ وَعَدْتَ الْحُسَیْنَ علیه السلام أَنْ تَکُرَّهُ إِلَی الدُّنْیَا حَتَّی یَنْتَقِمَ بِنَفْسِهِ مِمَّنْ فَعَلَ ذَلِکَ بِهِ، فَحَاجَتِی إِلَیْکَ یَا رَبِّ! أَنْ تَکُرَّنِی إِلَی الدُّنْیَا حَتَّی أَنْتَقِمَ مِمَّنْ فَعَلَ ذَلِکَ بِی کَمَا تَکُرُّ الْحُسَیْنَ علیه السلام، فَوَعَدَ اللَّهُ إِسْمَاعِیلَ بْنَ حِزْقِیلَ ذَلِکَ فَهُوَ یَکُرُّ مَعَ الْحُسَیْنِ علیه السلام .۱۹۸

برید بن معاویهٔ العجلی روایت کرده که محضر امام صادق علیه السلام عرض کردم: ای پسر رسول خدا! خبر دهید به من از اسماعیل که حق تعالی در کتاب خودش از او یاد کرده و فرموده: «وَ اذْکُرْ فِی الْکِتابِ إِسْماعِیلَ إِنَّهُ کانَ صادِقَ الْوَعْدِ وَ کانَ رَسُولًا نَبِیًّا»، آیا مقصود اسماعیل بن ابراهیم علیهماالسلام است، چه آنکه مردم این طور می‌پندارند که وی اسماعیل بن ابراهیم می‌باشد، امام علیه السلام فرمودند: اسماعیل پیش از حضرت ابراهیم از دنیا رفت و جناب ابراهیم علیه السلام حجّت قائم حق تعالی و صاحب شریعت بود و با این حال اسماعیل با چنین موقعیتی به جانب چه کسانی می‌توانست مبعوث باشد؟! راوی می گوید: محضر مبارکش عرض کردم: پس اسماعیل در آیه مذکور چه کسی است؟ حضرت فرمودند: وی اسماعیل بن حزقیل پیغمبر می‌باشد که خداوند متعال او را به جانب قومش مبعوث نمود و آنها وی را تکذیب کرده و کشتند و سپس پوست صورتش را کندند، پس خداوند به ایشان غضب نمود و اسطاطائیل را که فرشته‌ی عذاب است بر او نازل کرد، فرشته عرضه داشت: ای اسماعیل! من اسطاطائیل، فرشته‌ی عذاب می‌باشم پروردگار متعال من را نزد شما فرستاده تا قوم شما را به انواع عذاب‌ها عذاب نمایم و در صورتی که بخواهی ایشان را به بلاها و گرفتاری‌ها مبتلاـ سازم. اسماعیل به او فرمود: به این امر نیاز و احتیاجی ندارم، پس حق تعالی وحی فرستاد: ای اسماعیل! حاجت تو چیست؟ عرض کرد: پروردگارا! از بندگانت عهد و میثاق گرفتی که تو را ربّ و پروردگار دانسته و حضرت محمّد صلی الله علیه و آله و سلم را پیغمبر و اوصیاء کرامش را ولیّ بدانند و به بهترین مخلوقاتت خبر دادی که امّتش با حسین بن علی علیهماالسلام بعد از پیامبرشان چه خواهند نمود، و به حسین علیه السلام وعده دادی که به دنیا رجعت می کند تا خودش از آن قوم جفا کار انتقام بگیرد، و حاجت من به تو ای پروردگارم آن است که من را نیز به دنیا برگردانی تا انتقام خود را از ظالمین بگیرم، همان طوری که حسین علیه السلام را به دنیا بازگردانیدی، پس حق تعالی به اسماعیل بن حزقیل وعده داد او را با حسین بن علی سلام اللّه علیهما به دنیا برگرداند.

شماره: ۱۰۶: اهمیّت قیام حضرت مهدی علیه السلام

کد آیه: ۷۵ / ۱۹

{قُلْ مَنْ کانَ فِی الضَّلالَهِ فَلْیَمْدُدْ لَهُ الرَّحْمنُ مَدًّا حَتَّی إِذا رَأَوْا ما یُوعَدُونَ إِمَّا الْعَذابَ وَ إِمَّا السَّاعَهَ فَسَیَعْلَمُونَ مَنْ هُوَ شَرٌّ مَکاناً وَ أَضْعَفُ جُنْداً}

بگو: «کسی که در گمراهی است، باید خداوند به او مهلت دهد تا زمانی که وعده الهی را با چشم خود ببینند: یا عذاب (این دنیا)، یا (عذاب) قیامت! (آن روز) خواهند دانست چه کسی جایش بدتر، و لشکرش ناتوانتر است!»

عَنْ أَبِی بَصِیرٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام فِی خَبَرٍ طویل ... قُلتُ: قَوْلِهِ تَعَالَی: «حَتَّی إِذا رَأَوْا ما یُوعَدُونَ إِمَّا الْعَذابَ وَ إِمَّا السَّاعَهَ فَسَیَعْلَمُونَ مَنْ هُوَ شَرٌّ مَکاناً وَ أَضْعَفُ جُنْداً»، قالَ: أَمَّا قَوْلُهُ: «حَتَّی إِذا رَأَوْا ما یُوعَدُونَ»، فَهُوَ خُرُوجُ الْقَائِمِ علیه السلام وَ هُوَ «السَّاعَهُ فَسَیَعْلَمُونَ» ذَلِکَ الْیَوْمَ مَا نَزَلَ بِهِمْ مِنَ اللَّهِ عَلَی یَدَیْ قَائِمِهِ فَذَلِکَ قَوْلُهُ: «مَنْ هُوَ شَرٌّ مَکاناً» یَعْنِی عِنْدَ الْقَائِمِ وَ أَضْعَفُ جُنْداً ...۱۹۹

ابو بصیر گوید در خبری طولانی از امام صادق علیه السلام راجع به قول خداوند عز و جل، عرض کردم: خداوند می‌فرماید: «تا چون موعود خویش یا عذاب و یا رستاخیز را ببینند، خواهند دانست کیست که مکانش بدتر و سپاهش ناتوانتر است»، حضرت فرمودند: اما اینکه فرماید: «تا چون موعود خویش را ببینند»، آن خروج قائم علیه السلام و رستاخیز است، در آن روز خواهند دانست آنچه را که خداوند به دست قائمش بر آنها فرود می آورد، اینست که می‌فرماید: «کیست که مکانش بدتر (یعنی نزد قائم) و سپاهش ناتواناتر است»...

شماره: ۱۰۷: اخبار حضرت مهدی علیه السلام

کد آیه: ۱۱۰ / ۲۰

{یَعْلَمُ ما بَیْنَ أَیْدیهِمْ وَ ما خَلْفَهُمْ وَ لا یُحیطُونَ بِهِ عِلْماً}

آنچه را پیش رو دارند، و آنچه را (در دنیا) پشت سر گذاشته‌اند می‌داند ولی آنها به (علم) او احاطه ندارند!

علی بن إبراهیم، فی قوله تعالی: «یَعْلَمُ ما بَیْنَ أَیْدِیهِمْ وَ ما خَلْفَهُمْ وَ لا یُحِیطُونَ بِهِ عِلْماً»، قال: «ما بین أیدیهم»، ما مضی من أخبار الأنبیاء، «و ما خلفهم»، من أخبار القائم علیه السلام ۲۰۰

علی بن ابراهیم در باره‌ی قول خداوند تعالی: «یَعْلَمُ ما بَیْنَ أَیْدِیهِمْ وَ ما خَلْفَهُمْ وَ لا یُحِیطُونَ بِهِ عِلْماً»، گفت: «آنچه بر آنان گذشته»، یعنی آنچه از اخبار و جریانات پیامبران گذشته است و «آنچه در آینده خواهد آمد»، یعنی آنچه از اخبار حضرت قائم علیه السلام خواهد آمد .

شماره: ۱۰۸: یاد ظهور حضرت مهدی علیه السلام و خروج سفیانی

کد آیه: ۱۱۳ / ۲۰

{وَ کَذلِکَ أَنْزَلْناهُ قُرْآناً عَرَبِیًّا وَ صَرَّفْنا فیهِ مِنَ الْوَعیدِ لَعَلَّهُمْ یَتَّقُونَ أَوْ یُحْدِثُ لَهُمْ ذِکْراً}

و این گونه آن را قرآنی عربی [فصیح و گویا] نازل کردیم، و انواع وعیدها (و انذارها) را در آن بازگو نمودیم، شاید تقوا پیشه کنند یا برای آنان تذکّری پدید آورد!

فی تفسیر القمی: «أَوْ یُحْدِثُ لَهُمْ ذِکْراً»، یَعْنِی: ما یُحدِث مِنْ أَمرِ الْقَائِمِ علیه السلام وَ السُّفْیَانِیِّ.۲۰۱

علی بن ابراهیم در تفسیرش آورده: یعنی آنچه از امر و ماجرای حضرت قائم علیه السلام و سفیانی اتفاق می‌افتد.

شماره: ۱۰۹: عهد خداوند

کد آیه: ۱۱۵ / ۲۰

{وَ لَقَدْ عَهِدْنا إِلی آدَمَ مِنْ قَبْلُ فَنَسِیَ وَ لَمْ نَجِدْ لَهُ عَزْماً}

پیش از این، از آدم پیمان گرفته بودیم امّا او فراموش کرد و عزم استواری برای او نیافتیم!

۱ ـ عَنْ حُمْرَان عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ: ... ثُمَّ أَخَذَ الْمِیثَاقَ عَلَی النَّبِیِّینَ، فَقَالَ: أَ لَسْتُ بِرَبِّکُمْ وَ أَنَّ هَذَا مُحَمَّدٌ رَسُولِی وَ أَنَّ هَذَا عَلِیٌّ أَمِیرُ الْمُؤْمِنِینَ، قَالُوا: بَلَی فَثَبَتَتْ لَهُمُ النُّبُوَّةُ وَ أَخَذَ الْمِیثَاقَ عَلَی أُولِی الْعَزْمِ أَنَّنِی رَبُّکُمْ وَ مُحَمَّدٌ رَسُولِی وَ عَلِیٌّ أَمِیرُ الْمُؤْمِنِینَ وَ أَوْصِیَاؤُهُ مِنْ بَعْدِهِ وُلَاةُ أَمْرِی وَ خُزَّانُ عِلْمِی وَ أَنَّ الْمَهْدِیَ أَنْتَصِرُ بِهِ لِدِینِی وَ أُظْهِرُ بِهِ دَوْلَتِی وَ أَنْتَقِمُ بِهِ مِنْ أَعْدَائِی وَ أُعْبَدُ بِهِ طَوْعاً وَ کَرْهاً، قَالُوا: أَقْرَرْنَا یَا رَبِّ وَ شَهِدْنَا وَ لَمْ یَجْحَدْ آدَمُ علیه السلام وَ لَمْ یُقِرَّ فَثَبَتَتِ الْعَزِیمَةُ لِهَؤُلَاءِ الْخَمْسَةِ فِی الْمَهْدِیِّ علیه السلام وَ لَمْ یَکُنْ لِآدَمَ عَزْمٌ عَلَی الْإِقْرَارِ بِهِ وَ هُوَ قَوْلُهُ عَزَّ وَ جَلَ: «وَ لَقَدْ عَهِدْنا إِلی آدَمَ مِنْ قَبْلُ فَنَسِیَ وَ لَمْ نَجِدْ لَهُ عَزْماً».۲۰۲

حمران از امام باقر علیه السلام روایت کرده که حضرت فرمودند: ... پروردگار از تمام پیغمبران عهد و پیمان گرفت، و فرمود: آیا من پروردگار شما نیستم و محمد صلی الله علیه و آله و سلم پیغمبر من نیست و علی امیر المؤمنین علیه السلام نمی‌باشد؟ همه عرض کردند: بلی همینطور است شما پروردگار ما و محمد صلی الله علیه و آله و سلم پیغمبر و علی وصی او امیر المؤمنین علیه السلام است، نبوّت برای ایشان مقرّر و ثابت گردیده، پس از آن از پیغمبران عهد دیگری گرفت و فرمود: بدانید من پروردگار شما هستم و محمد صلی الله علیه و آله و سلم پیغمبر خاتم و رسول من است و علی امیر المؤمنین علیه السلام و اوصیاء بعد از او والیان و خزّان علم من باشند و به وسیله‌ی مهدی علیه السلام یاری می‌کنم دین خود را، و انتقام می‌کشم از دشمنان خود و پرستش کرده می‌شوم از روی رغبت و کراهت، آن پیغمبران عرض کردند: پروردگارا! ما اقرار و اعتراف داریم و گواهی می‌دهیم، آدم انکار نکرد فرموده پروردگار را نسبت به ولایت اوصیاء ولی اقرار و اعتراف هم ننمود، پس آدم عزم و استواری نداشت بر اقرار به ولایت و آنهائیکه عزم راسخ داشتند به میثاق خود وفادار بودند و به آن عهد اقرار داشتند و فقط پنج نفر بودند حضرت نوح و حضرت ابراهیم و موسی و عیسی و پیغمبر خاتم صلی الله علیه و آله و سلم .

۲ ـ عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام فِی قَوْلِ اللَّهِ عز و جل : «وَ لَقَدْ عَهِدْنا إِلی آدَمَ مِنْ قَبْلُ فَنَسِیَ وَ لَمْ نَجِدْ لَهُ عَزْماً»، قَالَ: عَهِدْنَا إِلَیْهِ فِی مُحَمَّدٍ وَ الْأَئِمَّةِ مِنْ بَعْدِهِ فَتَرَکَ وَ لَمْ یَکُنْ لَهُ عَزْمٌ أَنَّهُمْ هَکَذَا وَ إِنَّمَا سُمِّیَ أُولُو الْعَزْمِ أُوْلِی الْعَزْمِ لِأَنَّهُ عَهِدَ إِلَیْهِمْ فِی مُحَمَّدٍ وَ الْأَوْصِیَاءِ مِنْ بَعْدِهِ وَ الْمَهْدِیِّ وَ سِیرَتِهِ وَ أَجْمَعَ عَزْمُهُمْ عَلَی أَنَّ ذَلِکَ کَذَلِکَ وَ الْإِقْرَارِ بِهِ.۲۰۳

جابر از حضرت باقر علیه السلام روایت کرده که حضرت در باره‌ی قول خداوند عز و جل: «وَ لَقَدْ عَهِدْنا إِلی آدَمَ مِنْ قَبْلُ فَنَسِیَ وَ لَمْ نَجِدْ لَهُ عَزْماً»، فرمودند: مراد از آن عهد، عهدی است که در باره‌ی محمد و آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم خداوند با آدم نمود و آدم عهد مزبور را فراموش نموده و بر پیمان خود ثابت و استوار نماند و ترک عهد نمود نسبت به محمد صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه بعد از آنحضرت، و فرمودند: سبب آنکه چند تن از پیغمبران را اولو العزم گویند آنست که خداوند از آنها در باره حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم و اوصیاء او تا حضرت قائم علیه السلام از ایشان عهد و پیمان گرفت و آنها با عزمی راسخ به میثاق خود وفادار بودند و به آن عهد اقرار داشتند.

شماره: ۱۱۰: خواری دشمنان در رجعت

کد آیه: ۱۲۴ / ۲۰

{وَ مَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِکْری فَإِنَّ لَهُ مَعِیشَةً ضَنْکاً وَ نَحْشُرُهُ یَوْمَ الْقِیامَةِ أَعْمی}

و هر کس از یاد من روی گردان شود، زندگی (سخت و) تنگی خواهد داشت و روز قیامت، او را نابینا محشور می‌کنیم!»

عَنْ مُعَاوِیَةَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام: عَنْ قَوْلِ اللَّهِ: «فَإِنَّ لَهُ مَعِیشَةً ضَنْکاً»، قَالَ: هِیَ وَ اللَّهِ النُّصَّابُ، قَالَ: جُعِلْتُ

فِدَاکَ! قَدْ رَأَیْنَاهُمْ دَهْرَهُمُ الْأَطْوَلَ فِی کِفَایَةٍ حَتَّی مَاتُوا، قَالَ: ذَلِکَ وَ اللَّهِ! فِی الرَّجْعَةِ یَأْکُلُونَ الْعَذَرَةَ.۲۰۴

معاویهٔ بن عمار روایت نموده که گفت: به حضرت صادق علیه السلام عرض کردم: معنی زندگی تنگ در آیه: «وَ مَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِکْرِی فَإِنَّ لَهُ مَعِیشَةً ضَنْکاً»، هر کس از ذکر ما روی بگرداند، گذران تنگی برای او خواهد بود چیست؟ حضرت فرمودند: به خدا قسم! این آیه در باره نواصب (و دشمنان ما) است، عرض کردم: قربانت گردم! ما که آنها را همواره در ناز و نعمت دیده و می‌بینیم و بدین گونه هم می‌میرند. حضرت فرمودند: به خدا قسم! این، در هنگام رجعت خواهد بود که در آن زمان آنها نجاست می‌خورند.

شماره: ۱۱۱: راه صاف و هموار

کد آیه: ۱۳۵/ ۲۰

{قُلْ کُلٌّ مُتَرَبِّصٌ فَتَرَبَّصُوا فَسَتَعْلَمُونَ مَنْ أَصْحابُ الصِّراطِ السَّوِیِّ وَ مَنِ اهْتَدی}

بگو: «همه (ما و شما) در انتظاریم! (ما در انتظار وعده پیروزی، و شما در انتظار شکست ما!) حال که چنین است، انتظار بکشید! امّا به زودی می‌دانید چه کسی از اصحاب صراط مستقیم، و چه کسی هدایت یافته است!

عَنْ عِیسَی بْنِ دَاوُدَ النَّجَّارِ عَنْ أَبِی الْحَسَنِ مُوسَی بْنِ جَعْفَرٍ علیهما‌السلام، قَالَ: سَأَلْتُ أَبِی عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَ: «فَسَتَعْلَمُونَ مَنْ أَصْحابُ الصِّراطِ السَّوِیِّ وَ مَنِ اهْتَدی»، قَالَ: «الصِّرَاطُ السَّوِیُّ» هُوَ الْقَائِمُ علیه السلام وَ الْمَهْدِیُّ مَنِ اهْتَدَی إِلَی طَاعَتِهِ وَ مِثْلُهَا فِی کِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَ: «وَ إِنِّی لَغَفَّارٌ لِمَنْ تابَ وَ آمَنَ وَ عَمِلَ صالِحاً ثُمَّ اهْتَدی»، قَالَ: إِلَی وَلَایَتِنَا.۲۰۵

از عیسی بن داود نجار از موسی بن جعفر علیهما‌السلام نقل نموده که حضرت فرمودند: از پدرم در باره‌ی آیه: «فَسَتَعْلَمُونَ مَنْ أَصْحابُ الصِّراطِ السَّوِیِّ وَ مَنِ اهْتَدی»، سؤال نمودم: پدرم فرمودند: «صراط سوی» قائم آل محمّد علیهم السلام است، و مهدی کسی است که راه به اطاعت از او پیدا کند، و شبیه این در قرآن این آیه است: «وَ إِنِّی لَغَفَّارٌ لِمَنْ تابَ وَ آمَنَ وَ عَمِلَ صالِحاً ثُمَّ اهْتَدی»، یعنی: به ولایت ما هدایت پیدا می‌کند.

شماره: ۱۱۲: فرار و شکست دشمنان

کد آیه: ۱۵ تا ۱۲ / ۲۱

{فَلَمَّا أَحَسُّوا بَأْسَنا إِذا هُمْ مِنْها یَرْکُضُونَ (۱۲) لا تَرْکُضُوا وَ ارْجِعُوا إِلی ما أُتْرِفْتُمْ فِیهِ وَ مَساکِنِکُمْ لَعَلَّکُمْ تُسْئَلُونَ (۱۳) قالُوا یا وَیْلَنا إِنَّا کُنَّا ظالِمِینَ (۱۴) فَما زالَتْ تِلْکَ دَعْواهُمْ حَتَّی جَعَلْناهُمْ حَصِیداً خامِدِینَ (۱۵)}

هنگامی که عذاب ما را احساس کردند، ناگهان پا به فرار گذاشتند! (۱۲) (گفتیم:) فرار نکنید و به زندگی پر ناز و نعمت، و به مسکنهای پر زرق و برقتان بازگردید! شاید (سائلان بیایند و) از شما تقاضا کنند (شما هم آنان را محروم بازگردانید)! (۱۳)گفتند: «ای وای بر ما! به یقین ما ستمگر بودیم!» (۱۴)و هم چنان این سخن را تکرار می‌کردند، تا آنها را درو کرده و خاموش ساختیم!(۱۵)

۱ـ عَنْ بَدْرِ بْنِ الْخَلِیلِ الْأَسَدِیِّ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ علیه السلام، یَقُولُ فِی قَوْلِ اللَّهِ عز و جل: «فَلَمَّا أَحَسُّوا بَأْسَنا إِذا هُمْ مِنْها یَرْکُضُونَ لاـ تَرْکُضُوا وَ ارْجِعُوا إِلی ما أُتْرِفْتُمْ فِیهِ وَ مَساکِنِکُمْ لَعَلَّکُمْ تُسْئَلُونَ»، قَالَ: إِذَا قَامَ الْقَائِمُ وَ بَعَثَ إِلَی بَنِی أُمَیَّةَ بِالشَّام، فَهَرَبُوا إِلَی الرُّوم، فَیَقُولُ لَهُمُ الرُّومُ: لَا نُدْخِلَنَّکُمْ حَتَّی تَتَنَصَّرُوا، فَیُعَلِّقُونَ فِی أَعْنَاقِهِمُ الصُّلْبَانَ فَیُدْخِلُونَهُمْ، فَإِذَا نَزَلَ بِحَضْرَتِهِمْ أَصْحَابُ الْقَائِمِ طَلَبُوا الْأَمَانَ وَ الصُّلْحَ، فَیَقُولُ أَصْحَابُ الْقَائِمِ: لَا نَفْعَلُ حَتَّی تَدْفَعُوا إِلَیْنَا مَنْ قِبَلَکُمْ مِنَّا، قَالَ: فَیَدْفَعُونَهُمْ إِلَیْهِمْ فَذَلِکَ قَوْلُهُ: «لا تَرْکُضُوا وَ ارْجِعُوا إِلی ما أُتْرِفْتُمْ فِیهِ وَ مَساکِنِکُمْ لَعَلَّکُمْ تُسْئَلُونَ»، قَالَ: یَسْأَلُهُمُ الْکُنُوزَ وَ هُوَ أَعْلَمُ بِهَا، قَالَ: فَیَقُولُونَ: «یا وَیْلَنا إِنَّا کُنَّا ظالِمِینَ فَما زالَتْ تِلْکَ دَعْواهُمْ حَتَّی جَعَلْناهُمْ حَصِیداً خامِدِینَ»، بِالسَّیْفِ.۲۰۶

بدر بن خلیل اسدی می گوید: شنیدم امام باقر علیه السلام پیرامون آیه: «فَلَمَّا أَحَسُّوا بَأْسَنا إِذا هُمْ مِنْها يَرْكُضُونَ، لا تَرْكُضُوا وَ ارْجِعُوا إِلى ما أُتْرِفْتُمْ فِيهِ وَ مَساكِنِكُمْ لَعَلَّكُمْ تُسْئَلُونَ»، می‌فرمودند: هرگاه امام قائم علیه السلام ظهور کند به دنبال بنی امیّه در شام فرستد و آنها از آنجا به روم بگریزند و رومیان به آنها می گویند: ما شما را نمی‌پذیریم مگر آنکه مسیحی شوید، و آنها صلیب به گردن می‌آویزند و رومیان آنها را می‌پذیرند، و هنگامی که اصحاب امام قائم علیه السلام، بر رومیان وارد شوند و کشور آنها را تصرّف کنند، ایشان امان خواهند و پیشنهاد صلح بدهند و اصحاب امام علیه السلام در پاسخ آنها می گویند: ما این کار را نمی کنیم، مگر اینکه افرادی را که به شما پناه آورده‌اند تسلیم ما کنید، و آنها ایشان را به اصحاب امام علیه السلام تسلیم نمایند، و این است مفهوم آیه‌ی شریفه مذکوره، و نیز حضرت علیه السلام فرمودند: از آنها محل گنج‌ها را بپرسد، با اینکه خودش بدانها داناتر است، پس بنی امیّه می گویند: «يا وَيْلَنا إِنَّا كُنَّا ظالِمِينَ. فَما زالَتْ تِلْكَ دَعْواهُمْ حَتَّى جَعَلْناهُمْ حَصِيداً خامِدِينَ»، به وسیله‌ی شمشیر.

۲ـ قَالَ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ فِي قَوْلِهِ: «وَ كَمْ قَصَمْنا مِنْ قَرْيَةٍ»، يَعْنِي: أَهْلَ قَرْيَةٍ كانَتْ ظالِمَةً وَ أَنْشَأْنا بَعْدَها قَوْماً آخَرِينَ، «فَلَمَّا أَحَسُّوا بَأْسَنا» يَعْنِي بَنِي أُمَيَّةَ إِذَا أَحَسُّوا بِالْقَائِمِ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ إِذا هُمْ مِنْها يَرْكُضُونَ، «لا تَرْكُضُوا وَ ارْجِعُوا إِلى ما أُتْرِفْتُمْ فِيهِ وَ مَساكِنِكُمْ لَعَلَّكُمْ تُسْئَلُونَ»، يَعْنِي: الْكُنُوزَ الَّتِي كَنَزُوهَا قَالَ: فَيَدْخُلُ بَنُو أُمَيَّةَ إِلَى الرُّومِ إِذَا طَلَبَهُمُ الْقَائِمُ عليه السلام ثُمَّ يُخْرِجُهُمْ مِنَ الرُّومِ وَ يُطَالِبُهُمْ بِالْكُنُوزِ الَّتِي كَنَزُوهَا ...۲۰۷

علی بن ابراهیم در باره‌ی قول خداوند: «فَلَمَّا أَحَسُّوا بَأْسَنا إِذا هُمْ مِنْها يَرْكُضُونَ»، یعنی چون بنی امیه عذاب ما را که بوسیله‌ی ظهور قائم آل محمد بر آنها فرو فرستیم، احساس کنند، از آن می گریزند، «لا تَرْكُضُوا وَ ارْجِعُوا إِلى ما أُتْرِفْتُمْ فِيهِ وَ مَساكِنِكُمْ لَعَلَّكُمْ تُسْئَلُونَ»، فرار نکنید و بازگردید تا شما را از آن نعمتها و جایگاهها که به خوش گذرانی سرگرم بودید بازخواست کنند، چون امام زمان علیه السلام ظهور کند، بنی امیّه از ترس به روم می گریزند، حضرت آنها را از روم بیرون می‌آورد و گنجهائی که پنهان کرده‌اند را از آنها طلب می کند.

شماره: ۱۱۳: فضیلت صابرین در غیبت

کد آیه: ۳۸ / ۲۱

{وَ يَقُولُونَ مَتى هذَا الْوَعْدُ إِنْ كُنْتُمْ صادِقِينَ}

آنها می گویند: «این وعده کی خواهد آمد، اگر راست می گویید؟!»

«لطفاً به آیه‌ی شماره‌ی ۶۸، کد: ۴۸ / ۱۰ مراجعه فرمائید.»

شماره: ۱۱۴: امام مهدی علیه السلام

کد آیه: ۷۳ / ۲۱

{وَ جَعَلْناهُمْ أَئِمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنا وَ أَوْحَيْنا إِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْراتِ وَ إِقامَ الصَّلاةِ وَ إِيتاءَ الزَّكاةِ وَ كانُوا لَنا عابِدِينَ}

و آنان را پیشوایانی قرار دادیم که به فرمان ما، (مردم را) هدایت می کردند و انجام کارهای نیک و برپاداشتن نماز و ادای زکات را به آنها وحی کردیم و تنها ما را عبادت می کردند.

عَنْ زَيْدِ بْنِ عَلِيٍّ عليهما السلام قَالَ: كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عليهماالسلام، إِذْ دَخَلَ عَلَيْهِ جَابِرُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيُّ، فَبَيْنَمَا هُوَ يُحَدِّثُهُ إِذْ خَرَجَ أَخِي مُحَمَّدٌ مِنْ بَعْضِ الْحُجَرِ فَأَشْخَصَ جَابِرٌ بَبَصَرِهِ نَحْوَهُ، ثُمَّ قَامَ إِلَيْهِ فَقَالَ: يَا غُلَامُ! أَقْبِلْ، فَأَقْبَلَ ثُمَّ قَالَ: أَدْبِرْ، فَأَدْبَرَ فَقَالَ: شَمَائِلُ كَشَمَائِلِ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه و آله و سلم مَا اسْمُكَ يَا غُلَامُ؟ قَالَ: مُحَمَّدٌ، قَالَ: ابْنُ مَنْ؟ قَالَ: ابْنُ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ، قَالَ: أَنْتَ إِذَا الْبَاقِرُ قَالَ: فَانْكَبَّ عَلَيْهِ وَ قَبَّلَ رَأْسَهُ وَ يَدَيْهِ، ثُمَّ قَالَ: يَا مُحَمَّدُ! إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه و آله و

سلم يُقْرِئُكَ السَّلَامَ، قَالَ: عَلَى رَسُولِ اللَّهِ أَفْضَلُ السَّلَامِ وَ عَلَيْكَ يَا جَابِرُ! بِمَا أَبْلَغْتَ السَّلَامَ، ثُمَّ عَادَ إِلَى مُصَلَّاهُ فَأَقْبَلَ يُحَدِّثُ أَبِي وَ يَقُولُ: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه و آله و سلم قَالَ لِي: يَوْماً يَا جَابِرُ! إِذَا أَدْرَكْتَ وَلَدِيَ الْبَاقِرَ فَأَقْرِئْهُ مِنِّي السَّلَامَ، فَإِنَّهُ سَمِيِّي وَ أَشْبَهُ النَّاسِ بِي، عِلْمُهُ عِلْمِي وَ حُكْمُهُ حُكْمِي، سَبْعَةٌ مِنْ وُلْدِهِ أُمَنَاءُ مَعْصُومُونَ أَئِمَّةٌ أَبْرَارٌ، وَ السَّابِعُ مَهْدِيُّهُمْ الَّذِي يَمْلَأُ الدُّنْيَا قِسْطاً وَ عَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ جَوْراً وَ ظُلْماً، ثُمَّ تَلَا رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه و آله و سلم: «وَ جَعَلْناهُمْ أَئِمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنا وَ أَوْحَيْنا إِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْراتِ وَ إِقامَ الصَّلاةِ وَ إِيتاءَ الزَّكاةِ وَ كانُوا لَنا عابِدِينَ».۲۰۸

از زید بن علی علیهما السلام روایت است که گفت: در خدمت پدرم علی بن الحسین علیهماالسلام بودم که جابر بن عبد اللّه انصاری بر او وارد شد، در این میان که جابر با پدرم گفتگو می‌کرد برادرم (محمد بن علی علیهماالسلام) از یکی از حجره‌ها بیرون آمد، جابر چشم به او دوخت، سپس برخاست و نزدش رفت و گفت: ای فرزند! نزدیک بیا. نزدیک آمد، سپس گفت: برگرد، برگشت، جابر گفت: شمائلت چون شمائل رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم است، ای فرزند! نامت چیست؟ حضرت فرمودند: محمد، جابر عرض کرد: فرزند چه کسی؟ فرمودند: فرزند علی بن حسین بن علی بن ابی طالب علیهم السلام ، گفت: پس شما باقر هستی! و او را بغل کرده سر و دستهایش را بوسید، سپس عرض کرد: ای محمد! رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم، به شما سلام رسانده است. فرمودند: بهترین سلامها بر رسول خدا و بر تو ای جابر! که رساندی، سپس به همان حجره که مکان نمازشان بود برگشتند، پس جابر شروع کرد به گفتگو با پدرم و می‌گفت: که پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم روزی به من فرمودند: ای جابر! آن گاه که فرزندم باقر را درک کردی سلام مرا به او برسان هر آینه او همنام من و شبیه‌ترین مردمان به من است؛ دانشش دانش من و حُکمش حکم من است، هفت تن از فرزندانش امناء معصوم و امامان نیکوکارند، هفتمین‌شان مهدی آنها است که زمین را پر از عدل و داد کند چنانچه پر از ظلم و جور شده باشد، سپس این آیه را تلاوت فرمودند: «و ایشان را پیشوایانی قرار دادیم که به امر ما راهنمایی کنند و به ایشان انجام دادن کارهای نیک و به پا داشتن نماز و دادن زکات را وحی کردیم و بودند برای ما عبادت‌کنندگان».

شماره: ۱۱۵: عدم عمومیّت رجعت

کد آیه: ۹۵ / ۲۱

{وَ حَرامٌ عَلى قَرْيَةٍ أَهْلَكْناها أَنَّهُمْ لا يَرْجِعُونَ}

و حرام است بر شهرها و آبادیهایی که (بر اثر گناه) نابودشان کردیم (که به دنیا بازگردند) آنها هرگز باز نخواهند گشت!

قَالَ الصَّادِقُ علیه السلام: كُلُّ قَرْيَةٍ أَهْلَكَ اللَّهُ أَهْلَهَا بِالْعَذَابِ لَا يَرْجِعُونَ فِي الرَّجْعَةِ، وَ أَمَّا يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَيَرْجِعُونَ الَّذِينَ مَحَضُوا الْإِيمَانَ مَحْضاً، وَ غَيْرُهُمْ مِمَّنْ لَمْ يَهْلِكُوا بِالْعَذَابِ وَ مَحَضُوا الْكُفْرَ مَحْضاً يَرْجِعُونَ.۲۰۹

حضرت صادق علیه السلام فرمودند: هر قریه‌ای که خداوند اهلش را به عذاب هلاک کرد در رجعت برنمی‌گردند، اما در قیامت برمی‌گردند، و در رجعت مؤمن خالص، و کافر خالص و آنان که به عذاب خدا نمرده‌اند برمی‌گردند.

پس این آیه بزرگترین دلیل بر اثبات رجعت است، چون هیچ مسلمانی منکر نیست که در قیامت همه زنده می‌شوند، چه هلاک شده باشند چه نشده باشند، پس اینکه می‌فرماید: «آنهائی که هلاک شده‌اند برنمی‌گردند»، یعنی در رجعت برنمی‌گردند، ولی هلاک‌شدگان قطعاً در قیامت برمی‌گردند تا وارد دوزخ شوند.

شماره: ۱۱۶: وارثان حقیقی زمین

کد آیه: ۱۰۵ / ۲۱

{وَ لَقَدْ كَتَبْنا فِی الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُها عِبادِیَ الصَّالِحُونَ}

در «زبور» بعد از ذکر (تورات) نوشتیم: «بندگان شایسته‌ام وارث (حکومت) زمین خواهند شد!»

۱ ـ عَن أبی جَعفَر علیه السلام ، قالَ: قولُه عز و جل: «أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُها عِبادِیَ الصَّالِحُونَ»، هُم أصحابُ المَهدِی علیه السلام فِی آخرِ الزَّمان.۲۱۰

از امام باقر علیه السلام روایت است که: در باره‌ی قول خداوند: «البته بندگان شایسته من زمین را به ارث خواهند برد»، فرمودند: آنان اصحاب حضرت مهدی علیه السلام در آخر الزمان هستند.

۲ ـ عَنْ عِيسَى بْنِ دَاوُد عَنْ أَبِی الْحَسَنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ علیهماالسلام، فِی قَوْلِ اللَّهِ عز و جل: «وَ لَقَدْ كَتَبْنا فِی الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُها عِبادِیَ الصَّالِحُونَ»، قَالَ: آلُ مُحَمَّدٍ علیهم السلام وَ مَنْ تَابَعَهُمْ عَلَى مِنْهَاجِهِمْ وَ الْأَرْضُ أَرْضُ الْجَنَّةِ.۲۱۱

عیسی بن داود از حضرت موسی بن جعفر علیهماالسلام روایت نموده که حضرت در باره‌ی قول خداوند عز و جل: «وَ لَقَدْ كَتَبْنا فِی الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُها عِبادِیَ الصَّالِحُونَ»، فرمودند: عباد صالح در این آیه آل محمّد علیهم السلام هستند، و هر که پیرو ایشان باشد مانند آنها است، و زمین که در آیه ذکر شده، زمین بهشت است.

شماره: ۱۱۷: انتقام

کد آیه: ۳۹ / ۲۲

{أُذِنَ لِلَّذِينَ يُقاتَلُونَ بِأَنَّهُمْ ظُلِمُوا وَ إِنَّ اللَّهَ عَلى نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ}

به کسانی که جنگ بر آنان تحمیل گردیده، اجازه جهاد داده شده است چرا که مورد ستم قرار گرفته‌اند و خدا بر یاری آنها تواناست.

۱ ـ عَنِ ابْنِ مُسْكَان عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام، فِی قَوْلِهِ تعالی: «أُذِنَ لِلَّذِينَ يُقاتَلُونَ» الْآيَةَ، قَالَ: إِنَّ الْعَامَّةَ يَقُولُونَ نَزَلَتْ فِی رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم، لَمَّا أَخْرَجَتْهُ قُرَيْشٌ مِنْ مَكَّةَ، وَ إِنَّمَا هُوَ الْقَائِمُ علیه السلام، إِذَا خَرَجَ يَطْلُبُ بِدَمِ الْحُسَيْنِ علیه السلام، وَ هُوَ قَوْلُهُ: نَحْنُ أَوْلِيَاءُ الدَّمِ وَ طُلَّابُ الدِّيَةِ.۲۱۲

ابن مسکان از حضرت صادق علیه السلام در باره‌ی آیه: «أُذِنَ لِلَّذِينَ يُقاتَلُونَ» نقل کرده که حضرت فرمودند: عامه (اهل سنّت) می‌گویند: آیه در باره‌ی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نازل شده، هنگامی که قریش آن جناب را از مکه خارج کردند، اما مربوط به حضرت قائم علیه السلام است زمانی که برای انتقام خون حسین علیه السلام ظهور کند، و این است معنی فرمایش او که: ما اولیای مقتول و خونبها گیرانیم.

۲ ـ عَنْ أَبِی بَصِيرٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام، فِی قَوْلِ اللَّهِ عز و جل: «أُذِنَ لِلَّذِينَ يُقاتَلُونَ بِأَنَّهُمْ ظُلِمُوا وَ إِنَّ اللَّهَ عَلى نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ»، قَالَ: هِیَ فِی الْقَائِمِ علیه السلام وَ أَصْحَابِهِ.۲۱۳

ابو بصیر از امام صادق علیه السلام روایت کرده که در تأویل فرمایش خدای تعالی که می‌فرماید: «أُذِنَ لِلَّذِينَ يُقاتَلُونَ بِأَنَّهُمْ ظُلِمُوا وَ إِنَّ اللَّهَ عَلى نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ»، آن حضرت فرمودند: این آیه در باره‌ی قائم علیه السلام و یاران او نازل شده است.

شماره: ۱۱۸: تسلّط حضرت مهدی علیه السلام بر تمام عالم

کد آیه: ۴۱ / ۲۲

{الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّاهُمْ فِی الْأَرْضِ أَقامُوا الصَّلاةَ وَ آتَوُا الزَّكاةَ وَ أَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَ لِلَّهِ عاقِبَةُ الْأُمُورِ}

همان کسانی که هر گاه در زمین به آنها قدرت بخشیدیم، نماز را برپا می‌دارند، و زکات می‌دهند، و امر به معروف و نهی از منکر

می کنند، و پایان همه‌ی کارها از آن خداست!

۱ ـ عَنْ أَبِی الْجَارُودِ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام، فِی قَوْلِهِ عَزَّ وَ جَلَ: «الَّذِینَ إِنْ مَکَّنَّاهُمْ فِی الْأَرْضِ أَقامُوا الصَّلاةَ وَ آتَوُا الزَّکاةَ وَ أَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَوْا عَنِ الْمُنْکَرِ وَ لِلَّهِ عاقِبَةُ الْأُمُورِ»، قَالَ: هَذِهِ لِآلِ مُحَمَّدٍ وَ الْمَهْدِیِّ وَ أَصْحَابِهِ یُمَلِّکُهُمُ اللَّهُ تَعَالَی مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَ مَغَارِبَهَا، وَ یُظْهِرُ الدِّینَ وَ یُمِیتُ اللَّهُ عز و جل بِهِ وَ بِأَصْحَابِهِ الْبِدَعَ وَ الْبَاطِلَ، کَمَا أَمَاتَ السَّفَهَةُ الْحَقَّ حَتَّی لَا یُرَی أَثَرٌ مِنَ الظُّلْمِ، وَ یَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ یَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْکَرِ، «وَ لِلَّهِ عاقِبَةُ الْأُمُورِ».۲۱۴

ابو جارود از حضرت باقر علیه السلام نقل کرده در مورد آیه: «الَّذِینَ إِنْ مَکَّنَّاهُمْ فِی الْأَرْضِ أَقامُوا الصَّلاةَ...»، که حضرت فرمودند: این آیه اختصاص به آل محمّد علیهم السلام دارد، حضرت مهدی علیه السلام و اصحابش که خداوند آنها را مالک شرق و غرب عالم می کند و دین را به وسیله‌ی او بر تمام ادیان پیروز می‌نماید، و باطل و دین‌های ساختگی را به همّت او و یارانش از میان بر می‌دارد، چنانچه پیش از ظهور او سفاهت و نادانی پرده بر روی حق و حقیقت کشیده است، و عدالت آنچنان گسترش می‌یابد که اثری از ظلم باقی نمی‌ماند، مردم امر به معروف و نهی از منکر می کنند، «و پایان همه‌ی کارها از آن خداست».

۲ ـ عَنْ زَیْدِ بْنِ عَلِیٍّ علیهماالسلام ، قَالَ: إِذَا قَامَ الْقَائِمُ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ علیهم السلام یَقُولُ: یَا أَیُّهَا النَّاسُ! نَحْنُ الَّذِینَ وَعَدَکُمُ اللَّهُ فِی کِتَابِهِ: «الَّذِینَ إِنْ مَکَّنَّاهُمْ فِی الْأَرْضِ أَقامُوا الصَّلاةَ وَ آتَوُا الزَّکاةَ وَ أَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَوْا عَنِ الْمُنْکَرِ وَ لِلَّهِ عاقِبَةُ الْأُمُورِ».۲۱۵

زید بن علی علیهماالسلام گفت: چون قائم آل محمد علیهم السلام قیام کند، می گوید: ای مردم! ما همان‌هایی هستیم که خداوند در کتابش به شما وعده داده است: «الذین ان مکّناهم فی الارض ...».

شماره: ۱۱۹: محرومیّت عصر غیبت از علم امام

کد آیه: ۴۵ / ۲۲

{فَکَأَیِّنْ مِنْ قَرْیَةٍ أَهْلَکْناها وَ هِیَ ظالِمَةٌ فَهِیَ خاوِیَةٌ عَلی عُرُوشِها وَ بِئْرٍ مُعَطَّلَةٍ وَ قَصْرٍ مَشیدٍ}

چه بسیار شهرها و آبادیهایی که آنها را نابود و هلاک کردیم در حالی که (مردمش) ستمگر بودند، بگونه‌ای که بر سقفهای خود فروریخت! و چه بسیار چاه پر آب که بی‌صاحب ماند و چه بسیار قصرهای محکم و مرتفع!

۱ ـ عَنْ أَبِی بَصِیرٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام، فِی قَوْلِ اللَّهِ عز و جل: «وَ بِئْرٍ مُعَطَّلَةٍ وَ قَصْرٍ مَشِیدٍ»، فَقَالَ: «الْبِئْرُ الْمُعَطَّلَةُ»، الْإِمَامُ الصَّامِتُ وَ «الْقَصْرُ الْمَشِیدُ»، الْإِمَامُ النَّاطِقُ.۲۱۶

ابو بصیر گوید: امام صادق علیه السلام، در تفسیر این آیه: «وَ بِئْرٍ مُعَطَّلَةٍ وَ قَصْرٍ مَشِیدٍ»، فرمودند: مقصود از «بِئْرٍ مُعَطَّلَةٍ» امام خاموش و مقصود از «قَصْرٍ مَشِیدٍ» امام ناطق است.

۲ ـ علی بن ابراهیم فی تفسیر قوله تعالی: «وَ بِئْرٍ مُعَطَّلَةٍ وَ قَصْرٍ مَشِیدٍ»، قَالَ هُوَ مَثَلٌ لِآلِ مُحَمَّدٍ علیهم السلام، قَوْلُهُ: «بِئْرٍ مُعَطَّلَةٍ»، هِیَ الَّتِی لَا یُسْتَسْقَی مِنْهَا، وَ هُوَ الْإِمَامُ الَّذِی قَدْ غَابَ فَلَا یُقْتَبَسُ مِنْهُ الْعِلْمُ، «وَ الْقَصْرُ الْمَشِیدُ»، هُوَ الْمُرْتَفِعُ وَ هُوَ مَثَلٌ لِأَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ علیه السلام وَ الْأَئِمَّةِ وَ فَضَائِلِهِمُ الْمُشْرِفَةِ عَلَی الدُّنْیَا.۲۱۷

علی بن ابراهیم در تفسیر قول خداوند تعالی: «وَ بِئْرٍ مُعَطَّلَةٍ وَ قَصْرٍ مَشِیدٍ»، می گوید: این مثالی برای آل محمّد علیهم السلام است، «بِئْرٍ مُعَطَّلَةٍ»، چاهی است که آب از آن برداشته نشود و آن امامی است که غائب باشد که از نور علم او استفاده نمی‌شود تا وقت ظهور، «و قصر مشید»، یعنی کاخ بلند که مثل برای امیر المؤمنین و ائمه علیهم السلام و فضائل منتشر شده‌ی آنها در جهان است.

شماره: ۱۲۰: عقوبت

کد آیه: ۶۰ / ۲۲

{ذلِکَ وَ مَنْ عاقَبَ بِمِثْلِ ما عُوقِبَ بِهِ ثُمَّ بُغِیَ عَلَیْهِ لَیَنْصُرَنَّهُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ لَعَفُوٌّ غَفُورٌ}

(آری،) مطلب چنین است! و هر کس به همان مقدار که به او ستم شده مجازات کند، سپس مورد تعدّی قرار گیرد، خدا او را یاری خواهد کرد یقیناً خداوند بخشنده و آمرزنده است!

علی بن ابراهیم القمی: «وَ مَنْ عاقَبَ بِمِثْلِ ما عُوقِبَ بِهِ ثُمَّ بُغِیَ عَلَیْهِ لَیَنْصُرَنَّهُ»، یَعْنِی رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم، «بِمِثْلِ ما عُوقِبَ بِهِ»، یَعْنِی حِینَ أَرَادُوا أَنْ یَقْتُلُوهُ ثُمَّ بُغِیَ عَلَیْهِ، «لَیَنْصُرَنَّهُ اللَّهُ»، بِالْقَائِمِ مِنْ وُلْدِهِ علیه السلام .۲۱۸

علی بن ابراهیم قمی در تفسیر: «وَ مَنْ عاقَبَ بِمِثْلِ ما عُوقِبَ بِهِ ثُمَّ بُغِیَ عَلَیْهِ لَیَنْصُرَنَّهُ اللَّهُ»، گوید یعنی منظور خدا که میفرماید: «وَ مَنْ عاقَبَ»، حضرت محمّد صلی الله علیه و آله و سلم است، و منظور از جمله: «بِمِثْلِ ما عُوقِبَ بِهِ»، آن موقعی است که کفار قریش می‌خواستند حضرت رسول را به قتل برسانند، و مقصود از جمله: «ثُمَّ بُغِیَ عَلَیْهِ لَیَنْصُرَنَّهُ اللَّهُ»، حضرت قائم علیه السلام میباشد که از فرزندان پیامبر است.

شماره: ۱۲۱: حضرت مهدی علیه السلام امان اهل زمین

کد آیه: ۶۵ / ۲۲

{أَ لَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَکُمْ ما فِی الْأَرْضِ وَ الْفُلْکَ تَجْری فِی الْبَحْرِ بِأَمْرِهِ وَ یُمْسِکُ السَّماءَ أَنْ تَقَعَ عَلَی الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ إِنَّ اللَّهَ بِالنَّاسِ لَرَؤُفٌ رَحیمٌ}

آیا ندیدی که خداوند آنچه را در زمین است مسخّر شما کرد و (نیز) کشتیهایی را که به فرمان او بر صفحه اقیانوسها حرکت می کنند و آسمان را نگه می‌دارد، تا جز به فرمان او، بر زمین فرو نیفتند؟ خداوند نسبت به مردم رحیم و مهربان است!

۱ ـ عَنْ سُلَیْمَان بْنِ مِهْرَان الْأَعْمَشِ عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ علیهماالسلام عَنْ أَبِیهِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِیٍّ علیهماالسلام عَنْ أَبِیهِ عَلِیِّ بْنِ الْحُسَیْنِ علیهماالسلام، قَالَ: نَحْنُ أَئِمَّةُ الْمُسْلِمِینَ، وَ حُجَجُ اللَّهِ عَلَی الْعَالَمِینَ، وَ سَادَةُ الْمُؤْمِنِینَ، وَ قَادَةُ الْغُرِّ الْمُحَجَّلِینَ، وَ مَوَالِی الْمُؤْمِنِینَ، وَ نَحْنُ أَمَانُ أَهْلِ الْأَرْضِ، کَمَا أَنَّ النُّجُومَ أَمَانٌ لِأَهْلِ السَّمَاءِ، وَ نَحْنُ الَّذِینَ بِنَا یُمْسِکُ اللَّهُ السَّماءَ، أَنْ تَقَعَ عَلَی الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ، وَ بِنَا یُمْسِکُ الْأَرْضَ أَنْ تَمِیدَ بِأَهْلِهَا، وَ بِنَا یُنَزِّلُ الْغَیْثَ، وَ بِنَا یَنْشُرُ الرَّحْمَةَ وَ یُخْرِجُ بَرَکَاتِ الْأَرْضِ، وَ لَوْ لَا مَا فِی الْأَرْضِ مِنَّا لَسَاخَتْ بِأَهْلِهَا، قَالَ علیه السلام: وَ لَمْ تَخْلُ الْأَرْضُ مُنْذُ خَلَقَ اللَّهُ آدَمَ مِنْ حُجَّةِ اللَّهِ فِیهَا ظَاهِرٌ مَشْهُورٌ أَوْ غَائِبٌ مَسْتُورٌ، وَ لَا تَخْلُو إِلَی أَنْ تَقُومَ السَّاعَةُ مِنْ حُجَّةٍ لِلَّهِ فِیهَا، وَ لَوْ لَا ذَلِکَ لَمْ یُعْبَدِ اللَّهُ، قَالَ سُلَیْمَانُ: فَقُلْتُ لِلصَّادِقِ علیه السلام: فَکَیْفَ یَنْتَفِعُ النَّاسُ بِالْحُجَّةِ الْغَائِبِ الْمَسْتُورِ؟ قَالَ: کَمَا یَنْتَفِعُونَ بِالشَّمْسِ إِذَا سَتَرَهَا السَّحَابُ.۲۱۹

سلیمان اعمش از حضرت صادق علیه السلام نقل کرده که آن جناب از پدر بزرگوارشان حضرت محمد بن علی علیهماالسلام و ایشان از پدر بزرگوارشان علی بن حسین علیهماالسلام ، روایت کرده‌اند که حضرت فرمودند: ما امامان مسلمانان، و حجتهای خدا بر عالمیان، و آقای مؤمنان، و پیشوای روسفیدان، و سروران اهل ایمانیم، ما امان اهل زمین هستیم، چنانچه ستارگان امان اهل آسمانند، خداوند به واسطه‌ی ما آسمان را نگه‌داشته که بر زمین فرو نریزد مگر به اجازه او، و به وسیله‌ی ما زمین را نگه‌داشته که اهلش را تکان ندهد، باران به واسطه‌ی ما می‌بارد، و رحمت به واسطه‌ی ما گسترش می یابد، و زمین نعمتهای خود را خارج می‌کند، و اگر امام در زمین نباشد زمین اهل خود را فرو برد، سپس فرمودند: از زمانی که خداوند آدم را آفرید، زمین از حجّت خالی نبود، یا حجّتی آشکار و مشهور، و یا غائب و مستور، و تا روز قیامت هم از حجّت خالی نخواهد بود، اگر چنین نبود خداوند عبادت نمی‌شد. سلیمان گفت: به حضرت صادق علیه السلام عرض کردم: چگونه مردم از حجّت غائب و مستور بهره‌مند می‌شوند؟ حضرت فرمودند: همان طوری که از خورشید پشت ابر بهره‌مند می‌شوند.

۲ ـ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم: حَدَّثَنِی جَبْرَئِیلُ عَنْ رَبِّ الْعِزَّةِ جَلَّ جَلَالُهُ أَنَّهُ قَالَ: مَنْ عَلِمَ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا وَحْدِی، وَ أَنَّ

مُحَمَّداً عَبْدِی وَ رَسُولِی، وَ أَنَّ عَلِیَّ بْنَ أَبِی طَالِبٍ خَلِیفَتِی، وَ أَنَّ الْأَئِمَّةَ مِنْ وُلْدِهِ حُجَجِی، أُدْخِلُهُ الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِی، ... فَقَامَ جَابِرُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِیُّ، فَقَالَ: یَا رَسُولَ اللَّهِ! وَ مَنِ الْأَئِمَّةُ مِنْ وُلْدِ عَلِیِّ بْنِ أَبِی طَالِبٍ؟ قَالَ: الْحَسَنُ وَ الْحُسَیْنُ سَیِّدَا شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ، ثُمَّ سَیِّدُ الْعَابِدِینَ فِی زَمَانِهِ عَلِیُّ بْنُ الْحُسَیْنِ، ثُمَّ الْبَاقِرُ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِیٍّ، وَ سَتُدْرِکُهُ یَا جَابِرُ! فَإِذَا أَدْرَکْتَهُ فَأَقْرِئْهُ مِنِّی السَّلَامَ، ثُمَّ الصَّادِقُ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ، ثُمَّ الْکَاظِمُ مُوسَی بْنُ جَعْفَرٍ، ثُمَّ الرِّضَا عَلِیُّ بْنُ مُوسَی، ثُمَّ التَّقِیُّ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِیٍّ، ثُمَّ النَّقِیُّ عَلِیُّ بْنُ مُحَمَّدٍ، ثُمَّ الزَّکِیُّ الْحَسَنُ بْنُ عَلِیٍّ، ثُمَّ ابْنُهُ الْقَائِمُ بِالْحَقِّ، مَهْدِیُّ أُمَّتِی، الَّذِی یَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطاً وَ عَدْلًا کَمَا مُلِئَتْ جَوْراً وَ ظُلْماً، هَؤُلَاءِ یَا جَابِرُ! خُلَفَائِی وَ أَوْصِیَائِی وَ أَوْلَادِی وَ عِتْرَتِی، مَنْ أَطَاعَهُمْ فَقَدْ أَطَاعَنِی، وَ مَنْ عَصَاهُمْ فَقَدْ عَصَانِی، وَ مَنْ أَنْکَرَهُمْ أَوْ أَنْکَرَ وَاحِداً مِنْهُمْ فَقَدْ أَنْکَرَنِی، بِهِمْ یُمْسِکُ اللَّهُ عز و جل السَّمَاءَ أَنْ تَقَعَ عَلَی الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ، وَ بِهِمْ یَحْفَظُ اللَّهُ الْأَرْضَ أَنْ تَمِیدَ بِأَهْلِهَا.۲۲۰

پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: جبرئیل از خداوند عز و جل برایم حدیث کرد که فرمود: هر کس بداند که هیچ معبودی جز من نیست و محمّد بنده و فرستاده‌ی من است، و علیّ بن أبی طالب جانشین من است، و ائمّه‌ای که از فرزندان او هستند حجّتهای من هستند، او را به رحمت خود به بهشت داخل می‌سازم، ... آنگاه جابر بن عبد اللّه انصاریّ از جا برخاست و عرض کرد: ای رسول خدا! ائمّه از فرزندان علیّ بن أبی طالب علیهما السلام چه کسانی هستند؟ حضرت فرمودند: حسن و حسین سرور جوانان بهشت، سپس سیّد العابدین در زمانش علیّ بن الحسین، سپس محمّد بن علیّ الباقر، و تو ای جابر! او را درک می‌کنی و آن هنگام که او را دیدی سلام مرا به او برسان، سپس جعفر بن محمّد الصادق، سپس موسی بن جعفر الکاظم، سپس علیّ بن موسی الرّضا، سپس محمّد بن علیّ التّقیّ، سپس علیّ بن محمّد النّقیّ، سپس حسن بن علیّ الزّکیّ، سپس فرزند او قائم به حقّ، مهدی امّتم، همان که زمین را پر از عدل و داد نماید، همان گونه که پر از جور و ظلم شده باشد، ای جابر! آنان جانشینان و اوصیاء و اولاد و عترت من هستند، کسی که ایشان را اطاعت کند مرا اطاعت کرده است، و کسی که از آنان سرپیچی کند مرا سرپیچی کرده است، و کسی که ایشان را یا یکی از آنان را انکار کند مرا انکار کرده است، به واسطه‌ی ایشان است که خداوند آسمان را نگاه داشته که بر زمین نیفتد مگر به اذن او، و به سبب ایشان است که خداوند زمین را حفظ کرده که اهلش را نلرزاند.

شماره: ۱۲۲: رجعت امیر المؤمنین علیه السلام

کد آیه: ۷۷ / ۲۳

{حَتَّی إِذا فَتَحْنا عَلَیْهِمْ باباً ذا عَذابٍ شَدِیدٍ إِذا هُمْ فِیهِ مُبْلِسُونَ}

تا زمانی که دری از عذاب شدید به روی آنان بگشاییم، (و چنان گرفتار می‌شوند که) ناگهان به کلّی مأیوس گردند.

عَن جابِرِ بنِ یَزید، عَن أَبِی جَعفَر علیه السلام، فِی قولِه: «حَتَّی إِذا فَتَحْنا عَلَیْهِمْ باباً ذا عَذابٍ شَدِید»، هُوَ عَلِیُّ بْنُ أَبِی طَالِبٍ علیه السلام إِذَا رَجَعَ فِی الرَّجْعَةِ.۲۲۱

جابر بن یزید از امام باقر علیه السلام روایت کرده که حضرت در باره‌ی قول خداوند: «حَتَّی إِذا فَتَحْنا عَلَیْهِمْ باباً ذا عَذابٍ شَدِید»، فرمودند: او علی بن ابیطالب علیهماالسلام است هنگامی که در زمان رجعت برمی‌گردد.

شماره: ۱۲۳: انساب

کد آیه: ۱۰۱ / ۲۳

{فَإِذا نُفِخَ فِی الصُّورِ فَلا أَنْسابَ بَیْنَهُمْ یَوْمَئِذٍ وَ لا یَتَساءَلُونَ}

هنگامی که در «صور» دمیده شود، هیچ یک از پیوندهای خویشاوندی میان آنها در آن روز نخواهد بود و از یکدیگر تقاضای کمک نمی‌کنند (چون کاری از کسی ساخته نیست)!

عَنْ جَهْمِ بْنِ أَبِی جَهْمَهْ (جَهنَهْ) قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا الْحَسَنِ مُوسَی علیه السلام یَقُولُ: إِنَّ اللَّهَ تَبَارَکَ وَ تَعَالَی خَلَقَ الْأَرْوَاحَ قَبْلَ الْأَبْدَانِ بِأَلْفَیْ عَامٍ، ثُمَّ خَلَقَ الْأَبْدَانَ بَعْدَ ذَلِکَ، فَمَا تَعَارَفَ مِنْهَا فِی السَّمَاءِ تَعَارَفَ فِی الْأَرْضِ، وَ مَا تَنَاکَرَ مِنْهَا فِی السَّمَاءِ تَنَاکَرَ فِی الْأَرْضِ، فَإِذَا قَامَ الْقَائِمُ علیه السلام وَرَّثَ الْأَخَ فِی الدِّینِ، وَ لَمْ یُوَرِّثِ الْأَخَ فِی الْوِلَادَةِ، وَ ذَلِکَ قَوْلُ اللَّهِ عز و جل فِی کِتَابِهِ: «قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ»، «فَإِذا نُفِخَ فِی الصُّورِ فَلا أَنْسابَ بَیْنَهُمْ یَوْمَئِذٍ وَ لا یَتَساءَلُونَ».۲۲۲

از جهم بن جهمه یا (جهنه) روایت است که گفت: از امام موسی بن جعفر علیهماالسلام شنیدم، که می‌فرمودند: همانا خداوند تبارک و تعالی ارواح را دو هزار سال قبل از بدنها آفرید، سپس بعد از آن، بدنها را آفرید، پس هر کدام از آنها در آسمانها با هم آشنا شدند در زمین با هم آشنا شوند، و هر کدام در آسمان ناشناس بوده‌اند در زمین نیز ناشناس خواهند بود، پس چون قائم علیه السلام قیام کند برادران دینی از هم ارث خواهند برد، و برادرانی که از یک پدر و مادر بوده‌اند از هم ارث نخواهند برد، و این است قول خداوند عز و جل در کتاب خود: «همانا اهل ایمان رستکار شدند»، «پس چون در صور دمیده شود در آن روز هیچ نَسَبی بین آنان نیست و پرسیده نشوند».

شماره: ۱۲۴: نور خدا

کد آیه: ۳۵ / ۲۴

{اللَّهُ نُورُ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ مَثَلُ نُورِهِ کَمِشْکاةٍ فِیها مِصْباحٌ الْمِصْباحُ فی زُجاجَةٍ الزُّجاجَةُ کَأَنَّها کَوْکَبٌ دُرِّیٌّ یُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبارَکَةٍ زَیْتُونَةٍ لا شَرْقِیَّةٍ وَ لا غَرْبِیَّةٍ یَکادُ زَیْتُها یُضیءُ وَ لَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نارٌ نُورٌ عَلی نُورٍ یَهْدِی اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ یَشاءُ وَ یَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثالَ لِلنَّاسِ وَ اللَّهُ بِکُلِّ شَیْءٍ عَلیمٌ}

خداوند نور آسمانها و زمین است مثل نور خداوند همانند چراغدانی است که در آن چراغی (پر فروغ) باشد، آن چراغ در حبابی قرار گیرد، حبابی شفاف و درخشنده همچون یک ستاره فروزان، این چراغ با روغنی افروخته می‌شود که از درخت پربرکت زیتونی گرفته شده که نه شرقی است و نه غربی (روغنش آن چنان صاف و خالص است که) نزدیک است بدون تماس با آتش شعله‌ور شود نوری است بر فراز نوری و خدا هر کس را بخواهد به نور خود هدایت می‌کند، و خداوند به هر چیزی داناست.

رُوِیَ عن جابر بن عبد الله الأنصاری، قال: دخلتُ إلی مَسجد الکُوفهْ، و أمیر المؤمنین علیه السلام یَکتُبُ بإصبَعه وَ یَتَبسَّمُ، فقلت له: یا أمیرَ المؤمنین! ما الذی یضحککَ؟ فقال: عَجِبت لِمَن یقرأ هذه الآیهْ و لم یعرفها حق معرفتها، فقُلت لَه: أیُّ آیهْ، یا أمیر المؤمنین!؟ فَقال: قوله تَعالی: «اللَّهُ نُورُ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ مَثَلُ نُورِهِ کَمِشْکاةٍ»، «المشکاهْ»، مُحمَّد صلی الله علیه و آله و سلم ، «فِیها مِصْباحٌ»، أنا المِصباح، «فِی زُجاجَةٍ الزجاجهْ»، الحسن و الحسین علیهماالسلام ، «کَأَنَّها کَوْکَبٌ دُرِّیٌّ»، وَ هُوَ علی بن الحسین علیهماالسلام ، «یُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبارَکَةٍ»، مُحمَّد بن علی علیهماالسلام ، «زَیْتُونَةٍ»، جَعفر بن مُحمد علیهماالسلام ، «لا شَرْقِیَّةٍ»، موسی بن جعفر علیهماالسلام ، «وَ لا غَرْبِیَّةٍ»، علی بن موسی علیهماالسلام، «یَکادُ زَیْتُها یُضِیءُ»، مُحمد بن علی علیهماالسلام، «وَ لَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نارٌ»، عَلی بن محمد علیهماالسلام، «نُورٌ عَلی نُورٍ»، الحسن بن علی علیهما السلام، «یَهْدِی اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ یَشاءُ»، القائم المهدی علیه السلام، «وَ یَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثالَ لِلنَّاسِ وَ اللَّهُ بِکُلِّ شَیْءٍ عَلِیمٌ».۲۲۳

از جابر بن عبدالله انصاری روایت است که می گوید: به مسجد کوفه داخل شدم، دیدم حضرت امیرالمومنین علیه السلام با انگشت چیزی می‌نویسد و می‌خندد، عرض کردم: یا امیرالمومنین! چه چیز موجب خنده‌ی شما شده است؟ حضرت فرمودند: در شگفتم از کسی که این آیه را می‌خواند ولی بطور شایسته و بایسته به معنای آن معرفت ندارد، عرض کردم: کدام آیه یا امیرالمومنین!؟ فرمودند: آیه «الله نور السموات و الارض مثل نوره کمشکاهْ»، مشکات حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم هستند، «فیها مصباح»، مصباح من هستم، «فی زجاجهْ الزجاجه»، حسن و حسین می‌باشند، «کانها کوکب دری»، و او علی بن الحسین علیهماالسلام

است، «یوقد من شجرهٔ مبارکهٔ»، محمد بن علی علیهما السلام است، «زیتونهٔ»، جعفر بن محمد علیهما السلام است، «لا شرقیهٔ»، موسی بن جعفر علیهما السلام است، «ولا غربیهٔ»، علی بن موسی الرضا علیهما السلام است، «یکاد زیتها یضی» محمد بن علی علیهما السلام است، «و لو لم تمسسه نار»، علی بن محمد علیهما السلام است، «نور علی نور»، حسن بن علی علیهما السلام است، «یهدی الله لنوره من یشاء»، مهدی علیه السلام است که درود بر آنان باد، «و یضرب الله الامثال للناس و الله بکل شیء علیم».

شماره: ۱۲۵: وعده خدا

کد آیه: ۵۵ / ۲۴

{وَعَدَ اللَّهُ الَّذینَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَ عَمِلُوا الصَّالِحاتِ لَیَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِی الْأَرْضِ كَما اسْتَخْلَفَ الَّذینَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لَیُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دینَهُمُ الَّذِی ارْتَضی لَهُمْ وَ لَیُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْناً یَعْبُدُونَنی لا یُشْرِكُونَ بی شَیْئاً وَ مَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذلِكَ فَأُولئِكَ هُمُ الْفاسِقُونَ}

خداونـد به کسـانی از شـما که ایمـان آورده و کارهـای شایسـته انجـام داده‌انـد وعـده می‌دهـد که قطعاً آنان را حکمران روی زمین خواهـد کرد، همـان گـونه کـه به پیشـینیان آنهـا خلافـت روی زمین را بخشـید و دین و آیینی را که برای آنـان پسـندیده، پابرجـا و ریشه‌دار خواهـد سـاخت و ترسـشان را به امنیّت و آرامش مبـدّل می کنـد، آن چنـان که تنهـا مرا می‌پرسـتند و چیزی را شـریک من نخواهند ساخت. و کسانی که پس از آن کافر شوند، آنها فاسقانند.

۱ ـ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَ: «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِینَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَ عَمِلُوا الصَّالِحاتِ لَیَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِی الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِینَ مِنْ قَبْلِهِمْ»، قَالَ: نَزَلَتْ فِی عَلِیِّ بْنِ أَبِی طَالِبٍ وَ الْأَئِمَّةِ مِنْ وُلْدِهِ علیهم السلام ، «وَ لَیُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِینَهُمُ الَّذِی ارْتَضی لَهُمْ وَ لَیُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْناً»، قَالَ: عَنَی بِهِ ظُهُورَ الْقَائِمِ علیه السلام .۲۲۴

عبـد الله بن سـنان گویـد از امام صادق علیه السـلام درباره‌ی این فرموده‌ی خداونـد: «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِینَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَ عَمِلُوا الصَّالِحاتِ لَیَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِی الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِینَ مِنْ قَبْلِهِمْ»، سؤال کردم، حضرت فرمودند: درباره‌ی علی بن ابیطالب علیه السلام و امامان از فرزندان او علیهم السلام نازل شده، «وَ لَیُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِینَهُمُ الَّذِی ارْتَضی لَهُمْ وَ لَیُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْناً»، فرمودند: منظور از آن ظهور حضرت قائم علیه السلام است.

۲ ـ عن أبی بصیر، عن أبی عبد الله علیه السلام ، فی قوله: «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِینَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَ عَمِلُوا الصَّالِحاتِ لَیَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِی الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِینَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لَیُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِینَهُمُ الَّذِی ارْتَضی لَهُمْ وَ لَیُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْناً یَعْبُدُونَنِی لا یُشْرِكُونَ بِی شَیْئاً»، قالَ: نَزَلت فِی القائِمِ وَ أصحابِه.۲۲۵

ابو بصـیر از امام صادق علیه السـلام روایت کرده که حضـرت در باره‌ی آیه شـریفه: «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِینَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَ عَمِلُوا الصَّالِحاتِ لَیَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِی الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِینَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لَیُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِینَهُمُ الَّذِی ارْتَضی لَهُمْ وَ لَیُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْناً یَعْبُدُونَنِی لا یُشْرِكُونَ بِی شَیْئاً»، فرمودند: این در باره‌ی قائم علیه السلام و یارانش نازل شده است.

شماره: ۱۲۶: ساعت ۱۲

کد آیه: ۱۱ / ۲۵

{بَلْ كَذَّبُوا بِالسَّاعَةِ وَ أَعْتَدْنا لِمَنْ كَذَّبَ بِالسَّاعَةِ سَعِیراً}

بلکه آنان قیامت را تکذیب کرده‌اند و ما برای کسی که قیامت را تکذیب کند، آتشی شعله‌ور و سوزان فراهم کرده‌ایم!

۱ ـ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ علیهما السلام : اللَّیْلُ اثْنَتَا عَشْرَةَ سَاعَةً، وَ النَّهَارُ اثْنَتَا عَشْرَةَ سَاعَةً، وَ الشُّهُورُ اثْنَا عَشَرَ شَهْراً، وَ الْأَئِمَّةُ اثْنَا عَشَرَ إِمَاماً، وَ النُّقَبَاءُ اثْنَا عَشَرَ نَقِیباً، وَ إِنَّ عَلِیّاً علیه السلام سَاعَةٌ مِن اثْنَتَیْ عَشْرَةَ سَاعَةً، وَ هُوَ قَوْلُ اللَّهِ عز و جل: «بَلْ كَذَّبُوا بِالسَّاعَةِ وَ

أَعْتَدْنا لِمَنْ كَذَّبَ بِالسَّاعَةِ سَعِيراً».۲۲۶

امام صادق علیه السلام فرمودند: شب دوازده ساعت است، روز هم دوازده ساعت است، و ماه‌ها هم دوازده ماهند، و امامان نیز دوازده امامند، و نقباء هم دوازده نقیب‌اند، و علیّ علیه السلام ساعتی از دوازده ساعت است، و او است که خداوند در باره‌اش می‌فرماید: «بَلْ كَذَّبُوا بِالسَّاعَةِ وَ أَعْتَدْنا لِمَنْ كَذَّبَ بِالسَّاعَةِ سَعِيراً».

۲ ـ قال أبو عبد الله علیه السلام : إنَّ اللَيل وَ النَّهار اثنَتا عَشَرة ساعَة، وَ إنَّ عَلی بن أبی طالِب علیه السلام أشرَفُ ساعَة مِن اثنَتَی عَشرة ساعَة، وَ هُو قولُ الله تَعالی: «بَلْ كَذَّبُوا بِالسَّاعَةِ وَ أَعْتَدْنا لِمَنْ كَذَّبَ بِالسَّاعَةِ سَعِيراً».۲۲۷

حضرت صادق علیه السلام فرمودند: شب و روز دوازده ساعت است و علی بن ابی طالب علیه السلام بهترین ساعت از دوازده ساعت است، و همین است گفتار خدای تعالی که می‌فرماید: «بلکه ساعت را تکذیب کردند و ما برای آنها عذابی سوزان آماده کردیم».

شماره: ۱۲۷: عبادت خدا پس از ظهور

کد آیه: ۲۶ / ۲۵

{الْمُلْكُ يَوْمَئِذٍ الْحَقُّ لِلرَّحْمنِ وَ كانَ يَوْماً عَلَى الْكافِرِينَ عَسِيراً}

حکومت در آن روز از آن خداوند رحمان است و آن روز، روز سختی برای کافران خواهد بود!

عَلِيِّ بْنِ أَسْبَاطٍ قَالَ: رَوَى أَصْحَابُنَا فِي قَوْلِ اللَّهِ عز و جل: «الْمُلْكُ يَوْمَئِذٍ الْحَقُّ لِلرَّحْمنِ»، قَالَ: إِنَّ الْمُلْكَ لِلرَّحْمَنِ الْيَوْمَ وَ قَبْلَ الْيَوْمِ وَ بَعْدَ الْيَوْمِ، وَ لَكِنْ إِذَا قَامَ الْقَائِمُ علیه السلام لَمْ يَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ عز و جل .۲۲۸

علی بن اسباط می‌گوید: اصحاب ما روایت کرده اند درباره‌ی این آیه‌ی شریفه که معصوم علیه السلام فرمودند: همانا فرمانروای امروز (و پیش از امروز) و بعد از امروز از آنِ خدای رحمان است، ولی چون قائم علیه السلام به پا خیزد جز خداوند عز و جل عبادت نخواهد شد.

شماره: ۱۲۸: قدرت خداوند

کد آیه: ۵۴ / ۲۵

{وَ هُوَ الَّذِي خَلَقَ مِنَ الْماءِ بَشَراً فَجَعَلَهُ نَسَباً وَ صِهْراً وَ كانَ رَبُّكَ قَدِيراً}

او کسی است که از آب، انسانی را آفرید سپس او را نسب و سبب قرار داد و پروردگار تو همواره توانا بوده است.

قالَ الْبَاقِرُ علیه السلام فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: «وَ هُوَ الَّذِي خَلَقَ مِنَ الْماءِ بَشَراً فَجَعَلَهُ نَسَباً وَ صِهْراً»، قَالَ: هُوَ مُحَمَّدٌ وَ عَلِيٌّ وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ علیهم السلام ، «وَ كانَ رَبُّكَ قَدِيراً»، الْقَائِمُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ، لِأَنَّهُ لَمْ يَجْتَمِعْ نَسَبٌ وَ سَبَبٌ فِي الصَّحَابَةِ وَ الْقَرَابَةِ، إِلَّا لَهُ فَلِأَجْلِ ذَلِكَ اسْتَحَقَّ الْمِيرَاثَ بِالنَّسَبِ وَ السَّبَبِ ...۲۲۹

امام محمّد باقر علیه السلام در باره‌ی آیه: «او کسی است که از آب، انسانی را آفرید سپس او را نسب و سبب قرار داد»، می‌فرمایند: منظور از این افراد، حضرت محمّد و علی و حسن و حسین علیهم السلام، «و پروردگار تو همواره توانا بوده است» حضرت قائم علیه السلام در آخر الزمان است، زیرا در میان صحابه نسب و سبب و قرابت جمع نشد مگر برای آن حضرت، بدین جهت است که میراث به وسیله‌ی نسب و سبب به افراد می‌رسد ...

شماره: ۱۲۹: بنده‌ی خدا

کد آیه: ۶۳ / ۲۵

{وَ عِبادُ الرَّحْمنِ الَّذینَ یَمْشُونَ عَلَی الْأَرْضِ هَوْناً وَ إِذا خاطَبَهُمُ الْجاهِلُونَ قالُوا سَلاماً}

بندگان (خاص خداوند) رحمان، کسانی هستند که با آرامش و بی‌تکبر بر زمین راه می‌روند و هنگامی که جاهلان آنها را مخاطب سازند (و سخنان نابخردانه گویند)، به آنها سلام می‌گویند (و با بی‌اعتنایی و بزرگواری می‌گذرند.)

عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام: قَوْلُهُ تَعَالَی: «الَّذِینَ یَمْشُونَ عَلَی الْأَرْضِ هَوْناً»، إِلَی قَوْلِهِ، «حَسُنَتْ مُسْتَقَرًّا وَ مُقاماً»، ثَلَاثَ عَشْرَةَ آیَةً، قَالَ: هُمُ الْأَوْصِیَاءُ یَمْشُونَ عَلَی الْأَرْضِ هَوْناً، فَإِذَا قَامَ الْقَائِمُ عَرَضُوا کُلَّ نَاصِبٍ عَلَیْهِ، فَإِنْ أَقَرَّ بِالْإِسْلَامِ وَ هِیَ الْوَلَایَةُ وَ إِلَّا ضُرِبَتْ عُنُقُهُ أَوْ أَقَرَّ بِالْجِزْیَةِ فَأَدَّاهَا کَمَا یُؤَدِّی أَهْلُ الذِّمَّةِ.۲۳۰

امام صادق علیه السلام در باره‌ی قول خداوند تعالی: «الَّذِینَ یَمْشُونَ عَلَی الْأَرْضِ هَوْناً»، تا آنجا که می‌فرماید: «حَسُنَتْ مُسْتَقَرًّا وَ مُقاماً»، سیزده آیه، فرمودند: ایشان اوصیاء هستند که از ترس دشمنانشان بر روی زمین با تواضع راه می‌روند، پس زمانی که قائم علیه السلام قیام کند، همه‌ی ناصبیان بر آن حضرت عرضه می‌شوند. پس هر که به اسلام، یعنی ولایت اقرار کند، چه بهتر، وگرنه گردنش زده می‌شود، یا این‌که به جزیه اقرار کند، چنان‌که اهل ذمّه می‌پردازند.

شماره: ۱۳۰: غُرّش آسمانی

کد آیه: ۴ / ۲۶

{إِنْ نَشَأْ نُنَزِّلْ عَلَیْهِمْ مِنَ السَّماءِ آیَةً فَظَلَّتْ أَعْناقُهُمْ لَها خاضِعِینَ}

اگر ما اراده کنیم، از آسمان بر آنان آیه‌ای نازل می‌کنیم که گردنهایشان در برابر آن خاضع گردد!

۱ ـ عُمَر بْنِ حَنْظَلَةَ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام یَقُولُ: خَمْسُ عَلَامَاتٍ قَبْلَ قِیَامِ الْقَائِمِ علیه السلام: الصَّیْحَةُ، وَ السُّفْیَانِیُّ، وَ الْخَسْفُ، وَ قَتْلُ النَّفْسِ الزَّکِیَّةِ، وَ الْیَمَانِیُّ، فَقُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاکَ! إِنْ خَرَجَ أَحَدٌ مِنْ أَهْلِ بَیْتِکَ قَبْلَ هَذِهِ الْعَلَامَاتِ أَ نَخْرُجُ مَعَهُ؟ قَالَ: لَا. فَلَمَّا کَانَ مِنَ الْغَدِ تَلَوْتُ هَذِهِ الْآیَةَ: «إِنْ نَشَأْ نُنَزِّلْ عَلَیْهِمْ مِنَ السَّماءِ آیَةً فَظَلَّتْ أَعْناقُهُمْ لَها خاضِعِینَ»، فَقُلْتُ لَهُ: أَ هِیَ الصَّیْحَةُ؟ فَقَالَ: أَمَا لَوْ کَانَتْ خَضَعَتْ أَعْنَاقُ أَعْدَاءِ اللَّهِ عز و جل .۲۳۱

عمر بن حنظله می‌گوید: شنیدم حضرت امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: پنج علامت قبل از قیام قائم علیه السلام حتمی است: غرّش آسمانی، خروج سفیانی، فرو رفتن یک لشکر از سپاه سفیانی در شنزار بیداء، کشتن یک بی‌گناه در مسجد الحرام، قیام شخصی در یمن، گفتم: قربانت شوم! قبل از بروز این علامتها اگر از خاندان شما کسی قیام کند با او قیام کنیم؟ حضرت فرمودند: نه. فردا که شرفیاب شدم این آیه را تلاوت کردم: «اگر بخواهیم نشانه‌ای از آسمان نازل کنیم تا گردن جباران خم شود»، گفتم: این نشانه، همان غرّش آسمانی است؟ حضرت فرمودند: به خدا سوگند! اگر چنین شود، گردن دشمنان خدا خم می‌شود.

۲ ـ عَنْ دَاوُدَ الدِّجَاجِیِّ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِیٍّ علیه السلام، قَالَ: سُئِلَ أَمِیرُ الْمُؤْمِنِینَ علیه السلام، عَنْ قَوْلِهِ تَعَالَی: «فَاخْتَلَفَ الْأَحْزابُ مِنْ بَیْنِهِمْ»، فَقَالَ: انْتَظِرُوا الْفَرَجَ مِنْ ثَلَاثٍ، فَقِیلَ: یَا أَمِیرَ الْمُؤْمِنِینَ! وَ مَا هُنَّ؟ فَقَالَ: اخْتِلَافُ أَهْلِ الشَّامِ بَیْنَهُمْ وَ الرَّایَاتُ السُّودُ مِنْ خُرَاسَانَ وَ الْفَزْعَةُ فِی شَهْرِ رَمَضَانَ، فَقِیلَ: وَ مَا الْفَزْعَةُ فِی شَهْرِ رَمَضَانَ؟ فَقَالَ: أَ وَ مَا سَمِعْتُمْ قَوْلَ اللَّهِ عز و جل فِی الْقُرْآنِ؟: «إِنْ نَشَأْ نُنَزِّلْ عَلَیْهِمْ مِنَ السَّماءِ آیَةً فَظَلَّتْ أَعْناقُهُمْ لَها خاضِعِینَ»، هِیَ آیَةٌ تُخْرِجُ الْفَتَاةَ مِنْ خِدْرِهَا وَ تُوقِظُ النَّائِمَ وَ تُفْزِعُ الْیَقْظَانَ.۲۳۲

داود دجاجی از امام باقر علیه السلام روایت کرده که آن حضرت فرمودند: از امیر المؤمنین علیه السلام سؤال شد در باره‌ی فرمایش خدای تعالی: «فَاخْتَلَفَ الْأَحْزابُ مِنْ بَیْنِهِمْ»، و گروههای مردم در میان خود اختلاف کردند، حضرت فرمودند: پس از پدید آمدن سه چیز منتظر فرج باشید، گفته شد: ای امیر المؤمنین! آنها کدامند؟ حضرت فرمودند: اختلاف اهل شام در میان خود، و پرچمهای سیاه از خراسان، و وحشتی در ماه رمضان، سؤال شد: وحشت در ماه رمضان چیست؟ فرمودند: مگر نشنیده‌اید فرمایش خدای عز و

جل را در قرآن؟: «إِنْ نَشَأْ نُنَزِّلْ عَلَيْهِمْ مِنَ السَّماءِ آيَةً...»، «اگر ما بخواهیم از آسمان آیتی بر ایشان فرو فرستیم که گردنهای ایشان برای آن خاضع و ذلیل گردد»، آن همان نشانه‌ای است که دوشیزگانِ پرده نشین را از پس پرده‌هایشان بیرون کشد و خفته را بیدار و بیدار را به وحشت می‌افکند.

شماره: ۱۳۱: گریز

کد آیه: ۲۱ / ۲۶

{فَفَرَرْتُ مِنْكُمْ لَمَّا خِفْتُكُمْ فَوَهَبَ لِي رَبِّي حُكْماً وَ جَعَلَنِي مِنَ الْمُرْسَلِينَ}

پس هنگامی که از شما ترسیدم فرار کردم و پروردگارم به من حکمت و دانش بخشید، و مرا از پیامبران قرار داد!

۱ ـ عَن مُفَضَّلِ بْنِ عُمَر عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام، أَنَّهُ قَالَ: إِذَا قَامَ الْقَائِمُ عليه السلام تَلَا هَذِهِ الْآيَةَ مُخَاطِباً لِلنَّاسِ: «فَفَرَرْتُ مِنْكُمْ لَمَّا خِفْتُكُمْ فَوَهَبَ لِي رَبِّي حُكْماً وَ جَعَلَنِي مِنَ الْمُرْسَلِينَ».۲۳۴

مفضّل بن عمر از امام صادق علیه السلام روایت کرده که آن حضرت فرمودند: هنگامی که قائم علیه السلام قیام کند، خطاب به مردم، این آیه را تلاوت می‌نماید: «فَفَرَرْتُ مِنْكُمْ لَمَّا خِفْتُكُمْ»، «چون از شما بیمناک بودم از نزدتان گریختم».

۲ ـ عَن مُفَضَّلِ بْنِ عُمَر عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام، أَنَّهُ قَالَ: إِنَّ لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ غَيْبَةً يَقُولُ فِيهَا: «فَفَرَرْتُ مِنْكُمْ لَمَّا خِفْتُكُمْ فَوَهَبَ لِي رَبِّي حُكْماً وَ جَعَلَنِي مِنَ الْمُرْسَلِينَ».۲۳۵

مفضّل بن عمر از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که آن حضرت فرمودند: صاحب این امر را غیبتی است که در آن می‌گوید: «فَفَرَرْتُ مِنْكُمْ لَمَّا خِفْتُكُمْ فَوَهَبَ لِي رَبِّي حُكْماً وَ جَعَلَنِي مِنَ الْمُرْسَلِينَ»، من از شما گریختم چون (بر جان خویش) بیمناک بودم، پس پروردگارم مرا حکومت عطا فرمود و از صاحبان رسالت قرار داد.

شماره: ۱۳۲: وعده‌ی عذاب

کد آیه: ۲۰۶/ ۲۶

{ثُمَّ جاءَهُمْ ما كانُوا يُوعَدُونَ}

سپس عذابی که به آنها وعده داده شده به سراغشان بیاید.

عَنْ مُعَلَّى بْنِ خُنَيْسٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام، فِي قَوْلِهِ عَزَّ وَ جَلَ: «أَ فَرَأَيْتَ إِنْ مَتَّعْناهُمْ سِنِينَ، ثُمَّ جاءَهُمْ ما كانُوا يُوعَدُونَ»، قَالَ: خُرُوجُ الْقَائِمِ عليه السلام، «ما أَغْنى عَنْهُمْ ما كانُوا يُمَتَّعُونَ»، قَالَ: هُمْ بَنُو أُمَيَّةَ الَّذِينَ مُتِّعُوا فِي دُنْيَاهُمْ.۲۳۶

معلی بن خنیس از حضرت صادق علیه السلام در باره‌ی این آیه نقل کرد: «أَ فَرَأَيْتَ إِنْ مَتَّعْناهُمْ سِنِينَ، ثُمَّ جاءَهُمْ ما كانُوا يُوعَدُونَ»، حضرت فرمودند: منظور خروج قائم علیه السلام است، «ما أَغْنى عَنْهُمْ ما كانُوا يُمَتَّعُونَ»، فرمودند: اینها بنی امیه هستند که از نظر دنیا بهره‌مند شدند.

شماره: ۱۳۳: پایان ظلم

کد آیه: ۲۲۷ / ۲۶

{وَ سَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ}

آنها که ستم کردند به زودی می‌دانند که بازگشتشان به کجاست!

عَن حُسَيْنِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرِّضَا عليهما السلام عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ عليهم السلام، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه و آله و

سلم: مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَتَمَسَّكَ بِدِينِي وَ يَرْكَبَ سَفِينَةَ النَّجَاةِ بَعْدِي، فَلْيَقْتَدِ بِعَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ، وَ لْيُعَادِ عَدُوَّهُ، وَ لْيُوَالِ وَلِيَّهُ، فَإِنَّهُ وَصِيِّي وَ خَلِيفَتِي عَلَى أُمَّتِي فِي حَيَاتِي وَ بَعْدَ وَفَاتِي، وَ هُوَ إِمَامُ كُلِّ مُسْلِمٍ، وَ أَمِيرُ كُلِّ مُؤْمِنٍ بَعْدِي، قَوْلُهُ قَوْلِي وَ أَمْرُهُ أَمْرِي وَ نَهْيُهُ نَهْيِي وَ تَابِعُهُ تَابِعِي وَ نَاصِرُهُ نَاصِرِي وَ خَاذِلُهُ خَاذِلِي، ثُمَّ قَالَ صلى الله عليه و آله و سلم: مَنْ فَارَقَ عَلِيّاً بَعْدِي لَمْ يَرَنِي، وَ لَمْ أَرَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ مَنْ خَالَفَ عَلِيّاً حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ، وَ جَعَلَ مَأْوَاهُ النَّارَ وَ بِئْسَ الْمَصِيرُ، وَ مَنْ خَذَلَ عَلِيّاً خَذَلَهُ اللَّهُ يَوْمَ يُعْرَضُ عَلَيْهِ، وَ مَنْ نَصَرَ عَلِيّاً نَصَرَهُ اللَّهُ يَوْمَ يَلْقَاهُ، وَ لَقَّنَهُ حُجَّتَهُ عِنْدَ الْمُسَاءَلَةِ، ثُمَّ قَالَ صلى الله عليه و آله و سلم: الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ إِمَامَا أُمَّتِي بَعْدَ أَبِيهِمَا وَ سَيِّدَا شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ، وَ أُمُّهُمَا سَيِّدَةُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، وَ أَبُوهُمَا سَيِّدُ الْوَصِيِّينَ، وَ مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ تِسْعَةُ أَئِمَّةٍ، تَاسِعُهُمُ الْقَائِمُ مِنْ وُلْدِي، طَاعَتُهُمْ طَاعَتِي وَ مَعْصِيَتُهُمْ مَعْصِيَتِي، إِلَى اللَّهِ أَشْكُو الْمُنْكِرِينَ لِفَضْلِهِمْ، وَ الْمُضِيعِينَ لِحُرْمَتِهِمْ بَعْدِي، وَ كَفَى بِاللَّهِ وَلِيّاً وَ نَاصِراً لِعِتْرَتِي وَ أَئِمَّةِ أُمَّتِي وَ مُنْتَقِماً مِنَ الْجَاحِدِينَ لِحَقِّهِمْ: «وَ سَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُون».۲۳۷

از حسین بن خالد از حضرت رضا علیه السلام از پدران بزرگوارش از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم روایت است که حضرت فرمودند: هر که دوست دارد به دین من چنگ زند، و پس از من بر کشتی نجات سوار گردد، از علی بن ابی طالب پیروی کند، و دشمنش را دشمن، و دوستش را دوست بدارد، زیرا او در زندگی و پس از مرگم وصیّ و جانشین من است، و او امام هر مسلمان، و فرمانروای هر مؤمنی پس از من می‌باشد، گفتار او گفتار من و فرمان او فرمان من، و نهی او نهی من، پیروی از او پیروی از من، و یاور او یاور من است، هر کس او را یاری نکند دست از یاری من برداشته است، سپس فرمودند: کسی که پس از من از علی مفارقت و جدایی کند، روز قیامت مرا نخواهد دید و من نیز او را نخواهم دید، هر که با علی مخالفت کند، خداوند بهشت را بر او حرام کرده و جایگاهش را آتش قرار دهد، کسی که دست از یاری علی بردارد خداوند در روزی که (حسابش را) بر او عرضه کنند یاری‌اش نکند، و هر که علی را یاری کند در آن روز که خدا را ملاقات کند خدایش یاری کند و حجّتش را هنگام بازجویی به وی تلقین کند، سپس فرمودند: حسن و حسین بعد از پدرشان دو پیشوای امّتم هستند، و دو آقای جوانان اهل بهشتند، و مادرشان بانوی زنان عالمیان، و پدرشان آقای اوصیاء (پیمبران) است، و از فرزندان حسین نُه امامند که نهمی آنان قائم فرزندان من است، اطاعت آنها اطاعت من، و نافرمانی آنها نافرمانی من است، به خدا شکایت می‌برم از آنها که منکر فضل ایشان، و پس از من نابودکننده حقّ آنهایند، و خداوند متعال برای دوستی و یاری عترت من و امامان امّتم، و برای انتقام گرفتن از منکرین حقّشان کافی است: «و به زودی آنها که ستم کردند خواهند دانست که به چه جایی بازگشت می‌کنند».

شماره: ۱۳۴: برگزیده‌ی خدا

کد آیه: ۵۹ / ۲۷

{قُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ سَلامٌ عَلى عِبادِهِ الَّذينَ اصْطَفى آللَّهُ خَيْرٌ أَمَّا يُشْرِكُونَ}

بگو: «حمد مخصوص خداست و سلام بر بندگان برگزیده‌اش!» آیا خداوند بهتر است یا بتهایی که همتای او قرار می‌دهند؟!

عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ فِي قَوْلِهِ: «الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ سَلامٌ عَلى عِبادِهِ الَّذِينَ اصْطَفى»، قَالَ: هُمْ أَهْلُ بَيْتِ رَسُولِ اللَّهِ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ وَ فَاطِمَةُ وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ عليهم السلام وَ أَوْلَادُهُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ هُمْ صَفْوَةُ اللَّهِ وَ خِيَرَتُهُ مِنْ خَلْقِه.۲۳۸

ابن عباس در باره‌ی قول خداوند تعالی که می‌فرماید: «بگو: حمد برای خدا است و سلام بر آن بندگانی که آنان را برگزیده است»،گوید: منظور از ایشان یعنی اهل بیت پیغمبر خدا: علی بن ابی طالب، فاطمه، حسن و حسین و اولاد ایشان علیهم السلام تا روز قیامت است، ایشانند که برگزیده و بهترین آفریده‌ی خدا می‌باشند.

شماره: ۱۳۵: مضطر

کد آیه: ۶۲ / ۲۷

{أَمَّنْ يُجيبُ الْمُضْطَرَّ إِذا دَعاهُ وَ يَكْشِفُ السُّوءَ وَ يَجْعَلُكُمْ خُلَفاءَ الْأَرْضِ أ إِلهٌ مَعَ اللَّهِ قَليلًا ما تَذَكَّرُونَ}

یـا کسـی که دعـای مضـطرّ را اجابت می‌کنـد و گرفتـاری را برطرف می‌سـازد، و شـما را خلفـای زمین قرار می‌دهـد آیا معبودی با خداست؟! کمتر متذکّر می‌شوید!

۱ ـ عَنْ إِبْرَاهِيم بْنِ عَبْدِ الْحَمِيدِ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: إِنَّ الْقَائِمَ عليه السلام إِذَا خَرَجَ دَخَلَ الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ، فَيَسْتَقْبِلُ الْكَعْبَةَ، وَ يَجْعَلُ ظَهْرَهُ إِلَى الْمَقَامِ، ثُمَّ يُصَلِّي رَكْعَتَيْنِ، ثُمَّ يَقُومُ فَيَقُولُ: يَا أَيُّهَا النَّاسُ! أَنَا أَوْلَى النَّاسِ بِآدَمَ، يَا أَيُّهَا النَّاسُ! أَنَا أَوْلَى النَّاسِ بِإِبْرَاهِيمَ، يَا أَيُّهَا النَّاسُ! أَنَا أَوْلَى النَّاسِ بِإِسْمَاعِيلَ، يَا أَيُّهَا النَّاسُ! أَنَا أَوْلَى النَّاسِ بِمُحَمَّدٍ صلى الله عليه و آله و سلم، ثُمَّ يَرْفَعُ يَدَيْهِ إِلَى السَّمَاءِ، فَيَدْعُو وَ يَتَضَرَّعُ، حَتَّى يَقَعَ عَلَى وَجْهِهِ، وَ هُوَ قَوْلُهُ عَزَّ وَ جَلَ: «أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذا دَعاهُ وَ يَكْشِفُ السُّوءَ وَ يَجْعَلُكُمْ خُلَفاءَ الْأَرْضِ أ إِلهٌ مَعَ اللَّهِ قَلِيلًا ما تَذَكَّرُونَ».۲۳۹

از ابراهیم بن عبد الحمید روایت است که حضرت صادق علیه السلام فرمودند: چون قائم ما ظهور کند به مسجد الحرام درآید، و در حالی که رو به کعبه و پشت به مقام نموده دو رکعت نماز می‌گزارد، آنگاه برخاسته و می‌گوید: ای مردم! من از هر کس به آدم ابو البشر، و ابراهیم خلیل، و اسماعیل ذبیح، و حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم نزدیکترم، سپس دست به دعا بلند می‌کند و آنقدر به درگاه خدا می‌نالد که غش کرده روی زمین می‌افتد، چنان که خداوند می‌فرماید: «أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذا دَعاهُ وَ يَكْشِفُ السُّوءَ وَ يَجْعَلُكُمْ خُلَفاءَ الْأَرْضِ أ إِلهٌ مَعَ اللَّهِ قَلِيلًا ما تَذَكَّرُونَ».

۲ ـ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِم عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ عليه السلام ، فِی قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَ: «أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذا دَعاهُ»، قَالَ: هَذِهِ نَزَلَتْ فِی الْقَائِمِ عليه السلام ، إِذَا خَرَجَ تَعَمَّمَ وَ صَلَّى عِنْدَ الْمَقَامِ وَ تَضَرَّعَ إِلَى رَبِّهِ فَلَا تُرَدُّ لَهُ رَايَةٌ أَبَداً.۲۴۰

از محمد بن مسلم روایت است که امام باقر علیه السلام در باره‌ی قول خداوند عز و جل : «أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذا دَعاهُ»، فرمودند: این آیه در بـاره‌ی قـائم ما نازل شـده، هنگامی که قیام می‌کنـد، عمامه بر سـر می‌نهـد و کنار مقام حضـرت ابراهیم علیه السـلام نماز می‌گزارد و به درگاه الهی تضرّع می‌نماید، و از آن موقع پرچم او در اهتزاز خواهد بود.

۳ ـ عَنْ أَبِی خَالِدٍ الْكَابُلِيِّ، قَالَ: قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام: وَ اللَّهِ لَكَأَنِّی أَنْظُرُ إِلَى الْقَائِمِ عليه السلام وَ قَدْ أَسْنَدَ ظَهْرَهُ إِلَى الْحَجَرِ، ثُمَّ يَنْشُدُ اللَّهَ حَقَّهُ، ثُمَّ يَقُولُ: يَا أَيُّهَا النَّاسُ! مَنْ يُحَاجَّنِی فِی اللَّهِ فَأَنَا أَوْلَى بِاللَّهِ، أَيُّهَا النَّاسُ! مَنْ يُحَاجَّنِی فِی آدَمَ فَأَنَا أَوْلَى بِآدَمَ، أَيُّهَا النَّاسُ! مَنْ يُحَاجَّنِی فِی نُوحٍ فَأَنَا أَوْلَى بِنُوحٍ، أَيُّهَا النَّاسُ! مَنْ يُحَاجَّنِی فِی إِبْرَاهِيمَ فَأَنَا أَوْلَى بِإِبْرَاهِيمَ، أَيُّهَا النَّاسُ! مَنْ يُحَاجَّنِی فِی مُوسَى فَأَنَا أَوْلَى بِمُوسَى، أَيُّهَا النَّاسُ! مَنْ يُحَاجَّنِی فِی عِيسَى فَأَنَا أَوْلَى بِعِيسَى، أَيُّهَا النَّاسُ! مَنْ يُحَاجَّنِی فِی مُحَمَّدٍ صلى الله عليه و آله و سلم فَأَنَا أَوْلَى بِمُحَمَّدٍ صلى الله عليه و آله و سلم، أَيُّهَا النَّاسُ! مَنْ يُحَاجَّنِی فِی كِتَابِ اللَّهِ فَأَنَا أَوْلَى بِكِتَابِ اللَّهِ، ثُمَّ يَنْتَهِی إِلَى الْمَقَامِ فَيُصَلِّی رَكْعَتَيْنِ وَ يَنْشُدُ اللَّهَ حَقَّهُ، ثُمَّ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام : هُوَ وَ اللَّهِ! الْمُضْطَرُّ فِی كِتَابِ اللَّهِ فِی قَوْلِهِ: «أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذا دَعاهُ وَ يَكْشِفُ السُّوءَ وَ يَجْعَلُكُمْ خُلَفاءَ الْأَرْضِ ...»۲۴۱

از ابو خالـد کـابلی روایت است که امـام بـاقر علیه السـلام فرمودنـد: به خـدا قسم! گوئی هم اکنون او را می‌بینم که پشت خود را به حجرالاسود تکیه داده و از خداونـد وفای وعـده خود را مطالبه کنـد، سپس می‌گوید: ای مردم! هر کس با من در مورد خدا محاجّه نمایـد پس مـن خـود سـزاوارترین فرد مردم بـه خداونـد هسـتم؛ ای مردم! هر کس بـا مـن در بـاره‌ی آدم بـه بحـث پردازد، پس من سزاوارترین مردم به آدم هسـتم؛ ای مردم! هر کس با من در باره‌ی نوح محاجّه نماید، پس من سـزاوارترین مردم به نوحم؛ ای مردم! هر کس با من در باره‌ی ابراهیم بحث و گفتگو نماید، پس من خود سـزاوارترین مردم به ابراهیم هستم؛ ای مردم! هر کس در باره‌ی موسی بـا من محـاجّه نمایـد، پس من سـزاوارترین مردم به موسـی هسـتم؛ ای مردم! هر کس با من در باره‌ی عیسـی بحث و گفتگو نمایـد، پس من سـزاوارترین مردم به عیسـی هسـتم؛ ای مردم! هر کس بـا من در باره‌ی حضـرت محمـد صـلی الله علیه و آله و سـلم

محاجّه نماید، پس من سزاوارترین مردم به حضرت محمّد صلی الله علیه و آله و سلم هستم، ای مردم! هر کس در باره‌ی کتاب خدا با من محاجّه نماید، پس من سزاوارترین مردم به کتاب خدا هستم، سپس به سوی مقام می‌رود و نزدیک آن، دو رکعت نماز به جای می‌آورد و از خداوند وفای به وعده‌اش را درخواست می‌نماید، سپس امام باقر علیه السلام فرمودند: به خدا قسم! او همان مضطرّ است که خداوند در باره‌اش می‌فرماید: «أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذا دَعاهُ ...»

شماره: ۱۳۶: فضیلت صابرین در غیبت

کد آیه: ۷۱ / ۲۷

{وَ يَقُولُونَ مَتى هذَا الْوَعْدُ إِنْ كُنْتُمْ صادِقِينَ}

آنها می گویند: «این وعده کی خواهد آمد اگر راست می گویید؟!»

«لطفاً به آیه‌ی شماره‌ی ۶۸، کد: ۴۸ / ۱۰ مراجعه فرمائید.»

شماره: ۱۳۷: بازگشت جنبده‌ی زمین

کد آیه: ۸۲ / ۲۷

{وَ إِذا وَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ أَخْرَجْنا لَهُمْ دَابَّةً مِنَ الْأَرْضِ تُكَلِّمُهُمْ أَنَّ النَّاسَ كانُوا بِآياتِنا لا يُوقِنُونَ}

و هنگامی که فرمان عذاب آنها رسد (و در آستانه رستاخیز قرار گیرند)، جنبده‌ای را از زمین برای آنها خارج می کنیم که با آنان تکلّم می کند (و می گوید) که مردم به آیات ما ایمان نمی‌آوردند.

۱ ـ عَنْ أَبِی بَصِيرٍ، عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: انْتَهَی رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم إِلَی أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام، وَ هُوَ نَائِمٌ فِی الْمَسْجِدِ قَدْ جَمَعَ رَمْلًا وَ وَضَعَ رَأْسَهُ عَلَيْهِ، فَحَرَّكَهُ برجله، فَقَالَ: قُمْ، يَا دَابَّةَ اللَّهِ! فَقَالَ رَجُلٌ مِنْ أَصْحَابِهِ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! أ يُسَمِّی بَعْضُنَا بَعْضاً بِهَذَا الِاسْمِ؟ فَقَالَ: لَا، وَ اللَّهِ! مَا هُوَ إِلَّا لَهُ خَاصَّةً، وَ هُوَ الدَّابَّةُ الَّتِی ذَكَرَهَا اللَّهُ فِی كِتَابِهِ: «وَ إِذا وَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ أَخْرَجْنا لَهُمْ دَابَّةً مِنَ الْأَرْضِ تُكَلِّمُهُمْ أَنَّ النَّاسَ كانُوا بِآياتِنا لا يُوقِنُونَ»، ثُمَّ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم: يَا عَلِيُّ! إِذَا كَانَ آخِرُ الزَّمَانِ أَخْرَجَكَ اللَّهُ فِی أَحْسَنِ صُورَةٍ وَ مَعَكَ مِيسَمٌ تَسِمُ بِهِ أَعْدَاءَكَ.۲۴۲

ابو بصیر نقل می کند که حضرت صادق علیه السلام فرمودند: روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله به سوی امیر المؤمنین علیه السلام آمدند، در حالی که حضرت علی علیه السلام در مسجد خوابیده بودند و مقداری شن را به عنوان بالش زیر سر گذاشته بودند، حضرت، او را با پا حرکت دادند و فرمودند: ای «جنبنده‌ی زمین»! برخیز. یکی از اصحاب عرض کرد: ای رسول گرامی! آیا ما مجازیم این اسم را به دیگران نسبت دهیم؟ حضرت فرمودند: نه، به خدا سوگند! این نام مخصوص او است، او همان دابهٔ و جنبنده ای است که خداوند در کتابش می‌فرماید: «هنگامی که عذاب واجبشان شود جنبنده‌ای از زمین بیرون آوریم که با آنان سخن گوید»، سپس فرمودند: ای علی! هنگامی که آخر الزّمان فرا رسد، خداوند تو را در بهترین صورت از زمین خارج می‌سازد، در حالی که آهنی در دست داری و با آن دشمنانت را مشخص می کنی.

۲ ـ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ الْجَدَلِيِّ، قَالَ: دَخَلْتُ عَلَی عَلِيٍّ علیه السلام يَوْماً، فَقَالَ: أَنَا دَابَّةُ الْأَرْضِ.۲۴۳

ابو عبد الله جدلی گوید: روزی بر امیر المؤمنین علی علیه السلام وارد شدم، حضرت فرمودند: من جنبنده‌ی زمین هستم.

شماره: ۱۳۸: شناخت ائمّه علیهم السلام در رجعت

کد آیه: ۹۳ / ۲۷

{وَ قُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ سَيُرِيكُمْ آياتِهِ فَتَعْرِفُونَها وَ ما رَبُّكَ بِغافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ}

بگو: «حمد و ستایش مخصوص ذات خداست به زودی آیاتش را به شما نشان می‌دهد تا آن را بشناسید و پروردگار تو از آنچه انجام می‌دهید غافل نیست!

فی تفسیر القمی: «سَيُرِيكُمْ آياتِهِ فَتَعْرِفُونَها»، قَالَ: أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْأَئِمَّةُ عليهم السلام، إِذَا رَجَعُوا يَعْرِفُهُمْ أَعْدَاؤُهُمْ إِذَا رَأَوْهُمْ، وَ الدَّلِيلُ عَلَى أَنَّ الْآيَاتِ هُمُ الْأَئِمَّةُ، قَوْلُ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَ آلِهِ: وَ اللهِ! مَا لِلَّهِ آيَةٌ أَعْظَمَ مِنِّي، فَإِذَا رَجَعُوا إِلَى الدُّنْيَا يَعْرِفُهُمْ أَعْدَاؤُهُمْ إِذَا رَأَوْهُمْ فِي الدُّنْيَا.۲۴۴

درتفسیر علی بن ابراهیم در باره‌ی این آیه: «سَيُرِيكُمْ آياتِهِ فَتَعْرِفُونَها»، یعنی: خداونـد آیات (و علامات) خود را به شما می‌نماید تا شما آن را بشناسید، می‌گوید: هنگامی که امیر المؤمنین و ائمه طاهرین علیهم السلام به دنیا رجعت نمودند، دشمنانی که آنها را می‌بینند آنان را می‌شناسند، و دلیل بر اینکه این آیات، ائمه علیهم السلام می‌باشند، گفته‌ی امیر المؤمنین علیه السلام است که فرمودند: به خدا قسم! خدا را آیتی بزرگتر از من نیست، پس وقتی که آن ذوات مقدّسه به دنیا برگشتند دشمنان آنها، آنان را می‌شناسند.

شماره: ۱۳۹: وارثین زمین

کد آیه: ۵ / ۲۸

{وَ نُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوارِثِينَ}

ما می‌خواهیم بر مستضعفان زمین منّت نهیم و آنان را پیشوایان و وارثان روی زمین قرار دهیم!

۱ـ قالَت حَكِيمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى عليهم السلام ... فَلَمَّا كَانَ فِي الْيَوْمِ السَّابع من مولد القائم عليه السلام، جِئْتُ وَ سَلَّمْتُ وَ جَلَسْتُ، فَقَالَ عليه السلام : هَلُمِّي إِلَيَّ ابْنِي، فَجِئْتُ بِسَيِّدِي فِي الْخِرْقَةِ، فَفَعَلَ بِهِ كَفَعْلَتِهِ الْأُولَى، ثُمَّ أَدْلَى لِسَانَهُ فِي فَمِهِ، كَأَنَّهُ يُغَذِّيهِ لَبَناً أَوْ عَسَلًا، ثُمَّ قَالَ: تَكَلَّمْ يَا بُنَيَّ! فَقَالَ عليه السلام : أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ ثَنَّى بِالصَّلَاةِ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْأَئِمَّةِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ، حَتَّى وَقَفَ عَلَى أَبِيهِ عليه السلام، ثُمَّ تَلَا هَذِهِ الْآيَةَ: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ وَ نُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوارِثِين».۲۴۵

حضرت حکیمه دختر حضرت جواد الائمه علیه السلام می‌فرماید: ... چون روز هفتم از میلاد حضرت مهدی علیه السلام فرا رسید، آمدم و سلام کردم و نشستم، امام عسکری علیه السلام فرمودند: فرزندم را به نزد من آور، و من سرورم را آوردم و او در خرقه‌ای بود، و با او همان کرد که اوّل بار کرده بود، سپس زبانش را در دهان او گذاشت و گویا شیر و عسل به وی می‌داد، سپس حضرت فرمودند: ای فرزندم! سخن بگوی، و او گفت: أشهد أن لا إله إلّا اللّه و درود بر محمّد و امیر المؤمنین و ائمّه طاهرین که درود خدا بر همه‌ی آنها باد، فرستاد و تا آنجا که بر پدرش رسید، سپس این آیه را تلاوت فرمودند: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ و ما اراده می‌کنیم که بر مستضعفان زمین منّت نهاده و آنان را ائمّه و وارثین قرار دهیم».

۲ـ عَنْ عُبَيْدِ بْنِ يَحْيَى الثَّوْرِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عليهم السلام عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَنْ عَلِيٍّ عليه السلام ، فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: «وَ نُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوارِثِينَ»، قَالَ: هُمْ آلُ مُحَمَّدٍ، يَبْعَثُ اللَّهُ مَهْدِيَّهُمْ بَعْدَ جَهْدِهِمْ فَيُعِزُّهُمْ وَ يُذِلُّ عَدُوَّهُم.۲۴۶

از عبید بن یحیی ثوری روایت است که حضرت باقر علیه السلام از پدرشان از جدشان از حضرت امیر المومنین علی علیه السلام، در باره‌ی قول خداوند تعالی: «وَ نُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوارِثِينَ»، فرمودند: اینان که در زمین ضعیف گشته‌اند آل پیغمبرند، که خداوند مهدی آنها را برانگیزد تا آنان را عزیز و دشمنانشان را خوار و ذلیل گرداند.

۳ ـ عَنْ زَاذَان عَنْ سَلْمَان رَضِیَ اللَّهُ عَنْهُ، قَالَ: قَالَ لِی رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم: إِنَّ اللَّهَ تَبَارَکَ وَ تَعَالَی، لَمْ یَبْعَثْ نَبِیّاً وَ لَا رَسُولًا إِلَّا جَعَلَ لَهُ اثْنَیْ عَشَرَ نَقِیباً، فَقُلْتُ: یَا رَسُولَ اللَّهِ! لَقَدْ عَرَفْتُ هَذَا مِنْ أَهْلِ الْکِتَابَیْنِ، فَقَالَ: یَا سَلْمَانُ! هَلْ عَلِمْتَ مَنْ نُقَبَائِی وَ مَنِ الِاثْنَیْ عَشَرَ الَّذِینَ اخْتَارَهُمُ اللَّهُ لِلْأُمَّةِ مِنْ بَعْدِی؟ فَقُلْتُ: اللَّهُ وَ رَسُولُهُ أَعْلَمُ.

فَقَالَ: یَا سَلْمَانُ! خَلَقَنِی اللَّهُ مِنْ صَفْوَةِ نُورِهِ، وَ دَعَانِی فَأَطَعْتُهُ، وَ خَلَقَ مِنْ نُورِی عَلِیّاً، وَ دَعَاهُ فَأَطَاعَهُ، وَ خَلَقَ مِنْ نُورِ عَلِیٍّ فَاطِمَةَ، وَ دَعَاهَا فَأَطَاعَتْهُ، وَ خَلَقَ مِنِّی وَ مِنْ عَلِیٍّ وَ فَاطِمَةَ: الْحَسَنَ، وَ دَعَاهُ فَأَطَاعَهُ، وَ خَلَقَ مِنِّی وَ مِنْ عَلِیٍّ وَ فَاطِمَةَ: الْحُسَیْنَ، فَدَعَاهُ فَأَطَاعَهُ، ثُمَّ سَمَّانَا بِخَمْسَةِ أَسْمَاءٍ مِنْ أَسْمَائِهِ، فَاللَّهُ الْمَحْمُودُ وَ أَنَا مُحَمَّدٌ، وَ اللَّهُ الْعَالِیُّ وَ هَذَا عَلِیٌّ، وَ اللَّهُ الْفَاطِرُ وَ هَذِهِ فَاطِمَةُ، وَ اللَّهُ ذُو الْإِحْسَانِ وَ هَذَا الْحَسَنُ، وَ اللَّهُ الْمُحْسِنُ وَ هَذَا الْحُسَیْنُ، ثُمَّ خَلَقَ مِنَّا وَ مِنْ نُورِ الْحُسَیْنِ: تِسْعَةَ أَئِمَّةٍ، فَدَعَاهُمْ فَأَطَاعُوهُ، قَبْلَ أَنْ یَخْلُقَ سَمَاءً مَبْنِیَّةً، وَ أَرْضاً مَدْحِیَّةً، وَ لَا مَلَکاً وَ لَا بَشَراً، وَ کُنَّا نُوراً نُسَبِّحُ اللَّهَ، وَ نَسْمَعُ لَهُ وَ نُطِیعُ، قَالَ سَلْمَانُ: فَقُلْتُ: یَا رَسُولَ اللَّهِ! بِأَبِی أَنْتَ وَ أُمِّی، فَمَا لِمَنْ عَرَفَ هَؤُلَاءِ؟ فَقَالَ: یَا سَلْمَانُ! مَنْ عَرَفَهُمْ حَقَّ مَعْرِفَتِهِمْ، وَ اقْتَدَی بِهِمْ، وَ وَالَی وَلِیَّهُمْ، وَ تَبَرَّأَ مِنْ عَدُوِّهِمْ، فَهُوَ وَ اللَّهِ مِنَّا، یَرِدُ حَیْثُ نَرِدُ، وَ یَسْکُنُ حَیْثُ نَسْکُنُ، فَقُلْتُ: یَا رَسُولَ اللَّهِ! وَ هَلْ یَکُونُ إِیمَانٌ بِهِمْ بِغَیْرِ مَعْرِفَةٍ بِأَسْمَائِهِمْ وَ أَنْسَابِهِمْ؟ فَقَالَ: لَا، یَا سَلْمَانُ! فَقُلْتُ: یَا رَسُولَ اللَّهِ! فَأَنَّی لِی بِهِمْ وَ قَدْ عَرَفْتُ إِلَی الْحُسَیْنِ؟

قَالَ: ثُمَّ سَیِّدُ الْعَابِدِینَ عَلِیُّ بْنُ الْحُسَیْنِ، ثُمَّ ابْنُهُ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِیٍّ بَاقِرُ عِلْمِ الْأَوَّلِینَ وَ الْآخِرِینَ مِنَ النَّبِیِّینَ وَ الْمُرْسَلِینَ، ثُمَّ ابْنُهُ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ لِسَانُ اللَّهِ الصَّادِقُ، ثُمَّ ابْنُهُ مُوسَی بْنُ جَعْفَرٍ الْکَاظِمُ غَیْظَهُ صَبْراً فِی اللَّهِ عز و جل ، ثُمَّ ابْنُهُ عَلِیُّ بْنُ مُوسَی الرِّضَیُّ لِأَمْرِ اللَّهِ، ثُمَّ ابْنُهُ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِیٍّ الْمُخْتَارُ مِنْ خَلْقِ اللَّهِ، ثُمَّ ابْنُهُ عَلِیُّ بْنُ مُحَمَّدٍ الْهَادِی إِلَی اللَّهِ، ثُمَّ ابْنُهُ الْحَسَنُ بْنُ عَلِیٍّ الصَّامِتُ الْأَمِینُ لِسِرِّ اللَّهِ، ثُمَّ ابْنُهُ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الْهَادِی الْمَهْدِیُّ النَّاطِقُ الْقَائِمُ بِحَقِّ اللَّهِ، ثُمَّ قَالَ: یَا سَلْمَانُ! إِنَّکَ مُدْرِکُهُ، وَ مَنْ کَانَ مِثْلَکَ، وَ مَنْ تَوَلَّاهُ بِحَقِیقَةِ الْمَعْرِفَةِ، قَالَ سَلْمَانُ: فَشَکَرْتُ اللَّهَ کَثِیراً، ثُمَّ قُلْتُ: یَا رَسُولَ اللَّهِ! وَ إِنِّی مُؤَجَّلٌ إِلَی عَهْدِهِ؟

قَالَ: یَا سَلْمَانُ! اقْرَأْ: «فَإِذا جاءَ وَعْدُ أُولاهُما بَعَثْنا عَلَیْکُمْ عِباداً لَنا أُولِی بَأْسٍ شَدِیدٍ فَجاسُوا خِلالَ الدِّیارِ وَ کانَ وَعْداً مَفْعُولًا»، «ثُمَّ رَدَدْنا لَکُمُ الْکَرَّةَ عَلَیْهِمْ وَ أَمْدَدْناکُمْ بِأَمْوالٍ وَ بَنِینَ وَ جَعَلْناکُمْ أَکْثَرَ نَفِیراً».

قَالَ سَلْمَانُ: فَاشْتَدَّ بُکَائِی وَ شَوْقِی، ثُمَّ قُلْتُ: یَا رَسُولَ اللَّهِ! أَ بِعَهْدٍ مِنْکَ؟ فَقَالَ: إِی، وَ اللَّهِ! الَّذِی أَرْسَلَ مُحَمَّداً بِالْحَقِّ، مِنِّی وَ مِنْ عَلِیٍّ وَ فَاطِمَةَ وَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَیْنِ وَ التِّسْعَةِ، وَ کُلِّ مَنْ هُوَ مِنَّا وَ مَعَنَا، وَ مُضَامٍ فِینَا، إِی وَ اللَّهِ! یَا سَلْمَانُ! وَ لَیُحْضُرَنَّ إِبْلِیسُ وَ جُنُودُهُ، وَ کُلُّ مَنْ مَحَضَ الْإِیمَانَ مَحْضاً وَ مَحَضَ الْکُفْرَ مَحْضاً، حَتَّی یُؤْخَذَ بِالْقِصَاصِ وَ الْأَوْتَارِ، وَ لَا یَظْلِمُ رَبُّکَ أَحَداً، وَ یُحَقِّقُ تَأْوِیلَ هَذِهِ الْآیَةِ: «وَ نُرِیدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَی الَّذِینَ اسْتُضْعِفُوا فِی الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوارِثِینَ» ، «وَ نُمَکِّنَ لَهُمْ فِی الْأَرْضِ وَ نُرِیَ فِرْعَوْنَ وَ هامانَ وَ جُنُودَهُما مِنْهُمْ ما کانُوا یَحْذَرُونَ»، قَالَ سَلْمَانُ: فَقُمْتُ مِنْ بَیْنِ یَدَیْ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم وَ مَا یُبَالِی سَلْمَانُ مَتَی لَقِیَ الْمَوْتَ، أَوْ الْمَوْتُ لَقِیَهُ.۲۴۷

از سلمان فارسی روایت است که گفت: وارد شدم بر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم چون نظرشان به من افتاد فرمودند: ای سلمان! خدای تعالی هیچ پیغمبر و رسولی را مبعوث نفرموده جز اینکه برای او دوازده نقیب قرار داده است، عرض کردم: ای رسول خدا! این مطلب را از اهل کتاب تورات و انجیل دانسته‌ام، نقبای شما کیانند؟

حضرت فرمودند: ای سلمان! خداوند مرا از برگزیده‌ی نور خود آفرید، پس مرا خواند و من اطاعتش کردم، و علی را از نور من آفرید، پس او را خواند و او اطاعتش کرد، و از نور من و علی، فاطمه را آفرید، سپس او را خواند و او اطاعت کرد، و از من و علی و فاطمه حسن را آفرید و خواندش و او اطاعت کرد، و از من و علی و فاطمه و حسن، حسین را آفرید و او را خواند وی اطاعت کرد، و ما را به پنج نام از نامهای خودش نام نهاد، خدا محمود است و من محمّد، خدا عالی است و این علی، خدا فاطر است و این فاطمه، خدا احسان است و این حسن، خدا محسن است و این حسین، پس از آن خداوند از ما و از صلب حسین نُه امام آفرید و آنان را خواند آنها اطاعت کردند، و این پیش از آن بود که خداوند آسمان افراشته و زمین پهناور یا هوا یا ملک یا آب یا بشری را

بیافریند، و ما به علم او نوری بودیم که وی را تسبیح می‌نمودیم، و دستورات و فرامین او را می‌شنیدیم و اطاعت می‌کردیم.
سلمان عرض کرد: ای رسول خدا! پدر و مادرم به فدایت! چه ثواب و اجری است برای کسی که ایشان را بشناسد؟ حضرت فرمودند: ای سلمان! هر که ایشان را بشناسد و به حقیقت معرفت به آنان پیدا کند، و از ایشان پیروی کند، و دوست بدارد هر که آنان را دوست دارد، و دشمن بدارد دشمنان آنها را، او به خدا سوگند! از ما است، وارد شود هر کجا که ما وارد شویم، و منزل کند هر جا که ما منزل کنیم، عرض کردم: ای رسول خدا! آیا بدون شناختن نامهای ایشان ایمان به آنها کافی است؟ فرمودند: نه، ای سلمان! عرض کردم: ای رسول خدا! من تا حسین بیش نشناسم، بقیّه را از چه راهی بشناسم؟ حضرت فرمودند: پس از حسین آقای عبادت کنندگان فرزندش علی بن الحسین، سپس محمد بن علی باقر (شکافنده‌ی) علم اولین و آخرین از پیغمبران و مرسلین، و پس از او جعفر بن محمد صادق، زبان گویای خدا، سپس موسی بن جعفر کاظم فرو نشاننده‌ی غیظ و غضب خود به بردباری در راه خدای عز و جل ، سپس علی بن موسی الرضا راضی به امر پروردگار، سپس محمد بن علی برگزیده از خلق خدا، و پس از او علی بن محمد راهنمای به سوی خدا، سپس حسن بن علی صامت (خاموش) و امین بر اسرار خدا، پس از او محمد بن الحسن مهدی و هادی و ناطق و قائم به امر خدای عز و جل .
سلمان گوید: گریان شدم و عرض کردم: سلمان کجاست که او را درک کند؟
حضرت به من فرمودند: تو و امثال تو از کسانی هستید که به حقیقت شناسایی و معرفت، آنها را دوست دارید و او را درک کنید.
سلمان گوید: خدای را بسیار سپاسگزاری کردم سپس عرض کردم: ای رسول خدا! آیا من به زمان او می‌رسم؟
فرمودند: ای سلمان! بخوان این آیه را: «پس گاهی که آید وعده نخستین آنها برانگیزیم بر شما بندگانی از ما دارندگان نیرویی سخت»، «پس بگردند میان شهرها و بوده است وعده شدنی»، «پس بازگردانیم برای شما تاختن را بر ایشان و کمک دادیم شما را به مالها و پسرانی و گردانیم شما را فزونتر در گروه»،
پس گریه‌ی شوقم شدید شد و عرض کردم: ای رسول خدا! در حضور شما است؟ فرمودند: آری، به خدایی که محمد را فرستاده! با حضور من و علی و فاطمه و حسن و حسین و نه امام، و هر مؤمنی که در باره‌ی ما به او ستم شده است می‌باشد، آری، به خدا سوگند! ای سلمان! سپس شیطان و لشکریانش، و هم چنین هر مؤمن خالص و هر کافر خالصی بیایند تا قصاص و انتقام ظلم‌ها و خونها گرفته شود و خداوند احدی را ستم نکند، و مائیم تأویل این آیه‌ی شریفه:
«و اراده کنیم که منّت نهیم بر آنان که ناتوان شمرده شدند در زمین و بگردانیمشان ارث برندگان و فرمانرواییشان دهیم در زمین و بنمایانیم فرعون و هامان و سپاهیان ایشان را از آنچه می‌ترسیدند»،
سلمان گوید: از نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم برخاستم و عرض کردم: هر زمان مرگ بیاید سلمان باکی ندارد.

شماره: ۱۴۰: رجعت فرعون و هامان قریش

کد آیه: ۶ / ۲۸
{وَ نُمَكِّنَ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَ نُرِيَ فِرْعَوْنَ وَ هامانَ وَ جُنُودَهُما مِنْهُمْ ما كانُوا يَحْذَرُونَ}
و حکومتشان را در زمین پابرجا سازیم و به فرعون و هامان و لشکریانشان، آنچه را از آنها [بنی اسرائیل] بیم داشتند نشان دهیم!
رُوی عَن الباقِر و الصادِق علیهما السلام : أنَّ فِرعَون وَ هامان هُنا هُما شَخصان مِن جَبابِرَةِ قُرَیش، یُحییهِما الله تَعالی عِندَ قیامِ القائِم مِن آلِ مُحَمَّدٍ علیهم السلام، فِی آخِرِ الزَّمان، فَینتَقِمُ مِنهُما بِما أسلَفه.۲۴۸
از امام محمد باقر علیه السلام و امام جعفر صادق علیه السلام در تاویل این آیه، روایت شده که: مراد از «فرعون و هامان» در این آیه، دو مرد جبّار و ظالم از قریش هستند، که خداوند آن دو را هنگام ظهور حضرت مهدی علیه السلام زنده می‌گرداند و حضرت

از آن دو انتقام می گیرد.

شماره: ۱۴۱: رجعت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم

کد آیه: ۸۵ / ۲۸

{إِنَّ الَّذِی فَرَضَ عَلَیْکَ الْقُرْآنَ لَرادُّکَ إِلی مَعادٍ...}

آن کس که قرآن را بر تو فرض کرد، تو را به جایگاهت بازمی گرداند! ...

۱ ـ عَنْ أَبِی خَالِدٍ الْکَابُلِیِّ عَنْ عَلِیِّ بْنِ الْحُسَیْنِ علیهما السلام ، فِی قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَ: «إِنَّ الَّذِی فَرَضَ عَلَیْکَ الْقُرْآنَ لَرادُّکَ إِلی مَعادٍ»، قَالَ: یَرْجِعُ فِیهِ إِلَیْکُمْ نَبِیُّکُمْ صلی الله علیه و آله و سلم وَ أَمِیرُ الْمُؤْمِنِینَ علیه السلام وَ الْأَئِمَّةُ علیهم السلام . ۲۴۹

از ابو خالد کابلی روایت است که امام سجاد علیه السلام ، درباره‌ی قول خداوند عز و جل : «إِنَّ الَّذِی فَرَضَ عَلَیْکَ الْقُرْآنَ لَرادُّکَ إِلی مَعادٍ»، فرمودند: اشاره به زمانی است که پیامبرتان صلی الله علیه و آله و سلم و امیر المؤمنین علیه السلام و ائمه علیهم السلام در آن برمی گردند.

۲ ـ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ حَرِیزٍ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام، قَالَ: سُئِلَ عَنْ جَابِرٍ، فَقَالَ: رَحِمَ اللَّهُ جَابِراً بَلَغَ مِنْ فِقْهِهِ أَنَّهُ کَانَ یَعْرِفُ تَأْوِیلَ هَذِهِ الْآیَةِ: «إِنَّ الَّذِی فَرَضَ عَلَیْکَ الْقُرْآنَ لَرادُّکَ إِلی مَعادٍ»، یَعْنِی الرَّجْعَةَ. ۲۵۰

از حماد از حریز روایت نموده که، از حضرت امام محمد باقر علیه السلام، درباره‌ی جابر سوال شد؟ حضرت فرمودند: خداوند جابر را رحمت فرماید! علمش به جائی رسیده بود که تأویل این آیه را می‌دانست: «آن‌کس که این قرآن را به عهده تو گذاشت به بازگشتگاهی خواهدت برد»، یعنی می‌دانست که مربوط به رجعت است.

شماره: ۱۴۲: وجه الله

کد آیه: ۸۸ / ۲۸

{وَ لا تَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلهاً آخَرَ لا إِلهَ إِلاَّ هُوَ کُلُّ شَیْءٍ هالِکٌ إِلاَّ وَجْهَهُ لَهُ الْحُکْمُ وَ إِلَیْهِ تُرْجَعُونَ}

معبود دیگری را با خدا مخوان، که هیچ معبودی جز او نیست همه چیز جز ذات (پاک) او فانی می‌شود حاکمیت تنها از آن اوست و همه بسوی او بازگردانده می شوید!

عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام فِی قَوْلِ اللَّهِ عز و جل: «کُلُّ شَیْءٍ هالِکٌ إِلَّا وَجْهَهُ»، قَالَ: نَحْنُ الْوَجْهُ الَّذِی یُؤْتَی اللَّهُ عز و جل مِنْهُ.۲۵۱

از امام صادق علیه السلام در تفسیر قول خدای تعالی: «کُلُّ شَیْءٍ هالِکٌ إِلَّا وَجْهَهُ»، روایت است که فرمودند: ما آن وجهی هستیم که از جانب آن به نزد خدای تعالی درآیند.

شماره: ۱۴۳: نصرت پروردگار

کد آیه: ۱۰ / ۲۹

{وَ مِنَ النَّاسِ مَنْ یَقُولُ آمَنَّا بِاللَّهِ فَإِذا أُوذِیَ فِی اللَّهِ جَعَلَ فِتْنَةَ النَّاسِ کَعَذابِ اللَّهِ وَ لَئِنْ جاءَ نَصْرٌ مِنْ رَبِّکَ لَیَقُولُنَّ إِنَّا کُنَّا مَعَکُمْ أَ وَ لَیْسَ اللَّهُ بِأَعْلَمَ بِما فی صُدُورِ الْعالَمینَ}

و از مردم کسانی هستند که می گویند: «به خدا ایمان آورده‌ایم!» اما هنگامی که در راه خدا شکنجه و آزار می‌بینند، آزار مردم را همچون عذاب الهی می‌شمارند ولی هنگامی که پیروزی از سوی پروردگارت (برای شما) بیاید، می گویند: «ما هم با شما بودیم (و در این پیروزی شریکیم)»!! آیا خداوند به آنچه در سینه‌های جهانیان است آگاه‌تر نیست؟!

قال علی بن إبراهیم فی تفسیر: «وَ لَئِنْ جاءَ نَصْرٌ مِنْ رَبِّکَ»، یعنی القائم علیه السلام .۲۵۲

علی بن ابراهیم در تفسیر آیه: «لَئِنْ جاءَ نَصْرٌ مِنْ رَبِّکَ»، روایت می‌کند از امام صادق علیه السلام که حضرت فرمودند: نصرت خداوند در این آیه حضرت قائم علیه السلام می باشد.

شماره: ۱۴۴: اوتوا العلم

کد آیه: ۴۹ / ۲۹

{بَلْ هُوَ آیاتٌ بَیِّناتٌ فِی صُدُورِ الَّذِینَ أُوتُوا الْعِلْمَ وَ ما یَجْحَدُ بِآیاتِنا إِلَّا الظَّالِمُونَ}

ولی این آیات روشنی است که در سینه دانشوران جای دارد و آیات ما را جز ستمگران انکار نمی‌کنند!

۱ ـ عَنْ عَبْدِ الْعَزِیزِ الْعَبْدِیِّ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام، عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عز و جل: «بَلْ هُوَ آیاتٌ بَیِّناتٌ فِی صُدُورِ الَّذِینَ أُوتُوا الْعِلْمَ»، قَالَ: هُمُ الْأَئِمَّةُ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ علیهم السلام .۲۵۳

عبد العزیز عبدی می گوید: از امام صادق علیه السلام در باره‌ی آیه‌ی: «بَلْ هُوَ آیاتٌ بَیِّناتٌ فِی صُدُورِ الَّذِینَ أُوتُوا الْعِلْمَ»، سؤال کردم، حضرت فرمودند: ایشان ائمه از آل محمد علیهم السلام هستند.

۲ ـ عَنْ عَلِیِّ بْنِ أَسْبَاطٍ قَالَ: سَأَلَ رَجُلٌ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام، عَنْ قَوْلِهِ عَزَّ وَ جَلَ: «بَلْ هُوَ آیاتٌ بَیِّناتٌ فِی صُدُورِ الَّذِینَ أُوتُوا الْعِلْمَ»، قَالَ: نَحْنُ هُمْ، فَقَالَ الرَّجُلُ: جُعِلْتُ فِدَاکَ! مَتَى یَقُومُ الْقَائِمُ؟ قَالَ: کُلُّنَا قَائِمٌ بِأَمْرِ اللَّهِ عز و جل، وَاحِدٍ بَعْدَ وَاحِدٍ، حَتَّى یَجِیءَ صَاحِبُ السَّیْفِ، فَإِذَا جَاءَ صَاحِبُ السَّیْفِ جَاءَ أَمْرٌ غَیْرُ هَذَا.۲۵۴

علی بن اسباط گفت: مردی از حضرت صادق علیه السلام راجع به آیه: «بَلْ هُوَ آیاتٌ بَیِّناتٌ فِی صُدُورِ الَّذِینَ أُوتُوا الْعِلْمَ»، پرسید، حضرت فرمودند: ایشان ما هستیم، عرض کردم: فدایت شوم! کی قائم قیام کند؟ حضرت فرمودند: ما همه قائم به امر خدا هستیم، یکی پس از دیگری، پس هنگامی که صاحب شمشیر بیاید، امری غیر از این آمده است.

شماره: ۱۴۵: شادی مؤمنین در پیروزی حضرت

کد آیه: ۵ و ۴ / ۳۰

{فی بِضْعِ سِنِینَ لِلَّهِ الْأَمْرُ مِنْ قَبْلُ وَ مِنْ بَعْدُ وَ یَوْمَئِذٍ یَفْرَحُ الْمُؤْمِنُونَ (۴) بِنَصْرِ اللَّهِ یَنْصُرُ مَنْ یَشاءُ وَ هُوَ الْعَزِیزُ الرَّحِیمُ (۵)}

در چند سال همه کارها از آن خداست چه قبل و چه بعد (از این شکست و پیروزی) و در آن روز، مؤمنان خوشحال خواهند شد(۴)به سبب یاری خداوند و او هر کس را بخواهد یاری می‌دهد و او صاحب قدرت و رحیم است!(۵)

۱ ـ عَنْ أَبِی بَصِیر، عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام، قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ تَفْسِیر: «الم، غُلِبَتِ الرُّومُ»، قَالَ: هُمْ بَنُو أُمَیَّةَ، وَ إِنَّمَا أَنْزَلَهَا اللَّهُ: «الم، غُلِبَتِ الرُّومُ»، بَنُو أُمَیَّةَ، «فِی أَدْنَى الْأَرْضِ وَ هُمْ مِنْ بَعْدِ غَلَبِهِمْ سَیَغْلِبُونَ»، «فِی بِضْعِ سِنِینَ لِلَّهِ الْأَمْرُ مِنْ قَبْلُ وَ مِنْ بَعْدُ وَ یَوْمَئِذٍ یَفْرَحُ الْمُؤْمِنُونَ»، «بِنَصْرِ اللَّهِ»، عِنْدَ قِیَامِ الْقَائِمِ علیه السلام .۲۵۵

ابو بصیر گوید از امام صادق علیه السلام در باره‌ی آیه: «غلبت الروم ...» سؤال کردم، حضرت فرمودند: اینها بنی امیه هستند که خداوند در باره‌ی آنها آیه نازل نموده، که اول مغلوب شدند و به فاصله کمی غالب می گردند، بنی امیه بودند که با بعثت پیامبر مغلوب شدند، ولی پس از مدت کمی، بعد غالب گشتند، این پیروزی مدتی ادامه خواهد داشت، که با قیام قائم علیه السلام، آنها شکست نهایی می خورند، و در آن روز مؤمنان شاد و مسرور خواهند شد.

۲ ـ عن یونس بن یعقوب، عن أبی عبد الله الصادق علیه السلام، فی قول الله عز و جل: «یَوْمَئِذٍ یَفْرَحُ الْمُؤْمِنُونَ بِنَصْرِ اللَّهِ»، قال: فی قبورِهِم بِقیامِ القائِم علیه السلام .۲۵۶

یونس بن یعقوب از امام صادق علیه السلام روایت می کند، که حضرت در باره‌ی قول خداوند عز و جل: «یَوْمَئِذٍ یَفْرَحُ الْمُؤْمِنُونَ بِنَصْرِ اللَّهِ»، فرمودند: با قیام قائم علیه السلام مومنین در قبورشان شاد می‌شوند.

شماره: ۱۴۶: حکمت

کد آیه: ۱۲ / ۳۱

{وَ لَقَدْ آتَيْنا لُقْمانَ الْحِكْمَةَ أَنِ اشْكُرْ لِلَّهِ وَ مَنْ يَشْكُرْ فَإِنَّما يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ وَ مَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ حَميد}

ما به لقمان حکمت دادیم (و به او گفتیم:) شکر خدا را به جای آور هر کس شکرگزاری کند، تنها به سود خویش شکر کرده و آن کس که کفران کند، پس خداوند بی‌نیاز و ستوده است.

عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْقَصِيرِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام، قَالَ: قُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! قَوْلُهُ: «وَ لَقَدْ آتَيْنا لُقْمانَ الْحِكْمَةَ»، قَالَ: أُوتِيَ مَعْرِفَةَ إِمَامِ زَمَانِهِ.۲۵۷

علی بن قصیر از حضرت صادق علیه السلام نقل می کند که عرض کردم: فدایت شوم! تفسیر این آیه چیست: «وَ لَقَدْ آتَيْنا لُقْمانَ الْحِكْمَةَ»، به لقمان حکمت آموختیم، حضرت فرمودند: یعنی به او شناخت و معرفت امام زمانش را عطا نمودیم.

شماره: ۱۴۷: نعمت پنهان

کد آیه: ۲۰ / ۳۱

{أَ لَمْ تَرَوْا أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ ما فِي السَّماواتِ وَ ما فِي الْأَرْضِ وَ أَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعَمَهُ ظاهِرَةً وَ باطِنَةً وَ مِنَ النَّاسِ مَنْ يُجادِلُ فِي اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَ لا هُدىً وَ لا كِتابٍ مُنيرٍ}

آیا ندیدید خداوند آنچه را در آسمانها و زمین است مسخّر شما کرده، و نعمتهای آشکار و پنهان خود را به طور فراوان بر شما ارزانی داشته است؟! ولی بعضی از مردم بدون هیچ دانش و هدایت و کتاب روشنگری درباره خدا مجادله می‌کنند!

عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ زِيَادٍ الْأَزْدِيِّ قَالَ: سَأَلْتُ سَيِّدِي مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ علیهما السلام، عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عز و جل: «وَ أَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعَمَهُ ظاهِرَةً وَ باطِنَةً»، فَقَالَ: النِّعْمَةُ الظَّاهِرَةُ الْإِمَامُ الظَّاهِرُ، وَ البَاطِنَةُ الْإِمَامُ الْغَائِبُ، فَقُلْتُ لَهُ: وَ يَكُونُ فِي الْأَئِمَّةِ مَنْ يَغِيبُ؟ قَالَ: نَعَمْ، يَغِيبُ عَنْ أَبْصَارِ النَّاسِ شَخْصُهُ، وَ لَا يَغِيبُ عَنْ قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ ذِكْرُهُ، وَ هُوَ الثَّانِي عَشَرَ مِنَّا، يُسَهِّلُ اللَّهُ لَهُ كُلَّ عَسِيرٍ، وَ يُذَلِّلُ لَهُ كُلَّ صَعْبٍ، وَ يُظْهِرُ لَهُ كُنُوزَ الْأَرْضِ، وَ يُقَرِّبُ لَهُ كُلَّ بَعِيدٍ، وَ يُبِيرُ بِهِ كُلَّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ، وَ يُهْلِكُ عَلَى يَدِهِ كُلَّ شَيْطَانٍ مَرِيدٍ، ذَاكَ ابْنُ سَيِّدَةِ الْإِمَاءِ، الَّذِي يَخْفَى عَلَى النَّاسِ وِلَادَتُهُ، وَ لَا يَحِلُّ لَهُمْ تَسْمِيَتُهُ، حَتَّى يُظْهِرَهُ اللَّهُ عز و جل ، فَيَمْلَأَ بِهِ الْأَرْضَ قِسْطاً وَ عَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ جَوْراً وَ ظُلْما.۲۵۸

محمد بن زیاد ازدی گوید: از آقای خودم موسی بن جعفر علیهما السلام ، از تفسیر قول خدای عز و جل: «و فرود آورد بر شما نعمتهای خود را آشکار و نهان»، پرسیدم، حضرت فرمودند: نعمت آشکار امام آشکار است، و نعمت نهان امام غائب است، عرض کردم: در میان امامان کسی هست که غائب شود؟ حضرت فرمودند: آری، شخص او از دیده‌ها نهان گردد ولی یاد وی از دلهای مؤمنان پنهان نشود، و او دوازدهمین از ما باشد، خدا هر کار سختی را برای او هموار کند، و هر طغیانگری را در برابر او رام کند، و گنجهای زمین را برای او آشکار سازد، و هر دوری را به او نزدیک کند، و هر جبّار و سرکشی را به دست او نابود سازد، و هر شیطان متمرّدی به دست وی نابود گردد، او است فرزند بهترین کنیزان، آنکه تولدش بر مردم نهان باشد، بردن نامش برای ایشان روا نباشد، تا خدا آشکارش کند، و زمین را پر از عدل و داد کند چنانچه پر از جور و ستم شده باشد.

شماره: ۱۴۸: عذاب بزرگ

کد آیه: ۲۱ / ۳۲

{وَ لَنُذِيقَنَّهُمْ مِنَ الْعَذابِ الْأَدْنى دُونَ الْعَذابِ الْأَكْبَرِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ}

به آنان از عذاب نزدیک (عذاب این دنیا) پیش از عذاب بزرگ (آخرت) می‌چشانیم، شاید بازگردند!

۱ ـ عَن مُفضَّل بن عُمَر فِي خَبَرٍ طَويل وَ سُؤالاتٍ مُتعدِّده عَن الصّادِقِ عليه السلام ... قَالَ الْمُفَضَّلُ: يَا مَوْلَايَ! إِنَّ مِنْ شِيعَتِكُمْ مَنْ لَا يَقُولُ بِرَجْعَتِكُمْ، فَقَالَ عليه السلام: إِنَّمَا سَمِعُوا قَوْلَ جَدِّنَا رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه و آله و سلم، وَ نَحْنُ سَائِرَ الْأَئِمَّةِ نَقُولُ: «وَ لَنُذِيقَنَّهُمْ مِنَ الْعَذابِ الْأَدْنى دُونَ الْعَذابِ الْأَكْبَرِ»، قَالَ الصَّادِقُ عليه السلام: الْعَذَابُ الْأَدْنَى عَذَابُ الرَّجْعَةِ، وَ الْعَذَابُ الْأَكْبَرُ عَذَابُ يَوْمِ الْقِيَامَةِ، الَّذِي تُبَدَّلُ الْأَرْضُ غَيْرَ الْأَرْضِ وَ السَّماواتُ وَ بَرَزُوا لِلَّهِ الْواحِدِ الْقَهَّارِ...۲۵۹

در خبری طولانی مفضل بن عمر از امام صادق علیه السلام سوالاتی نموده ... مفضل گوید، عرض کرد: آقای من! بعضی از شیعیان شما عقیده به رجعت شما ندارند، حضرت فرمودند: آیا آنها سخن جدّ ما پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم و گفته ما ائمه را نشنیده‌اند که می‌گوئیم: «وَ لَنُذِيقَنَّهُمْ مِنَ الْعَذابِ الْأَدْنى دُونَ الْعَذابِ الْأَكْبَرِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ»، یعنی: به جای عذاب بزرگتر، عذاب نزدیکتر به آنها می‌چشانیم تا شاید برگردند، ای مفضل! عذاب نزدیکتر رجعت آل محمد علیهم السلام است و عذاب بزرگتر عذاب روز قیامت است، که خدا می‌فرماید: «يَوْمَ تُبَدَّلُ الْأَرْضُ غَيْرَ الْأَرْضِ وَ السَّماواتُ وَ بَرَزُوا لِلَّهِ الْواحِدِ الْقَهَّارِ»، یعنی: قیامت روزی است که اوضاع زمین و آسمانها دگرگون می‌گردد و همه در پیشگاه خداوند حاضر می‌شوند ...

۲ ـ عَنْ مُفَضَّلِ بْنِ عُمَر قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عز و جل: «وَ لَنُذِيقَنَّهُمْ مِنَ الْعَذابِ الْأَدْنى دُونَ الْعَذابِ الْأَكْبَرِ»، قَالَ: الْأَدْنَى غَلَاءُ السِّعْرِ وَ الْأَكْبَرُ الْمَهْدِيُّ بِالسَّيْفِ.۲۶۰

از مفضل بن عمر روایت است که گفت: از حضرت صادق علیه السلام این آیه را پرسیدم، حضرت فرمودند: عذاب نزدیکتر گرانی نرخها و عذاب بزرگتر قیام مهدی موعود علیه السلام با شمشیر است.

شماره: ۱۴۹: روز فتح و پیروزی

کد آیه: ۲۹ / ۳۲

{قُلْ يَوْمَ الْفَتْحِ لا يَنْفَعُ الَّذِينَ كَفَرُوا إِيمانُهُمْ وَ لا هُمْ يُنْظَرُونَ}

بگو: «روز پیروزی، ایمان آوردن، سودی به حال کافران نخواهد داشت و به آنها هیچ مهلت داده نمی‌شود!»

عَنِ ابْنِ دَرَّاجٍ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام، يَقُولُ: فِي قَوْلِ اللَّهِ عز و جل: «قُلْ يَوْمَ الْفَتْحِ لا يَنْفَعُ الَّذِينَ كَفَرُوا إِيمانُهُمْ وَ لا هُمْ يُنْظَرُونَ»، قَالَ: يَوْمُ الْفَتْحِ يَوْمٌ تُفَتَّحُ الدُّنْيَا عَلَى الْقَائِمِ عليه السلام، لَا يَنْفَعُ أَحَداً تَقَرَّبَ بِالْإِيمَانِ مَا لَمْ يَكُنْ قَبْلَ ذَلِكَ مُؤْمِناً، وَ بِهَذَا الْفَتْحِ مُوقِناً، فَذَلِكَ الَّذِي يَنْفَعُهُ إِيمَانُهُ، وَ يَعْظُمُ عِنْدَ اللَّهِ قَدْرُهُ وَ شَأْنُهُ، وَ تُزَخْرَفُ لَهُ يَوْمَ الْبَعْثِ جِنَانُهُ وَ تَحْجُبُ عَنْهُ فِيهِ نِيرَانُهُ.۲۶۱

از ابن درّاج روایت است که گوید: شنیدم امام صادق علیه السلام، درباره‌ی قول خداوند عز و جل: «قُلْ يَوْمَ الْفَتْحِ لا يَنْفَعُ الَّذِينَ كَفَرُوا إِيمانُهُمْ وَ لا هُمْ يُنْظَرُونَ» فرمودند: روز پیروزی روزی است که دنیا بر روی حضرت قائم علیه السلام گشوده می شود، کسی که پیش از آن هنگام، مؤمن نبوده، و بعد از این فتح یقین کند و ایمان آورد، ایمانش نفعی به حالش نخواهد داشت، ولی هرکه پیش از آن ایمان داشته و منتظر ظهورش بوده، ایمانش برایش سودمند خواهد بود، و خداوند مقام و شأنش را نزد امام قائم علیه السلام بزرگ خواهد ساخت، و روز قیامت و رستاخیز بهشتش را برایش زینت خواهد کرد، و آتشش را از وی محجوب خواهد فرمود.

شماره: ۱۵۰: میثاق

کد آیه: ۷ / ۳۳

{وَ إِذْ أَخَذْنا مِنَ النَّبِيِّينَ مِيثاقَهُمْ وَ مِنْكَ وَ مِنْ نُوحٍ وَ...}

(به خاطر آور) هنگامی را که از پیامبران پیمان گرفتیم، و (همچنین) از تو و از نوح و ابراهیم و موسی و عیسی بن مریم، و ما از همه آنان پیمان محکمی گرفتیم!

عن الصَّادِقِ علیه السلام قَالَ النَّبِيُّ صلی الله علیه و آله و سلم: إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى أَخَذَ مِيثَاقِي، وَ مِيثَاقَ اثْنَيْ عَشَرَ إِمَاماً بَعْدِي، وَ هُمْ حُجَجُ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ، الثَّانِي عَشَرَ مِنْهُمْ الْقَائِمُ، الَّذِي يَمْلَأُ بِهِ الْأَرْضَ قِسْطاً وَ عَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ ظُلْماً وَ جَوْرا.۲۶۲

از امام صادق علیه السلام حدیث است که پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: خداوند متعال، برای من و دوازده امام بعد از من، پیمان گرفت، و آنها حجتهای خدا بر خلق هستند، دوازدهمی ایشان، قائم علیه السلام است، که خداوند به وسیله‌ی او، زمین را سرشار از قسط و عدالت می سازد، چنانکه پر از ظلم و جور شده باشد.

شماره: ۱۵۱: شدّت فتنه‌ها و امتحانات قبل از ظهور

کد آیه: ۱۱ / ۳۳

{هُنالِكَ ابْتُلِيَ الْمُؤْمِنُونَ وَ زُلْزِلُوا زِلْزالاً شَدِيداً}

آنجا بود که مؤمنان آزمایش شدند و تکان سختی خوردند!

فِي كِتاب الاحتِجاج للطَبرسی رحمه الله فی حدیثٍ طَویل عن أمیر المؤمنین علیه السلام یقول فیه: ... سَيَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ يَكُونُ الْحَقُّ فِيهِ مَسْتُوراً، وَ الْبَاطِلُ ظَاهِراً مَشْهُوراً، وَ ذَلِكَ إِذَا كَانَ أَوْلَى النَّاسِ بِهِ أَعْدَاهُمْ لَهُ، وَ اقْتَرَبَ الْوَعْدُ الْحَقُّ، وَ عَظُمَ الْإِلْحَادُ وَ ظَهَرَ الْفَسَادُ: «هُنالِكَ ابْتُلِيَ الْمُؤْمِنُونَ وَ زُلْزِلُوا زِلْزالًا شَدِيداً»، وَ نَحَلَهُمُ الْكُفَّارُ أَسْمَاءَ الْأَشْرَارِ فَيَكُونُ جُهْدَ الْمُؤْمِنِ أَنْ يَحْفَظَ مُهْجَتَهُ مِنْ أَقْرَبِ النَّاسِ إِلَيْهِ، ثُمَّ يُتِيحُ اللَّهُ الْفَرَجَ لِأَوْلِيَائِهِ فَيُظْهِرُ صَاحِبُ الْأَمْرِ عَلَى أَعْدَائِهِ، ...۲۶۳

مرحوم طبرسی در کتاب احتجاج در حدیثی طولانی از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام روایت نموده که حضرت فرمودند: ... به زودی زمانی برای مردم فرا می‌رسد که حق در آن زمان پوشیده وباطن آشکار وظاهر شود، و آن زمانی است که سزاوارترین مردم به (زمامداری) دشمنان مردم باشند، و وعده‌ی حق نزدیک گردد، والحاد بزرگ و فساد ظاهر گردد: «در این موقع گرفتاری مؤمنان فرا رسد ودچار لرزه سخت گردند»، و نیکان نامهای بدان را هدیه می دهند، تلاش مؤمن آن خواهد بود که وجود خود را از نزدیکترین کسانش حفظ کند، سپس خدای تعالی درب فرج را برای دوستانش می گشاید، وحضرت صاحب الامر علیه السلام را ظاهر و بر دشمنانش پیروز می گرداند، ...

شماره: ۱۵۲: پاکیزگان

کد آیه: ۳۳ / ۳۳

{... إِنَّما يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ يُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً}

... خداوند فقط می‌خواهد پلیدی و گناه را از شما اهل بیت دور کند و کاملًا شما را پاک سازد.

۱ ـ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ علیهما السلام عَنْ أَبِيهِ عَلِيٍّ علیه السلام قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم فِي بَيْتِ أُمِّ سَلَمَةَ، وَ قَدْ نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ: «إِنَّما يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ يُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً»، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم: يَا عَلِيُّ! هَذِهِ الْآيَةُ نَزَلَتْ فِيكَ وَ فِي سِبْطَيَّ وَ الْأَئِمَّةِ مِنْ وُلْدِكَ، فَقُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! وَ كَمِ الْأَئِمَّةُ بَعْدَكَ؟ قَالَ: أَنْتَ يَا عَلِيُّ، ثُمَّ ابْنَاكَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ، وَ بَعْدَ الْحُسَيْنِ عَلِيٌّ ابْنُهُ، وَ بَعْدَ عَلِيٍّ مُحَمَّدٌ ابْنُهُ، وَ بَعْدَ مُحَمَّدٍ جَعْفَرٌ ابْنُهُ، وَ بَعْدَ جَعْفَرٍ مُوسَى ابْنُهُ، وَ بَعْدَ مُوسَى

عَلِیٌّ ابْنُهُ، وَ بَعْدَ عَلِیٍّ مُحَمَّدٌ ابْنُهُ، وَ بَعْدَ مُحَمَّدٍ عَلِیٌّ ابْنُهُ، وَ بَعْدَ عَلِیٍّ الْحَسَنُ ابْنُهُ، وَ الْحُجَّةُ مِنْ وُلْدِ الْحَسَنِ، هَکَذَا وَجَدْتُ أَسَامِیَهُمْ مَکْتُوبَةً عَلَی سَاقِ الْعَرْشِ، فَسَأَلْتُ اللَّهَ تَعَالَی عَنْ ذَلِکَ، فَقَالَ: یَا مُحَمَّدُ! هُمُ الْأَئِمَّةُ بَعْدَکَ، مُطَهَّرُونَ، مَعْصُومُونَ، وَ أَعْدَاؤُهُمْ مَلْعُونُونَ.۲۶۴

از حسین بن علی علیهما السلام از پدر گرامیشان حضرت علی علیه السلام روایت است که در خدمت رسول خدا به خانه‌ی امّ سلمه رفتم، و آیه ی: «إِنَّما یُرِیدُ اللَّهُ لِیُذْهِبَ عَنْکُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَیْتِ وَ یُطَهِّرَکُمْ تَطْهِیراً»، بر آن حضرت نازل شده بود، رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: یا علی! این آیه در شأن تو و دو فرزندم حسن و حسین و ائمه از اولاد حسین نازل شده، علی علیه السلام گفتند: یا رسول الله! امامان بعد از تو چند نفرند؟ حضرت فرمودند: تو یا علی، و بعد از تو حسن و حسین، و بعد از حسین فرزندش علی ، و بعد از علی پسرش محمد، و بعد از محمد پسر او جعفر، و بعد از جعفر پسرش موسی، و بعد از موسی فرزندش رضا، بعد از رضا پسرش محمد، و بعد از محمد پسرش علی، و بعد از علی پسرش حسن، و بعد از حسن فرزندش حجّت، و این است نامهای ایشان که به ساق عرش نوشته شده است، و من از خدای تعالی سؤال کردم از آنها، فرمود: یا محمد! اینانند امامان بعد از تو که همه مطهّر و معصوم‌اند و دشمنان ایشان همه مطرودند.

۲ ـ عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِیِّ قَالَ: کُنْتُ عِنْدَ النَّبِیِّ صلی الله علیه و آله و سلم فِی بَیْتِ أُمِّ سَلَمَةَ، فَأَنْزَلَ اللَّهُ هَذِهِ الْآیَةَ: «إِنَّما یُرِیدُ اللَّهُ لِیُذْهِبَ عَنْکُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَیْتِ وَ یُطَهِّرَکُمْ تَطْهِیراً»، فَدَعَا النَّبِیُّ صلی الله علیه و آله و سلم بِالْحَسَنِ وَ الْحُسَیْنِ وَ فَاطِمَةَ وَ أَجْلَسَهُمْ بَیْنَ یَدَیْهِ، فَدَعَا عَلِیّاً فَأَجْلَسَهُ خَلْفَ ظَهْرِهِ، وَ قَالَ: اللَّهُمَّ هَؤُلَاءِ أَهْلُ بَیْتِی، فَأَذْهِبْ عَنْهُمُ الرِّجْسَ، وَ طَهِّرْهُمْ تَطْهِیراً، فَقَالَتْ أُمُّ سَلَمَةَ: وَ أَنَا مَعَهُمْ یَا رَسُولَ اللَّهِ؟ فَقَالَ لَهَا: إِنَّکِ إِلَی خَیْرٍ، فَقُلْتُ: یَا رَسُولَ اللَّهِ! لَقَدْ أَکْرَمَ اللَّهُ هَذِهِ الْعِتْرَةَ الطَّاهِرَةَ، وَ الذُّرِّیَّةَ الْمُبَارَکَةَ بِذَهَابِ الرِّجْسِ عَنْهُمْ، قَالَ: یَا جَابِرُ! لِأَنَّهُمْ عِتْرَتِی مِنْ لَحْمِی وَ دَمِی، فَأَخِی سَیِّدُ الْأَوْصِیَاءِ، وَ ابْنَایَ خَیْرُ الْأَسْبَاطِ، وَ ابْنَتِی سَیِّدَةُ النِّسْوَانِ، وَ مِنَّا الْمَهْدِیُّ، قُلْتُ: یَا رَسُولَ اللَّهِ! وَ مَنِ الْمَهْدِیُّ؟ قَالَ: تِسْعَةٌ مِنْ صُلْبِ الْحُسَیْنِ، أَئِمَّةٌ أَبْرَارٌ، وَ التَّاسِعُ قَائِمُهُمْ، یَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطاً وَ عَدْلًا کَمَا مُلِئَتْ جَوْراً، یُقَاتِلُ عَلَی التَّأْوِیلِ کَمَا قَاتَلْتُ عَلَی التَّنْزِیلِ.۲۶۵

جابر بن عبد اللّه انصاری گوید: نزد پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در خانه‌ی امّ سلمه بودم، که خداوند این آیه را بر آن حضرت نازل فرمود: «جز این نیست که خداوند می‌خواهد تا از شما خاندان پلیدی را برطرف کرده و بخوبی شما را پاکیزه گرداند»، پس حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم، حسن و حسین و فاطمه را طلبیدند و جلوی روی خود نشاندند، و علی را طلبیدند، و پشت سر خود نشانده، و عرض کردند: بار پروردگارا! اینان اهل بیت من هستند، از ایشان پلیدی را برطرف فرما، و آنها را به خوبی پاکیزه گردان. امّ سلمه عرض کرد: من هم با ایشانم؟ حضرت فرمودند: عاقبت امر تو بر خیر است (ولی تو از اهل بیت من نیستی)، جابر گوید: عرض کردم: خداوند این عترت پاکیزه و خاندان مبارک را گرامی داشته، پلیدی را از ایشان می‌برد؟ حضرت فرمودند: ای جابر! اینان عترت من و از گوشت و خون من هستند، پس برادرم بهترین اوصیاء، و دو فرزندم بهترین سبطها، و دخترم بانوی زنان عالم است، و از ما است مهدی این امت، عرض کردم: ای رسول خدا! مهدی کیست؟ حضرت فرمودند: نُه نفر از صلب حسین امامان نیکوکار هستند و نُهمی قائم ایشان است، که زمین را از عدل و داد پر کند، و بر تأویل (قرآن) جنگ کند همان طور که من بر تنزیل آن جنگ کردم.

شماره: ۱۵۳: امنیّت یاران حضرت مهدی علیه السلام

کد آیه: ۱۸ / ۳۴

{وَ جَعَلْنا بَیْنَهُمْ وَ بَیْنَ الْقُرَی الَّتی بارَکْنا فیها قُریً ظاهِرَةً وَ قَدَّرْنا فیهَا السَّیْرَ سیرُوا فیها لَیالِیَ وَ أَیَّاماً آمِنینَ}

و ما به میان آنها و شهرهایی که پر از نعمت و برکت گردانیدیم باز قریه‌هایی نزدیک به هم قرار دادیم با فاصله کوتاه و سیر سفری

معیّن (و آنها را گفتیم که) در این ده و شهرهای نزدیک به هم شبها و روزها با ایمنی کامل مسافرت کنید.

عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام، قَالَ: دَخَلَ عَلَیْهِ أَبُو حَنِیفَهَ، فَقَالَ لَهُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام: أَخْبِرْنِی عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عز و جل: «سِیرُوا فِیها لَیالِیَ وَ أَیَّاماً آمِنِینَ»، أَیْنَ ذَلِکَ مِنَ الْأَرْضِ؟ قَالَ: أَحْسَبُهُ مَا بَیْنَ مَکَّهَ وَ الْمَدِینَهِ، فَالْتَفَتَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام إِلَی أَصْحَابِهِ، فَقَالَ: أَ تَعْلَمُونَ أَنَّ النَّاسَ یُقْطَعُ عَلَیْهِمْ بَیْنَ الْمَدِینَهِ وَ مَکَّهَ، فَتُؤْخَذُ أَمْوَالُهُمْ، وَ لَا یَأْمَنُونَ عَلَی أَنْفُسِهِمْ وَ یُقْتَلُونَ، قَالُوا: نَعَمْ، قَالَ: فَسَکَتَ أَبُو حَنِیفَهَ، فَقَالَ: یَا أَبَا حَنِیفَهَ! أَخْبِرْنِی عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَ: «وَ مَنْ دَخَلَهُ کانَ آمِناً»، أَیْنَ ذَلِکَ مِنَ الْأَرْضِ؟ قَالَ: الْکَعْبَهُ، قَالَ: أَ فَتَعْلَمُ أَنَّ الْحَجَّاجَ بْنَ یُوسُفَ حِینَ وَضَعَ الْمَنْجَنِیقَ عَلَی ابْنِ الزُّبَیْرِ فِی الْکَعْبَهِ فَقَتَلَهُ کَانَ آمِناً فِیهَا!؟ قَالَ: فَسَکَتَ، فَلَمَّا خَرَجَ، قَالَ أَبُو بَکْرٍ الْحَضْرَمِیُّ: جُعِلْتُ فِدَاکَ! الْجَوَابُ فِی الْمَسْأَلَتَیْنِ؟ فَقَالَ: یَا أَبَا بَکْرٍ! «سِیرُوا فِیها لَیالِیَ وَ أَیَّاماً آمِنِینَ»، فَقَالَ: مَعَ قَائِمِنَا أَهْلَ الْبَیْتِ، وَ أَمَّا قَوْلُهُ: «وَ مَنْ دَخَلَهُ کانَ آمِناً»، فَمَنْ بَایَعَهُ وَ دَخَلَ مَعَهُ وَ مَسَحَ عَلَی یَدِهِ وَ دَخَلَ فِی عَقْدِ أَصْحَابِهِ، کَانَ آمِناً الْخَبَرَ.۲۶۶

از بعضی اصحاب امام صادق علیه السلام نقل است که روزی ابوحنیفه بر امام صادق علیه السلام وارد شد حضرت به او فرمودند: خبر ده مرا از فرموده‌ی خداوند عز و جل: «سِیرُوا فِیها لَیالِیَ وَ أَیَّاماً آمِنِینَ»، به آنها گفتیم در این ده و شهرهای نزدیک بهم شب‌ها و روزها با ایمنی کامل مسافرت کنید، این قریه‌ها و شهرها در کدام نقطه‌ی زمین هستند؟

ابو حنیفه گفت: تصوّر می‌کنم بین مکّه و مدینه باشند، امام علیه السلام به اصحابشان رو نمودند و فرمودند: شما می‌دانید که در بین مدینه و مکّه راه امن نبوده و قطّاع الطّریق در این جا راه را بر مسافرین می‌بستند و اموالشان را به یغما می‌بردند و آنها هیچ بر نفوس خود اطمینانی نداشته و بسا بود که کشته می‌شدند، پس مقصود حقّ عز و جل این ده و شهرها نمی‌باشد، اصحاب عرض کردند: بلی همین طور است که شما می‌فرمایید. راوی می‌گوید: ابو حنیفه ساکت شد، پس از آن حضرت فرمودند: ای ابو حنیفه! خبر ده مرا از فرموده خدای عز و جل : «وَ مَنْ دَخَلَهُ کانَ آمِناً»، کسی که داخل آن مکان شود در امان می‌باشد، این مکان کدام نقطه‌ی زمین می‌باشد؟ ابو حنیفه گفت: مراد کعبه است، امام علیه السلام فرمودند: آیا می‌دانی حجّاج بن یوسف در کعبه منجنیق قرار داد و ابن زبیر را کُشت پس چطور ابن زبیر در امان قرار نگرفت؟ راوی گفت: ابو حنیفه ساکت شد، پس از اینکه ابوحنیفه رفت، ابو بکر حضرمی به امام صادق علیه السلام عرض کرد: فدایت شوم! جواب این دو مسأله چیست؟

حضرت فرمودند: ای ابو بکر! مقصود از: «سِیرُوا فِیها لَیالِیَ وَ أَیَّاماً آمِنِینَ»، این است که: با قائم ما اهل بیت سیر و مسافرت کنید که در ایمنی کامل می‌باشید، و مراد از: «وَ مَنْ دَخَلَهُ کانَ آمِناً»، این است که هر کس با قائم ما بیعت کرده و در حزب آن حضرت باشد و دست آن بزرگوار را مسح کند و در گروه اصحابش باشد، البته از هر گزندی در امان می‌باشد.

شماره: ۱۵۴: فضیلت صابرین در غیبت

کد آیه: ۲۹ / ۳۴

{وَ یَقُولُونَ مَتی هذَا الْوَعْدُ إِنْ کُنْتُمْ صادِقِینَ}

آنها می‌گویند: «این وعده کی خواهد آمد اگر راست می‌گویید؟!»

«لطفاً به آیه‌ی شماره‌ی ۶۸، کد: ۴۸ / ۱۰ مراجعه فرمائید.»

شماره: ۱۵۵: جنگ با سفیانی

کد آیه:۵۳ تا ۵۱ / ۳۴

{وَ لَوْ تَری إِذْ فَزِعُوا فَلا فَوْتَ وَ أُخِذُوا مِنْ مَکانٍ قَرِیبٍ (۵۱) وَ قالُوا آمَنَّا بِهِ وَ أَنَّی لَهُمُ التَّناوُشُ مِنْ مَکانٍ بَعِیدٍ(۵۲)وَ قَدْ کَفَرُوا بِهِ مِنْ قَبْلُ وَ یَقْذِفُونَ بِالْغَیْبِ مِنْ مَکانٍ بَعِیدٍ (۵۳)}

و اگر ببینی هنگامی که فریادشان بلند می‌شود امّا نمی‌توانند (از عذاب الهی) بگریزند، و آنها را از جای نزدیکی (که حتّی انتظارش را ندارند) می‌گیرند (از درماندگی آنها تعجّب خواهی کرد)! (۵۱) و (در آن حال) می‌گویند: «به حقّ ایمان آوردیم!»، ولی چگونه می‌توانند از فاصله‌ی دور به آن دسترسی پیدا کنند! (۵۲) آنها پیش از این (که در نهایت آزادی بودند) به آن کافر شدند و دورادور، و غائبانه (و بدون آگاهی). نسبت‌های ناروا می‌دادند. (۵۳)

۱ ـ عَنْ أَبِی خَالِدٍ الْکَابُلِیِّ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام، قَالَ: یَخْرُجُ الْقَائِمُ فَیَسِیرُ حَتَّی یَمُرَّ بِمُرٍّ، فَیَبْلُغُهُ أَنَّ عَامِلَهُ قَدْ قُتِلَ، فَیَرْجِعُ إِلَیْهِمْ، فَیَقْتُلُ الْمُقَاتِلَةَ، وَ لَا یَزِیدُ عَلَی ذَلِکَ شَیْئاً، ثُمَّ یَنْطَلِقُ، فَیَدْعُو النَّاسَ، حَتَّی یَنْتَهِیَ إِلَی الْبَیْدَاءِ، فَیَخْرُجُ جَیْشَانِ لِلسُّفْیَانِیِّ، فَیَأْمُرُ اللَّهُ عز و جل الْأَرْضَ أَنْ تَأْخُذَ بِأَقْدَامِهِمْ، وَ هُوَ قَوْلُهُ عَزَّ وَ جَلَ: «وَ لَوْ تَری إِذْ فَزِعُوا فَلا فَوْتَ وَ أُخِذُوا مِنْ مَکانٍ قَرِیبٍ»، «وَ قالُوا آمَنَّا بِهِ»، یَعْنِی: بِقِیَامِ الْقَائِمِ، وَ قَدْ کَفَرُوا بِهِ مِنْ قَبْلُ، یَعْنِی: بِقِیَامِ الْقَائِمِ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ علیهم السلام ...۲۶۷

ابو خالد کابلی از امام محمد باقر علیه السلام روایت نموده که حضرت فرمودند: وقتی قائم ظهور کند همه جا را سیر نموده تا به «مُرّ» (قسمتی از زمین نجد از بلاد مهره واقع در منتهای کشور یمن است) می‌رسد، در آنجا به او می‌گویند: حاکمی که در مکه معیّن کرده بودید کشته شد، قائم علیه السلام از آنجا به مکه برمی‌گردد، و قاتلین را می‌کشد و بیش از این کاری نمی‌کند، سپس به راه می‌افتد و مردم را دعوت به دین خدا می‌نماید، تا اینکه به سرزمین بیداء می‌رسد، در آنجا دو لشکر سفیانی قصد او می‌کنند، ولی خداوند به زمین فرمان می‌دهد از زیر پای آنها فرو رود، و آنها را ببلعد، و این است معنی این آیه‌ی شریفه: «وَ لَوْ تَری إِذْ فَزِعُوا فَلا فَوْتَ وَ أُخِذُوا مِنْ مَکانٍ قَرِیبٍ»، «وَ قالُوا آمَنَّا بِهِ»، یعنی می‌گویند: ایمان آوردیم به قیام قائم، وَ قَدْ کَفَرُوا بِهِ، یعنی: قبلا منکر قیام آل محمد علیهم السلام بودند ...

۲ ـ عَنِ الْحَارِثِ الْهَمْدَانِیِّ عَنْ علی أَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ علیه السلام أَنَّهُ قَالَ: الْمَهْدِیُّ أَقْبَلُ جَعْدٌ بِخَدِّهِ خَالٌ یَکُونُ مَبْدَؤُهُ مِنْ قِبَلِ الْمَشْرِقِ، وَ إِذَا کَانَ ذَلِکَ خَرَجَ السُّفْیَانِیُّ، فَیَمْلِکُ قَدْرَ حَمْلِ امْرَأَةٍ تِسْعَةَ أَشْهُرٍ یَخْرُجُ بِالشَّامِ، فَیَنْقَادُ لَهُ أَهْلُ الشَّامِ إِلَّا طَوَائِفُ مِنَ الْمُقِیمِینَ عَلَی الْحَقِّ یَعْصِمُهُمُ اللَّهُ مِنَ الْخُرُوجِ مَعَهُ، وَ یَأْتِی الْمَدِینَةَ بِجَیْشٍ جَرَّارٍ، حَتَّی إِذَا انْتَهَی إِلَی بَیْدَاءِ الْمَدِینَةِ، خَسَفَ اللَّهُ بِهِ، وَ ذَلِکَ قَوْلُ اللَّهِ عز و جل فِی کِتَابِهِ: «وَ لَوْ تَری إِذْ فَزِعُوا فَلا فَوْتَ وَ أُخِذُوا مِنْ مَکانٍ قَرِیبٍ».۲۶۸

حارث همدانی از امیر المؤمنین علیه السلام روایت کرده، که حضرت فرمودند: مهدی دارای چشمانی جذاب است و موی سرش تابدار است، و بر گونه‌اش یک خال می‌باشد، مبدأ او از سوی مشرق است، و چون چنان شود، سفیانی خروج کند، و به اندازه‌ی دوران بارداری یک زن که نُه ماه است، حکومت خواهد کرد، و در شام خروج می‌کند و مردم شام او را اطاعت می‌کنند، جز چند طایفه از آنان که بر حقّ پایدارند، خداوند آنان را از خروج به همراهی او نگه می‌دارد و با سپاهی بسیار (پر تاخت و تاز) به مدینه می‌آیند تا آنگاه که به دشت بیداء مدینه می‌رسد، خداوند او را به زمین فرو می‌برد، و این همان فرمایش خدای عز و جل است در کتابش: «وَ لَوْ تَری إِذْ فَزِعُوا فَلا فَوْتَ وَ أُخِذُوا مِنْ مَکانٍ قَرِیبٍ».

شماره: ۱۵۶: تمسّک

کد آیه: ۴۱ / ۳۵

{إِنَّ اللَّهَ یُمْسِکُ السَّماواتِ وَ الْأَرْضَ أَنْ تَزُولا وَ لَئِنْ زالَتا إِنْ أَمْسَکَهُما مِنْ أَحَدٍ مِنْ بَعْدِهِ إِنَّهُ کانَ حَلیماً غَفُوراً}

خداوند آسمانها و زمین را نگاه می‌دارد تا از نظام خود منحرف نشوند و هر گاه منحرف گردند، کسی جز او نمی‌تواند آنها را نگاه دارد، او بردبار و غفور است!

عَنْ إِبْرَاهِیمَ بْنِ أَبِی مَحْمُودٍ قَالَ: قَالَ الرِّضَا علیه السلام: نَحْنُ حُجَجُ اللَّهِ فِی أَرْضِهِ، وَ خُلَفَاؤُهُ فِی عِبَادِهِ، وَ أُمَنَاؤُهُ عَلَی سِرِّهِ، وَ نَحْنُ کَلِمَةُ التَّقْوَی، وَ الْعُرْوَةُ الْوُثْقَی، وَ نَحْنُ شُهَدَاءُ اللَّهِ، وَ أَعْلَامُهُ فِی بَرِیَّتِهِ، بِنَا یُمْسِکُ اللَّهُ السَّماواتِ وَ الْأَرْضَ أَنْ تَزُولا، وَ بِنَا یُنْزِلُ الْغَیْثَ، وَ یَنْشُرُ

الرَّحْمَةَ، لَا تَخْلُو الْأَرْضُ مِنْ قَائِمٍ مِنَّا، ظَاهِرٍ أَوْ خَافٍ، وَ لَوْ خَلَتْ يَوْماً بِغَيْرِ حُجَّةٍ، لَمَاجَتْ بِأَهْلِهَا كَمَا يَمُوجُ الْبَحْرُ بِأَهْلِهِ.۲۶۹

ابراهیم بن ابی محمود گوید: امام رضا علیه السلام فرمودند: ما حجّتهای خداوند در میان خلایق، و جانشینان او در میان بندگانش، و امینان خداوند بر اسرارش هستیم، و ما کلمه تقوی، و عروهٔ الوثقی، و گواهان خداوند، و نشانه‌های او در میان آفریدگانش می‌باشیم، خداوند آسمان و زمین را به واسطه‌ی ما نگاه می‌دارد، که زایل نشوند، و به واسطه‌ی ما باران می‌بارد، و رحمت منتشر می‌شود، و زمین هیچگاه از قائمی از ما خالی نیست، که یا آشکار است و یا پنهان، و اگر زمین یک روز از حجّت خالی باشد، زمین و ساکنانش مضطرب می‌شوند، همچنان که دریا و اهلش مضطرب می‌شوند.

شماره: ۱۵۷: وجود حجّت خدا

کد آیه: ۳۰ / ۳۶

{يا حَسْرَةً عَلَى الْعِبادِ ما يَأْتِيهِمْ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا كانُوا بِهِ يَسْتَهْزِؤُنَ}

افسوس بر این بندگان که هیچ پیامبری برای هدایت آنان نیامد مگر اینکه او را استهزا می‌کردند!

عَنِ مُفَضَّلِ بْنِ عُمَر قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام: خَبَرٌ تَدْرِيهِ خَيْرٌ مِنْ عَشَرَةٍ تَرْوِيهِ، إِنَّ لِكُلِّ حَقٍّ حَقِيقَةً، وَ لِكُلِّ صَوَابٍ نُوراً، ثُمَّ قَالَ: إِنَّا وَ اللَّهِ! لَا نَعُدُّ الرَّجُلَ مِنْ شِيعَتِنَا فَقِيهاً، حَتَّى يُلْحَنَ لَهُ، فَيَعْرِفَ اللَّحْنَ، إِنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام قَالَ عَلَى مِنْبَرِ الْكُوفَةِ: وَ إِنَّ مِنْ وَرَائِكُمْ فِتَناً مُظْلِمَةً، عَمْيَاءَ مُنْكَسِفَةً، لَا يَنْجُو مِنْهَا إِلَّا النُّوَمَةُ، قِيلَ: يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ! وَ مَا النُّوَمَةُ؟ قَالَ: الَّذِي يَعْرِفُ النَّاسَ وَ لَا يَعْرِفُونَهُ، وَ اعْلَمُوا أَنَّ الْأَرْضَ لَا تَخْلُو مِنْ حُجَّةٍ لِلَّهِ، وَ لَكِنَّ اللَّهَ سَيُعْمِي خَلْقَهُ مِنْهَا بِظُلْمِهِمْ وَ جَوْرِهِمْ وَ إِسْرَافِهِمْ عَلَى أَنْفُسِهِمْ، وَ لَوْ خَلَتِ الْأَرْضُ سَاعَةً وَاحِدَةً مِنْ حُجَّةٍ لِلَّهِ لَسَاخَتْ بِأَهْلِهَا، وَ لَكِنَّ الْحُجَّةَ يَعْرِفُ النَّاسَ، وَ لَا يَعْرِفُونَهُ، كَمَا كَانَ يُوسُفُ علیه السلام ، يَعْرِفُ النَّاسَ وَ هُمْ لَهُ مُنْكِرُونَ، ثُمَّ تَلَا: «يا حَسْرَةً عَلَى الْعِبادِ ما يَأْتِيهِمْ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا كانُوا بِهِ يَسْتَهْزِؤُن».۲۷۰

مفضّل بن عمر گوید: امام صادق علیه السلام فرمودند: یک خبر که آن را درک می‌کنی بهتر است از ده خبر که صرفا آن را روایت می‌کنی، همانا هر حقّی دارای حقیقتی است، و هر کار درستی را نوری است، سپس فرمودند: و به خدا سوگند! کسی از شیعیان خود را فقیه نمی‌شماریم تا اینکه به رمز، سخنی به او گفته شود، و او آن رمز را دریابد، همانا امیر المؤمنین علیه السلام بر منبر کوفه فرمودند: به راستی که فتنه‌هایی ظلمانی و کدر و تاریکی پشت سر دارید، که جز نومه (کسی که عنوانی در مردم ندارد و به کلّی قدرش مجهول و ناشناخته است)، کسی از آن نجات نمی‌یابد، به آن حضرت عرض شد: ای امیر مؤمنان! نومه چیست؟ حضرت فرمودند: آن کسی است که مردم را می‌شناسد ولی مردم او را نمی‌شناسند، و بدانید که زمین از حجّت خدای عز و جل خالی نمی‌ماند، ولی خدای عزیز به زودی دیده‌ی خلقش را از او نابینا می‌سازد، به خاطر ظلم و جورشان و زیاده‌روی آنان نسبت به خودشان، و اگر زمین یک ساعت از حجّت خدا خالی بماند، اهل خود را فرو می‌برد، لکن آن حجّت مردم را می‌شناسد و آنان او را نمی‌شناسند، چنان که یوسف علیه السلام ، مردم را (برادرانش را) می‌شناخت و آنها او را نمی‌شناختند، سپس آن حضرت این آیه را تلاوت فرمودند: «يا حَسْرَةً عَلَى الْعِبادِ ما يَأْتِيهِمْ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا كانُوا بِهِ يَسْتَهْزِؤُن».

شماره: ۱۵۸: فضیلت صابرین در غیبت

کد آیه: ۴۸ / ۳۶

{وَ يَقُولُونَ مَتى هذَا الْوَعْدُ إِنْ كُنْتُمْ صادِقِينَ}

آنها می‌گویند: «این وعده کی خواهد آمد اگر راست می‌گویید؟!»

«لطفاً به آیه‌ی شماره‌ی ۶۸، کد: ۴۸ / ۱۰ مراجعه فرمائید.»

شماره: ۱۵۹: آقای مردم

کد آیه: ۵۲ / ۳۶

{قالُوا یا وَیْلَنا مَنْ بَعَثَنا مِنْ مَرْقَدِنا هذا ما وَعَدَ الرَّحْمنُ وَ صَدَقَ الْمُرْسَلُونَ}

می گویند: «ای وای بر ما! چه کسی ما را از خوابگاهمان برانگیخت؟! (آری) این همان است که خداوند رحمان وعده داده، و فرستادگان (او) راست گفتند!»

عَنِ الْحَسَنِ بْنِ شَاذَانَ الْوَاسِطِيِّ قَالَ: كَتَبْتُ إِلَى أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا عليه السلام أَشْكُو جَفَاءَ أَهْلِ وَاسِطٍ، وَ حَمْلَهُمْ عَلَيَّ وَ كَانَتْ عِصَابَةٌ مِنَ الْعُثْمَانِيَّةِ تُؤْذِينِي، فَوَقَّعَ بِخَطِّهِ: إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى أَخَذَ مِيثَاقَ أَوْلِيَائِنَا عَلَى الصَّبْرِ، فِي دَوْلَةِ الْبَاطِلِ، «فَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ»، فَلَوْ قَدْ قَامَ سَيِّدُ الْخَلْقِ، لَقَالُوا: «يا وَيْلَنا مَنْ بَعَثَنا مِنْ مَرْقَدِنا هذا ما وَعَدَ الرَّحْمنُ وَ صَدَقَ الْمُرْسَلُونَ».۲۷۱

از حسن بن شاذان واسطی روایت است که گفت: به حضرت رضا علیه السلام نامه‌ای نوشتم، و از ستم اهل واسط و هجومشان بر من شکایت کردم، زیرا جمعی از عثمانیها مرا آزار می‌دادند، آن حضرت به خط شریف خویش مرقوم فرمودند: خداوند از دوستان ما پیمان گرفته که در دولت باطل صبر کنند، پس نسبت به حکم پروردگارت صابر باش، پس آنگاه که سرور خلائق قیام کند، ستمگران می گویند: «ای وای بر ما، که ما را از خوابگاه خویش برانگیخت؟ این همان است که خدای رحمان وعده می‌داد و پیمبران راست می گفتند».(مقصود حضرت از سید الخلق، حضرت قائم علیه السلام می‌باشد)

شماره: ۱۶۰: شیعه

کد آیه: ۸۳ / ۳۷

{وَ إِنَّ مِنْ شِيعَتِهِ لَإِبْراهِيمَ}

و از پیروان او ابراهیم بود.

سَأَلَ جَابِرُ بْنُ يَزِيدَ الْجُعْفِيُّ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ الصَّادِقَ عليهما السلام ، عَنْ تَفْسِيرِ هَذِهِ الْآيَةِ: «وَ إِنَّ مِنْ شِيعَتِهِ لَإِبْراهِيمَ»، فَقَالَ عليه السلام : إِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ لَمَّا خَلَقَ إِبْرَاهِيمَ كَشَفَ لَهُ عَنْ بَصَرِهِ، فَنَظَرَ فَرَأَى نُوراً إِلَى جَنْبِ الْعَرْشِ، فَقَالَ: إِلَهِي! مَا هَذَا النُّورُ؟ فَقِيلَ لَهُ: هَذَا نُورُ مُحَمَّدٍ صَفْوَتِي مِنْ خَلْقِي، وَ رَأَى نُوراً إِلَى جَنْبِهِ، فَقَالَ: إِلَهِي! وَ مَا هَذَا النُّورُ؟ فَقِيلَ لَهُ: هَذَا نُورُ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام نَاصِرِ دِينِي، وَ رَأَى إِلَى جَنْبِهِمْ ثَلَاثَةَ أَنْوَارٍ، فَقَالَ: إِلَهِي! وَ مَا هَذِهِ الْأَنْوَارُ؟ فَقِيلَ لَهُ: هَذَا نُورُ فَاطِمَةَ فَطَمَتْ مُحِبِّيهَا مِنَ النَّارِ وَ نُورُ وَلَدَيْهَا الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ، فَقَالَ: إِلَهِي! وَ أَرَى تِسْعَةَ أَنْوَارٍ قَدْ أَحْدَقُوا بِهِمْ، قِيلَ: يَا إِبْرَاهِيمُ! هَؤُلَاءِ الْأَئِمَّةُ مِنْ وُلْدِ عَلِيٍّ وَ فَاطِمَةَ، فَقَالَ إِبْرَاهِيمُ: إِلَهِي! بِحَقِّ هَؤُلَاءِ الْخَمْسَةِ إِلَّا عَرَّفْتَنِي مِنَ التِّسْعَةِ، قِيلَ: يَا إِبْرَاهِيمُ! أَوَّلُهُمْ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ وَ ابْنُهُ مُحَمَّدٌ وَ ابْنُهُ جَعْفَرٌ وَ ابْنُهُ مُوسَى وَ ابْنُهُ عَلِيٌّ وَ ابْنُهُ مُحَمَّدٌ وَ ابْنُهُ عَلِيٌّ وَ ابْنُهُ الْحَسَنُ وَ الْحُجَّةُ الْقَائِمُ ابْنُهُ، فَقَالَ إِبْرَاهِيمُ: إِلَهِي وَ سَيِّدِي! أَرَى أَنْوَاراً قَدْ أَحْدَقُوا بِهِمْ لَا يُحْصِي عَدَدَهُمْ إِلَّا أَنْتَ، قِيلَ: يَا إِبْرَاهِيمُ! هَؤُلَاءِ شِيعَتُهُمْ، شِيعَةُ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام ، فَقَالَ إِبْرَاهِيمُ: وَ بِمَا تَعْرِفُ شِيعَتَهُ؟ قَالَ: بِصَلَاةِ إِحْدَى وَ خَمْسِينَ، وَ الْجَهْرِ بِبِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ، وَ الْقُنُوتِ قَبْلَ الرُّكُوعِ، وَ التَّخَتُّمِ فِي الْيَمِينِ، فَعِنْدَ ذَلِكَ قَالَ إِبْرَاهِيمُ: اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنْ شِيعَةِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، قَالَ: فَأَخْبَرَ اللَّهُ تَعَالَى فِي كِتَابِهِ، فَقَالَ: «وَ إِنَّ مِنْ شِيعَتِهِ لَإِبْراهِيمَ».۲۷۲

جابر بن یزید جعفی گوید: از حضرت صادق علیه السلام از تفسیر این آیه پرسیدم: «و به درستی که از پیروان اوست ابراهیم»، آن حضرت فرمودند: چون خدای تعالی ابراهیم علیه السلام را آفرید پرده از جلو دیدگانش برداشت، پس نظر کرده، نوری در طرف عرش دید، عرض کرد: بار الها! این چه نوری است؟ به وی گفته شد: این نور محمد صلی الله علیه و آله و سلم برگزیده‌ی من از خلقم می‌باشد، نور دیگری در کنار او دید، عرض کرد: بار الها! این چه نوری است؟ به او گفته شد: این نور علی بن ابی طالب علیه

السلام یاور دین من است، پس سه نور دیگر در کنار آن دو نور دید؛ عرض کرد:بار الها! این نورها چیست؟ به وی گفته شد: اینها نور فاطمه است که دوستانش از آتش جدا شده‌اند، و نور دو فرزندش حسن و حسین است. عرض کرد: بار پروردگارا! نُه نور دیگر می‌بینم که دور آنها احاطه شده است؟ به وی گفته شد: ای ابراهیم! اینها امامان از اولاد علی و فاطمه هستند؛ ابراهیم عرض کرد: بار پروردگارا! به حق این پنج تن آن نُه نفر را به من بشناسان، به وی گفته شد: اول آنها علی بن الحسین، سپس فرزندش محمد بن علی، و فرزندش جعفر، و فرزندش موسی، و فرزندش علی، و فرزندش محمد، و فرزندش علی، و فرزندش حسن، و فرزندش حجت قائم است، ابراهیم عرض کرد: ای پروردگار! و ای آقای من! نورهای زیاد دیگری که شماره‌ی آنها را جز تو کسی نمی‌داند، می‌بینم که اطراف آنها را حلقه‌وار گرفته‌اند؟ به وی گفته شد: اینها پیروان و شیعیان آنها و شیعیان امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیهما السلام هستند، ابراهیم عرض کرد: شیعیان او به چه چیز شناخته می‌شوند؟ به وی گفته شد: پنجاه و یک رکعت نماز گزارند، و بسم اللَّه الرحمن الرحیم را بلند گویند، و پیش از رکوع قنوت بخوانند، و انگشتر در دست راست کنند، در این هنگام حضرت ابراهیم علیه السلام عرض کرد: پروردگارا! مرا از شیعیان امیر المؤمنین علیه السلام قرار ده، و خدای متعال نیز در قرآن از این ماجرا خبر داده، و فرماید: «به درستی که از شیعیان اوست ابراهیم».

شماره: ۱۶۱: صبر کن

کد آیه: ۱۷ / ۳۸

{اصْبِرْ عَلى ما يَقُولُونَ وَ اذْكُرْ عَبْدَنا داوُدَ ذَا الْأَيْدِ إِنَّهُ أَوَّابٌ}

در برابر آنچه می‌گویند شکیبا باش، و به خاطر بیاور بنده ما داوود صاحب قدرت را، که او بسیار توبه‌کننده بود!

عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام ، فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: «اصْبِرْ عَلى ما يَقُولُونَ»، يَا مُحَمَّدُ! مِنْ تَكْذِيبِهِمْ إِيَّاكَ فَإِنِّي مُنْتَقِمٌ مِنْهُمْ بِرَجُلٍ مِنْكَ وَ هُوَ قَائِمِي الَّذِي سَلَّطْتُهُ عَلَى دِمَاءِ الظَّلَمَةِ.۲۷۳

ابو بصیر از حضرت صادق علیه السلام روایت نموده، که حضرت در باره‌ی آیه: «اصْبِرْ عَلى ما يَقُولُونَ»، فرمودند: یعنی ای محمّد! بر تکذیب آنها صبر کن، من انتقام خواهم گرفت به وسیله‌ی مردی از نژاد تو، و او همان قائم من است که مسلّط نموده‌ام او را بر خون ستمگران.

شماره: ۱۶۲: عطای الهی

کد آیه: ۳۹ / ۳۸

{هذا عَطاؤُنا فَامْنُنْ أَوْ أَمْسِكْ بِغَيْرِ حِسابٍ}

(و به او گفتیم:) این عطای ما است، به هر کس می‌خواهی ببخش، و از هر کس می‌خواهی امساک کن، و حسابی بر تو نیست (تو امین هستی)!

عَنْ أَبِي عُبَيْدَةَ الْحَذَّاءِ قَالَ: كُنَّا زَمَانَ أَبِي جَعْفَرٍ حِينَ مَضَى علیه السلام نردد [نَتَرَدَّدُ] كَالْغَنَمِ لَا رَاعِيَ لَهَا، فَلَقِينَا سَالِمَ بْنَ أَبِي حَفْصَةَ، فَقَالَ: يَا أَبَا عُبَيْدَةَ! مَنْ إِمَامُكَ؟ قَالَ: أَئِمَّتِي آلُ مُحَمَّدٍ علیهم السلام ، فَقَالَ: هَلَكْتَ وَ أَهْلَكْتَ، أَ مَا سَمِعْتُ أَنَا وَ أَنْتَ أَبَا جَعْفَرٍ علیه السلام فَهُوَ يَقُولُ: مَنْ مَاتَ لَيْسَ لَهُ إِمَامٌ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً؟! قُلْتُ: بَلَى، لَعَمْرِي لَقَدْ كَانَ ذَلِكَ ثُمَّ بَعْدَ ذَلِكَ بِثَلَاثٍ أَوْ نَحْوِهَا، دَخَلْنَا عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام ، فَرَزَقَ اللَّهُ لَنَا الْمَعْرِفَةَ، فَدَخَلْتُ عَلَيْهِ، فَقُلْتُ لَهُ: لَقِيتُ سَالِماً، فَقَالَ لِي: كَذَا وَ كَذَا، وَ قُلْتُ لَهُ كَذَا وَ كَذَا، فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام : يَا وَيْلٌ لِسَالِمٍ يَا وَيْلٌ لِسَالِمٍ، ثَلَاثَ مَرَّاتٍ، أَ مَا يَدْرِي سَالِمٌ مَا مَنْزِلَةُ الْإِمَامِ؟ الْإِمَامُ أَعْظَمُ مِمَّا يَذْهَبُ إِلَيْهِ سَالِمٌ وَ النَّاسُ أَجْمَعِينَ، يَا أَبَا عُبَيْدَةَ! إِنَّهُ لَمْ يَمُتْ مِنَّا مَيِّتٌ حَتَّى يُخَلِّفَ مِنْ بَعْدِهِ مَنْ يَعْمَلُ بِمِثْلِ عَمَلِهِ وَ يَسِيرُ بِمِثْلِ سِيرَتِهِ وَ يَدْعُو إِلَى مِثْلِ الَّذِي

دَعَا إِلَيْهِ، يَا أَبَا عُبَيْدَةَ! إِنَّهُ لَمْ يَمْنَعِ اللَّهَ مَا أَعْطَى سُلَيْمَانَ أَفْضَلَ مَا أَعْطَى، ثُمَّ قَالَ: «هذا عَطاؤُنا فَامْنُنْ أَوْ أَمْسِكْ بِغَيْرِ حِسابٍ»، قَالَ: قُلْتُ: مَا أَعْطَاهُ اللَّهُ؟ جُعِلْتُ فِدَاكَ! قَالَ: نَعَمْ يَا أَبَا عُبَيْدَةَ! إِنَّهُ إِذَا قَامَ قَائِمُ آلِ مُحَمَّدٍ عليهم السلام حَكَمَ بِحُكْمِ دَاوُدَ وَ سُلَيْمَانَ لَا يَسْأَلُ النَّاسَ بَيِّنَةً.۲۷۴

ابو عبیده حذاء گفت: در زمان حضرت باقر علیه السلام وقتی آن جناب از دنیا رفت ما سرگردان بودیم، مانند گوسفندان بی‌چوپان، سالم بن ابی حفصه را دیدیم گفت: ای ابو عبیده! امام تو کیست؟ گفتم: ائمه از آل محمّد علیهم السلام هستند، گفت: نابود شدی و نابود کردی، مگر من و تو از حضرت باقر نشنیدیم که می‌فرمودند: هر کس بمیرد و امامی نداشته باشد به مرگ جاهلیت از دنیا رفته؟ گفتم: چرا به جان خودم همین طور است، بعد پس از سه روز یا قریب به آن، خدمت حضرت صادق علیه السلام رسیدم، خدا به من معرفت را روزی نمود، پس وارد بر ایشان شدم، و گفتم: سالم را دیدم به من چنین و چنان گفت، و من چنین و چنان گفتم، امام صادق علیه السلام سه مرتبه فرمودند: وای بر سالم مگر سالم نمی‌داند مقام امام چگونه است؟ امام بزرگتر است از آنچه او و مردم خیال می‌کنند، ای ابو عبیده! از ما یک نفر از دنیا نمی‌رود مگر اینکه یکی دیگر جانشین او می‌شود که مانند او عمل می‌کند و به روش او رفتار می‌نماید و به همان راه دعوت می‌کند، ای ابو عبیده! خداوند مانع نمی‌شود که آنچه به داود داد به سلیمان بهتر از آن عنایت کند، سپس فرمودند: «هذا عَطاؤُنا فَامْنُنْ أَوْ أَمْسِكْ بِغَيْرِ حِسابٍ»، عرض کردم: خدا چه چیز به او عطا کرد؟ فدایت شوم! حضرت فرمودند: ای ابو عبیده! وقتی قائم آل محمّد علیهم السلام قیام کند، حکم می‌کند به حکم داود و سلیمان و از مردم دلیل و بیّنه نمی‌خواهد.

شماره: ۱۶۳: سنگسار کردن شیطان

کد آیه: ۷۷ / ۳۸

{قالَ فَاخْرُجْ مِنْها فَإِنَّكَ رَجيمٌ}

خداوند فرمود: «از آسمانها (و صفوف ملائکه) خارج شو، که تو رانده‌ی درگاه منی!

«لطفاً به آیه‌ی شماره‌ی ۱۷، کد: ۳۶ / ۳ مراجعه فرمائید.»

شماره: ۱۶۴: پایان مهلت شیطان و پایان تقیّه

کد آیه: ۸۱ / ۳۸

{إِلى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ}

ولی تا روز و زمان معیّن!

«لطفاً به آیه‌ی شماره‌ی ۸۹، کد: ۳۸ / ۱۵ مراجعه فرمائید.»

شماره: ۱۶۵: زمان

کد آیه: ۸۸ / ۳۸

{وَ لَتَعْلَمُنَّ نَبَأَهُ بَعْدَ حِينٍ}

و خبر آن را بعد از مدّتی می‌شنوید!

عَن ابی حَمزة عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام ، فِي قَوْلِهِ عز و جل : «قُلْ ما أَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ وَ ما أَنَا مِنَ الْمُتَكَلِّفِينَ إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعالَمِينَ»، قَالَ: هُوَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام ، «وَ لَتَعْلَمُنَّ نَبَأَهُ بَعْدَ حِينٍ»، قَالَ: عِنْدَ خُرُوجِ الْقَائِمِ عليه السلام .۲۷۵

ابو حمزه از حضرت باقر علیه السلام روایت نموده که حضرت در باره‌ی آیه: «قُلْ ما أَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ وَ ما أَنَا مِنَ الْمُتَكَلِّفِينَ إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعالَمِينَ»، فرمودند: مقصود از ذکر، امیر المؤمنین علیه السلام است، «وَ لَتَعْلَمُنَّ نَبَأَهُ بَعْدَ حِينٍ»، و خبر آن را بعد از گذشت زمانی خواهید دانست، این زمان، موقع خروج حضرت قائم علیه السلام است.

شماره: ۱۶۶: جَنب الله

کد آیه: ۵۶ / ۳۹

{أَنْ تَقُولَ نَفْسٌ يا حَسْرَتى عَلى ما فَرَّطْتُ فى جَنْبِ اللَّهِ وَ إِنْ كُنْتُ لَمِنَ السَّاخِرِينَ}

تا مبادا کسی روز قیامت بگوید: «افسوس بر من از کوتاهیهایی که در اطاعت فرمان خدا کردم و از مسخره‌کنندگان (آیات او) بودم!»

عَنْ عَلِيِّ بْنِ سُوَيْدٍ عَنْ أَبِى الْحَسَنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عليهما السلام ، فِي قَوْلِ اللَّهِ عز و جل : «يا حَسْرَتى عَلى ما فَرَّطْتُ فِي جَنْبِ اللَّهِ»، قَالَ: جَنْبُ اللَّهِ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام ، وَ كَذَلِكَ مَا كَانَ بَعْدَهُ مِنَ الْأَوْصِيَاءِ بِالْمَكَانِ الرَّفِيعِ إِلَى أَنْ يَنْتَهِيَ الْأَمْرُ إِلَى آخِرِهِمْ.۲۷۸

علی بن سُوید، از حضرت ابوالحسن موسی بن جعفر علیهما السلام روایت کرده است، که در باره‌ی قول خدای عز و جل : «يا حَسْرَتى عَلى ما فَرَّطْتُ فِي جَنْبِ اللَّهِ»، آن حضرت فرمودند: جَنب خدا، امیر المؤمنین علیه السلام است، و همچنین آنچه بعد از او بوده از اوصیای پیغمبر در این مکان بلند و مرتبه ارجمندند، تا آن که امر به آخر ایشان منتهی شود.

شماره: ۱۶۷: ظهور نور

کد آیه: ۶۹ / ۳۹

{وَ أَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّها...}

و زمین (در آن روز) به نور پروردگارش روشن می‌شود...

۱ ـ عَن مُفَضَّل بْن عُمَر أَنَّهُ سَمِعَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام ، يَقُولُ فِي قَوْلِهِ: «وَ أَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّها»، قَالَ: رَبُّ الْأَرْضِ، يعْنِى إِمَامُ الْأَرْضِ، فَقُلْتُ: فَإِذَا خَرَجَ يَكُونُ مَا ذَا؟ قَالَ: إِذاً يَسْتَغْنِي النَّاسُ عَنْ ضَوْءِ الشَّمْسِ وَ نُورِ الْقَمَرِ وَ يَجْتَزُونَ بِنُورِ الْإِمَام.۲۷۶

مفضل بن عمر می‌گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم، که ایشان در تفسیر آیه: «وَ أَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّها»، می‌فرمودند: رب الارض، یعنی امام زمین، عرض کردم: بعد از آنکه قیام کرد چه می شود؟ حضرت فرمودند: مردم از نور خورشید و ماه بی نیاز می شوند، و از نور امام بهره می‌برند.

۲ ـ عَن مُفَضَّل بْن عُمَر قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُول: إِنَّ قَائِمَنَا إِذَا قَامَ، «أَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّها»، وَ اسْتَغْنَى الْعِبَادُ عَنْ ضَوْءِ الشَّمْسِ، وَ ذَهَبَتِ الظُّلْمَةُ، وَ يُعَمَّرُ الرَّجُلُ فِي مُلْكِهِ، حَتَّى يُولَدَ لَهُ أَلْفُ ذَكَرٍ، لَا يُولَدُ فِيهِمْ أُنْثَى، وَ تُظْهِرُ الْأَرْضُ كُنُوزَهَا حَتَّى يَرَاهَا النَّاسُ عَلَى وَجْهِهَا، وَ يَطْلُبُ الرَّجُلُ مِنْكُمْ مَنْ يَصِلُهُ بِمَالِهِ، وَ يَأْخُذُ مِنْهُ زَكَاتَهُ، فَلَا يَجِدُ أَحَداً يَقْبَلُ مِنْهُ، ذَلِكَ اسْتَغْنَى النَّاسُ بِمَا رَزَقَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِه.۲۷۷

مفضل بن عمر گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که حضرت می‌فرمودند: هنگامی که قائم ما قیام کند، زمین با نور پروردگارش روشن می شود، مردم از نور خورشید بی نیاز می شوند، تاریکی از بین می‌رود، عمر انسان به قدری طولانی می‌شود که خداوند هزار پسر به او مرحمت می کند و دختر متولد نمی‌گردد، خزائن نهفته زمین بر مردم ظاهر می‌شود و در برابر دیدگان آنها قرار می‌گیرد، مردم به دنبال کسی می روند که از آنها زکات وصدقات بپذیرد و نمی‌یابند، مردم به فضل پروردگارشان بی نیاز می‌شوند.

شماره: ۱۶۸: حیات دو باره

کد آیه: ۱۱ / ۴۰

{قالُوا رَبَّنا أَمَتَّنَا اثْنَتَيْنِ وَ أَحْيَيْتَنَا اثْنَتَيْنِ فَاعْتَرَفْنا بِذُنُوبِنا فَهَلْ إِلى خُرُوجٍ مِنْ سَبِيلٍ}

آنها می گویند: «پروردگارا! ما را دو بار میراندی و دو بار زنده کردی اکنون به گناهان خود معترفیم آیا راهی برای خارج شدن (از دوزخ) وجود دارد؟»

قَالَ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ: فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: «رَبَّنا أَمَتَّنَا اثْنَتَيْنِ وَ أَحْيَيْتَنَا اثْنَتَيْنِ»، قَالَ الصَّادِقُ عليه السلام : ذَلِكَ فِي الرَّجْعَةِ.۲۷۹

علی بن ابراهیم در تفسیر آیه: «رَبَّنا أَمَتَّنَا اثْنَتَيْنِ وَ أَحْيَيْتَنَا اثْنَتَيْنِ»، یعنی: خداوندا! ما را دو بار میرانیدی و دو بار زنده کردی، حضرت صادق علیه السلام فرمودند: این آیه در باره‌ی رجعت است.

شماره: ۱۶۹: نصرت انبياء و ائمه عليه السلام در رجعت

کد آیه: ۵۱ / ۴۰

{إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنا وَ الَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَياةِ الدُّنْيا وَ يَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهادُ}

ما به یقین پیامبران خود و کسانی را که ایمان آورده‌اند، در زندگی دنیا و (در آخرت) روزی که گواهان به پا می‌خیزند یاری می‌دهیم!

عَنْ جَمِيلٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام ، قَالَ: قُلْتُ: قَوْلُ اللَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى: «إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنا وَ الَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَياةِ الدُّنْيا وَ يَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهادُ»، قَالَ: ذَلِكَ وَ اللَّهِ! فِي الرَّجْعَةِ، أَ مَا عَلِمْتَ أَنَّ أَنْبِيَاءَ كَثِيرَةً لَمْ يُنْصَرُوا فِي الدُّنْيَا وَ قُتِلُوا، وَ الْأَئِمَّةَ مِنْ بَعْدِهِمْ قُتِلُوا وَ لَمْ يُنْصَرُوا، وَ ذَلِكَ فِي الرَّجْعَةِ.۲۸۰

از جمیل روایت است که گفت: از حضرت صادق علیه السلام تفسیر آیه: «إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنا وَ الَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَياةِ الدُّنْيا وَ يَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهادُ»، را پرسیدم، حضرت فرمودند: به خدا قسم! این در رجعت است، مگر نمی‌دانی که بسیاری از پیغمبران علیهم السلام در دنیا یاری نشدند بلکه کشته شدند، و ائمه علیهم السلام هم کشته شدند و کسی آنها را یاری نکرد!؟ این نصرت و یاری در موقع رجعت است.

شماره: ۱۷۰: مسخ بعضی از کفّار قبل از ظهور

کد آیه: ۱۶ / ۴۱

{... لِنُذِيقَهُمْ عَذابَ الْخِزْيِ فِي الْحَياةِ الدُّنْيا وَ لَعَذابُ الْآخِرَةِ أَخْزى وَ هُمْ لا يُنْصَرُونَ}

... تا عذاب خوارکننده را در زندگی دنیا به آنها بچشانیم و عذاب آخرت از آن هم خوارکننده‌تر است، و (از هیچ طرف) یاری نمی‌شوند!

«لطفاً به آیه‌ی شماره‌ی ۷۲، کد: ۹۸ / ۱۰ مراجعه فرمائید.»

شماره: ۱۷۱: عذاب خوار کننده و ذلّت بخش

کد آیه: ۱۷ / ۴۱

{وَ أَمَّا ثَمُودُ فَهَدَيْناهُمْ فَاسْتَحَبُّوا الْعَمى عَلَى الْهُدى فَأَخَذَتْهُمْ صاعِقَةُ الْعَذابِ الْهُونِ بِما كانُوا يَكْسِبُونَ}

امّا ثمود را هدایت کردیم، ولی آنها نابینایی را بر هدایت ترجیح دادند به همین جهت صاعقه (آن عذاب خوارکننده) به خاطر اعمالی که انجام می‌دادند آنها را فروگرفت!

عَن فَضْلِ بْنِ الْعَبَّاسِ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام، أَنَّهُ قَالَ: ... وَ قَوْلُهُ: «کَذَّبَتْ ثَمُودُ بِطَغْواها»، قَالَ: ثَمُودُ رَهْطٌ مِنَ الشِّیعَةِ، فَإِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَ یَقُولُ: «وَ أَمَّا ثَمُودُ فَهَدَیْناهُمْ فَاسْتَحَبُّوا الْعَمی عَلَی الْهُدی فَأَخَذَتْهُمْ صاعِقَةُ الْعَذابِ الْهُونِ»، فَهُوَ السَّیْفُ إِذَا قَامَ الْقَائِمُ علیه السلام ...۲۸۱

فضل بن عباس از حضرت صادق علیه السلام نقل می کند که حضرت فرمودند: ... معنی این آیه: «کَذَّبَتْ ثَمُودُ بِطَغْواها»، ثمود گروهی از شیعه هستند، پس خداوند در این آیه می‌فرماید: «وَ أَمَّا ثَمُودُ فَهَدَیْناهُمْ فَاسْتَحَبُّوا الْعَمی عَلَی الْهُدی فَأَخَذَتْهُمْ صاعِقَةُ الْعَذابِ الْهُونِ»، ما ثمود را راهنمائی کردیم، ولی آنها گمراهی را اختیار کردند و به کیفری دردناك و خوارکننده مبتلا شدند، که منظور، شمشیر است وقتی که حضرت قائم علیه السلام قیام کند...

شماره: ۱۷۲: استقامت

کد آیه: ۳۰ / ۴۱

{إِنَّ الَّذینَ قالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَیْهِمُ الْمَلائِکَةُ أَلاَّ تَخافُوا وَ لا تَحْزَنُوا وَ أَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتی کُنْتُمْ تُوعَدُونَ}

به یقین کسانی که گفتند: «پروردگار ما خداوند یگانه است!» سپس استقامت کردند، فرشتگان بر آنان نازل می‌شوند که: «نترسید و غمگین مباشید، و بشارت باد بر شما به آن بهشتی که به شما وعده داده شده است!

عَنْ أَبِی بَصِیرٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام ، عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عز و جل : «إِنَّ الَّذِینَ قالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَیْهِمُ الْمَلائِکَةُ أَلَّا تَخافُوا وَ لا تَحْزَنُوا وَ أَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِی کُنْتُمْ تُوعَدُونَ»، قَالَ: هُمُ الْأَئِمَّةُ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ علیهم السلام .۲۸۲

ابو بصیر گوید: از حضرت صادق علیه السلام ، تفسیر آیه: «إِنَّ الَّذِینَ قالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَیْهِمُ الْمَلائِکَةُ أَلَّا تَخافُوا وَ لا تَحْزَنُوا وَ أَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِی کُنْتُمْ تُوعَدُونَ»، را پرسیدم، حضرت فرمودند: آنها ائمه از آل محمّد علیهم السلام هستند.

شماره: ۱۷۳: پایان تقیّه

کد آیه: ۳۴ / ۴۱

{وَ لا تَسْتَوِی الْحَسَنَةُ وَ لاَ السَّیِّئَةُ ادْفَعْ بِالَّتی هِیَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذی بَیْنَکَ وَ بَیْنَهُ عَداوَةٌ کَأَنَّهُ وَلِیٌّ حَمیمٌ}

هرگز نیکی و بدی یکسان نیست، بدی را با نیکی دفع کن، ناگاه (خواهی دید) همان کسی که میان تو و او دشمنی است، گویی دوستی گرم و صمیمی است!

عَنْ سَوْرَةَ بْنِ کُلَیْبٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام ، قَالَ: لَمَّا نَزَلَتْ هَذِهِ الْآیَةُ عَلَی رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم : «ادْفَعْ بِالَّتِی هِیَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِی بَیْنَکَ وَ بَیْنَهُ عَداوَةٌ کَأَنَّهُ وَلِیٌّ حَمِیمٌ»، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم : أُمِرْتُ بِالتَّقِیَّةِ فَسَارَ بِهَا عَشْراً حَتَّی أُمِرَ أَنْ یَصْدَعَ بِمَا أُمِرَ وَ أُمِرَ بِهَا عَلِیٌّ فَسَارَ بِهَا حَتَّی أُمِرَ أَنْ یَصْدَعَ بِهَا، ثُمَّ أَمَرَ الْأَئِمَّةُ بَعْضُهُمْ بَعْضاً فَسَارُوا بِهَا، فَإِذَا قَامَ قَائِمُنَا سَقَطَتْ التَّقِیَّةُ وَ جَرَّدَ السَّیْفَ وَ لَمْ یَأْخُذْ مِنَ النَّاسِ وَ لَمْ یُعْطِهِمْ إِلَّا بِالسَّیْفِ.۲۸۳

سورة بن کلیب از حضرت صادق علیه السلام نقل کرده، که حضرت فرمودند: وقتی که این آیه بر پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نازل شد: «ادْفَعْ بِالَّتِی هِیَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِی بَیْنَکَ وَ بَیْنَهُ عَداوَةٌ کَأَنَّهُ وَلِیٌّ حَمِیمٌ»، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: به من دستور تقیّه دادند، ده سال پنهانی ارشاد می کردم، تا دستور دادند آشکارا امر رسالت را اعلان کنم، علی علیه السلام نیز همین طور دستور داشت، پنهانی انجام دهد تا امر به اعلان نمودند، سپس هر یک از امامان به امام دیگری همین سفارش را می کرد و آنها در

تقیّه می‌باشند، تا قائم ما قیام نماید که در آن موقع دیگر تقیّه نخواهد بود، و شمشیر از نیام کشیده می‌شود، چیزی از مردم نمی‌گیرد و چیزی به آنها نمی‌دهد مگر با شمشیر.

شماره: ۱۷۴: عاقبت منکرین حضرت مهدی علیه السلام

کد آیه: ۴۵ / ۴۱

{وَ لَقَدْ آتَیْنا مُوسَى الْکِتابَ فَاخْتُلِفَ فِیهِ وَ لَوْ لا کَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِنْ رَبِّکَ لَقُضِیَ بَیْنَهُمْ وَ إِنَّهُمْ لَفِی شَکٍّ مِنْهُ مُرِیبٍ}

ما به موسی کتاب آسمانی دادیم سپس در آن اختلاف شد و اگر فرمانی از ناحیه‌ی پروردگارت در این باره صادر نشده بود، در میان آنها داوری می‌شد ولی آنها هنوز درباره آن شکّی تهمت‌انگیز دارند!

«لطفاً به آیه‌ی شماره‌ی ۷۸، کد: ۱۱۰ / ۱۱ مراجعه فرمائید.»

شماره: ۱۷۵: ظهور حق

کد آیه: ۵۳ / ۴۱

{سَنُرِیهِمْ آیاتِنا فِی الْآفاقِ وَ فِی أَنْفُسِهِمْ حَتَّى یَتَبَیَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ أَ وَ لَمْ یَکْفِ بِرَبِّکَ أَنَّهُ عَلى کُلِّ شَیْءٍ شَهِیدٌ}

به زودی نشانه‌های خود را در اطراف جهان و در درون جانشان به آنها نشان می‌دهیم تا برای آنان آشکار گردد که او حق است آیا کافی نیست که پروردگارت بر همه چیز شاهد و گواه است.

۱ـ عَنْ أَبِی بَصِیرٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام ، قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ تَبَارَکَ وَ تَعَالَى: «سَنُرِیهِمْ آیاتِنا فِی الْآفاقِ وَ فِی أَنْفُسِهِمْ حَتَّى یَتَبَیَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ»، قَالَ: یُرِیهِمْ فِی أَنْفُسِهِمُ الْمَسْخَ، وَ یُرِیهِمْ فِی الْآفَاقِ انْتِقَاضَ، الْآفَاقِ عَلَیْهِمْ فَیَرَوْنَ قُدْرَةَ اللَّهِ عز و جل فِی أَنْفُسِهِمْ وَ فِی الْآفَاقِ، قُلْتُ لَهُ: «حَتَّى یَتَبَیَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ»، قَالَ: خُرُوجُ الْقَائِمِ هُوَ الْحَقُّ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ عز و جل ، یَرَاهُ الْخَلْقُ لَا بُدَّ مِنْه.۲۸۴

ابو بصیر از امام صادق علیه السلام از تفسیر این آیه شریفه: «سَنُرِیهِمْ آیاتِنا فِی الْآفاقِ وَ فِی أَنْفُسِهِمْ حَتَّى یَتَبَیَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ» (به زودی نشانه‌های خود را که در جهان هستی است و در جان آنها است به آنان نشان خواهیم داد تا برایشان روشن شود که او بر حقّ است) سؤال کردم، حضرت فرمودند: آنچه در جانشان به آنان نشان می‌دهد مسخ شدن است، و آنچه در جهان نشان می‌دهد تنگ شدن محیط زندگی است بر آنان، پس قدرت خدا را در جان خودشان و در محیطشان مشاهده می‌کنند، و اینکه فرمود: «حَتَّى یَتَبَیَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ»، مقصود خداوند، خروج قائم علیه السلام است که او حقّ است از جانب خدای عز و جل که خلق او را می‌بینند و چاره‌ای از آن نیست.

۲ـ عَنْ إِبْرَاهِیمَ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام، فِی قَوْلِهِ عَزَّ وَ جَلَ: «سَنُرِیهِمْ آیاتِنا فِی الْآفاقِ وَ فِی أَنْفُسِهِمْ حَتَّى یَتَبَیَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ»، قَالَ: فِی الْآفاقِ انْتِقَاصُ الْأَطْرَافِ عَلَیْهِمْ، وَ فِی أَنْفُسِهِمْ بِالْمَسْخِ، «حَتَّى یَتَبَیَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ» أَنَّهُ الْقَائِمُ علیه السلام .۲۸۵

ابراهیم از حضرت صادق علیه السلام روایت می‌کند که حضرت در باره‌ی آیه: «سَنُرِیهِمْ آیاتِنا فِی الْآفاقِ وَ فِی أَنْفُسِهِمْ حَتَّى یَتَبَیَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ»، فرمودند: در آفاق و جهان هستی نشانه‌ی خداوندی، تنگ شدن و کاسته شدن از وسایل زندگی بر آنان است، و در جانشان، به مسخ شدن است، تا اینکه بر آنان معلوم شود که او حق است، یعنی اینکه او قائم علیه السلام است.

۳ـ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام ، فِی قَوْلِ اللَّهِ تَعَالَى: «سَنُرِیهِمْ آیاتِنا فِی الْآفاقِ وَ فِی أَنْفُسِهِمْ حَتَّى یَتَبَیَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ»، قَالَ: خَسْفٌ وَ مَسْخٌ وَ قَذْفٌ، قَالَ: قُلْتُ: «حَتَّى یَتَبَیَّنَ لَهُمْ»، قَالَ: دَعْ ذَا ذَاکَ قِیَامُ الْقَائِمِ.۲۸۶

از امام صادق علیه السلام در باره‌ی آیه شریفه: «سَنُرِیهِمْ آیاتِنا فِی الْآفاقِ وَ فِی أَنْفُسِهِمْ حَتَّى یَتَبَیَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ»، روایت است که حضرت علیه السلام فرمودند: مقصود، به زمین فرو شدن و مسخ شدن و پرتاب شدن است، راوی می‌گوید: عرض کردم: تا برای

آنها آشکار شود؟ فرمودند: این سخن را رها کن، مقصود قیام امام قائم علیه السلام است.

شماره: ۱۷۶: رمزهای ح م ع س ق

کد آیه: ۱ / ۴۲

{حم عسق}

حاء، میم، عین، سین، قاف.

۱ـ عَنْ یَحْیَی بْنِ مسیرهٔ الْخَثْعَمِیِّ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام ، قَالَ: سَمِعْتُهُ یَقُولُ: حم عسق، أَعْدَادُ سِنِی الْقَائِمِ، وَ قَافٌ جَبَلٌ مُحِیطٌ بِالدُّنْیَا مِنْ زُمُرُّدٍ أَخْضَرَ، فَخُضْرَهُٔ السَّمَاءِ مِنْ ذَلِکَ الْجَبَلِ، وَ عِلْمُ کُلِّ شَیْءٍ فِی عسق.۲۸۷

یحیی بن میسره خثعمی گوید: که شنیدم امام باقر علیه السلام میفرمودند: «ع س ق»، شماره‌ی سالهای امام قائم علیه السلام است، و «ق» کوهی است گرد دنیا از زمرد سبز، و سبزی آسمان از آن است، و علم هر چیزی در «عسق».

۲ـ عَنِ السَّکُونِیِّ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام ، قَالَ: حم، حَمِیمٌ وَ عَیْنٌ، عَذَابٌ وَ سِینٌ، سِنُونٌ کَسِنِی یُوسُفَ، وَ قَافٌ، قَذْفٌ وَ خَسْفٌ وَ مَسْخٌ، یَکُونُ فِی آخِرِ الزَّمَانِ، بِالسُّفْیَانِیِّ وَ أَصْحَابِهِ، وَ نَاسٌ مِنْ کَلْبٍ ثَلَاثُونَ أَلْفَ أَلْفٍ، یَخْرُجُونَ مَعَهُ، وَ ذَلِکَ حِینَ یَخْرُجُ الْقَائِمُ علیه السلام بِمَکَّهَٔ، وَ هُوَ مَهْدِیُّ هَذِهِ الْأُمَّهِٔ.۲۸۸

سکونی از حضرت باقر علیه السلام نقل کرده که حضرت فرمودند: حم، حمیم است، و عین، عذاب است، و سین، سالهائی مانند سالهای یوسف است، قاف، غرق شدن و فرو رفتن و تغییر شکل دادن (مسخ) است، که در آخر الزمان با سفیانی و یارانش انجام می‌شود، و گروهی از قبیله کلب (کلیب) یک میلیون نفر با او قیام می‌کنند، همان موقعی که حضرت قائم علیه السلام در مکه خروج می‌نماید او مهدی این امت است.

شماره: ۱۷۷: تعجیل در ظهور

کد آیه: ۱۸ / ۴۲

{یَسْتَعْجِلُ بِهَا الَّذِینَ لا یُؤْمِنُونَ بِها وَ الَّذِینَ آمَنُوا مُشْفِقُونَ مِنْها وَ یَعْلَمُونَ أَنَّهَا الْحَقُّ...}

کسانی که به قیامت ایمان ندارند درباره‌ی آن شتاب می‌کنند ولی آنها که ایمان آورده‌اند پیوسته از آن هراسانند، و می‌دانند آن حق است ...

عَن مُفَضَّل بْن عُمَر، قَالَ: قَالَ الصَّادِقُ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ علیهما السلام : یَا مُفَضَّلُ! کَیْفَ یَقْرَأُ أَهْلُ الْعِرَاقِ هَذِهِ الْآیَهَٔ؟ قُلْتُ: یَا سَیِّدِی! وَ أَیُّ آیَهٍٔ؟ فَقَالَ: قَوْلُ اللَّهِ تَعَالَی: «یَسْتَعْجِلُ بِهَا الَّذِینَ لا یُؤْمِنُونَ بِها وَ الَّذِینَ آمَنُوا مُشْفِقُونَ مِنْها»، فَقُلْتُ: یَا سَیِّدِی! لَیسَ کَذَا نَقْرَأُ، فَقَالَ: کَیْفَ تَقْرَأُ؟ فَقُلْتُ: «یَسْتَعْجِلُ بِهَا الَّذِینَ لا یُؤْمِنُونَ بِها وَ الَّذِینَ آمَنُوا مُشْفِقُونَ مِنْها وَ یَعْلَمُونَ أَنَّهَا الْحَقُّ»، فَقَالَ لِی: وَیْحَکَ! أ تَدْرِی مَا هِیَ؟ فَقُلْتُ: اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ ابْنُ رَسُولِهِ أَعْلَمُ، فَقَالَ: وَ اللَّهِ! مَا هِیَ إِلَّا قِیَامُ الْقَائِمِ، وَ کَیْفَ یَسْتَعْجِلُ بِهِ مَنْ لَا یُؤْمِنُ بِهِ؟! وَ اللَّهِ! مَا یَسْتَعْجِلُ بِهِ إِلَّا الْمُؤْمِنُونَ، وَ لَکِنَّهُمْ حَرَّفُوهَا حَسَداً لَکُمْ فَاعْلَمْ ذَلِکَ یَا مُفَضَّلُ!.۲۸۹

مفضل بن عمر می‌گوید: امام صادق علیه السلام به من فرمودند: ای مفضل! اهل عراق این آیه را چگونه می‌خوانند؟ عرض کردم: ای آقای من! کدام آیه را؟ حضرت فرمودند: این قول خدای تعالی: «آنان که به آن ساعت ایمان ندارند، از روی تمسخر، تقاضای تعجیل در ظهور آن می‌کنند، ولی آنان که ایمان دارند از آن روز سخت ترسانند و می‌دانند که آن روز بر حق است»، عرض کردم: ای آقای من! این طور می‌خوانند و آیه را خواندم، حضرت فرمودند: وای برتو! می‌دانی که معنی این چیست؟ عرض کردم: خدا و رسول و فرزند او بهتر می‌دانند، امام فرمودند: به خدا سوگند! جز قیام قائم علیه السلام نیست، پس چگونه کسی که به آن ایمان

ندارد، عجله می‌کند؟ به خدا سوگند! جز مؤمنان نسبت به آن عجله نکنند، ولی این را از روی حسد نسبت به شما، تحریف کردند؛ پس این را بدان ای مفضل!.

شماره: ۱۷۸: محرومیّت دنیا پرستان در دولت حضرت مهدی علیه السلام

کد آیه: ۲۰ / ۴۲

{مَنْ کانَ یُریدُ حَرْثَ الْآخِرَةِ نَزِدْ لَهُ فی حَرْثِهِ وَ مَنْ کانَ یُریدُ حَرْثَ الدُّنْیا نُؤْتِهِ مِنْها وَ ما لَهُ فِی الْآخِرَةِ مِنْ نَصیبٍ}

کسی که زراعت آخرت را بخواهد، به کشت او برکت و افزایش می‌دهیم و بر محصولش می‌افزاییم و کسی که فقط کشت دنیا را بطلبد، کمی از آن به او می‌دهیم امّا در آخرت هیچ بهره‌ای ندارد!

عَنْ أَبِی بَصِیرٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام ، فِی قَوْلِ اللَّهِ عز و جل : ... «مَنْ کانَ یُرِیدُ حَرْثَ الْآخِرَةِ»، قَالَ: مَعْرِفَةُ أَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ وَ الْأَئِمَّةِ علیهم السلام ، «نَزِدْ لَهُ فِی حَرْثِهِ»، قَالَ: نَزِیدُهُ مِنْهَا، قَالَ: یَسْتَوْفِی نَصِیبَهُ مِنْ دَوْلَتِهِمْ، «وَ مَنْ کانَ یُرِیدُ حَرْثَ الدُّنْیا نُؤْتِهِ مِنْها وَ ما لَهُ فِی الْآخِرَةِ مِنْ نَصِیبٍ»، قَالَ: لَیْسَ لَهُ فِی دَوْلَةِ الْحَقِّ مَعَ الْقَائِمِ علیه السلام نَصِیب.۲۹۰

ابو بصیر از حضرت صادق علیه السلام روایت نموده ،که در خبری طولانی، حضرت در باره‌ی آیه: «مَنْ کانَ یُرِیدُ حَرْثَ الْآخِرَةِ»، فرمودند: اندوخته آخرت، معرفت امیرالمؤمنین و ائمه علیهم السلام است، «نَزِدْ لَهُ فِی حَرْثِهِ»، فرمودند: در معرفتش می‌افزائیم، تا بهره کامل از دولت ائمه علیهم السلام ببرد، گفتم: «وَ مَنْ کانَ یُرِیدُ حَرْثَ الدُّنْیا نُؤْتِهِ مِنْها وَ ما لَهُ فِی الْآخِرَةِ مِنْ نَصِیبٍ»، حضرت فرمودند: او را در دولت حق با حضرت قائم علیه السلام نصیب و بهره‌ای نخواهد داشت.

شماره: ۱۷۹: مهلت معیّن

کد آیه: ۲۱ / ۴۲

{أَمْ لَهُمْ شُرَکاءُ شَرَعُوا لَهُمْ مِنَ الدِّینِ ما لَمْ یَأْذَنْ بِهِ اللَّهُ وَ لَوْ لا کَلِمَةُ الْفَصْلِ لَقُضِیَ بَیْنَهُمْ وَ إِنَّ الظَّالِمینَ لَهُمْ عَذابٌ أَلیمٌ}

آیا معبودانی دارند که بی‌اذن خداوند آیینی برای آنها ساخته‌اند؟! اگر مهلت معیّنی برای آنها نبود، در میانشان داوری می‌شد و برای ظالمان عذاب دردناکی است!

عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام قال: ... وَ أَمَّا قَوْلُهُ عز و جل: «وَ لَوْ لا کَلِمَةُ الْفَصْلِ لَقُضِیَ بَیْنَهُمْ وَ إِنَّ الظَّالِمِینَ لَهُمْ عَذابٌ أَلِیمٌ»، قَالَ: لَوْ لَا مَا تَقَدَّمَ فِیهِمْ مِنَ اللَّهِ عز و جل مَا أَبْقَی الْقَائِمُ علیه السلام مِنْهُمْ وَاحِداً ...۲۹۱

از امام باقر علیه السلام روایت شده که درباره‌ی آیه شریفه: «وَ لَوْ لا کَلِمَةُ الْفَصْلِ لَقُضِیَ بَیْنَهُمْ وَ إِنَّ الظَّالِمِینَ لَهُمْ عَذابٌ أَلِیمٌ»، فرمودند: یعنی اگر نباشد آنچه از جانب خدا از قبل در باره‌ی آنها گذشته است، حضرت قائم علیه السلام یک نفر از ایشان را هم زنده رها نخواهد کرد.

شماره: ۱۸۰: اثبات حقّ توسط حضرت مهدی علیه السلام

کد آیه: ۲۴ / ۴۲

{أَمْ یَقُولُونَ افْتَری عَلَی اللَّهِ کَذِباً فَإِنْ یَشَإِ اللَّهُ یَخْتِمْ عَلی قَلْبِکَ وَ یَمْحُ اللَّهُ الْباطِلَ وَ یُحِقُّ الْحَقَّ بِکَلِماتِهِ إِنَّهُ عَلیمٌ بِذاتِ الصُّدُورِ}

آیا می‌گویند: «او بر خدا دروغ بسته است»؟! در حالی که اگر خدا بخواهد بر قلب تو مُهر می‌نهد (و اگر خلاف بگویی قدرت اظهار این آیات را از تو می‌گیرد) و باطل را محو می‌کند و حقّ را به فرمانش پابرجا می‌سازد چرا که او از آنچه درون سینه‌هاست آگاه است.

عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ علیه السلام یَقُولُ: فِی قَوْلِ اللَّهِ تَعَالَی: «قُلْ لا أَسْئَلُکُمْ عَلَیْهِ أَجْراً إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِی الْقُرْبی»، یَعْنِی فِی أَهْلِ بَیْتِهِ، قَالَ: جَاءَتِ الْأَنْصَارُ إِلَی رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم ، فَقَالُوا: إِنَّا قَدْ آوَیْنَا وَ نَصَرْنَا فَخُذْ طَائِفَةً مِنْ أَمْوَالِنَا فَاسْتَعِنْ بِهَا عَلَی مَا نَابَکَ، فَأَنْزَلَ اللَّهُ: «قُلْ لا أَسْئَلُکُمْ عَلَیْهِ أَجْراً»، یَعْنِی عَلَی النُّبُوَّةِ، «إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِی الْقُرْبی»، یَعْنِی فِی أَهْلِ بَیْتِهِ، ثُمَّ قَالَ: أَ لَا تَرَی أَنَّ الرَّجُلَ یَکُونُ لَهُ صَدِیقٌ وَ فِی نَفْسِ ذَلِکَ الرَّجُلِ شَیْءٌ عَلَی أَهْلِ بَیْتِهِ، فَلَا یَسْلَمُ صَدْرُهُ فَأَرَادَ اللَّهُ أَنْ لَا یَکُونَ فِی نَفْسِ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم شَیْءٌ عَلَی أُمَّتِهِ، فَفَرَضَ عَلَیْهِمُ الْمَوَدَّةَ فِی الْقُرْبَی، فَإِنْ أَخَذُوا أَخَذُوا مَفْرُوضاً وَ إِنْ تَرَکُوا تَرَکُوا مَفْرُوضاً، قَالَ: فَانْصَرَفُوا مِنْ عِنْدِهِ وَ بَعْضُهُمْ یَقُولُ: عَرَضْنَا عَلَیْهِ أَمْوَالَنَا، فَقَالَ: قَاتِلُوا عَنْ أَهْلِ بَیْتِی مِنْ بَعْدِی، وَ قَالَتْ طَائِفَةٌ، مَا قَالَ هَذَا رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم وَ جَحَدُوهُ، وَ قَالُوا: کَمَا حَکَی اللَّهُ: «أَمْ یَقُولُونَ افْتَری عَلَی اللَّهِ کَذِباً»، فَقَالَ اللَّهُ تَعَالَی: «فَإِنْ یَشَإِ اللَّهُ یَخْتِمْ عَلی قَلْبِکَ»، قَالَ: لَوِ افْتَرَیْتُ «وَ یَمْحُ اللَّهُ الْباطِلَ»، یَعْنِی: یُبْطِلُهُ، «وَ یُحِقُّ الْحَقَّ بِکَلِماتِهِ»، یَعْنِی: بِالْأَئِمَّةِ وَ الْقَائِمِ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ علیهم السلام «إِنَّهُ عَلِیمٌ بِذاتِ الصُّدُورِ» ...۲۹۲

محمّد بن مسلم گفت: شنیدم از حضرت باقر علیه السلام در باره‌ی آیه‌ی: «قُلْ لا أَسْئَلُکُمْ عَلَیْهِ أَجْراً إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِی الْقُرْبی»، میفرمودند: یعنی در باره‌ی اهل بیت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم است، فرمودند: انصار خدمت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم رسیدند و عرض کردند: ما که خانه خود را پناه شما قرار دادیم و شما را یاری نمودیم اینک مقداری از اموال ما را در راه احتیاج و هدف خود صرف کنید، خداوند این آیه را نازل نمود: «قُلْ لا أَسْئَلُکُمْ عَلَیْهِ أَجْراً إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِی الْقُرْبی»، یعنی درخواستی در مورد نبوّت ندارم جز دوستی با خویشاوندانم، منظور اهل بیت آن سرور است، فرمودند: مگر متوجه نیستی که شخصی دوستی دارد و در دل تصمیمی راجع به خانواده خود گرفته و اما خجالت می‌کشد که اظهار کند، خداوند خواست در دل پیامبر چیزی نسبت به امتّش باقی نماند، مودّت و دوستی را با خویشاوندان پیامبر واجب کرد، اگر انجام دهند واجبی را انجام داده‌اند و اگر ترک کنند واجبی را ترک کرده‌اند.

فرمودند: از خدمت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم مرخص شدند، بعضی می‌گفتند: ما اموال خود را به ایشان تقدیم کردیم اما پیغمبر فرمودند: به دفاع و پشتیبانی خویشاوندانم پس از من به جنگ پردازید، گروه دیگری گفتند: این حرف را پیامبر اکرم نفرمودند و انکار نمودند، همان حرفی را که خداوند از ایشان حکایت کرده گفتند: «أَمْ یَقُولُونَ افْتَری عَلَی اللَّهِ کَذِباً»، خداوند فرموده است: «فَإِنْ یَشَإِ اللَّهُ یَخْتِمْ عَلی قَلْبِکَ»، گفت: اگر دروغ بگویم خدا وحی را از من قطع می‌کند، «وَ یَمْحُ اللَّهُ الْباطِلَ»، یعنی باطل می‌کند آن را، «وَ یُحِقُّ الْحَقَّ بِکَلِماتِهِ»، یعنی به وسیله ائمه علیهم السلام و قائم آل محمّد علیهم السلام «إِنَّهُ عَلِیمٌ بِذاتِ الصُّدُورِ» ...

شماره: ۱۸۱: گرفتن انتقام

کد آیه: ۴۱ / ۴۲

{وَ لَمَنِ انْتَصَرَ بَعْدَ ظُلْمِهِ فَأُولئِکَ ما عَلَیْهِمْ مِنْ سَبِیلٍ}

و کسی که بعد از مظلوم شدن یاری طلبد، ایرادی بر او نیست.

عَن جَابِرِ الْجُعْفِیِّ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام فِی قَوْلِهِ عَزَّ وَ جَلَ: «وَ لَمَنِ انْتَصَرَ بَعْدَ ظُلْمِهِ فَأُولئِکَ ما عَلَیْهِمْ مِنْ سَبِیلٍ»، قَالَ: ذَلِکَ الْقَائِمُ علیه السلام ، إِذَا قَامَ انْتَصَرَ مِنْ بَنِی أُمَیَّةَ وَ مِنَ الْمُکَذِّبِینَ وَ النُّصَّابِ.۲۹۳

جابر جعفی از حضرت باقر علیه السلام روایت کرده است که این آیه در شأن حضرت قائم علیه السلام است، که وقتی قیام کند انتقام خواهد گرفت از بنی امیّه و از آنها که تکذیب ائمه علیهم السلام کردند و از آنها که دشمنی آنها را نمودند.

شماره: ۱۸۲: زیر چشمی

کد آیه: ۴۵ / ۴۲

{وَ تَراهُمْ یُعْرَضُونَ عَلَیْها خاشِعینَ مِنَ الذُّلِّ یَنْظُرُونَ مِنْ طَرْفٍ خَفِیٍّ...}

و آنها را می‌بینی که بر آتش عرضه می‌شوند در حالی که از شدّت مذلّت خاشعند و زیر چشمی (به آن) نگاه می کنند ...

عَنْ جَابِرِ بْنِ یَزِیـد عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السـلام ، قَالَ: قَوْلُهُ عَزَّ وَ جَلَ: «خاشِعِینَ مِنَ الذُّلِّ یَنْظُرُونَ مِنْ طَرْفٍ خَفِیٍ»، یَعْنِی إِلَی الْقَائِمِ علیه السلام .۲۹۴

جابر بن یزید از حضـرت باقر علیه السـلام نقل می کند دربارەی آیه: «خاشِعِینَ مِنَ الذُّلِّ یَنْظُرُونَ مِنْ طَرْفٍ خَفِیٍ»، از خواری آن‌چنان کوچک می‌شوند که زیر چشمی به آن نگاه می کنند، فرمودند: به سوی حضرت قائم علیه السلام .

شماره: ۱۸۳: کلمه‌ی باقیه

کد آیه: ۲۸ / ۴۳

{وَ جَعَلَها کَلِمَةً باقِیَةً فِی عَقِبِهِ لَعَلَّهُمْ یَرْجِعُونَ}

او کلمه توحید را کلمه پاینده‌ای در نسلهای بعد از خود قرار داد، شاید به سوی خدا باز گردند!

۱ـ عن جـابر بن یزیـد عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السـلام قَالَ: قُلْتُ لَهُ: یَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ! إِنَّ قَوْماً یَقُولُونَ: إِنَّ اللَّهَ تَبَارَکَ وَ تَعَالَی جَعَلَ الْإِمَامَةَ فِی عَقِبِ الْحَسَنِ وَ الْحُسَیْنِ، قَالَ: کَذَبُوا وَ اللَّهِ، أَ وَ لَمْ یَسْمَعُوا اللَّهَ تَعَالَی ذِکْرُهُ، یَقُولُ: «وَ جَعَلَها کَلِمَةً باقِیَةً فِی عَقِبِهِ»، فَهَلْ جَعَلَهَا إِلَّا فِی عَقِبِ الْحُسَیْنِ علیه السلام؟ ثُمَّ قَالَ: یَا جَابِرُ! إِنَّ الْأَئِمَّةَ هُمُ الَّذِینَ نَصَّ عَلَیْهِمْ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم بِالْإِمَامَةِ، وَ هُمُ الَّذِینَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صـلی الله علیه و آله و سلم ، لَمَّا أُسْرِیَ بِی إِلَی السَّمَاءِ وَجَدْتُ أَسَامِیَهُمْ مَکْتُوبَةً عَلَی سَاقِ الْعَرْشِ بِالنُّورِ اثْنَیْ عَشَرَ اسْماً، مِنْهُمْ عَلِیٌّ وَ سِبْطَاهُ وَ عَلِیٌّ وَ مُحَمَّدٌ وَ جَعْفَرٌ وَ مُوسَی وَ عَلِیٌّ وَ مُحَمَّدٌ وَ عَلِیٌّ وَ الْحَسَنُ وَ الْحُجَّةُ الْقَائِمُ، فَهَذِهِ الْأَئِمَّةُ مِنْ أَهْلِ بَیْتِ الصَّفْوَةِ وَ الطَّهَارَةِ، وَ اللَّهِ مَا یَدَّعِیهِ أَحَدٌ غَیْرُنَا إِلَّا حَشَرَهُ اللَّهُ تَبَارَکَ وَ تَعَالَی مَعَ إِبْلِیسَ وَ جُنُودِهِ ...۲۹۵

جابر بن یزید جعفی از حضرت باقر علیه السلام روایت کند که گفت: به آن حضرت عرض کردم: ای فرزند رسول خدا! گروهی از مردم گوینـد: خـدای تعالی امامان را در فرزنـدان امام حسن علیه السـلام قرار داده نه در فرزندان امام حسـین علیه السـلام؟ حضـرت فرمودنـد: به خـدا سوگند! دروغ می گویند، آیا نشنیده‌اند که خداوند تعالی فرماید: «و قرار داده است (امامت) را گفتاری پاینده در فرزندان او»، پس آیا در غیر فرزندان حسـین قرار داده است؟ سپس فرمودند: ای جابر! امامان کسانی هستند که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بر امامتشان تصریح فرموده، و ایشانند امامانی که آن حضرت فرمودند: چون به آسمان برده شدم اسامی ایشان را بر ساق عرش به نور نوشـته دیـدم که دوازده نام بودنـد، و آنها علی و دو سـبط من، و علی و محمد و جعفر و موسـی و علی و محمد و علی و حسن و حجّت قائم بودنـد، پس اینها امامان از اهل بیت صـفوت و طهارت هسـتند، به خـدا سوگنـد! جز ما هیـچ کس ادعای امامت نکند مگر اینکه خداوند او را با شیطان و لشکرش محشور فرماید ...

۲ـ عَنْ أَبِی هُرَیْرَةَ قَالَ قَالَ: سَأَلْتُ رَسُولَ اللَّهِ صـلی الله علیه و آله و سلم، عَنْ قَوْلِهِ عز و جل : «وَ جَعَلَها کَلِمَةً باقِیَةً فِی عَقِبِهِ»، قَالَ: جَعَلَ الْإِمَامَةَ فِی عَقِبِ الْحُسَیْنِ، یُخْرِجُ مِنْ صُلْبِهِ تِسْعَةً مِنَ الْأَئِمَّةِ وَ مِنْهُمْ مَهْدِیُّ هَذِهِ الْأُمَّةِ، ثُمَّ قَالَ صـلی الله علیه و آله و سـلم: لَوْ أَنَّ رَجُلًا صَفَنَ بَیْنَ الرُّکْنِ وَ الْمَقَامِ ثُمَّ لَقِیَ اللَّهَ مُبْغِضاً لِأَهْلِ بَیْتِی دَخَلَ النَّارَ.۲۹۶

از ابو هریره نقـل است که گفت: از رسول خـدا صـلی الله علیه و آله و سـلم راجع به گفتار خـدای تعالی: «و آن (امامت) را گفتاری پاینده در فرزندان وی نهاد»، پرسـیدم؟ حضـرت فرمودند: امامت را در فرزندان حسـین قرار داد، از صلب او نُه نفر از امامان را بیرون

خواهـد آورد، و از آنها است مهـدی این امّت، سـپس فرمودنـد: اگر مردی بین رکن و مقام هم‌چنان سـر پا بایسـتد، سـپس خدا را با دشمنی اهل بیت من ملاقات کند، داخل آتش شود.

۳ـ عَنْ عَلِیِّ بْنِ الْحُسَـیْنِ علیه السـلام عَن اَبیه عَن عَلی بن ابیطالب علیهما السلام، أَنَّهُ قَالَ: فِینَا نَزَلَتْ هَذِهِ الْآیَهُ: «وَ أُولُوا الْأَرْحام بَعْضُهُمْ أَوْلی بِبَعْضٍ فِی کِتابِ اللَّهِ»، وَ فِینَا نَزَلَتْ هَـذِهِ الْآیَـهُ: «وَ جَعَلَها کَلِمَـهً باقِیَهً فِی عَقِبِهِ»، وَ الْإِمَامَهُ فِی عَقِبِ الْحُسَـیْنِ بْنِ عَلِیِّ بْنِ أَبِی طَالِبِ علیهم السـلام إِلَی یَوْمِ الْقِیَامَهِ، وَ إِنَّ لِلْقَائِمِ مِنَّا غَیْبَتَیْنِ إِحْدَاهُمَا أَطْوَلُ مِنَ الْأُخْرَی، أَمَّا الْأُولَی فَسِـتَّهُ أَیَّام وَ سِـتَّهُ أَشْهُرٍ وَ سِتُّ سِنِینَ، وَ أَمَّا الْأُخْرَی فَیَطُولُ أَمَدُهَا، حَتَّی یَرْجِعَ عَنْ هَذَا الْأَمْرِ أَکْثَرُ مَنْ یَقُولُ بِهِ، فَلَا یَثْبُتُ عَلَیْهِ إِلَّا مَنْ قَوِیَ یَقِینُهُ، وَ صَحَّتْ مَعْرِفَتُهُ، وَ لَمْ یَجِدْ فِی نَفْسِهِ حَرَجاً مِمَّا قَضَیْنَا، وَ سَلَّمَ لَنَا أَهْلَ الْبَیْتِ.۲۹۷

از امام سـجّاد علیه السـلام روایت است از پدرشان از امیر المومنین علیه السـلام که حضـرت فرمودند: این آیه در باره‌ی ما نازل شده است: «وَ أُولُوا الْأَرْحـامِ بَعْضُـهُمْ أَوْلی بِبَعْضٍ»، و این آیه نیز در باره‌ی ما نازل شـده است: «وَ جَعَلَها کَلِمَـهً باقِیَـهً فِی عَقِبِهِ»، و امامت تا روز قیـامت در نسـل حسـین بن علیّ بن أبی طـالب علیهم السـلام است، و برای قائم ما دو غیبت است، که یکی از دیگری طولانی‌تر است، امّـا غیبت اوّل شـش روز و شـش مـاه و شـش سـال به طول می‌انجامـد، و امّـا غیبت دیگر طولاـنی می‌شود تـا جـایی که بیشتر معتقـدین به آن امام از این امر باز می‌گردنـد، و بر آن ثابت نماننـد، مگر کسـی که یقینش قوی و معرفتش درست باشد، و در دلش حرجی از آنچه حکم می‌کنیم نبوده و تسلیم ما اهل بیت باشد.

شماره: ۱۸۴: وقایع قبل از ظهور

کد آیه: ۶۵ / ۴۳

{فَاخْتَلَفَ الْأَحْزابُ مِنْ بَیْنِهِمْ فَوَیْلٌ لِلَّذینَ ظَلَمُوا مِنْ عَذابِ یَوْمٍ أَلیم}

ولی گروه‌هایی از میان آنها اختلاف کردند، پس وای بر کسانی که ستم کردند از عذاب روزی دردناك!

«لطفاً به آیه‌ی شماره‌ی ۱۰۳، کد: ۳۷ / ۱۹مراجعه فرمائید.»

شماره: ۱۸۵: ساعت ناگهانی

کد آیه: ۶۶ / ۴۳

{هَلْ یَنْظُرُونَ إِلَّا السَّاعَهَ أَنْ تَأْتِیَهُمْ بَغْتَهً وَ هُمْ لا یَشْعُرُونَ}

آیا جز این انتظار دارند که قیامت ناگهان به سراغشان آید در حالی که نمی‌فهمند؟

عَنْ زُرَارَهَ بْنِ أَعْیَن قَـالَ: سَـأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ علیه السـلام، عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَ: «هَلْ یَنْظُرُونَ إِلَّا السَّاعَـهَ أَنْ تَأْتِیَهُمْ بَغْتَـهً»، قال: هِیَ سَاعَهُ الْقَائِمِ علیه السلام ، تَأْتِیهِمْ بَغْتَهً.۲۹۸

زراره گویـد: از حضـرت باقر علیه السـلام این آیه را پرسـیدم: «هَلْ یَنْظُرُونَ إِلَّا السَّاعَهَ أَنْ تَأْتِیَهُمْ بَغْتَهً»، حضـرت فرمودند: آن ساعت، قائم علیه السلام است که ناگهان برای آنها آشکار می‌شود.

شماره: ۱۸۶: مقدّرات

کد آیه: ۴ تا ۱ / ۴۴

{حم (۱) وَ الْکِتابِ الْمُبینِ (۲) إِنَّا أَنْزَلْناهُ فی لَیْلَهٍ مُبارَکَهٍ إِنَّا کُنَّا مُنْذِرینَ (۳) فیها یُفْرَقُ کُلُّ أَمْرٍ حَکیمٍ (۴)}

حم (۱) سوگند به این کتاب روشـنگر، (۲) که مـا آن را در شبی پر برکت نـازل کردیم مـا همواره انذارکننـده بوده‌ایم! (۳) در آن

شب هر امری بر اساس حکمت (الهی) تدبیر و جدا می گردد. (۴)

عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُسْکَان عَن أَبِی عَبْدِ اللَّهِ الصادق علیه السلام وَ أَبِی الْحَسَنِ الکاظم علیه السلام : «حم، وَ الْکِتابِ الْمُبِین، إِنَّا أَنْزَلْناهُ»، یَعْنِی الْقُرْآنَ، «فِی لَیْلَهٍ مُبارَکَهٍ إِنَّا کُنَّا مُنْذِرِینَ»، وَ هِیَ لَیْلَهُ الْقَدْرِ، أَنْزَلَ اللَّهُ الْقُرْآنَ فِیهَا إِلَی الْبَیْتِ الْمَعْمُورِ، جُمْلَهً وَاحِدَهً، ثُمَّ نَزَلَ مِنَ الْبَیْتِ الْمَعْمُورِ عَلَی رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم، فِی طُولِ عِشْرِینَ سَنَهً، «فِیها یُفْرَقُ»، فِی لَیْلَهِ الْقَدْرِ، «کُلُّ أَمْرٍ حَکِیم»، أَیْ یُقَدِّرُ اللَّهُ کُلَّ أَمْرٍ مِنَ الْحَقِّ وَ مِنَ الْبَاطِلِ، وَ مَا یَکُونُ فِی تِلْکَ السَّنَهِ وَ لَهُ فِیهِ الْبَدَاءُ وَ الْمَشِیئَهُ، یُقَدِّمُ مَا یَشَاءُ وَ یُؤَخِّرُ مَا یَشَاءُ، مِنَ الْآجَالِ وَ الْأَرْزَاقِ وَ الْبَلَایَا وَ الْأَعْرَاضِ وَ الْأَمْرَاضِ، وَ یَزِیدُ فِیهَا مَا یَشَاءُ وَ یَنْقُصُ مَا یَشَاءُ، وَ یُلْقِیهِ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم إِلَی أَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ علیه السلام وَ یُلْقِیهِ أَمِیرُ الْمُؤْمِنِینَ علیه السلام إِلَی الْأَئِمَّهِ علیه السلام حَتَّی یَنْتَهِیَ ذَلِکَ إِلَی صَاحِبِ الزَّمَانِ علیه السلام وَ یَشْتَرِطُ لَهُ فِیهِ الْبَدَاءَ وَ الْمَشِیئَهَ وَ التَّقْدِیمَ وَ التَّأْخِیرَ.۲۹۹

از امام ششم و امام هفتم علیهما السلام درباره‌ی این آیه نقل شده است: یعنی قرآن را نازل کردیم در شب مبارکی تا خلق را از عذاب آخرت بترسانیم و هشدار دهیم و آن شب قدر است، خداوند در آن شب، قرآن را یک جا به بیت المعمور نازل فرمود، سپس از بیت المعمور بر پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در طول بیست سال نازل نمود، در آن شب هر امری با حکمت، تعیین و ممتاز می شود، یعنی در شب قدر، هر امری با حکمت، یعنی: خداوند هر امری را از حق و باطل، و آنچه در آن سال می‌شود همه را تقدیر می فرماید، و بداء و مشیت برایش هست، آنچه را بخواهد از اجلها و روزی ها و ابتلائات و بیماریها را پس و پیش می‌کند، و آنچه بخواهد در آنها می افزاید، و آنچه بخواهد از آن می کاهد، و رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم آن مقدّرات را به امیرالمومنین علیه السلام القا می نماید، و امیرالمومنین به امامان علیه السلام القا می نماید، تا کار به حضرت صاحب الزّمان علیه السلام منتهی می‌گردد، و آنچه در آن بداء و مشیت و تقدیم و تأخیر هست برای او به طور مشروط بیان می گردد.

شماره: ۱۸۷: روز قیام روز خدا

کد آیه: ۱۴ / ۴۵

{قُلْ لِلَّذینَ آمَنُوا یَغْفِرُوا لِلَّذینَ لا یَرْجُونَ أَیَّامَ اللَّهِ لِیَجْزِیَ قَوْماً بِما کانُوا یَکْسِبُونَ}

به مؤمنان بگو: «کسانی را که امید به ایّام اللّه ندارند مورد عفو قرار دهند تا خداوند هر قومی را به اعمالی که انجام می‌دادند جزا دهد»!

عَن أبی عَبد اللّه علیه السلام : أیّامُ الله المَرجوّهٔ ثلاثهٔ ایّام: یَوم قیامِ القائِم وَ یَوم الکَرَّهٔ وَ یَوم القیامَهٔ.۳۰۰

امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: روزهایی که مورد امید و آرزو هستند، سه روز هستند: روز قیام حضرت قائم علیه السلام ، و روز رجعت، و روز قیامت.

شماره: ۱۸۸: استقامت

کد آیه: ۱۳ / ۴۶

{إِنَّ الَّذینَ قالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقامُوا فَلا خَوْفٌ عَلَیْهِمْ وَ لا هُمْ یَحْزَنُونَ}

کسانی که گفتند: «پروردگار ما اللّه است»، سپس استقامت کردند، نه ترسی برای آنان است و نه اندوهگین می‌شوند.

«لطفاً به آیه‌ی شماره‌ی ۱۶۹، کد: ۳۰ / ۴۱ مراجعه فرمائید.»

شماره: ۱۸۹: وقت ظهور

کد آیه: ۱۸ / ۴۷

{فَهَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا السَّاعَةَ أَنْ تَأْتِيَهُمْ بَغْتَةً فَقَدْ جاءَ أَشْراطُها فَأَنَّى لَهُمْ إِذا جاءَتْهُمْ ذِكْراهُمْ}

آیـا آنهـا [کـافران] جز این انتظاری دارنـد که قیامت ناگهان فرا رسـد (آن گاه ایمان آورنـد)، در حالی که هم اکنون نشانه‌های آن آمده است اما هنگامی که بیاید، تذکّر (و ایمان) آنها سودی نخواهد داشت!

«لطفاً به آیه‌ی شماره‌ی ۵۵، کد: ۱۸۷ / ۷ مراجعه فرمائید.»

شماره: ۱۹۰: غربال

کد آیه: ۲۵ / ۴۸

{... لَوْ تَزَيَّلُوا لَعَذَّبْنَا الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ عَذاباً أَلِيماً}

... اگر مؤمنان و کفّار (در مکه) از هم جدا می‌شدند، کافران را عذاب دردناکی می‌کردیم!

عَنْ إِبْرَاهِيمِ الْكَرْخِيِّ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام، أَوْ قَالَ لَهُ رَجُلٌ: أَصْلَحَكَ اللَّهُ! أَ لَمْ يَكُنْ عَلِيٌّ عليه السلام قَوِيّاً فِي دِينِ اللَّهِ عز و جل؟ قَالَ: بَلَى، قَالَ: فَكَيْفَ ظَهَرَ عَلَيْهِ الْقَوْمُ؟ وَ كَيْفَ لَمْ يَدْفَعْهُمْ؟ وَ مَا مَنَعَهُ مِنْ ذَلِكَ؟ قَالَ: آيَةٌ فِي كِتَابِ اللَّهِ عز و جل مَنَعَتْهُ، قَالَ: قُلْتُ: وَ أَيُّ آيَةٍ؟ قَالَ: قَوْلُهُ: «لَوْ تَزَيَّلُوا لَعَذَّبْنَا الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ عَذاباً أَلِيماً»، إِنَّهُ كَانَ لِلَّهِ عز و جل وَدَائِعُ مُؤْمِنِينَ فِي أَصْلَابِ قَوْمٍ كَافِرِينَ وَ مُنَافِقِينَ، فَلَمْ يَكُنْ عَلِيٌّ عليه السلام لِيَقْتُلَ الْآبَاءَ، حَتَّى تَخْرُجَ الْوَدَائِعُ، فَلَمَّا خَرَجَتِ الْوَدَائِعُ ظَهَرَ عَلَى مَنْ ظَهَرَ فَقَاتَلَهُ، وَ كَذَلِكَ قَائِمُنَا أَهْلَ الْبَيْتِ لَنْ يَظْهَرَ أَبَداً حَتَّى تَظْهَرَ وَدَائِعُ اللَّهِ عز و جل، فَإِذَا ظَهَرَتْ ظَهَرَ عَلَى مَنْ ظَهَرَ فَقَتَلَهُ.۳۰۱

ابراهیم کرخی گوید: مردی به امام صادق علیه السـلام گفت: اصـلحک اللّه! آیا علیّ علیه السلام در دین خدای تعالی نیرومند نبود؟ حضـرت فرمودنـد: آری، نیرومنـد بود، گفت: پس چرا آن قوم بر او غلبه کردنـد؟ و چرا آنهـا را دفع نفرمود؟ و مـانع کارهای ایشان نشـد؟ حضـرت فرمودنـد: آیه‌ای در کتاب خـدای تعالی او را از این کار بازداشت، گویـد: گفتم: آن کـدام آیه است؟ فرمودند: این سخن خدای تعالی: «لَوْ تَزَيَّلُوا لَعَذَّبْنَا الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ عَذاباً أَلِيماً»، زیرا برای خدای تعالی ودایع مؤمنین در اصلاب قوم کافر و منافق وجود دارد، و علی علیه السـلام پدران را نمی‌کشت تا آنکه آن ودایع خارج شوند، و چون آن ودایع خارج شدند بر آنها غلبه فرمود و بـا ایشان کارزار کرد، و قائم ما اهل البیت نیز چنین است، ظهور نمی‌کنـد تا آنکه ودایع خـدای تعالی ظاهر شود و چون آنها ظاهر شدند بر آنان که باید غلبه می‌کند و آنان را نابود می‌سازد.

شماره: ۱۹۱: غلبه‌ی اسلام بر تمام ادیان

کد آیه: ۲۸ / ۴۸

{هُوَ الَّذى أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدى وَ دينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ كَفى بِاللَّهِ شَهيداً}

او کسـی است که رسـولش را بـا هـدایت و دین حق فرسـتاده تـا آن را بر همه‌ی ادیـان پیروز کنـد و کـافی است که خـدا گواه این موضوع باشد!

«لطفاً به آیه‌ی شماره‌ی ۵۹، کد: ۳۳ / ۹ مراجعه فرمائید.»

شماره: ۱۹۲: ندای آسمانی

کد آیه: ۴۲ تا ۴۱ / ۵۰

{وَاسْتَمِعْ يَوْمَ يُنادِ الْمُنادِ مِنْ مَكانٍ قَريبٍ (۴۱) يَوْمَ يَسْمَعُونَ الصَّيْحَةَ بِالْحَقِّ ذلِكَ يَوْمُ الْخُرُوجِ (۴۲)}

و گوش فرا ده و منتظر روزی باش که منادی از مکانی نزدیک ندا می‌دهد، (۴۱) روزی که همگان صیحه‌ی رستاخیز را به حق می‌شنوند آن روز، روز خروج است! (۴۲)

علی بن إبراهیم عن الصادق علیه السلام فی قوله تعالی: «وَ اسْتَمِعْ یَوْمَ یُنادِ الْمُنادِ مِنْ مَکانٍ قَرِیبٍ»، قال: ینادی المنادی باسم القائم و اسم أبیه علیهما السلام ، قولُه تعالی: «یَوْمَ یَسْمَعُونَ الصَّیْحَةَ بِالْحَقِّ»، قال: صیحةُ القائِم مِن السماء، «ذلِکَ یَوْمُ الْخُرُوجِ».۳۰۲

علی بن ابراهیم در تفسیر آیه شریفه از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده که حضرت فرمودند: منادی به نام قائم و نام پدرش ندا می دهد و صیحه در این آیه صدای آسمانی است که در روز خروج حضرت قائم علیه السلام شنیده می شود.

شماره: ۱۹۳: موعود

کد آیه: ۲۲ / ۵۱

{وَ فِی السَّماءِ رِزْقُکُمْ وَ ما تُوعَدُونَ}

و روزی شما و همه‌ی وعده‌هایی که به شما داده می‌شود، در آسمان است.

عَنْ أَبِی صَالِحٍ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ فِی قَوْلِهِ تَعَالَی: «وَ فِی السَّماءِ رِزْقُکُمْ وَ ما تُوعَدُونَ»، قَالَ: هُوَ خُرُوجُ الْمَهْدِیِّ علیه السلام .۳۰۳

ابی صالح از ابن عباس نقل می کند که گفت: مقصود از این آیه، خروج حضرت مهدی علیه السلام است.

شماره: ۱۹۴: قیام بر حق

کد آیه: ۲۳ / ۵۱

{فَوَ رَبِّ السَّماءِ وَ الْأَرْضِ إِنَّهُ لَحَقٌّ مِثْلَ ما أَنَّکُمْ تَنْطِقُونَ}

سوگند به پروردگار آسمان و زمین که این مطلب حقّ است همان گونه که شما سخن می گویید.

عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ عَلِیِّ بْنِ الْحُسَیْنِ علیهما السلام فِی قَوْلِ اللَّهِ عز و جل: «فَوَ رَبِّ السَّماءِ وَ الْأَرْضِ إِنَّهُ لَحَقٌّ مِثْلَ ما أَنَّکُمْ تَنْطِقُونَ»، قَالَ: قَوْلُهُ: «إِنَّهُ لَحَقٌّ»، هُوَ قِیَامُ الْقَائِمِ علیه السلام .۳۰۴

اسحاق بن عبد الله از امام سجاد علیه السلام روایت کرده که حضرت در باره‌ی قول خداوند عز و جل: «فَوَ رَبِّ السَّماءِ وَ الْأَرْضِ إِنَّهُ لَحَقٌّ مِثْلَ ما أَنَّکُمْ تَنْطِقُونَ»، فرمودند: همانا آن قیام قائم علیه السلام است که حقیقت دارد.

شماره: ۱۹۵: عذاب در رجعت

کد آیه: ۴۷ / ۵۲

{وَ إِنَّ لِلَّذِینَ ظَلَمُوا عَذاباً دُونَ ذلِکَ وَ لکِنَّ أَکْثَرَهُمْ لا یَعْلَمُونَ}

و برای ستمگران عذابی قبل از آن است (در همین جهان) ولی بیشترشان نمی‌دانند.

عَن سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ علیه السلام: نَزَلَ جَبْرَئِیلُ بِهَذِهِ الْآیَةِ هَکَذَا: فَإِنَّ لِلظَّالِمِینَ آلَ مُحَمَّدٍ حَقَّهُمْ، عَذَاباً دُونَ ذَلِکَ وَ لَکِنَّ أَکْثَرَ النَّاسِ لَا یَعْلَمُونَ، یَعْنِی عَذَاباً فِی الرَّجْعَةِ.۳۰۵

سعد بن عبد اللّه از حضرت باقر علیه السلام نقل می کند که فرمودند: جبرئیل این آیه را چنین نازل کرد: آنها که حق آل محمد علیهم السلام را گرفتند، عذابی غیر از این دارند، و این عذاب در رجعت است.

شماره: ۱۹۶: دعوت از منکرین

کد آیه: ۶ / ۵۴

{فَتَوَلَّ عَنْهُمْ يَوْمَ يَدْعُ الدَّاعِ إِلى شَيْءٍ نُكُرٍ}

بنا بر این از آنها روی بگردان، و روزی را به یاد آور که دعوت کننده الهی مردم را به امر وحشتناکی دعوت می کند!

فی تفسیر علی بن إبراهیم فی قوله: «فَتَوَلَّ عَنْهُمْ يَوْمَ يَدْعُ الدَّاعِ إِلى شَيْءٍ نُكُرٍ»، قال: الامام إذا خرج یدعوهم الی ما ینکرون.۳۰۶

علی بن ابراهیم در تفسیر قول خداوند: «فَتَوَلَّ عَنْهُمْ يَوْمَ يَدْعُ الدَّاعِ إِلى شَيْءٍ نُكُرٍ»،گفت: چون امام خروج کند، مردم را به سوی آنچه ایشان را ناخوش باشد می‌خواند.

شماره: ۱۹۷: شناسایی و رسوایی کفّار

کد آیه: ۴۱ / ۵۵

{يُعْرَفُ الْمُجْرِمُونَ بِسِيماهُمْ فَيُؤْخَذُ بِالنَّواصِي وَ الْأَقْدامِ}

مجرمان از چهره‌هایشان شناخته می‌شوند و آن گاه آنها را از موهای پیش سر، و پاهایشان می گیرند (و به دوزخ می‌افکنند)!

۱ _ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام فِي قَوْلِهِ عز و جل: «يُعْرَفُ الْمُجْرِمُونَ بِسِيماهُمْ فَيُؤْخَذُ بِالنَّواصِي وَ الْأَقْدامِ»، قَالَ: اللَّهُ سُبْحَانَهُ يَعْرِفُهُمْ، وَ لَكِنْ هَذِهِ نَزَلَتْ فِي الْقَائِمِ علیه السلام، هُوَ يَعْرِفُهُمْ بِسِيمَاهُمْ فَيَخْبِطُهُمْ بِالسَّيْفِ هُوَ وَ أَصْحَابُهُ خَبْطاً.۳۰۷

ابو بصیر از امام صادق علیه السلام روایت کرده، که حضرت در بیان آیه شریفه: «يُعْرَفُ الْمُجْرِمُونَ بِسِيماهُمْ»، گناهکاران از قیافه‌شان شناخته می‌شوند، فرمودند: آنان را خداوند می‌شناسد، ولی این آیه در باره‌ی قائم علیه السلام نازل شده است که او آنها را از قیافه‌شان می‌شناسد و او و یارانش آنان را از دم شمشیر می گذرانند.

۲ ـ عَنْ مُعَاوِيَةَ الدُّهْنِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام، فِي قَوْلِ اللَّهِ عز و جل: «يُعْرَفُ الْمُجْرِمُونَ بِسِيماهُمْ فَيُؤْخَذُ بِالنَّواصِي وَ الْأَقْدامِ»، فَقَالَ: يَا مُعَاوِيَةُ! مَا يَقُولُونَ فِي هَذَا؟ قَالَ: قُلْتُ: يَزْعُمُونَ أَنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى يَعْرِفُ الْمُجْرِمِينَ بِسِيمَاهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَيَأْمُرُ بِهِمْ فَيُؤْخَذُ بِنَوَاصِيهِمْ وَ أَقْدَامِهِمْ وَ يُلْقَوْنَ فِي النَّارِ، قَالَ: فَقَالَ لِي: وَ كَيْفَ يَحْتَاجُ الْجَبَّارُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى إِلَى مَعْرِفَةِ خَلْقٍ أَنْشَأَهُمْ وَ هُوَ خَلَقَهُمْ؟ قَالَ: فَقُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! فَمَا ذَاكَ؟ قَالَ: ذَلِكَ لَوْ قَامَ قَائِمُنَا أَعْطَاهُ اللَّهُ السِّيمَاءَ فَيَأْمُرُ بِالْكَافِرِ فَيُوخَذُ بِنَوَاصِيهِمْ وَ أَقْدَامِهِمْ ثُمَّ يَخْبِطُ بِالسَّيْفِ خَبْطاً.۳۰۸

معاویه دُهنی از امام صادق علیه السلام روایت کرده، که حضرت در باره‌ی قول خداوند عز و جل: «يُعْرَفُ الْمُجْرِمُونَ بِسِيماهُمْ فَيُؤْخَذُ بِالنَّواصِي وَ الْأَقْدامِ»، فرمودند: ای معاویه! دیگران درباره‌ی این آیه چه می گویند؟ عرض کردم: می پندارند که خداوند، روز قیامت گناهکاران را از قیافه شان می‌شناسد و از موهای جلوی سر و پاهای شان می گیرد و آنان را در آتش می اندازد، امام علیه السلام فرمودند: خداوند چه نیازی دارد که مجرمان را از چهره شان بشناسد، و حال آن که آنان را آفریده است، عرض کردم: جانم به قربانتان! پس معنای آیه چیست؟ حضرت فرمودند: هنگامی که حضرت قائم علیه السلام قیام کند، خداوند به او علم سیماشناسی عطا می کند و حضرت دستور می دهد، کافران را از سر و پا گرفته و با شمشیر، ضربات سختی بر آنان بزنند.

شماره: ۱۹۸: طولانی شدن روزگار غیبت

کد آیه:۱۶ / ۵۷

{... وَ لا يَكُونُوا كَالَّذِينَ أُوتُوا الْكِتابَ مِنْ قَبْلُ فَطالَ عَلَيْهِمُ الْأَمَدُ فَقَسَتْ قُلُوبُهُمْ وَ كَثِيرٌ مِنْهُمْ فاسِقُونَ}

... و مانند کسانی نباشند که در گذشته به آنها کتاب آسمانی داده شد، سپس زمانی طولانی بر آنها گذشت و قلبهایشان قساوت پیدا کرد و بسیاری از آنها گنهکارند!

عَن أَحْمَد بْن الْحَسَن الْمِيثَمِيّ عَنْ رَجُلٍ مِنْ أَصْحَابِ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ علیهما السلام، أَنَّهُ قَالَ: سَمِعْتُهُ يَقُولُ: نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ الَّتِی فِی سُورَةِ الْحَدِيدِ: «وَ لَا يَكُونُوا كَالَّذِينَ أُوتُوا الْكِتابَ مِنْ قَبْلُ فَطالَ عَلَيْهِمُ الْأَمَدُ فَقَسَتْ قُلُوبُهُمْ وَ كَثِيرٌ مِنْهُمْ فاسِقُونَ»، فِی أَهْلِ زَمَانِ الْغَيْبَةِ، ثُمَّ قَالَ عز و جل: «أَنَّ اللَّهَ يُحْيِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِها قَدْ بَيَّنَّا لَكُمُ الْآياتِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ»، وَ قَالَ إِنَّمَا الْأَمَدُ أَمَدُ الْغَيْبَةِ.۳۰۹

احمد بن الحسن میثمیّ از مردی از اصحاب ابی عبد اللَّه جعفر بن محمّد الصادق علیهما السلام، که او گفت: شنیدم امام صادق علیه السلام می‌فرمودند: این آیه که در سوره‌ی حدید است: «وَ لا يَكُونُوا كَالَّذِينَ أُوتُوا الْكِتابَ مِنْ قَبْلُ فَطالَ عَلَيْهِمُ الْأَمَدُ فَقَسَتْ قُلُوبُهُمْ وَ كَثِيرٌ مِنْهُمْ فاسِقُونَ»، نباشید مانند کسانی که از پیش به آنان کتاب داده شد و روزگار طولانی بر آنان گذشت پس دلهایشان سخت شد و بیشتر آنان از عقیده خود دست برداشتند، در باره‌ی مردم زمان غیبت نازل شده است، سپس خدای عز و جل فرماید: «أَنَّ اللَّهَ يُحْيِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِها قَدْ بَيَّنَّا لَكُمُ الْآياتِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ»، همانا که خداوند زمین را پس از مرگش زنده می‌سازد براستی که ما آیات را برای شما بیان کردیم شاید به عقل گرائید، حضرت فرمودند: روزگار در آیه، روزگار غیبت است.

شماره: ۱۹۹: زنده شدن زمین

کد آیه: ۱۷ / ۵۷

{اِعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يُحْيِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِها قَدْ بَيَّنَّا لَكُمُ الْآياتِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُون}

بدانید خداوند زمین را بعد از مرگ آن زنده می کند! ما آیات (خود) را برای شما بیان کردیم، شاید اندیشه کنید!

۱ ـ عَنْ سَلام بْنِ الْمُسْتَنِيرِ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام، فِی قَوْلِ اللَّهِ عز و جل: «اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يُحْيِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِها»، قَالَ: يُحْيِيهَا اللَّهُ عز و جل بِالْقَائِمِ علیه السلام بَعْدَ مَوْتِهَا يَعْنِی، بِمَوْتِهَا كُفْرَ أَهْلِهَا وَ الْكَافِرُ مَيِّتٌ.۳۱۰

سلام بن مستنیر از امام باقر علیه السلام روایت می کند، که در تفسیر این کلام خدای تعالی: «اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يُحْيِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِها»، فرمودند: خدای تعالی زمین را به واسطه‌ی قائم علیه السلام زنده می کند، پس از آن که مرده باشد، و مقصود از مردن آن، کفر اهل آن است و کافر همان مرده است.

۲ ـ عَن ابْنِ عَبَّاسٍ فِی قَوْلِهِ تَعَالَی: «اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يُحْيِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِها»، قَالَ: يُصْلِحُ اللَّهُ الْأَرْضَ بِقَائِمِ آلِ مُحَمَّدٍ علیهم السلام بَعْدَ مَوْتِها، يَعْنِی بَعْدَ جَوْرِ أَهْلِ مَمْلَكَتِهَا، «قَدْ بَيَّنَّا لَكُمُ الْآياتِ»، بِالْحُجَّةِ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ، «لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُون».۳۱۱

از ابن عباس روایت است که در باره‌ی آیه‌ی کریمه: «بدانید که خدا زمین را پس از مردنش زنده می کند ما آیات را برایتان به روشنی بیان کردیم باشد که به عقل دریابید»، فرمود: یعنی اصلاح می نماید زمین را، به وسیله‌ی قائم آل محمد علیهم السلام پس از آنکه بمیرد، یعنی پس از ستم و بیدادگری اهل زمین، ما آیات را برایتان روشن نمودیم، باشد که به عقل دریابید.

۳ ـ عَن الصادِقِ علیه السلام فِی حدِيثٍ ... ثُمَّ قَالَ علیه السلام: أَ لَا تَسْمَعُ قَوْلَهُ تَعَالَی فِی الْآيَةِ التَّالِيَةِ لِهَذِهِ الْآيَةِ: «اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يُحْيِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِها قَدْ بَيَّنَّا لَكُمُ الْآياتِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ»، أَیْ يُحْيِيهَا اللَّهُ بِعَدْلِ الْقَائِمِ عِنْدَ ظُهُورِهِ بَعْدَ مَوْتِهَا بِجَوْرِ أَئِمَّةِ الضَّلَالِ.۳۱۲

امام صادق علیه السلام در حدیثی ... سپس فرمودند: آیا این کلام خدای تعالی را به دنبال همین آیه نمی‌شنوی که می‌فرماید: «آگاه باشید خداوند زمین را پس از مرگش زنده می‌سازد، ما آیات و نشانه‌ها را برای شما روشن ساختیم شاید بیندیشید»، یعنی خداوند زمین را پس از مردن آن از ستمکاری پیشوایان و رهبران گمراهی، با دادگری قائم علیه السلام به هنگام ظهورش دوباره زنده می‌سازد.

شماره: ۲۰۰: پاداش منتظران

کد آیه: ۱۹ / ۵۷

{وَ الَّذینَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَ رُسُلِهِ أُولئِکَ هُمُ الصِّدِّیقُونَ وَ الشُّهَداءُ عِنْدَ رَبِّهِمْ لَهُمْ أَجْرُهُمْ وَ نُورُهُمْ وَ الَّذینَ کَفَرُوا وَ کَذَّبُوا بِآیاتِنا أُولئِکَ أَصْحابُ الْجَحیمِ}

کسانی که به خدا و رسولانش ایمان آوردند، آنها صدّیقین و شهدا نزد پروردگارشانند برای آنان است پاداش (اعمال) شان و نور (ایمان) شان و کسانی که کافر شدند و آیات ما را تکذیب کردند، آنها دوزخیانند.

۱ ـ عَن حَارِثِ بنِ مُغِیرَهًْ قَالَ: کُنَّا عِنْدَ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام ، فَقَالَ: الْعَارِفُ مِنْکُمْ هَذَا الْأَمْرَ الْمُنْتَظِرُ لَهُ الْمُحْتَسِبُ فِیهِ الْخَیْرَ کَمَنْ جَاهَدَ وَ اللَّهِ مَعَ قَائِمِ آلِ مُحَمَّدٍ علیهم السلام بِسَیْفِهِ، ثُمَّ قَالَ: بَلْ وَ اللَّهِ! کَمَنْ جَاهَدَ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم بِسَیْفِهِ، ثُمَّ قَالَ: بَلْ وَ اللَّهِ! کَمَنْ اسْتُشْهِدَ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم فِی فُسْطَاطِهِ، وَ فِیکُمْ آیَهٌْ مِنْ کِتَابِ اللَّهِ، قُلْتُ: وَ أَیُّ آیَهًٍْ، جُعِلْتُ فِدَاکَ!؟ قَالَ: قَوْلُ اللَّهِ عز و جل: «وَ الَّذِینَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَ رُسُلِهِ أُولئِکَ هُمُ الصِّدِّیقُونَ وَ الشُّهَداءُ عِنْدَ رَبِّهِمْ لَهُمْ أَجْرُهُمْ وَ نُورُهُمْ»، ثُمَّ قَالَ: صِرْتُمْ وَ اللَّهِ صَادِقِینَ شُهَدَاءَ عِنْدَ رَبِّکُمْ.۳۱۳

از حارث بن مغیره روایت است که گفت: نزد امام باقر علیه السلام بودیم، که حضرت فرمودند: هر کس از شما به این امر آشنا و در انتظار او باشد، و در باره‌ی او گمان نیک برد، سوگند به خدا! مانند کسی است که با شمشیر خویش در کنار قائم آل محمد علیه السلام جهاد کند، سپس فرمودند: بلکه، به خدا سوگند! مانند کسی است که در خیمه‌ی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و در کنار رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم شهید شده باشد، و از کتاب خدا آیه ای درباره‌ی شما وجود دارد، عرض کردم: فدایت شوم! آن آیه کدام است؟ حضرت فرمودند: فرمایش خداوند عز و جل: «والذین آمنوا بالله ورسله أولئک هم الصدیقون والشهداء عند ربهم»، آنانکه به خدا ورسولانش ایمان آوردند ، آنها راستگویان وگواهان نزد خدای خودشان هستند، آنگاه فرمودند: به خدا سوگند شماها نزد پروردگارتان راستگویان وگواهانید .

۲ ـ عَن حُسَیْنِ بْنِ أَبِی حَمْزَهَْ عَنْ أَبِیهِ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام : جُعِلْتُ فِدَاکَ! قَدْ کَبِرَ سِنِّی وَ دَقَّ عَظْمِی وَ اقْتَرَبَ أَجَلِی وَ قَدْ خِفْتُ أَنْ یُدْرِکَنِی قَبْلَ هَذَا الْأَمْرِ الْمَوْتُ، قَالَ: فَقَالَ لِی: یَا أَبَا حَمْزَهًَْ! أَوَ مَا تَرَی الشَّهِیدَ إِلَّا مَنْ قُتِلَ؟ قُلْتُ: نَعَمْ، جُعِلْتُ فِدَاکَ! فَقَالَ لِی: یَا أَبَا حَمْزَهًَْ! مَنْ آمَنَ بِنَا وَ صَدَّقَ حَدِیثَنَا وَ انْتَظَرَ أَمْرَنَا، کَانَ کَمَنْ قُتِلَ تَحْتَ رَایَهًِْ الْقَائِمِ علیه السلام، بَلْ وَ اللَّهِ! تَحْتَ رَایَهًِْ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم .۳۱۴

حسین بن ابی حمزه از پدرش روایت کرده، که گفت: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: فدایت شوم! سنّم بالا رفته و استخوانم پوک شده و مرگم نزدیک شده است، و می ترسم قبل از این امر جان دهم، پس حضرت به من فرمودند: ای ابا حمزه! مگر شهید را جز کشته شد ن نمی دانی؟ گفتم: آری، فدایت گردم! پس به من فرمودند: ای ابا حمزه! کسی که به ما ایمان بیاورد وسخن ما را تصدیق کند و منتظر امر ما باشد، مانند کسی است که زیر پرچم قائم علیه السلام ، بلکه به خدا قسم! زیر پرچم رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم کشته شده باشد.

شماره: ۲۰۱: چراغ راه

کد آیه: ۲۸ / ۵۷

{یا أَیُّهَا الَّذینَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ آمِنُوا بِرَسُولِهِ یُؤْتِکُمْ کِفْلَیْنِ مِنْ رَحْمَتِهِ وَ یَجْعَلْ لَکُمْ نُوراً تَمْشُونَ بِهِ وَ یَغْفِرْ لَکُمْ وَ اللَّهُ غَفُورٌ رَحیمٌ}

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! تقوای الهی پیشه کنید و به رسولش ایمان بیاورید تا دو سهم از رحمتش به شما ببخشد و برای شما نوری قرار دهد که با آن راه بروید و گناهان شما را ببخشد و خداوند غفور و رحیم است.

عَنْ سَمَاعَهًَْ بنِ مِهْرَان عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام، فِی قَوْلِ اللَّهِ عز و جل: «یُؤْتِکُمْ کِفْلَیْنِ مِنْ رَحْمَتِهِ»، قَالَ: الْحَسَنُ وَ الْحُسَیْنُ، «وَ یَجْعَلْ لَکُمْ نُوراً تَمْشُونَ بِهِ»، قَالَ: إِمَامٌ تَأْتَمُّونَ بِهِ.۳۱۵

سماعهٔ بن مهران، از امام جعفر صادق علیه السلام روایت نموده که حضرت در قول خدای عز و جل: «یُؤْتِکُمْ کِفْلَیْنِ مِنْ رَحْمَتِهِ»، فرمودند: امام حسن و امام حسین علیهما السلام هستند، «وَ یَجْعَلْ لَکُمْ نُوراً تَمْشُونَ بِهِ»، فرمودند: نور، امامی است که به او اقتدا می‌کنید.

شماره: ۲۰۲: یأس کفّار

کد آیه: ۱۳ / ۶۰

{یا أَیُّهَا الَّذینَ آمَنُوا لا تَتَوَلَّوْا قَوْماً غَضِبَ اللَّهُ عَلَیْهِمْ قَدْ یَئِسُوا مِنَ الْآخِرَةِ کَما یَئِسَ الْکُفَّارُ مِنْ أَصْحابِ الْقُبُورِ}

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! با قومی که خداوند آنان را مورد غضب قرار داده دوستی نکنید آنان از آخرت مأیوسند همان‌گونه که کفار مدفون در قبرها مأیوس می‌باشند!

عَنْ أَبِی الْجَارُودِ عَمَّنْ سَمِعَ عَلِیّاً علیه السلام، یَقُولُ: الْعَجَبُ کُلُّ الْعَجَبِ بَیْنَ جُمَادَی وَ رَجَبٍ، فَقَامَ رَجُلٌ فَقَالَ: یَا أَمِیرَ الْمُؤْمِنِینَ! مَا هَذَا الْعَجَبُ الَّذِی لَا تَزَالُ تَعْجَبُ مِنْهُ؟ فَقَالَ: ثَکِلَتْکَ أُمُّکَ! وَ أَیُّ عَجَبٍ أَعْجَبُ مِنْ أَمْوَاتٍ یَضْرِبُونَ کُلَّ عَدُوٍّ لِلَّهِ وَ لِرَسُولِهِ وَ لِأَهْلِ بَیْتِهِ!؟ وَ ذَلِکَ تَأْوِیلُ هَذِهِ الْآیَةِ: «یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا لا تَتَوَلَّوْا قَوْماً غَضِبَ اللَّهُ عَلَیْهِمْ قَدْ یَئِسُوا مِنَ الْآخِرَةِ کَما یَئِسَ الْکُفَّارُ مِنْ أَصْحابِ الْقُبُورِ»، فَإِذَا اشْتَدَّ الْقَتْلُ قُلْتُمْ مَاتَ أَوْ هَلَکَ أَوْ أَیَّ وَادٍ سَلَکَ، وَ ذَلِکَ تَأْوِیلُ هَذِهِ الْآیَةِ: «ثُمَّ رَدَدْنا لَکُمُ الْکَرَّةَ عَلَیْهِمْ وَ أَمْدَدْناکُمْ بِأَمْوالٍ وَ بَنِینَ وَ جَعَلْناکُمْ أَکْثَرَ نَفِیراً».۳۱۶

ابو الجارود گوید: از قول کسی که از امیر المؤمنین علیه السلام شنیده است، که حضرت می‌فرمایند: عجب و همه‌ی عجب بین جمادی و رجب است! مردی به پا خاست و عرضه داشت: یا امیر المؤمنین! این چه شگفتی است که شما پیوسته از آن در تعجّب دارید؟ حضرت فرمودند: مادرت در عزایت بگرید! کدام شگفتی از این عجیب‌تر که مردگانی همه‌ی دشمنان خدا و رسول و دشمنان اهل بیتش را بزنند؟ و این است

تأویل این آیه: «ای کسانی که ایمان آورده‌اند، هرگز قومی را که خداوند بر آنان غضب کرده یار و دوست خود مگیرید که آن‌ها از جهان آخرت مأیوس و نا امیدند، هم‌چنان‌که کافران از اهل قبور نا امیدند»، هنگامی که کشتار شدّت یابد، گویند: او مرده و هلاک گشته، و به کدام وادی رفته است، و همان است تأویل این آیه: «سپس بار دیگر شما را بر آنان مسلط کنیم و به وسیله‌ی اموال و فرزندان مدد رسانیم و تعداد (افراد) تان را بیش‌تر سازیم».

شماره: ۲۰۳: اتمام نور خدا

کد آیه: ۸ / ۶۱

{یُرِیدُونَ لِیُطْفِؤُا نُورَ اللَّهِ بِأَفْواهِهِمْ وَ اللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَ لَوْ کَرِهَ الْکافِرُونَ}

آنان می‌خواهند نور خدا را با دهان خود خاموش سازند ولی خدا نور خود را کامل می‌کند هر چند کافران خوش نداشته باشند!

۱ ـ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفُضَیْلِ عَنْ أَبِی الْحَسَنِ الْمَاضِی علیه السلام، قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عز و جل: «یُرِیدُونَ لِیُطْفِؤُا نُورَ اللَّهِ بِأَفْواهِهِمْ»، قَالَ: یُرِیدُونَ لِیُطْفِئُوا وَلَایَةَ أَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ علیه السلام بِأَفْوَاهِهِمْ، قُلْتُ: «وَ اللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ»، قَالَ: وَ اللَّهُ مُتِمُّ الْإِمَامَةِ، لِقَوْلِهِ عز و جل: «فَآمِنُوا بِاللَّهِ وَ رَسُولِهِ وَ النُّورِ الَّذِی أَنْزَلْنا»، فَالنُّورُ هُوَ الْإِمَامُ، قُلْتُ: «هُوَ الَّذِی أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدی وَ دِینِ الْحَقِّ»، قَالَ: هُوَ الَّذِی أَمَرَ رَسُولَهُ بِالْوَلَایَةِ لِوَصِیِّهِ، وَ الْوَلَایَةُ هِیَ دِینُ الْحَقِّ، قُلْتُ: «لِیُظْهِرَهُ عَلَی الدِّینِ کُلِّهِ»، قَالَ: یُظْهِرُهُ عَلَی جَمِیعِ الْأَدْیَانِ عِنْدَ قِیَامِ الْقَائِمِ علیه السلام، قَالَ: یَقُولُ اللَّهُ: «وَ اللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ»، وَلَایَةِ الْقَائِمِ، «وَ لَوْ کَرِهَ الْکافِرُونَ» بِوَلَایَةِ عَلِیٍّ، قُلْتُ، هَذَا تَنْزِیلٌ؟ قَالَ: نَعَمْ، أَمَّا هَذَا الْحَرْفُ فَتَنْزِیلٌ وَ أَمَّا غَیْرُهُ فَتَأْوِیل.۳۱۷

محمّد بن فضیل از حضرت ابو الحسن موسی بن جعفر علیهما السلام نقل کرده که سؤال کردم از آن جناب راجع به این آیه: «یُرِیدُونَ لِیُطْفِؤُا نُورَ اللَّهِ بِأَفْواهِهِمْ وَ اللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ»، حضرت فرمودند: می‌خواهند ولایت علی بن ابی طالب علیهما السلام را با تبلیغات خود از بین ببرند، گفتم: «وَ اللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ»، فرمودند: خدا امامت را تکمیل می‌کند، به دلیل این آیه: «فَآمِنُوا بِاللَّهِ وَ رَسُولِهِ وَ النُّورِ الَّذِی أَنْزَلْنا»، که نور همان امام است، گفتم: «هُوَ الَّذِی أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدی وَ دِینِ الْحَقِّ»، او خدائی است که دستور داده به پیامبرش وصیّت کند در مورد ولایت علی بن ابی طالب علیهماالسلام ، ولایت همان دین حق است، گفتم: «لِیُظْهِرَهُ عَلَی الدِّینِ کُلِّهِ»، فرمودند: تا غالب نماید دین حق را بر تمام ادیان هنگام ظهور حضرت قائم علیه السلام، به دلیل این آیه: «وَ اللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ»، که خدا امامت را تکمیل می‌کند به ولایت حضرت قائم علیه السلام، «وَ لَوْ کَرِهَ الْکافِرُونَ»، اگر چه خوش آیند کافران به ولایت علی علیه السلام نباشد، گفتم: آیا این تنزیل قرآن است؟ حضرت فرمودند: آن حروفی که در قرآن آمده است تنزیل است ولی بقیّه تفسیر آن است.

۲ ـ علی بن إبراهیم، فی قوله تعالی: «یُرِیدُونَ لِیُطْفِؤُا نُورَ اللَّهِ بِأَفْواهِهِمْ وَ اللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ»، قَالَ: بِالْقَائِمِ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَیْهِمْ، إِذَا خَرَجَ لَیُظْهِرُهُ عَلَی الدِّینِ کُلِّهِ، حَتَّی لَا یُعْبَدَ غَیْرُ اللَّهِ، وَ هُوَ قَوْلُهُ: یَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطاً وَ عَدْلًا کَمَا مُلِئَتْ ظُلْماً وَ جَوْراً.۳۱۸

علی بن ابراهیم در باره‌ی قول خداوند تعالی: «یُرِیدُونَ لِیُطْفِؤُا نُورَ اللَّهِ بِأَفْواهِهِمْ»، می گوید: می‌خواهند با دهانهاشان نور خدا را خاموش نمایند، ولی خداوند نور خود را با قائم آل محمد علیهم السلام تمام می کند در آن زمان که ظهور کند، تا خداوند او را بر همه‌ی مذاهب باطله غلبه دهد، به طوری که جز خدای یگانه پرستش نشود، و این است معنی: و زمین را از عدل و داد پر می کند بعد از آنکه از ظلم و ستم پر شده باشد.

شماره: ۲۰۴: غلبه‌ی اسلام بر تمام ادیان

کد آیه: ۹ / ۶۱

{هُوَ الَّذِی أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدی وَ دِینِ الْحَقِّ لِیُظْهِرَهُ عَلَی الدِّینِ کُلِّهِ وَ لَوْ کَرِهَ الْمُشْرِکُونَ}

او کسی است که رسول خود را با هدایت و دین حق فرستاد تا او را بر همه ادیان غالب سازد، هر چند مشرکان کراهت داشته باشند!

«لطفاً به آیه‌ی شماره‌ی ۵۹، کد: ۳۳ / ۹ مراجعه فرمائید.»

شماره: ۲۰۵: بشارت مؤمنین به فتح

کد آیه: ۱۳ / ۶۱

{وَ أُخْری تُحِبُّونَها نَصْرٌ مِنَ اللَّهِ وَ فَتْحٌ قَرِیبٌ وَ بَشِّرِ الْمُؤْمِنِینَ}

و (نعمت) دیگری که آن را دوست دارید به شما می‌بخشد، و آن یاری خداوند و پیروزی نزدیک است و مؤمنان را بشارت ده!

عن أبی جعفر علیه السلام فی قوله تعالی: ... «وَ أُخْری تُحِبُّونَها نَصْرٌ مِنَ اللَّهِ وَ فَتْحٌ قَرِیبٌ»، یعنی فی الدنیا بِفَتحِ القائِم.۳۱۹

حضرت امام باقر علیه السلام در باره‌ی قول خداوند تعالی: «وَ أُخْری تُحِبُّونَها نَصْرٌ مِنَ اللَّهِ وَ فَتْحٌ قَرِیبٌ»، فرمودند: یعنی فتح قائم آل محمد علیهم السلام در دنیا.

شماره: ۲۰۶: نور امام

کد آیه: ۸ /۶۴

{فَآمِنُوا بِاللَّهِ وَ رَسُولِهِ وَ النُّورِ الَّذی أَنْزَلْنا وَ اللَّهُ بِما تَعْمَلُونَ خَبِیرٌ}

حال که چنین است، به خدا و رسول او و نوری که نازل کرده‌ایم ایمان بیاورید و بدانید خدا به آنچه انجام می‌دهید آگاه است!

عَنْ أَبِی خَالِدٍ الْکَابُلِیِّ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ علیه السلام، عَنْ قَوْلِهِ: «فَآمِنُوا بِاللَّهِ وَ رَسُولِهِ وَ النُّورِ الَّذِی أَنْزَلْنا»، فَقَالَ: یَا أَبَا خَالِدٍ! النُّورُ، وَ اللَّهِ! الْأَئِمَّةُ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ علیهم السلام إِلَی یَوْمِ الْقِیَامَةِ، هُمْ وَ اللَّهِ! نُورُ اللَّهِ الَّذِی أَنْزَلَ، وَ هُمْ وَ اللَّهِ! نُورُ اللَّهِ فِی السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ، وَ اللَّهِ! یَا أَبَا خَالِدٍ! لَنُورُ الْإِمَامِ فِی قُلُوبِ الْمُؤْمِنِینَ أَنْوَرُ مِنَ الشَّمْسِ الْمُضِیئَةِ بِالنَّهَارِ، وَ هُمْ وَ اللَّهِ! یُنَوِّرُونَ قُلُوبَ الْمُؤْمِنِینَ، وَ یَحْجُبُ اللَّهُ نُورَهُمْ عَمَّنْ یَشَاءُ، فَتُظْلِمُ قُلُوبُهُمْ، وَ اللَّهِ! یَا أَبَا خَالِدٍ! لَا یُحِبُّنَا عَبْدٌ وَ یَتَوَلَّانَا حَتَّی یُطَهِّرَ اللَّهُ قَلْبَهُ، وَ لَا یُطَهِّرُ اللَّهُ قَلْبَ عَبْدٍ حَتَّی یُسَلِّمَ لَنَا، وَ یَکُونَ سِلْماً لَنَا فَإِذَا کَانَ سِلْماً لَنَا سَلَّمَهُ اللَّهُ مِنْ شَدِیدِ الْحِسَابِ، وَ آمَنَهُ مِنْ فَزَعِ یَوْمِ الْقِیَامَةِ الْأَکْبَرِ.۳۲۰

ابو خالد کابلی گوید از حضرت باقر علیه السلام راجع به آیه: «فَآمِنُوا بِاللَّهِ وَ رَسُولِهِ وَ النُّورِ الَّذِی أَنْزَلْنا»، پرسیدم، حضرت فرمودند: ای ابا خالد! به خدا قسم! نور، ائمه از آل محمّد علیهم السلام هستند تا روز قیامت، آنها به خدا قسم! نور خدایند که فرستاده، و نور خدایند در آسمانها و زمین، به خدا قسم! ای ابا خالد! نور امام در دل مؤمنین درخشان‌تر از نور خورشید است در روز، به خدا سوگند! امامان دلهای مؤمنین را منوّر می‌سازند، وخدا نور آنها را از هر که بخواهد باز می‌دارد، پس دلهای آنها تاریک می‌گردد، ای ابا خالد! به خدا قسم! هیچ بنده‌ای با ما دوستی نمی‌ورزد و ولایت ما را نمی‌پذیرد، جز اینکه خداوند دلش را پاک سازد، و دلی را پاک نمی‌کند مگر اینکه تسلیم ما باشد و با ما از در آشتی در آید، اگر از در آشتی با ما درآمد خدا او را از شدّت گرفتاری‌های حساب، در امان قرار می‌دهد و از وحشت قیامت ایمن می‌گرداند.

شماره: ۲۰۷: فضیلت صابرین در غیبت

کد آیه: ۲۵ / ۶۷

{وَ یَقُولُونَ مَتی هذَا الْوَعْدُ إِنْ کُنْتُمْ صادِقِینَ}

آنها می‌گویند: «اگر راست می‌گویید این وعده قیامت چه زمانی است؟!»

«لطفاً به آیه‌ی شماره‌ی ۶۸، کد: ۴۸ / ۱۰ مراجعه فرمائید.»

شماره: ۲۰۸: ماء معین

کد آیه: ۳۰ / ۶۷

{قُلْ أَ رَأَیْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ ماؤُکُمْ غَوْراً فَمَنْ یَأْتِیکُمْ بِماءٍ مَعِینٍ}

بگو: «به من خبر دهید اگر آبهای (سرزمین) شما در زمین فرو رود، چه کسی می‌تواند آب جاری و گوارا در دسترس شما قرار دهد؟!»

۱ ـ عَنْ عَمَّارِ بن یاسِر قَالَ: کُنْتُ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم فِی بَعْضِ غَزَوَاتِهِ، وَ قَتَلَ عَلِیٌّ علیه السلام أَصْحَابَ الْأَلْوِیَةِ، وَ فَرَّقَ جَمْعَهُمْ، وَ قَتَلَ عَمْرَو بْنَ عَبْدِ اللَّهِ الْجُمَحِیَّ، وَ قَتَلَ شَیْبَةَ بْنَ نَافِعٍ، أَتَیْتُ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم فَقُلْتُ لَهُ: یَا رَسُولَ اللَّهِ! صَلَّی اللَّهُ عَلَیْکَ، إِنَّ عَلِیّاً قَدْ جَاهَدَ فِی اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ، فَقَالَ: لِأَنَّهُ مِنِّی وَ أَنَا مِنْهُ، وَارِثُ عِلْمِی وَ قَاضِی دَیْنِی وَ مُنْجِزُ وَعْدِی وَ الْخَلِیفَةُ بَعْدِی، وَ لَوْلَاهُ لَمْ یُعْرَفِ الْمُؤْمِنُ الْمَحْضُ، حَرْبُهُ حَرْبِی وَ حَرْبِی حَرْبُ اللَّهِ، وَ سِلْمُهُ سِلْمِی وَ سِلْمِی سِلْمُ اللَّهِ، أَلَا! إِنَّهُ أَبُو سِبْطَیَّ وَ الْأَئِمَّةِ مِنْ صُلْبِهِ یُخْرِجُ اللَّهُ تَعَالَی الْأَئِمَّةَ الرَّاشِدِینَ وَ مِنْهُمْ مَهْدِیُّ هَذِهِ الْأُمَّةِ، فَقُلْتُ: بِأَبِی أَنْتَ وَ أُمِّی! یَا رَسُولَ اللَّهِ! مَا هَذَا الْمَهْدِیُّ؟ قَالَ: یَا عَمَّارُ! إِنَّ اللَّهَ تَبَارَکَ وَ تَعَالَی عَهِدَ إِلَیَّ أَنَّهُ یُخْرِجُ مِنْ صُلْبِ الْحُسَیْنِ تِسْعَةً، وَ التَّاسِعُ مِنْ وُلْدِهِ یَغِیبُ عَنْهُمْ، وَ ذَلِکَ قَوْلُهُ عز و جل: «قُلْ أَ رَأَیْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ ماؤُکُمْ غَوْراً فَمَنْ یَأْتِیکُمْ بِماءٍ مَعِینٍ»، یَکُونُ لَهُ غَیْبَةٌ طَوِیلَةٌ یَرْجِعُ عَنْهَا قَوْمٌ وَ یَثْبُتُ عَلَیْهَا آخَرُونَ، فَإِذَا کَانَ فِی آخِرِ الزَّمَانِ یَخْرُجُ، فَیَمْلَأُ الدُّنْیَا قِسْطاً وَ عَدْلًا، وَ یُقَاتِلُ عَلَی التَّأْوِیلِ کَمَا قَاتَلْتُ عَلَی التَّنْزِیلِ، وَ هُوَ سَمِیِّی وَ أَشْبَهُ النَّاسِ بِی ...۳۲۱

عمار بن یاسر گفت: من با رسول خدا در یکی از جنگها بودم که علی علیه السلام صاحبان عَلَمهای مشرکین را کُشت (چون الویه

جمع لواء به معنای علَم است) و آنان را متفرّق نمود، آمدم خدمت رسول خدا و عرض کردم: یا رسول الله! درود خداوند بر شما باد! علی علیه السلام جهادی کرد در راه خدا که حق جهاد را ادا نمود، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: همانا علی از من است و من از اویم، او وارث علم من است و ادا کننده‌ی قرض من است، و وعده مرا انجام دهد، و خلیفه‌ی بعد از من می‌باشد، و اگر علی نبود مؤمن خالص شناخته نمی‌شد، جنگ با او جنگ با من است و جنگ با من جنگ با خداست، و تسلیم او تسلیم من و تسلیم من تسلیم خداوند است، آگاه باش! او پدر دو سبط من است و امامان بعد من از صلب او خارج می‌شوند، خدای تعالی امامان راشدین را از صلب او آورد و از ایشان است مهدیّ این امت است، عمار گفت: پدر و مادرم به قربانت! ای رسول خدا! این مهدی کیست؟ حضرت فرمودند: ای عمار! بدان خدای تعالی عهد و پیمان بر من گرفت که خارج نماید از صلب حسین امامان نُه گانه را، که نُهمین آنان غیبت می کند، و این قول خداوند است که فرمود: «بگو ای رسول به دیده‌ی تأمل بنگرید که اگر آب که مایه زندگانی شما است، صبحگاهی به زمین فرو رود جز خدا کیست که باز آب گوارا برای شما پدید آورد»، برای قائم غیبتی طولانی است، که برمی گردند گروهی از او، و ثابت می‌مانند بر آن گروهی دیگر، پس زمانی که در آخر الزّمان ظهور کند، همانا پر می کند دنیا را از عدل، و مقاتله می‌کند بر تأویل قرآن، کما این که من مقاتله کردم بر نزول قرآن، و او هم اسم من است و شبیه ترین مردم است به من ...

۲ ـ عَنْ أَبِی بَصِیرٍ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ: فِی قَوْلِ اللَّهِ عز و جل: «قُلْ أَ رَأَیْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ ماؤُکُمْ غَوْراً فَمَنْ یَأْتِیکُمْ بِماءٍ مَعِینٍ»، فَقَالَ: هَذِهِ نَزَلَتْ فِی الْقَائِمِ علیه السلام، یَقُولُ: إِنْ أَصْبَحَ إِمَامُکُمْ غَائِباً عَنْکُمْ، لَا تَدْرُونَ أَیْنَ هُوَ فَمَنْ یَأْتِیکُمْ بِإِمَامٍ ظَاهِرٍ، یَأْتِیکُمْ بِأَخْبَارِ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ، وَ حَلَالِ اللَّهِ جَلَّ وَ عَزَّ وَ حَرَامِهِ، ثُمَّ قَالَ: وَ اللَّهِ! مَا جَاءَ تَأْوِیلُ الْآیَةِ وَ لَا بُدَّ أَنْ یَجِیءَ تَأْوِیلُهَا.۳۲۲

ابو بصیر از امام باقر علیه السلام روایت کند که در تفسیر این کلام خدای تعالی: «قُلْ أَ رَأَیْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ ماؤُکُمْ غَوْراً فَمَنْ یَأْتِیکُمْ بِماءٍ مَعِینٍ»، فرمودند: این آیه در باره‌ی امام قائم علیه السلام نازل شده است، یعنی می‌فرماید: اگر امامتان از شما غائب شود و ندانید که او کجاست، چه کسی امام ظاهری برای شما خواهد آورد؟ تا اخبار آسمان و زمین و حلال و حرام خدای تعالی را برای شما بیاورد، سپس فرمودند: به خدا سوگند! تأویل این آیه هنوز نیامده است و ناگزیر باید بیاید.

۳ ـ عَنْ عَلِیِّ بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَخِیهِ مُوسَی علیه السلام قَالَ: قُلْتُ لَهُ: مَا تَأْوِیلُ هَذِهِ الْآیَةِ: «قُلْ أَ رَأَیْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ ماؤُکُمْ غَوْراً فَمَنْ یَأْتِیکُمْ بِماءٍ مَعِینٍ»، فَقَالَ: تَأْوِیلُهُ إِنْ فَقَدْتُمْ إِمَامَکُمْ فَمَنْ یَأْتِیکُمْ بِإِمَامٍ جَدِیدٍ.۳۲۳

علیّ بن جعفر از برادرش موسی بن جعفر علیهما السلام روایت کرده گوید: به موسی ابن جعفر علیهما السلام عرض کردم: تأویل این آیه چیست که می‌فرماید: «قُلْ أَ رَأَیْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ ماؤُکُمْ غَوْراً فَمَنْ یَأْتِیکُمْ بِماءٍ مَعِینٍ»، اگر دیدید که چشمه‌ی آبتان فرو خشکید، چه کسی شما را آب گوارا خواهد رسانید، آن حضرت فرمودند: هنگامی که امامتان از شما پنهان و از نظرها ناپدید شد، چه کسی امامی جدید برای شما می‌آورد؟

شماره: ۲۰۹: پندار بی‌دینان

کد آیه: ۱۶و۱۵ / ۶۸

{إِذا تُتْلی عَلَیْهِ آیاتُنا قالَ أَساطِیرُ الْأَوَّلِینَ. سَنَسِمُهُ عَلَی الْخُرْطُومِ}

هنگامی که آیات ما بر او خوانده می‌شود می گوید: «اینها افسانه‌های خرافی پیشینیان است!» (۱۵) (ولی) ما بزودی بر بینی او علامت و داغ ننگ می‌نهیم! (۱۶)

۱ ـ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام فِی قَوْلِهِ: «إِذا تُتْلی عَلَیْهِ آیاتُنا قالَ أَساطِیرُ الْأَوَّلِینَ»، یَعْنِی: تَکْذِیبَهُ بِقَائِمِ آلِ مُحَمَّدٍ علیهم السلام إِذْ یَقُولُ لَهُ لَسْنَا نَعْرِفُکَ وَ لَسْتَ مِنْ وُلْدِ فَاطِمَةَ، کَمَا قَالَ الْمُشْرِکُونَ لِمُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله و سلم .۳۲۴

از امام صادق علیه السلام روایت است که حضرت فرمودند: بی‌دینان چون خبر ظهور قائم را بشنوند، آن را افسانه می‌پندارند و هنگامی که او را ببینند می گویند ما تو را نمی‌شناسیم و تو از فرزندان فاطمه سلام الله علیها نیستی، چنان که مشرکین این گونه سخنان به پیغمبر می گفتند.

۲ ـ علی بن ابرایم فی تفسیره، و قَوْلُهُ: «إذا تُتْلی عَلَیْهِ آیاتُنا» قَالَ: کَنَّی عَنِ الثَّانِی، آیَاتُنَا قالَ: «أَساطِیرُ الْأَوَّلِینَ»، أیْ: أَکَاذِیبُ الْأَوَّلِینَ: «سَنَسِمُهُ عَلَی الْخُرْطُومِ» قَالَ: فِی الرَّجْعَةِ إذَا رَجَعَ أَمِیرُ الْمُؤْمِنِینَ علیه السلام وَ یَرْجِعُ أَعْدَاؤُهُ فَیَسِمُهُمْ بِمِیسَمٍ مَعَهُ کَمَا تُوسَمُ الْبَهَائِمُ عَلَی الْخَرَاطِیمِ الْأَنْفُ وَ الشَّفَتَانِ.۳۲۵

در تفسیر قمی روایت است که این آیه مربوط به رجعت است، هنگامی که شاه ولایت حضرت امیر مؤمنان علیه السلام رجعت کند و دشمنان آن حضرت نیز برگردند، بر پیشانی آنها مهر می‌زند و نشاندار می کند، چنانکه چارپایان را داغ می‌زنند تا نشاندار شوند.

شماره: ۲۱۰: بخورید و بیاشامید

کد آیه: ۲۴ / ۶۹

{کُلُوا وَ اشْرَبُوا هَنِیئاً بِما أَسْلَفْتُمْ فِی الْأَیَّامِ الْخالِیَةِ}

(و به آنان گفته می‌شود:) بخورید و بیاشامید گوارا در برابر اعمالی که در ایّام گذشته انجام دادید!

خُطْبَةً لِمَوْلَانَا أَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ علیه السلام تُسَمَّی الْمَخْزُون و هی: الْحَمْدُ لِلَّهِ الْأَحَدِ الْمَحْمُود... الی ان قال: وَ یُقْذَفُ فِی قُلُوبِ الْمُؤْمِنِینَ الْعِلْمَ، فَلَا یَحْتَاجُ مُؤْمِنٌ إِلَی مَا عِنْدَ أَخِیهِ مِنَ الْعِلْمِ، فَیَوْمَئِذٍ تَأْوِیلُ هَذِهِ الْآیَةِ: «یُغْنِ اللَّهُ کُلًّا مِنْ سَعَتِهِ»، وَ تُخْرِجُ لَهُمُ الْأَرْضُ کُنُوزَهَا وَ یَقُولُ الْقَائِمُ علیه السلام: «کُلُوا وَ اشْرَبُوا هَنِیئاً بِما أَسْلَفْتُمْ فِی الْأَیَّامِ الْخالِیَةِ» ...۳۲۶

در خطبه ای طولانی از حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام است که فرمودند: ... و علم در دل های مؤمنین واقع می شود، پس هیچ مؤمنی به علمی که نزد برادرش هست، احتیاج نخواهد داشت و تأویل این آیه: «یُغنِی الله کُلّاً مِن سَعَتِهِ»، خداوند هر یک را به رحمت واسعه‌ی خویش بی‌نیاز فرماید، مراد آن روز است و زمین در آن روز، گنجینه های خود را برای آنان بیرون می آورد و قائم علیه السلام خطاب به آنان می‌فرماید: «کُلُوا وَ اشرَبُوا هَنِئاً بِما أَسلَفتُم فِی الأیّامِ الخالِیَةِ»، بخورید و بیاشامید، گوارایتان باد پاداش آنچه در روزگار گذشته پیش فرستاده‌اید.

شماره: ۲۱۱: آتش جنگ قبل از قیام

کد آیه: ۱ / ۷۰

{سَأَلَ سائِلٌ بِعَذابٍ واقِعٍ}

تقاضاکننده‌ای تقاضای عذابی کرد که واقع شد!

۱ ـ فی تفسیر القمی، فی قوله تعالی: «سَأَلَ سائِلٌ بِعَذابٍ واقِعٍ» قَالَ: سُئِلَ أَبُو جَعْفَرٍ علیه السلام عَنْ مَعْنَی هَذَا؟ فَقَالَ: نَارٌ تَخْرُجُ مِنَ الْمَغْرِبِ وَ مَلَکٌ یَسُوقُهَا مِنْ خَلْفِهَا حَتَّی یَأْتِیَ مِنْ جِهَةِ دَارِ بَنِی سَعْدِ بْنِ هَمَّام عِنْدَ مَسْجِدِهِمْ، فَلَا تَدَعُ دَاراً لِبَنِی أُمَیَّةَ إِلَّا أَحْرَقَتْهَا وَ أَهْلَهَا وَ لَا تَدَعُ دَاراً فِیهَا وَتْرٌ لِآلِ مُحَمَّدٍ إِلَّا أَحْرَقَتْهَا وَ ذَلِکَ الْمَهْدِیُّ علیه السلام .۳۲۷

در تفسیر علی بن ابراهیم قمی است که از امام محمد باقر علیه السلام معنی آیه: «سَأَلَ سائِلٌ بِعَذابٍ واقِعٍ»، را پرسیدند، که آن عذاب چیست؟ حضرت فرمودند: مقصود آتشی است که از مغرب بیرون می‌آید و فرشته‌ای از عقب آن را می‌راند، تا به محله‌ی بنی سعد بن همام می‌رسد و پهلوی مسجد آنها می‌ایستد، و تمام خانه‌های بنی امیه با ساکنین آن را می‌سوزاند، و هیچ خانه‌ای را که دشمنی از آل محمد علیهم السلام در آن باشد، سالم نمی گذارد و همه را می‌سوزاند، و آن مهدی علیه السلام است.

۲ ـ عَنْ صَالِحِ بْنِ سَهْلٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ علیهما السلام فِی قَوْلِهِ تَعَالَی: «سَأَلَ سائِلٌ بِعَذابٍ واقِعٍ»، قَالَ: تَأْوِیلُهَا فِیمَا یَأْتِی عَذَابٌ یَقَعُ فِی الثُّوَیَّهْ، یَعْنِی نَاراً حَتَّی یَنْتَهِیَ إِلَی الْکُنَاسَهِْ، کُنَاسَهِْ بَنِی أَسَدٍ، حَتَّی تَمُرَّ بِثَقِیفٍ لَا تَدَعُ وَتْراً لِآلِ مُحَمَّدٍ إِلَّا أَحْرَقَتْهُ، وَ ذَلِکَ قَبْلَ خُرُوجِ الْقَائِمِ علیه السلام .۳۲۸

صالح بن سهل از امام صادق علیه السلام روایت کرده که در مورد فرمایش خدای تعالی: «سَأَلَ سائِلٌ بِعَذابٍ واقِعٍ»، سئوال کننده‌ای از عذاب قیامت که وقوعش حتمی است پرسید، آن حضرت فرمودند: تأویل این آیه در چیزی است که خواهد آمد، عذابی که در ثویّه واقع می‌شود، یعنی آتش تا به کناسه می‌رسد، کناسه بنی اسد، تا آنجا که بر ثقیف نیز بگذرد، هیچ جایگاه ستم بر آل محمّد علیهم السلام را فرو نمی‌گذارد، مگر اینکه آن را به آتش می‌کشد، و آن پیش از قیام قائم علیه السلام است.

شماره: ۲۱۲: مدت حکومت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و حضرت علی علیه السلام

کد آیه: ۴ / ۷۰

{تَعْرُجُ الْمَلائِکَهُْ وَ الرُّوحُ إِلَیْهِ فی یَوْمٍ کانَ مِقْدارُهُ خَمْسینَ أَلْفَ سَنَهٍْ}

فرشتگان و روح [فرشته مقرّب خداوند] به سوی او عروج می‌کنند در آن روزی که مقدارش پنجاه هزار سال است!

عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام أَنَّهُ قَالَ: حِینَ سُئِلَ عَنِ الْیَوْمِ الَّذِی ذَکَرَ اللَّهُ تَعَالَی مِقْدَارَهُ فِی الْقُرْآنِ: «فِی یَوْمٍ کانَ مِقْدارُهُ خَمْسِینَ أَلْفَ سَنَهٍْ»، وَ هِیَ کَرَّهُْ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم ، فَیَکُونُ مُلْکُهُ فِی کَرَّتِهِ خَمْسِینَ أَلْفَ سَنَهٍْ، وَ یَمْلِکُ أَمِیرُ الْمُؤْمِنِینَ علیه السلام فِی کَرَّتِهِ أَرْبَعاً وَ أَرْبَعِینَ أَلْفَ سَنَهٍْ.۳۲۹

از حضرت صادق علیه السلام روایت است که: وقتی تفسیر آیه: «فِی یَوْمٍ کانَ مِقْدارُهُ خَمْسِینَ أَلْفَ سَنَهٍْ»، را از آن حضرت پرسیدند، حضرت فرمودند: این در موقع بازگشت و رجعت پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به دنیا است، که مدّت سلطنتش پنجاه هزار سال خواهد بود، و امیر المؤمنین علیه السلام نیز چهل و چهار هزار سال سلطنت می‌کند.

شماره: ۲۱۳: تصدیق قیام حضرت مهدی علیه السلام

کد آیه: ۲۶ /۷۰

{وَ الَّذِینَ یُصَدِّقُونَ بِیَوْمِ الدِّینِ}

و آنها که به روز جزا ایمان دارند.

عَنْ أَبِی حَمْزَهَْ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام ... وَ فِی قَوْلِهِ عز و جل: «وَ الَّذِینَ یُصَدِّقُونَ بِیَوْمِ الدِّینِ»، قَالَ: بِخُرُوجِ الْقَائِمِ علیه السلام ...۳۳۰

ابو حمزه از امام باقر علیه السلام روایت می‌کند که حضرت در باره‌ی این سخن پروردگار: «وَ الَّذِینَ یُصَدِّقُونَ بِیَوْمِ الدِّینِ»، فرمودند: یعنی به خروج حضرت قائم علیه السلام .

شماره: ۲۱۴: روز ذلّت کفّار

کد آیه: ۴۴ / ۷۰

{خاشِعَهًْ أَبْصارُهُمْ تَرْهَقُهُمْ ذِلَّهٌْ ذلِکَ الْیَوْمُ الَّذِی کانُوا یُوعَدُونَ}

در حالی که چشمهایشان از شرم و وحشت به زیر افتاده، و پرده‌ای از ذلّت و خواری آنها را پوشانده است! این همان روزی است که به آنها وعده داده می‌شد!

عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام فِی قَوْلِهِ عز و جل: «خاشِعَةً أَبْصارُهُمْ تَرْهَقُهُمْ ذِلَّةٌ ذلِکَ الْیَوْمُ الَّذِی کانُوا یُوعَدُونَ»، قَالَ: یَعْنِی یَوْمَ خُرُوجِ الْقَائِمِ علیه السلام .۳۳۱

از امام باقر علیه السلام روایت است که در تفسیر آیه: «خاشِعَةً أَبْصارُهُمْ تَرْهَقُهُمْ ذِلَّةٌ ذلِکَ الْیَوْمُ الَّذِی کانُوا یُوعَدُونَ»، چشمهایشان سرافکنده است، آنها را ذلّت فرا گرفته است، این است روزی که وعده داده شده بودند، حضرت فرمودند: یعنی روز ظهور قائم علیه السلام .

شماره: ۲۱۵: طریقت

کد آیه: ۱۶ / ۷۲

{وَ أَنْ لَوِ اسْتَقامُوا عَلَى الطَّرِیقَةِ لَأَسْقَیْناهُمْ ماءً غَدَقاً}

و اینکه اگر آنها [جنّ و انس] در راه (ایمان) استقامت ورزند، با آب فراوان سیرابشان می‌کنیم!

عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام فِی قَوْلِهِ تَعَالَى: «وَ أَنْ لَوِ اسْتَقامُوا عَلَى الطَّرِیقَةِ لَأَسْقَیْناهُمْ ماءً غَدَقاً»، قَالَ: یَعْنِی لَوِ اسْتَقَامُوا عَلَى وَلَایَةِ عَلِیِّ بْنِ أَبِی طَالِبٍ أَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ وَ الْأَوْصِیَاءِ مِنْ وُلْدِهِ علیهم السلام وَ قَبِلُوا طَاعَتَهُمْ فِی أَمْرِهِمْ وَ نَهْیِهِمْ، «لَأَسْقَیْنَاهُمْ مَاءً غَدَقاً»، یَقُولُ: لَأَشْرَبْنَا قُلُوبَهُمُ الْإِیمَانَ، «وَ الطَّرِیقَةُ»، هِیَ الْإِیمَانُ بِوَلَایَةِ عَلِیٍّ وَ الْأَوْصِیَاءِ علیهم السلام .۳۳۲

از امام محمد باقر علیه السلام روایت است که در باره‌ی قول خدای عز و جل: «وَ أَنْ لَوِ اسْتَقامُوا عَلَى الطَّرِیقَةِ لَأَسْقَیْناهُمْ ماءً غَدَقاً»، یعنی: و اگر اسقامت داشتند و راست می‌ایستادند بر راه حق، هر آینه ایشان را آب می‌دادیم؛ آبی گوارا، حضرت فرمودند: یعنی اگر بر ولایت امیر المؤمنین علی بن ابی‌طالب علیهما السلام و اوصیای از فرزندان آن حضرت علیهم السلام، استقامت می‌داشتند، و فرمانبرداری ایشان را در امر و نهی قبول می‌کردند، هر آینه ایشان را آب بسیاری می‌دادیم، فرمودند که: می‌فرماید: هر آینه ایمان را به دل‌های ایشان می‌نوشانیدیم، بر وجهی که از آن بیرون نرود، و این طریقت، همان ایمان است به ولایت علی و اوصیای آن حضرت علیهم السلام .

شماره: ۲۱۶: ضعف کفّار

کد آیه:۲۴ / ۷۲

{حَتَّى إِذا رَأَوْا ما یُوعَدُونَ فَسَیَعْلَمُونَ مَنْ أَضْعَفُ ناصِراً وَ أَقَلُّ عَدَداً}

(این کار شکنی کفّار هم چنان ادامه می‌یابد) تا آنچه را به آنها وعده داده شده ببینند آن گاه می‌دانند چه کسی یاورش ضعیفتر و جمعیّتش کمتر است!

۱ ـ عن محمد بن الفضیل، عن أبی الحسن الماضی علیه السلام، قالَ: قُلْتُ: قولُهُ: «حَتَّى إِذا رَأَوْا ما یُوعَدُونَ فَسَیَعْلَمُونَ مَنْ أَضْعَفُ ناصِراً وَ أَقَلُّ عَدَداً»، قالَ: یَعْنِی بِذَلِکَ الْقَائِمَ علیه السلام وَ أَنْصَارَه.۳۳۳

محمد بن فضیل گوید از حضرت امام کاظم علیه السلام در باره‌ی قول خداوند تعالی: «حَتَّى إِذا رَأَوْا ما یُوعَدُونَ فَسَیَعْلَمُونَ مَنْ أَضْعَفُ ناصِراً وَ أَقَلُّ عَدَداً»، پرسیدم، حضرت فرمودند: مقصود از این، حضرت قائم علیه السلام است و یاوران او.

۲ ـ علی بن إبراهیم: قوله تعالی: «حَتَّى إِذا رَأَوْا ما یُوعَدُونَ»، قَالَ: الْقَائِمُ وَ أَمِیرُ الْمُؤْمِنِینَ علیهماالسلام فِی الرَّجْعَةِ، «فَسَیَعْلَمُونَ مَنْ أَضْعَفُ ناصِراً وَ أَقَلُّ عَدَداً»، قَالَ: هُوَ قَوْلُ أَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ علیه السلام لِزُفَرَ: وَ اللَّهِ یَا ابْنَ صَهَاکَ لَوْ لَا عَهْدٌ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم وَ کِتَابٌ مِنَ اللَّهِ سَبَقَ، لَعَلِمْتَ أَیُّنَا أَضْعَفُ نَاصِراً وَ أَقَلُّ عَدَداً، قَالَ: فَلَمَّا أَخْبَرَهُمْ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم مَا یَکُونُ مِنَ الرَّجْعَةِ قَالُوا: مَتَى یَکُونُ هَذَا؟ قَالَ اللَّهُ: قُلْ: یَا مُحَمَّدُ! إِنْ أَدْرِی أَ قَرِیبٌ ما تُوعَدُونَ أَمْ یَجْعَلُ لَهُ رَبِّی أَمَدا.۳۳۴

علی بن ابراهیم در بـاره‌ی قول خـدای تعـالی: «تا آنچه را به آنان وعـده داده شـده ببیننـد»، فرمود: مقصود، دیـدن قائم و امیر مؤمنان علیهماالسـلام در هنگام رجعت است، آن گاه می‌فهمند، چه کسی یاورش ضعیف تر و گروهش کمتر است، امیر مؤمنان علیه السلام به ابن صـهاک فرمودند: اگر پیمان رسول خدا و خواست الهی نبود، می‌فهمیدی کدام یک از ما یاورش ضعیف تر و گروهش کمتر است، وقتی رسول الله صـلی الله علیه و آله و سلم ، مردم را از رجعت آگاه کرد، سؤال شد: زمان آن چه وقت است؟ خدا این آیه را نازل کرد: ای محمد! بگو: نمی دانم آنچه به شما وعده داده شده، نزدیک است یا پروردگارم زمانی برای آن قرار می دهد.

شماره: ۲۱۷: اخبار حضرت مهدی علیه السلام

کد آیه: ۲۶ / ۷۲

{عالِمُ الْغَیْبِ فَلا یُظْهِرُ عَلی غَیْبِهِ أَحَداً (۲۶) إِلاَّ مَنِ ارْتَضی مِنْ رَسُولٍ فَإِنَّهُ یَسْلُکُ مِنْ بَیْنِ یَدَیْهِ وَ مِنْ خَلْفِهِ رَصَداً (۲۷)}

او دانـای غیـب عـالم است و هیـچ کس را بر غیب خـود آگـاه نمی‌کنـد. (۲۶) مگر آن کس را کـه بـه پیـامبری برگزیـده است که فرشتگان را از پیش رو و پشت سر او می‌فرستد. (۲۷)

فی تفسیر القمی... وَ قَوْلُهُ تعالی: «عالِمُ الْغَیْبِ فَلا یُظْهِرُ عَلی غَیْبِهِ أَحَداً، إِلَّا مَنِ ارْتَضی مِنْ رَسُولٍ فَإِنَّهُ یَسْلُکُ مِنْ بَیْنِ یَدَیْهِ وَ مِنْ خَلْفِهِ رَصَداً»، قَالَ: یُخْبِرُ اللَّهُ رَسُولَهُ الَّذِی یَرْتَضِیهِ بِمَا کَانَ قَبْلَهُ مِنَ الْأَخْبَارِ، وَ مَا یَکُونُ بَعْدَهُ مِنْ أَخْبَارِ الْقَائِمِ علیه السلام وَ الرَّجْعَةِ وَ الْقِیَامَةِ.۳۳۵

در تفسیر قمی در باره‌ی قول خداوند: «عالم به غیب است، و کسی را از غیب خویش مطلع نکند، مگر فرستاده‌ای را که مورد رضای او باشد»، علی بن ابراهیم روایت می‌کند که: خداوند حوادثی را که پس از پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم رخ می‌دهد، از جریان حضرت قائم علیه السلام، و رجعت، و قیامت، همه را به آنجناب خبر داد.

شماره: ۲۱۸: تسلّط حضرت مهدی علیه السلام بر ظالمین

کد آیه: ۱۰ / ۷۳

{وَ اصْبِرْ عَلی ما یَقُولُونَ وَ اهْجُرْهُمْ هَجْراً جَمیلًا}

و در برابر آنچه (دشمنان) می‌گویند شکیبا باش و به طرزی شایسته از آنان دوری گزین!

عَنْ أَبِی بَصِیرٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام فِی قَوْلِهِ تَعَالَی: «اصْبِرْ عَلی ما یَقُولُونَ»، یَا مُحَمَّدُ! مِنْ تَکْذِیبِهِمْ إِیَّاکَ فَإِنِّی مُنْتَقِمٌ مِنْهُمْ بِرَجُلٍ مِنْکَ وَ هُوَ قَائِمِی الَّذِی سَلَّطْتُهُ عَلَی دِمَاءِ الظَّلَمَةِ.۳۳۶

ابو بصیر از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده که حضرت در باره‌ی آیه: «اصْبِرْ عَلی ما یَقُولُونَ»، فرمودند: یعنی صبر کن، ای محمّد! بر تکذیب نمودن آنها ترا، من انتقام خواهم گرفت به وسیله مردی از خاندان تو، و او همان قائم من است که مسلّط می‌کنم او را بر خون ستمگران.

شماره: ۲۱۹: انذار پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در رجعت

کد آیه: ۲ / ۷۴

{قُمْ فَأَنْذِرْ}

برخیز و انذار کن (و عالمیان را بیم ده).

فی تفسیر القمی فی قَوْله تَعَالَی: «قُمْ فَأَنْذِرْ»، قَالَ: هُوَ قِیَامُهُ فِی الرَّجْعَةِ یُنْذِرُ فِیهَا، وَ فِی قَوْلِهِ: «إِنَّها لَإِحْدَی الْکُبَرِ، نَذِیراً لِلْبَشَرِ»، یعنی

مُحَمَّدٌ صلی الله علیه و آله و سلم نَذِیراً لِلْبَشَرِ فِی الرَّجْعَهِٔ.۳۳۷

علی بن ابراهیم در تفسیر این آیه: «ای جامه به خود پیچیده، برخیز و بترسان»، فرمود: مقصود حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم و آمدن آن حضرت در زمان رجعت است که مردم را از نافرمانی خدا برحذر می‌دارد. نیز در قول خداوند: «إِنَّها لَإِحْدَی الْکُبَرِ، نَذِیراً لِلْبَشَرِ»، مقصود: پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم است که در رجعت به دنیا بازگشته بشر را از معصیت خدا برحذر می‌دارد.

شماره: ۲۲۰: لباس حضرت مهدی علیه السلام

کد آیه: ۴ / ۷۴

{وَ ثِیابَکَ فَطَهِّرْ}

و لباست را پاک کن.

عَنْ مُعَلَّی بْنِ خُنَیْسٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: إِنَّ عَلِیّاً علیه السلام کَانَ عِنْدَکُمْ، فَأَتَی بَنِی دِیوَانٍ، وَ اشْتَرَی ثَلَاثَهَٔ أَثْوَابٍ بِدِینَارٍ، الْقَمِیصَ إِلَی فَوْقِ الْکَعْبِ، وَ الْإِزَارَ إِلَی نِصْفِ السَّاقِ، وَ الرِّدَاءَ مِنْ بَیْنِ یَدَیْهِ إِلَی ثَدْیَیْهِ وَ مِنْ خَلْفِهِ إِلَی أَلْیَتَیْهِ، ثُمَّ رَفَعَ یَدَهُ إِلَی السَّمَاءِ، فَلَمْ یَزَلْ یَحْمَدُ اللَّهَ عَلَی مَا کَسَاهُ، حَتَّی دَخَلَ مَنْزِلَهُ، ثُمَّ قَالَ: هَذَا اللِّبَاسُ الَّذِی یَنْبَغِی لِلْمُسْلِمِینَ أَنْ یَلْبَسُوهُ، قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام: وَ لَکِنْ لَا یَقْدِرُونَ أَنْ یَلْبَسُوا هَذَا الْیَوْمَ، وَ لَوْ فَعَلْنَاهُ، لَقَالُوا مَجْنُونٌ، وَ لَقَالُوا مُرَاءٍ، وَ اللَّهُ تَعَالَی یَقُولُ: «وَ ثِیابَکَ فَطَهِّرْ»، قَالَ: وَ ثِیَابَکَ ارْفَعْهَا وَ لَا تَجُرَّهَا، وَ إِذَا قَامَ قَائِمُنَا کَانَ هَذَا اللِّبَاسَ.۳۳۸

معلی بن خنیس از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که حضرت فرمودند: همانا علی علیه السلام از نزد شما، نزد بنی دیوان رفت، و سه عدد لباس را به یک دینار خرید، پیراهنی که بلندی آن تا قوزک پا (برآمدگی پا) بود، قسمت بالای احرام (إزار) که تا نصف ساق پا می‌رسید، ورداء (شبیه عبا) که از جلو قسمت بالای بدن را، و از پشت سر تا وسط را می‌پوشاند، آنگاه دستهای خود را به آسمان بلند کرد و بر نعمت آن پوشش تا رسیدن به منزل، خدا را حمد و سپاس می گفت، بعد فرمودند: سزاوار است مسلمانها اینگونه لباس بپوشند، امام صادق علیه السلام فرمودند: ولی امروز مسلمانها نمی توانند اینگونه لباس بپوشند، و اگر ما اینگونه لباس بپوشیم می‌گویند دیوانه است، یا می‌گویند: ریا کار است، خداوند متعال می‌فرماید: «وثیابک فطهر»، و لباسهای خود را پاکیزه کن، آنگاه فرمودند: و لباسهایت را بالا بگیر وآنها را به زمین نکش، زمانی که قائم ما قیام کند لباس اینگونه است.

شماره: ۲۲۱: علامت ظهور

کد آیه: ۸ / ۷۴

{فَإِذا نُقِرَ فِی النَّاقُورِ}

هنگامی که در «صور» دمیده شود.

عَن مُفَضَّلِ بن عمر عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قال: أَنَّهُ سُئِلَ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عز و جل: «فَإِذا نُقِرَ فِی النَّاقُورِ»، قَالَ: إِنَّ مِنَّا إِمَاماً مُسْتَتِراً، فَإِذَا أَرَادَ اللَّهُ عزّ و جل إِظْهَارَ أَمْرِهِ، نَکَتَ فِی قَلْبِهِ نُکْتَهًٔ فَظَهَرَ فَقَامَ بِأَمْرِ اللَّهِ عزّ و جل .۳۳۹

مفضّل بن عمر از امام صادق علیه السلام روایت کرده که از آن حضرت در باره‌ی فرمایش خدای عزّ و جل سؤال شد: «فَإِذا نُقِرَ فِی النَّاقُورِ»، هنگامی که در صور دمیده شود، آن حضرت فرمودند: همانا از ما اهل بیت امامی غایب خواهد بود، و هنگامی که خداوند عزّ ذکره آشکار ساختن امر او را اراده نماید، به دل او نکته و پدیده‌ای می‌اندازد، پس او آشکار گشته و به امر خدای عز و جل به پا خواهد خاست.

شماره: ۲۲۲: اراده‌ی خدا

کد آیه: ۳۱ / ۷۴

{وَ ما جَعَلْنا أَصْحابَ النَّارِ إِلاَّ مَلائِکَةً وَ ما جَعَلْنا عِدَّتَهُمْ إِلاَّ فِتْنَةً لِلَّذینَ کَفَرُوا لِیَسْتَیْقِنَ الَّذینَ أُوتُوا الْکِتابَ وَ یَزْدادَ الَّذینَ آمَنُوا إِیماناً وَ لا یَرْتابَ الَّذینَ أُوتُوا الْکِتابَ وَ الْمُؤْمِنُونَ وَ لِیَقُولَ الَّذینَ فی قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ وَ الْکافِرُونَ ما ذا أَرادَ اللَّهُ بِهذا مَثَلاً کَذلِکَ یُضِلُّ اللَّهُ مَنْ یَشاءُ وَ یَهْدی مَنْ یَشاءُ وَ ما یَعْلَمُ جُنُودَ رَبِّکَ إِلاَّ هُوَ وَ ما هِیَ إِلاَّ ذِکْری لِلْبَشَرِ}

مأموران دوزخ را فقط فرشتگان (عذاب) قرار دادیم، و تعداد آنها را جز برای آزمایش کافران معیّن نکردیم تا اهل کتاب [یهود و نصاری] یقین پیدا کنند و بر ایمان مؤمنان بیفزاید، و اهل کتاب و مؤمنان (در حقّانیّت این کتاب آسمانی) تردید به خود راه ندهند، و بیماردلان و کافران بگویند: «خدا از این توصیف چه منظوری دارد؟!» (آری) این گونه خداوند هر کس را بخواهد گمراه می‌سازد و هر کس را بخواهد هدایت می‌کند! و لشکریان پروردگارت را جز او کسی نمی‌داند، و این جز هشدار و تذکّری برای انسانها نیست!

عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام ... و فِی قَوْلِهِ عزّ و جل: «وَ ما جَعَلْنا أَصْحابَ النَّارِ إِلَّا مَلائِکَةً»، قَالَ: فَالنَّارُ هُوَ الْقَائِمُ علیه السلام الَّذِی أَنَارَ ضَوْؤُهُ وَ خُرُوجُهُ لِأَهْلِ الشَّرْقِ وَ الْغَرْبِ وَ الْمَلَائِکَةُ هُمُ الَّذِینَ یَمْلِکُونَ عِلْمَ آلِ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَیْهِمْ وَ قَوْلُهُ: «وَ ما جَعَلْنا عِدَّتَهُمْ إِلَّا فِتْنَةً لِلَّذِینَ کَفَرُوا»، قَالَ: یَعْنِی الْمُرْجِئَةَ، وَ قَوْلُهُ: «لِیَسْتَیْقِنَ الَّذِینَ أُوتُوا الْکِتابَ»، قَالَ: هُمُ الشِّیعَةُ وَ هُمْ أَهْلُ الْکِتَابِ وَ هُمُ الَّذِینَ أُوتُوا الْکِتابَ وَ الْحُکْمَ وَ النُّبُوَّةَ، وَ قَوْلُهُ: «وَ یَزْدادَ الَّذِینَ آمَنُوا إِیماناً وَ لا یَرْتابَ الَّذِینَ أُوتُوا الْکِتابَ»، أَیْ لَا یَشُکُّ الشِّیعَةُ فِی شَیْءٍ مِنْ أَمْرِ الْقَائِمِ علیه السلام، وَ قَوْلُهُ: «وَ لِیَقُولَ الَّذِینَ فِی قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ»، یَعْنِی بِذَلِکَ الشِّیعَةَ وَ ضُعَفَاءَهَا، «وَ الْکافِرُونَ ما ذا أَرادَ اللَّهُ بِهذا مَثَلًا»، فَقَالَ اللَّهُ عز و جل: «لَهُمْ کَذلِکَ یُضِلُّ اللَّهُ مَنْ یَشاءُ وَ یَهْدِی مَنْ یَشاءُ»، فَالْمُؤْمِنُ یُسَلِّمُ وَ الْکَافِرُ یَشُکُّ، وَ قَوْلُهُ: «وَ ما یَعْلَمُ جُنُودَ رَبِّکَ إِلَّا هُوَ»، فَجُنُودُ رَبِّکَ هُمُ الشِّیعَةُ وَ هُمْ شُهَدَاءُ اللَّهِ فِی الْأَرْضِ، وَ قَوْلُهُ: «وَ ما هِیَ إِلَّا ذِکْری لِلْبَشَرِ، لِمَنْ شاءَ مِنْکُمْ أَنْ یَتَقَدَّمَ أَوْ یَتَأَخَّرَ»، قَالَ: یَعْنِی الْیَوْمَ قَبْلَ خُرُوجِ الْقَائِمِ علیه السلام مَنْ شَاءَ قَبِلَ الْحَقَّ وَ تَقَدَّمَ إِلَیْهِ وَ مَنْ شَاءَ تَأَخَّرَ عَنْهُ ...۳۴۰

جابر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام روایت نموده که حضرت در باره‌ی این آیه: «وَ ما جَعَلْنا أَصْحابَ النَّارِ إِلَّا مَلائِکَةً»، فرمودند: منظور از نار، حضرت قائم علیه السلام است که نور او می‌درخشد و قیامش شرق و غرب را می‌گیرد، و ملائکه کسانی هستند که علم آل محمّد علیهم السلام را دارند، و این آیه: «وَ ما جَعَلْنا عِدَّتَهُمْ إِلَّا فِتْنَةً لِلَّذِینَ کَفَرُوا»، منظور گروه مرجئه هستند، و این آیه: «لِیَسْتَیْقِنَ الَّذِینَ أُوتُوا الْکِتابَ»، یعنی شیعیان که اهل کتابند و آنهایند که به ایشان کتاب و نبوّت و حکمت ارزانی شده، «وَ یَزْدادَ الَّذِینَ آمَنُوا إِیماناً وَ لا یَرْتابَ الَّذِینَ أُوتُوا الْکِتابَ»، یعنی شیعیان شک در چیزی از کار حضرت مهدی علیه السلام ندارند، «وَ لِیَقُولَ الَّذِینَ فِی قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ»، منظور ضعفای شیعه هستند، «وَ الْکافِرُونَ ما ذا أَرادَ اللَّهُ بِهذا مَثَلًا»، که می‌گویند خدا از این چه منظوری دارد؟ خداوند می‌فرماید به آنها: «کَذلِکَ یُضِلُّ اللَّهُ مَنْ یَشاءُ وَ یَهْدِی مَنْ یَشاءُ»، این چنین خداوند گمراه می‌کند کسی را که می‌خواهد، و هدایت می‌نماید آن کس را که بخواهد، مؤمن تسلیم می‌شود و کافر شک می‌کند، «وَ ما یَعْلَمُ جُنُودَ رَبِّکَ إِلَّا هُوَ»، منظور از جنود و سپاه خدا، شیعیان هستند که تعداد آنها را فقط خدا می‌داند، و آنها گواهان روی زمین هستند، «وَ ما هِیَ إِلَّا ذِکْری لِلْبَشَرِ، لِمَنْ شاءَ مِنْکُمْ أَنْ یَتَقَدَّمَ أَوْ یَتَأَخَّرَ»، یعنی در این ایام پیش از ظهور حضرت مهدی علیه السلام هر که مایل است حق را بپذیرد و به جانب حق رود، و هر که می‌خواهد از حق کناره گیری کند...

شماره: ۲۲۳: انذار پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در رجعت

کد آیه: ۳۶ و ۳۵ / ۷۴

{إِنَّها لَإِحْدَى الْكُبَرِ (۳۵)نَذيراً لِلْبَشَرِ (۳۶)}

که آن (حوادث هولناک قیامت) از مسائل مهم است! (۳۵) هشدار و انذاری است برای همه انسانها (۳۶)

«لطفاً به آیه‌ی شماره‌ی ۲۱۶، کد: ۲ / ۷۴ مراجعه فرمائید.»

شماره: ۲۲۴: روز حضرت مهدی علیه السلام

کد آیه: ۴۶ / ۷۴

{وَ كُنَّا نُكَذِّبُ بِيَوْمِ الدِّينِ}

و همواره روز جزا را انکار می کردیم.

عن أبی جعفر علیه السلام فی حدیث أنه قال: فِی قوله تعالی: «وَ كُنَّا نُكَذِّبُ بِيَوْمِ الدِّينِ»، قال: ذاک یوم القائم، و هو یوم الدّین، «حَتَّى أَتانَا الْيَقِينُ» أیام القائم علیه السلام .۳۴۱

در روایتی طولانی از امام باقر علیه السـلام در باره‌ی قول خداونـد تعالی: «وَ كُنَّا نُكَذِّبُ بِيَوْمِ الدِّينِ»، فرمودنـد: منظور روز قائم علیه السلام است و آن روز جزا می باشد، «تا اینکه یقین به ما رسید» منظور از یقین، روزگار ظهور مهدی موعود علیه السلام است.

شماره: ۲۲۵: اولین رجعت کننده

کد آیه: ۱۸ / ۷۸

{يَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ فَتَأْتُونَ أَفْواجاً}

روزی که در «صور» دمیده می‌شود و شما فوج فوج (به محشر) می‌آیید!

عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السـلام سُئِلَ عَنِ الرَّجْعَهِٔ أَحَقٌّ هِیَ؟ قَالَ: نَعَمْ، فَقِیلَ لَهُ: مَنْ أَوَّلُ مَنْ یَخْرُجُ؟ قَالَ: الْحُسَیْنُ علیه السلام ، یَخْرُجُ عَلَی أَثَرِ الْقَـائِمِ علیه السـلام، قیـلَ: وَ مَعَهُ النَّاسُ کُلُّهُمْ؟ قَـالَ: لَا، بَلْ کَمَا ذَکَرَ اللَّهُ تَعَالَی فِی کِتَابِهِ: «يَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ فَتَأْتُونَ أَفْواجاً»، قَوْماً بَعْدَ قَوْمٍ.۳۴۲

از حضـرت صادق علیه السـلام سوال شـد: آیا رجعت حق است؟ حضـرت فرمودنـد: آری، عرض شـد: اوّل کسـی که بیرون می‌آید کیست؟ حضـرت فرمودند: حسـین بن علی علیهما السـلام است، که پس از قیام حضـرت قائم علیه السـلام خارج می‌شود، گفته شد: مردم هم همراه ایشان هستند؟ فرمودند: نه، چنانکه خدا می‌فرماید: دسته دسته بیایند، به ترتیب خواهند آمد، قومی پس از قوم دیگر.

شماره: ۲۲۶: رجعت امیر المؤمنین علیه السلام پس از امام حسین علیه السلام

کد آیه:۷ و ۶ / ۷۹

{يَوْمَ تَرْجُفُ الرَّاجِفَةُ (۶) تَتْبَعُهَا الرَّادِفَةُ (۷)}

آن روز که زلزله‌هـای وحشـتناک همه چیز را به لرزه درمی‌آورد (۶) و بدنبال آن، حادثه دومین [صـیحه عظیم محشـر] رخ می‌دهد، (۷)

عَنْ سُـلَیْمَان بْنِ خَالِد، قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السـلام فِی قَوْلِهِ تَعَالَی: «يَوْمَ تَرْجُفُ الرَّاجِفَةُ، تَتْبَعُهَا الرَّادِفَةُ»، قَالَ: الرَّاجِفَهُٔ، الْحُسَیْنُ بْنُ عَلِیٍّ علیهما السـلام ، وَ الرَّادِفَهُٔ، عَلِیُّ بْنُ أَبِی طَالِبٍ علیهما السـلام ، وَ أَوَّلُ مَنْ یَنْفُضُ عَنْ رَأْسِهِ التُّرَابَ الْحُسَیْنُ بْنُ عَلِیٍّ علیه السلام فِی خَمْسَهٍٔ وَ سَبْعِینَ أَلْفاً، وَ هُوَ قَوْلُ اللَّهِ: «إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنا وَ الَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَياةِ الدُّنْيا وَ يَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهادُ، يَوْمَ لا يَنْفَعُ الظَّالِمِينَ مَعْذِرَتُهُمْ وَ لَهُمُ اللَّعْنَةُ وَ لَهُمْ سُوءُ الدَّارِ».۳۴۳

،سلیمان بن خالد نقل می‌کند که حضرت صادق علیه السلام در تأویل این آیه: «روزی که لرزاننده بلرزاند، و لرزاننده دیگر از پس آن آید»، فرمودند: اولی حسین بن علی علیهما السلام است، و دومی امیر المؤمنین علیه السلام، اوّل کسی که گرد و خاک از سر می‌فشاند حسین بن علی علیهما السلام است، که با هفتاد و پنج هزار نفر وارد می‌شود، و این است تفسیر این آیه: «ما به یقین پیامبران خود و کسانی را که ایمان آورده‌اند، در زندگی دنیا و روزی که گواهان به پا می‌خیزند یاری می‌دهیم!)

روزی که عذرخواهی ظالمان سودی به حالشان نمی‌بخشد و لعنت خدا برای آنها، و خانه (و جایگاه) بد نیز برای آنان است».

شماره: ۲۲۷: بازگشت زیانکاران

کد آیه:۱۳ و ۱۲ / ۷۹

{قالُوا تِلْکَ إِذاً کَرَّةٌ خاسِرَةٌ (۱۲) فَإِنَّما هِیَ زَجْرَةٌ واحِدَةٌ (۱۳)}

می گویند: «اگر قیامتی در کار باشد، بازگشتی است زیانبار!» (۱۲) ولی (بدانید) این بازگشت تنها با یک صیحه عظیم است! (۱۳)

عَن مُحَمَّد بْن عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْحُسَیْنِ، قَالَ: دَخَلْتُ مَعَ أَبِی، عَلَی أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام فَجَرَی بَیْنَهُمَا حَدِیثٌ، فَقَالَ أَبِی لِأَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام: مَا تَقُولُ فِی الْکَرَّةِ؟ قَالَ علیه السلام: أَقُولُ فِیهَا مَا قَالَ اللَّهُ عزّ و جل، وَ ذَلِکَ أَنَّ تَفْسِیرَهَا صَارَ إِلَی رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم قَبْلَ أَنْ یَأْتِیَ هَذَا الْحَرْفُ بِخَمْسَةٍ وَ عِشْرِینَ لَیْلَةً، قَوْلُ اللَّهِ عزّ و جل : «تِلْکَ إِذاً کَرَّةٌ خاسِرَةٌ»، إِذَا رَجَعُوا إِلَی الدُّنْیَا وَ لَمْ یَقْضُوا ذُحُولَهُمْ، فَقَالَ لَهُ أَبِی: یَقُولُ اللَّهُ عز و جل: «فَإِنَّما هِیَ زَجْرَةٌ واحِدَةٌ، فَإِذا هُمْ بِالسَّاهِرَةِ»، أَیَّ شَیْءٍ أَرَادَ بِهَذَا؟ فَقَالَ: إِذَا انْتَقَمَ مِنْهُمْ وَ بَاتَتْ بَقِیَّةُ الْأَرْوَاحِ سَاهِرَةً لَا تَنَامُ وَ لَا تَمُوتُ.۳۴۴

محمد بن عبد اللَّه بن حسین روایت کرده که گفت: همراه پدرم بر حضرت صادق علیه السلام وارد شدیم، میان آن حضرت و پدرم سخنی گذشت، سپس پدرم به حضرت عرض کرد: در باره‌ی رجعت چه می‌فرمائید؟

حضرت فرمودند: می‌گوئیم آنچه را که خداوند فرموده، و آن این است که بیست و پنج شب پیش از این اتفاق تفسیرش برای پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم آمده، همان که خدا می‌فرماید، «(گویند:) این بازگشتی زیان‌بار است»، و این هنگامی است که مردم به دنیا برمی‌گردند و خونخواهی آنها تمام می‌شود.

پدرم عرض کرد: اینکه خداوند در قرآن می‌فرماید: «فَإِنَّما هِیَ زَجْرَةٌ واحِدَةٌ، فَإِذا هُمْ بِالسَّاهِرَةِ»، مقصود چیست؟

حضرت فرمودند: وقتی که از آنها انتقام گیرند و بدنها بمیرد روحها بیدار بماند، ارواح آنها بیدار است نه می‌خوابد و نه می‌میرد.

شماره: ۲۲۸: ستاره‌ی درخشان

کد آیه: ۱۶ و ۱۵ / ۸۱

{فَلا أُقْسِمُ بِالْخُنَّسِ (۱۵)الْجَوارِ الْکُنَّسِ (۱۶)}

سوگند به ستارگانی که بازمی‌گردند، (۱۵) حرکت می‌کنند و از دیده‌ها پنهان می‌شوند، (۱۶)

عَنْ أُمِّ هَانِی قَالَتْ: لَقِیتُ أَبَا جَعْفَرٍ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِیٍّ علیهما السلام ، فَسَأَلْتُهُ عَنْ هَذِهِ الْآیَةِ: «فَلا أُقْسِمُ بِالْخُنَّسِ الْجَوارِ الْکُنَّسِ»، قَالَ: الْخُنَّسُ إِمَامٌ، یَخْنِسُ فِی زَمَانِهِ عِنْدَ انْقِطَاعٍ مِنْ عِلْمِهِ عِنْدَ النَّاسِ سَنَةَ سِتِّینَ وَ مِائَتَیْنِ، ثُمَّ یَبْدُو کَالشِّهَابِ الْوَاقِدِ فِی ظُلْمَةِ اللَّیْلِ، فَإِنْ أَدْرَکْتِ ذَلِکِ قَرَّتْ عَیْنُکِ.۳۴۵

امّ هانی گوید: امام باقر علیه السلام را ملاقات کردم، و از تأویل این آیه پرسش نمودم: «فَلا أُقْسِمُ بِالْخُنَّسِ الْجَوارِ الْکُنَّسِ»، حضرت فرمودند: امامی است که در زمان خود پس از منقضی شدن کسانی که او را می‌شناسند، در سال دویست و شصت غایب می‌شود، سپس مانند شهاب نورانی در شبی ظلمانی پدیدار می‌گردد، و اگر او را دیدی چشمانت روشن باد.

شماره: ۲۲۹: انکار حضرت مهدی علیه السلام

کد آیه: ۱۳/ ۸۳

{إِذا تُتْلی عَلَیْهِ آیاتُنا قالَ أَساطِیرُ الْأَوَّلِینَ}

(همان کسی که) وقتی آیات ما بر او خوانده می‌شود می گوید: «این افسانه‌های پیشینیان است!»

عن أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام ... فِی قَوْلِهِ تَعَالَی: «إِذا تُتْلی عَلَیْهِ آیاتُنا قالَ أَساطِیرُ الْأَوَّلِینَ»، قَالَ: یَعْنِی تَکْذِیبَهُمْ بِالْقَائِمِ علیه السلام، إِذْ یَقُولُونَ لَهُ لَسْنَا نَعْرِفُکَ وَ لَسْتَ مِنْ وُلْدِ فَاطِمَهَ سلام الله علیها کَمَا قَالَ الْمُشْرِکُونَ لِمُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله و سلم .۳۴۶

امام صادق علیه السلام در باره‌ی فرمایش خداوند: «إِذا تُتْلی عَلَیْهِ آیاتُنا قالَ أَساطِیرُ الْأَوَّلِینَ»، وقتی آیات ما بر آنها خوانده می‌شود می گویند داستانهای پیشینیان است، فرمودند: یعنی تکذیب آنها نسبت به حضرت قائم علیه السلام است، زیرا به او می گویند ما تو را نمی‌شناسیم و تو از اولاد فاطمه سلام الله علیها نیستی، همان طوری که مشرکین به حضرت محمّد صلی الله علیه و آله و سلم می گفتند.

شماره: ۲۳۰: یکی از سنتهای انبیاء

کد آیه: ۱۹ / ۸۴

{لَتَرْکَبُنَّ طَبَقاً عَنْ طَبَقٍ}

که همه‌ی شما پیوسته از حالی به حال دیگر منتقل می‌شوید.

عَنْ حَنَانِ بْنِ سَدِیرٍ عَنْ أَبِیهِ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام، قَالَ: إِنَّ لِلْقَائِمِ مِنَّا غَیْبَهً یَطُولُ أَمَدُهَا، فَقُلْتُ لَهُ: وَ لِمَ ذَاکَ یَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ؟ قَالَ: إِنَّ اللَّهَ عز و جل أَبَی إِلَّا أَنْ یُجْرِیَ فِیهِ سُنَنَ الْأَنْبِیَاءِ علیهم السلام فِی غَیْبَاتِهِمْ، وَ إِنَّهُ لَا بُدَّ لَهُ، یَا سَدِیرُ! مِنِ اسْتِیفَاءِ مَدَدِ غَیْبَاتِهِمْ، قَالَ اللَّهُ عز و جل: «لَتَرْکَبُنَّ طَبَقاً عَنْ طَبَقٍ»، أَیْ سَنَناً عَلَی سَنَنِ مَنْ کَانَ قَبْلَکُمْ.۳۴۷

از امام صادق علیه السلام روایت است که حضرت فرمودند: برای قائم ما غیبتی است که مدّت آن به طول می‌انجامد، گفتم: ای فرزند رسول خدا! آن برای چیست؟ حضرت فرمودند: زیرا خدای تعالی می‌خواهد در او سنّتهای پیامبران علیهم السّلام را در غیبتهایشان جاری کند، ای سدیر! گریزی از آن نیست که مدّت غیبتهای آنها به سر آید، خدای تعالی می‌فرماید: «لَتَرْکَبُنَّ طَبَقاً عَنْ طَبَقٍ»، یعنی: سنّتهای پیشینیان در شما جاری خواهد شد.

شماره: ۲۳۱: آخرین برج

کد آیه: ۱ / ۸۵

{وَ السَّماءِ ذاتِ الْبُرُوجِ}

سو گند به آسمان که دارای برجهای بسیار است.

عَن اَصبَغ ابْنِ نُبَاتَهَ عَن ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم: ذِکْرُ اللَّهِ عزّ و جل عِبَادَهٌ، وَ ذِکْرِی عِبَادَهٌ، وَ ذِکْرُ عَلِیٍّ عِبَادَهٌ، وَ ذِکْرُ الْأَئِمَّهِ مِنْ وُلْدِهِ عِبَادَهٌ، وَ الَّذِی بَعَثَنِی بِالنُّبُوَّهِ وَ جَعَلَنِی خَیْرَ الْبَرِّیَّهِ، إِنَّ وَصِیِّی لَأَفْضَلُ الْأَوْصِیَاءِ، وَ إِنَّهُ لَحُجَّهُ اللَّهِ عَلَی عِبَادِهِ، وَ خَلِیفَتُهُ عَلَی خَلْقِهِ، وَ مِنْ وُلْدِهِ الْأَئِمَّهُ الْهُدَاهُ بَعْدِی، بِهِمْ یَحْبِسُ اللَّهُ الْعَذَابَ عَنْ أَهْلِ الْأَرْضِ، وَ بِهِمْ یُمْسِکُ السَّمَاءَ أَنْ تَقَعَ عَلَی الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ، وَ بِهِمْ یُمْسِکُ الْجِبَالَ أَنْ تَمِیدَ بِهِمْ، وَ بِهِمْ یَسْقِی خَلْقَهُ الْغَیْثَ، وَ بِهِمْ یُخْرِجُ النَّبَاتَ، أُولَئِکَ أَوْلِیَاءُ اللَّهِ حَقّاً وَ خُلَفَائِی صِدْقاً، عِدَّتُهُمْ عِدَّهُ الشُّهُورِ وَ هِیَ اثْنَا عَشَرَ شَهْراً، وَ عِدَّتُهُمْ عِدَّهُ نُقَبَاءِ مُوسَی بْنِ عِمْرَانَ، ثُمَّ تَلَا صلی الله علیه و آله و سلم هَذِهِ الْآیَهَ: «وَ

السَّماءِ ذات الْبُرُوجِ»، ثُمَّ قَالَ: أَ تُقَدِّرُ، يَا ابْنَ عَبَّاسٍ! أَنَّ اللَّهَ يُقْسِمُ بِالسَّمَاءِ ذَاتِ الْبُرُوجِ، وَ يَعْنِي بِهِ السَّمَاءَ وَ بُرُوجَهَا، قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! فَمَا ذَاكَ؟ قَالَ: أَمَّا السَّمَاءُ فَأَنَا، وَ أَمَّا الْبُرُوجُ فَالْأَئِمَّةُ بَعْدِي، أَوَّلُهُمْ عَلِيٌّ وَ آخِرُهُمُ الْمَهْدِيُّ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ.۳۴۸

اصبغ بن نباته حدیث کند که گفت: شنیدم از ابن عباس که می‌گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: ذکر خدا عبادت است، و یاد کردن من عبادت است، و یاد کردن علی عبادت است، و یاد کردن امامان از فرزندان او عبادت است، و سوگند به آنکه مرا به پیغمبری برانگیخته و بهترین مردمان قرارم داده! وصیّ من بهترین اوصیاء است، و به درستی که او حجّت خداست بر بندگانش، و خلیفه‌ی او بر خلقش می‌باشد، و امامان راهنما پس از من از فرزندان او هستند، به خاطر آنها خداوند عذاب را از اهل زمین باز دارد، و به وجود ایشان آسمان را نگهدارد از اینکه جز به اذن او بر زمین فرود آید، و به سبب آنها کوهها را نگهدارد از اینکه مردم را به اضطراب اندازد، و به برکت آنها خلقش را به وسیله‌ی باران سیراب کند، و به واسطه‌ی ایشان گیاه را برویاند، اینان به راستی اولیای خدا و به درستی جانشینان من هستند، شماره آنها شماره ماه‌هاست که دوازده ماه است، و عددشان به عدد نقیبان موسی بن عمران است، سپس حضرت این آیه را تلاوت فرمود: «سوگند به آسمانهایی که دارای برجها است»، آنگاه فرمودند: ای پسر عباس! آیا پنداری که خداوند به آسمان دارای برجها سوگند یاد فرموده و مقصودش همین آسمانها و برجها است؟ عرض کردم: ای رسول خدا! پس مقصودش چیست؟ حضرت فرمودند: اما آسمان منم، و اما بُرجها امامان پس از من هستند، که اولی آنها علی و آخرشان مهدی است، درود خدا بر تمامی ایشان باد.

شماره: ۲۳۲: پایان مهلت کفّار

کد آیه: ۱۷ تا ۱۵ / ۸۶

{إِنَّهُمْ يَكِيدُونَ كَيْداً (۱۵) وَ أَكِيدُ كَيْداً (۱۶) فَمَهِّلِ الْكافِرِينَ أَمْهِلْهُمْ رُوَيْداً (۱۷)}

آنها پیوسته حیله می‌کنند، (۱۵) و من هم در برابر آنها چاره می‌کنم! (۱۶) حال که چنین است کافران را (فقط) اندکی مهلت ده (تا سزای اعمالشان را ببینند)! (۱۷)

عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام ... فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: «إِنَّهُمْ يَكِيدُونَ كَيْداً»، قَالَ: كَادُوا رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم وَ كَادُوا عَلِيّاً علیه السلام وَ كَادُوا فَاطِمَةَ سلام الله علیها ، وَ قَالَ اللَّهُ: يَا مُحَمَّدُ! «إِنَّهُمْ يَكِيدُونَ كَيْداً وَ أَكِيدُ كَيْداً فَمَهِّلِ الْكافِرِينَ أَمْهِلْهُمْ رُوَيْداً»، لِوَقْتِ بَعْثِ الْقَائِمِ علیه السلام ، فَيَنْتَقِمُ لِي مِنَ الْجَبَّارِينَ وَ الطَّوَاغِيتِ مِنْ قُرَيْشٍ وَ بَنِي أُمَيَّةَ وَ سَائِرِ النَّاسِ.۳۴۹

ابو بصیر از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده که حضرت در باره‌ی آیه: «إِنَّهُمْ يَكِيدُونَ كَيْداً»، فرمودند: نیرنگ به پیامبر اکرم و علی بن ابی طالب و فاطمه زهرا علیهم السّلام زدند، خداوند می‌فرماید: یا محمّد! «إِنَّهُمْ يَكِيدُونَ كَيْداً وَ أَكِيدُ كَيْداً فَمَهِّلِ الْكافِرِينَ أَمْهِلْهُمْ رُوَيْداً»، من نیز با آنها مقابله به مثل می‌کنم، ایشان را مهلت بده تا وقت ظهور حضرت قائم علیه السلام ، خداوند به وسیله‌ی او از ستمگران و جباران قریش و بنی امیّه و سایر مردم انتقام می‌گیرد.

شماره: ۲۳۳: شمشیر حضرت مهدی علیه السلام

کد آیه: ۴ تا ۱/ ۸۸

{هَلْ أَتاكَ حَدِيثُ الْغاشِيَةِ (۱) وُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ خاشِعَةٌ (۲) عامِلَةٌ ناصِبَةٌ (۳) تَصْلى ناراً حامِيَةً (۴)}

آیا داستان غاشیه [روز قیامت که حوادث وحشتناکش همه را می‌پوشاند] به تو رسیده است؟! (۱) چهره‌هایی در آن روز خاشع و ذلّت‌بارند، (۲) آنها که پیوسته عمل کرده و خسته شده‌اند (و نتیجه‌ای عایدشان نشده است)، (۳) و در آتش سوزان وارد می‌گردند (۴)

عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سُلَیْمَان عَنْ أَبِیهِ قَال: عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: قُلْتُ: «هَلْ أَتاکَ حَدِیثُ الْغاشِیَۀِ»؟ قَالَ: یَغْشَاهُمُ الْقَائِمُ علیه السلام بِالسَّیْفِ، قَالَ: قُلْتُ: «وُجُوهٌ یَوْمَئِذٍ خاشِعَۀٌ»؟ قَالَ: خَاضِعَۀٌ لَا تُطِیقُ الِامْتِنَاعَ، قَالَ: قُلْتُ: «عامِلَۀٌ»؟ قَالَ: عَمِلَتْ بِغَیْرِ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ، قَالَ: قُلْتُ: «ناصِبَۀٌ»؟ قَالَ: نَصَبَتْ غَیْرَ وُلَاۀِ الْأَمْرِ قَالَ: قُلْتُ: «تَصْلی ناراً حامِیَۀً»، قَالَ: تَصْلَی نَارَ الْحَرْبِ فِی الدُّنْیَا عَلَی عَهْدِ الْقَائِمِ علیه السلام وَ فِی الْآخِرَۀِ نَارَ جَهَنَّمَ. ۳۵۰

محمّد بن سلیمان از پدر خود نقل کرده که گفت: این آیه را برای حضرت صادق علیه السلام خواندم: «هَلْ أَتاکَ حَدِیثُ الْغاشِیَۀِ»، آیا داستان غاشیه را شنیده‌ای. فرمودند: حضرت قائم علیه السلام با شمشیر آنها را فرا می‌گیرد گفتم: «وُجُوهٌ یَوْمَئِذٍ خاشِعَۀٌ»، فرمودند: آری گروهی خاضع و خوارند که قدرت امتناع ندارند، گفتم: «عامِلَۀٌ» چیست؟ فرمودند: عمل به غیر دستور خدا کرده‌اند، گفتم: معنی «ناصِبَۀٌ» چیست؟ فرمودند: غیر از فرمانروایان تعیین شده از جانب خدا را به منصب فرمانروائی قرار دادند، گفتم: «تَصْلی ناراً حامِیَۀً»، حضرت فرمودند: در زمان قائم گرفتار آتش جنگ می‌شوند، و در آخرت به آتش جهنم عذاب خواهند شد.

شماره: ۲۳۴: فجر

کد آیه: ۴ تا ۱/ ۸۹

{وَ الْفَجْرِ (۱) وَ لَیالٍ عَشْرٍ (۲) وَ الشَّفْعِ وَ الْوَتْرِ (۳) وَ اللَّیْلِ إِذا یَسْرِ (۴)}

به سپیده دم سوگند،(۱) و به شبهای دهگانه،(۲) و به زوج و فرد،(۳) و به شب، هنگامی که (به سوی روشنایی روز) حرکت می‌کند سوگند.(۴)

عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: قَوْلُهُ تَعَالَی: «وَ الْفَجْرِ»، هُوَ الْقَائِمُ علیه السلام، «وَ اللَّیَالِی الْعَشْرُ»، الْأَئِمَّۀُ علیه السلام مِنَ الْحَسَنِ إِلَی الْحَسَنِ، «وَ الشَّفْعِ» أَمِیرُ الْمُؤْمِنِینَ، وَ فَاطِمَۀُ سلام الله علیها ، «وَ الْوَتْرِ»، هُوَ اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِیکَ لَهُ، «وَ اللَّیْلِ إِذا یَسْرِ»، هِیَ دَوْلَۀُ حَبْتَرٍ، فَهِیَ تَسْرِی إِلَی قِیَامِ الْقَائِمِ علیه السلام .۳۵۱

جابر از حضرت صادق علیه السلام روایت نموده که حضرت در باره‌ی آیه: «وَ الْفَجْرِ»، فرمودند: منظور قائم علیه السلام است، «و شبهای ده‌گانه»، ائمّه علیهم السلام هستند، از امام حسن علیه السلام تا امام حسن عسکری علیه السلام، «وَ الشَّفْعِ»، امیر المؤمنین و فاطمه‌ی زهرا علیهما السلام هستند، «وَ الْوَتْرِ»، خدای یکتا است که شریکی ندارد، «وَ اللَّیْلِ إِذا یَسْرِ»، حکومت حبتر (کنایه از ابا بکر است) که تا دامنه قیام قائم علیه السلام ادامه دارد.

شماره: ۲۳۵: تجلّی حضرت مهدی علیه السلام

کد آیه: ۳ / ۹۱

{وَ النَّهارِ إِذا جَلَّاها}

و قسم به روز هنگامی که صفحه زمین را روشن سازد.

۱ ـ عَنْ أَبِی بَصِیرٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ: «وَ الشَّمْسِ وَ ضُحاها»، قَالَ: «الشَّمْسُ» رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم ، أَوْضَحَ اللَّهُ بِهِ لِلنَّاسِ دِینَهُمْ، قُلْتُ: «وَ الْقَمَرِ إِذا تَلاها»، قَالَ: ذَاکَ أَمِیرُ الْمُؤْمِنِینَ علیه السلام ، قُلْتُ: «وَ النَّهارِ إِذا جَلَّاها»، قَالَ: ذَاکَ الْإِمَامُ مِنْ ذُرِّیَّۀِ فَاطِمَۀَ سلام الله علیها، یَسْأَلُ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم فَیُجَلِّی لِمَنْ سَأَلَهُ، فَحَکَی اللَّهُ سُبْحَانَهُ عَنْهُ، فَقَالَ: «وَ النَّهارِ إِذا جَلَّاها»، قُلْتُ: «وَ اللَّیْلِ إِذا یَغْشاها»، قَالَ: ذَاکَ أَئِمَّۀُ الْجَوْرِ، الَّذِینَ اسْتَبَدُّوا بِالْأَمْرِ دُونَ آلِ رَسُولِ اللَّهِ علیهم السلام ، وَ جَلَسُوا مَجْلِساً کَانَ آلُ رَسُولِ اللَّهِ علیهم السلام أَوْلَی بِهِ مِنْهُمْ، فَغَشُوا دِینَ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم بِالظُّلْمِ وَ الْجَوْرِ...۳۵۲

ابو بصیر گفت: از حضرت صادق علیه السلام معنی این آیه را پرسیدم: «وَ الشَّمْسِ وَ ضُحاها»، حضرت فرمودند: «شمس» پیامبر اکرم

صلی الله علیه و آله و سلم است، که خداوند به وسیله‌ی او دینش را آشکار نموده، گفتم: «وَ الْقَمَرِ إذا تَلاها»، فرمودند: امیر المؤمنین علیه السلام است، گفتم معنی: «وَ النَّهارِ إذا جَلَّاها»، چیست؟ فرمودند: امام از فرزندان فاطمه سلام الله علیها هستند، که راجع به دین پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ، که از آنها سؤال شود، آشکارا برای سئوال کننده توضیح می‌دهند ، گفتم معنی آیه: «وَ اللَّیْلِ إذا یَغْشاها»، فرمودند: منظور پیشوایان جور و ستم است که مقام ائمه علیهم السلام را به خود اختصاص داده‌اند و جایی که شایسته امام است را گرفته‌اند آنها پرده بر روی دین پیامبر کشیده‌اند، معنی ظلم و ستم این است ...

۲ ـ عن فضل بن عباس، عن أبی عبد الله علیه السلام، أنه قال: «وَ الشَّمْسِ وَ ضُحاها» «الشمس»، أمیر المؤمنین علیه السلام ، و «ضحاها»، قیام القائم علیه السلام ، لأن الله سبحانه قال: وَ أَنْ یُحْشَرَ النَّاسُ ضُحًی، «وَ الْقَمَرِ إذا تَلاها»، الحسن و الحسین علیهما السلام ، «وَ النَّهارِ إذا جَلَّاها»، هو قیام القائم علیه السلام و (الخبر)۳۵۳

از حضرت صادق علیه السلام روایت است که: «شمس»، کنایه از امیر المؤمنین علیه السلام است، و «ضُحاها»، قیام قائم علیه السلام است، که حقّانیّت امیر المؤمنین علیه السلام در آن زمان مانند آفتاب واضح و روشن می گردد، «وَ الْقَمَرِ إذا تَلاها»، و «قمر» کنایه از حسنین علیهما السلام است، «وَ النَّهارِ إذا جَلَّاها»، قیام قائم علیه السلام است.

۳ ـ قال حارِثُ الْأَعْوَرُ لِلْحُسَیْنِ بْنِ عَلِیٍّ علیهما السلام : یَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ! جُعِلْتُ فِدَاکَ! أَخْبِرْنِی عَنْ قَوْلِ اللَّهِ فِی کِتَابِهِ الْمُبِین: «وَ الشَّمْسِ وَ ضُحاها»، قَالَ: وَیْحَکَ یَا حَارِثُ! مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم، قَالَ: قُلْتُ: «وَ الْقَمَرِ إذا تَلاها»، قَالَ، ذَاکَ أَمِیرُ الْمُؤْمِنِینَ عَلِیُّ بْنُ أَبِی طَالِبٍ علیهما السلام یَتْلُو مُحَمَّداً صلی الله علیه و آله و سلم، قَالَ: قُلْتُ قَوْلُهُ: «وَ النَّهارِ إذا جَلَّاها»، قَالَ: ذَلِکَ الْقَائِمُ علیه السلام مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ علیهم السلام یَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَ قِسْطاً.۳۵۴

حارث اعور از حضرت امام حسین علیه السلام پرسید از تفسیر «وَ الشَّمْسِ وَ ضُحاها» حضرت فرمودند که: «شمس»، حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم است، «و الْقَمَرِ إذا تَلاها»، حضرت امیر علیه السلام تالی حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم است در کمالات بعد از او، «وَ النَّهارِ إذا جَلَّاها»، قائم آل محمد عجل الله تعالی فرجه الشریف است که زمین را پر از عدالت خواهد کرد.

شماره: ۲۳۶: روز درخشان

کد آیه: ۲ / ۹۲

{وَ النَّهارِ إذا تَجَلَّی}

و قسم به روز هنگامی که تجلّی کند.

۱ ـ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِم قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ علیه السلام عَنْ قَوْلِ اللَّهِ: «وَ اللَّیْلِ إذا یَغْشی»، قَالَ: «اللَّیْلُ» فِی هَذَا الْمَوْضِعِ الثَّانِی غَشَّ أَمِیرَ الْمُؤْمِنِینَ علیه السلام فِی دَوْلَتِهِ الَّتِی جَرَتْ عَلَیْهِ، وَ أُمِرَ أَمِیرُ الْمُؤْمِنِینَ علیه السلام أَنْ یَصْبِرَ فِی دَوْلَتِهِمْ، حَتَّی تَنْقَضِیَ، قَالَ: «وَ النَّهارِ إذا تَجَلَّی»، قَالَ: «النَّهَارُ» هُوَ الْقَائِمُ مِنَّا أَهْلَ الْبَیْتِ علیهم السلام، إِذَا قَامَ غَلَبَ دَوْلَةَ الْبَاطِلِ، وَ الْقُرْآنُ ضَرَبَ فِیهِ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ وَ خَاطَبَ نَبِیَّهُ صلی الله علیه و آله و سلم بِهِ وَ نَحْنُ فَلَیْسَ یَعْلَمُهُ غَیْرُنَا.۳۵۵

محمّد بن مسلم گفت از حضرت باقر علیه السلام پرسیدم معنی: «وَ اللَّیْلِ إذا یَغْشی»، حضرت فرمودند: شب در این آیه، دوّمی است که ستم روا داشت بر امیر المؤمنین علیه السلام در مقامی که متعلق به او بود، و آن جناب دستور داشت که صبر کند تا دولت آنها منقضی گردد، سپس فرمودند: «وَ النَّهارِ إذا تَجَلَّی»، منظور از نهار، قائم از ما خانواده است، که وقتی قیام کند بر دولتهای باطل پیروز می‌شود، قرآن برای مردم مثال می‌زند، و خطاب به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و ما ائمه است و تأویل آن را جز ما کسی نمی‌دانند.

۲ ـ عن جابر بن یزید، عن أبی عبد الله علیه السلام ، فی قوله تعالی: «وَ اللَّیْلِ إذا یَغْشی»، قال: دولة إبلیس لعنه الله إلی یوم القیامة، و

هو يوم قيام القائم عليه السلام، «وَ النَّهارِ إِذا تَجَلَّى»، و هو القائم عليه السلام إذا قام.۳۵۶

جابر از حضرت صادق علیه السلام روایت نموده که حضرت در باره‌ی آیه: «وَ اللَّيْلِ إِذا يَغْشى»، فرمودند: دولت ابلیس تا روز قیامت است که آن، روز قیام قائم علیه السلام است، «وَ النَّهارِ إِذا تَجَلَّى»، و آن روز درخشان، حضرت قائم علیه السلام است وقتی قیام کند.

شماره: ۲۳۷: قیام مقتدرانه

کد آیه: ۱۴ / ۹۲

{فَأَنْذَرْتُكُمْ ناراً تَلَظَّى}

و من شما را از آتشی که زبانه می‌کشد بیم می‌دهم.

عَنْ جَابِرِ بْنِ يَزِيد عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي قَوْلِ اللَّهِ عز و جل ... «وَ كَذَّبَ بِالْحُسْنى»، بِوَلَايَةِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ وَ الْأَئِمَّةِ عليهم السلام مِنْ بَعْدِهِ، «فَسَنُيَسِّرُهُ لِلْعُسْرى»، يَعْنِي النَّارَ وَ أَمَّا قَوْلُهُ: «إِنَّ عَلَيْنا لَلْهُدى»، يَعْنِي أَنَّ عَلِيّاً هُوَ الْهُدَى، «وَ إِنَّ لَنا لَلْآخِرَةَ وَ الْأُولى»، «فَأَنْذَرْتُكُمْ ناراً تَلَظَّى»، قَالَ: هُوَ الْقَائِمُ إِذَا قَامَ بِالْغَضَبِ، وَ يَقْتُلُ مِنْ كُلِّ أَلْفٍ تِسْعَ مِائَةٍ وَ تِسْعَةً وَ تِسْعِينَ، «لا يَصْلاها إِلَّا الْأَشْقَى»، قَالَ: هُوَ عَدُوُّ آلِ مُحَمَّدٍ عليهم السلام ، «وَ سَيُجَنَّبُهَا الْأَتْقَى»، قَالَ: ذَاكَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام وَ شِيعَتُه.۳۵۷

جابر از امام صادق علیه السلام روایت کرده که حضرت در باره‌ی قول خدای عز و جل: «وَ كَذَّبَ بِالْحُسْنى»، فرمودند: ولایت علی بن ابی طالب علیه السلام و أئمه علیهم السلام را تکذیب کند، «فَسَنُيَسِّرُهُ لِلْعُسْرى»، او را به جانب جهنم می‌بریم، «و إِنَّ عَلَيْنا لَلْهُدى»، یعنی علی علیه السلام همان هدایت است، «وَ إِنَّ لَنا لَلْآخِرَةَ وَ الْأُولى»، «فَأَنْذَرْتُكُمْ ناراً تَلَظَّى»، فرمودند: منظور حضرت قائم علیه السلام است که وقتی با خشم قیام کند از هر هزار نفر نهصد و نود و نه نفر را می‌کشد، «لا يَصْلاها إِلَّا الْأَشْقَى»، فرمودند: به این آتش دشمن آل محمّد علیهم السلام گرفتار می‌شود، «وَ سَيُجَنَّبُهَا الْأَتْقَى»، آن امیر المؤمنین علیه السلام و شیعه او هستند.

شماره: ۲۳۸: صبح قیام

کد آیه: ۵ / ۹۷

{سَلامٌ هِيَ حَتَّى مَطْلَعِ الْفَجْرِ}

شبی است سرشار از سلامت (و برکت و رحمت) تا طلوع سپیده!

۱ ـ عَنْ أَبِي يَحْيَى الصَّنْعَانِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: سَمِعْتُهُ يَقُولُ: قَالَ لِي أَبِي مُحَمَّدٌ، قَرَأَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام: «إِنَّا أَنْزَلْناهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ»، وَ عِنْدَهُ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ عليهما السلام، فَقَالَ لَهُ الْحُسَيْنُ عليه السلام: يَا أَبَتَاهْ! كَأَنَّ بِهَا مِنْ فِيكَ حَلَاوَةً، فَقَالَ لَهُ: يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ! وَ ابْنِي! إِنِّي أَعْلَمُ فِيهَا مَا لَا تَعْلَمُ، إِنَّهَا لَمَّا نَزَلَتْ بُعِثَ إِلَى جَدِّكَ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه و آله و سلم فَقَرَأَهَا عَلَيَّ، ثُمَّ ضَرَبَ عَلَى كَتِفِيَ الْأَيْمَنِ، وَ قَالَ: يَا أَخِي وَ وَصِيِّي وَ وَلِيَّ أُمَّتِي بَعْدِي! وَ حَرْبَ أَعْدَائِي إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ! هَذِهِ السُّورَةُ لَكَ مِنْ بَعْدِي، وَ لِوُلْدِكَ مِنْ بَعْدِكَ، أَنَّ جَبْرَئِيلَ أَخِي مِنَ الْمَلَائِكَةِ أَحْدَثَ إِلَيَّ أَحْدَاثَ أُمَّتِي فِي سُنَّتِهَا، وَ إِنَّهُ لَيَحْدُثُ ذَلِكَ إِلَيْكَ كَأَحْدَاثِ النُّبُوَّةِ، وَ لَهَا نُورٌ سَاطِعٌ فِي قَلْبِكَ وَ قُلُوبِ أَوْصِيَائِكَ، إِلَى مَطْلَعِ فَجْرِ الْقَائِمِ عليه السلام .۳۵۸

ابو یحیی صنعانی از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده که حضرت فرمودند: پدرم حضرت باقر علیه السلام فرمودند: علی بن ابی طالب علیه السلام این آیه را قرائت کردند: «إِنَّا أَنْزَلْناهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ»، و حضرت امام حسن و امام حسین علیهما السلام نیز حضور داشتند، حضرت امام حسین علیه السلام عرض کردند: پدر جان! مثل اینکه از این آیه در دهان خود شیرینی مخصوصی احساس می‌کنید، حضرت فرمودند: ای پسر پیامبر! و ای پسرم! من در مورد این آیه چیزی می‌دانم که تو نمی‌دانی، وقتی این سوره نازل شد، جدّتان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم از پی من فرستادند و آن را برای من خواندند، سپس دست بر روی شانه‌ی راستم

گذاشتند و فرمودند: ای برادرم و وصیّ و فرمانروای امتم بعد از من! و جنگجو با دشمنان تا روز قیامت! این سوره پس از من در باره‌ی تو، و بعد از تو برای فرزندانت می‌باشد، برادرم جبرئیل برایم پیش آمدهای امت را نقل کرده و او برای تو خواهد گفت، مانند آنچه در زمان نبوّت نقل کرده، و از این سوره نوری درخشان در قلب تو و قلوب اوصیاء و جانشینانت، تا طلوع فجر قائم علیه السلام خواهد بود.

۲ ـ عَنْ زُرَارَهَ عَنْ حُمْرَان قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام عَمَّا يُفْرَقُ فِی لَيْلَهِ الْقَدْرِ، هَلْ هُوَ مَا يُقَدِّرُ اللَّهُ فِيهَا؟ قَالَ: لَا تُوصَفُ قُدْرَهُ اللَّهِ، إِلَّا أَنَّهُ قَالَ: «فِيها يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ»، فَكَيْفَ يَكُونُ حَكِيماً إِلَّا مَا فُرِقَ وَ لَا تُوصَفُ قُدْرَهُ اللَّهِ سُبْحَانَهُ، لِأَنَّهُ يُحْدِثُ مَا يَشَاءُ، وَ أَمَّا قَوْلُهُ: «لَيْلَهُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ»، يَعْنِی فَاطِمَهَ سلام الله علیها ، وَ قَوْلُهُ: «تَنَزَّلُ الْمَلائِكَهُ وَ الرُّوحُ فِيها»، وَ الْمَلَائِكَهُ فِی هَذَا الْمَوْضِعِ الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ يَمْلِكُونَ عِلْمَ آلِ مُحَمَّدٍ علیهم السلام ، وَ الرُّوحُ رُوحُ الْقُدُسِ، وَ هُوَ فِی فَاطِمَهَ سلام الله علیها ، «مِنْ كُلِّ أَمْرٍ سَلامٌ»، يَقُولُ: مِنْ كُلِّ أَمْرٍ مُسَلَّمَهٍ، «حَتَّى مَطْلَعِ الْفَجْرِ»، يَعْنِی حَتَّى يَقُومَ الْقَائِمُ علیه السلام .۳۵۹

زراره از حمران نقل کرده که گفت: از حضرت صادق علیه السلام پرسیدم از آنچه تمیز و توضیح داده می‌شود در شب قدر آیا همان چیزهائی که خدا مقدّر کرده است؟ حضرت فرمودند: نمی‌توان توصیف کرد قدرت خداوند را، «فِيها يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ»، چگونه می‌تواند چیزی محکم باشد مگر اینکه تشخیص داده شود و معیّن گردد، ولی نمی توان قدرت خدا را توصیف نمود که چه چیز را مقدّر می‌کند، زیرا در اختیار اوست هر چه را بخواهد انجام می‌دهد، اما این آیه: «لَيْلَهُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ»، یعنی فاطمه زهرا سلام الله علیها ، و این آیه: «تَنَزَّلُ الْمَلائِكَهُ وَ الرُّوحُ فِيها»، ملائکه در اینجا مؤمنین هستند، (ائمه) که دارای علم آل محمّد علیهم السلام هستند، روح عبارت از روح القدس است که او در فاطمه سلام الله علیها است، «مِنْ كُلِّ أَمْرٍ سَلامٌ»، می‌فرماید: از هر امری در سلامت هستند، «حَتَّى مَطْلَعِ الْفَجْرِ»، تا وقتی که قائم آل محمّد عجل الله تعالی فرجه الشریف قیام کند.

شماره: ۲۳۹: دین قائم علیه السلام

کد آیه: ۵ / ۹۸

{وَ ما أُمِرُوا إِلاَّ لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ حُنَفاءَ وَ يُقيمُوا الصَّلاهَ وَ يُؤْتُوا الزَّكاهَ وَ ذلِكَ دينُ الْقَيِّمَهِ}

و به آنها دستوری داده نشده بود جز اینکه خدا را بپرستند در حالی که دین خود را برای او خالص کنند و از شرک به توحید بازگردند، نماز را برپا دارند و زکات را بپردازند و این است آیین مستقیم و پایدار!

عَنْ أَبِی بَصِيرٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام فِی قَوْلِهِ عز و جل: «وَ ذلِكَ دِينُ الْقَيِّمَهِ»، قَالَ: إِنَّمَا هُوَ وَ ذَلِكَ دِينُ الْقَائِمِ علیه السلام .۳۶۰

ابو بصیر از امام صادق علیه السلام روایت کرده که حضرت در باره‌ی قول خداوند عز و جل: «وَ ذلِكَ دِينُ الْقَيِّمَهِ»، فرمودند: آن همان دین قائم علیه السلام می باشد.

شماره: ۲۴۰: زمان

کد آیه: ۱ / ۱۰۳

{وَ الْعَصْرِ}

قسم به عصر (نورانی دوران ظهور ولی عصر علیه السلام).

عَن مُفَضَّلِ بْنِ عُمَر قَالَ: سَأَلْتُ الصَّادِقَ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ علیهما السلام عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عز و جل: «وَ الْعَصْرِ، إِنَّ الْإِنْسانَ لَفِی خُسْرٍ»، قَالَ علیه السلام: «الْعَصْرُ»، عَصْرُ خُرُوجِ الْقَائِمِ علیه السلام ، «إِنَّ الْإِنْسانَ لَفِی خُسْرٍ»، يَعْنِی: أَعْدَاءَنَا، «إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا»، يَعْنِی: بِآيَاتِنَا، «وَ عَمِلُوا الصَّالِحاتِ»، يَعْنِی: بِمُوَاسَاهِ الْإِخْوَانِ، «وَ تَواصَوْا بِالْحَقِّ»، يَعْنِی: بِالْإِمَامَهِ، «وَ تَواصَوْا بِالصَّبْرِ»، يَعْنِی: فِی الْفَتْرَهِ.۳۶۱

مفضل گوید که از حضرت صادق علیه السلام تفسیر آیه: «وَ الْعَصْرِ إِنَّ الْإِنْسانَ لَفِی خُسْرٍ»، را پرسیدم، حضرت فرمودند: «عصر» زمان خروج قائم علیه السلام است، «إِنَّ الْإِنْسانَ لَفِی خُسْرٍ»، یعنی: دشمنان ما در زیانکاری هستند، «إِلَّا الَّذِینَ آمَنُوا»، یعنی: جز کسانی که ایمان به آیات ما دارند، «وَ عَمِلُوا الصَّالِحاتِ»، یعنی: برابری با برادران، «وَ تَواصَوْا بِالْحَقِّ»، یعنی: یکدیگر را سفارش به امامت می کنند، «وَ تَواصَوْا بِالصَّبْرِ»، یعنی: سفارش به فترت می نمایند.

منابع و مآخذ

۱-إثبات الهداة بالنصوص و المعجزات/ ۵جلدی/ شیخ حر عاملی، محمد بن حسن/ اعلمی/ بیروت/ سال چاپ: ۱۴۲۵ ق.

۲- احقاق الحق و ازهاق الباطل/ ۲۳جلدی/ قاضی نور الله مرعشی/ مکتبهٔ آیهٔ الله المرعشی النجفی/ قم/ سال چاپ: ۱۴۰۹ ق.

۳- الإختصاص/ ۱جلدی/ مفید، محمد بن محمد/ الموتمر العالمی لالفیهٔ الشیخ المفید/ قم/ سال چاپ: ۱۴۱۳ ق.

۴- الإرشاد فی معرفهٔ حجج الله علی العباد/ ۲جلدی/ مفید، محمد بن محمد/ کنگره شیخ مفید/ قم/ سال چاپ: ۱۴۱۳ ق.

۵- إرشاد القلوب إلی الصواب(للدیلمی)/ ۲جلدی/ دیلمی، حسن بن محمد/ الشریف الرضی/ قم/ سال چاپ: ۱۴۱۲ ق.

۶- اطیب البیان فی تفسیر القرآن/ ۱۴جلدی/ طیب سید عبد الحسین/ انتشارات اسلام/ تهران/ سال چاپ: ۱۳۷۸ ش.

۷- إلزام الناصب فی إثبات الحجهٔ الغائب (/ ۲جلدی/ یزدی حایری، علی/ مؤسسهٔ الأعلمی/ بیروت/ سال چاپ: ۱۴۲۲ ق.

۸- الإیقاظ من الهجعهٔ بالبرهان علی الرجعهٔ/ ۱جلدی/ شیخ حر عاملی، محمد بن حسن/ نوید/ تهران/ سال چاپ: ۱۳۶۲ ش.

۹- بحار الأنوار/ ۱۱۰جلدی/ مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی/ إحیاء التراث العربی/ بیروت/ سال چاپ: ۱۴۰۳ ق.

۱۰- البرهان فی تفسیر القرآن/ ۵جلدی/ بحرانی سید هاشم/ بنیاد بعثت/ تهران/ سال چاپ: ۱۴۱۶ ق.

۱۱- بصائر الدرجات فی فضائل آل محمّد(/ صفار، محمد بن حسن/ کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی/ قم/ سال چاپ: ۱۴۰۴ ق.

۱۲- تأویل الآیات الظاهرهٔ فی فضائل العترهٔ الطاهرهٔ/ ۱جلدی/ استرآبادی، علی/ مؤسسهٔ النشر الإسلامی/ قم/ سال چاپ: ۱۴۰۹ ق.

۱۳- تفسیر شریف لاهیجی/ ۴جلدی/ شریف لاهیجی محمد بن علی/ دفتر نشر داد/ تهران/ سال چاپ: ۱۳۷۳ ش.

۱۴- تفسیر الصافی/ ۵جلدی/ فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی/ مکتبه الصدر/ تهران/ سال چاپ: ۱۴۱۵ ق.

۱۵- تفسیر العیّاشی/ ۲جلدی/ عیاشی، محمد بن مسعود/ المطبعهٔ العلمیهٔ/ تهران/ سال چاپ: ۱۳۸۰ ق.

۱۶- تفسیر فرات الکوفی/ ۱جلدی/ کوفی، فرات بن ابراهیم/ مؤسسهٔ الطبع و النشر فی وزارهٔ الإرشاد الإسلامی/ تهران/ سال چاپ: ۱۴۱۰ ق.

۱۷- تفسیر قمی/ ۲جلدی/ قمی علی بن ابراهیم/ دار الکتاب/ قم/ سال چاپ: ۱۳۶۷ ش .

۱۸- تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب/ ۱۴جلدی/ قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا/ وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی/ تهران/ سال چاپ: ۱۳۶۸ ش.

۱۹- تفسیر منهج الصادقین فی الزام المخالفین/ ۱۰جلدی/ کاشانی ملا فتح الله/ کتابفروشی محمد حسن علمی/ تهران/ سال چاپ: ۱۳۳۶ش ۰۰.

۲۰- تفسیر نور الثقلین/ ۵جلدی/ عروسی حویزی عبد علی بن جمعه/ انتشارات اسماعیلیان/ قم/ سال چاپ: ۱۴۱۵ ق.

۲۱- حلیهٔ الأبرار فی أحوال محمّد و آله الأطهار(/ ۵جلدی/ بحرانی، سید هاشم بن سلیمان/ مؤسسهٔ المعارف الإسلامیهٔ/ قم / سال چاپ: ۱۴۱۱ ق.

۲۲- الخرائج و الجرائح/ ۳جلدی/ قطب الدین راوندی، سعید بن هبهٔ الله/ مؤسسه امام مهدی(/ قم/ سال چاپ: ۱۴۰۹ ق.

۲۳- الخصال/ ۲جلدی/ ابن بابویه، محمد بن علی/ جامعه مدرسین/ قم/ سال چاپ: ۱۳۶۲ ش.

۲۴- دلائل الإمامهٔ/ ۱جلدی/ طبری آملی صغیر، محمد بن جریر بن رستم/ بعثت/ قم/ سال چاپ: ۱۴۱۳ ق.

۲۵- روضات الجنّات فی احوال العلماء و السّادات/ ۸جلدی/ موسوی خوانساری، میرزا محمد باقر/ دار الاسلامیه/ بیروت/ سال چاپ: ۱۴۱۱ ق .

۲۶- شواهد التنزیل لقواعد التفضیل/ ۲جلدی/ حسکانی، عبید الله بن عبدالله/ التابعهٔ لوزارهٔ الثقافهٔ و الإرشاد الإسلامی/ تهران/ سال چاپ: ۱۴۱۱ ق.

۲۷- عوالی اللئالی العزیزیهٔ فی الأحادیث الدینیهٔ/ ۴جلدی/ ابن أبی جمهور، محمد بن زین الدین/ دار سید الشهداء للنشر/ قم/ سال چاپ: ۱۴۰۵ ق.

۲۸- علل الشرائع/ ۲جلدی/ ابن بابویه، محمد بن علی/ کتاب فروشی داوری/ قم/سال چاپ: ۱۳۸۵ ش.

۲۹- عیون أخبار الرضا(/ ۲جلدی/ ابن بابویه، محمد بن علی/ نشر جهان/ تهران/ سال چاپ: ۱۳۷۸ ق.

۳۰- غایه المرام و حجهٔ الخصام/ ۷جلدی/ بحرانی، هاشم بن سلیمان/ موسسهٔ التاریخ العربی/ بیروت/ سال چاپ: ۱۴۲۱ ق.

۳۱- الغیبهٔ(للنعمانی)/ ۱جلدی/ ابن أبی زینب، محمد بن ابراهیم/ نشر صدوق/ تهران/ سال چاپ: ۱۳۹۷ ق.

۳۲- الکافی/ ۸جلدی/ کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق/ دار الکتب الإسلامیهٔ/ تهران/ سال چاپ: ۱۴۰۷ ق.

۳۳- کامل الزیارات/ ۱جلدی/ ابن قولویه، جعفر بن محمد/ دار المرتضویهٔ/ نجف اشرف/ سال چاپ: ۱۳۵۶ ش.

۳۴- کتاب سلیم بن قیس الهلالی/ ۲جلدی/ هلالی، سلیم بن قیس/ الهادی/ قم/ سال چاپ: ۱۴۰۵ ق.

۳۵- کتاب الغیبهٔ(للطوسی)/ ۱جلدی/ طوسی، محمد بن الحسن/ دار المعارف الإسلامیهٔ/ قم/ سال چاپ: ۱۴۱۱ ق.

۳۶- کشف الغمهٔ فی معرفهٔ الأئمهٔ(ط- القدیمهٔ)/ ۲جلدی/ اربلی، علی بن عیسی/ بنی هاشمی/ تبریز/ سال چاپ: ۱۳۸۱ ق.

۳۷- کفایهٔ الأثر فی النصّ علی الأئمهٔ الإثنی عشر/ ۱جلدی/ خزاز رازی، علی بن محمد/ بیدار/ قم/ سال چاپ: ۱۴۰۱ ق.

۳۸- کمال الدین و تمام النعمهٔ/ ۲جلدی/ ابن بابویه، محمد بن علی/ اسلامیه/ تهران/ سال چاپ: ۱۳۹۵ ق.

۳۹- مائهٔ منقبهٔ من مناقب أمیر المؤمنین و الأئمهٔ/ ۱جلدی/ ابن شاذان، محمد بن احمد/ مدرسهٔ الإمام المهدی(/ قم/ سال چاپ: ۱۴۰۷ ق.

۴۰- مجمع البحرین/ ۶جلدی/ طریحی، فخر الدین بن محمد/ مرتضوی/ تهران/ سال چاپ: ۱۳۷۵ ش.

۴۱- مجمع البیان فی تفسیر القرآن/ ۱۰جلدی/ طبرسی فضل بن حسن/ انتشارات ناصر خسرو/ تهران/ سال چاپ: ۱۳۷۲ش.

۴۲- مختصر البصائر/ ۱جلدی/ حلی، حسن بن سلیمان بن محمد/ مؤسسهٔ النشر الإسلامی/ قم/ سال چاپ: ۱۴۲۱ ق.

۴۳- مرآهٔ العقول فی شرح أخبار آل الرسول/ ۲۶جلدی/ مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی/ دار الکتب الإسلامیهٔ/ تهران/ سال چاپ: ۱۴۰۴ ق.

۴۴- مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل/ ۲۸جلدی/ نوری، حسین بن محمد تقی/ مؤسسهٔ آل البیت(/ قم/ سال چاپ: ۱۴۰۸ ق.

۴۵- معانی الأخبار/ ۱جلدی/ ابن بابویه، محمد بن علی/دفتر انتشارات اسلامی/ قم/ سال چاپ: ۱۴۰۳ ق.

۴۶- مقتضب الأثر فی النصّ علی الأئمهٔ الإثنی عشر/ ۱جلدی/ جوهری بصری، احمد بن عبد العزیز/ انتشارات طباطبایی/ قم.

۴۷- الملاحم و الفتن/ ۱جلدی/ ابن طاووس، علی بن موسی/ شریف رضی/ قم/ سال چاپ: ۱۳۹۸ ق.

۴۸- المناقب، ابن شهر آشوب/ ۴جلدی/ ابن شهر آشوب، محمد بن علی/ علامه/ قم/ سال چاپ: ۱۴۱۲ ق.

۴۹- منهاج البراعهٔ فی شرح نهج البلاغهٔ(خوئی)/ ۲۱جلدی/ هاشمی خویی، میرزا حبیب الله/ مکتبهٔ الإسلامیهٔ/ تهران/رسال چاپ: ۱۴۰۰ ق.

۵۰- نوادر الأخبار فیما یتعلق بأصول الدین/ ۱جلدی/ فیض کاشانی، محمد محسن بن شاه مرتضی/ مؤسسه مطالعات و تحقیقات

فرهنگی/ تهران/ سال چاپ: ۱۳۷۱ ش.

۵۱- الوافی/ ۲۶جلید/ فیض کاشانی، محمد محسن بن شاه مرتضی/ کتابخانه امام أمیر المؤمنین علی (/ اصفهان/ سال چاپ: ۱۴۰۶ ق.

۵۲- وسائل الشیعهٔ/ ۳۰ جلدی/ شیخ حر عاملی، محمد بن حسن/ مؤسسهٔ آل البیت علیهم السلام/ قم/ سال چاپ: ۱۴۰۹ ق.

۵۳- ینابیع المودهٔ/ ۳ جلدی/ الشیخ سلیمان بن ابراهیم القندوزی الحنفی/ دار الاسوهٔ للطباعهٔ و النشر/ قم/ سال چاپ: ۱۴۱۶ ق.

جدول فهرست سوره‌های قرآن

۱: فاتحه

۲: بقره

۳: آل عمران

۴: نساء

۵: مائده

۶: انعام

۷: اعراف

۸: انفال

۹: توبه

۱۰: یونس

۱۱: هود

۱۲: یوسف

۱۳: الرعد

۱۴: ابراهیم

۱۵: حجر

۱۶: نحل

۱۷: اسراء

۱۸: کهف

۱۹: مریم

۲۰: طه

۲۱: انبیاء

۲۲: حج

۲۳: مؤمنون

۲۴: نور

۲۵: فرقان

۲۶: شعراء

۲۷: نمل

۲۸: قصص

۲۹: عنکبوت

۳۰: روم

۳۱: لقمان

۳۲: سجدهٔ

۳۳: احزاب

۳۴: سبأ

۳۵: فاطر

۳۶: یس

۳۷: صافات

۳۸: ص

۳۹: زمر

۴۰: غافر

۴۱: فصلت

۴۲: شوری

۴۳: زخرف

۴۴: دخان

۴۵: جاثیهٔ

۴۶: احقاف

۴۷: محمد

۴۸: فتح

۴۹: حجرات

۵۰: ق

۵۱: ذاریات

۵۲: طور

۵۳: نجم

۵۴: قمر

۵۵: الرحمن

۵۶: واقعه

۵۷: حدید

۵۸: مجادله

۵۹: حشر

۶۰: ممتحنه

۶۱: صف

۶۲: جمعه

۶۳: منافقون

۶۴: تغابن

۶۵: طلاق

۶۶: تحریم

۶۷: ملك

۶۸: قلم

۶۹: حاقه

۷۰: معارج

۷۱: نوح

۷۲: جن

۷۳: مزمل

۷۴: مدثر

۷۵: قیامه

۷۶: انسان

۷۷: مرسلات

۷۸: نبأ

۷۹: نازعات

۸۰: عبس

۸۱: تکویر

انفطار : ۸۲

۸۳: مطففین

۸۴: انشقاق

۸۵: بروج

۸۶: طارق

۸۷: اعلی

۸۸: غاشیه

۸۹: فجر

۹۰: بلد

۹۱: شمس

۹۲: لیل

۹۳: ضحی

۹۴: شرح

۹۵: تین

۹۶: علق

۹۷: قدر

۹۸: بینه

۹۹: زلزال

۱۰۰: عادیات

۱۰۱: قارعهٔ

۱۰۲: تکاثر

۱۰۳: عصر

۱۰۴: همزه

۱۰۵: فیل

۱۰۶: قریش

۱۰۷: ماعون

۱۰۸: کوثر

۱۰۹: کافرون

۱۱۰: نصر

۱۱۱: مسد

۱۱۲: اخلاص

۱۱۳: فلق

۱۱۴: ناس

پی‌نوشت

۱ ـ سوره‌ی انفال / آیه‌ی ۶۰، راجع: البرهان فی تفسیر القرآن، ج۲، ص: ۷۰۷.

۲ ـ سوره‌ی آل عمران / آیه‌ی ۲۰۰،راجع: البرهان فی تفسیر القرآن، ج۱، ص: ۷۳۰.

۳ ـ سوره‌ی انبیاء / ۱۰۵ (کد: ۱۰۵ / ۲۱).

۴ ـ طبرسی، مجمع البیان، ج ۷، ص ۶۶ـ مقدسی، عقد الدّرر، ص ۲۱۷ .

۵ ـ کتاب مقدّس، عهد عتیق، تورات، سفر پیدایش، ۱۲/۷ .

۶ ـ عهد عتیق، مزامیر، مزمور ۳۷ : ۹ – ۱۲ .

۷ ـ همان، مزمور ۹۶: ۱۰ – ۱۳.

۸ ـ عهد عتیق، حیقوق نبی: ۲/۳ – ۵.

۹ ـ کتاب مقدس، عهد جدید، انجیل مرقس: ۱۳ / ۳۳.

۱۰ ـ عهد جدید، انجیل لوقا، ۱۲ / ۳۶.

۱۱ ـ سوره‌ی یونس / آیه‌ی ۲۰ (کد: ۲۰ / ۱۰).

۱۲ ـ شیخ صدوق، کمال الدّین، ج ۱ ، ص ۳۴۰.

۱۳ ـ کلینی، کافی شریف، ج ۸، ص ۳۱۳.

۱۴ ـ سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۱۴۸ (کد: ۱۴۸/ ۲).

۱۵ ـ نعمانی، کتاب الغیبه، ص ۱۶۸.

۱۶ ـ سوره‌ی صف / آیه‌ی ۹ (کد: ۹ / ۶۱).

۱۷ ـ طبری، دلائل الامامه، ص ۴۵۹.

۱۸ ـ طبرسی، إعلام الوری، ج ۲، ص ۲۹۱.

۱۹ ـ سوره‌ی نساء / آیه‌ی ۱۵۹ (کد: ۱۵۹ / ۴).

۲۰ ـ طبرسی، مجمع البیان، ج۲، ص۱۳۷.

۲۱ ـ شیخ صدوق، کمال الدین، ج۲، ص ۶۵۰.

۲۲ ـ نعمانی، کتاب الغیبة، ص۲۵۷.

۲۳ ـ سوره‌ی شعراء / آیه‌ی ۴ (کد: ۴ / ۲۶)

۲۴ ـ نعمانی، همان، ص۲۶۱.

۲۵ ـ یاقوت، معجم البلدان، ج ۱، ص۵۲۳.

۲۶ ـ مقدسی، عقد الدّرر، ص ۷۹.

۲۷ ـ سوره‌ی نساء / آیه‌ی ۴۷ (کد: ۴۷ / ۴).

۲۸ ـ بحرانی، تفسیر البرهان، ج۳، ص۱۱۳.

۲۹ ـ سوره‌ی آل عمران / آیه‌ی ۲۰۰ (کد: ۲۰۰ / ۳).

۳۰ ـ شیخ حرّ عاملی، اثبات الهداة، ج ۱، ص۲۶۳.

۳۱ ـ راغب، مفردات قرآن، ص۳۳۴.

۳۲ ـ نمازی، مستدرک سفینه، ج۴، ص۴۸.

۳۳ ـ مجلسی، بحار الانوار، ج۵۳، ص۱۷۶.

۳۴ ـ سوره‌ی قصص / آیه‌ی ۵ (کد: ۵ / ۲۸).

۳۵ ـ بحرانی، تفسیر البرهان، ج۳، ص ۲۲۰.

۳۶ ـ سوره‌ی زمر / آیه‌ی ۶۹ (کد: ۶۹ / ۳۹)

۳۷ ـ طبری، دلائل الامامة، ص۴۸۶.

۳۸ ـ نجاشی، الرّجال، ص۸۵، رقم۲۰۷.

۳۹ ـ شیخ آقا بزرگ، الذّریعه؛ ج ۲۲، ص ۲۱.

۴۰ ـ اشکوری، التّراث العربی، ج۱۲، ص۱۹۵.

۴۱ ـ آصف فکرت، فهرست الفبایی، ص۵۴۷.

۴۲ ـ نجاشی، الرّجال، صص ۳۹، ۵۱، ۱۰۹، ۱۶۶، ۲۳۴، ۲۶۲، ۳۱۳، ۳۲۸، ۳۳۸، ۳۷۶، ۴۲۴.

۴۳ ـ شیخ طوسی، الفهرست، ص۷۸، رقم۹۹.

۴۴ ـ بغدادی، ایضاح المکنون، ج۲، ص۴۲۱.

۴۵ ـ شیخ آقا بزرگ، طبقات أعلام الشّیعه، قرن پنجم، ص۲۴.

۴۶ ـ بحار الانوار، ج۲۳، ص ۱۹۹ / البرهان فی تفسیر القرآن، ج۱، ص ۵۹۷ / تأویل الآیات الظاهرۀ ص۱۰۶ / تفسیر کنز الدقائق، ج۳، ص ۳۶ / تفسیر نور الثقلین، ج۱، ص ۳۱۶ / الکافی، ج۱، ص ۲۱۳.

۴۷ ـ البرهان فی تفسیر القرآن، ج۳، ص: ۲۲۷ ـ کفایۀ الأثر، ص: ۱۶۳ـ بحار الأنوار (ط ـ بیروت)، ج۳۶، ص: ۳۳۸.

۴۸ ـ کمال الدین، ج۲، ص ۶۶۷.

۴۹ ـ بحار الأنوار (ط ـ بیروت)، ج۳۲، ص: ۳۳۱.

۵۰ ـ اثبات الهداۀ، ج۵، ص ۷۲ / بحار الانوار، ج۵۱، ص ۵۲ و ج۵۲، ص ۱۲۴ / البرهان فی تفسیر القرآن، ج۱، ص ۱۲۴ با کمی تغییر / تفسیر نورالثقلین، ج۱، ص ۳۱ / تفسیر کنز الدقائق، ج۱، ص ۱۱۸ / کمال الدین، ج۱، ص ۱۷ و ج۲، ص ۳۴۰.

۵۱ ـ اثبات الهداۀ، ج۵، ص ۷۲ / الزام الناصب، ج۱، ص ۵۳ و ص ۴۱۴ / بحار الانوار، ج۵۱، ص ۵۲ و ج۵۲، ص ۱۲۴ / البرهان فی تفسیرالقرآن، ج۱، ص ۱۲۴ / تأویل الآیات الظاهرۀ، ص ۳۴ / تفسیر کنز الدقائق، ج۱، ص ۱۱۹ / تفسیر نور الثقلین، ج۱، ص ۳۱ / کمال الدین، ج۱، ص۱۸ و ج۲، ص ۳۴۰.

۵۲ ـ احقاق الحق، ج۱۳، ص ۳۷۸ / تفسیر کنز الدقائق، ج۲، ص ۱۲۴ / الملاحم و الفتن فی ظهور الغائب المنتظر عجل الله تعالی فرجه الشریف ، ص ۱۴۳ .

۵۳ ـ اثبات الهداۀ، ج ۲ ص ۶۵ / الزام الناصب، ج ۱ ص ۵۴ و ۱۶۶ / بحار الانوار، ج ۱۱ ص ۱۷۷ / البرهان فی تفسیر القرآن، ج۱، ص ۳۱۷ / تأویل الآیات الظاهرۀ، ص ۸۲ / تفسیر الصافی، ج۱، ص ۱۸۶ / تفسیر کنز الدقائق، ج۲، ص ۱۳۵ / تفسیر نور الثقلین، ج۱، ص ۱۲۰ / کمال الدین، ج ۲ ص ۳۵۸ / معانی الأخبار: ص ۱۲۶.

۵۴ ـ إثبات الهداۀ، ج۵، ص ۱۷۱ / البرهان فی تفسیر القرآن، ج۱، ص ۳۳۶ / تفسیر الصافی، ج۱، ص ۱۹۲ / تفسیر العیاشی، ج۱، ص ۶۱ / تفسیر کنز الدقائق، ج۲، ص ۱۶۵/ تفسیر نور الثقلین، ج۱، ص ۱۳۱.

۵۵ ـ بحار الانوار، ج۲۳، ص ۳۵۱ / البرهان فی تفسیر القرآن، ج۱، ص ۳۴۳ / تأویل الآیات الظاهرۀ، ص ۸۶ / تفسیر الصافی، ج۱، ص ۱۹۷ / تفسیر فرات الکوفی، ص ۶۲ / تفسیر کنز الدقائق، ج۲، ص ۱۷۸ / تفسیر نور الثقلین، ج۱، ص ۱۳۴ / الکافی: ج ۱ ص ۱۹۱.

۵۶ ـ احقاق الحق، ج۱۴، ص ۵۵۳ / بحار الانوار، ج۲۳، ص ۳۳۴ / تأویل الآیات الظاهرۀ، ص ۸۶ / تفسیر منهج الصادقین، ج۱، ص ۳۱۵ / شواهد التنزیل، ج۱، ص ۱۱۹ / مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج۱، ص ۴۱۶.

۵۷ ـ اثبات الهداۀ، ج۵، ص ۶۴ / بحار الانوار، ج۵۲، ص ۲۸۸ / البرهان فی تفسیر القرآن، ج۳، ص ۸۴ / تفسیر کنز الدقائق، ج۶، ص ۱۳۳ / تفسیر نور الثقلین، ج۱، ص ۱۳۹ و ج۲، ص ۳۴۱ / الکافی (ط ـ الإسلامیۀ)، ج۸، ص ۳۱۳ / مرآۀ العقول، ج۲۶، ص ۴۱۲.

۵۸ ـ الإختصاص، النص، ص ۲۵۷ / البرهان فی تفسیر القرآن، ج۱، ص ۳۴۸/ تأویل الآیات الظاهرۀ، ص ۸۷ / الغیبۀ (للنعمانی)، النص، ص ۲۸۲ .

۵۹ ـ اثبات الهداۀ، ج ۵ ص ۱۰۸ و ص ۱۶۹ / بحار الانوار، ج ۵۲ ص ۳۶۸ / البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۱ ص ۳۴۷ / تفسیر کنز الدقائق، ج۲، ص ۱۹۱/ تفسیر نور الثقلین، ج۱، ص ۱۳۹ / الغیبۀ(للنعمانی)، النص، ص ۳۱۳ / کمال الدین و تمام النعمۀ، ج۲، ص ۶۵۴.

۶۰ ـ الزام الناصب، ج۱، ص ۲۰۴ / بحار الانوار، ج۵۱، ص ۱۵۷ و ج۵۲، ص ۲۸۳ / البرهان فی تفسیر القرآن، ج۱، ص ۳۵۵ / تفسیر

کنز الدقائق، ج۲، ص ۱۹۰ / تفسیر نور الثقلین، ج۱، ص ۱۳۹ / کفایة الاثر، ص ۲۸۲ / کمال الدین، ج۲، ص ۳۷۸.

۶۱ ـ اثبات الهداة، ج ۵ ص ۱۷۱ / بحار الانوار، ج ۵۲ ص ۳۶۸ / البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۱ ص ۳۴۸ و ۳۵۳ / الغیبة النعمانی، ص ۳۱۳.

۶۲ ـ اثبات الهداة، ج۵، ص ۱۷۹ و ج۵، ص ۳۶۰ / الزام الناصب، ج۲، ص ۹۳ و ج۲، ص ۱۲۳ / البرهان فی تفسیر القرآن، ج۱، ص ۳۵۸ / تفسیر کنز الدقائق، ج۲، ص ۱۹۷ / الغیبة للنعمانی، ص ۲۵۰ / کمال الدین، ج۲، ص ۶۴۹.

۶۳ ـ إثبات الهداة، ج۵، ص ۳۶۳ / الزام الناصب، ج۱، ص ۵۵ / بحار الأنوار (ط ـ بیروت)، ج۵۲، ص ۲۲۹ / البرهان فی تفسیر القرآن، ج۱، ص ۳۵۹ / حلیة الأبرار، ج۶، ص ۲۸۶ / الغیبة للنعمانی، ص ۲۵۱.

۶۴ ـ إثبات الهداة، ج۵، ص ۳۶۳ / بحار الأنوار (ط ـ بیروت)، ج۵۲، ص ۲۲۹ / الغیبة(للنعمانی)، النص، ص ۲۵۱.

۶۵ ـ إلزام الناصب، ج۱، ص ۲۰۸ / مقتضب الأثر، المتن، ص ۱۴/ بحار الأنوار (ط ـ بیروت)، ج۳۶، ص ۲۱۹.

۶۶ ـ اثبات الهداة، ج۵، ص ۱۳۶ / الزام الناصب، ج۱، ص ۵۵ / بحار الانوار، ج۵۲، ص ۳۳۲ / الغیبة للنعمانی، ص ۳۱۶ / کتاب الغیبة(للطوسی)، ص ۴۷۲.

۶۷ ـ بحار الانوار، ج ۲۵ ص ۱۱۴ و ج ۵۲ ص ۱۴۳/ البرهان فی تفسیر القرآن، ج۱، ص: ۵۲۵ و ج۲، ص: ۹۲ و ج۳، ص: ۴۱۹ / الکافی (ط ـ الإسلامیة)، ج۸، ص: ۲۹۵ / وسائل الشیعة، ج۱۵، ص: ۵۲ .

۶۸ ـ الزام الناصب، ج۱ ص ۱۵ / بحار الانوار، ج ۲۳ ص ۳۲۳ و ج ۶۵ ص ۱۰۵ و ج ۶۹ ص ۱۳۵ / البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۱ ص ۵۲۲ / تأویل الآیات الظاهرة، ص ۱۰۲ / تفسیر کنز الدقائق ، ج۲ ص ۴۱۲ / تفسیر نور الثقلین، ج ۱ ص ۲۶۶ / الغیبة النعمانی، ص ۱۳۳ / الکافی، ج .

۶۹ ـ اثبات الهداة، ج۵، ص ۱۷۲/ الزام الناصب، ج۱، ص ۵۴ / البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۱ ص ۵۴۲ / تفسیر العیّاشی، ج ۱ ص ۱۴۷ / تفسیر کنز الدقائق، ج ۲ ص ۴۳۵ / تفسیر نور الثقلین، ج ۱ ص ۲۸۲.

۷۰ ـ اثبات الهداة، ج۱، ص ۱۰۶ / بحار الانوار، ج۱، ص ۲۱۵ و ج۲۴، ص ۸۶ / البرهان فی تفسیر القرآن، ج۱، ص ۵۴۸ / تفسیر کنز الدقائق، ج۲، ص ۴۴۴ / تفسیر نور الثقلین، ج۱، ص ۲۸۷ / الکافی، ج۱، ص ۱۸۵.

۷۱ ـ بحار الانوار، ج۱، ص ۲۱۵ و ج۲۴، ص ۸۶ / البرهان فی تفسیر القرآن، ج۱، ص ۵۴۸ / تفسیر کنز الدقائق، ج۲، ص ۴۴۵ / تفسیر نور الثقلین، ج۱، ص ۲۸۷ / الکافی، ج۲، ص ۲۸۴.

۷۲ ـ اثبات الهداة، ج ۲ ص ۱۵۲ / الزام الناصب، ج ۱ ص ۱۶۶ / بحار الانوار، ج ۲۷ ص ۲۰۰ و ج ۳۶ ص ۲۱۷ و ص ۲۶۲ / البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۱ ص ۵۷۱ / تأویل الآیات الظاهرة، ص ۱۰۴ / تفسیر کنز الدقائق، ج ۲ ص ۴۷۴ / تفسیر فرات الکوفی، ص ۷۴ / غیبة الطوسیّ، ص ۱۰۳.

۷۳ ـ بحار الانوار، ج۲۳، ص ۱۹۹ / البرهان فی تفسیر القرآن، ج۱، ص ۵۹۷ / تأویل الآیات الظاهرة ص۱۰۶ / تفسیر کنز الدقائق، ج۳، ص ۳۶ / تفسیر نور الثقلین، ج۱، ص ۳۱۶ / الکافی، ج۱، ص ۲۱۳.

۷۴ ـ اثبات الهداة ج ۲ ص ۱۸ / البرهان فی تفسیر القرآن، ج۱، ص ۵۹۷ / تأویل الآیات الظاهرة ص۱۰۶ / الکافی، ج۱، ص ۴۱۴.

۷۵ ـ بحار الانوار، ج۲۳، ص ۱۹۹ / البرهان فی تفسیر القرآن، ج۱، ص ۴۵ و ص ۵۹۷ / تفسیر الصافی، ج۲، ص ۲۶۶ / تفسیر کنز الدقائق، ج۳، ص ۴۲۷ / تفسیر نور الثقلین، ج۱، ص ۴۹۱ / غایة المرام و حجة الخصام، ج۳، ص ۱۱۸ / الکافی، ج۱، ص ۱۸۶.

۷۶ ـ بحار الانوار، ج۲۳، ص ۱۹۱ / البرهان فی تفسیر القرآن، ج۱، ص ۵۹۸/ تفسیر کنز الدقائق، ج ۳ ص ۴۳ / تفسیر نور الثقلین، ج ۱ ص ۳۱۶.

۷۷ ـ إثبات الهداة، ج۵، ص ۲۹۶ / تفسیر نور الثقلین، ج۱، ص ۳۲۲ / حلیة الأبرار، ج۶، ص ۱۸۴ / کمال الدین و تمام النعمة، ج۲،

ص ۴۳۳.

۷۸ ـ الإختصاص، ص ۲۵۵ / بحار الانوار، ج۵۲، ص ۲۳۷ / البرهان فی تفسیر القرآن، ج۱، ص ۶۱۳/ غایهٔ المرام و حجهٔ الخصام، ج۳، ص ۲۷۱/ الغیبهٔ للنعمانی، ص ۲۷۹.

۷۹ ـ بحار الأنوار (ط ـ بیروت)، ج۶۰، ص ۲۴۲ / البرهان فی تفسیر القرآن، ج۱، ص ۶۲۰ و ج۴، ص ۶۸۶ / تفسیر الصافی، ج۱، ص ۷۹ / تفسیر کنز الدقائق، ج۷، ص ۱۲۸ و ص ۲۷۱ / تفسیر نور الثقلین، ج۳، ص ۱۳ و ص ۸۵ / معانی الأخبار، النص، ص ۱۳۹.

۸۰ ـ بحار الأنوار (ط ـ بیروت)، ج۵۲، ص ۳۴۱ / الغیبهٔ(للنعمانی)، النص، ص ۱۸۲.

۸۱ ـ إثبات الهداهٔ، ج۲، ص ۱۸ / بحار الأنوار (ط ـ بیروت)، ج۲۳، ص ۲۲۵ / البرهان فی تفسیر القرآن، ج۱، ص ۶۴۰ / تأویل الآیات الظاهرهٔ، ص ۱۱۹ / الکافی (ط ـ الإسلامیهٔ)، ج۱، ص ۴۱۶.

۸۲ ـ الإیقاظ من الهجعهٔ بالبرهان علی الرجعهٔ، النص، ص ۳۳۲ / بحار الأنوار (ط ـ بیروت)، ج۵۳، ص ۵۰ / البرهان فی تفسیر القرآن، ج۱، ص ۹۱ و ص ۶۴۶ / تفسیر الصافی، ج۱، ص ۳۵۱ / تفسیر القمی، ج۱، ص ۲۵۱ و ص ۱۰۶ / تفسیر کنز الدقائق، ج۳، ص ۱۵۰ / تفسیر نور الثقلین، ج۱، ص ۳۵۹ / مختصر البصائر، ص ۱۵۰.

۸۳ ـ اثبات الهداهٔ ج۵ ص ۱۷۲ / الزام الناصب،ج۱،ص ۵۵ / بحار الانوار ج ۵۲ ص ۳۴۰ / البرهان فی تفسیر القرآن، ج۱، ص ۶۵۰ / تفسیر العیّاشی ۱: ۱۸۳/ ۸۲/ تفسیر کنز الدقائق ج ۳ ص ۱۵۳ / تفسیر نور الثقلین ج۱ ص ۳۶۲.

۸۴ ـ اثبات الهداهٔ، ج۵، ص ۱۷۲ / بحار الانوار، ج۵۲، ص ۳۴۰ و ج۶۵، ص ۲۳۱/ البرهان فی تفسیر القرآن، ج۱، ص ۶۵۰ /تفسیر شریف لاهیجی ج ۱ ص۳۴۷ / تفسیر العیّاشی، ج۱: ۱۸۳/ ۸۱ / تفسیر کنز الدقائق، ج۳، ص ۱۵۳ / تفسیر نور الثقلین، ج۱، ص ۳۶۲ / ینابیع المودهٔ: ۴۲۱ .

۸۵ ـ بحار الأنوار (ط ـ بیروت)، ج۲، ص ۲۹۴ و ج۵۲، ص ۳۱۴ / تفسیر کنز الدقائق، ج۳، ص ۱۷۰ و ج۱۰، ص ۴۸۷/ تفسیر نور الثقلین، ج۱، ص ۳۶۸ / علل الشرائع، ج۱، ص ۹۰.

۸۶ ـ إثبات الهداهٔ، ج۵، ص ۱۷۳ / بحار الأنوار (ط ـ بیروت)، ج۱۹، ص ۲۸۴ / البرهان فی تفسیر القرآن، ج۱، ص ۶۸۶ / تفسیر الصافی، ج۱، ص ۳۷۸ / تفسیر العیاشی، ج۱، ص ۱۹۷ / تفسیر کنز الدقائق، ج۳، ص ۲۱۵ / تفسیر نور الثقلین، ج۱، ص ۳۸۸.

۸۷ ـ اثبات الهداهٔ، ج۱، ص ۱۶۴ / الزام الناصب، ج۱، ص ۵۶ / بحار الانوار، ج۵۱، ص ۵۴ / البرهان فی تفسیر القرآن، ج۱، ص ۶۹۵ / تفسیر العیاشی، ج۱،ص ۲۲۲ ح ۱۴۵ / تفسیر کنز الدقائق، ج۳، ص ۲۳۰ / تفسیر نور الثقلین، ج۱، ص ۳۹۵.

۸۸ ـ إثبات الهداهٔ بالنصوص و المعجزات، ج۵، ص ۱۲۹ / بحار الأنوار (ط ـ بیروت)، ج۵۲، ص ۱۱۳ / البرهان فی تفسیر القرآن، ج۱، ص ۶۹۷ با کمی اختلاف / کتاب الغیبهٔ (للطوسی)، النص، ص ۳۳۶.

۸۹ ـ اثبات الهداهٔ، ج۵، ص ۱۵۳/ الزام الناصب، ج۱، ص ۵۶ / البرهان فی تفسیر القرآن، ج۱، ص ۷۳۱ / تأویل الآیات الظاهرهٔ، ص ۱۳۳ / تفسیر کنز الدقائق، ج۳، ص ۳۰۳ / غایهٔ المرام و حجهٔ الخصام، ج۴، ص ۲۲۹ / الغیبهٔ للنعمانی، ص ۱۹۹ حدیث ۱۳.

۹۰ ـ بحار الانوار، ج۲۴، ص ۲۱۹ / البرهان فی تفسیر القرآن، ج۱، ص ۷۳۱ / تفسیر الصافی، ج۱، ص ۴۱۲ / غایهٔ المرام و حجهٔ الخصام، ج۴، ص ۲۲۹ / الغیبهٔ للنعمانی، ص ۱۹۹.

۹۱ ـ بحار الأنوار (ط ـ بیروت)، ج۷، ص ۲۸۳ و ج۲۳، ص ۳۳۵ / البرهان فی تفسیر القرآن، ج۲، ص ۷۹ / تأویل الآیات الظاهرهٔ، ص ۱۳۵ / تفسیر نور الثقلین، ج۱، ص ۴۸۲/ الکافی (ط ـ الإسلامیهٔ)، ج۱، ص ۱۹۰.

۹۲ ـ اثبات الهداهٔ، ج۵، ص ۱۷۳ ح ۵۵۳ / الإختصاص، ص ۲۵۵ / الزام الناصب، ج۱، ص ۵۶ و ج۲، ص ۹۳ / بحار الانوار، ج۵۲، ص ۲۳۷ / البرهان فی تفسیر القرآن، ج۱، ص ۳۵۳ و ج۲، ص ۸۷ / تفسیر العیاشی: ج ۱/ ۲۴۵ ح ۱۴۷ / الغیبهٔ للنعمانی، ص ۲۷۹ ح ۶۷.

۹۳ ـ اثبات الهداة، ج۲، ص ۷۴ ح ۲۱۲ / الزام الناصب، ج۱، ص ۵۶ و ج۱، ص ۱۸۵ / بحار الانوار، ج۳۶، ص ۲۵۰ / البرهان فی تفسیر القرآن، ج۲، ص ۱۰۳ / تأویل الآیات الظاهرة، ص ۱۴۱ / تفسیر الصافی، ج۱، ص ۴۶۴ / تفسیر کنز الدقائق، ج۳، ص ۴۳۸ و ج۳، ص ۴۵۱ / تفسیر نور الثقلین، ج۱، ص ۴۹۹ ح ۳۳۱ / کمال الدین، ج۱، ص ۲۵۳ ح ۳.

۹۴ ـ اثبات الهداة، ج۲، ص ۶۹ / بحار الانوار، ج۲۳، ص ۲۸۸ / البرهان فی تفسیر القرآن، ج۲، ص ۱۰۸ / تفسیر کنز الدقائق، ج۳، ص ۴۳۸/ تفسیر نور الثقلین، ج۱، ص ۴۹۹ / کمال الدین، ج۱، ص ۲۲۲.

۹۵ ـ الزام الناصب، ج۱، ص ۵۷ / بحار الانوار، ج۲۴، ص ۳۱ و ج۶۴، ص ۱۹۲/ البرهان فی تفسیر القرآن، ج۲، ص ۱۲۷ / تأویل الآیات الظاهرة، ص ۱۴۵ / تفسیر شریف لاهیجی، ج۱، ص ۵۰۶ / تفسیر القمی، ج۱، ص ۱۴۲ / تفسیر کنز الدقائق، ج۳، ص ۴۶۷ / تفسیر نور الثقلین، ج۱، ص ۵۱۶ حدیث ۳۹۵ / غایة المرام و حجة الخصام، ج۴، ص ۲۹۸.

۹۶ ـ بحار الأنوار (ط ـ بیروت)، ج۳۶، ص: ۳۴۷ / البرهان فی تفسیر القرآن، ج۲، ص: ۱۲۵/ کفایة الأثر، ص: ۱۸۳.

۹۷ ـ الزام الناصب، ج۱، ص ۵۷ / بحار الانوار، ج۴۴، ص ۲۵ و ص ۲۱۷ و ج۵۲، ص ۱۳۲ / البرهان فی تفسیر القرآن، ج۲، ص ۱۳۰ / تفسیر الصافی، ج۱، ص ۴۷۲ / تفسیر العیاشی ج ۱ ص ۲۵۸ / تفسیر کنز الدقائق، ج۳، ص ۴۷۹ / تفسیر نور الثقلین، ج۱، ص ۵۱۸.

۹۸ ـ الزام الناصب، ج۱، ص ۵۷ و ج ۲ ص ۲۸۴ / الإیقاظ من الهجعة بالبرهان علی الرجعة، النص، ص ۳۴۰ / بحار الانوار، ج۹، ص ۱۹۵ حدیث ۴۵ و ج ۱۴ ص ۳۴۹ و ج ۵۳ ص ۵۰ / البرهان فی تفسیر القرآن، ج۲، ص ۱۹۷ / تفسیر شریف لاهیجی، ج۱، ص ۵۸۵ / تفسیر الصافی، ج۱، ص ۵۱۹ / تفسیر القمّی ۱: ص ۱۵۸ / تفسیر نور الثقلین، ج۱، ص ۵۷۱ حدیث ۶۶۲.

۹۹ ـ اثبات الهداة، ج۵، ص ۹۱ / إعلام الوری بأعلام الهدی، ص ۴۳۲ / البرهان فی تفسیر القرآن، ج۴، ص ۹۴ / غایة المرام و حجة الخصام، ج۷، ص ۱۳۴ / کتاب الغیبة(للطوسی)، ص ۱۷۲ / کمال الدین، ج۲، ص ۳۵۷ / الوافی، ج۲، ص ۴۲۳.

۱۰۰ ـ الزام الناصب، ج۱، ص ۵۸ / بحار الانوار، ج۵۱، ص ۵۵ / البرهان فی تفسیر القرآن، ج۲، ص ۲۲۳ / تفسیر العیاشی ج ۱، ص۲۹۲، ح ۱۹ / تفسیر نور الثقلین، ج۱، ص ۵۸۷ / تفسیر کنز الدقائق، ج۴، ص ۳۲.

۱۰۱ ـ إثبات الهداة، ج۲، ص ۲۲۴ / إرشاد القلوب (للدیلمی)، ج۲، ص ۲۹۳/ بحار الأنوار (ط ـ بیروت)، ج۳۶، ص ۲۶۳ / البرهان فی تفسیر القرآن، ج۲، ص ۳۸۹ / مائة منقبة من مناقب أمیر المؤمنین و الأئمة، ص ۷۱.

۱۰۲ ـ إثبات الهداة، ج۲، ص ۳۲ / الکافی (ط ـ الإسلامیة)، ج۱، ص ۵۳۴ / مرآة العقول، ج۶، ص ۲۳۳/ الوافی، ج۲، ص ۳۱۲.

۱۰۳ ـ احقاق الحق، ج۱۳، ص ۳۴۹ / الزام الناصب، ج۱، ص ۵۸ / البرهان فی تفسیر القرآن، ج۲، ص ۲۶۴ / تفسیر کنز الدقائق، ج۴، ص ۶۳ / تفسیر نور الثقلین، ج۱، ص ۶۰۱ / عوالی اللئالی ج ۳ ص ۳۰۲.

۱۰۴ ـ الزام الناصب، ج۲، ص ۲۷۳ / الإیقاظ من الهجعة بالبرهان علی الرجعة، النص، ص ۳۶۳ / بحارالأنوار ج: ۵۳ ص ۴۵ حدیث ۱۸ / البرهان فی تفسیر القرآن، ج۲، ص ۲۶۶ / مختصر البصائر ص ۱۱۹.

۱۰۵ ـ بحار الانوار، ج۳۱، ص ۵۷۷ / البرهان فی تفسیر القرآن، ج۲، ص ۳۱۵ / تأویل الآیات الظاهرة، ص ۱۵۵ / تفسیر القمی، ج۱، ص ۱۷۰ / تفسیر کنز الدقائق، ج۴، ص ۱۴۱ / تفسیر نور الثقلین، ج۱، ص ۶۴۱.

۱۰۶ ـ الزام الناصب، ج۱، ص ۵۸ / بحار الانوار، ج۲۷، ص ۴۹ و ج۵۲، ص ۳۷۰ / البرهان فی تفسیر القرآن، ج۲، ص ۳۱۴ و ص ۴۴۸ / تفسیر العیاشی، ج ۱ ،ص ۳۲۶ / الغیبة للنعمانی، ص ۳۱۶.

۱۰۷ ـ اثبات الهداة، ج۲، ص ۱۳ / البرهان فی تفسیر القرآن، ج۲، ص ۳۱۶ / تأویل الآیات الظاهرة، ص ۱۵۸/ تفسیر الصافی، ج۲، ص ۴۴ / تفسیر کنز الدقائق، ج۴، ص ۱۴۵/ تفسیر نور الثقلین، ج۱، ص ۶۴۳ / غایة المرام و حجة الخصام، ج۲، ص ۱۵/ الکافی، ج۱، ص ۲۸۸ .

۱۰۸ ـ إلزام الناصب، ج۲، ص ۹۴ / بحار الأنوار (ط ـ بیروت)، ج۵۲، ص ۲۴۹ / البرهان فی تفسیر القرآن، ج۲، ص ۴۰۰ / الغیبة(

للنعمانی)، النص، ص ۳۰۱.

۱۰۹ ـ الإيقاظ من الهجعة بالبرهان على الرجعة، النص، ص ۹۰ / بحار الأنوار (ط ـ بيروت)، ج۹، ص ۲۰۴ و ج۱۷، ص ۲۰۴ و ج۵۲، ص ۱۸۱ / البرهان فی تفسیر القرآن، ج۲، ص ۴۱۶ / تفسیر القمی، ج۱، ص ۱۹۸.

۱۱۰ ـ الزام الناصب، ج۱،ص ۵۸ / بحار الأنوار (ط ـ بيروت)، ج۳۵، ص ۳۷۱ / البرهان فی تفسیر القرآن، ج۲، ص ۴۱۹ / بصائر الدرجات، ج۱، ص ۷۸ / تفسیر الصافی، ج۲، ص ۱۲۱ / تفسیر القمی، ج۱، ص ۲۰۰ / تفسیر کنز الدقائق، ج۴، ص ۳۳۰ / تفسیر نور الثقلین، ج۱، ص ۷۱۸.

۱۱۱ ـ إلزام الناصب، ج۲، ص ۹۴ / بحار الأنوار (ط ـ بيروت)، ج۹، ص ۲۰۵ و ج۵۲، ص ۱۸۲ / تفسیر الصافی، ج۲، ص ۱۲۷ / تفسیر القمی، ج۱، ص ۲۰۴ / تفسیر کنز الدقائق، ج۴، ص ۳۴۸ / تفسیر نور الثقلین، ج۱، ص ۷۲۴.

۱۱۲ ـ بحار الأنوار (ط ـ بيروت)، ج۲۵، ص ۴۱ / البرهان فی تفسیر القرآن، ج۲، ص ۴۷۲ / بصائر الدرجات، ج۱، ص ۴۳۳ / تفسیر کنز الدقائق، ج۴، ص ۴۳۱ / تفسیر نور الثقلین، ج۱، ص ۷۶۰ / الکافی (ط ـ الإسلامية)، ج۱، ص ۳۸۷.

۱۱۳ ـ اثبات الهداة، ج۲، ص ۶۶ / الزام الناصب، ج۱، ص ۵۹ / بحار الانوار، ج۵۱، ص ۵۱ / البرهان فی تفسیر القرآن، ج۲، ص ۵۰۰/ تفسیر کنز الدقائق، ج۴، ص ۴۹۱/ تفسیر نور الثقلین، ج۱، ص ۷۸۱ ح ۳۵۶ / کمال الدین، ج۲، ص ۳۳۶.

۱۱۴ ـ اثبات الهداة، ج۵، ص ۹۱ ح ۱۶۲ / بحار الانوار، ج۵۲، ص ۱۴۹ / البرهان فی تفسیر القرآن، ج۲، ص ۵۰۱ / تفسیر کنز الدقائق، ج۴، ص ۴۹۲ / تفسیر نور الثقلین، ج۱، ص ۷۸۱ / کمال الدین، ج۲، ص ۳۵۷.

۱۱۵ ـ اثبات الهداة، ج۱، ص ۱۳۷ ح ۱۳۹ / بحار الانوار، ج۲۳، ص ۴۱ ح ۷۸ / البرهان فی تفسیر القرآن، ج۲، ص ۵۰۱ / تفسیر نور الثقلین، ج۱، ص ۷۸۲ ح ۳۵۹ / کمال الدین، ج۱، ص ۲۲۹ ح ۲۴.

۱۱۶ ـ إلزام الناصب، ج۲، ص ۱۱۱ / الإيقاظ من الهجعة بالبرهان على الرجعة، النص، ص ۳۲۳ / بحار الأنوار (ط ـ بيروت)، ج۵۲، ص ۱۹۴ / تفسیر الصافی، ج۲، ص ۱۷۴ / تفسیر کنز الدقائق، ج۴، ص ۴۹۲ / تفسیر نور الثقلین، ج۱، ص ۷۸۲ / کمال الدین و تمام النعمة، ج۲، ص ۵۲۷ / مختصر البصائر، ص ۱۲۹.

۱۱۷ ـ اثبات الهداة، ج۵، ص ۶۹ / الزام الناصب، ج۱، ص ۷۲ / بحار الانوار، ج۴۵، ص ۲۹۵ و ج۵۲، ص ۳۱۳ / البرهان فی تفسیر القرآن، ج۲، ص ۵۰۸ / تفسیر شریف لاهیجی، ج۱، ص ۸۵۵ / تفسیر الصافی، ج۲، ص ۱۷۷ / تفسیر کنز الدقائق، ج۴، ص ۵۰۳ / تفسیر نور الثقلین، ج۱، ص ۷۸۶ / علل الشرائع، ج۱، ص ۲۲۹ / عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج۱، ص ۲۷۳ / کامل الزیارات: ص ۶۳/ ۵.

۱۱۸ ـ اثبات الهداة، ج۲، ص ۱۷۶ / بحارالأنوار ج: ۳۶ ص ۳۵۱ / غاية المرام و حجة الخصام، ج۲، ص ۲۸۳ و ج۳، ص ۷۳ / کفایةالأثر، ص ۱۹۴ / المناقب ج: ۱ ص ۲۹۶.

۱۱۹ ـ بحار الأنوار (ط ـ بيروت)، ج۵۲، ص ۱۱۰ و ص ۱۲۹ / البرهان فی تفسیر القرآن، ج۲، ص ۵۶۱ / تفسیر کنز الدقائق، ج۶، ص ۴۱ / تفسیر نور الثقلین، ج۲، ص ۲۹۷ / کمال الدین و تمام النعمة، ج۲، ص ۶۴۵.

۱۲۰ ـ الزام الناصب، ج۱ ص ۶۳ و ج۲، ص ۲۷۳ / بحار الانوار، ج۵۲، ص ۳۹۰ / البرهان فی تفسیر القرآن، ج۲، ص ۵۷۰ / تأویل الآیات الظاهرة، ص ۱۸۴/ تفسیر الصافی، ج۲، ص ۲۲۸ / تفسیر کنز الدقائق، ج۵، ص ۱۵۵ / تفسیر نور الثقلین، ج۲، ص ۵۷ / الکافی، ج۱، ص ۴۰۸.

۱۲۱ ـ اثبات الهداة، ج۵، ص ۱۳۶ / الزام الناصب، ج۲، ص ۲۳۳ / الإيقاظ من الهجعة بالبرهان على الرجعة، النص، ص ۳۵۷/ بحار الانوار، ج۵۲، ص ۳۳۲ / کتاب الغیبة(للطوسی)، ص ۴۷۲.

۱۲۲ ـ اثبات الهداة، ج۵، ص ۲۰۴ / الإمامة و التبصرة من الحیرة، المقدمة، ص ۲۰ / بحار الانوار، ج۵۰، ص ۳۱۷ / روضات الجنات

ج ۴ ص ۲۷۳ / مستدرک الوسائل ، الخاتمة‌ج۳، ص ۲۷۷ / مناقب آل أبی طالب علیهم السلام (لابن شهرآشوب)، ج۴، ص ۴۲۵.

۱۲۳ ـ الزام النـاصب، ج۱،ص ۶۳ / بحـار الأنوار (ط ـ بیروت)، ج۲۴، ص ۳۵۳ / البرهـان فی تفسیر القرآن، ج۲، ص ۵۹۴ / تأویل الآیـات الظاهرة، ص ۱۸۵ / تفسیر کنز الدقائق، ج۵، ص ۲۰۷ / تفسیر نور الثقلین، ج۲، ص ۸۳ / الکافی (ط ـ الإسلامیة)، ج۱، ص ۴۲۹ / الوافی، ج۳، ص ۹۱۱.

۱۲۴ ـ الزام الناصب، ج۲، ص ۲۳۴ و ص ۲۸۵/ إعلام الوری بأعلام الهدی، ص ۴۶۴ / بحار الانوار، ج۵۳، ص ۹۰ ح ۹۵ / البرهان فی تفسیر القرآن، ج۲، ص ۵۹۶ / تفسیر کنز الدقائق، ج۸، ص ۴۳ / کشف الغمة فی معرفة الأئمة، ج۲، ص ۴۶۶.

۱۲۵ ـ اثبات الهداة، ج۱، ص ۱۸۵ / الکافی، ج۲، ص ۸ / بحار الانوار، ج۶۴، ص ۱۱۴ / البرهان فی تفسیر القرآن، ج۲، ص ۶۰۷ / تفسیر کنز الدقائق، ج۵، ص ۲۳۱ / تفسیر نور الثقلین، ج۲، ص ۹۴ / غایة المرام و حجة الخصام، ج۱، ص ۹۳ / الوافی، ج۴، ص ۴۱.

۱۲۶ ـ إثبات الهداة، ج۲، ص ۱۴۰ و ص ۲۱۰ / بحار الأنوار (ط ـ بیروت)، ج۲۳، ص ۵ و ج۲۴، ص ۱۴۴ / البرهان فی تفسیر القرآن، ج۲، ص ۶۱۸ / بصائر الـدرجات، ج۱، ص ۳۶ / تفسیر العیاشی، ج۲، ص ۴۲ / تفسیر نـور الثقلین، ج۲، ص ۱۰۴ / الکـافی (ط ـ الإسلامیة)، ج۱، ص ۴۱۴.

۱۲۷ ـ إرشاد القلوب (للـدیلمی)، ج۲، ص ۲۵۸ / بحـار الأنـوار (ط ـ بیروت)، ج۲۴، ص ۱۴۶ و ج۳۶، ص ۱۸۶ / البرهان فی تفسیر القرآن، ج۲، ص ۶۱۹ / تأویل الآیات الظاهرة، ص ۱۹۵/ مناقب (ابن شهرآشوب)، ج۳، ص ۷۲ / کشف الغمـة فی معرفة الأئمة (ط ـ القدیمة)، ج۱، ص ۳۲۱.

۱۲۸ ـ اثبات الهداة، ج۵، ص ۱۴۳ و ص ۲۱۶ / الزام الناصب، ج۱، ص ۹۰ / بحار الانوار، ج۵۳، ص ۲/ حلیة الأبرار، ج۶، ص ۳۷۱ / مختصر البصائر، ص ۴۳۳.

۱۲۹ ـ اثبات الهداة، ج۵، ص ۱۷۳/ بحار الانوار، ج۲۴، ص ۱۷۸/ البرهان فی تفسیر القرآن، ج۲، ص ۶۵۹ / تفسیر العیاشی، ج۲، ص ۵۰/ تفسیر کنز الدقائق، ج۵، ص ۲۸۶ / تفسیر نور الثقلین، ج۲، ص ۱۳۶ .

۱۳۰ ـ اثبات الهـداة، ج۵، ص ۱۷۴ / الزام النـاصب، ج۱، ص ۶۶ / بحـار الانوار، ج۵۱، ص ۵۵ / البرهان فی تفسـیر القرآن، ج۲، ص ۶۸۶ / تفسیر العیّاشی ج۲: ص۵۶/ ۴۸ / تفسیر الصافی، ج۲، ص ۳۰۳ / تفسیر نور الثقلین، ج۲، ص ۱۵۵ / ینابیع المودة: ۴۲۳.

۱۳۱ ـ اثبات الهداة، ج۵، ص ۱۷۴ / الزام الناصب، ج۱، ص ۶۵/ بحار الانوار، ج۵۱، ص ۵۵ / البرهان فی تفسیر القرآن، ج۲، ص ۷۳۲ / تفسیر نور الثقلین، ج۲، ص ۱۸۴ / تفسیر العیاشی: ج ۲/ ۷۶ ح ۱۵ / غایة المرام و حجة الخصام، ج۴، ص ۸۰ و ج۵، ص ۵۰

۱۳۲ ـ اثبات الهداة، ج۵، ص ۱۰۹ و ص ۱۷۴ و ص ۱۹۲ / الزام الناصب، ج۱، ص ۶۵ و ص ۹۵ / بحار الانوار، ج۵۱، ص ۶۰ و ج۵۲، ص ۳۲۴ / البرهان فی تفسیر القرآن، ج۲، ص ۷۷۰ و ج۵، ص ۳۶۶ / تأویـل الآیات الظاهرة، ص ۶۶۳ / تفسیر شریف لاهیجی، ج۴، ص ۴۶۵ / تفسیر الصافی، ج۲، ص ۳۳۸ / تفسیر کنز الدقائق، ج۱۳، ص ۲۳۴ / تفسیر نور الثقلین، ج۲، ص ۲۱۱ / الکافی، ج۱، ص ۴۳۲ / کمال الدین، ج۲، ص ۶۷۰ .

۱۳۳ ـ إعلام الوری بأعلام الهـدی، ص ۴۶۳ / بحار الانوار، ج۵۲، ص ۱۹۱ / تفسیر الصافی، ج۲، ص ۳۳۹ / تفسیر کنز الدقائق، ج۵، ص ۴۴۵ / تفسیر نور الثقلین، ج۲، ص ۲۱۲ / کمال الدین، ج۱، ص ۳۳۱ .

۱۳۴ ـ بحار الانوار، ج۵۲، ص ۳۴۶ / البرهان فی تفسیر القرآن، ج۲، ص ۷۷۰ / تفسیر العیاشی، ج۲، ص ۸۷ / تفسیر کنز الدقائق، ج۵، ص ۴۴۶ / تفسیر نور الثقلین، ج۲، ص ۲۱۲ .

۱۳۵ ـ البرهان فی تفسیر القرآن، ج۵، ص ۹۴ / تفسیر القمی، ج۲، ص ۳۱۷ / تفسیر کنز الدقائق، ج۱۲، ص ۳۱۰ / تفسیر نور الثقلین، ج۵، ص ۷۶ .

۱۳۶ ـ الزام الناصب، ج۱، ص ۶۵ / بحار الانوار، ج۷۰، ص ۱۴۳ / البرهان فی تفسیر القرآن، ج۲، ص ۷۷۱ / تفسیر الصافی، ج۲، ص

۳۴۱ / تفسیر العیاشی، ج۲،ص ۸۷ / تفسیر کنز الدقائق، ج۵، ص ۴۴۷ / تفسیر نور الثقلین، ج۲، ص ۲۱۳ .

۱۳۷ ـ اثبات الهداة، ج۲، ص ۱۲۵ / الزام الناصب، ج۱، ص ۶۵ / بحار الانوار، ج۲۴، ص ۲۴۰ / البرهان فی تفسیر القرآن، ج۲، ص ۷۷۴/ تفسیر نور الثقلین، ج۲، ص ۲۱۵ / کتاب الغیبة(للطوسی)، ص ۱۴۹.

۱۳۸ ـ البرهان فی تفسیر القرآن، ج۲،ص۷۹۲ / بحار الأنوار، ج۲۴، ص ۳۱۱ / تفسیر الصافی، ج۲، ص ۳۴۸ / تفسیر نور الثقلین، ج۲، ص ۲۲۵ / الکافی، ج۸،ص ۲۸۵ .

۱۳۹ ـ إثبات الهداة، ج۲، ص ۸۳ و ص ۲۴۵ / بحار الأنوار (ط ـ بیروت)، ج۳۱، ص ۴۱۳ و ج۳۳، ص ۱۴۹ / البرهان فی تفسیر القرآن، ج۲، ص ۸۶۴ / حلیة الأبرار، ج۴، ص ۸۶ / تفسیر الصافی، ج۲، ص ۳۸۸/ تفسیر کنز الدقائق، ج۵، ص ۵۶۹ / تفسیر نور الثقلین، ج۲، ص ۲۸۰ / کتاب سلیم بن قیس: ۱۵۰ / کمال الدین و تمام النعمة، ج۱، ص ۲۷۸ .

۱۴۰ ـ بحار الأنوار (ط ـ بیروت)، ج۲۷، ص: ۲۹۵ ـ البرهان فی تفسیر القرآن، ج۲، ص: ۸۶۸ ـ علل الشرائع، ج۲، ص: ۵۹۱ .

۱۴۱ ـ الزام الناصب، ج۱، ص ۶۶ / البرهان فی تفسیر القرآن، ج۲، ص ۴۲۰ / دلائل الامامة، ص ۴۶۸ .

۱۴۲ ـ الزام الناصب، ج۱، ص ۶۷ و ج۲، ص ۹۵ / البرهان فی تفسیر القرآن، ج۳، ص ۲۹/ بحار الانوار، ج۵۲، ص ۲۹۹ / تفسیر کنز الدقائق، ج۶، ص ۵۵ / تفسیر نور الثقلین، ج۲، ص ۳۰۲ / الکافی، ج۸، ص ۲۰۸.

۱۴۳ ـ الإیقاظ من الهجعة بالبرهان علی الرجعة، النص، ص ۲۷۸ / بحار الأنوار (ط ـ بیروت)، ج۵۳، ص ۴۰ / البرهان فی تفسیر القرآن، ج۳، ص ۳۱ / مختصر البصائر، ص ۱۰۸ .

۱۴۴ ـ إثبات الهداة، ج۲، ص ۵۱ و ص ۸۸ / إعلام الوری بأعلام الهدی (ط ـ القدیمة)، النص، ص ۴۰۶ / إلزام الناصب، ج۱، ص ۱۹۹ / بحار الأنوار (ط ـ بیروت)، ج۳۶، ص ۳۸۵ و ج۵۱، ص ۱۳۳ / عیون أخبار الرضا علیه السلام ، ج۱، ص ۶۸ / کفایة الأثر، ص ۲۳۲ / کمال الدین و تمام النعمة، ج۱، ص ۳۱۷ / مقتضب الأثر، المتن، ص ۲۳ .

۱۴۵ ـ إثبات الهداة، ج۲، ص ۱۷۰ / بحار الأنوار (ط ـ بیروت)، ج۳۶، ص ۳۳۸ / البرهان فی تفسیر القرآن، ج۳، ص ۲۲۷ / کفایة الأثر، ص ۱۶۴ .

۱۴۶ ـ الزام الناصب، ج۱، ص ۶۶ و ج۲، ص ۹۴ / بحار الانوار، ج۵۲، ص ۱۸۵ / البرهان فی تفسیر القرآن، ج۳، ص ۳۳ / تفسیر القمی، ج۱، ص ۳۱۲ / تفسیر نور الثقلین، ج۲، ص ۳۰۶.

۱۴۷ ـ اثبات الهداة، ج۵، ص ۹۱ / بحار الانوار: ج۵۲،ص ۱۴۹ / البرهان فی تفسیر القرآن، ج۲، ص ۵۰۱ / تفسیر الصافی، ج۲، ص ۴۰ / تفسیر کنز الدقائق، ج۶، ص ۷۳ / تفسیر نور الثقلین، ج۲، ص ۳۰۹ / کمال الدین، ج۲،ص ۳۵۷.

۱۴۸ ـ إلزام الناصب، ج۱، ص ۶۴ / بحار الأنوار (ط ـ بیروت)، ج۲۴، ص ۳۵۴ / البرهان فی تفسیر القرآن، ج۳، ص ۱۴۶/ تفسیر کنز الدقائق، ج۶، ص ۷۴ / تفسیر نور الثقلین، ج۲، ص ۳۱۰ / الکافی (ط ـ الإسلامیة)، ج۱، ص ۴۲۹ .

۱۴۹ ـ إثبات الهداة، ج۵، ص ۳۶۷ / إلزام الناصب، ج۲، ص ۱۰۲ / بحار الأنوار (ط ـ بیروت)، ج۵۲، ص ۲۴۱ / البرهان فی تفسیر القرآن، ج۴، ص ۷۸۲/ الغیبة(للنعمانی)، النص، ص ۲۶۹ .

۱۵۰ ـ بحار الانوار، ج۵۲، ص ۳۴۲/ البرهان فی تفسیر القرآن، ج۳، ص ۸۳ / تفسیر الصافی، ج۲، ص ۴۳۳ / تفسیر العیاشی، ج۲، ص ۱۴۰/ تفسیر کنز الدقائق، ج۶، ص ۱۳۳ / تفسیر نور الثقلین، ج۲، ص ۳۴۱ .

۱۵۱ ـ إثبات الهداة، ج۵، ص ۱۶۴ / الزام الناصب، ج۱، ص ۶۷ / بحار الانوار، ج۵۱، ص ۵۸ / البرهان فی تفسیر القرآن، ج۳، ص ۸۲ / الغیبة للنعمانی، ص ۲۴۱.

۱۵۲ ـ اثبات الهداة، ج۵، ص ۱۷۴ / بحار الانوار، ج۵۱، ص ۵۵ / تفسیر الصافی، ج۲، ص ۴۳۳ / تفسیر العیاشی، ج۲، ص ۱۴۱ / تفسیر کنز الدقائق، ج۶، ص ۱۳۳ / تفسیر نور الثقلین، ج۲، ص ۳۴۱ .

۱۵۳ ـ اثبات الهداة، ج۵، ص ۱۱۱/ إلزام الناصب، ج۱،ص ۶۸ / بحار الأنوار، ج۵۲ ،ص ۳۲۷ / البرهان فی تفسیر القرآن، ج۳، ص ۱۲۹ / تفسیر کنز الدقائق، ج۶، ص ۲۰۳ / تفسیر نور الثقلین، ج۲، ص ۳۸۷ / کمال الدین، ج۲، ص ۶۷۲ .

۱۵۴ ـ إلزام الناصب، ج۱،ص ۶۸ / البرهان فی تفسیر القرآن، ج۳، ص ۱۲۷ / تفسیر العیاشی، ج۲، ص ۱۵۶ .

۱۵۵ ـ إلزام الناصب، ج۲، ص ۱۶۳ / بحار الأنوار (ط ـ بیروت)، ج۵۳، ص ۸۴ / مختصر البصائر، ص ۴۷۲ .

۱۵۶ ـ اثبات الهداة، ج۵، ص ۶۰ / بحار الانوار، ج۵۲، ص ۳۷۳ / تأویل الآیات الظاهرة، ص ۱۹۱ / تفسیر فرات الکوفی، ص ۱۹۳ / تفسیر کنز الدقائق، ج۶، ص ۲۲۳ / تفسیر نور الثقلین، ج۲، ص ۳۹۰ / الکافی، ج۱، ص ۴۱۲ / کمال الدین، ج۱، ص ۳۳۱ .

۱۵۷ ـ اثبات الهداة، ج۵، ص ۳۴۶ / إعلام الوری بأعلام الهدی، ص ۴۶۳ / إلزام الناصب، ج۱، ص ۴۲۷ / بحار الانوار، ج۲۴، ص ۲۱۲ / تفسیر الصافی، ج۲، ص ۴۶۸ / تفسیر کنز الدقائق، ج۶، ص ۲۲۶ / تفسیر نور الثقلین، ج۲، ص ۳۹۲ / کمال الدین و تمام النعمة، ج۱، ص ۳۳۱ .

۱۵۸ ـ بحار الأنوار (ط ـ بیروت)، ج۵۲، ص ۱۱۰ و ص ۱۲۹ / البرهان فی تفسیر القرآن، ج۲، ص ۵۶۱ / تفسیر کنز الدقائق، ج۶، ص ۴۱ / تفسیر نور الثقلین، ج۲، ص ۲۹۷ / کمال الدین و تمام النعمة، ج۲، ص ۶۴۵ .

۱۵۹ ـ بحار الانوار، ج۲۴، ص ۳۱۳ و ج۵۱، ص ۶۲ / البرهان فی تفسیر القرآن، ج۴، ص ۷۹۴ / تأویل الآیات الظاهرة، ص ۵۲۷ / تفسیر الصافی، ج۲، ص ۴۷۴ / تفسیر کنز الدقائق، ج۶، ص ۲۴۸ و ج۱۱، ص ۴۶۴ / تفسیر نور الثقلین، ج۲، ص ۴۰۰ و ج۴، ص ۵۷۰ .

۱۶۰ ـ اثبات الهداة، ج۵، ص ۱۱۲ / الزام الناصب، ج۱، ص ۱۶۸ / بحار الانوار، ج۵۲، ص ۳۲۷ / الخرائج و الجرائح، ج۲، ص ۶۹۳ / کمال الدین، ج۲، ص ۶۷۴.

۱۶۱ ـ الزام الناصب، ج۱، ص ۶۸ / البرهان فی تفسیر القرآن، ج۳، ص ۲۱۸ / دلائل الامامة، ص ۴۷۱ .

۱۶۲ ـ اثبات الهداة، ج۲، ص ۲۱۰ / بحار الانوار، ج۳۵، ص ۴۰۴ / البرهان فی تفسیر القرآن، ج۳، ص ۲۳۱ / تفسیر العیاشی، ج۲، ص ۲۰۴ / تفسیر کنز الدقائق، ج۶، ص ۴۱۵ / غایة المرام و حجة الخصام، ج۳، ص ۱۱ .

۱۶۳ ـ البرهان فی تفسیر القرآن، ج۳، ص ۲۳۱ / بحار الانوار، ج۳۵، ص ۴۰۴ / تفسیر العیاشی، ج۲، ص ۲۰۴ / غایة المرام و حجة الخصام، ج۳، ص ۱۱ / منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغة (خوئی)، ج۵، ص ۲۳۳ .

۱۶۴ ـ إثبات الهداة، ج۵، ص ۳۶۸ / الزام الناصب، ج۱، ص ۶۹ / بحار الانوار، ج۵۲، ص ۲۴۵ / الغیبة للنعمانی، ص ۲۷۸ .

۱۶۵ ـ الزام الناصب، ج۱، ص ۱۶۹ / بحار الانوار، ج۵۲، ص ۱۲۳ / البرهان فی تفسیر القرآن، ج۳، ص ۲۵۴ / تفسیر الصافی، ج۳، ص ۷۰ / تفسیر کنز الدقائق، ج۶، ص ۴۵۱ / تفسیر نور الثقلین، ج۲، ص ۵۰۵ / کمال الدین و تمام النعمة، ج۲، ص ۳۵۸ / معانی الأخبار، النص، ص ۱۱۲ .

۱۶۶ ـ اثبات الهداة، ج۵، ص ۷۲ / الزام الناصب، ج۱، ص ۶۸ و ج۲، ص ۲۹۱ / بحار الانوار، ج۷، ص ۶۱ و ج۵۱، ص ۵۰ / البرهان فی تفسیر القرآن، ج۳، ص ۲۸۶ / تأویل الآیات الظاهرة، ص ۵۵۹ / تفسیر الصافی، ج۳، ص ۸۰ / تفسیر کنز الدقائق، ج۷، ص ۲۹ / تفسیر نور الثقلین، ج۲، ص ۵۲۶ / الخصال، ج۱، ص ۱۰۸ .

۱۶۷ ـ اثبات الهداة، ج۵، ص ۱۷۵ / الزام الناصب، ج۱، ص ۵۷ و ص ۶۸ / بحار الانوار، ج۴۴، ص ۲۵ و ص ۲۱۷ و ج۵۲، ص ۱۳۲ / البرهان فی تفسیر القرآن، ج۲، ص ۱۳۰ و ج۳، ص ۳۱۷ / تفسیر کنز الدقائق، ج۷، ص ۸۴ / تفسیر نور الثقلین، ج۲، ص ۵۵۳ / الکافی، ج۸، ص ۳۳۰ .

۱۶۸ ـ اثبات الهداة،ج ۵ ص ۱۷۵،ح ۵۶۵ / إلزام الناصب، ج۱، ص ۶۹ / بحار الانوار، ج ۵۲ ص ۳۴۷،ح ۹۵ / البرهان فی تفسیر القرآن، ج۳، ص ۳۱۷ / تفسیر العیاشی، ج ۲،ص ۲۳۵،ح ۴۹ / تفسیر نور الثقلین، ج۲، ص ۵۵۳ حدیث ۱۲۹ .

۱۶۹ ـ بحار الأنوار (ط ـ بیروت)، ج۵۳، ص ۶۴ / البرهان فی تفسیر القرآن، ج۳، ص ۳۳۱ / مختصر البصائر، ص ۸۹ .

۱۷۰ ـ الزام الناصب، ج۱، ص ۶۹ / بحار الانوار، ج۶۰، ص ۲۲۱ / البرهان فی تفسیر القرآن، ج۳، ص ۳۶۶ / تأویل الآیات الظاهرة، ص ۴۹۸ / تفسیر الصافی، ج۳، ص ۱۱۲ / تفسیر کنز الدقائق، ج۱۱، ص ۲۶۸ .

۱۷۱ ـ اثبات الهداة، ج۵، ص ۱۷۵ / بحار الانوار، ج۵۲، ص ۳۷۶ و ج۶۰، ص ۲۵۴ / البرهان فی تفسیر القرآن، ج۳، ص ۳۶۶ / تفسیر الصافی، ج۳، ص ۱۱۳ / تفسیر العیّاشی ۲: ۲۴۲/ تفسیر کنز الدقائق، ج۷، ص ۱۲۹ / تفسیر نور الثقلین، ج۳، ص ۱۴ .

۱۷۲ ـ إعلام الوری بأعلام الهدی، ص ۴۳۴ / الزام الناصب، ج۱، ص ۱۵۷ / تفسیر کنز الدقائق، ج۹، ص ۴۵۷ / تفسیر نور الثقلین، ج۴، ص ۴۷ / غایة المرام و حجة الخصام، ج۷، ص ۹۰ / کشف الغمة فی معرفة الأئمة، ج۲، ص ۵۲۴/ کفایة الاثر، ص ۲۷۴ / کمال الدین، ج۲، ص ۳۷۱ .

۱۷۳ ـ الإختصاص، النص، ص ۳۰۲ / بحار الانوار، ج۲۴، ص ۱۳۰/ البرهان فی تفسیر القرآن، ج۳، ص ۳۷۹ / بصائر الدرجات، ج۱، ص ۳۵۴ / تفسیر الصافی، ج۳، ص ۱۱۸ / تفسیر نور الثقلین، ج۳، ص ۲۲ .

۱۷۴ ـ الإختصاص، النص، ص ۳۰۳ / بحار الانوار، ج۲۴، ص ۱۲۴ و ج۲۷، ص ۱۸۱/ البرهان فی تفسیر القرآن، ج۳، ص ۳۸۲ / بصائر الدرجات، ج۱، ص ۳۵۸ / تفسیر نور الثقلین، ج۳، ص ۲۲ .

۱۷۵ ـ اثبات الهداة، ج۵، ص ۱۷۵ / بحار الانوار، ج۲۴، ص ۱۱۷ / البرهان فی تفسیر القرآن، ج۳، ص ۳۸۶ / تفسیر نور الثقلین، ج۳، ص ۲۷ .

۱۷۶ ـ اثبات الهداة، ج۲، ص ۲۱۱ / بحار الانوار، ج۲۴، ص ۱۱۷ / البرهان فی تفسیر القرآن، ج۳، ص ۳۸۶ / تفسیر العیاشی، ج۲، ص ۲۵۰ / تفسیر کنز الدقائق، ج۷، ص ۱۵۷ / تفسیر نور الثقلین، ج۳، ص ۲۸ .

۱۷۷ ـ بحار الانوار، ج۲۴، ص ۱۱۴ / البرهان فی تفسیر القرآن، ج۳، ص ۳۸۶ / بصائر الدرجات، ج۱، ص ۶۵ / تفسیر العیاشی، ج۲، ص ۲۴۹ / تفسیر القمی، ج۱، ص ۳۷۷ / تفسیر کنز الدقائق، ج۷، ص ۱۵۸ / تفسیر نور الثقلین، ج۳، ص ۲۹ / الکافی، ج۱، ص ۱۴۳ .

۱۷۸ ـ اثبات الهداة، ج۵، ص ۲۰۲ / إلزام الناصب، ج۱، ص ۷۰ / البرهان فی تفسیر القرآن، ج۳، ص ۴۰۴ / تفسیر العیاشی، ج۲، ص ۲۵۴ / تفسیر کنز الدقائق، ج۷، ص ۱۷۶ / تفسیر نور الثقلین، ج۳، ص ۳۸ / دلائل الامامة، ص ۴۷۲ / کمال الدین، ج۲، ص ۶۷۱ .

۱۷۹ ـ اثبات الهداة، ج۵، ص ۱۸۸ / بحار الانوار، ج۵۲، ص ۱۳۹ و ص ۳۵۶ / البرهان فی تفسیر القرآن، ج۳، ص ۴۰۳ / تأویل الآیات الظاهرة ص ۲۵۶ / الغیبة للنعمانی، ص ۱۹۸ و ص ۲۴۳ .

۱۸۰ ـ الإیقاظ من الهجعة بالبرهان علی الرجعة، النص، ص ۹۱ / بحار الأنوار (ط ـ بیروت)، ج۳۶، ص ۱۰۴ / البرهان فی تفسیر القرآن، ج۳، ص ۴۱۱/ تفسیر القمی، ج۱، ص ۳۸۳ / تفسیر کنز الدقائق، ج۷، ص ۱۹۵ / تفسیر نور الثقلین، ج۳، ص ۴۷ .

۱۸۱ ـ اثبات الهداة، ج۵، ص ۶۲ / الزام الناصب، ج۱، ص ۷۰ / بحار الانوار، ج۵۳، ص ۹۲ / البرهان فی تفسیر القرآن، ج۳، ص ۴۲۰ / تأویل الآیات الظاهرة، ص ۲۵۸ / تفسیر الصافی، ج۳، ص ۱۳۵/ تفسیر کنز الدقائق، ج۷، ص ۲۰۹ / الکافی، ج۸، ص ۵۱ .

۱۸۲ ـ الزام الناصب، ج۲، ص ۹۷ / بحار الانوار، ج۵۲، ص ۲۲۴ / البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۳۵۲ و ج۳، ص ۴۲۹ / تفسیر العیاشی، ج۱، ص ۶۵ .

۱۸۳ ـ إثبات الهداة، ج۱، ص ۱۶۱ / البرهان فی تفسیر القرآن، ج۳، ص ۴۴۳ / تأویل الآیات الظاهرة، ص ۲۶۳ / تفسیر القمی، ج۱، ص ۳۸۸ / تفسیر کنز الدقائق، ج۷، ص ۲۵۰ / تفسیر نور الثقلین، ج۳، ص ۷۳ .

۱۸۴ ـ الزام الناصب، ج۱، ص ۷۱ و ج۲، ص ۲۹۸ / بحار الانوار، ج۵۱، ص ۵۶ و ج۵۳، ص ۹۳ / البرهان فی تفسیر القرآن، ج۳، ص ۵۰۳ و ص ۵۰۵ / تأویل الآیات الظاهرة، ص ۲۷۱ / تفسیر شریف لاهیجی، ج۲، ص ۷۷۷ / تفسیر العیّاشی ۲: ۲۸۰/ تفسیر نور الثقلین، ج۳، ص ۱۳۸ / الکافی، ج۸، ص ۲۰۶ .

۱۸۵ ـ بحار الانوار، ج۵۱، ص ۵۷ / البرهان فی تفسیر القرآن، ج۳، ص ۵۰۵ / تفسیر العیّاشی ۲: ۲۸۱/ ۲۱ / تفسیر کنز الدقائق، ج۷، ص ۳۶۱ / تفسیر نور الثقلین، ج۳، ص ۱۳۸ .

۱۸۶ ـ بحار الانوار، ج۵۱، ص ۴۵ / البرهان فی تفسیر القرآن، ج۳، ص ۵۰۸ / تفسیر الصافی، ج۳، ص ۱۸۰ / تفسیر کنز الدقائق، ج۷، ص ۳۶۳ / تفسیر نور الثقلین، ج۳، ص ۱۴۰ .

۱۸۷ ـ اثبات الهداة، ج۵، ص ۱۹۳ / بحار الانوار، ج۵۱، ص ۳۰ / تفسیر فرات الکوفی: ۲۴۰ ح ۴۳۲ .

۱۸۸ ـ بحار الانوار، ج۴۴، ص ۲۱۹/ البرهان فی تفسیر القرآن، ج۳، ص ۵۳۰ / تأویل الآیات الظاهرة، ص ۴۲۷ / تفسیر الصافی، ج۳، ص ۱۹۱/ تفسیر کنز الدقائق، ج۷، ص ۴۰۳ / تفسیر نور الثقلین، ج۳، ص ۲۱۶/ الکافی، ج۸، ص ۲۵۵ .

۱۸۹ ـ اثبات الهداة، ج۵، ص ۱۵۲ / الزام الناصب، ج۱، ص ۷۱ / بحار الانوار، ج۴۵، ص ۲۹۸ / البرهان فی تفسیر القرآن، ج۳، ص ۵۲۸/ حلیة الأبرار، ج۶، ص ۴۰۴ / کامل الزیارات، النص، ص ۶۳ .

۱۹۰ ـ بحار الانوار، ج۴۴، ص ۲۱۸ / البرهان فی تفسیر القرآن، ج۳، ص ۵۲۹ / تفسیر کنز الدقائق، ج۷، ص ۴۰۴ / تفسیر نور الثقلین، ج۳، ص ۱۶۳ .

۱۹۱ ـ إثبات الهداة، ج۱، ص ۱۶۶/ بحار الأنوار، ج۸، ص ۱۰ و ج۲۴، ص ۲۶۴ / البرهان فی تفسیر القرآن، ج۳، ص ۵۵۲ / تفسیر کنز الدقائق، ج۷، ص ۴۵۵ / تفسیر نور الثقلین، ج۳، ص ۱۹۰ / عیون أخبار الرضا علیه السلام ، ج۲، ص ۳۳ .

۱۹۲ ـ بحار الانوار، ج۵۲، ص ۱۴۱ / البرهان فی تفسیر القرآن، ج۳، ص ۵۵۳ / غایة المرام و حجة الخصام، ج۳، ص ۱۳۲ / الغیبة للنعمانی، ص ۳۲۹ / الکافی، ج۱، ص ۳۷۱ .

۱۹۳ ـ اثبات الهداة، ج۱، ص ۱۱۵/ البرهان فی تفسیر القرآن، ج۳، ص ۵۵۳ / تفسیر الصافی، ج۳، ص ۲۰۶ / تفسیر کنز الدقائق، ج۷، ص ۴۵۷ / تفسیر نور الثقلین، ج۳، ص ۱۹۲ / غایة المرام و حجة الخصام، ج۳، ص ۱۳۳/ الکافی، ج۱، ص ۵۳۶ .

۱۹۴ ـ الإیقاظ من الهجعة بالبرهان علی الرجعة، النص، ص ۲۷۴ / بحار الأنوار (ط ـ بیروت)، ج۵۳، ص ۶۷ / البرهان فی تفسیر القرآن، ج۳، ص ۵۶۰ / تفسیر العیاشی، ج۲، ص ۳۰۶/ مختصر البصائر، ص ۹۶ .

۱۹۵ ـ بحار الانوار، ج۵۱، ص ۱۹ و ج۵۱، ص ۲۶ / تفسیر شریف لاهیجی، ج۲، ص ۸۴ / تفسیر الصافی، ج۳، ص ۲۱۳/ تفسیر کنز الدقائق، ج۷، ص ۴۹۲ / تفسیر نور الثقلین، ج۳، ص ۲۱۳ / الخرائج و الجرائح، ج۱، ص ۴۵۶ / کتاب الغیبة(للطوسی)، ص ۲۳۹ / کشف الغمة فی معرفة الأئمة، ج۲، ص ۴۹۸ .

۱۹۶ ـ اثبات الهداة، ج۵، ص ۶۴ / الزام الناصب، ج۱، ص ۷۲/ بحار الانوار، ج۲۴، ص ۳۱۳ و ج۵۱، ص ۶۲ / البرهان فی تفسیر القرآن، ج۳، ص ۵۷۶/ تفسیر شریف لاهیجی، ج۲، ص ۸۴ / تفسیر الصافی، ج۳، ص ۲۱۲ / تفسیر کنز الدقائق، ج۷، ص ۴۹۲ / تفسیر نور الثقلین، ج۳، ص ۲۱۲ / الکافی، ج۸، ص ۲۸۷ .

۱۹۷ ـ إلزام الناصب، ج۱، ص ۷۲ / بحار الأنوار، ج۵۲، ص ۲۲۲ / تفسیر العیاشی، ج۱، ص ۶۴ .

۱۹۸ ـ الإیقاظ من الهجعة بالبرهان علی الرجعة، النص، ص ۳۲۸ / بحار الأنوار (ط ـ بیروت)، ج۱۳، ص ۳۹۰ و ج۴۴، ص ۲۳۷ و ج۵۳، ص ۱۰۵/ البرهان فی تفسیر القرآن، ج۳، ص۷۲۰ / کامل الزیارات، النص، ص ۶۵ / مختصر البصائر، ص ۴۳۱ .

۱۹۹ ـ اثبات الهداة، ج۵، ص ۶۰ / الزام الناصب، ج۱، ص ۷۳ / بحار الانوار، ج۲۴، ص ۳۳۲ و ج۵۱، ص ۶۳ / البرهان فی تفسیر القرآن، ج۳، ص ۷۲۷ / تأویل الآیات الظاهرة، ص ۳۰۰ / تفسیر کنز الدقائق، ج۸، ص ۲۶۲ / تفسیر نور الثقلین، ج۳، ص ۳۵۵/ الکافی، ج۱، ص ۴۳۱ .

۲۰۰ ـ البرهان فی تفسیر القرآن، ج۳، ص: ۷۷۸ ـ إلزام الناصب، ج۱، ص: ۷۴ ـ تفسیر الصافی، ج۳، ص: ۳۲۱ ـ تفسیر القمی، ج۲، ص: ۶۵ ـ تفسیر کنز الدقائق، ج۸، ص: ۳۵۳ ـ تفسیر نور الثقلین، ج۳، ص: ۳۹۵

۲۰۱ ـ بحار الأنوار (ط ـ بیروت)، ج۵۱، ص ۴۶ / البرهان فی تفسیر القرآن، ج۳، ص ۷۸۰ /تفسیر القمی، ج۲، ص ۶۵ / تفسیر نور الثقلین، ج۳، ص ۳۹۶ .

۲۰۲ ـ اثبات الهداة، ج۲، ص ۳۳ / الزام الناصب، ج۱، ص ۷۴ / بحار الانوار، ج۲۶، ص ۲۷۹ و ج۶۴، ص ۱۱۴ / البرهان فی تفسیر القرآن، ج۳، ص ۷۸۱ / تأویل الآیات الظاهرة، ص ۳۱۳ / تفسیر الصافی، ج۳، ص ۳۲۴ / تفسیر کنز الدقائق، ج۸، ص ۳۶۱ / تفسیر نور الثقلین، ج۳، ص ۴۰۱ / الکافی، ج۲، ص ۸ .

۲۰۳ ـ إثبات الهداة، ج۲، ص ۱۹ و ص ۱۱۵ / بحار الأنوار، ج۱۱، ص ۳۵ و ج۲۶، ص ۲۷۸ / البرهان فی تفسیر القرآن، ج۳، ص ۷۸۰ / بصائر الدرجات، ج۱، ص ۷۰ / تفسیر الصافی، ج۳، ص ۳۲۳ / تفسیر کنز الدقائق، ج۸، ص ۳۶۰ / تفسیر نور الثقلین، ج۳، ص ۴۰۰ / علل الشرائع، ج۱، ص ۱۲۲ / الکافی، ج۱، ص ۴۱۶ .

۲۰۴ ـ إلزام الناصب ، ج۲، ص: ۲۸۸ / الإیقاظ من الهجعة بالبرهان علی الرجعة، النص، ص: ۲۵۵ / بحار الأنوار (ط ـ بیروت)، ج۵۳، ص: ۵۱ / البرهان فی تفسیر القرآن، ج۳، ص: ۷۸۵ / تفسیر الصافی، ج۳، ص: ۳۲۵ / تفسیر القمی، ج۲، ص: ۶۵ / تفسیر کنز الدقائق ، ج۸، ص: ۳۶۹ / تفسیر نور الثقلین، ج۳، ص: ۴۰۵ / مختصر البصائر، ص: ۹۱ .

۲۰۵ ـ الزام الناصب، ج۱، ص ۷۴ / بحار الانوار، ج۲۴، ص ۱۵۰ / البرهان فی تفسیر القرآن، ج۳، ص ۷۹۲ / تأویل الآیات الظاهرة، ص ۳۱۷ / غایة المرام و حجة الخصام، ج۴، ص ۲۱۷ .

۲۰۶ ـ الزام الناصب، ج۱،ص۷۴ / بحار الانوار، ج۵۲، ص ۳۷۷ / تأویل الآیات الظاهرة، ص ۳۲۰ / تفسیر الصافی، ج۳، ص ۳۳۲ / تفسیر القمی، ج۲، ص ۶۸ /تفسیر کنز الدقائق، ج۸، ص ۳۹۲ / تفسیر نور الثقلین، ج۳، ص ۴۱۴ / الکافی، ج۸، ص ۵۱ .

۲۰۷ ـ إلزام الناصب، ج۱، ص ۱۶۹ / بحار الأنوار، ج۵۱، ص ۴۶ / تفسیر القمی، ج۲، ص ۶۸ / تفسیر نور الثقلین، ج۳، ص ۴۱۵ .

۲۰۸ ـ بحار الأنوار، ج۳۶، ص ۳۶۰ / البرهان فی تفسیر القرآن، ج۳، ص ۸۲۹ / حلیة الأبرار، ج۴، ص ۳۶۱ / کفایة الأثر، ص ۳۰۲ .

۲۰۹ ـ إلزام النـاصب ، ج۲، ص: ۲۸۸ / الإیقـاظ من الهجعة بالبرهان علی الرجعـة، النص، ص: ۲۴۷ وص: ۲۵۶ / بحـار الأنوار (ط ـ بیروت)، ج۵۳، ص: ۵۲ و ص: ۶۱ / مختصر البصائر، ص: ۱۵۰ / البرهان فی تفسیر القرآن، ج۱، ص: ۹۱ و ج۳، ص: ۸۴۰ / تفسیر کنز الدقائق، ج۸، ص: ۴۷۱ / تفسیر نور الثقلین، ج۳، ص: ۴۵۸ .

۲۱۰ ـ اثبات الهداة، ج۵، ص ۱۴۶ / الزام الناصب، ج۱، ص ۷۵ / بحار الانوار، ج۱۵، ص ۱۷۸ / البرهان فی تفسیر القرآن، ج۳، ص ۸۴۸ / تأویل الآیات الظاهرة، ص ۳۲۷ / تفسیر الصافی، ج۳، ص ۳۵۷ / تفسیر کنز الدقائق، ج۸، ص ۴۸۳ .

۲۱۱ ـ بحار الأنوار، ج۲۴، ص ۳۵۹ / البرهان فی تفسیر القرآن، ج۳، ص ۸۴۸ / تأویل الآیات، ص ۳۲۶ / تفسیر کنز الدقائق، ج۸، ص ۴۸۳ .

۲۱۲ ـ اثبات الهداة، ج۵، ص ۱۷۶ / الزام الناصب، ج۱، ص ۷۵ / بحار الانوار، ج۲۴، ص ۲۲۴ و ج۵۱، ص ۴۷ / البرهان فی تفسیر القرآن، ج۳، ص ۸۸۹ / تفسیر القمی، ج۲، ص ۸۵ / تفسیر کنز الدقائق، ج۹، ص ۱۰۲ / تفسیر نور الثقلین، ج۳، ص ۵۰۱ .

۲۱۳ ـ اثبات الهداة، ج۵، ص ۱۸۹ / بحار الانوار، ج۲۴، ص ۲۲۷ و ج۵۱، ص ۵۸ / البرهان فی تفسیر القرآن، ج۳، ص ۸۸۸ / تأویل الآیات الظاهرة، ص ۳۳۴ / الغیبة للنعمانی، ص ۲۴۱ .

۲۱۴ ـ إثبات الهـداة، ج۵، ص ۱۸۹ / الزام النـاصب، ج۱،ص ۷۵ و ج۲، ص ۲۷۷ / بحـار الانوار، ج۲۴، ص ۱۶۵ و ج۵۱، ص ۴۷ / البرهان فی تفسیر القرآن، ج۳، ص ۸۹۳ / تأویل الآیات الظاهرة، ص ۳۳۹ / تفسیر الصافی، ج۳، ص ۳۸۲ / تفسیر القمی، ج۲، ص ۸۷ / تفسیر کنز الدقائق، ج۹، ص ۱۱۲ / تفسیر نور الثقلین، ج۳، ص ۵۰۶ .

۲۱۵ ـ بحار الانوار، ج۵۲، ص ۳۷۳ / تفسیر فرات الکوفی،ص ۲۷۴ و ص ۶۵۷ /شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، ج۱، ص ۵۲۳ .

۲۱۶ ـ إثبات الهـداة، ج۱، ص ۱۴۲ / بحـار الأنـوار (ط ـ بیروت)، ج۲۵، ص ۱۰۷ / تفسـیر کنز الـدقائق، ج۹، ص ۱۱۴ / تفسـیر نور

الثقلین، ج۳، ص ۵۰۶ / کمال الدین و تمام النعمة، ج۲، ص ۴۱۷ .

۲۱۷ ـ بحار الأنوار (ط ـ بیروت)، ج۲۴، ص ۱۰۱ / البرهان فی تفسیر القرآن، ج۳، ص ۸۹۳/ تأویل الآیات الظاهرة، ص ۳۴۰ / تفسیر القمی، ج۲، ص ۸۵ / تفسیر کنز الدقائق، ج۹، ص ۱۱۵ / تفسیر نور الثقلین، ج۳، ص ۵۰۷ .

۲۱۸ ـ الزام الناصب، ج ۱ ص۷۶ / بحار الانوار، ج۴۵، ص ۱۶۸ و ج۵۱، ص ۴۷ / البرهان فی تفسیر القرآن، ج۳، ص ۹۰۶ / تفسیر الصافی، ج۳، ص ۳۸۸ / تفسیر القمی، ج۲،ص ۸۷ .

۲۱۹ ـ الأمالي(للصدوق)، النص، ص: ۱۸۶ / بحار الأنوار (ط ـ بیروت)، ج۲۳، ص: ۵ / تفسیر کنز الدقائق، ج۹، ص: ۱۳۸ / تفسیر نور الثقلین، ج۳، ص: ۵۱۹ / کمال الدین و تمام النعمة، ج۱، ص: ۲۰۷ / منتخب الأنوار المضیئة فی ذکر القائم الحجة علیه السلام ، النص، ص: ۳۲ .

۲۲۰ ـ إثبات الهداة، ج۲، ص: ۷۶ / الإحتجاج (للطبرسی)، ج۱، ص: ۶۹ / إلزام الناصب ، ج۱، ص: ۱۷۲ / بحار الأنوار (ط ـ بیروت)، ج۲۷، ص: ۱۱۹ و ج۳۶، ص: ۲۵۲ / کشف الغمة فی معرفة الأئمة (ط ـ القدیمة)، ج۲، ص: ۵۱۰ / کفایة الأثر، ص: ۱۴۴ / کمال الدین و تمام النعمة، ج۱، ص: ۲۵۸ .

۲۲۱ ـ بحار الأنوار (ط ـ بیروت)، ج۵۳، ص: ۶۴ / البرهان فی تفسیر القرآن، ج۱، ص: ۷۲۱ و ج۴، ص: ۳۲ / مختصر البصائر، ص: ۸۸ .

۲۲۲ ـ الزام الناصب، ج۱، ص ۷۶ / البرهان فی تفسیر القرآن، ج۴، ص ۳۷ / دلائل الإمامة (ط ـ الحدیثة)، ص ۴۸۵ .

۲۲۳ ـ الزام الناصب، ج۱، ص ۷۷ / البرهان فی تفسیر القرآن، ج۴، ص ۷۲ / تفسیر شریف لاهیجی، ج۳، ص ۲۹۱ / غایة المرام و حجة الخصام، ج۳، ص ۲۶۴ .

۲۲۴ ـ الزام الناصب، ج۱، ص ۷۷ / البرهان فی تفسیر القرآن، ج۴، ص ۹۰ / تأویل الآیات الظاهرة، ص ۳۶۵ / تفسیر کنز الدقائق، ج۹، ص ۳۳۹ .

۲۲۵ ـ بحار الانوار، ج۵۱، ص ۵۳ و ص ۵۸ / البرهان فی تفسیر القرآن، ج۱، ص ۸۲ و ج۴، ص ۸۹ / تفسیر شریف لاهیجی، ج۳، ص ۳۰ / تفسیر القمی، ج ۱،ص ۱۴ / تفسیر کنز الدقائق، ج۹، ص ۳۴۰ / تفسیر نور الثقلین، ج۳، ص ۶۱۹ / الغیبة للنعمانی، ص ۲۴۰ .

۲۲۶ ـ الزام الناصب، ج۱، ص ۷۸ / بحار الانوار، ج۳۶، ص ۳۹۹ / البرهان فی تفسیر القرآن، ج۴، ص ۱۱۵ / تفسیر القمّی ج ۲ص ۱۱۱ / غایة المرام و حجة الخصام، ج۲، ص ۲۸۳ / الغیبة للنعمانی، ص ۸۵ .

۲۲۷ ـ الزام الناصب، ج۱، ص ۷۸ / بحار الانوار، ج۲۴، ص ۳۳۰ / البرهان فی تفسیر القرآن، ج۴، ص ۱۱۵ / تفسیر شریف لاهیجی، ج۳، ص ۳۲۴ / تفسیر القمی، ج۲، ص ۱۱۲ / تفسیر کنز الدقائق، ج۹، ص ۳۷۲ / تفسیر نور الثقلین، ج۴، ص۷ .

۲۲۸ ـ إلزام الناصب، ج۱، ص ۷۸ / البرهان فی تفسیر القرآن، ج۴، ص ۱۲۴ / تأویل الآیات الظاهرة، ص ۳۶۹ / تفسیر کنز الدقائق، ج۹، ص ۳۸۵ .

۲۲۹ ـ بحار الأنوار (ط ـ بیروت)، ج۴۳، ص: ۱۰۶ / مناقب (ابن شهرآشوب)، ج۲، ص: ۱۸۱ .

۲۳۰ ـ بحار الأنوار (ط ـ بیروت)، ج۵۲، ص: ۳۷۳ / تفسیر فرات الکوفی، ص: ۲۹۳ .

۲۳۱ ـ بحار الانوار، ج۵۲، ص ۳۰۴ / البرهان فی تفسیر القرآن، ج۴، ص ۱۶۶ / تفسیر کنز الدقائق، ج۹، ص ۴۵۶ / تفسیر نور الثقلین، ج۴، ص ۴۶ / الکافی، ج۸، ص ۳۱۰ / الوافی، ج۲، ص ۴۴۳.

۲۳۲ ـ إثبات الهداة، ج۵، ص ۳۶۴ / بحار الأنوار (ط ـ بیروت)، ج۵۲، ص ۲۲۹ و ص ۲۸۵ / البرهان فی تفسیر القرآن، ج۴، ص ۱۶۶ / تأویل الآیات، ص ۳۸۴ / تفسیر کنز الدقائق، ج۹، ص ۴۵۸ / حلیة الأبرار، ج۶، ص ۲۹۰ / الغیبة(للنعمانی)، النص، ص ۲۵۱ .

۲۳۳ ـ اثبات الهداة، ج۵، ص ۱۲۰ / بحار الانوار، ج۵۲، ص ۲۸۵ / تفسیر الصافی، ج۴، ص ۲۹ / تفسیر کنز الدقائق، ج۹، ص ۴۵۶ /

تفسیر نور الثقلین، ج۴، ص ۴۶ / کتاب الغیبة(للطوسی)، ص ۱۷۷ .

۲۳۴ ـ إثبات الهداة، ج۵، ص ۱۸۸ / بحار الأنوار (ط ـ بیروت)، ج۵۲، ص ۲۹۲ / البرهان فی تفسیر القرآن، ج۴، ص ۱۷۳ / تأویل الآیات، ص ۳۸۵ / تفسیر کنز الدقائق، ج۹، ص ۴۶۴/ حلیة الأبرار، ج۶، ص ۲۷۳ / الغیبة(للنعمانی)، النص، ص ۱۷۴ .

۲۳۵ ـ إثبات الهداة، ج۵، ص ۱۵۷ / بحار الأنوار (ط ـ بیروت)، ج۵۲، ص ۱۵۷ و ص ۲۹۲ / الغیبة(للنعمانی)، النص، ص ۱۷۴ .

۲۳۶ ـ الزام الناصب، ج۱، ص ۷۹ / بحار الانوار، ج۲۴، ص ۳۷۲ / البرهان فی تفسیر القرآن، ج۴، ص ۱۸۵ / تأویل الآیات الظاهرة، ص ۳۸۹ / تفسیر کنز الدقائق، ج۹، ص ۵۱۰ .

۲۳۷ ـ اثبات الهداة، ج۲، ص ۷۸ و ص ۳۳۰ / أطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج۱۰، ص ۱۰۲ / الزام الناصب، ج۱، ص ۷۹ / بحار الانوار، ج۳۶، ص ۲۵۴ / البرهان فی تفسیر القرآن، ج۴، ص ۱۹۵ / غایة المرام و حجة الخصام، ج۱، ص ۱۳۱ و ج۷، ص ۱۲۷ / کمال الدین، ج۱، ص ۲۶۱ .

۲۳۸ ـ بحار الأنوار (ط ـ بیروت)، ج۴۳، ص ۲۷۹ / البرهان فی تفسیر القرآن، ج۴، ص ۲۲۳ / تأویل الآیات، ص ۳۹۷ / تفسیر الصافی، ج۴، ص ۷۱ / تفسیر القمی، ج۲، ص ۱۲۹/ تفسیر کنز الدقائق، ج۹، ص ۵۷۹ / تفسیر نور الثقلین، ج۴، ص ۹۴ / مناقب (لابن شهرآشوب)، ج۳، ص ۳۸۰ .

۲۳۹ ـ اثبات الهداة، ج۵، ص ۱۸۹ / الزام الناصب، ج۱، ص ۸۰ / بحار الانوار، ج۵۱، ص ۵۹ / البرهان فی تفسیر القرآن، ج۴، ص ۲۲۵ / تأویل الآیات الظاهرة، ص ۳۹۹ / تفسیر کنز الدقائق، ج۹، ص ۵۸۲ / غایة المرام و حجة الخصام، ج۴، ص ۲۰۹ .

۲۴۰ ـ بحار الانوار، ج۵۱، ص ۵۹ / البرهان فی تفسیر القرآن، ج۴، ص ۲۲۵ / تأویل الآیات الظاهرة، ص ۳۹۹ / تفسیر کنز الدقائق، ج۹، ص ۵۸۲ / غایة المرام و حجة الخصام، ج۴، ص ۲۰۹ .

۲۴۱ ـ اثبات الهداة، ج۵، ص ۱۷۷ / بحار الانوار، ج۵۲، ص ۳۱۵ / البرهان فی تفسیر القرآن، ج۴، ص ۵۲۸ / تفسیر شریف لاهیجی، ج۳، ص ۴۳۶ / تفسیر القمی، ج۲، ص ۲۰۵ / تفسیر کنز الدقائق، ج۹، ص ۵۸۱ / تفسیر نور الثقلین، ج۴، ص ۹۴ / الغیبة(للنعمانی)، النص، ص ۱۸۲.

۲۴۲ ـ الإیقاظ من الهجعة بالبرهان علی الرجعة، النص، ص: ۳۴۲ / بحار الأنوار (ط ـ بیروت)، ج۳۹، ص: ۲۴۳ / البرهان فی تفسیر القرآن، ج۴، ص: ۲۲۸ / تأویل الآیات الظاهرة ، ص: ۴۰۱ / تفسیر الصافی، ج۴، ص: ۷۴ / تفسیر القمی، ج۲، ص: ۱۳۰ / تفسیر کنز الدقائق، ج۹، ص: ۵۹۰ / تفسیر نور الثقلین، ج۴، ص: ۹۸ / مختصر البصائر، ص: ۱۵۲ / الوافی، ج۲، ص: ۴۶۱ .

۲۴۳ ـ بحار الأنوار (ط ـ بیروت)، ج۳۹، ص: ۲۴۳ و ج۵۳، ص: ۱۰۰ / البرهان فی تفسیر القرآن، ج۴، ص: ۲۲۹ / تأویل الآیات الظاهرة ، ص: ۳۹۹ / تفسیر کنز الدقائق، ج۹، ص: ۵۹۲ / مختصر البصائر، ص: ۴۸۳ .

۲۴۴ ـ بحار الأنوار (ط ـ بیروت)، ج۵۳، ص: ۵۳ / البرهان فی تفسیر القرآن، ج۴، ص: ۲۳۶/ تفسیر القمی، ج۲، ص: ۱۳۲ / تفسیر کنز الدقائق، ج۹، ص: ۶۰۷ / تفسیر نور الثقلین، ج۴، ص: ۱۰۶ / مختصر البصائر، ص: ۱۵۴ .

۲۴۵ ـ إعلام الوری بأعلام الهدی، ص ۴۱۸ / بحار الانوار، ج۵۱، ص ۲ و ص ۲۵ / البرهان فی تفسیر القرآن، ج۴، ص ۲۵۱ / تفسیر کنز الدقائق، ج۱۰، ص ۳۴ / تفسیر نور الثقلین، ج۴، ص ۱۱۰ / کتاب الغیبة(للطوسی)، ص ۲۳۷ / کمال الدین، ج۲، ص ۴۲۴ .

۲۴۶ ـ اثبات الهداة، ج۵، ص ۱۲۲ / بحار الانوار، ج۵۱، ص ۵۴ / تفسیر شریف لاهیجی، ج۳، ص ۴۵۴ / تفسیر کنز الدقائق، ج۱۰، ص ۳۲ / تفسیر نور الثقلین، ج۴، ص ۱۱۰ / کتاب الغیبة(للطوسی)، ص ۱۸۴ .

۲۴۷ ـ إلزام الناصب، ج۲، ص ۲۷۴ / بحار الأنوار (ط ـ بیروت)، ج۲۵، ص ۶ و ج۵۳، ص ۱۴۲ / البرهان فی تفسیر القرآن، ج۴، ص ۲۵۲ / دلائل الإمامة (ط ـ الحدیثة)، ص ۴۴۸/ مقتضب الأثر فی النص علی الأئمة الإثنی عشر، المتن، ص ۶ / نوادر الأخبار (للفیض)، النص، ص ۱۲۸ .

۲۴۸ ـ إلزام الناصب، ج۱، ص ۸۰ / البرهان فی تفسیر القرآن، ج۴، ص ۲۵۴ / حلیة الأبرار، ج۶، ص ۲۸۰ .

۲۴۹ ـ بحار الأنوار (ط ـ بیروت)، ج۵۳، ص ۵۶ / البرهان فی تفسیر القرآن، ج۴، ص ۲۹۱ / تأویل الآیات الظاهرة، ص ۴۱۶ / تفسیر القمی، ج۲، ص ۱۴۷ / تفسیر کنز الدقائق، ج۱۰، ص ۱۰۸ / تفسیر نور الثقلین، ج۴، ص ۱۴۴ / مختصر البصائر، ص ۱۵۶ .

۲۵۰ ـ إلزام الناصب، ج۲، ص ۲۸۹ / بحار الأنوار (ط ـ بیروت)، ج۲۲، ص ۹۹ / البرهان فی تفسیر القرآن، ج۴، ص ۲۹۱ / تأویل الآیات الظاهرة، ص ۴۱۶ / تفسیر الصافی، ج۴، ص ۱۰۷ / تفسیر القمی، ج۲، ص ۱۴۷ / تفسیر نور الثقلین، ج۴، ص ۱۴۴ / مختصر البصائر، ص ۱۵۵ .

۲۵۱ ـ بحار الأنوار (ط ـ بیروت)، ج۲۴، ص ۱۹۲ و ص ۱۹۶ / البرهان فی تفسیر القرآن، ج۴، ص ۲۹۵ / کمال الدین و تمام النعمة، ج۱، ص ۲۳۱ / مناقب (ابن شهرآشوب)، ج۴، ص ۲۱۴ .

۲۵۲ ـ الزام الناصب، ج۱، ص ۸۱ / بحار الانوار، ج۹، ص ۲۲۹ و ج۵۱، ص ۴۸ / البرهان فی تفسیر القرآن، ج۴، ص ۳۰۸ / تفسیر الصافی، ج۴، ص ۱۱۲ / تفسیر القمی، ج۲، ص ۱۴۹ / تفسیر کنز الدقائق، ج۱۰، ص ۱۲۹ / تفسیر نور الثقلین، ج۴، ص ۱۵۳ .

۲۵۳ ـ بحار الأنوار (ط ـ بیروت)، ج۲۳، ص: ۱۸۹ / البرهان فی تفسیر القرآن، ج۴، ص: ۳۲۸ / تأویل الآیات الظاهرة فی فضائل العترة الطاهرة، ص: ۴۲۴ / تفسیر کنز الدقائق، ج۱۰، ص: ۱۵۹ / تفسیر نور الثقلین، ج۴، ص: ۱۶۵ / الکافی (ط ـ الإسلامیة)، ج۱، ص: ۲۱۴ / وسائل الشیعة، ج۲۷، ص: ۱۸۰ .

۲۵۴ ـ إثبات الهداة، ج۵، ص: ۱۹۰/ بحار الأنوار (ط ـ بیروت)، ج۲۳، ص ۱۸۹ / البرهان فی تفسیر القرآن، ج۴، ص: ۳۲۸ / تأویل الآیات الظاهرة، ص ۴۲۴ / تفسیر کنز الدقائق، ج۱۰، ص: ۱۵۸ / کنز الفوائد: ص ۲۲۳ .

۲۵۵ ـ الزام الناصب، ج۱، ص ۸۱ / بحار الانوار، ج۳۱، ص ۵۱۶ / البرهان فی تفسیر القرآن، ج۴، ص ۳۳۵ / تأویل الآیات الظاهرة، ص ۴۲۶ .

۲۵۶ ـ اثبات الهداة، ج۵، ص ۲۰۱ / الزام الناصب، ج۲، ص ۲۸۹ / البرهان فی تفسیر القرآن، ج۴، ص ۳۳۶ / حلیة الأبرار، ج۶، ص ۳۰۲ / دلائل الإمامة: ص ۴۶۴ ح ۴۴۸ .

۲۵۷ ـ بحار الانوار، ج۲۴، ص ۸۶ / البرهان فی تفسیر القرآن، ج۴، ص ۳۶۶ / تفسیر الصافی، ج۴، ص ۱۴۱ / تفسیر القمی، ج۲، ص ۱۶۱ / تفسیر کنز الدقائق، ج۱۰، ص ۲۳۶ / تفسیر نور الثقلین، ج۴، ص ۱۹۶

۲۵۸ ـ اثبات الهداة، ج۲، ص ۹۳ / الزام الناصب، ج۱، ص ۸۲ / بحار الانوار، ج۲۴، ص ۵۳ و ج۵۱، ص ۱۵۰ / البرهان فی تفسیر القرآن، ج۴، ص ۳۷۶ / تفسیر الصافی، ج۴، ص ۱۴۸ / تفسیر کنز الدقائق، ج۱۰، ص ۲۶۱ / تفسیر نور الثقلین، ج۴، ص ۲۱۲ / کفایة الاثر، ص ۲۷۰ / کمال الدین، ج۲، ص ۳۶۸ .

۲۵۹ ـ إلزام الناصب، ج۲، ص ۲۲۴ / الإیقاظ من الهجعة بالبرهان علی الرجعة، النص، ص ۲۸۷ / بحار الأنوار (ط ـ بیروت)، ج۵۳، ص ۲۴ / حلیة الأبرار، ج۶، ص ۳۹۷ .

۲۶۰ ـ اثبات الهداة، ج۵، ص ۱۹۰ / الزام الناصب، ج۱، ص ۸۱ / بحار الانوار، ج۵۱، ص ۵۹ / البرهان فی تفسیر القرآن، ج۴، ص ۴۰۱ / تأویل الآیات الظاهرة، ص ۴۳۷/ تفسیر کنز الدقائق، ج۱۰، ص ۳۰۳ .

۲۶۱ ـ احقاق الحق، ج۱۳، ص ۳۶۳ / الزام الناصب، ج۱، ص ۸۱ / البرهان فی تفسیر القرآن، ج۴، ص ۴۰۳ / تأویل الآیات الظاهرة، ص ۴۳۸ / تفسیر کنز الدقائق، ج۱۰، ص ۳۰۷ .

۲۶۲ ـ إثبات الهداة، ج۲، ص ۲۵۳ / مناقب (ابن شهرآشوب)، ج۱، ص ۲۸۳ / منتخب الاثر،ج۱،ص ۱۱۳ .

۲۶۳ ـ الإحتجاج (للطبرسی)، ج۱، ص: ۲۵۱ / بحار الأنوار (ط ـ بیروت)، ج۹۰، ص: ۱۱۶ / البرهان فی تفسیر القرآن، ج۵، ص: ۸۳۵ / تفسیر کنز الدقائق، ج۱۰، ص: ۳۴۴ / تفسیر نور الثقلین، ج۴، ص: ۲۴۳ .

۲۶۴ ـ إثبات الهداة، ج۲، ص ۱۶۹ / بحار الأنوار (ط ـ بیروت)، ج۳۶، ص ۳۳۶ / البرهان فی تفسیر القرآن، ج۴، ص ۴۴۴ / کفایة الأثر، ص ۱۵۶ .

۲۶۵ ـ بحار الأنوار (ط ـ بیروت)، ج۳۶، ص ۳۰۹ / کفایة الأثر، ص ۶۶ .

۲۶۶ ـ بحار الأنوار (ط ـ بیروت)، ج۲، ص ۲۹۴ و ج۵۲، ص ۳۱۴ / تفسیر کنز الدقائق، ج۳، ص ۱۷۰ و ج۱۰، ص ۴۸۷ / تفسیر نور الثقلین، ج۴، ص ۳۳۳ / علل الشرائع، ج۱، ص ۹۱ .

۲۶۷ ـ إثبات الهداة، ج۵، ص ۱۹۰ / الزام الناصب، ج۱،ص ۸۴ / بحار الأنوار (ط ـ بیروت)، ج۵۲، ص ۱۸۸ / البرهان فی تفسیر القرآن، ج۴، ص ۵۲۹ / تأویل الآیات الظاهرة، ص ۴۶۷ / تفسیر العیاشی، ج۲، ص ۵۷ / تفسیر کنز الدقائق، ج۱۰، ص ۵۲۳ .

۲۶۸ ـ بحار الأنوار (ط ـ بیروت)، ج۵۲، ص ۲۵۲ / البرهان فی تفسیر القرآن، ج۴، ص ۵۲۸ / الغیبة(للنعمانی)، النص، ص ۳۰۴ .

۲۶۹ ـ بحار الانوار، ج۲۳، ص ۳۵ / تفسیر الصافی، ج۴، ص ۲۴۳ / تفسیر کنز الدقائق، ج۱۰، ص ۵۸۲ / کمال الدین، ج۱، ص ۲۰۲ .

۲۷۰ ـ بحار الأنوار (ط ـ بیروت)، ج۵۱، ص ۱۱۲ / البرهان فی تفسیر القرآن، ج۴، ص ۵۸۵ / الغیبة(للنعمانی)، النص، ص ۱۴۱ .

۲۷۱ ـ إلزام الناصب ، ج۲، ص: ۲۹۰ / الإیقاظ من الهجعة بالبرهان علی الرجعة، النص، ص: ۲۹۶ / بحار الأنوار (ط ـ بیروت)، ج۵۳، ص: ۸۹ / البرهان فی تفسیر القرآن، ج۴، ص: ۵۷۹/ تأویل الآیات الظاهرة ، ص: ۴۸۱ / تفسیر کنز الدقائق، ج۱۱، ص: ۸۵ / تفسیر نور الثقلین، ج۴، ص: ۳۸۸ / الکافی (ط ـ الإسلامیة)، ج۸، ص: ۲۴۷ / الوافی، ج۵، ص: ۷۶۱ .

۲۷۲ ـ بحار الانوار، ج۳۶، ص ۱۵۱ و ج۸۲، ص ۸۰ / البرهان فی تفسیر القرآن، ج۴، ص ۶۰۰ / تأویل الآیات الظاهرة، ص ۴۸۵ / تفسیر کنز الدقائق، ج۱۱، ص ۱۳۶ / غایة المرام و حجة الخصام، ج۱، ص ۴۴ / مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج۴، ص ۱۸۷ / مدینة معاجز الأئمة الإثنی عشر، ج۴، ص ۳۹ .

۲۷۳ ـ إلزام الناصب، ج۱، ص ۹۰ / بحار الأنوار (ط ـ بیروت)، ج۲۴، ص ۲۲۰ / تأویل الآیات الظاهرة، ص ۴۹۲ / تفسیر کنز الدقائق، ج۱۱، ص ۲۱۰ .

۲۷۴ ـ إلزام الناصب، ج۱، ص ۱۷۰ / بحار الأنوار (ط ـ بیروت)، ج۲۶، ص ۱۷۶ / بصائر الدرجات، ج۱، ص ۵۱۰ .

۲۷۵ ـ اثبات الهداة، ج۳، ص ۲۲ / الزام الناصب، ج۱،ص ۸۵ / بحار الانوار، ج۲۴، ص ۳۱۳ و ج۵۱، ص ۶۲ / البرهان فی تفسیر القرآن، ج۴، ص ۶۸۷ / تأویل الآیات الظاهرة، ص ۴۹۹ / تفسیر کنز الدقائق، ج۱۱، ص ۲۷۱ / تفسیر نور الثقلین، ج۴، ص ۴۷۴ / الکافی (ط ـ الإسلامیة)، ج۸، ص ۲۸۷ / الوافی، ج۲۶، ص ۴۴۰ .

۲۷۶ ـ إلزام الناصب، ج۱، ص ۸۵ / بحار الأنوار (ط ـ بیروت)، ج۷، ص ۳۲۶ / البرهان فی تفسیر القرآن، ج۴، ص ۷۳۳ / تفسیر القمی، ج۲، ص ۲۵۳ / تفسیر کنز الدقائق، ج۱۱، ص ۳۳۸ / تفسیر نور الثقلین، ج۴، ص ۵۰۳ / حلیة الأبرار، ج۶، ص ۳۳۷/ نوادر الأخبار (للفیض)، النص، ص ۲۷۸ .

۲۷۷ ـ الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، ج۲، ص ۳۸۱ / إعلام الوری بأعلام الهدی (ط ـ الحدیثة)، ج۲، ص ۲۹۳ / إلزام الناصب، ج۲، ص ۲۳۱ / بحار الأنوار (ط ـ بیروت)، ج۵۲، ص ۳۳۷ / تفسیر نور الثقلین، ج۴، ص ۳۵۶ / حلیة الأبرار، ج۶، ص ۳۳۵ / دلائل الإمامة (ط ـ الحدیثة)، ص ۴۸۶ / کشف الغمة فی معرفة الأئمة (ط ـ القدیمة)، ج۲، ص ۴۶۴ / الوافی، ج۲، ص ۴۶۹ .

۲۷۸ ـ البرهان فی تفسیر القرآن، ج۴، ص ۷۱۷ / بصائر الدرجات، ج۱، ص ۶۴ / تفسیر کنز الدقائق، ج۱۱، ص ۳۲۲ / تفسیر نور الثقلین، ج۴، ص ۴۹۵ / الکافی (ط ـ الإسلامیة)، ج۱، ص ۱۴۵ .

۲۷۹ ـ الإیقاظ من الهجعة بالبرهان علی الرجعة، النص، ص: ۲۵۸ / بحار الأنوار (ط ـ بیروت)، ج۵۳، ص: ۵۶ / البرهان فی تفسیر القرآن، ج۴، ص: ۷۴۹ / تفسیر الصافی، ج۴، ص: ۳۳۶ / تفسیر القمی، ج۲، ص: ۲۵۶ /تفسیر کنز الدقائق، ج۱۱، ص: ۳۶۵ / تفسیر نور الثقلین، ج۴، ص: ۵۱۳ / مختصر البصائر، ص: ۱۵۷ .

۲۸۰ ـ إلزام الناصب، ج۲، ص ۲۸۰ / الإیقاظ من الهجعهٔ بالبرهان علی الرجعهٔ، النص، ص ۳۴۴ / بحار الأنوار (ط ـ بیروت)، ج۱۱، ص ۲۷ و ج۵۳، ص ۶۵ / البرهان فی تفسیر القرآن، ج۴، ص ۷۶۴ / تفسیر الصافی، ج۴، ص ۳۴۵ / تفسیر القمی، ج۲، ص ۲۵۸ / تفسیر کنز الدقائق، ج۱۱، ص ۳۹۸ / تفسیر نور الثقلین، ج۴، ص ۵۲۶ / مختصر البصائر، ص ۹۲ و ص ۱۵۷ .

۲۸۱ ـ الزام الناصب، ج۱، ص ۸۵ و ج۲، ص ۲۹۶ / بحار الانوار، ج۲۴، ص ۷۲ / البرهان فی تفسیر القرآن، ج۴، ص ۷۸۳ / تأویل الآیات الظاهرهٔ، ص ۷۷۷ / تفسیر کنز الدقائق، ج۱۴، ص ۳۰۰ .

۲۸۲ ـ إثبات الهداهٔ، ج۲، ص: ۱۴۳ / بحار الأنوار (ط ـ بیروت)، ج۲۶، ص: ۳۵۶ / بصائر الدرجات، ج۱، ص: ۹۳ .

۲۸۳ ـ بحار الأنوار (ط ـ بیروت)، ج۲۴، ص ۴۷ / البرهان فی تفسیر القرآن، ج۴ ص ۷۹۱ / تأویل الآیات الظاهرهٔ،ص ۵۲۶ / تفسیر کنز الدقائق، ج۱۱، ص ۴۵۵ .

۲۸۴ ـ الزام الناصب، ج۱، ص ۸۶ و ج۲، ص ۱۰۲ / بحار الانوار، ج۵۱، ص ۶۲ و ج۵۲، ص ۲۴۱ / البرهان فی تفسیر القرآن، ج۴، ص ۷۹۴ با کمی تفاوت / تفسیر الصافی، ج۴، ص ۳۶۵ / تفسیر کنز الدقائق، ج۱۱، ص ۴۶۸ / تفسیر نور الثقلین، ج۴، ص ۵۵۵ / الغیبهٔ للنعمانی، ص ۲۶۹ / الکافی (ط ـ الإسلامیهٔ)، ج۸، ص ۳۸۱ ح ۵۷۵ .

۲۸۵ ـ اثبات الهداهٔ، ج۵، ص ۱۹۱ / بحار الانوار، ج۲۴، ص ۱۶۴ / البرهان فی تفسیر القرآن، ج۴، ص ۷۹۴ / تأویل الآیات الظاهرهٔ، ص ۵۲۷ / تفسیر کنز الدقائق، ج۱۱، ص ۴۶۹ .

۲۸۶ ـ اثبات الهداهٔ، ج۵، ص ۶۳ ح ۵۶ / بحار الانوار، ج۵۲، ص ۳۰۳ / البرهان فی تفسیر القرآن، ج۴، ص ۷۹۵ / تفسیر الصافی، ج۴، ص ۳۶۵ / تفسیر کنز الدقائق، ج۱۱، ص ۴۶۸ / تفسیر نور الثقلین، ج۴، ص ۵۵۵ / الکافی (ط ـ الإسلامیهٔ)، ج۸، ص ۱۶۶ .

۲۸۷ ـ الزام الناصب، ج۱،ص ۸۶ / البرهان فی تفسیر القرآن، ج۴، ص ۸۰۳ / تفسیر الصافی، ج۴، ص ۳۶۶ / تفسیر القمی، ج۲، ص ۲۶۸ / تفسیر کنز الدقائق، ج۱۱، ص ۴۷۴ / تفسیر نور الثقلین، ج۴، ص ۵۵۷ .

۲۸۸ ـ الزام الناصب، ج۱،ص۸۶ / بحار الأنوار (ط ـ بیروت)، ج۲۴، ص ۳۷۳ / البرهان فی تفسیر القرآن، ج۴، ص ۸۰۴ / تأویل الآیات الظاهرهٔ، ص ۵۲۸ / تفسیر کنز الدقائق، ج۱۱، ص ۴۷۵ .

۲۸۹ ـ إثبات الهداهٔ، ج۵، ص ۲۰۰ / الزام الناصب، ج۱،ص ۸۶ / دلائل الإمامهٔ (ط ـ الحدیثهٔ)، ص ۴۵۰ .

۲۹۰ ـ اثبات الهداهٔ، ج۲، ص ۲۳ / الزام الناصب، ج۱، ص ۸۶ و ص ۸۷ / بحار الانوار، ج۲۴، ص ۳۴۹ و ج۵۱، ص ۶۳ و ج۶۷، ص ۲۲۵ / البرهان فی تفسیر القرآن، ج۴، ص ۸۱۴ / تفسیر الصافی، ج۴، ص ۳۷۱ / تفسیر کنز الدقائق، ج۱۱، ص ۴۹۷ / تفسیر نور الثقلین، ج۴، ص ۵۶۹ / الکافی، ج۱، ص ۴۳۶ .

۲۹۱ ـ الزام الناصب، ج۱، ص ۸۷ / بحار الانوار، ج۲۴، ص ۳۱۳ و ج۵۱، ص ۶۲ / البرهان فی تفسیر القرآن، ج۴، ص ۸۱۴ / تفسیر الصافی، ج۴، ص ۳۷۱ / تفسیر کنز الدقائق، ج۱۱، ص ۴۹۸ / تفسیر نور الثقلین، ج۴، ص ۵۷۰ / الکافی (ط ـ الإسلامیهٔ)، ج۸، ص ۲۸۷ .

۲۹۲ ـ الزام الناصب، ج۱، ص ۸۸ / بحار الانوار، ج۹، ص ۲۳۵ و ج۲۳، ص ۲۳۸ / البرهان فی تفسیر القرآن، ج۴، ص ۸۲۱ / تفسیر الصافی، ج۴، ص ۳۷۵ / تفسیر القمی، ج۲، ص ۲۷۵ / تفسیر کنز الدقائق، ج۱۱، ص ۵۲۰ / تفسیر نور الثقلین، ج۴، ص ۵۷۷ / غایهٔ المرام و حجهٔ الخصام، ج۳، ص ۲۴۰ .

۲۹۳ ـ اثبات الهداهٔ، ج۵، ص ۱۷۷ و ۱۹۱ و ۱۹۴ / الزام الناصب، ج۱، ص ۸۸ / بحار الانوار، ج۲۴، ص ۲۲۹ / البرهان فی تفسیر القرآن، ج۴، ص ۸۲۹ / تأویل الآیات الظاهرهٔ، ص ۵۳۴ / تفسیر الصافی، ج۴، ص ۳۸۰ / تفسیر فرات الکوفی، ص ۳۹۹ / تفسیر القمی، ج۲، ص ۲۷۸ / تفسیر کنز الدقائق، ج۱۱، ص ۵۳۴ / تفسیر نور الثقلین، ج۴، ص ۵۸۵ .

۲۹۴ ـ اثبات الهداهٔ، ج۵، ص ۱۹۱ / الزام الناصب، ج۱، ص ۸۸ / بحار الانوار، ج۲۴، ص ۲۲۹ / البرهان فی تفسیر القرآن، ج۴، ص

۸۲۹ / تأویل الآیات الظاهرهٔ، ص ۵۳۵ / تفسیر کنز الدقائق، ج ۱۱، ص ۵۳۶ .

۲۹۵ ـ اثبات الهداهٔ، ج ۲، ص ۳۲۵ / احقاق الحق، ج ۱۳، ص ۵۶ / بحار الانوار، ج ۳۶، ص ۳۵۷ / البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۴، ص ۸۵۵ / کفایهٔ الأثر: ۲۴۶ .

۲۹۶ ـ اثبات الهداهٔ، ج ۲، ص ۱۶۰ / بحار الانوار، ج ۲۵، ص ۲۵۳ و ج ۳۶، ص ۳۱۵ / البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۴، ص ۸۵۶ / تفسیر شریف لاهیجی، ج ۴، ص ۷۴ / تفسیر کنز الدقائق، ج ۱۲، ص ۴۹ / تفسیر نور الثقلین، ج ۴، ص ۵۹۷ / کفایهٔ الاثر، ص ۸۶ .

۲۹۷ ـ اثبات الهداهٔ، ج ۲، ص ۹۰ / احقاق الحق، ج ۱۳، ص ۳۰۶ / الزام الناصب، ج ۱، ص ۸۹ / بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۳۴ / البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۴، ص ۸۵۶ / کمال الدین، ج ۱، ص ۳۲۳ .

۲۹۸ ـ اثبات الهداهٔ، ج ۵، ص ۱۹۱ / احقاق الحق، ج ۱۳، ص ۳۴۰ / الزام الناصب، ج ۱، ص ۸۹ / بحار الانوار، ج ۲۴، ص ۱۶۴ / البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۴، ص ۸۸۰ / تأویل الآیات الظاهرهٔ، ص ۵۵۲ .

۲۹۹ ـ الزام الناصب، ج ۱ ص ۹۰ / بحار الانوار، ج ۴، ص ۱۰۱ و ج ۹۴، ص ۱۲ / البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۵، ص ۱۲ / تفسیر الصافی، ج ۴، ص ۴۰۳ / تفسیر القمی، ج ۲، ص ۲۹۰ / تفسیر کنز الدقائق، ج ۱۲، ص ۱۱۵ / تفسیر نور الثقلین، ج ۴، ص ۶۲۰ .

۳۰۰ ـ احقاق الحق، ج ۱۳، ص ۳۴۸ / الزام الناصب، ج ۱،ص ۹۰ / البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۵، ص ۲۸ / تأویل الآیات الظاهرهٔ، ص ۵۵۸ / تفسیر شریف لاهیجی، ج ۴، ص ۱۱۸ / تفسیر کنز الدقائق، ج ۱۲، ص ۱۵۳ .

۳۰۱ ـ اثبات الهداهٔ، ج ۵، ص ۱۰۶ / الزام الناصب، ج ۱،ص ۹۱ / بحار الانوار، ج ۲۹، ص ۴۲۸ و ص ۴۳۶ / البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۵، ص ۹۰ / تفسیر الصافی، ج ۵، ص ۴۳ / تفسیر القمی، ج ۲، ص ۳۱۶ / تفسیر کنز الدقائق، ج ۱۲، ص ۲۹۸ / تفسیر نور الثقلین، ج ۵، ص ۷۰ / غایهٔ المرام و حجهٔ الخصام، ج ۶، ص ۲۲ و ۲۳ / کمال الدین، ج ۲، ص ۶۴۲.

۳۰۲ ـ الزام الناصب، ج ۲، ص ۲۹۱ / بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۶۵ / البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۵، ص ۱۵۲ / تفسیر الصافی، ج ۵، ص ۶۵ / تفسیر القمی، ج ۲، ص ۳۲۷ / تفسیر کنز الدقائق، ج ۱۲، ص ۴۰۰ / تفسیر نور الثقلین، ج ۵، ص ۱۱۹ .

۳۰۳ ـ إثبات الهداهٔ، ج ۵، ص ۱۱۹ / إلزام الناصب، ج ۱، ص ۹۲ / بحار الأنوار (ط ـ بیروت)، ج ۵۱، ص ۵۳ / کتاب الغیبهٔ (للطوسی)، النص، ص ۱۷۵ .

۳۰۴ ـ اثبات الهداهٔ، ج ۵، ص ۱۲۰ و ص ۱۹۱ / احقاق الحق، ج ۱۳، ص ۳۲۹ / الزام الناصب، ج ۱، ص ۹۲ / بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۵۳ / البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۵، ص ۱۶۱ / تأویل الآیات الظاهرهٔ، ص ۵۹۶ / تفسیر کنز الدقائق، ج ۱۲، ص ۴۲۰ / کتاب الغیبهٔ(للطوسی)، ص ۱۷۶ .

۳۰۵ ـ إلزام الناصب، ج ۲، ص: ۲۹۲ و ص: ۳۰۰ / الإیقاظ من الهجعهٔ بالبرهان علی الرجعهٔ، النص، ص: ۹۵ و ص: ۲۹۸ / بحار الأنوار (ط ـ بیروت)، ج ۵۳، ص: ۱۱۷ / البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۵، ص: ۱۸۰ / تفسیر القمی، ج ۲، ص: ۳۳۳ / تفسیر کنز الدقائق، ج ۱۲، ص: ۴۶۲ / تفسیر نور الثقلین، ج ۵، ص: ۱۴۳ / مختصر البصائر، ص: ۱۶۱ .

۳۰۶ ـ البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۵، ص: ۲۱۸ / تفسیر الصافی، ج ۵، ص: ۱۰۰ / تفسیر القمی، ج ۲، ص: ۳۴۱ / تفسیر کنز الدقائق، ج ۱۲، ص: ۵۳۲ / تفسیر نور الثقلین، ج ۵، ص: ۱۷۶ .

۳۰۷ ـ اثبات الهداهٔ، ج ۵، ص ۱۶۴ / الزام الناصب، ج ۱، ص ۹۳ / بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۵۹/ البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۵، ص ۲۴۰ / تأویل الآیات الظاهرهٔ، ص ۶۱۷/ تفسیر کنز الدقائق، ج ۱۲، ص ۵۸۱ / الغیبهٔ للنعمانی، ص ۲۴۲ .

۳۰۸ ـ الإختصاص، ص ۳۰۴ / الزام الناصب، ج ۱، ص ۹۳ / بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۲۰ / البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۵، ص ۲۴۱ / بصائر الدرجات، ج ۱ ص ۳۵۶ ـ ح ۱۷ / تفسیر الصافی، ج ۵، ص ۱۱۲ / تفسیر کنز الدقائق، ج ۱۲، ص ۵۸۰ / تفسیر نور الثقلین، ج ۵، ص ۱۹۶ .

۳۰۹ـ إثبات الهداة، ج۵، ص ۱۵۳ / الزام الناصب، ج۱، ص ۹۳ / البرهان فی تفسیر القرآن، ج۵، ص ۲۸۸ / تأویل الآیات الظاهرة، ص ۶۳۷ / الغیبة(للنعمانی)، النص، ص ۲۴ .

۳۱۰ـ اثبات الهداة، ج۵، ص ۱۰۹ / الزام الناصب، ج۱، ص ۹۳، ج۲، ص ۲۹۳ / بحار الانوار، ج۲۴، ص ۳۲۵، ج۵۱، ص ۵۴ / البرهان فی تفسیر القرآن، ج۵، ص ۲۸۹ / تفسیر نور الثقلین، ج۵، ص ۲۴۲ / کمال الدین، ج۲، ص ۶۶۸ .

۳۱۱ـ اثبات الهداة، ج۵، ص ۱۱۹ / الزام الناصب، ج۱، ص ۹۳ / بحار الانوار، ج۵۱، ص ۵۳ و ص ۶۳/ کتاب الغیبة(للطوسی)، ص ۱۷۵.

۳۱۲ـ إثبات الهداة، ج۵، ص: ۱۵۳ / تأویل الآیات الظاهرة ، ص: ۶۳۸ / الغیبة(للنعمانی)، النص، ص: ۲۵ .

۳۱۳ـ بحار الأنوار (ط ـ بیروت)، ج۲۴، ص: ۳۸ و ج۶۵، ص: ۱۴۱ / تأویل الآیات الظاهرة ، ص: ۶۴۰/ تفسیر الصافی، ج۵، ص: ۱۳۶ / تفسیر کنز الدقائق، ج۱۳، ص: ۹۵ / تفسیر نور الثقلین، ج۵، ص: ۲۴۴ .

۳۱۴ـ بحار الأنوار (ط ـ بیروت)، ج۶۵، ص: ۱۴۲ / البرهان فی تفسیر القرآن، ج۵، ص: ۲۹۲ / تأویل الآیات الظاهرة، ص: ۶۴۰ / تفسیر کنز الدقائق، ج۱۳، ص: ۹۸ .

۳۱۵ـ بحار الأنوار (ط ـ بیروت)، ج۹، ص ۲۴۲ و ج۲۳، ص ۳۱۸ / البرهان فی تفسیر القرآن، ج۵، ص ۳۰۶ / تأویل الآیات الظاهرة، ص ۶۴۳ / تفسیر القمی، ج۲، ص ۳۵۲ / تفسیر کنز الدقائق، ج۱۳، ص ۱۱۳ / تفسیر نور الثقلین، ج۵، ص ۲۵۲/ الکافی (ط ـ الإسلامیة)، ج۱، ص ۴۳۰ .

۳۱۶ـ الزام الناصب، ج۱، ص ۹۴ / بحار الانوار، ج۵۳، ص ۶۰ و ۸۱ / البرهان فی تفسیر القرآن، ج۵، ص ۳۶۰ / تأویل الآیات الظاهرة، ص ۶۵۹ / تفسیر کنز الدقائق، ج۱۳، ص ۲۱۷ .

۳۱۷ـ اثبات الهداة، ج۳، ص ۱۳ / الزام الناصب، ج۱،ص ۹۴ / بحار الانوار، ج۲۳، ص ۳۱۸ و ج۲۴، ص ۳۳۶ و ج۵۱ ص ۶۰ / تفسیر کنز الدقائق، ج۱۳، ص ۲۳۳ / غایة المرام و حجة الخصام، ج۴، ص ۳۳۹ / الکافی، ج۱، ص ۴۳۲ .

۳۱۸ـ بحار الانوار، ج۵۱، ص ۴۹ / البرهان فی تفسیر القرآن، ج۵، ص ۳۶۷ / تفسیر الصافی، ج۵، ص ۱۷۰/ تفسیر القمی، ج۲، ص ۳۶۵ / تفسیر کنز الدقائق، ج۱۳، ص ۲۳۱ / تفسیر نور الثقلین، ج۵، ص ۳۱۷ .

۳۱۹ـ الزام الناصب، ج۱، ص ۴۳۲ / بحار الانوار، ج۵۱، ص ۴۹ / البرهان فی تفسیر القرآن، ج۵، ص ۳۶۸ / تفسیر الصافی، ج۵، ص ۱۷۱ / تفسیر القمی، ج۲، ص ۳۶۶ / تفسیر کنز الدقائق، ج۱۳، ص ۲۳۷ / تفسیر نور الثقلین، ج۵، ص ۳۱۸ .

۳۲۰ـ بحار الأنوار (ط ـ بیروت)، ج۲۳، ص ۳۰۸ / البرهان فی تفسیر القرآن، ج۵، ص ۳۹۶/ تأویل الآیات الظاهرة، ص ۶۷۲ / تفسیر القمی، ج۲، ص ۳۷۱ / تفسیر کنز الدقائق، ج۱۳، ص ۲۸۰ / تفسیر نور الثقلین، ج۵، ص ۳۴۱ / الکافی (ط ـ الإسلامیة)، ج۱، ص ۱۹۴ .

۳۲۱ـ الزام الناصب ، ج۱،ص ۹۵ / بحار الانوار، ج۳۳، ص ۱۸ و ج۳۶، ص ۳۲۶ / البرهان فی تفسیر القرآن، ج۵، ص ۴۴۸ / کفایة الاثر، ص ۱۲۰ .

۳۲۲ـ اثبات الهداة، ج۵، ص ۸۲ / بحار الانوار، ج۵۱، ص ۵۲ / تفسیر کنز الدقائق، ج۱۳، ص ۳۶۷ / تفسیر نور الثقلین، ج۵، ص ۳۸۷ / کتاب الغیبة(للطوسی)، ص ۱۵۸ / کمال الدین، ج۱، ص ۳۲۵ .

۳۲۳ـ اثبات الهداة، ج۵، ص ۵۷ / البرهان فی تفسیر القرآن، ج۵، ص ۴۴۹ / بحار الانوار، ج۲۴، ص ۱۰۰ و ج۵۱، ص ۵۳ / تأویل الآیات الظاهرة، ص ۶۸۳ / تفسیر کنز الدقائق، ج۱۳، ص ۳۶۶ / تفسیر نور الثقلین، ج۵، ص ۳۸۶ / الغیبة للنعمانی، ص ۱۷۶ / الکافی، ج۱، ص ۳۴۰ / کمال الدین، ج۲، ص ۳۵۱ .

۳۲۴ـ الزام الناصب ، ج۱ ص ۶۵ و ۹۶ / بحار الانوار، ج۲۴، ص ۲۸۰ و ج۵۱، ص ۶۱ / البرهان فی تفسیر القرآن، ج۵، ص ۶۰۵ /

تأويل الآيات الظاهرة، ص ۷۴۸ .

۳۲۵ ـ إلزام الناصب، ج۲، ص ۲۹۳ / الإيقاظ من الهجعة بالبرهان على الرجعة، النص، ص ۳۴۶ / بحار الأنوار (ط ـ بيروت)، ج۳۰، ص ۱۶۶ و ج۵۳، ص ۱۰۳ / البرهان فى تفسير القرآن، ج۵، ص ۴۵۹ / تفسير الصافى، ج۵، ص ۲۱۰ / تفسير القمى، ج۲، ص ۳۸۱ / تفسير كنز الدقائق، ج۱۳، ص ۳۸۴ / تفسير نور الثقلين، ج۵، ص ۳۹۴ / مختصر البصائر، ص ۱۶۱ .

۳۲۶ ـ بحار الأنوار (ط ـ بيروت)، ج۵۳، ص ۸۶ / مختصر البصائر، ص ۴۷۴.

۳۲۷ ـ الزام الناصب، ج۱،ص ۹۷ / بحار الانوار، ج۵۲، ص ۱۸۸ / البرهان فى تفسير القرآن، ج۵، ص ۴۸۲ / تفسير الصافى، ج۵، ص ۲۲۴ / تفسير القمى، ج۲، ص ۳۸۵ / تفسير كنز الدقائق، ج۱۳، ص ۴۳۰ / تفسير نور الثقلين، ج۵، ص ۴۱۲ .

۳۲۸ ـ إلزام الناصب، ج۲، ص ۱۰۲ / بحار الأنوار (ط ـ بيروت)، ج۵۲، ص ۲۴۳ / البرهان فى تفسير القرآن، ج۵، ص ۴۸۶ / الغيبة(للنعمانى)، النص، ص ۲۷۲ .

۳۲۹ ـ إلزام الناصب، ج۲، ص ۲۹۴ / الإيقاظ من الهجعة بالبرهان على الرجعة، النص، ص ۳۶۸ / بحار الأنوار (ط ـ بيروت)، ج۵۳، ص ۱۰۴ / البرهان فى تفسير القرآن، ج۵، ص ۴۸۷/ مختصر البصائر، ص ۱۶۷ .

۳۳۰ ـ اثبات الهداة، ج۵، ص ۶۴ / الزام الناصب، ج۱، ص ۹۷ / بحار الانوار، ج۲۴، ص ۳۱۳ و ج۵۱، ص ۶۲ / البرهان فى تفسير القرآن، ج۵، ص ۴۹۱ / تفسير الصافى، ج۵، ص ۲۲۷ / تفسير كنز الدقائق، ج۱۳، ص ۴۴۲ / تفسير نور الثقلين، ج۵، ص ۴۱۸ .

۳۳۱ ـ الزام الناصب، ج۱،ص ۹۷ / بحار الانوار، ج۵۳، ص ۱۲۰ / البرهان فى تفسير القرآن، ج۵، ص ۴۹۳ / تأويل الآيات الظاهرة، ص ۷۰۱ / تفسير كنز الدقائق، ج۱۳، ص ۴۴۷ .

۳۳۲ ـ البرهان فى تفسير القرآن، ج۵، ص ۵۰۸ / تفسير الصافى، ج۵، ص: ۲۳۶ / تفسير كنز الدقائق، ج۱۳، ص: ۴۸۱ / تفسير نور الثقلين، ج۵، ص: ۴۳۸ / الكافى، ج ۱،ص ۲۲۰ .

۳۳۳ ـ الزام الناصب، ج۱، ص ۹۷ / البرهان فى تفسير القرآن، ج۵، ص ۵۰۸ / تأويل الآيات الظاهرة، ص ۷۰۶ / تفسير الصافى، ج۵، ص ۲۳۸ / تفسير كنز الدقائق، ج۱۳، ص ۴۸۸ / تفسير نور الثقلين، ج۵، ص ۴۴۱ / الكافى، ج۱، ص ۴۳۴ .

۳۳۴ ـ الزام الناصب، ج۱، ص ۹۷ و ج۲، ص ۲۹۴ / بحار الانوار، ج۵۳، ص ۵۸ / البرهان فى تفسير القرآن، ج۵، ص ۵۱۳ / تفسير الصافى، ج۵، ص ۲۳۸ / تفسير القمى، ج۲، ص ۳۹۱ / تفسير كنز الدقائق، ج۱۳، ص ۴۸۸ / تفسير نور الثقلين، ج۵، ص ۴۴۱ / الكافى، ج۱، ص ۴۳۴ / مرآة العقول، ج۵، ص ۱۴۴ .

۳۳۵ ـ إلزام الناصب، ج۲، ص ۲۹۴ / الإيقاظ من الهجعة بالبرهان على الرجعة، النص، ص ۹۶ / بحار الأنوار (ط ـ بيروت)، ج۵۳، ص ۵۸ / البرهان فى تفسير القرآن، ج۵، ص ۵۱۳ / تفسير القمى، ج۲، ص ۳۹۱ / تفسير نور الثقلين، ج۵، ص ۴۴۵ .

۳۳۶ ـ إلزام الناصب، ج۱، ص ۹۰ / بحار الأنوار (ط ـ بيروت)، ج۲۴، ص ۲۲۰ / تأويل الآيات الظاهرة، ص ۴۹۲ / تفسير كنز الدقائق، ج۱۱، ص ۲۱۰ .

۳۳۷ ـ إلزام الناصب، ج۲، ص ۲۹۴ / الإيقاظ من الهجعة بالبرهان على الرجعة، النص، ص ۳۵۷ / بحار الأنوار (ط ـ بيروت)، ج۹، ص ۲۴۴ و ج۱۶، ص ۹۷ و ج۵۳، ص ۴۲ و ص ۶۴ و ص ۱۰۳ / البرهان فى تفسير القرآن، ج۱، ص ۷۲۱ و ج۵، ص ۵۲۳ / تفسير القمى، ج۲، ص ۳۹۳ / تفسير كنز الدقائق، ج۱۴، ص ۱۳ / تفسير نور الثقلين، ج۵، ص ۴۵۳ / مختصر البصائر، ص ۸۸ و ص ۱۱۳ و ص ۱۶۲ .

۳۳۸ ـ بحار الأنوار (ط ـ بيروت)، ج۴۱، ص ۱۵۹ / البرهان فى تفسير القرآن، ج۵، ص ۵۲۳ / تفسير كنز الدقائق، ج۱۴، ص ۱۴ / تفسير نور الثقلين، ج۵، ص ۴۵۳ / حلية الأبرار، ج۶، ص ۲۳۶ / الكافى (ط ـ الإسلامية)، ج۶، ص ۴۵۶ .

۳۳۹ ـ اثبات الهداة، ج۵، ص ۱۱۹ / الزام الناصب، ج۱، ص ۹۷ / بحار الانوار، ج۲، ص ۷۱ و ج۵۱، ص ۵۸ و ج۵۲، ص ۲۸۴ /

البرهان فی تفسیر القرآن، ج۵، ص ۵۲۵ / تأویل الآیات الظاهرهٔ، ص ۷۰۸ / تفسیر الصافی، ج۵، ص ۲۴۶ /تفسیر کنز الدقائق، ج۱۴، ص ۱۶ / تفسیر نور الثقلین، ج۵، ص ۴۵۴ / الغیبهٔ للنعمانی، ص ۱۸۷ / الکافی، ج۱، ص ۳۴۳ / کمال الدین، ج۲، ص ۳۴۹ .

۳۴۰ ـ بحار الأنوار (ط ـ بیروت)، ج۲۴، ص ۳۲۶ / البرهان فی تفسیر القرآن، ج۵، ص ۵۲۹ / تأویل الآیات الظاهرهٔ، ص ۷۱۰ / حلیهٔ الأبرار، ج۶، ص ۴۰۸ .

۳۴۱ ـ اثبات الهداهٔ، ج۵، ص ۱۹۴ / الزام الناصب، ج۱، ص ۹۹ / بحار الانوار، ج۵۱، ص ۶۱ / البرهان فی تفسیر القرآن، ج۵، ص ۵۲۹ / تأویل الآیات الظاهرهٔ، ص ۷۱۲ / تفسیر فرات الکوفی، ص ۵۱۴ .

۳۴۲ ـ إلزام الناصب، ج۲، ص ۲۹۴ / الإیقاظ من الهجعهٔ بالبرهان علی الرجعهٔ، النص، ص ۳۶۷ / بحار الأنوار (ط ـ بیروت)، ج۵۳، ص ۱۰۳ / مختصر البصائر، ص ۱۶۵ / الوافی، ج۲، ص ۲۶۷ .

۳۴۳ ـ الإیقاظ من الهجعهٔ بالبرهان علی الرجعهٔ، النص، ص: ۳۸۲ / بحار الأنوار (ط ـ بیروت)، ج۵۳، ص: ۱۰۶ / البرهان فی تفسیر القرآن، ج۵، ص: ۵۷۵ / تأویل الآیات الظاهرهٔ ، ص: ۷۳۷ / تفسیر فرات الکوفی، ص: ۵۳۷ / تفسیر کنز الدقائق، ج۱۴، ص: ۱۱۵ / مختصر البصائر، ص: ۴۹۲ .

۳۴۴ ـ إلزام الناصب ، ج۲، ص: ۲۹۵ / الإیقاظ من الهجعهٔ بالبرهان علی الرجعهٔ، النص، ص: ۲۷۹ / بحار الأنوار (ط ـ بیروت)، ج۵۳، ص: ۴۴ / البرهان فی تفسیر القرآن، ج۵، ص: ۵۷۶/ مختصر البصائر، ص: ۱۱۸ .

۳۴۵ ـ اثبات الهداهٔ، ج۵، ص ۵۸ / الزام الناصب، ج۱، ص ۹۹ / بحار الانوار، ج۵۱، ص ۵۱ / البرهان فی تفسیر القرآن، ج۵، ص ۵۹۵ / تفسیر کنز الدقائق، ج۱۴، ص ۱۵۳ / تفسیر نور الثقلین، ج۵، ص ۵۱۷ / الغیبهٔ للنعمانی، ص ۱۵۰ / الکافی، ج۱، ص ۳۴۱ / کمال الدین، ج۱، ص ۳۲۵ .

۳۴۶ ـ الزام الناصب، ج۱ ص ۶۵ و ۹۶ / بحار الانوار، ج۲۴، ص ۲۸۰ و ج۵۱، ص ۶۱ / البرهان فی تفسیر القرآن، ج۵، ص ۶۰۵ / تأویل الآیات الظاهرهٔ، ص ۷۴۸ .

۳۴۷ ـ اثبات الهداهٔ، ج۵، ص ۱۰۳ / الزام الناصب، ج۱،ص ۹۹ / بحار الانوار، ج۵۱، ص ۱۴۲ و ج۵۲، ص ۹۰ / البرهان فی تفسیر القرآن، ج۵، ص ۶۱۹ / تفسیر کنز الدقائق، ج۱۴، ص ۲۰۳ / تفسیر نور الثقلین، ج۵، ص ۵۳۹ / کمال الدین، ج۲، ص ۴۸۰ .

۳۴۸ ـ اثبات الهداهٔ، ج۲، ص ۲۱۷ / أطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج۱۴، ص ۵۹ / الزام الناصب، ج۱،ص۹۹ / بحار الانوار، ج۳۶، ص ۳۷۱ / البرهان فی تفسیر القرآن، ج۵، ص ۶۲۲ / غایهٔ المرام و حجهٔ الخصام، ج۱، ص ۲۱۲ و ج۶، ص ۱۹۸ / مجمع البحرین، ج۲، ص ۲۷۷ .

۳۴۹ ـ الزام الناصب، ج۱، ص ۱۰۰ و ج۲، ص ۲۹۵ / بحار الانوار، ج۲۳، ص ۳۶۸ و ج۵۱، ص ۴۹ و ج۵۳، ص ۵۸ و ص ۱۲۰ / البرهان فی تفسیر القرآن، ج۵، ص ۶۳۲ / تفسیر القمی، ج۲، ص ۴۱۶ / تفسیر کنز الدقائق، ج۱۴، ص ۲۳۰ /تفسیر نور الثقلین، ج۵، ص ۵۵۳ .

۳۵۰ ـ اثبات الهداهٔ، ج۵، ص ۶۴ و ص ۱۱۵ / الزام الناصب، ج۱، ص ۱۰۰ / بحار الانوار، ج۲۴، ص ۳۱۰ و ج۵۱، ص ۵۰ / البرهان فی تفسیر القرآن، ج۵، ص ۶۴۲ / تأویل الآیات الظاهرهٔ، ص ۷۶۲ / تفسیر الصافی، ج۵، ص ۳۲۱ / تفسیر کنز الدقائق، ج۱۴، ص ۲۴۸ / تفسیر نور الثقلین، ج۵، ص ۵۶۳ .

۳۵۱ ـ الزام الناصب ، ج۱:ص ۱۰۱ / بحار الانوار، ج۲۴، ص ۷۸ / البرهان فی تفسیر القرآن، ج۵، ص ۶۵۰ / تأویل الآیات الظاهرهٔ، ص ۷۶۶ / تفسیر کنز الدقائق، ج۱۴، ص ۲۶۷ .

۳۵۲ ـ اثبات الهداهٔ، ج۵، ص ۱۹۳ / الزام الناصب، ج۱،ص ۱۰۱ / البرهان فی تفسیر القرآن، ج۵، ص ۶۷۱ / تأویل الآیات الظاهرهٔ، ص ۷۷۸ / تفسیر کنز الدقائق، ج۱۴، ص ۳۰۱ .

۳۵۳ ـ اثبات الهداة، ج۵، ص ۱۹۲ / الزام الناصب، ج۱،ص ۱۰۱ / بحار الانوار، ج۲۴، ص ۷۲ / البرهان فی تفسیر القرآن، ج۵، ص ۶۷۲ / تأویل الآیات الظاهرة، ص ۷۷۷ / تفسیر کنز الدقائق، ج۱۴، ص ۳۰۰ .

۳۵۴ ـ الزام الناصب، ج۲، ص ۲۸۲ / بحار الانوار، ج۲۴، ص ۷۹ / تفسیر فرات الکوفی، ص ۳۵۶ .

۳۵۵ ـ بحار الانوار، ج۲۴، ص ۷۲ و ج۵۱، ص ۴۹ / البرهان فی تفسیر القرآن، ج۵، ص ۶۷۶/ تفسیر الصافی، ج۵، ص ۳۳۶ / تفسیر القمی، ج۲، ص ۴۲۵ / تفسیر کنز الدقائق، ج۱۴، ص ۳۰۴ / تفسیر نور الثقلین، ج۵، ص ۵۸۸ .

۳۵۶ ـ اثبات الهداة، ج۵، ص ۱۹۳ / الزام الناصب، ج۱، ص ۱۰۲ / بحار الانوار، ج۲۴، ص ۳۹۸ / البرهان فی تفسیر القرآن، ج۵، ص ۶۷۹ / تأویل الآیات الظاهرة، ص ۷۸۱ / تفسیر کنز الدقائق، ج۱۴، ص ۳۱۱ / حلیة الأبرار، ج۶، ص ۴۰۷ .

۳۵۷ ـ بحار الأنوار (ط ـ بیروت)، ج۲۴، ص ۳۹۸ / البرهان فی تفسیر القرآن، ج۵، ص ۶۷۹/ تأویل الآیات الظاهرة، ص ۷۸۱ / تفسیر کنز الدقائق، ج۱۴، ص ۳۱۱ / حلیة الأبرار، ج۶، ص ۴۰۷ .

۳۵۸ ـ الزام الناصب، ج۱، ص ۱۰۳ / بحار الانوار، ج۲۵، ص ۷۱ / البرهان فی تفسیر القرآن، ج۵، ص ۷۱۳ / تأویل الآیات الظاهرة، ص ۷۹۴ .

۳۵۹ ـ الزام الناصب، ج۱، ص ۱۰۳ / بحار الأنوار، ج۲۵، ص ۹۷ / البرهان فی تفسیر القرآن، ج۵، ص ۷۱۴ / تفسیر فرات الکوفی، ص ۵۸۱ / تفسیر کنز الدقائق، ج۱۴، ص ۳۷۲ .

۳۶۰ ـ إلزام الناصب، ج۱، ص ۱۰۳ / بحار الأنوار، ج۲۳، ص ۳۷۰ / البرهان فی تفسیر القرآن، ج۵، ص ۷۱۹ / تأویل الآیات الظاهرة، ص ۸۰۱ / تفسیر کنز الدقائق، ج۱۴، ص ۳۸۳ .

۳۶۱ ـ اثبات الهداة، ج۵، ص ۱۰۹ / الزام الناصب، ج۱، ص ۱۰۳ / بحار الانوار، ج۲۴، ص ۲۱۴ / البرهان فی تفسیر القرآن، ج۵، ص ۷۵۲ / تفسیر الصافی، ج۵، ص ۳۷۲ / تفسیر کنز الدقائق، ج۱۴، ص ۴۲۸ / تفسیر نور الثقلین، ج۵، ص ۶۶۶ / غایة المرام و حجة الخصام، ج۴، ص ۱۴۷ / کمال الدین، ج۲، ص ۶۵۶ .

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم

جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار–ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف

مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه

ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : -IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱-۰۶۰۹-۵۳ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج – به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



قائمیه
اصفهان
مرکز تحقیقات رایانه‌ای
www
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹